

مدیر شهری

نشریه علمی - پژوهشی مدیریت شهری و روستایی،
مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی
سال سیزدهم، تابستان ۱۳۹۳
شماره استاندارد بین‌المللی: ۱۶۰۷-۲۲۲۷

سال سیزدهم، تابستان ۱۳۹۳

۱. مشارکت بهره‌برداران در فرآیند طراحی، زمینه‌ساز تحقق پایداری اجتماعی مسکن انبوه در ایران؛ نمونه موردی: مسکن شهرک صنعتی پرند
۲. تعیین اولویت پهنه‌های مستعد توریسیم تاریخی- فرهنگی استان اصفهان با استفاده GIS
۳. بررسی دیدگاه اعضای شورای شهر تبریز در مورد بهسازی و بازسازی بافت محله مقصودیه شهر تبریز بر مبنای روش سروکوال
۴. جستاری در حوزه‌های آرمان شهرهای نظامی گنجوی
۵. تأثیر استقرار شهرداری الکترونیکی بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها
۶. بررسی تطبیقی میزان تأثیرگذاری تنوع عملکردی بر رضایتمندی سکونت (مورد پژوهی: بافت مسکونی نارمک و تهرانپارس)
۷. بازخوانی ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر؛ مورد پژوهی: استخوان‌بندی اصلی شهر تاریخی اصفهان
۸. بررسی سطح کیفیت زندگی در نواحی شهری؛ مطالعه موردی: شهر نیشابور
۹. تحول تیپ‌های رابطه‌ای دولت- جامعه در فرآیند توسعه شهری: از «وابستگی» به «توانمندسازی»
۱۰. تدوین مدل ساختاری عوامل مکانی مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهری به کمک تحلیل عاملی و تحلیل مسیر
۱۱. بازبینی مدیریت راهبردی برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های شهری و ارائه مدل برتر در فرآیندهای مداخلاتی آن
۱۲. ارزیابی توزیع فضایی و مکانیابی درمانگاه‌های شهری با استفاده از مدل NETWORK ANALYST (نمونه موردی: شهر زنجان)
۱۳. بررسی رابطه مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری با ادراک پیوستگی ساختمان و شهر
۱۴. تحولات ساختاری- کارکردی فضاهای روستایی در ایران و اثرات آن بر توسعه بافت در نواحی روستایی، مورد پژوهی: روستاهای جوانمردی و باغبه‌زاد، شهرستان لردگان
۱۵. بررسی تأثیر رفتار شهروندی سازمانی و ابعاد آن بر میزان رضایت ارباب رجوع شهرداری منطقه ۱۷ شهرداری تهران
۱۶. گونه‌شناسی جدید در تکوین پراکنش‌های فضایی مناطق کلان‌شهری (نمونه مطالعه: رشد متاستاتیک در محور شرق منطقه کلان‌شهری تهران)
۱۷. بررسی میزان اثربخشی مشارکت شهروندی در پیاده‌سازی شهر الکترونیک؛ مورد پژوهی: شهر سمنان
۱۸. اثرات فضایی جریان نیروی کار از سکونتگاه‌های روستایی به مناطق صنعتی و ارتباط آن با وضعیت خدمات‌رسانی روستایی- کشاورزی (مورد: شهرستان ممسنی، دهستان جاوید ماهوری)
۱۹. تدوین استراتژی‌های توسعه فناوری بام‌سبز در کشور با استفاده از ابزارهای مدیریت استراتژیک (ماتریس SWOT و ماتریس IE): مطالعه موردی شهر مشهد
۲۰. بازخوانی مفاهیم نمادین عرفان اسلامی در متون روایی و بازتاب آن در کالبد و استخوانبندی فضایی- مکانی شهر

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد و مقاله‌های تحقیقی که به تأیید هیات تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم می‌پذیرد. مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.
- مقاله باید فقط بر یک روی صفحه کاغذ استاندارد (۳۰-۲۱ سانتیمتر) با دو فاصله ماشین تحریر و از هر طرف سه سانتیمتر حاشیه، در سه نسخه خوانا تهیه و ارسال شود.
- صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.
- متن مقاله باید به ترتیب شامل عنوان (بدون نام نویسنده)، سه تا پنج کلمه کلیدی در مورد زمینه تحقیق، خلاصه، مقدمه، روش بررسی، نتایج بحث و نتیجه‌گیری، تشکر، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع باشد.
- خلاصه انگلیسی باید بر روی یک صفحه جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده (ها)، کلمات کلیدی، متن، نشانی کامل (به صورت زیرنویس) باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه فارسی و یک خلاصه انگلیسی باشند.
- جدولها به تعداد محدود با شماره و عنوان ماشین شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن تمیز و بدون خط خوردگی، هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- شکل‌ها و نمودارها فقط در موارد بسیار ضروری و به تعداد محدود با کیفیت خوب، بر روی کاغذ براق کشیده و یا چاپ شده با شماره عنوان، توضیح و منبع در زیر آن هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها و شکل‌ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.
- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.
- منابع مورد استفاده باید بر روی صفحه (ها) جداگانه، با شماره ردیف، به ترتیب الفبایی حروف اول نام خانوادگی نویسنده (ها)، سال انتشار داخل دو نقطه، عنوان کامل مقاله، نام انحصاری مجله، شماره دوره و یا جلد، شماره صفحات (اول تا آخر مقاله) آورده شود و در متن مقاله فقط به نام نویسنده و سال انتشار (داخل پرانتز و شماره صفحه) اشاره شود.
- در صورت استفاده از منابع فارسی و خارجی، باید ابتدا کلیه منابع فارسی و سپس کلیه منابع خارجی به ترتیب یاد شده در بالا با شماره ردیف مسلسل آورده شود.
- در مورد کتاب، مشخصات کامل کتاب، ناشر و محل نشر ذکر شود.
- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگوی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می‌باشند.
- جهت تهیه مقالات به زبانهای خارجی، به راهنمای انگلیسی مندرج در صفحه داخل جلد طرف دیگر مجله مراجعه شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صاحب امتیاز: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور

مدیرمسئول: مهندس هوشنگ خندان دل

سردبیر: دکتر محمدرضا بمانیان

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ایرج اعتصام، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته).
- دکتر بهناز امین زاده، دانشیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران.
- دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- دکتر مصطفی بهزادفر، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت.
- دکتر محمدرضا پورجعفر، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- دکتر داراب دیبا، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته).
- دکتر حمیدرضا صارمی، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- دکتر محمود طاووسی، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (بازنشسته).
- دکتر محمد مهدی عزیزی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- دکتر علی عسگری، دانشیار برنامه ریزی مخاطرات محیطی، دانشگاه یورک (تورنتو) کانادا.
- دکتر علی غفاری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
- دکتر علی اکبر فرهنگي، استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- دکتر محمود گلابچی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- دکتر غلامرضا لطیفی، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دکتر ناصر میرسپاسی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- دکتر محمدنقی زاده، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

مدیر داخلی: دکتر هادی محمودی نژاد.

امور اجرایی: مهدی شهریاری.

کمیته اجرایی: ابودر دلفاردي، احسان طاهري مهر، نیما متین فر، امید احدیان.

ویراستار انگلیسی: میثم حیدر اولاد.

ویراستار فارسی: امیرعباس اشراقی.

درجه علمی - پژوهشی نشریه «مدیریت شهری» طی شماره ۳/۱۱/۳۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۷ دبیرخانه «کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

این نشریه در پایگاه ها و درگاه های زیر نمایه می شود:

- «پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)» (www.ISC.gov.ir)
- «پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)» (www.SID.ir)
- «بانک اطلاعات نشریات کشور» (www.Magiran.com)
- «درگاه پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی» (www.IMO.org.ir)
- «پایگاه مجلات تخصصی نور» (www.noormags.com)
- «سیستم شناساگر دیجیتال نشریات علمی» (www.doi.org)
- «پایگاه اطلاعات علمی شهری و روستایی» (www.rur.ir)
- «پرتال جامع علوم انسانی» (www.ensani.ir)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014



مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، بلسوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، تلفن: ۶۳۹۰۲۰۸۳، دورنگار: ۸۸۹۷۷۹۱۲، کد پستی: ۱۴۱۶۶۳۳۶۶

درگاه اینترنتی ارسال مقالات
<http://ijurm.imo.org.ir>

سامانه فروش الکترونیکی
<http://safta.imo.org.ir>

وزارت کشور



سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور
انتشارات

Site: www.imo.org.ir

E-mail: JModiriyatsahri@gmail.com

فهرست مطالب

۱. مشارکت بهره برداران در فرآیند طراحی، زمینه‌ساز تحقق پایداری اجتماعی مسکن انبوه در ایران؛ نمونه موردی: مسکن شهرک صنعتی پرنده
محمود گلابچی، رامتین خلعتبری، علیرضا فاضل ■ ۷-۲۴
۲. تعیین اولویت پهنه‌های مستعد توریسم تاریخی- فرهنگی استان اصفهان با استفاده GIS
سید اسکندر صیدایی گل سفیدی، سیده سمیه حسینی ■ ۲۵-۳۲
۳. بررسی دیدگاه اعضای شورای شهر تبریز در مورد بهسازی و بازسازی بافت محله مقصودیه شهر تبریز بر مبنای روش سروکوال
رعنا تجاری نابی، باعثه رضایی ■ ۳۳-۴۲
۴. جستاری در حوزه‌های آرمان شهرهای نظامی گنجوی
صدیقه سلیمانی ■ ۴۳-۵۴
۵. تأثیر استقرار شهرداری الکترونیکی بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها
عبدآله محمودی، کامل داودی ■ ۵۵-۶۶
۶. بررسی تطبیقی میزان تاثیرگذاری تنوع عملکردی بر رضایتمندی سکونتی (مورد پژوهی: بافت مسکونی نارمک و تهرانپارس)
مستوره قلی پور، پروین پرتوی ■ ۶۷-۸۶
۷. بازخوانی ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر؛ مورد پژوهی: استخوان‌بندی اصلی شهر تاریخی اصفهان
محمد رضا پورجعفر، علی اکبر تقوایی، پرویز آزاد فلاح، علی رضا صادقی ■ ۸۷-۱۰۲
۸. بررسی سطح کیفیت زندگی در نواحی شهری؛ مطالعه موردی: شهر نیشابور
علیرضا خواجه شاهکوهی، علی اکبر نجفی‌کانی، سمیه شریفان ■ ۱۰۳-۱۲۰
۹. تحول تیپ‌های رابطه‌ای دولت- جامعه در فرایند توسعه‌ی شهری: از «وابستگی» به «توانمندسازی»
حمیدرضا جلالی پور، تقی آزاد ارمکی، غلامحسین کلانتری، علی بقائی سرابی ■ ۱۲۱-۱۳۲
۱۰. تدوین مدل ساختاری عوامل مکانی مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهری به کمک تحلیل عاملی و تحلیل مسیر
سید عبدالهادی دانشپور، اسماعیل شیعه، مریم روستا ■ ۱۳۳-۱۴۲
۱۱. بازبینی مدیریت راهبردی برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های شهری و ارائه مدل برتر در فرآیندهای مداخلاتی آن
محمد مهدی بلندیان، سارا ناصری ■ ۱۴۳-۱۶۶

۱۲. ارزیابی توزیع فضایی و مکانیابی درمانگاه‌های شهری با استفاده از مدل NETWORK ANALYST (نمونه موردی: شهر زنجان)

محسن احد نژاد روشتی، رحیم غلامحسینی، علی زلفی ■ ۱۶۷-۱۸۰ ■

۱۳. بررسی رابطه مکان مندی فضاهای عمومی شهری با ادراک پیوستگی ساختمان و شهر

منصور یگانه، محمدرضا بمانیان، علیرضا عینی فر، مجتبی انصاری ■ ۱۸۱-۱۹۹ ■

۱۴. تحولات ساختاری- کارکردی فضاهای روستایی در ایران و اثرات آن بر توسعه بافت در نواحی روستایی، مورد پژوهی: روستاهای جوانمردی و باغبهزاد، شهرستان لردگان

محسن صیدالی، بیژن رحمانی، عباس سعیدی، جمیله توکلی نیا ■ ۲۰۱-۲۱۷ ■

۱۵. بررسی تاثیر رفتار شهروندی سازمانی و ابعاد آن بر میزان رضایت ارباب رجوع شهرداری منطقه ۱۷ شهرداری تهران

مهران شیروند ■ ۲۱۹-۲۲۸ ■

۱۶. گونه‌شناسی جدید در تکوین پراکنش‌های فضایی مناطق کلان‌شهری (نمونه مطالعه: رشد متاستاتیک در محور شرق منطقه کلان‌شهری تهران)

رضا خیرالدین، رضا پیروزی ■ ۲۲۹-۲۴۴ ■

۱۷. بررسی میزان اثربخشی مشارکت شهروندی در پیاده‌سازی شهر الکترونیک؛ مورد پژوهی: شهر سمنان

حسین الماسی، هومن مسگریان، رضا نگهبان ■ ۲۴۵-۲۵۴ ■

۱۸. اثرات فضایی جریان نیروی کار از سکونتگاه‌های روستایی به مناطق صنعتی و ارتباط آن با وضعیت خدمات‌رسانی روستایی

- کشاورزی (مورد: شهرستان ممسنی، دهستان جاوید ماهوری)

عبدالرضا رحمانی فضلی، مظفر صادقی ■ ۲۵۵-۲۶۶ ■

۱۹. تدوین استراتژی‌های توسعه فناوری بام‌سبز در کشور با استفاده از ابزارهای مدیریت استراتژیک (ماتریس SWOT و ماتریس IE): مطالعه موردی شهر مشهد

الیه اعظم رحمتی، علی فیروز زارع، معصومه برجی ■ ۲۶۷-۲۸۰ ■

۲۰. بازخوانی مفاهیم نمادین عرفان اسلامی در متون روایی و بازتاب آن در کالبد و استخوانبندی فضایی - مکانی شهر

سارا ناصری، محمد مهدی بلندیان ■ ۲۸۱-۳۰۴ ■

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

مشارکت بهره برداران در فرآیند طراحی، زمینه ساز تحقق پایداری اجتماعی مسکن انبوه در ایران؛ نمونه موردی: مسکن شهرک صنعتی پرند

محمود گلابچی - استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
رامتین خلعتبری* - دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
علیرضا فاضل - دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

The Role of Participation of Users in the Design Process in Achieving Social Sustainability in House Industry in Iran; Case Study: Parand Town-Tehran

Abstract

Before the invention of computer-aided design, most manufacturing processes were limited to one of two options: mass production or customization. Mass production is the production of large amounts of identical parts. The idea has existed for hundreds of years (the Venetian Arsenal, a shipyard in Venice, employed mass production to produce one ship per day as far back as the 14th or 15th century), but it did not achieve widespread popularity until its adoption by Henry Ford's Ford Motor Company (Henry Ford's famous quote: "Any customer can have a car painted any color that he wants so long as it is black"). Due to economies of scale, mass production reduces costs significantly, but it prohibits individual choice. The industrialized method of building, which has been in use since World War II for the construction of residential areas, does not leave much room for individual choice. This lack of choice is common when first introducing mass production in car industry. However, other industries have shown that mass production can be combined with individual choice. This approach is called mass customization. It is a mix between the two systems that attempts to combine the low cost of mass production with the flexibility of custom work. Giving buyers more freedom of choice when it comes to the design of their new house will require their participation in the design process. This method is called Self-building that users can design their own buildings. Although not inherently required, mass customization is often achieved through computer aided design, which allows for more flexible output with little or no additional variable costs (though at the cost of a higher up-front investment). By making the production process more flexible, designs that are tailored to individuals can still be produced industrially. But this approach faced with a challenge in house industry because of lacking standardized design and technology that were exist in other industries. In 21th century by introducing new technologies like CAD-CAM and robotic methods of construction, this gap was filled so mass customization could be justified economically in the house construction industry. The main goal of this study was to evaluate the role of participation of users in the design process, in order to move towards sustainable construction in the house industry in Iran. The subpopulation of this research was 50 families living in prefabricated house in Parand town in Tehran. The survey tool is a questionnaire which was set up in the 26 questions in multiple-choice format that evaluates social sustainability attributes in prefabricated houses. The result shows that these houses have serious weakness in social sustainability indicators in a way that users had no role in the design process and 75% of them are believed that it is better to go back to the traditional method of construction instead of new methods. Finding of this study indicate that with rapid population growth and demand for housing in the country, housing industry in Iran should move toward mass customization in order to achieve successful sustainable construction.

Key Words: Participation in design, Mass production, Mass customization, Sustainable design

چکیده

در اوایل قرن بیستم میلادی، روش های پیش ساخته سازی در خط تولید (مدولار سازی)، در صنعت ساختمان مطرح و به عنوان معماری سریع و روکم هزینه تر معرفی، اما به علت در نظر نداشتن مسائلی مانند تنوع و رعایت خواست و سلیقه کاربران در طراحی ساختمان، با شکست مواجه شدند. مشارکت کاربران در طراحی با توسعه فناوری های دیجیتال در قرن ۲۱، شکل جدیدی از پیش سازی ساختمان با نام «شخصی سازی انبوه» را مطرح کرد که می توانست مطابق با خواست هر مشتری و با در نظر گرفتن ویژگی های تولید انبوه کارخانه ای، مجموعه وسیع و متنوعی را تولید کند. هدف از انجام این پژوهش، بررسی نقش مشارکت بهره برداران در فرآیند طراحی، به منظور حرکت صنعت ساختمان در ایران به سوی ساخت و ساز پایدار در فضاهای مسکونی انبوه است. روش پژوهشی مورد استفاده، روش تحلیلی توصیفی و مبتنی بر سنجش معیارها به شکل کیفی است. در این راستا پس از تبیین مفاهیم و معیارهای پایداری اجتماعی مسکن، شهر پرند به عنوان نمونه موردی مسکن صنعتی ساز در ایران مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش ۵۰ خانواده ساکن در خانه های صنعتی ساز با سیستم های نوین ساختمانی F ، ICF و قالب تونلی بوده است. ابزار مطالعه در این پژوهش پرسشنامه بوده که بر اساس مؤلفه های حاصل از مطالعه تنظیم شده و هدف اصلی آن ارزیابی متغیرهای پایداری اجتماعی در مسکن های صنعتی ساز است. نتیجه پژوهش از برآیند پرسشنامه ها و مطالب ارائه شده پیرامون راهکار پیشنهادی حاصل شده که شخصی سازی انبوه لازمه اصلی حرکت به سوی ساخت و ساز پایدار در ایران است.

واژگان کلیدی: مشارکت در طراحی، صنعتی سازی، شخصی سازی انبوه، طراحی پایدار.

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی انسان بعد از غذا مسکن می‌باشد. مسکن نیازهای اولیه انسان، یعنی محافظت از سرما، گرما و خطرات جانوران را تأمین کرده و محلی امن برای استراحت و آسایش او فراهم می‌نماید. «خانه گوشه‌ای است که ما پس از تجربه ابعاد مختلف جهان پیرامون به آن باز می‌گردیم. خانه برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را مرکز دنیای فرد نامید» (شولتز، ۱۳۸۱). اما برطرف ساختن نیاز به مسکن از جمله مهم‌ترین مسائلی است که انسان همواره با آن دست به‌گریبان بوده و در تلاش برای رفع این مسأله و یافتن پاسخی مناسب و معقول برای آن بوده است. در کشورهای پیشرفته، مسکن بعدی از رفاه اجتماعی بوده و برنامه‌های توسعه مسکن بر بهبود کیفی متمرکز هستند، در حالی که در کشورهای جهان سوم داشتن مسکن برای حداقل یک سوم خانوارهای شهری به‌خاطر نداشتن توان مالی غیر ممکن است (اهری، ۱۳۷۳). بر اساس آمارهای اداره ثبت احوال ایران، سالیانه حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار ازدواج در کشور به ثبت می‌رسد. از سوی دیگر به استناد آمارهای وزارت راه و شهرسازی، کشور با کمبود حدود یک میلیون و دویست هزار واحد مسکونی در کنار ۳۰ درصد استهلاک ساختمان مواجه است و در این شرایط بنا به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سالیانه نیاز به تولید بیش از ۲ میلیون واحد مسکونی در کشور وجود دارد (فارسیان، ۱۳۹۱). بدیهی است که شیوه سنتی ساخت و ساز در ایران توانایی انجام این مهم را دارا نبوده و در سیاست‌گذاری برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز کشور نیز، نیاز حرکت ساخت و ساز مسکن به «صنعت ساختمان‌سازی» به شکل صنعتی تأکید شده است. اما با نگاه به روند طی شده در مجموعه‌های انبوه صنعتی ساز در کشور، به‌نوبت رضایت کافی کاربران از کیفیت آنها برخوردار می‌نماییم. در خاطر جامعه ما، تولید صنعتی، یک روش مطلوب به حساب نمی‌آمده، به صورت یک سری ساختمان‌های پیش ساخته به شکل جعبه به آن نگاه می‌شود و هنوز هم تصور بر این است که تولید صنعتی، ساختن یک سری ساختمان‌های فوری بعد از زلزله است. این تصورات

موجب شده تولید صنعتی را با ارزش‌های معماری و زندگی مطلوب، مغایر بدانند، در حالی که نه تعریف تولید صنعتی چنین است و نه آثار و نتایج آن (گلابچی، ۱۳۸۹). دولت به عنوان تأمین‌کننده اصلی مسکن در این روند، سرمایه‌گذاری فراوانی را انجام داده ولی نتیجه به دست آمده چندان رضایت‌کاربران را جلب ننموده است. پس چگونه می‌توان با وجود این حجم بالای مالی، رضایت ساکنان این مجموعه‌ها را کسب نمود؟ آیا می‌توان با بازگشت به چگونگی مسیر طراحی و امتحان مسیری دیگر به بهبود شرایط رسید؟ پژوهش پیش رو قصد دارد تا با کنکاش در رابطه موجود میان عوامل اجتماعی-فرهنگی کاربر با نحوه طراحی این مجموعه‌ها، در ادامه بر اساس دلایل به دست آمده مسیر دیگری را با توجه به شرایط فعلی و الزامات توسعه پایدار پیشنهاد دهد.

پرسش‌های تحقیق

با نیاز روز افزون مسکن در کشور و با توجه به حرکت ساخت و ساز مسکن در ایران به سوی صنعتی سازی صرف همراه با واردات سیستم‌های صنعتی ساخت مسکن (با توجه به تجربیات جهانی)، چه مشکلاتی به خصوص در زمینه اجتماعی در این نوع مسکن بوجود خواهد آمد و لزوم مشارکت بهره‌برداران در فرآیند طراحی تا چه میزان می‌تواند در پایداری ساخت و ساز مسکن به خصوص پایداری اجتماعی تأثیرگذار باشد.

پیشینه تحقیق

تحقیقات فراوانی در ارتباط با پایداری در مجتمع‌های مسکونی انجام پذیرفته و تعاریف گوناگونی از سوی صاحب نظران در این رابطه مطرح شده است. که از آن جمله می‌توان به افرادی مانند بارون (Barron, 2002)، مکینتاش (Macintosh, 2006) اشاره داشت که پایداری را حاصل ترکیب سه عامل مسائل اقتصاد، اجتماع و مسائل زیست محیطی دانسته و شاخصه‌هایی برای سنجش آن ذکر کرده‌اند. با توجه به روند رو به رشد جمعیت در کشور ایران و نیاز روزافزون به مسکن و گرایش صنعت ساخت و ساز به سوی صنعتی سازی، تحقیقات



مواد و روشها

پژوهش حاضر بر روی تأثیر مشارکت بهره برداران در فرآیند طراحی بر پایداری اجتماعی، قسمتی از پژوهشی است که تحقق توسعه پایدار همه جانبه مجموعه‌های انبوه مسکونی را به عنوان هدف نهایی برگزیده است. بخش‌های رویکردهای پیش رو در پژوهش انجام گرفته از قسمت‌هایی شامل: بررسی مروری ادبیات موضوع، ارتباط با کارشناسان و دست اندرکاران و تهیه مجموعه‌های پرسشنامه تحلیلی- توصیفی تشکیل شده است. از آنجایی که این پژوهش به بررسی و پیشنهاد یک مدل مفهومی برای تحقق پایداری اجتماعی در مسکن انبوه پرداخته، لذا روش پژوهشی مورد استفاده در استخراج اطلاعات مورد نظر، روش تحلیلی-توصیفی، مبتنی بر سنجش معیارها به شکل کیفی است. این پژوهش تحت فرآیندی در سه مرحله انجام گرفته است: مرحله ابتدایی شامل مرور و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و بررسی متقابل منابع است که به بررسی و مطالعه مباحث صنعتی سازی، توسعه پایدار و ابعاد آن، مشارکت در طراحی و بحث شخصی سازی انبوه‌پرداخته است. مرحله دوم به تهیه پرسشنامه و جمع‌آوری اطلاعات کیفی از نمونه مطالعات میدانی اختصاص یافته است و در نهایت در مرحله انتهایی نیز اطلاعات به دست آمده از مراحل قبلی، توسط نرم افزار SPSS برای تعیین و ارزیابی شاخصه‌های کیفی، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

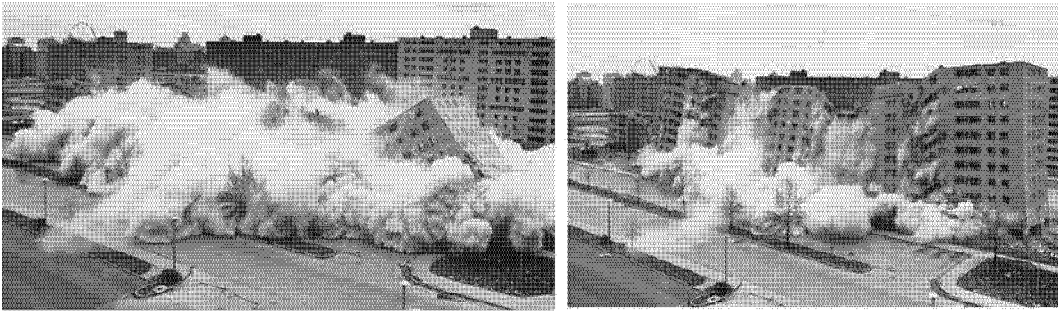
صنعتی سازی و تجربیات جهانی

صنعتی سازی، فرآیندی مبتنی بر ساخت تعداد زیادی از عناصر یکسان است. این ایده از سال‌های بسیار دور مطرح بوده است؛ زمانی که در قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی در صنایع کشتی سازی در ونیز^۲ ایتالیا، از این فرآیند به منظور رسیدن به سرعت بالاتر در تولید کشتی (ساخت یک کشتی در روز) استفاده شد؛ اما مقبولیت گسترده‌ای کسب نکرد تا زمانی که هنری فورد^۴ در کارخانه اتومبیل سازی خود آن را به کار گرفت (2011)

گوناگونی از سوی معماران و مهندسان در داخل و خارج کشور صورت گرفته است. در این تحقیقات ثابت شده است که انتقال فناوری‌های نوبه دیگر فرهنگ‌ها و کشورها با توجه به مقوله فرهنگی امر بسیار دشواری است (Cole & Richard, 2004) و با توجه به تأثیر زیاد مسائل فرهنگی-اجتماعی در بعد مسکن، شناخت اصول پایداری اجتماعی، لازمه دست یابی به بحث مسکن پایدار می‌باشد. در این راستا تحقیقات گوناگونی در شناخت ابعاد دخیل در مؤلفه پایداری اجتماعی مسکن انجام گرفته است. شاخص‌های آسایش، بازی پذیری فضاهای مشترک برای کودکان، هویت و نظم اجتماعی (سجادی قائم مقامی، پور دیهیمی، & ضرغامی، ۱۳۸۸) را می‌توان از جمله دسته بندی‌های صورت گرفته دانست. این امر ضرورت مشارکت در طراحی را به عنوان یک راهکار در جهت حرکت به سوی توسعه پایدار مطرح نموده است. اهمیت مشارکت در طراحی به قدری است که سلاما طراحی مشارکتی را یکی از رویکردهای نوین طراحی در معماری می‌داند (Salama, 1996). قرائت‌های مختلفی از این بحث در معماری از سوی صاحب نظران مطرح شده که از جمله طراحی با مردم (اسلامی غ.، ۱۳۸۰)، تسریع بخش دگرگونی فعالیت مردمی (Blundell Jones, Petrescu, & Till, 2005) و... می‌باشند. پیرامون بحث مشارکت کاربران در فرآیند طراحی تحقیقات فراوانی صورت پذیرفته که به بیان ویژگی‌های مشارکت و پیامدهای آن و نیز انواع مشارکت پرداخته شده است. از جمله آنان می‌توان به «طراحان چگونه می‌اندیشند» نوشته لوسون (Lawson, 1980) و نیز «معماری و مشارکت» نوشته جونز (Jones, 2005) اشاره داشت. از بین منابع داخلی نیز می‌توان به پایان نامه دوره دکتری حامد کامل نیا با عنوان «معماری و الگوواره‌های طراحی جمعی» (کامل نیا، ۱۳۸۸) و نیز پایان نامه دوره دکتری مهرداد یوسف زمانی با عنوان «بررسی و باز تعریف مشارکت بهره بردار در فرآیند طراحی» (یوسف زمانی، ۱۳۸۷) اشاره کرد.

1. Mass Customization
2. Mass Production

3. Venice, Italy
4. Henry Ford



تصویر ۱. لحظه انهدام ساختمان‌های پروئیت ایگو منبع: en.wikipedia.org/wiki/File:Pruitt-igoe_collapse-series.jpg

شاگردان لوکوربوزیه^۹ ساخته شد (Checkoway, 1985). اما طولی نکشید که این ساختمان به علت فقر، جنایت و دیگر مشکلات اجتماعی بسیار بد نام شد (2004 Larsen & Kirkendall) و در نهایت به قول جنکس^{۱۰}: «در ساعت ۳۲: ۳ بعد از ظهر روز ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۲ با انفجار و تخریب مجموعه «پروئیت ایگو» که دقیقاً بر اساس منشور سیام و دستورالعمل‌های مدرن مسکن ساخته شده بود، معماری مدرن مُرد». (بلادل جونز، ۱۳۸۴). با نگرش به تاریخ صنعتی سازی و پیش ساخته سازی ساختمان‌ها در جوامع غربی، می‌توان دریافت که اگرچه صنعتی سازی توانست نیاز به مسکن را در آن دوره تاریخی برطرف سازد اما در تبدیل شدن به صنعت، مفهوم اصلی مسکن که شولتز^{۱۱} آنرا «مرکز دنیای فرد» می‌نامید تا حد زیادی نادیده گرفته شد. مشکلات اجتماعی ناشی از این گونه صنعتی سازی در دهه ۷۰ میلادی سبب شد که انبوه سازی و مدول سازی در جهان بسیار بد نام شده و تنها از نظر اقتصادی انجام آن توجیه داشته باشد.

صنعتی سازی در ایران

مشکل مسکن در ایران، قبل از دهه‌ی ۱۳۳۰ چندان مسأله ساز نبوده است. اما پس از آن به علت روند چرخش اقتصاد در جهت گسترش صنایع و سیاست‌هایی که منجر به تشویق مهاجرت روستائیان و رشد کلانشهرها شد، باعث بروز مشکلات جدی از جمله زاغه نشینی، افزایش تراکم، کمبود کمی و کیفی واحدهای مسکونی و

پیدایش مفهوم صنعتی سازی و انبوه سازی مجتمع‌های مسکونی را می‌توان در بین سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۲۰ در اروپا جستجو کرد. معماری مدرن متعالی یا به عبارتی اوج معماری مدرن در بین دو جنگ جهانی اول و دوم در اروپا و آمریکا مطرح بود؛ ولی با پایان جنگ جهانی اول و نیاز شدید به ترمیم خرابی‌های جنگ و تولید انبوه ساختمان، گرایش به سمت معماری مدرن افزایش یافت. لذا استفاده از تکنولوژی روز، مصالح مدرن، پیش ساخته سازی، عملکردگرایی و دوری از سبک‌های پر زرق و برق تاریخی مورد توجه قرار گرفت (قبادیان، ۱۳۸۲). این طرح‌ها، شیوه یکسانی از خانه را ارائه می‌داد و طراحی هر خانه طبق اندازه زمینی که از قبل تعیین شده، صورت می‌گرفت و حتی زمانی که سازندگان، یک مجموعه مسکونی را می‌ساختند نیز از همین روش استفاده می‌کردند (پور دیهیمی، ۱۳۸۰). مرحله تأسف‌آور این ساخت و سازها در دهه پنجاه تا هفتاد (میلادی) بود، که تعداد انبوهی مسکن بدون توجه به موقعیت مکانی و ویژگی اصلی آنها و فهم نادرست از مفهوم گونه‌بندی احداث گردید؛ در نتیجه مجموعه‌هایی یکنواخت و کلیشه‌ای به وجود آمد که مشکلات گوناگونی از جمله بحران هویت و بیگانگی را سبب می‌شد (شونیر، ۱۳۸۰). از نمونه‌های ناموفقی که در این دوره ساخته شد می‌توان به پروژه مجتمع پروئیت ایگو^۵ اشاره کرد. این مجتمع شامل ۳۳ ساختمان، در سال ۱۹۵۴ در شهر سنت لوئیس^۶ ایالت میزوری^۷ در آمریکا توسط مینورو یامازاکی^۸ یکی از

5. Pruitt-Igoe
6. St. Louis
7. Missouri
8. Minoru Yamasaki

9. Le Corbusier
10. Charles Jencks
11. Norberg Schulzc

جدول ۱. برنامه‌های توسعه مسکن در ایران؛ ماخذ: نگارندگان.

| سیاست‌ها | هدف | برنامه‌های توسعه | |
|--|--|---|---------------|
| <ul style="list-style-type: none"> نظارت بر کلیه فعالیت‌های مربوط به تهیه مسکن تهیه برنامه‌های مالی اصلاح قوانین مربوط به تهیه مسکن | <ul style="list-style-type: none"> ساخت خانه‌های ارزان قیمت برای طبقه کم درآمد | <p>برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۶- ۱۳۴۲)</p> | قبل از انقلاب |
| <ul style="list-style-type: none"> ایجاد صندوق پس انداز تشویق آپارتمان‌سازی و مجتمع‌های مسکونی ایجاد خانه‌های ارزان قیمت برای طبقات فقیر | <ul style="list-style-type: none"> ایجاد ۲۵۰ هزار واحد مسکونی | <p>برنامه چهارم عمرانی (۱۳۵۱- ۱۳۴۷)</p> | |
| <ul style="list-style-type: none"> تشویق بخش خصوصی به مشارکت در مسکن ایجاد یک شبکه گسترده اعطای وام در کشور کمک‌های اعتباری احداث مسکن برای کارمندان تأمین زمین از جانب دولت | <ul style="list-style-type: none"> کاهش تراکم فرد در واحد مسکونی بهبود واحدهای مسکونی موجود از نظر بهداشتی و اجتماعی | <p>برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۶- ۱۳۵۲)</p> | |
| <ul style="list-style-type: none"> تشویق بخش خصوصی به تولید انبوه واحد مسکونی اولویت دادن به مناطق جنگ زده تدوین و اجرای ضوابط لازم برای به حداقل رساندن هزینه ساختمان ضمن توجه به حفظ سطح کیفی | <ul style="list-style-type: none"> تولید ۲۲۸۵ هزار واحد مسکونی تغییر شیوه‌های ساخت در جهت ساخت بادوام ارتقای نسبت سرانه موجود مسکن در کشور و هدایت تولید با زیربنای کمتر و کیفیت بهتر | <p>برنامه اول توسعه (۱۳۷۲- ۱۳۶۸)</p> | بعد از انقلاب |
| <ul style="list-style-type: none"> پشتیبانی از تولیدکنندگان انبوه مسکن (صبوری دیلمی & شفیع، ۱۳۸۹) اصلاح روند سرمایه‌گذاری در مسکن با تأکید بر تولید انبوه و کوچک‌سازی (خزافی، ۱۳۷۸) حرکت به سوی کاهش قیمت تمام شده مسکن از طریق کوچک‌سازی، انبوه‌سازی، کاهش دوره ساخت و ایجاد استاندارد ابعاد و احجام ساختمانی (خزافی، ۱۳۷۸) اصلاح قوانین مالیاتی مرتبط با مسکن در جهت کوچک‌سازی، انبوه‌سازی (خزافی، ۱۳۷۸) | <ul style="list-style-type: none"> اجرای سیاست پاک: پس‌انداز، انبوه‌سازی و کوچک‌سازی (خزافی، ۱۳۷۸) | <p>برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸- ۱۳۷۴)</p> | |
| <ul style="list-style-type: none"> حمایت از تولیدکنندگان واحدهای مسکونی کوچک با تأکید بر مجتمع‌سازی و انبوه‌سازی پرداخت تدریجی تسهیلات بانکی برای ساخت مرحله‌ای مسکن گروه‌های کم درآمد اصلاح مقررات مربوط به پرداخت یارانه بخش مسکن در جهت ترویج الگوی مصرف مسکن | <ul style="list-style-type: none"> کاهش تراکم خانوار در واحد مسکونی ساخت ۳۱۱۴ هزار واحد مسکونی کاهش متوسط سطح زیربنای واحدهای مسکونی کاهش استهلاك واحدهای مسکونی (توسعه، ۱۳۸۳) | <p>برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳- ۱۳۷۹)</p> | |
| <ul style="list-style-type: none"> تقویت تعاونی‌های مسکن مدیریت یکپارچه و منسجم زمین برای تأمین مسکن و توسعه شهر و روستا افزایش سهم انبوه‌سازی در امر ساخت، به میزان سه برابر عملکرد برنامه کشور | <ul style="list-style-type: none"> تهیه طرح جامع مسکن | <p>برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸- ۱۳۸۴)</p> | |



امثال آن در این گونه شهرها گردید (قنبری & ظاهری، ۱۳۸۹). پس از انقلاب اسلامی مسئله مسکن اهمیت بیشتری پیدا کرده به طوری که در دو اصل ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی از آن یاد شده است. به طور کلی سیاست‌ها و اهداف مسکن در ایران را می‌توان در جدول شماره ۱ مشاهده نمود:

آنچه از روند تولید مسکن در ایران می‌توان گفت، حرکت بسیار آرام ساخت و ساز مسکن به سوی صنعتی‌سازی است و در این میان دولت نقش بسیار مؤثری را با اعطای وام‌ها، تسهیلات و طرح‌های بزرگ مسکن داشته است. اما حرکت به سوی صنعتی شدن در ۱۰ سال اخیر به علت نیاز بالای متقاضیان مسکن و رشد فزاینده شهرنشینی

جدول ۲. پایداری و مولفه‌های آن از منظر صاحب‌نظران؛ ماخذ: نگارندگان.

| منبع | اصول و تعاریف یاد شده در پایداری |
|--|--|
| (Commission, ۱۹۸۷) | ۱ طراحی که با در نظر گرفتن نیاز کاربران در امروز، بدون آسیب رساندن به منابع آیندگان انجام شود. |
| (Barron, ۲۰۰۲) (Davidson, ۲۰۰۹) (Macintosh, ۲۰۰۶) | ۲ پایداری ترکیبی از سه عامل اصلی پایداری اجتماعی، اقتصادی و محیطی است. |
| (Munier, ۲۰۰۵) | ۴ پایداری نوعی نگرش به آینده و در واقع نقشه مسیری است که بر روی مجموعه ای از ارزش ها و اصول اخلاقی و معنوی متمرکز است. |
| (Thomas, ۲۰۰۳) | ۵ دغدغه پایداری شعر، خوشبینی و خوشبختی است؛ انرژی، دی اکسید کربن، آب و پساب در مراحل بعد هستند. |
| (WGSC, ۲۰۰۴) به نقل از (گرچی مهبلیانی, ۱۳۸۹) | ۶ چالش معماری پایدار در ارتباط با یک راه‌حل جامع برای ملاحظات محیطی و در عین حال برای بدست آوردن سطح کیفیت زندگی و ارزش های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و آسایشی می باشد. |
| پل حیات ^{۱۲} و براین ادوارد ^{۱۳} به نقل از (گرچی مهبلیانی, ۱۳۸۹) | ۷ قسمت وسیعی از طراحی پایدار، آنی است که از طریق ذخیره انرژی انجام می دهیم در حالیکه می دانیم، طراحی ایجاد فضاهایی است که سالم، بادوام، اقتصادی و حساس به نیازهای بومی می باشند. |
| جونگ جین کیم به نقل از (گرچی مهبلیانی, ۱۳۸۹) | ۸ صرفه جویی در مصرف منابع که با کاهش مصرف، استفاده مجدد و بازیافت منابع طبیعی به کار گرفته شده در ساختمان سر و کار دارد، طراحی براساس چرخه حیات، که روشی را برای تحلیل فرآیند ساختن بنا و تاثیرات آن بر محیط زیست مطرح می کند. |
| (رضایی, ۱۳۷۴) | ۹ طراحی پایدار بر اصل مصلحت های عقلانی دسته بندی می شود که شامل مصلحت های زیستی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و ذوقی - هنری است. |
| (احمدی, ۱۳۸۲) | ۱۰ طراحی پایدار محیطی، نوعی نزدیک شدن به محصول طراحی است که بهره مندی از ویژگی های بستر و شرایط محیطی را به حداکثر رسانده در حالی که شرایط نامطلوب حاصل از این ساخت و ساز را به حداقل سوق می دهد. |
| (پیرنیا, ۱۳۸۹) | ۱۱ در اصول پایداری معماری گذشته ایران از پنج اصل: مردم واری، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، درونگرایی، نیارش و پیمون یاد شده است. ^{۱۴} |

بسیار پر شتاب تر از قبل انجام پذیرفته و اقداماتی نظیر ورود تکنولوژی های جدید ساخت، آیین نامه ها و قوانین ارائه شده است.

آینده پاسخ دهد. در طراحی پایدار باید به پایداری اجتماعی و اقتصادی به اندازه مصرف انرژی و تأثیر محیطی ساختمان ها و شهرها اهمیت داده شود» (راجرز، ۱۳۸۳).

از مطالعه جدول فوق و بررسی نظرات اندیشمندان، ملاحظه می شود که اغلب آنان پایداری را حاصل ترکیب سه عامل اصلی اقتصاد، اجتماع و محیط می دانند که در ادامه به ویژگی های هر کدام پرداخته می شود.

ادبیات نظری
طراحی پایدار و حرکت به سوی توسعه پایدار
طراحی پایدار نوعی از طراحی است که قصد دارد به نیازهای امروز بدون آسیب رساندن به منابع نسلهای

12. Paul Hyatt

13. Brain Edwards

۱۴ - مفاهیم و اصول معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی با مبانی و مفاهیم معماری پایدار مشابهت هایی دارد. اصولی که استاد محمدکریم پیرنیا - برای معماری ایران تعریف کرده است (مردم واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی و درونگرایی) نیز با مفاهیم و اصول معماری و شهرسازی پایدار هماهنگی دارد. (پورمختار، ۱۳۹۰)

۱- پایداری اقتصادی

بخش مسکن از جمله بخش‌های مهم اقتصادی بوده که رابطه گسترده‌ای با دیگر بخش‌های اقتصادی دارد (صبوری دیلمی & شفیعی، ۱۳۸۹). با توجه به اثرگذاری ویژه آن در اقتصاد هر کشور، می‌توان آن را موتور محرک رشد اقتصادی دانست. میزان اهمیت مسکن بر اقتصاد هر کشوری از جمله ایران بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اما درجه تأثیرگذاری انبوه سازی بر جریان مسکن، در کشور حائز اهمیت است. بر اساس هرم جمعیتی موجود در کشور، تا سال ۱۳۹۱ جریان فزاینده تقاضا بر بازار مسکن کشور حاکم بود (صبوری دیلمی & شفیعی، ۱۳۸۹). از طرفی بخش خصوصی در کشور به عنوان بخش اصلی در صنعت ساختمان به عنوان پیشبرنده تمامی برنامه‌ها و جواگو به این نیاز روزافزون مسکن در کشور شناخته می‌شود. با توجه به این مطلب جریان مسکن باید به سمتی حرکت نماید که با حفظ کیفیت ساخت، بخش خصوصی سازنده نیز به سود مدنظرش برسد تا هم‌کاربر و هم سازنده بهره بیشتری ببرند. انبوه‌ساز می‌تواند از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس انبوه استفاده کرده و متوسط هزینه را کم کند، پس به طور بالقوه می‌تواند ارزانتر بفروشد (رفیعی، ۱۳۸۴). انبوه ساز با تسریع در فرآیند ساخت و استفاده از تکنولوژی‌های نوین ساخت هزینه تولید را در این بخش کاهش می‌دهد (صبوری دیلمی & شفیعی، ۱۳۸۹). در جدول شماره ۳ فعالیت‌هایی که انبوه ساز می‌تواند در مرحله طراحی و ساخت انجام دهد و بهره‌ای که آن‌کارها برای مصرف‌کننده خواهد داشت، آورده شده است:

۲- پایداری زیست محیطی

در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار، پایداری محیطی در ارتباط با معماری اهمیت زیادی دارد و مسائل زیست

محیطی که آینده بشر را به خطر انداخته‌اند، معماران را به چاره‌اندیشی در بهبود این موضوع سوق داده است (کرمی، ۱۳۸۹). با توجه به این موضوع می‌توان به این نکته اشاره نمود که پایداری محیطی با هدف حفظ محیط زیست بر مواردی مانند: استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر، استفاده بهینه از فضا و استفاده از مصالح طبیعی و تجدید پذیر و غیره (نادر خلیلی به نقل از (Hart, 1994)) اشاره دارد.

۳- پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی وضعیتی است که در آن، ساکنان از زندگی در خانه و مجتمع خود رضایت دارند و از همسایگی با ساکنین لذت می‌برند. مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که باگذشت زمان تعامل اجتماعی بیشتر می‌شود و بیشتر افراد نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می‌یابند. بنابراین به صورت ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن هستند و در نگه داری و بهبود وضعیت موجود مشارکت و هماهنگی دارند (سجادی قائم مقامی، پور دیهیمی، & ضرغامی، ۱۳۸۸). در تحقیقات انجام گرفته ثابت شده است که اطلاعات و دانش درباره‌ایده و مهارت‌های جدید و بسیاری از فن‌آوری‌های نورا، به سختی می‌توان به دیگر فرهنگها و کشورها انتقال داد. این فناوریها پس از اینکه به یک زمینه فرهنگی جدید معرفی شده‌اند، یا به صورت جزئی اجرا شده و یا به علت عدم سازگاری، جایگزین شده و حتی نادیده گرفته شده‌اند. به نظر می‌رسد که راه حل این مشکل در ناتوانی کسانی باشد که در طراحی و ترویج فن‌آوری‌های جدید، انتظارات و آرزوها و نیازهای فرهنگی محلی را به شمار نیاورده‌اند. قبل از اینکه ادعا شود این فن‌آوری‌ها به عنوان یک واقعیت، قابل اجرا و با ارزش هستند، می‌بایست دریافت که آنها به صورت



جدول ۳. فعالیت‌های انبوه ساز برای پایین آوردن هزینه‌های تولیدی؛ ماخذ: (رفیعی، ۱۳۸۴)

| فوائد برای مصرف کننده | فعالیت‌های انبوه ساز |
|---|---|
| ارزان تر شدن قیمت تمام شده مسکن | از صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس انبوه استفاده کرده و متوسط هزینه را کم کند |
| ساخت مسکنی بادوام تر و در عین حال ارزانتر | از فناوری نوین استفاده کند |
| کاهش سهم هزینه زمین | در ارتفاع بسازد |

جدول ۴. متغیرهای وابسته و مستقل در پایداری اجتماعی مسکن؛
 ماخذ: نگارندگان بر اساس (سجادی قائم مقامی، پور دیهیمی، & صرغامی، ۱۳۸۸)

| متغیر وابسته | متغیر مستقل |
|---|--|
| ۱ آسایش درون خانه | <ul style="list-style-type: none"> • نور پردازی و روشنایی فضاهای مشترک • انعطاف پذیری و قابلیت تغییر در فضا • کیفیت و اندازه فضاهای سرویس دهنده (آشپزخانه، سرویس و حمام) • کیفیت و اندازه فضاهای اصلی (اتاق خواب، نشیمن و پذیرایی) |
| ۲ بازی پذیری فضاهای باز و چند منظوره برای کودکان | <ul style="list-style-type: none"> • کیفیت فضاهای باز و سبز از نظر بازی پذیری • کیفیت و اندازه فضاهای چند منظوره از نظر بازی پذیری |
| ۳ هویت اجتماعی | <ul style="list-style-type: none"> • هم سخنی و تجانس اجتماعی • هویت کالبدی و بیرونی • زیبایی و وسعت و بزرگی فضای لابی • وجود پیش ورودی و سر در شاخص |
| ۴ نظم اجتماعی | <ul style="list-style-type: none"> • نظافت و بهداشت محوطه و فضاهای مشاع • تأمین پارکینگ و انباری • تأسیسات سرمایشی و گرمایشی |



مشارکت در طراحی

یکی از مهمترین مسائلی که امروزه در ارتباط با پایداری معماری مطرح می شود بحث میزان مشارکت کاربران در مراحل تولید یک ساختمان به ویژه مسکن می باشد. سلاما^{۱۵} معتقد است که در دو دهه اخیر رویکردهای نوین معماری شامل: «طراحی سیستماتیک»^{۱۶}، «زبان الگو»^{۱۷} و «طراحی مشارکتی» شکل گرفته است. (1996 Salama). اجتماعی بودن هنر - صنعت معماری و تأثیرگذاری ویژه آن بر جریان زندگی در عین تأثیر پذیری آن از ساختگاه^{۱۸} نیازش به مشارکت را ضروری می نمایاند.

پیچیده ای به فرهنگ پیوند خورده اند و فن آوری هایی که برای یک گروه مردم پذیرفته شده است، ناگزیر توسط دیگران با فرهنگی متفاوت، پذیرفته نخواهد شد (Cole & Richard, 2004). فن آوری ها، برای اینکه پذیرفته شوند و کارکنند، نیاز دارند که با انتظارات و نیازها، دانش مردم و فرهنگی که آن را به کار می گیرند، در یک خط باشند (گرچی مهبلانی، ۱۳۸۹). دکتر شهرام پور دیهیمی اصول پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی را به شکل زیر در جدول ۴ دسته بندی و برای هر کدام از عوامل یاد شده شاخصه هایی به منظور سنجش آن ذکر می کند.

15-Salama

۱۶ - دهه ۱۹۷۰: این رویکرد، در حل مسأله به عنوان موضوع اصلی، مدلی را ارائه می نماید که شامل: پنج سیستم محیط، فعالیت، موضوعات، هزینه-ها و ساختمان است. (کامل نیا، ۱۳۸۷)

۱۷ - دهه ۱۹۸۰: زبان الگو، نه تنها به عنوان یک رویکرد، بلکه به عنوان یک روش پاسخگو برای استفاده از نظرات کاربران در برخی از پروژه های - مشارکتی مورد استفاده قرار گرفت. این رویکرد فرصت مواجهه با الگوهایی را ایجاد می نماید که می تواند با روش های مختلف از آنها بهره جست. (علی الحسابی * یوسف زمانی، ۱۳۸۹). زبان الگو در یک فرآیند طراحی مشارکتی می تواند متخصصان را کمک نماید تا فرآیند طراحی را سامان داده و منبع دانشی برای آنها، در خصوص ارتباطات فرمال و عملکردی با کاربران، برقرار نماید (Salama, 1996).

۱۸ - ساختگاه را می توان کاربران، مسائل فرهنگی، مسائل اقتصادی، مسائل زیستی و... دانست

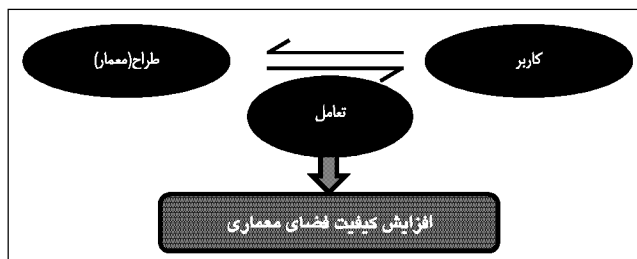
بدیهی است که با توجه به حضور عوامل مختلف در این عرصه برای رسیدن به پایداری، بایستی تمامی این مؤلفه‌ها را در نظر داشت و بستر مناسبی را برای مشارکت هدفمند و سودمند کاربران در جریان طراحی ایجاد نمود. دستیابی به این مهم می‌تواند در قالب طراحی مشارکتی امکانپذیر شود؛ مشارکت پاسخی به چگونگی اجرای اقدامات مورد توجه توسعه‌ی پایدار و ابزار بازتاب ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی در طراحی است. به همین دلیل مشارکت ضرورتی انکارناپذیر در دستیابی به محیطی پایدار به شمار می‌آید (دارابی، ۱۳۸۸). برای اینکه افراد (کاربران نهایی) احساس تعلق به فضایی که در آن زندگی می‌کنند را داشته باشند یا به عبارتی، نسبت به محل زندگیشان احساس مالکیت داشته باشند، باید بتوانند در فضایی که در آن ساکن هستند دخالت داشته باشند (اسلامی، فروتن، & پورمحمدی، ۱۳۹۱).

به گفته لوکوربوزیه: «معماران هنرمندان معجزه‌گر و همه‌کاره نیستند، اما عمدتاً هماهنگ‌کننده فعالیت‌های زندگی با ساختمانها هستند، یعنی معمار باید خواسته‌ها و نیازهای کارفرما را در طراحی خانه وارد کند، ضمن اینکه فضاها و فرم‌ها را با ایده‌های هنری و عملکردی خود در می‌آمیزد. این کاری است که معمار باید در یک بدهستان در رابطه خوبی که با کارفرما برقرار کرده، آن رابه سرانجام رساند؛ این هنر اوست.»

شکل‌گیری مشارکت به موضوعاتی مانند دموکراسی، انتقاد از فرآیندهای رشد و توسعه، آثار انقلاب سبز و مانند

آن باز می‌گردد. در ایالات متحده آمریکا ایده طراحی مشارکتی در دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد که در آن مداخله و مشارکت کاربران و همچنین شهروندان داوطلب به موضوعی کلیدی تبدیل شد (دارابی، ۱۳۸۸). همه افراد در جوامع انسانی نیازمند سرپناهی به نام مسکن می‌باشند و ناگزیر در پی آنند که در شکل‌گیری آن نیز دخالت داشته باشند. هر چند که شرایط خاص معاصر (با توجه به مسکن‌گزینی و دیدگاه‌های طراحان) این دخالت را در میزان، چگونگی و محتوای مقوله مشارکت بسیار گوناگون نموده است اما مهم اینست که همواره ماهیت وجودی مشارکت مطلوب بوده و حداقل بنیانهای مشارکت هم از لحاظ نظری و هم با توجه به معیارهای اخلاقی عاقلانه می‌نماید (A. McLagan & Nel, 1995). مدل‌های گوناگونی از شخصی سازی انبوه بر اساس میزان مشارکت کاربر در روند طراحی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به کتاب «خصوصی سازی انبوه، پیشگام در مسابقه تجارت» اشاره داشت که ۴ دسته کلی را ارائه داده است: خصوصی سازی مشارکتی، انطباقی، شفاف و تزیینی (Niemeijer, 2011).

لمپل^{۱۹} مدلی دیگری را در این زمینه ارائه می‌کند؛ وی معتقد است شخصی سازی را می‌توان به پنج دسته استاندارد سازی خالص، استاندارد سازی قطعه‌ای، استاندارد سازی شخصی، شخصی سازی وابسته به نیاز و شخصی سازی خالص تقسیم کرد (Lampel & Mintzberg, 1996). از دیگر مدل‌ها می‌توان به مدل آلفورد^{۲۰} اشاره داشت که به طور کلی سه دسته شخصی سازی هسته‌ای،



تصویر ۲. ایجاد تعامل سازنده برای مشارکت در طراحی میان طراح و کاربر؛
ماخذ: نگارندگان بر اساس (علی الحسینی & یوسف زمانی، ۱۳۸۹)

19- Lampel, j
20- Alford, D

جدول ۵. ویژگیها، امتیازها و تعاریف مشارکت از دیدگاه متخصصان؛ ماخذ: نگارندگان.

| منبع | ویژگی ها و امتیازات مشارکت |
|--|--|
| (Sammuel, ۱۹۸۷) (Omiya, ۲۰۰۰) (Bamberger, ۱۹۸۸) (Scharma, ۲۰۰۰) | کاهش هزینه، پایداری پروژه ها، افزایش کارایی و افزایش بهره وری، بهبود طراحی پروژه ها، توزیع مناسبتر منابع، تضمین موفقیت برنامه ها، کسب اطلاعات لازم از محل، ارزیابی متناسب علتها و نیازها، برنامه ریزی هماهنگ با واقعیت های محلی، انتخاب گزینه های متناسب با شرایط و نیازهای مردم، ایجاد احساس مالکیت |
| (دارابی, ۱۳۸۸) | مشارکت به تعریف خوب مشکلات در طراحی منجر شده و به این ترتیب موفقیت طراحی را بیشتر تضمین می کند. |
| (Stenseke, ۲۰۰۹) | در مقام پیش شرط های موفقیت، عوامل بستر به مفهوم مکان و موقعیت خاص می تواند نقش حیاتی داشته باشند. مشارکت موجب پذیرش شرایط انحصاری هر ناحیه و منظر می شود. |
| (Santos, ۲۰۰۶) | مشارکت عمومی می تواند ضمن ایجاد سرمایه اجتماعی، به تقویت جامعه مدنی، بهبود توانایی جوامع محلی برای حل مشکلات و تعقیب ملاحظات و مسائل عمومی و مشترک، اثرگذار باشد. |
| (Blundell Jones, Petrescu, & Till, ۲۰۰۵) | مشارکت فقط کاتالیزوری برای تغییر نقش و در نهایت زندگی کاربران نیست، بلکه در واقع تسریع کننده دگرگونی فعالیت معماری است. |
| (اسلامی غ.، ۱۳۸۰) | دیدگاهی که مردم را یک طرف و معمار را طرف دیگر قرار نداده، بلکه طراح هم در زمره مردم قرار دارد و حالتی بهینه یعنی «طراحی با مردم» ^{۲۱} صورت می پذیرد. |

سکونتی بهره‌بردار خواهد انجامید (علی الحسابی & یوسف زمانی، ۱۳۸۹).

شخصی سازی انبوه

در صنعتی سازی به علت تعداد بالای تولید، هزینه‌های تولید به طور چشمگیری کاهش پیدا می‌کند، اما نگاه به شخصی سازی را نیز از بین می‌برد. در سمت دیگر این طیف، شخصی سازی خط تولید است که در آن، هر محصول منحصر به فرد بوده و مطابق با ویژگی‌های متفاوتی تولید می‌گردد. مثال ساده‌ای از این فرآیند می‌تواند در هنر نقاشی چهره بیان شود، جایی که هر چهره دارای ویژگی منحصر به فرد در تابلو است. اگرچه با از دست رفتن تکرار در خط تولید امکان دست یافتن به استاندارد بسیار سخت می‌شود و هزینه‌ها نسبت به فرآیند صنعتی سازی صرف بالا می‌رود اما این نکته را بایستی مدنظر داشت که صنعتی سازی و شخصی سازی می‌توانند با هم در یک صنعت و یا یک پروژه وجود داشته باشند.

شخصی سازی انبوه ترکیبی از دو سیستم است که قصد

انتخابی و فرمی را برمی‌شمرد (Alford, 2000). هرکدام از این مدل‌ها بر اساس میزان مشارکت کاربر، دسته‌بندی‌های خود را ارائه داده‌اند که می‌توان از این مدلها برای روند شخصی سازی انبوه در ایران استفاده نمود.

بحث‌های متفاوتی در ارتباط با ایجاد و نحوه مشارکت در طراحی توسط بسیاری از صاحب نظران و معماران مطرح شده است، ولی با تمام این دسته‌بندی‌ها می‌توان به این نکته اشاره داشت که بسیاری از معماران، توجه به مشارکت را به طور غیر مستقیم تعیین کننده میزان کیفیت فضای معماری می‌دانند؛ بسیاری معتقدند که کیفیت نهایی، محصول تعامل مستقیم بین کالبد و بهره‌بردار بوده و عدم توجه به این امر در سرنوشت کیفی فضای مسکونی بسیار زیانبار است. رویکرد مشارکتی در طراحی مسکن، بستر و افق‌های جدیدی از امکانات، روشها و زمینه‌های بالندگی را در محیط مسکونی پدید آورده و به دلیل امکان همفکری و تصمیم‌گیری بهره‌بردار، علاوه بر مشارکت بهینه، به ارتقای مطلوبیت فضا، انعطاف‌پذیری متقابل فضا و بهره‌بردار، تعلق خاطر و افزایش انگیزه‌های

ترکیب کاهش هزینه‌های ساخت در صنعتی سازی با انعطاف پذیری در شخصی سازی را دارد (2004 Van den Thillart). اگرچه شخصی سازی انبوه در تعریف، نیازی به رایانه ندارد اما در اکثر موارد، به کمک آن‌ها انجام می‌پذیرد که امکان دستیابی به خروجی‌های انعطاف پذیرتر با میزانی اندک تغییر قیمت را فراهم می‌کند. صنایع اتومبیل سازی بهترین مثال در این رابطه هستند؛ در گذشته مشتری می‌توانست از میان تعداد محدودی اتومبیل انتخاب خود را داشته باشد اما اکنون می‌تواند حق انتخاب وسیعی از میان تعداد زیادی مدل داشته باشد که همگی می‌توانند در یک خط تولید ساخته شوند. به طور کلی این سیستم‌ها دارای سه قابلیت کلیدی هستند: استخراج داده (مکانیسمی برای ارتباط با مشتری و جمع‌آوری اطلاعات خاص مورد نیاز)، انعطاف پذیری در تولید (تکنولوژی ساختی که بر اساس داده‌ها قطعات را می‌سازد) و تدارکات (مراحل پردازش و توزیع که قادر به حفظ مشخصه‌های هر آیت‌م به منظور رساندن درست آن‌ها به مشتری خاص خود هستند). این عناصر با ارتباطی قوی به یکدیگر متصل شده و یک فرآیند یکپارچه را تشکیل می‌دهند (Zipkin, 2005).

تجربیات متفاوتی در کشورهای مختلف برای ایجاد نمودن تعامل مناسب با کاربر در روند طراحی صورت گرفته است و از جمله این تجربیات می‌توان به روش ساخت «والتر سیگال»^{۲۲} در کشور آلمان اشاره نمود؛ این روش در بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۶۰ به صورت ساختمان سازی مشارکتی صورت می‌پذیرفت و مبتنی بر اجزای پیش ساخته و مدولار چوبی شکل گرفت. استفاده و به کارگیری ساخت این سیستم به علت آسان نمودن مراحل ساخت و نگهداری، توسط کاربر نهایی صورت می‌پذیرفت (Walter Segal, 2013). در کنار این سیستم، سیستم دیگری ملقب به «مُلادی»^{۲۳} است که در کشورهای جهان سوم بویژه در کشورهای آفریقایی استفاده می‌گردد. در این سیستم که از جمله سیستم‌های ارزان قیمت ساخت ساختمان محسوب می‌گردد، از قالب بندی‌های سبک پلاستیکی که منطبق بر نظر کاربر شکل گرفته، استفاده

شده و درون این قالب‌های پلاستیکی بوسیله ملات پر می‌شود. این سیستم علاوه بر سرعت بالاتر نسبت به سیستم‌های رایج ساخت و ساز در مناطق آفریقا از نظر کاربر نیز در ساخت ساختمان استفاده می‌نماید (2013 Moladi).

با ورود رباتها به صنعت ساخت و ساز، توانایی ساخت قطعات غیر مدولار با قیمت‌های اقتصادی فراهم شده به گونه ای که این ربات‌ها از کارخانه‌های تولید قطعات ساختمانی فراتر رفته و در محل ساختگاه کاربرد یافته‌اند. روندهای گوناگونی در ساخت بناها توسط رباتها مورد استفاده قرار می‌گیرد که از جمله آنان می‌توان به روند افزایشی و کاهش (ایشتایب، ۱۳۹۱) و ساخت بوسیله ربات‌های پرنده اشاره داشت (Kohler & Gramazio, 2011). با تکیه بر این دانش جدید، در کشور آمریکا هزینه‌های تولید یک خانه مسکونی که به شیوه شخصی سازی انبوه ساخته می‌شود، از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۲ کاهش چشمگیری یافته و قیمتی معادل سیستم‌های صنعتی را دارا می‌باشد (Bumgardner 2013).

یکی از شیوه‌هایی که برای ارتباط با مشتری توسط شرکتها انتخاب شده، ارتباط آنلاین است. در این شیوه اطلاعات مورد نیاز شرکت برای ساخت خانه که بایستی از کاربر گرفته شود از طریق ارتباط اینترنتی با استفاده از یک برنامه تعاملی دریافت شده و با پردازش بر روی این اطلاعات به نقشه‌های ساخت برای کارخانه تبدیل می‌شوند. به عنوان مثال شرکت STREIF که در زمینه سیستم‌های پایدار ساخت و ساز در آلمان، انگلیس، هلند و سوئیس فعالیت دارد، ایده «خانه خود را با چند کلیک بسازید» را مطرح کرده است. این ایده قالبیت‌های زیادی را برای کاربر فراهم می‌کند تا خانه ای با نیازها و سلیقه خود به صورت صنعتی بسازد. روند ساخت ۱۲ هفته ای این شرکت به گونه ای طراحی شده که ساده، مؤثر و انعطاف پذیر بوده و کاربر بتواند خانه مورد نظر خود را بدون تأخیر تحویل بگیرد. این قابلیت با استفاده از امکانات ساخت کارخانه‌ای فراهم می‌شود. در این شیوه، کاربران می‌توانند نظرات خود را در مراحل طراحی



فضاها و یا تنها نمای ساختمان اعمال کنند و به صورت کلی می‌توانند در تمامی مراحل انجام کار، نیاز و خواست خود را مطرح کرده و خانه ای منحصر به فرد داشته باشند. همچنین طراحی داخلی خانه توسط معماران و با توجه به خواست و سلیقه هر مشتری به صورت جداگانه انجام می‌شود تا هرکاربر بتواند با معیارهای خود صاحب فضایی زیبا و خاص شود (GmbH, 2013 STREIF).

جمع بندی ادبیات نظری

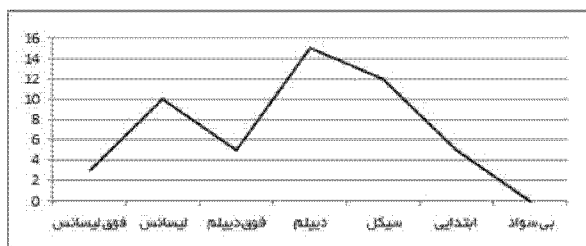
با توجه به نیاز روز افزون ساخت و ساز، نیاز حرکت به سوی صنعتی سازی ساختمان امری اجتناب ناپذیر است. اما با توجه به تجربه‌های کشورهایمانند آلمان، ژاپن، هلند، آمریکا و ... در زمینه ساخت صنعتی ساختمان، این نیاز احساس می‌شود که بدون در نظر گرفتن اصول پایداری اعم از اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، صنعتی سازی صرف محکوم به شکست بوده و باید به سمت شخصی سازی فرآیند ساخت و ساز حرکت کرد تا بتوان در کنار بهره بردن از مزایای صنعتی سازی، پایداری و مجموعه عوامل شکل دهنده آن را در نظر گرفته و به سوی ساخت و ساز پایدار گام برداشت.

معرفی نمونه موردی

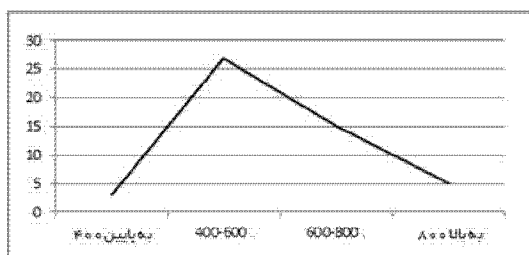
با توجه به روند رو به رشد تقاضای مسکن در ایران، حرکت به سوی صنعتی سازی ساختمان امری بدیهی بوده و در این راستا و به منظور ارزیابی شاخصه‌های پایداری اجتماعی در مسکن صنعتی ایران، شهرک صنعتی پرند واقع در استان تهران مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش ۵۰ خانواده ساکن در خانه‌های صنعتی ساز با سیستم‌های نوین ساختمانی ICF، LSF و قالب تونلی بوده است. ابزار مطالعه در این پژوهش پرسشنامه بوده که بر اساس مؤلفه‌های یاد شده در جدول ۴، در ۴ محور آسایش درون خانه، بازی پذیری فضاهای باز برای کودکان، هویت و نظم اجتماعی و در قالب ۲۶ پرسش بسته‌گزینه‌ای تنظیم شده که هدف اصلی آن ارزیابی متغیرهای پایداری اجتماعی در مسکن‌های صنعتی ساز بود.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بر اساس نتایج بدست آمده در پرسشنامه، میانگین تعداد افراد در منازل ۳.۴۸ نفر بوده و مساحت تقریبی آن‌ها در بازه ۸۰-۶۰ متر مربع قرار دارد. لذا سرانه فضا برای هر نفر حدود ۲۰ متر مربع بوده که از نظر استانداردها مقدار قابل قبولی است. اما از نظر نظام طبقاتی اجتماعی، طبقه ای بیشتر زیر خط فقر و با میانگین تحصیلات دیپلم هستند.

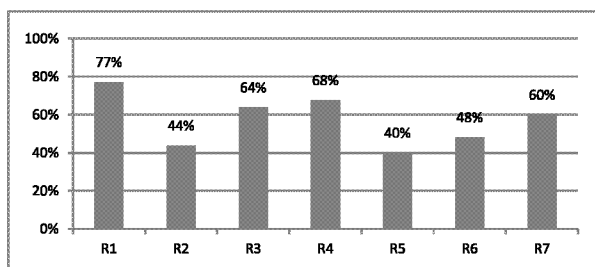


نمودار ۱. فراوانی سطح تحصیلات سرپرست خانوار؛ ماخذ: نگارندگان

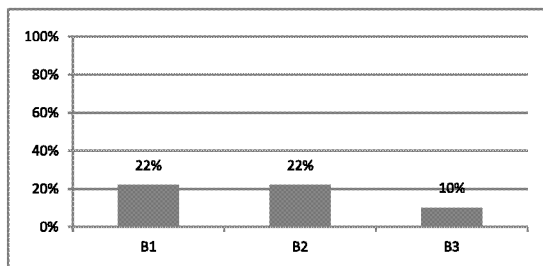


نمودار ۲. فراوانی متوسط درآمد ماهیانه خانوار؛ ماخذ: نگارندگان

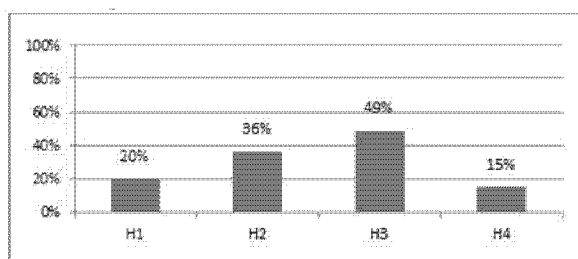
در بررسی‌های انجام شده، این نتیجه حاصل شد که این نوع مسکن از نظر شاخصه‌های پایداری اجتماعی مسکن ضعیف بوده و نیاز به شناسایی نقاط قوت و ضعف خود دارد. در نمودار ۶ این ویژگی‌ها مورد سنجش قرار گرفته‌اند.



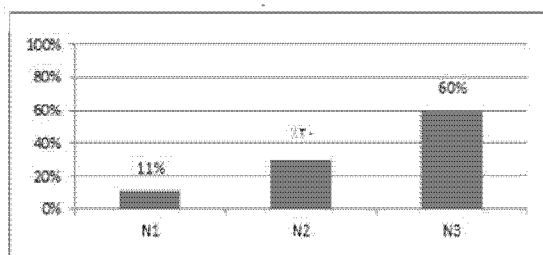
نمودار ۳. سنجش شاخصه‌های آسایش درون خانه (فیزیکی): منبع: نگارندگان



نمودار ۴. سنجش شاخصه‌های بازی پذیری فضاهای مشترک: منبع: نگارندگان



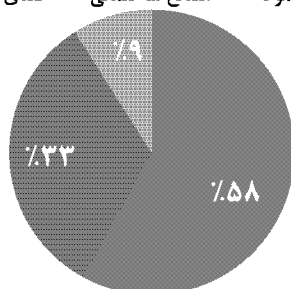
نمودار ۵. سنجش شاخصه‌های هویت اجتماعی: منبع: نگارندگان



نمودار ۶. سنجش شاخصه‌های نظم اجتماعی: منبع: نگارندگان

مؤلفه های انتخابی برای بهبود وضعیت موجود توسط کاربران

ورودی مجموعه ■ مصالح ساختمانی ■ فضای داخلی



نمودار ۷. مؤلفه های انتخابی برای بهبود وضعیت موجود توسط کاربران؛ ماخذ: نگارندگان.

داخلی منزل توسط بهره برداران می توان به این نتیجه رسید که فضای معماری به وجود آمده ارتباط بسیار اندکی با کاربران برقرار نموده و با توجه به اینکه کاربران در مرحله طراحی هیچ گونه نقشی نداشته اند، می توان یکی از دلایل کیفیت پایین فضای معماری را نبود تعامل میان طراح و کاربر دانست. ضعف در اجرا و شاخص های ذکر شده در موارد قبل باعث شده است که ۷۵ درصد از جامعه آماری، میل بازگشت به شیوه های سنتی ساخت و ساز را داشته و آن را به سیستم های صنعتی و نوین ترجیح دهند. این امر تجربه ناموفقی از خانه های صنعتی ساز را در ذهن مردم بر جای گذاشته و مشابهت بسیار زیادی با تجربه های ناموفق اروپا و آمریکا در بین سال های ۷۰-۶۰ میلادی دارد.

نیاز به شخصی سازی انبوه در ایران با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، مجموعه عواملی که نیاز به شخصی سازی انبوه را به صورت جدی مطرح می کند به طور خلاصه در جدول زیر آورده شده است:

لازم به ذکر است که طرح مسکن انبوه، با استفاده از راهکارهایی مانند حذف قیمت زمین، صنعتی سازی و ... توانسته است تا حدود زیادی به مشکل کمبود مسکن از دیدگاه اقتصادی پاسخ دهد. ۹۵ درصد از افراد جامعه آماری معتقدند که قیمت مسکن در این شهرک ارزان تر از سایر نقاط شهر است و ۱۰۰ درصد آنان نخستین دلیل انتخاب خانه خود را دلایل اقتصادی و به عبارت بهتر، ارزانتر بودن این نوع مسکن دانسته اند. با وجود تأثیر عامل اقتصادی، بهره برداران مؤلفه های تغییر در فضای داخلی منزل را با ۵۸ درصد، تغییر در مصالح ساختمانی را با ۳۳ درصد و تغییر در ورودی مجموعه مسکونی را با ۹ درصد برای رساندن مجموعه مسکونی به حالت بهینه انتخاب کردند.

همانگونه که در بخش مشارکت در طراحی اشاره شد، کیفیت نهایی فضای معماری، محصول تعامل مستقیم بین کالبد و بهره بردار بوده و عدم توجه به این امر در سرنوشت کیفی فضای مسکونی بسیار زیانبار است؛ با توجه به انتخاب بیشترین گزینه برای اصلاح فضای



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۰

جدول ۶. دلایل نیاز به شخصی سازی انبوه در ایران؛ ماخذ: نگارندگان.

| | |
|---|---------------|
| رشد جمعیت؛ ارتقاء کیفیت ساخت؛ افزایش تقاضای مسکن | دلایل اجتماعی |
| بالا بودن قیمت زمین؛ هزینه بالای مصالح؛ هزینه تخریب؛ زمان اجرا | دلایل اقتصادی |
| هدر رفتن انرژی؛ عدم توجه به نسل آینده؛ عدم توجه به محیط | دلایل زیستی |
| عدم پایداری در زلزله؛ نبود کیفیت ساخت؛ استفاده از مصالح بی کیفیت؛ عدم نظارت | دلایل فنی |

با توجه به موارد ذکر شده، نیاز حرکت به سوی شخصی سازی انبوه در ایران به طور کامل مشخص است و به صورت طبیعی این حرکت دیر یا زود در ایران انجام خواهد شد اما با توجه به پتانسیل های موجود در ایران، می توان این حرکت را تسریع و بهبود بخشید.

پیشنهادات

راهکارهای برون رفت از چالش های موجود بر سر راه شخصی سازی انبوه و مشارکت کاربران در ایران را می توان به صورت کلی به سه بخش تقسیم کرد:

۱- «اقتصاد سالم»: اعمال سیاست های صحیح و دارا بودن اقتصاد سالم می تواند به این رویه کمک شایانی کند. منابع مالی جهت ورود و تحقیقات در زمینه شخصی سازی انبوه بایستی به صورت کلان توسط دولت و یا بخش خصوصی تأمین گردد.

۲- «فرهنگ سازی و شناخت فرهنگی»: این بخش باید هم در بین دولتمردان و هم در بین افراد عام انجام گیرد. در بخش دولتی باید افراد متخصص که آشنایی با این مقوله داشته و نیاز به شخصی سازی انبوه را جدی می پندارند در رأس امور قرار گیرند و در بخش افراد عام، رسانه ها می توانند با معرفی روش ها و فناوری های نوین در این زمینه، باعث بالا بردن سطح آگاهی مردم و در نتیجه تقاضای آنان برای این نیاز گردند.

۳- «حمایت از دانشگاه و ارتباط میان دانشگاه و نظام مهندسی»: یکی از مقولات مهم در کشور، کمبود نگرش دانشگاهی در سطح سازمان نظام مهندسی کشور است. این سازمان می بایست مهندسی خود را با روش ها و فناوری های نوین آشنا کرده و برای تنظیم آیین نامه های جدید برای آن اقدام نماید.

نتیجه گیری و جمع بندی

روند صنعتی سازی ساختمان در جهان، با فراز و فرودهای بسیاری در طول تاریخ پیدایش خود روبرو بوده است. این روند پس از اتمام جنگ جهانی دوم و با گسترش نیاز برای ساخت مسکن بسیار رشد نمود اما به دلیل در نظر گرفتن انبوه سازی صرف تنها در جهت پاسخگویی به نیاز فیزیکی مسکن، این روند در دهه ۷۰ میلادی دچار رکود

گشته و مردم خواستار بازگشت به دوران قبل از انبوه سازی شدند. در دهه ۹۰ میلادی با معرفی شخصی سازی صنعتی، این گرایش دوباره رونق گرفت و تا به امروز با شیب مثبت در حال پیشروی است. آنچه که در روند صنعتی سازی کنونی مسکن در ایران مشاهده می شود، بسیار به آنچه که پس از جنگ جهانی در جهان رخ داد، شبیه است بدین معنا که با افزایش جمعیت، نیاز به ساخت مسکن بسیار حیاتی شده و دولت برای جواب گویی به این نیاز اقدام به صنعتی سازی مسکن نموده، اما با توجه به ویژگی های اقتصادی مردم نیازمند به مسکن، دولت سیاست ارزان سازی مسکن را در پیش گرفت که متأسفانه این ارزان سازی با پایین آوردن کیفیت به خصوص در ابعاد طراحی حاصل شد. این روند موجب بدنام شدن صنعتی سازی در میان مردم شده است. همانگونه که در بخش تفسیر نتایج مطرح شد، کاربران هیچگونه سهمی در طراحی منازل خود نداشته و نتایج حاصل از پرسشنامه، مشخص نمود که مؤلفه های پایداری اجتماعی مورد سنجش با ضعف شدیدی روبه رو هستند. از میان مؤلفه های مطرح شده، آسایش درون خانه با ۵۷٪ بالاترین میزان رضایت را به خود اختصاص داده و سپس نظم اجتماعی با ۳۳٪، هویت اجتماعی با ۳۰٪ و بازی پذیری فضاهای باز و مشترک برای کودکان با ۱۸٪ رضایت کاربران را از کیفیت خوب مد نظر هر یک از فضاها کسب نموده اند. ضعف در اجرا و شاخص های ذکر شده در موارد قبل باعث شده که ۷۵٪ از جامعه آماری، میل بازگشت به شیوه های سنتی ساخت و ساز را داشته و آن را به سیستم های صنعتی و نوین ترجیح دهند. بهره برداران برای تبدیل نمودن شرایط فعلی مجموعه مسکونی خود به شرایطی بهتر برای زندگی خود و خانواده شان، تغییر در فضای داخلی خانه را با ۵۸٪ انتخاب نموده و در مراتب بعدی، تغییر در مصالح ساختمانی را با ۳۳٪ و تغییر در ورودی مجموعه مسکونی را با ۹٪ برای رساندن مجموعه مسکونی به حالت بهینه انتخاب کردند. آنچه که سبب پایداری مجتمع های مسکونی می شود، رعایت اصول پایداری اعم از مباحث اقتصادی، تکنیک و سرعت ساخت، اصول انرژی و غیره است. ساختمان هایی که با شیوه های نوین و بر اساس



آیین نامه‌ها و تحت نظارت کارشناسان مجرب ساخته می‌شوند تا حد بسیار بالایی از اصول یاد شده را دارا هستند اما به منظوری بومی ساختن این فناوری‌ها، مؤلفه‌های پایداری اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار هستند که باید مورد شناسایی قرار گرفته و در فرایند طراحی به کار گرفته شوند. مشارکت دادن کاربران در مرحله طراحی، راهکاری برای اجرای اقدامات مورد توجه توسعه‌ی پایدار و ابزار بازتاب ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی در طراحی است. با اندک دخیل نمودن کاربران در روند ابتدایی طراحی علاوه بر به دست آوردن ویژگی‌های برگرفته از روش زندگی آنها و به عبارتی دیگر ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی کاربران که موجب طراحی بهتر مجموعه مسکونی برای جامعه هدف خود خواهد شد، حس رضایت مندی و مشارکت را در اغلب ساکنان به وجود خواهد آورد. با این کار می‌توان حس تعلق به فضا را در آنها ایجاد نمود، حسی که می‌تواند موجب حرکت کاربران به سمت بهبود دادن شرایط مجموعه مسکونی توسط خودشان بشود و تنها منتظر بهبود یافتن شرایط توسط سازندگان و دولت نباشند. مشارکت دادن کاربران و شخصی سازی انبوه پدیده جدیدی در ساخت مجموعه‌های صنعتی انبوه در سطح جهانی نیست بلکه مدلی بوده که سایر کشورها با حرکت به سمت آن به بهبود شرایط صنعتی سازی انبوه خود یاری نموده تا علاوه بر استفاده از ویژگی‌های صنعتی سازی از کیفیت مورد نظر کاربران نیز غافل نمانند. با توجه به مطالب ذکر شده پیرامون روند صنعتی سازی در جهان و بیان ویژگی‌های غالب یاد شده در بخش صنعتی سازی و تجربیات جهانی و بررسی و مطالعه‌ای که بر روی پروژه‌های صنعتی ساز انبوه کشور توسط نگارندگان صورت گرفته، می‌توان به این ایده رسید که حرکت فعلی ساخت و ساز صنعتی در کشور در حال قدم نهادن در مسیر دهه پنجاه تا هفتاد میلادی اروپا است. پس می‌توان با نگاهی ژرفتر به تأثیر عامل «مشارکت در طراحی»، این راهکار را در ادامه مسیر صنعتی سازی انبوه در ایران به عنوان ابزاری برای رسیدن به وضعیت مطلوب به کار برد.

منابع و ماخذ

۱. احمدی، فرهاد (۱۳۸۲)، معماری پایدار. تهران: فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی- شماره ۴۱-۴۰.
۲. اسلامی، سید غلامرضا، فروتن، منوچهر، پورمحمدی، پریا (۱۳۹۱)، مشارکت طراحی در قلمرو فضای همکاری طراحان و کاربران، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی. مشهد.
۳. اسلامی، غلامرضا (۱۳۸۰)، فرآیند توسعه و تولید درون زا، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، ۵۲-۴۴.
۴. اهری، زهرا (۱۳۷۳)، تجربه مسکن اجتماعی در کشورهای دیگر، جنبه‌های قابل بررسی در شرایط ایران. تهران: مجموعه مقالات سمینار توسعه مسکن در ایران، جلد اول.
۵. ایشتلیب، گراند؛ دورهوفر، آندرناس؛ روزنتال، مارکوی بوت (۱۳۹۱)، تکنولوژی طراحی و ساخت سازه‌های صنعتی مدولار- مترجم: آصفی، مازیار، انتشارات دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۶. پور دیهیمی، شهرام (۱۳۸۰) فضاهای باز در مجموعه‌های مسکونی. فصلنامه صفا، شماره ۳۶، ۴۲-۴۰.
۷. پورمختار، احمد (۱۳۹۰) بازشناسی مفهوم پایداری و توسعه پایدار در معماری و شهرسازی ایرانی. تهران: فصل نامه شهرسازی و معماری آبادی- شماره ۷۳-۷۲.
۸. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۹) سبک شناسی معماری ایرانی- تدوین: معماریان، غلامحسین. تهران: سروش دانش‌چ.
۹. گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۲ و نظارت بر عملکرد چهار ساله اول برنامه سوم (۱۳۸۳) تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۱۰. خزافی، حسین (۱۳۷۸) نگاهی به برنامه سوم بخش مسکن. فصلنامه اقتصاد مسکن؛ شماره ۲۹.
۱۱. دارابی، حسن (۱۳۸۸) نقش مشارکت در طراحی محیط روستایی، محیط شناسی- شماره ۵۲، ۱۱۱-۱۲۴.
۱۲. راجرز، ریچارد (۱۳۸۳) معماران بزرگ و طراحی پایدار، آبادی شماره ۴۲، مترجم: حمید حسینمردی.
۱۳. رضایی، غلامرضا (۱۳۷۴) مسکن و زندگی نگاهی به

- سخنرانی‌های همایش فناوری‌های نوین ساختمانی. تهران: دانشگاه تهران-قطب علمی فناوری معماری.
۲۷. یوسف زمانی، مهرداد (۱۳۸۸)، پایان نامه دکتری: بررسی و بازتعریف جایگاه مشارکت بهره بردار در فرآیند طراحی مسکن، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
28. Alford, D ;SDackett, P & Nelder, G (2000). A user oriented approach for mass customization, Technische Universiteit Eindhoven, 10-24.
29. STREIF GmbH. (2013). Retrieved from STREIF Sustainable Building Systems: <http://streif.co.uk>
30. Moladi. (2013, 03 26). Retrieved from Moladi: <http://moladi.co.za/>
31. A.Mclagan, P., & Nel, C. (1995). Age of Participation. Berrett-Koehler.
32. Bamberger, M. (1988). The Role of Community Participation in Development, Planning and Project. World Bank.
33. Barron, L. &. (2002). Stage 1 report - model of social sustainability. Housing and sustainable communities' indicators project. Western Australia: Murdoch University.
34. Blundell Jones, P., Petrescu, D., & Till, J. (2005). Architecture And Participation. Taylor & Francis.
35. Bumgardner, Matt (2013). Housing trends & impact on wood manufacturing. Word product (July 2013).
36. Checkoway, B. (1985). "Revitalizing an Urban Neighborhood: A St. Louis Case Study". Chicago: University of Illinois Press.
37. Cole, R., & Richard, L. (2004). Buildings, Culture & Environment: Informing Local and Global Practice. UK: Taylor & Francis.
38. Commission, B. (1987). Our Common Future: The World Commission on Environment and Development. London: Oxford University.
39. Davidson, K. &. (2009). A critical assessment of urban social sustainability. Adelaide. The University of south Australia.
40. Devido, A. (2002). Design. Architectural Press.
41. Gmarazio & Kohler (2013). Flight assembled architecture. ETH University, Zurich.
42. Hart, K. &. (1994). Which Hobbits lives here? Reflection on society and sustainability. e-book.
43. Lampel, j & Mintzberg, H (1996).
- ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روانی مسکن در ایران. تهران: مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد دوم، وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۴. رفیعی، مینو (۱۳۸۴) انبوه سازی و عدالت اجتماعی. انبوه سازی؛ شماره ۱۴.
۱۵. سجادی قائم مقامی، پروین السادات، پور دیهیمی، شهرام، ضرغامی، اسماعیل (۱۳۸۸). اصول پیاداری در مجتمع‌های مسکونی. صفة شماره ۵۱.
۱۶. شولتز، نوربرگ (۱۳۸۱) مفهوم سکونت. تهران: انتشارات آگه.
۱۷. شونیر، نوربرت (۱۳۸۰) مسکن، حومه و شهر. مترجم: پوردیهیمی، شهرام، تهران: نشر روزنه.
۱۸. صیوری دیلمی، محمد حسن و شفیع، سعیده (۱۳۸۹) تحلیلی بر عملکرد بازار مسکن در ایران و عملکرد دولت برای بازار. بررسی‌های بازرگانی، شماره ۴۵.
۱۹. علی الحسینی مهران و یوسف زمانی، مهرداد (۱۳۸۹) فرآیند طراحی معماری، تعامل میان طراح و بهره بردار. هنرهای زیبا دانشگاه تهران - شماره ۴۳، ۳۱-۴۲.
۲۰. فارسیان، محمد رضا (۱۳۹۱) بررسی فرایند صنعتی سازی ساختمان و الزامات آن. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۱. قبادیان، وحید (۱۳۸۲) مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۲. قنبری، ابوالفضل و ظاهری، محمد (۱۳۸۹) ارزیابی سیاست‌های کلان مسکن در برنامه‌های قبل و پس از انقلاب اسلامی ایران. تهران: مجله مسکن و محیط روستا.
۲۳. کامل نیا، حامد (۱۳۸۷) پایان نامه دکتری: معماری و الگوواره‌های طراحی جمعی. پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
۲۴. کرمی، پرستو (۱۳۸۹). جایگاه تکنولوژی در معماری سبز و توسعه پایدار. تهران: فصلنامه تخصصی معماری طراح - شماره ۱.
۲۵. گرجی مهلبانی، یوسف (۱۳۸۹) معماری پایدار و نقد آن در حوزه محیط زیست. تهران: نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران.
۲۶. گلابچی، محمود (۱۳۸۹) پنجمین دوره سلسله

- Customizing customization, Sloan management review 38(1). 21-30
44. Larsen, L. H., & Kirkendall, R. S. (2004). A History of Missouri: 1953 to 2003. Missouri: University of Missouri Press.
45. Lawson, B.(1980). How Designers Think, London, The Architectural Press Ltd.
46. Macintosh, A. &. (2006).) Which direction?: A review of monitoring & reporting in Australia. Redfern: Australian Collaboration.
47. Munier, N. (2005). Introduction to Sustainability: Road to a Better Future. The netherlands: Springer.
48. Niemeijer, R. A. (2011). A user-oriented approach for mass customization. Technische Universiteit Eindhoven, 10-24.
49. Omiya, J. (2000). Citizen Participation for Good Governance and Development at local level in Kenya. Regional Dialogue, Vol. 21, No1, 198-212.
50. Salama, A. (1996). Environmental Evaluation. journal of Architectural Research.
51. Sammuel, P. (1987). Community Participation in Development Projects. World Bank.
52. Santos, R. (2006). Stakeholder participation in the design of environmental policy mixes. Ecological, 100-110.
53. Scharma, C. (2000). Popular Participation For Good Governance and Development at local level, the case. Regional Development Dialogue, Spring Vol. 21, No1, 177-191.
54. Stenseke, M. (2009). Local participation in cultural landscape maintenance: Lessons from Sweden. Land Use, 214-223.
55. Thomas, R. (2003). Sustainable Urban Design, an invironmental approach. UK: Spon Press.
56. Van den Thillart, C. (2004). ustomised Industrialisation in the Residential Sector: Mass customisation modelling as a tool for benchmarking, variation and selection. Sun.
57. Walter Segal. (2013, 03 26). Directory of Architects & Designers. Retrieved from T h e m o d e r n h o u s e : <http://www.themodernhouse.net/directory-of-architects-and-designers/walter-segal/>
58. Zipkin, P. (2005). The Limits of Mass Customization. MIT Sloan Management Review; Spring2001, Vol. 42 Issue 3, p81, 7p



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

تعیین اولویت پهنه‌های مستعد توریسم تاریخی - فرهنگی استان اصفهان با استفاده GIS

سید اسکندر صیدایی گل سفیدی - دانشیار دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
سیده سمیه حسینی* - دانشجوی دکتری توریسم، دانشگاه کازان، کازان، روسیه.

Determining the Priorities of the Areas Fit for Cultural-historical Tourism of Isfahan Province Using GIS

Abstract

According to Universal World Tourism Organization (UNWTO), cultural tourism refers to "the travelling of the human beings with merely cultural motivations such as academic, artistic and learning tours as well as their journeys for academic purposes, taking part in the festivals and other cultural events, visit to the sites and places, travel with an academic nature, folklore or art and pilgrimage..." Technically, cultural tourism includes the travelling of the human beings for the purpose of visiting the specific cultural attractions such as cultural heritage sites, cultural aesthetic symbols, arts and parades events which are situated outside of their ordinary living place.

The first step for putting the tourism development wheel into motion is to identify and present the existing potential capabilities which can provide the development areas by recognition and all-encompassing planning. Due to its invaluable historical buildings, Isfahan province can be very successful in this area. The present study intends to determine the prioritized areas apt for cultural-historical tourism in Isfahan province, Iran. Considering the components under research, this study is applied-developmental in nature with its methodology being descriptive-survey based on systematic analysis. To carry out the assessment, scoring the areas has been done based on three variables, namely the number of attractions, the level of performance (national, local and international) and level of access (pedestrian or vehicle access) to the cultural-historical attraction sites. Based on the given scores, the cultural-historical attractions of Isfahan province have been divided into 5 categories which are as follows: the first category includes all the regions which do not have any cultural-historical attraction (score=0). The second category includes the regions whose cultural-historical attraction scores range between 0-108, the third category includes the regions whose scores vary between 108 and 211, the fourth category includes the regions whose scores were between 211 and 315 and finally, the fifth category covers the regions whose scores are over 315. To put it differently, the highest capacity for the historical-cultural tourism of Isfahan city is centrally situated in two areas i.e. the center area with the centrality of Isfahan city and North-East area with the centrality of Kashan city and then, Natanz. The research on the capacity analysis of Isfahan province in terms of cultural-historical tourism development shows that based on the given scores, nearly 29.51% and 19.6% of the total attractions of the province and 34.7% and 22.55% of the cultural-historical tourism attractions of the region respectively belong to Isfahan and Kashan towns. In more detail, 76.49% of the historical-cultural attractions of Isfahan province belong to Isfahan while the scores obtained for its different regions are as follows: 50% for region 3, 19.82% for region 1, 13.36% for region 6, 10.91% for region 5. Given the fact that Isfahan city possesses the highest number of the Isfahan province's cultural-historical tourism sources and potentialities some of which are among the most prominent national attractions and of global prestige, it can be claimed that Isfahan city has been known as the first axis of cultural-historical tourism while Kashan city ranked second due to its recognized historical attractions. Accordingly, it can be concluded that cultural-historical tourism can be considered as one of the most important and potential development areas for these two cities.

Keywords: historical-cultural tourism, Geography Information System (GIS), Isfahan province

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین اولویت پهنه‌های مستعد توریسم تاریخی - فرهنگی در استان اصفهان انجام گرفته است. با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای بوده و روش تحقیق توصیفی - پیمایشی و بر اساس تجزیه و تحلیل سیستمی می‌باشد. در این تحقیق به منظور ارزیابی بر اساس تعداد جاذبه، سطوح عملکرد (ملی، محلی، بین المللی) و سطوح دسترسی (پیاده، سواره) نسبت به جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی امتیاز داده شده است. بر اساس امتیازات جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی استان اصفهان به ۵ طبقه تقسیم شده است. طبقه اول مناطقی هستند که هیچگونه جاذبه تاریخی - فرهنگی در آنها وجود ندارد و در واقع دارای امتیاز ۰ می‌باشند. دسته دوم شامل مناطقی که امتیازات جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی آنها بین ۰-۱۰۸، طبقه سوم شامل مناطقی که امتیازات آنها بین ۱۰۸ تا ۲۱۱، طبقه چهارم شامل مناطقی که امتیازات آنها بین ۲۱۱ تا ۳۱۵ می‌باشند. امتیازات جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی طبقه پنجم از ۳۱۵ به بالا می‌باشند. به عبارت دیگر، بیشترین ظرفیت توریسم تاریخی - فرهنگی استان اصفهان به صورت متمرکز در دو پهنه مرکز به مرکزیت شهر اصفهان و شمال شرق به مرکزیت شهر کاشان و بعد از آن شهر نطنز گسترده شده است؛ با توجه به اینکه این مرکزیت بر حسب تعداد جاذبه، سطوح عملکرد و دسترسی به جاذبه‌ها می‌باشد. تا شعاع ۴۰ کیلومتری از مرکز شهر اصفهان و کاشان رادبر می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت که شهر اصفهان به عنوان قطب اول گردشگری تاریخی - فرهنگی استان مطرح بوده و شهر کاشان از جهت جاذبه‌های تاریخی شناخته شده در آن، پس از شهر اصفهان قرار دارد؛ بنابراین یکی از مهمترین زمینه‌های توسعه‌ی در شهر اصفهان و کاشان توسعه‌ی گردشگری تاریخی - فرهنگی می‌باشد. واژگان کلیدی: توریسم تاریخی - فرهنگی، سیستم اطلاعات جغرافیا، استان اصفهان.

(بازدیدکنندگان) را جذب نموده و امکان دیده شدن مقاصد در سطح بین المللی بواسطه سیاستهای تدوین شده از سوی بخش خصوصی، کشورهای میزبان و کمیته میراث جهانی را افزایش می دهند (دراست، ۱۹۹۶). در سال ۱۹۹۸ تعداد بازدید سالیانه به ثبت رسیده از ۱۱۶ مکان میراث طبیعی جهان تقریباً ۶۳ میلیون بوده است (تورسل و سیگاتی، ۱۹۹۸) که این رقم تقریباً یک دهم تعداد ورود گردشگران بین المللی می باشد (سازمان توریسم جهانی (WTO)، ۲۰۰۵) و تمامی نشانه ها حاکی از روند افزایشی بازدید از امکان میراث جهانی می باشد (WTO، ۱۹۹۹).

میراث یکی از مهمترین مولفه های توریسم در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته می باشد که سرعت رشد آن نیز بیش از سایر مولفه ها می باشد (آلزو، اولثاری و موریسون، ۱۹۹۸، هربرت، ۲۰۰۱). در ایالات متحده آمریکا، توریسم میراثی یکی از بخشهای مهم توریسم داخلی نیز محسوب می شود که در خلال سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ به نرخ رشد سالیانه معادل ۱۳ درصد رسیده است که تقریباً ۲۱۶٫۸ میلیون سفر شخصی به اماکن میراثی در سال ۲۰۰۲ و هزینه متوسطی بالغ بر ۶۲۳ دلار را به همراه داشته است که این رقم تقریباً ۵۰ درصد بالاتر از گردشگران (بازدیدکنندگان) غیر میراثی می باشد (انجمن صنعت گردشگری آمریکا و مجله اسمیت سونیان، ۲۰۰۳).

علاوه بر نقش توریسم میراثی در توسعه اقتصاد، این نوع توریسم در سطح گسترده بعنوان روشی مؤثر جهت دستیابی به نقش آموزشی توریسم مورد تایید قرار گرفته است (آشورت و ترن بریج، ۱۹۹۹، دین، مورگان، و تان، ۲۰۰۲، لایت، ۲۰۰۰، لوونتال، ۱۹۹۸، ترن بریج، ۱۹۹۴) که این امر از طریق کمک به دولت در اثرگذاری بر عقاید عمومی و کسب حمایت برای اهداف ایدئولوژیکی ملی (گوردون، ۱۹۶۹)، ترویج آمال و اهداف ملی (کوهن - هتب، ۲۰۰۴)، ساخت یک تصویر ملی مثبت (ریشتر، ۱۹۸۰) و تولید هویت ملی (هال، ۱۹۹۵، اوکانر، ۱۹۹۳، پریتز، ۲۰۰۳، یوری، ۱۹۹۰) تحقق می یابد. با توجه به اهمیت توریسم میراثی بعنوان یک پدیده اقتصادی و سیاسی، جای تعجب است که تحقیقات آکادمیک اندکی در راستای ارزیابی شرایطی صورت گرفته است که می بایست برای تضمین پایداری اماکن میراثی

صنعت گردشگری بطور قابل توجهی در دهه های اخیر افزایش یافته است به طوری که به یکی از منابع اصلی درآمد در بسیاری از کشورها تبدیل شده است (1:2002 Casagranti and Rinaldi). پتانسیل بالقوه این صنعت برای تولید درآمد ارز خارجی، جذب سرمایه گذاری های بین المللی، افزایش درآمدهای مالیاتی و ایجاد مشاغل، انگیزه های برای کشورهای در حال توسعه در ترویج گردشگری به عنوان یک موتور برای رشد کلان اقتصادی بوده است (Torres and Momsen, 2004: 294). سازمان جهانی گردشگری UNWTO گردشگری فرهنگی را اینچنین تعریف می کند: «حرکت انسانها با انگیزه صرفاً فرهنگی مانند تورهای تحصیلی، یادگیری هنر، مسافرت برای جشنواره ها و سایر رویدادهای فرهنگی، بازدید از سایتها و بناها، سفر با ماهیت تحصیلی، فولکلور یا هنر و زیارت.» از نظر فنی گردشگری فرهنگی شامل حرکت انسان برای دیدن جاذبه های فرهنگی خاص همچون مکان های میراث های فرهنگی، نشانه های زیباشناختی و فرهنگی، هنرها و نمایش ها که در خارج از مکان معمولی سکونت قرار دارد، می شود.

از زمان پذیرش کنوانسیون مربوط به حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی جهان در سال ۱۹۷۲، حدود ۸۱۷ مکان در سطح جهان به عنوان اماکن میراث جهانی شناخته شده اند (مرکز میراث جهانی (WHC)، ۲۰۰۵). بسیاری از آثار تاریخی باشکوه مربوط به گذشته به این فهرست شکوه بخشیده که هر کدام نقشی منحصر بفرد در تاریخ بشر ایفا نموده اند (شاکلی، ۱۹۹۸). برای بسیاری از کشورها، اماکن میراث جهانی بعنوان نماد محسوب می شوند که تأثیرگذاری آنها بر ارزشهای جاری همچنان ادامه دارد (هیات بین المللی آثار و اماکن تاریخی (ICOMOS)، ۱۹۹۳). اگرچه فهرست میراث جهانی با توافق جهانی با هدف شناسایی، به رسمیت شناختن و حفاظت از اماکن با ارزش جهانی حاصل شده است اما از اماکن میراث جهانی به طور فزاینده بعنوان یک ابزار برای فعالیتهای و برنامه های انجام شده در جهت بازاریابی توریسم (گردشگری) بهره گرفته شده است که این برنامه ها هر ساله شمار وسیعی از گردشگران



محقق شوند (گروود و فیال، ۲۰۰۰).

استان اصفهان به دلیل دارا بودن صدها ابنیه با ارزش تاریخی در این زمینه می‌تواند بسیار موفق باشد. اولین گام برای به حرکت درآوردن چرخ اقتصادی توریسم، شناسایی و معرفی قابلیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه موجود است که با شناخت و برنامه ریزی همه جانبه می‌توان زمینه‌های بهره‌برداری اقتصادی را مهیا نمود. به عبارت دیگر، بدون آگاهی و شناخت پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها در هر منطقه، امکان برنامه ریزی وجود نخواهد داشت. در واقع شناخت ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های هر منطقه به محقق این امکان را می‌دهد تا بر اساس وضع موجود و توان منطقه متناسب توسعه و جهت آن را شناسایی کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف تعیین اولویت پهنه‌های مستعد توریسم تاریخی - فرهنگی در استان اصفهان انجام گرفته است. با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی نوع تحقیق کاربردی - توسعه ای بوده و روش تحقیق توصیفی - پیمایشی و براساس تجزیه و تحلیل سیستمی با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، ارزیابی قابلیت‌ها، تلفیق و ترکیب و تعیین مناطق مستعد می‌باشد. در این تحقیق به منظور ارزیابی بر اساس تعداد جاذبه، سطوح عملکرد (ملی، محلی، بین المللی) و سطوح دسترسی (پیاده، سواره) نسبت به جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی امتیاز داده شده است.

معرفی منطقه مورد مطالعه

استان اصفهان با مساحتی حدود ۱۰۷۰۱۹ کیلومتر مربع بین ۳۰ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان که در مرکز ایران واقع شده از شمال به استان‌های مرکزی، قم و سمنان از جنوب به استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد از شرق به استان یزد و از غرب به استان‌های لرستان و چهارمحال بختیاری محدود است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰ این استان شامل ۲۳ شهرستان، ۱۰۴ شهر، ۴۵ بخش و ۱۲۴ دهستان می‌باشد و مرکز آن شهر اصفهان است (سالنامه آماری استان اصفهان).

فرایند انجام پژوهش

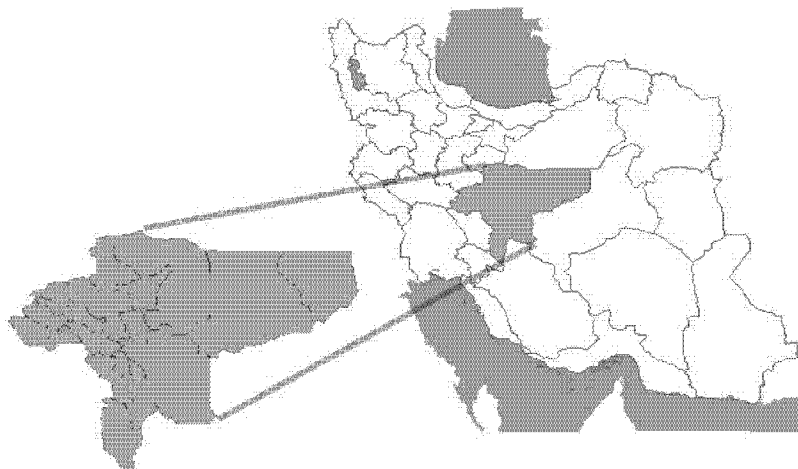
این پژوهش مبتنی بر تجزیه و تحلیل سیستمی است و با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، ارزیابی قابلیت‌ها، تلفیق و ترکیب و تعیین مناطق مستعد بر اساس تجزیه و تحلیل سیستمی، در پنج مرحله به شرح زیر انجام می‌شود:

- ۱- «شناسایی منابع»: به طور خلاصه فرآیند شناسایی منابع شامل مراحل: «۱-۱. تهیه نقشه پراکندگی آب انبار، حمام تاریخی و آسیاب؛ ۱-۲. تهیه نقشه پراکندگی امام زاده، بقعه، آرامگاه، زیارتگاه و خانقاه؛ ۱-۳. تهیه نقشه پراکندگی خانه تاریخی؛ ۱-۴. تهیه نقشه پراکندگی

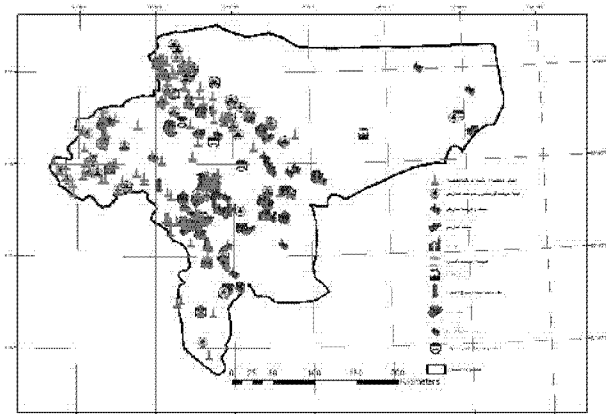
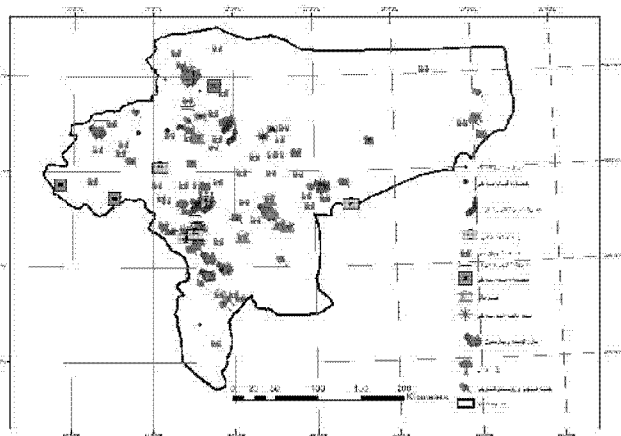


فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۷



نقشه ۱. موقعیت استان اصفهان؛ ماخذ: نگارندگان.



نقشه ۲ و ۳. پراکندگی جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی استان اصفهان؛
ماخذ: نگارندگان.

مسجد و مدرسه تاریخی؛ ۱-۵. تهیه نقشه پراکندگی قلعه و کاروانسرا؛ ۱-۶. تهیه نقشه پراکندگی بافت قدیمی و روستای تاریخی؛ ۱-۷. تهیه نقشه پراکندگی تپه، محوطه، قبرستان و مجموعه تاریخی؛ ۱-۸. تهیه نقشه پراکندگی عمارت، قصر، تالار و کاخ؛ ۱-۹. تهیه نقشه پراکندگی چهار طاقی و آتشکده؛ ۱-۱۰. تهیه نقشه پراکندگی سد و پل تاریخی و مادی ها؛ ۱-۱۱. تهیه نقشه پراکندگی کتیبه و سنگ نگاره؛ ۱-۱۲. تهیه نقشه پراکندگی باغ تاریخی؛ ۱-۱۳. تهیه نقشه پراکندگی بازار، تیمچه و چهار سوق؛ ۱-۱۴. تهیه نقشه پراکندگی مجسمه و میدان تاریخی؛ ۱-۱۵. تهیه نقشه پراکندگی کارخانه، معدن و بنای تاریخی؛ ۱-۱۶. تهیه نقشه پراکندگی محله‌ی تاریخی و گذر؛ ۱-۱۷. تهیه نقشه پراکندگی یخچال و قنات تاریخی؛ ۱-۱۸. تهیه نقشه پراکندگی حسینیه و تکیه؛ ۱-۱۹. تهیه نقشه پراکندگی غار و چاه تاریخی؛ ۱-۲۰. تهیه نقشه پراکندگی کبوترخانه، مناره، برج و بارو؛ ۱-۲۱. تهیه نقشه پراکندگی کلیسا؛ ۱-۲۲. تهیه نقشه پراکندگی کنیسه؛ ۱-۲۳. تهیه نقشه پراکندگی جاذبه‌های فرهنگی؛ ۱-۲۴. تهیه نقشه پراکندگی سایر جاذبه‌های تاریخی، است.

متوسط قرار دارند و اندازه‌ی بوفر ۴۰ کیلومتر برای جاذبه

هایی که در داخل شهرهای بزرگ قرار دارند.

۳- «امتیاز دهی»: پس از تعیین سطوح، به امتیازدهی هر لایه اطلاعاتی و تهیه نقشه آنها به منظور آماده سازی آنها برای تهیه نقشه ظرفیتهای گردشگری می پردازیم. در نرم افزار ArcGIS هر لایه نقشه دارای جدولی است. تهیه، تنظیم و تکمیل جدول ویژگیهای جاذبه‌های توریستی برای آن است که برای کار ارزیابی آماده شود برای نیل به این مقصد بر اساس تعداد جاذبه، سطوح عملکرد (ملی، محلی، بین المللی) و سطوح دسترسی (پیاده، سواره) به هر یک از جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی امتیاز داده شده است (نمایش جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی بر روی نقشه به صورت نقطه ای می باشد).

۲- «تعیین سطوح دسترسی»: برای مشخص کردن سطوح دسترسی در این پژوهش از بوفر استفاده شده است. برای دسترسی پیاده اندازه‌ی بوفر بین (۱، ۴، ۶) کیلومتر در نظر گرفته شد. یک کیلومتر برای جاذبه‌هایی که در داخل روستا و یا خارج از محدوده‌ی روستا و یا شهر قرار داشته باشند، ۴ کیلومتر برای جاذبه‌هایی که در داخل شهرهای کوچک و متوسط و ۶ کیلومتر برای جاذبه‌هایی که در داخل شهرهای بزرگ قرار دارند. برای دسترسی سواره اندازه‌ی بوفر بین (۹۰، ۵۰، ۴۰) کیلومتر می باشد. ۹۰ کیلومتر برای جاذبه‌هایی که در داخل روستا و یا خارج از محدوده‌ی روستا و یا شهر قرار دارند، ۵۰ کیلومتر برای جاذبه‌هایی که در داخل محدوده‌ی شهرهای کوچک و

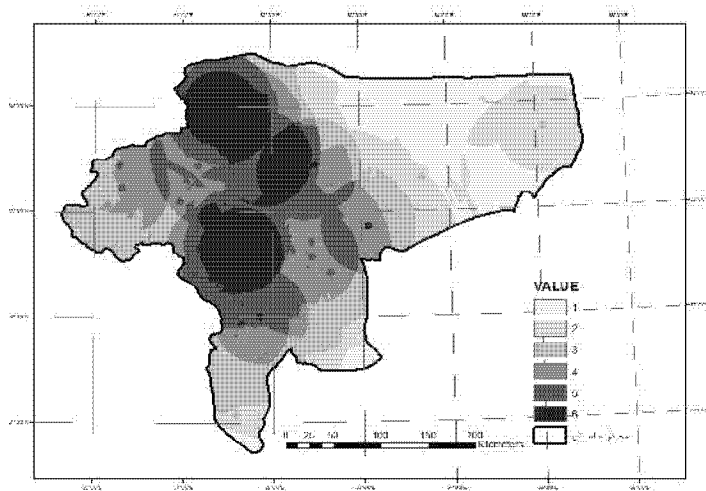
جدول ۱. درصد جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی در هر شهرستان

| KOD | NAME | درصد جاذبه های تاریخی هر شهرستان |
|-----|---------------------|----------------------------------|
| ۱ | Bidgol & Aran | ۴،۵۹ |
| ۲ | Ardestan | ۴،۵۹ |
| ۳ | Isfahan | ۳۴،۰۷ |
| ۴ | Borkhar | ۱،۸۴ |
| ۵ | carvan & Tiran | ۰،۴۲ |
| ۶ | Chadegan | ۰،۶۳ |
| ۷ | Khomeini Shahr | ۲،۶۹ |
| ۸ | Khansar | ۰،۱۵ |
| ۹ | Khoor | ۰،۸۴ |
| ۱۰ | Dehaghan | ۱،۲۶ |
| ۱۱ | Semirom | ۰،۵۸ |
| ۱۲ | Meme & Shahin shahr | ۲،۷۴ |
| ۱۳ | Shahreza | ۲،۳۸ |
| ۱۴ | Frieden | ۰،۴۲ |
| ۱۵ | Fereidoonshahr | ۱،۱ |
| ۱۶ | Falavarjan | ۰،۲۶ |
| ۱۷ | Kashan | ۲۲،۵۵ |
| ۱۸ | Golpaygan | ۱،۱۶ |
| ۱۹ | Lenjan | ۱،۵۳ |
| ۲۰ | Mobarake | ۴،۳۸ |
| ۲۱ | Nacin | ۲،۲۲ |
| ۲۲ | Najafabad | ۱،۲۶ |
| ۲۳ | Natanz | ۶،۲۳ |



معدن و بنای تاریخی، محله‌ی تاریخی و گذر، یخچال و قنات تاریخی، حسینیه و تکیه، غار و چاه تاریخی، کبوترخانه، مناره، برج و بارو، کلیسا، کنیسه، جاذبه‌های فرهنگی، سایر جاذبه‌های تاریخی که اجزاء تجزیه شده آن هستند، باهمدیگر تلفیق شوند. برای تلفیق ۲۴ نقشه ذکر شده از روش رویهم‌گذاری استفاده شد. سپس با روی هم‌گذاری نقشه‌های فوق، نقشه ظرفیت‌های گردشگری تاریخی - فرهنگی تهیه گردیده است. (شکل شماره ۴) در نرم افزار ArcGIS این مناطق مشترک به طور خودکار با انداختن چند نقشه روی همدیگر مشخص می‌شوند. البته، کاربر در این مورد باید قبل از رویهم‌گذاری و تجزیه و تحلیل شروط خود را برای نرم افزار بیان کند تا نرم افزار طبق آن پارامترها را تحلیل و محدوده‌های مشترک را

امتیازات براساس سطوح دسترسی ۵ و ۱۰ و براساس سطح عملکرد بین ۱ تا ۵ متغیر می‌باشند. در جدول شماره یک براساس امتیازات داده شده درصد جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی در هر شهرستان محاسبه شده است. ۴- «تلفیق لایه‌ها»: برای تهیه نقشه ظرفیت‌های گردشگری تاریخی - فرهنگی لازم است که نقشه‌های پراکندگی آب انبار، حمام تاریخی آسیاب، امام زاده، بقعه، آرامگاه، زیارتگاه و خانقاه، خانه تاریخی، مسجد و مدرسه تاریخی، قلعه و کاروانسرا، بافت قدیمی و روستای تاریخی، تپه، محوطه، قبرستان و مجموعه تاریخی، عمارت، قصر، تالار و کاخ، چهارطاقی و آتشکده، سد و پل تاریخی و مادی‌ها، کتیبه و سنگ نگاره، باغ تاریخی، بازار، تیمچه و چهارسوق، مجسمه و میدان تاریخی، کارخانه،



نقشه ۴. جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی استان اصفهان از لحاظ تعداد جاذبه، سطوح دسترسی و عملکرد؛
 ماخذ: یافته‌های تحقیق.

تعیین و نقشه را ترسیم نماید.

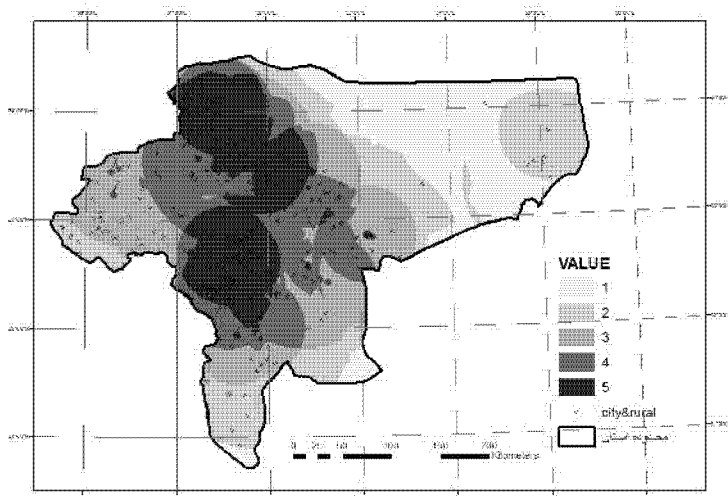
مرکز شهر اصفهان و کاشان را در بر می‌گیرد.

۵- «جمع بندی داده‌ها»: جمع بندی داده‌ها در واقع اصلی‌ترین و در عین حال مشکل‌ترین کار ارزیابی است، زیرا پس از جمع بندی داده‌ها عمل ارزیابی به آسانی قابل اجراست در مرحله ارزیابی پتانسیل و ظرفیت گردشگری تاریخی- فرهنگی و نقاط روستایی و شهری برای توسعه توریسم تاریخی- فرهنگی در روی نقشه به نمایش گذاشته شده است و پایان این مرحله، ارزیابی می‌تواند «ظرفیت بالقوه منطقه» را بسنجد. بر اساس امتیازات جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی استان اصفهان به ۵ طبقه تقسیم شده است (نقشه شماره ۵). طبقه اول مناطقی هستند که هیچگونه جاذبه تاریخی- فرهنگی در آنها وجود ندارد در واقع دارای امتیاز ۰ می‌باشند. دسته دوم شامل مناطقی که امتیازات جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی آنها بین ۰-۱۰۸، طبقه سوم شامل مناطقی که امتیازات آنها بین ۱۰۸ تا ۲۱۱، طبقه چهارم شامل مناطقی که امتیازات آنها بین ۲۱۱ تا ۳۱۵ می‌باشند. امتیازات جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی طبقه پنجم از ۳۱۵ به بالا می‌باشند. به عبارت دیگر، بیشترین جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی استان اصفهان در مرکز به مرکزیت شهر اصفهان و در شمال شرق به مرکزیت شهر کاشان و بعد از آن شهر نطنز می‌باشند. با توجه به اینکه این مرکزیت بر حسب تعداد جاذبه، سطوح دسترسی و عملکرد جاذبه‌ها می‌باشند؛ بنابراین این مرکزیت تا شعاع ۴۰ کیلومتری از

بر طبق نقشه روستا قه‌ی و شهر اصفهان در شهرستان اصفهان و روستاهای مشهد ارده‌ال، جوشقان استرک، طاهر آباد، ازوار، علوی، رهق، ون، جوینان، راوند، قهرود و شهرهای قمصر و کاشان در شهرستان کاشان و شهرهای نطنز، خالد آباد، بادرود و روستاهای ایبانه و آب سنجد در شهرستان نطنز در این دو پهنه گسترده شده‌اند. شهرهای آران و بیدگل، نوش آباد و روستاهای یزدل و علی اباد در شهرستان آران و بیدگل، شهرهای زواره، اردستان و روستای موغار در شهرستان اردستان، شهر نائین در شهرستان نائین، روستاهای کلهر، سه، مورچه خورت و شهرگز و برخوار در شهرستان شاهین شهر و میمه دارای بیشترین امتیاز به صورت پهنه‌های غیر متمرکز می‌باشند.

نتیجه گیری و جمع بندی

طبقه بندی‌های مختلفی از منابع و جاذبه‌های گردشگری صورت گرفته است که یکی از مهمترین آنها طبقه بندی ادوارد اینسکیپ می‌باشد که منابع و جاذبه‌ها را به سه دسته اصلی طبیعی، تاریخی - فرهنگی و انسان ساخت تقسیم نموده است، هر یک از این سه گونه اصلی دارای زیرگونه هایی می‌باشند و منابع تاریخی - فرهنگی استان اصفهان نیز براساس همین طبقه بندی مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های تحقیق، زمینه گسترش فعالیت‌های توریسم تاریخی -



نقشه ۵. همپوشانی لایه‌های اولویت‌بندی جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی و نقاط شهری و روستایی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

توجه به اینکه این مرکزیت برحسب تعداد جاذبه، سطوح عملکرد و دسترسی به جاذبه‌ها می‌باشند؛ بنابراین این مرکزیت تا شعاع ۴۰ کیلومتری از مرکز شهر اصفهان وکاشان را دربرمی‌گیرد.

پژوهش صورت گرفته در ظرفیت‌سنجی استان اصفهان به جهت توسعه گردشگری تاریخی - فرهنگی نشان می‌دهد که تقریباً ۲۹.۵۱ و ۱۹.۰۶ درصد جاذبه‌های کل استان و ۳۴.۰۷ و ۲۲.۵۵ درصد جاذبه‌های گردشگری تاریخی - فرهنگی منطقه بر اساس امتیازات داده شده به ترتیب متعلق به شهرستان‌های اصفهان وکاشان میباشد که ۷۶.۴۹ درصد از جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی شهرستان اصفهان متعلق به شهر اصفهان که از این مقدار ۵۰ درصد متعلق به منطقه ۳ شهر اصفهان، ۱۹.۸۲ درصد متعلق به منطقه ۱، مقدار ۱۳.۳۶ درصد متعلق به منطقه ۶ و ۱۰.۹۱ درصد متعلق به منطقه ۵ شهر اصفهان می‌باشند. با توجه به اینکه شهر اصفهان بیشترین تعداد منابع و پتانسیل‌های گردشگری تاریخی - فرهنگی استان را در خود جانی‌ کرده است که برخی از آنها، از شاخص‌ترین جاذبه‌های کشور محسوب میشوند و از شهرت جهانی برخوردارند. بنابراین می‌توان گفت که شهر اصفهان به عنوان قطب اول گردشگری تاریخی - فرهنگی استان مطرح بوده و شهرکاشان از جهت آثار تاریخی - فرهنگی، و پیشینه‌ی تاریخی و جاذبه‌های تاریخی شناخته شده در آن، پس از شهر اصفهان قرار

فرهنگی در استان اصفهان و به تبع آن در شهرستانها و نقاط شهری و روستایی منطقه وجود دارد بر اساس اطلاعات گردآوری شده در مرحله تجزیه و تحلیل، نتیجه ارزیابی توان را به صورت طبقه‌بندی ارائه می‌دهد. هر یک از این طبقات دارای ویژگی مشخصی هستند. برای شناخت بهتر توان منطقه و ارزیابی سکونت‌گاه‌های روستایی و شهری از نظر توسعه گردشگری تاریخی - فرهنگی با استفاده از نقشه جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی استان اصفهان از لحاظ سطوح دسترسی و عملکرد و تلفیق لایه نقاط روستایی و شهری بر نقشه‌های اخیر به بررسی جایگاه آنها از لحاظ توان گردشگری تاریخی - فرهنگی پرداخته‌ایم. به گونه‌ای که هر یک از طبقات دارای ویژگی مشخصی هستند. طبق نقشه شماره ۴ در استان اصفهان ارزیابی در پنج سطح صورت گرفته است که طبقه ۱ فاقد ظرفیت و طبقه پنجم دارای بالاترین ظرفیت یا نزدیک به مناطق دارای ظرفیت بالا برای توسعه گردشگری تاریخی - فرهنگی در منطقه می‌باشد. به عبارت دیگر ارزیابی توان گردشگری در منطقه و ارتباط این ارزیابی با سکونتگاه‌ها که در نتیجه روی هم گذاری نقشه مناطق شهری و روستایی و نقشه مناطق مستعد (شکل ۴) منطقه است، نشان داد که بیشترین ظرفیت توریسم تاریخی - فرهنگی استان اصفهان در مرکز به مرکزیت شهر اصفهان و در شمال شرق به مرکزیت شهرکاشان و بعد از آن شهر نطنز می‌باشند. با

York, 1991

15. Jarrod, B., & Fayal, A. (2000). Managing heritage tourism. *Annals of Tourism Research*, 27(3), 682-708.

16. Light, D. (2000). Gazing on communism: heritage tourism and post communist identities in Germany, Hungary and Romania. *Tourism Geographies*, 2(2), 157-176.

17. lowenthal. D. (1998). *The heritage crusade and the spoils of history*. Cambridge: Cambridge University Press.

18. O'Connor, B. (1993). Myths and mirrors: Tourism images and national identity. In B. O'Connor, & M. Cronin (Eds.), *Tourism in Ireland: A critical analysis* (pp. 68-85). Cork: Cork University Press.

19. Prates, M. (2003). Tourism and nationalism. *Annals of Tourism Research*, 30(1), 125-142.

20. Shackley, M. (1998). Visitor management: Case studies from World Heritage Sites. Oxford: Butterworth-Heinemann.

21. Thorsell, J., & Sigaty, T. (1998). Human use of World Heritage Natural Sites: A global overview [Electronic Version]. Global Theme Study of World Heritage Natural Sites. Retrieved October 2005 from /http://

22. Torres, Rebecca, and Mommsen, Janet Hens hall, (2004): Challenges and potential for linking tourism and agriculture to achieve pro-poor tourism objectives, *Progress in Development Studies* 4,4, pp. 294-318

23. Tunb ridge, J. E. (1994). Whose heritage? Global problem, European nightmare. In G. J. Ashworth, & P. J. Lark ham (Eds.), *Building a New Heritage: Tourism, culture and identity in the New Europe* (pp. 123-134). London: Rutledge.

24. Tunb ridge, J. E. (1994). Whose heritage? Global problem, European nightmare. In G. J. Ashworth, & P. J. Lark ham (Eds.), *Building a New Heritage: Tourism, culture and identity in the New Europe* (pp. 123-134). London: Rutledge.

25. Urey, J. (1990). *The tourist gaze: Leisure and travel in contemporary societies*. London: SAGE.

26. WHC. (2005). Retrieved at /http://whc.unesco.orgS.

27. World-Tourism organization, *Tourism high Lights*, 2005

28. WTO. (1999). *International tourism: A global perspective*. Madrid: World

دارد؛ بنابراین یکی از مهمترین زمینه‌های توسعه‌ی منابع در شهر اصفهان و کاشان توسعه‌ی جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی می‌باشد.

منابع و ماخذ

۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اصفهان (۱۳۹۰) سالنامه آماری استان اصفهان، معاونت آمار و اطلاعات، انتشارات پویندگان توسعه، اصفهان

۲. طرح جامع گردشگری استان اصفهان، شهرستان اصفهان، ص ۱۰۳: ۱۳۸۸

3. Alzue, A., O'Leary, J., & Morrison, A. M. (1998). Cultural and heritage tourism: identifying niches for international travelers. *The Journal of Travel and Tourism Studies*, 9(2), 2-13.

4. Ashworth, G. E., & Turn bridge, J. E. (1990). *The tourist historic city*. London: Belhaven.

5. Cohen-Hattab, K. (2004). Zionism, tourism, and the battle for Palestine: Tourism as a political-propaganda tool. *Israel Studies*, 9(1), 61-85.

6. Dean, A., Morgan, D., & Tan, T. E. (2002). Service quality and customers' willingness to pay more for travel services. *Journal of Travel and Tourism Marketing*, 11, 95-110.

7. Dorset, A. (1996). Developing sustainable tourism for World Heritage Sites. *Annals of Tourism Research*, 23(2), 479-492.

8. Dorset, A. (1996). Developing sustainable tourism for World Heritage Sites. *Annals of Tourism Research*, 23(2), 479-492.

9. Drost, A. (1996). Developing sustainable tourism for World Heritage Sites. *Annals of Tourism Research*, 23(2), 479-492.

10. Gordon, R. (1969). *Interviewing: Strategy, techniques and tactics*. Home wood, IL: Dorsey Press.

11. Hall, D. R. (1995). Eastern Europe: Tourism/leisure perspective—An introduction. In D. Leslie (Ed.), *Tourism and Leisure—Culture, Heritage and Participation* (pp. 3-10). Brighton: Leisure Studies Association.

12. Herbert, D. (2001). *Literary places, tourism and the heritage experience*.

13. ICOMOS. (1993). *Tourism at World Heritage Cultural Sites: The site manager's handbook* (2nd ed). Madrid: World Tourism Organization.

14. Ins keep, Edward, *Tourism planning*, New



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۳۲

بررسی دیدگاه اعضای شورای شهر تبریز در مورد بهسازی و بازسازی بافت محله مقصودیه شهر تبریز بر مبنای روش سروکوال

رعنا نجاری نابی* - کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.
باعثه رضایی - کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

سرعت تغییرات در بافت قدیم شهرها، اهمیت نحوه نگرش و چگونگی برخورد با آنها را آشکار می‌سازد. بافت تاریخی شهرها در گذشته پاسخگوی بسیاری از نیازهای کالبدی و اجتماعی و روانی ساکنان آنها بوده است. تاثیر چنین مکانهای ماندگار در شکل دهی به ارتباطات اجتماعی و مشارکت مردم در احیاء و نگهداری این بافتها، در مقطعی از حیات آنها بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که نتیجه آن خیابان‌کشی‌ها و عدم انسجام محلات و در ادامه از بین رفتن مفهوم محله می‌باشد، اهمیت فراوانی می‌یابد. جامعه آماری پژوهش حاضر، مشتمل بر بافت شهری محله مقصودیه تبریز و ارائه پرسش‌نامه برای اعضاء شورای اسلامی شهر تبریز می‌باشد. روش تحقیق با استفاده از رویکردهای توصیفی - پیمایشی و ارائه پرسشنامه صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر دیدگاه مثبت مدیران حوزه‌های شهری به بهسازی بافت محله مقصودیه شهر تبریز می‌باشد. نتایج حاصل از تحقیق می‌توان برای ارتقاء زیرساخت‌های چک لیست پیشنهادی محقق در امر ارتقاء فضاهای شهری محلات تاریخی بهره جست. واژگان کلیدی: شورای شهر، بهسازی و بازسازی شهری، سروکوال، محله مقصودیه شهر تبریز.

Rehabilitation and Reconstruction of Tabriz Alleys in City Council Members Viewpoint with SERVQUAL Method (Case Study: Maghsodie Alley of Tabriz)

Abstract

Rapid changes in the texture of the old city reveal the importance of attitude and how to deal with them. Historical textures of the city responded to many physical and psychological and social needs of their residents in the past. The effect of such memorable places in shaping social communication and public participation in regeneration and maintenance of these textures gain importance in part of their life due to economic, social and cultural changes resulted to layout of the streets and disintegration of the neighborhoods and losing the concept of neighborhood. The statistical population consists of urban texture of Maghsoudieh neighborhood. The study sample included 11 urban neighborhoods questionnaires provided for council members. The research method is descriptive and survey and using questionnaire. The results indicate a positive viewpoint of urban principals in managing of urban areas to improve and regenerate Tabriz Maghsoudieh neighborhood. The results can be used to enhance the proposed list of measures in promoting historic sites in urban spaces.

Keywords: city council, urban reconstruction and regeneration, SERVQUAL, Maghsoudieh Tabriz neighborhood

مقدمه

بافت سنتی شهرها در گذشته بسیاری از نیازهای مادی و معنوی ساکنین خود را تامین می‌کرده و به عنوان کالبد فضایی شهری نقش مهمی را در هماهنگی عناصر شهری و ارتباط این عناصر بهم را بازی می‌کرد. از اینرو، «ساختار شهرهای سنتی ایرانی نشان از تطبیق کامل استخوان‌بندی و سازمان فضایی شهرها با آداب جمعی دارد» (حبیب و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷).

در نگاهی فراتر فضاهای شهری به مانند ظرفی برای فعالیتها و رفتارهای ساکنین آن می‌باشد که در آن انسانها بسته به نیازهای فردی یا گروهی خود فعالیت کرده و الگوهای رفتاری خاص خود را عرضه می‌کنند (پاکزاد، ۱۳۸۶) و فضای شهری، محل شکل‌گیری تعاملات اجتماعی شهروندان بوده و فرهنگ جامعه در بستر آن ارتقاء می‌یابد (خستو، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

زندگی در بافتهای سنتی رو به فرسایش نهاده و فرسودگی یکی از مهمترین مسایل فضاهای شهری شده است که باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب، بی‌قوارگی آن شده است (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۲). این امر، چندی است که مشکلات فراوانی را برای ساکنان خود نیز پدید آورده است. مشکلاتی همچون مسائل و معضلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره که در قالبی از محدودیت امکانات، تنزل توان مالی افراد- ساکن در این بافتها- سطح نازل کیفیت زندگی، و مشکلات زیست محیطی بروز و ظهور می‌یابند. به تبع این امر ارزش‌های کمی و کیفی و نیز معنوی یک بافت تاریخی، در بستری تهی از اصالت، متولد می‌گردد که در پی آن تعلق ساکنان به بافت و خاطرات آنها نیز رنگ می‌بازد. بافت مرکزی شهر تبریز مانند بسیاری از شهرهای ایران، بافتی تاریخی و قدیمی می‌باشد. در دهه‌های اخیر، بافت مرکزی شهر تبریز دچار تغییرات فیزیکی زیادی شده است که گاه منجر به دگرگونی بافت قدیم شهر تبریز بوده است. گذر زمان، ورود تکنولوژی و ماشین در عرصه‌های مختلف زندگی، تغییرات نظام اجتماعی و تحولات فرهنگی، دگرگونی‌هایی را در کالبد شهر، مراکز سنتی و محلات بوجود آورده است. «پیدایش مفهومی چون محله، ریشه در زندگی جمعی مردم و

ارتباطات اجتماعی آنها دارد. محله قلمرویی برای زندگی یک گروه است که دربرگیرنده مفاهیمی ارزشمند از زندگی اجتماعی است» (ثقه الاسلامی، ۱۳۸۸، ص ۸۲). در گذشته محله مکان وقوع زندگی روزمره آدمی بوده و هر فرد متأثر از ارزشهای محلی، نقش خود را می‌پذیرفت؛ بنابراین محله مامن حضور گذشته، حال و آینده در کالبد و تاریخ است (Bachelard, 19). در تاریخ شهر تبریز، محله به عنوان واحد پایه‌ای از سازمان کالبدی، آنچنان تأثیری در شکل‌گیری شهر داشته که بر اساس وجود محله‌ها تعریف می‌شده‌اند. محله مقصودیه از معروفترین کوی‌های محله نوبر تبریز است و نوبر هم در ردیف قدیمی‌ترین محلات بیست و چهارگانه شهر تبریز محسوب می‌شود. کوی مقصودیه از دیرباز اعتبار خاص اجتماعی در بین مردم داشت؛ اما اخیراً این محله دچار تحولاتی شده است که نتیجه تصمیمات شورای شهر تبریز است. تشکیل شوراها به عنوان یکی از برنامه‌های اصلی انقلاب اسلامی و یکی از خواسته‌های مردمی در طول دوران مبارزه تبدیل گردید. اولین قانون شوراها را اسلامی کشور در سال ۱۳۶۱ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. پس از آن این قانون در ۵ نوبت دستخوش تغییرات و اصلاحاتی گردید و نهایتاً آخرین اصلاح آن در پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵ انجام شد. شورای اسلامی شهرها در سال ۱۳۷۸ آغاز به کار کرد. شورای اسلامی شهر تبریز نهادی است که بر امور مربوط به شهرداری تبریز نظارت می‌کند. در این مقاله سعی شده است تأکیفیت خدمات ارائه شده از نقطه نظر اعضاء شورای اسلامی شهر تبریز به عنوان نهاد تصمیم‌گیرنده و کنترل‌کننده اقدامات شهرداری در راستای به‌سازی و بازسازی محله مقصودیه به عنوان یک فضای شهری سنتی بررسی کرده و نظرات آنها را در نظر گرفته و تأثیر آن را در سامان دهی به فضاهای تاریخی بررسی کرد.

روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر، کاربردی - راهبردی و روش اصلی تحقیق در این مطالعه توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات در ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه



ای صورت گرفته و مبانی نظری مقاله شکل گرفته و در ادامه به تحلیل نمونه موردی از طریق استفاده از نتایج مبانی نظری پرداخته شده است. برای انجام مطالعات میدانی از ارائه پرسشنامه به روش سروکوال استفاده شده است. بدین منظور، جامعه آماری پژوهش حاضر، اعضای شورای شهر در دوره سوم با ویژگیهای شغلی و فرهنگی و اجتماعی یکسان و در زمینه تحصیلی و سنی متنوع می‌باشند و تعداد سوالات ۲۲ عدد که در مجموع اهداف تحقیق را تامین می‌نمایند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (فراوانی، آزمون کواموگروف- استمیرنوف، آزمون t، آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای) بهره گرفته شده است. نمونه مطالعاتی شامل محله مقصودیه به عنوان یکی از محلات تاریخی شهر تبریز می‌باشد تا امکان تحلیل در بافت سنتی فراهم شود. مهمترین شاخصه‌های مورد بررسی در این پژوهش بافت‌های سنتی و نحوه احیاء و نوسازی و بهسازی آن به عنوان جزئی از فضای شهری در پیوند با بافت و توجه به شرایط و نیازهای کاربران از نمونه مطالعاتی در تعامل تنگاتنگ با اندیشه‌های مسئولین در سازماندهی خدمات ارائه شده از جانب ارگانها و سازمانهای مربوطه می‌باشد.

مبانی نظری

اگرچه احیای بافت‌های سنتی و قدیمی، در طی سالهای اخیر در اولویت قرار گرفته است، اما بی توجهی به کالبد فضایی این بافتها و پیکره‌بندی فضایی آنها با بافت شهری، باعث گسیختگی در بافت و ارتباط آن با بافت شهری و در نهایت منجر به نارضایتی از اقدامات انجام شده می‌گردد. از سویی دیگر، بافت‌های سنتی در هسته مرکزی شهر واقع شده و عدم برنامه‌ریزی در احیاء و بازسازی این بافتها با توجه به روشی هدفمند و مطمئن، باعث ایجاد مشکلات اساسی در سیستم شهری شده و باعث جداافتادگی این بافتها و از رونق افتادن کالبد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این بافتها می‌گردد. در این پژوهش جهت بررسی کیفیت احیاء و بازسازی از سوی مسئولان مربوطه از روش سروکوال استفاده شده است. مدل سروکوال توسط پارسورامان و زیتامل در

سال ۱۹۸۵ با ارائه تلاشهایی در جهت شناسایی عوامل تعیین کننده در کیفیت خدمات سازمانها و ارگانهای مختلف انجام گرفته و عوامل متعددی را برای سنجش کیفیت خدمات ارائه داده‌اند.

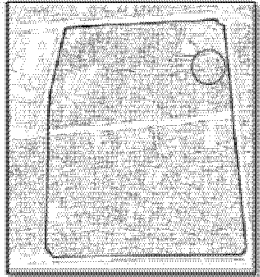
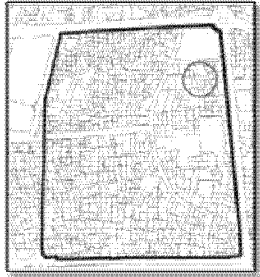
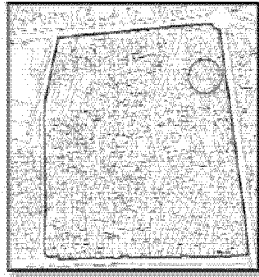

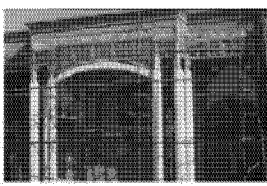
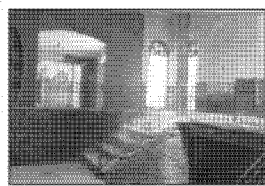
سنجش کیفیت خدمات به معنی سنجش میزان اختلاف موجود بین انتظارات و ادراکات جامعه آماری از خدمات دریافتی آنها است. خدمت مورد انتظار همان خدمت مطلوب و ایده‌آل است که بیانگر سطحی از خدمت است که مردم امید دریافت آن را دارد. در واقع خدمات مطلوب تلفیقی است از باورهای جامعه هدف پیرامون این که خدمت چگونه می‌تواند باشد و چگونه باید باشد (برون، ۱۹۸۹). مدل سروکوال (مدل مقیاس کیفیت خدمات) دارای ابعاد پنج گانه عوامل محسوس، قابلیت اعتبار، پاسخگویی، اطمینان خاطر و همدلی می‌باشد که به عنوان پایه‌ای برای ساختن ابزاری جهت سنجش کیفیت خدمات می‌باشند. هرکدام از این ابعاد دارای چندین مولفه می‌باشند که در کل منجر به طرح پرسشنامه‌ای با ۲۲ مولفه می‌گردند.

به منظور ارزیابی انتظارات و ادراکات پاسخگویان، از آنها خواسته می‌شود تا نظر خود را در رابطه با انتظار از خدمات و چگونگی آنها بیان کنند و در نهایت براساس اختلاف بین انتظارات و تجارب پاسخگویان از ۲۲ ویژگی مطرح شده، امتیاز کیفیت کلی خدمات محاسبه می‌شود.

در پژوهش حاضر، به سنجش کیفیت خدمات ارائه شده و ارزیابی آن توسط اعضاء شورای شهر تبریز در محله مقصودیه که از جمله محلات قدیمی شهر تبریز است، پرداخته می‌شود. این محله به واسطه نزدیکی به بازار تبریز و واقع شدن در هسته تاریخی تبریز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. بسیاری از بناهای ثبت شده در فهرست میراث فرهنگی، در این محله واقع می‌باشد. از این رو توجه به این بافت و حفظ کالبد فضایی آن دارای اهمیت می‌باشد. در این راستا در طی چند سال اخیر برخی تغییرات در کالبد این محله اتفاق افتاده است. در این مقاله سعی می‌شود تا با ارائه پرسش نامه نظرات اعضای شورای اسلامی شهر را در این خصوص جویا شده و دیدگاه آنها را در چارچوب این تغییرات بررسی کرده و در



جدول ۱. روند تغییرات محله مقصودیه؛ ماخذ: نگارندگان.

| واقعیت فعلی محله مقصودیه | ممنه مقصودیه پس از مرحله اول بازسازی و بهسازی | یافت ممنه مقصودیه |
|--|--|---|
|  (منبع: شهرداری تبریز) |  (منبع: شهرداری تبریز) |  (منبع: شهرداری تبریز) |
|  خانه میدرزاده در سال ۸۶ به بهره برداری رسید. اما روند بهسازی و بازسازی محله تا سال ۹۰ ادامه یافت. (منبع: سازمان میراث فرهنگی تبریز) |  ادامه روند بهسازی و بازسازی در سال ۸۳ در خانه میدرزاده همراه با تغییرات در بافت محله مقصودیه. (منبع: سازمان میراث فرهنگی تبریز) |  خانه میدرزاده، نمونه ای از بناهای مهم بود در بافت مقصودیه، در سال ۱۳۸۰ اقدام به بهسازی این بنا شده است. (منبع: سازمان میراث فرهنگی تبریز) |



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

عم

دلیل تغییر کاربری این بناها و افزایش مراجعه کننده به این محله و رشد و توسعه روزافزون محله با توجه به رشد جمعیتی ساکن در بافت و مجاورت آن با بازار تبریز و نزدیکی به مرکز شهر، تغییرات فراوانی در بافت این محله مشاهده می شود. بنابراین یکی از ملزومات بازسازی و بهسازی محله، طراحی شهری متناسب با فعالیتهای محله و توجه به تاریخچه محله و عناصر قدرتمند تاریخی آن و حفظ فضای کالبدی متناسب با رشد محله و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و فرهنگی و محیطی موجود می باشد. در جدول شماره ۱ تصاویر مربوط به روند تغییرات دهه هشتاد محله مقصودیه نشان داده می شود.

روش اجرای تحقیق

این پژوهش بر مبنای طبقه بندی عوامل موثر در دیدگاه جامعه آماری موجود، در ۵ گروه طبقه بندی می شود. جامعه آماری اعضای شورای شهر تبریز و حجم نمونه ۱۱

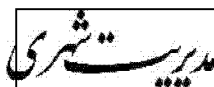
نتیجه با ارائه نظرات این اعضا، به بررسی کالبد فیزیکی کنونی محله مقصودیه پرداخت.

نمونه موردی

یکی از محله های سنتی و پایدار به لحاظ اجتماعی در بافت تاریخی شهر تبریز، محله نوبر می باشد که محله ای بزرگ در جنوب شهر تبریز است و مرکز محله آن، میدان مقصودیه است (عمرانی، ۱۳۸۵). کوی مقصودیه از معروفترین کوی های محله نوبر تبریز است و نوبر هم در ردیف قدیمی ترین محلات بیست و چهارگانه شهر تبریز محسوب می شود (خاماچی، ۱۳۸۶، ص ۴۶۴). به دلیل تاریخی بودن محله، بناهای تاریخی متعددی در این محله وجود دارد که بخشی از آنها در فهرست آثار ملی نیز ثبت شده است. از جمله بناهای موجود در این محله می توان به خانه سلماسی، خانه حیدرزاده (موزه سنجش)، خانه بهنام و خانه قدکی (دانشکده معماری و شهرسازی تبریز) و مسجد میدان مقصودیه اشاره کرد. به

جدول ۲. جدول سوالات پرسشنامه به تفکیک ابعاد پنج گانه؛ ماخذ: نگارندگان.

| ابعاد | معیارهای ارزیابی | مولفه ها |
|-----------------------------|--|---|
| عوامل ملموس (۶ مولفه) | تجهیزات و امکانات فیزیکی ابزار و وضع ظاهری بافت | مناسب بودن بافت محله مقصودیه |
| | | طرح معماری بافت مقصودیه |
| | | میزان فضای سبز و پیاده گذر |
| | | طرح شهرسازی بافت مقصودیه |
| | | خدمات شهری موجود در بافت مقصودیه |
| قابلیت اطمینان (۴ مولفه) | توانایی سازمان خدماتی در ارائه و انجام خدمت در زمان معین | مقاومت محله مقصودیه در برابر بلایا و عوامل طبیعی مقاومت |
| | | میزان مطلوب بهسازی و باز سازی در بافت مقصودیه |
| | | میزان لزوم بهسازی و ایجاد تغییرات مجدد در کالبد فضایی بافت مقصودیه |
| | | تناسب جنس مصالح بکار رفته در ساخت بافت محله مقصودیه |
| پاسخگویی (۵ مولفه) | توانایی پاسخگویی سازمان خدماتی در کوتاه ترین زمان | میزان پاسخگویی بافت محله مقصودیه به نیازها |
| | | سهولت دسترسی به تسهیلات مورد نیاز در بافت مقصودیه |
| | | خدمات مورد نیاز حمل و نقل در محله مقصودیه |
| | | میزان میزان تمهیدات مناسب حفظ بافت قدیمی محله مقصودیه |
| تضمین (۴ مولفه) | ترکیبی از صلاحیت و اعتبار و امنیت آسایش | تناسب در تعداد افراد خانوار ه در بافت محله مقصودیه |
| | | احساس امنیت در محله مقصودیه |
| | | میزان هماهنگی خیابان های جدید با بافت مقصودیه در نتیجه در باز سازی محله مقصودیه |
| | | توجه به فضایی به عنوان پارکینگ برای وسایل نقلیه محله مقصودیه |
| همدلی (۳ مولفه) | درک مردم و ارتباط و امکان دسترسی | میزان آسایش ساکنین در بافت محله مقصودیه |
| | | میزان توجه به نیاز های ویژه و خاص مردم بافت محله مقصودیه |
| | | میزان دسترسی راحت به فضا ها در بافت محله مقصودیه |
| | | میزان توجه به نیازهای خاص تک تک اهل محله در بافت محله مقصودیه |



نفر برآورد شده است. پرسشنامه مشتمل بر ۲۲ سوال که به صورت طیف ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده، و در اختیار پاسخ دهندگان قرار داده شد. در پرسشنامه از پاسخ دهندگان خواسته شده است تا به ترتیب اهمیت هر یک از ابعاد پنج‌گانه کیفیت خدمات را رتبه بندی نمایند و میانگین و واریانس هر یک از عوامل برآورد می‌شود. در جدول شماره ۲ پرسشنامه به تفکیک ابعاد پنج‌گانه آورده شده است. در روند تحقیق، برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. برای بدست آوردن میزان انتظارات و ادراکات پاسخ دهندگان از خدمات دریافتی، از آزمون یک جمله‌ای استفاده شد. بعد از رسیدن به نتایج حاصله، با توجه به اینکه تعداد نمونه کم بوده، برای اطمینان از نتیجه به دست آمده، مقایسه‌ای با آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای انجام شد و چون سطح معنی داری بزرگتر از ۰/۰۵ است نتیجه گرفته می‌شود که میزان عوامل، تفاوت معنی داری با حد متوسط ندارند. در نهایت به اولویت بندی مولفه‌های موجود پرداخته شده و در ۵ طبقه این مولفه‌ها طبقه بندی می‌شوند.

جدول ۳. نتایج آزمون توصیفی مولفه‌های پنج‌گانه؛ ماخذ: نگارندگان.

| همدلی | تضمین | پاسخگویی | قابلیت اطمینان | عوامل ملموس | |
|---------|---------|----------|----------------|-------------|--------------|
| ۲,۸۱۰۶ | ۲,۵۴۵۵ | ۳,۰۳۶۴ | ۲,۸۴۰۹ | ۲,۸۵۸۵ | میانگین |
| ۲,۸۵۰۰ | ۲,۵۰۰۰ | ۳,۰۰۰۰ | ۲,۷۵۰۰ | ۲,۸۳۳۳ | میانه |
| ۰,۵۲۱۴۴ | ۰,۴۵۸۵۱ | ۰,۳۶۸۰ | ۰,۳۹۱۶۷ | ۰,۳۰۲۳۵ | انحراف معیار |
| ۰,۰۲۳ | -۰,۲۰۶ | -۰,۲۰۶ | ۰,۲۱۳ | ۰,۲۴۵ | چولگی |
| -۰,۸۹۱ | -۰,۶۸۵ | -۰,۶۸۵ | -۰,۹۸۴ | -۰,۹۵۵ | کشیدگی |
| ۲ | ۱,۷۵ | ۲,۴۰ | ۲,۲۵ | ۲,۴۰ | مینیمم |
| ۳,۶۷ | ۳,۲۵ | ۳,۶۰ | ۳,۵۰ | ۳,۳۳ | ماکزیمم |

نتایج و بحث

آزمون توصیفی مولفه‌ها

تعداد مورد قبول، ۱۱ پرسشنامه می‌باشد که برای عوامل ۵ گانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای متغیرهای عوامل ملموس، قابلیت اطمینان، تضمین، پاسخگویی، همدلی، تعداد نمونه، میانگین، میانه، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه و هیستوگرام آن رسم شده است. نمرات بین ۱ تا ۵ هستند. برای متغیر عوامل ملموس، میانگین برابر ۲/۸۵، کمترین مقدار برابر ۲/۴ و بیشترین مقدار برابر ۳/۳۳ است. میانگین متغیر قابلیت اطمینان، برابر ۲/۸۴، کمترین مقدار برابر ۲/۲۵ و بیشترین مقدار برابر ۳/۵۰ است. میانگین عامل تضمین، برابر ۲/۵۵، کمترین مقدار برابر ۱/۷۵ و بیشترین مقدار برابر ۳/۲۵ است. میانگین پاسخگویی، برابر ۳/۰۴، کمترین مقدار برابر ۲/۴ و بیشترین مقدار برابر ۳/۶۰ است و میانگین متغیر همدلی برابر ۲/۸۱، کمترین مقدار برابر ۲/۰ و بیشترین مقدار برابر ۳/۶۷ است.



بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها

برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده است. فرض صفر در این آزمون نرمال بودن توزیع متغیر است. اگر سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر رد شده و نتیجه می‌گیریم که توزیع متغیر مورد نظر نرمال نمی‌باشد. با توجه به اینکه معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، این نتیجه حاصل می‌شود که تمام متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند.

نتایج آزمون t

برای سنجش میزان انتظارات اعضاء شورای شهر و میزان ادراکات آنان از خدمات دریافتی، از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است. نمرات بین ۱ تا ۵ می‌باشد بنابراین مقدار آزمون را برابر ۳ که میزان متوسط متغیر است در نظر گرفته‌ایم. اگر میانگین متغیر بیشتر از ۳ باشد نشان دهنده میزان بالا است. در تمامی موارد فرض صفر برابر با میزان عوامل ملموس برابر با حد متوسط (۳) است و

جدول ۴. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع؛ ماخذ: نگارندگان.

| ردیف | آماره Z کولموگروف - اسمیرنوف | سطح معنی‌داری |
|----------------|------------------------------|---------------|
| عوامل ملموس | ۰,۵۴۵ | ۰,۹۲۸ |
| قابلیت اطمینان | ۰,۵۶۹ | ۰,۹۰۲ |
| پاسخگویی | ۰,۴۲۱ | ۰,۹۹۴ |
| تضمین | ۰,۴۲۱ | ۰,۹۹۴ |
| همدلی | ۰,۳۸۰ | ۰,۹۹۹ |

جدول ۵. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان عوامل پنج گانه؛ ماخذ: نگارندگان.

| متغیر | مقدار آزمون = ۳ | | | | | |
|----------------|-----------------|---------|--------------|--------|------------|---------------|
| | تعداد | میانگین | انحراف معیار | t | درجه آزادی | معنی داری سطح |
| عوامل ملموس | ۱۱ | ۲,۸۵۴۵ | ۰,۳۲۳۵ | -۱,۵۹۶ | ۱۰ | ۰,۱۴۲ |
| قابلیت اطمینان | ۱۱ | ۲,۸۴۰۹ | ۰,۳۹۱۶۷ | -۱,۳۴۷ | ۱۰ | ۰,۲۰۸ |
| پاسخگویی | ۱۱ | ۳,۰۳۶۴ | ۰,۳۶۶۸۰ | ۰,۳۲۹ | ۱۰ | ۰,۷۴۹ |
| تضمین | ۱۱ | ۲,۵۴۵۵ | ۰,۴۵۸۵۱ | -۳,۲۸۸ | ۱۰ | ۰,۰۰۸ |
| همدلی | ۱۱ | ۲,۸۱۰۶ | ۰,۵۲۱۴۴ | -۱,۲۰۵ | ۱۰ | ۰,۲۵۶ |

بزرگتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد نمی‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان همدلی تفاوت معنی‌داری با حد متوسط ندارد. یعنی میزان همدلی در حد متوسط و پایین است.

قابلیت اطمینان

میانگین متغیر قابلیت اطمینان برابر ۲/۸۴ و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۲۸ است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد نمی‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان قابلیت اطمینان تفاوت معنی‌داری با حد متوسط ندارد. یعنی میزان قابلیت اطمینان در حد متوسط و پایین است.

با توجه به اینکه تعداد نمونه کم بود، برای اطمینان از نتیجه به دست آمده، این مقایسه با آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای تکرار می‌شود. احتمال مشاهده شده چون سطح معنی‌داری عوامل مورد بررسی، بزرگتر از ۰/۰۵ است، این نتیجه حاصل می‌شود که مقادیر عوامل ملموس و قابلیت اطمینان و پاسخگویی و تضمین و همدلی، تفاوت معنی‌داری با حد متوسط ندارند.

اولویت‌بندی مولفه‌ها

برای اولویت‌بندی مولفه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شده است. میانگین و میانگین رتبه‌های هر یک از عوامل محاسبه شده است. مولفه‌ای که کمترین مقدار را داشته باشد دارای کمترین رتبه خواهد بود. مقدار خرد دو برابر ۱۱/۶۲، درجه آزادی برابر ۴ و سطح معنی‌داری ۰/۰۲ است.

فرض مقابل برابر با میزان عوامل ملموس برابر با حد متوسط (۳) نیست.

عوامل ملموس

میانگین متغیر عوامل ملموس برابر ۲/۸۵ و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۱۴۲ است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد نمی‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان عوامل ملموس تفاوت معنی‌داری با حد متوسط ندارد؛ یعنی میزان عوامل ملموس در حد متوسط و پایین است.

پاسخگویی

میانگین متغیر پاسخگویی برابر ۳/۰۴ و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۷۴۹ است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد نمی‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان پاسخگویی تفاوت معنی‌داری با حد متوسط ندارد. یعنی میزان پاسخگویی در حد متوسط و پایین است.

تضمین

میانگین متغیر تضمین برابر ۲/۵۵ و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۸ است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد می‌شود. از طرفی چون میانگین کمتر از ۳ است نتیجه می‌گیریم که میزان تضمین بطور معنی‌داری کمتر از حد متوسط می‌باشد.

همدلی

میانگین متغیر همدلی برابر ۲/۸۱ و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۲۵۶ است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری



جدول ۶. نتایج آزمون دو جمله‌ای برای اطمینان از نتایج به دست آمده از آزمون t؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| متغیر | گروه | حدود طبقه | تعداد | احتمال مشاهده شده | احتمال آزمون | سطح معنی‌داری |
|----------------|----------|-----------|-------|-------------------|--------------|---------------|
| عوامل ملموس | گروه اول | ≤ 3 | ۸ | .۷۳ | .۵۰ | .۲۲۷ |
| | گروه دوم | > 3 | ۳ | .۲۷ | | |
| قابلیت اطمینان | گروه اول | ≤ 3 | ۸ | .۷۳ | .۵۰ | .۲۲۷ |
| | گروه دوم | > 3 | ۳ | .۲۷ | | |
| پاسخگویی | گروه اول | ≤ 3 | ۶ | .۵۵ | .۵۰ | ۱,۰۰۰ |
| | گروه دوم | > 3 | ۵ | .۴۵ | | |
| تضمین | گروه دوم | > 3 | ۵ | .۴۵ | .۵۰ | .۰۱۲ |
| | گروه دوم | > 3 | ۱ | .۰۹ | | |
| همدلی | گروه اول | ≤ 3 | ۸ | .۷۳ | .۵۰ | .۲۲۷ |
| | گروه دوم | > 3 | ۳ | .۲۷ | | |

چون سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است نتیجه می‌گیریم که بین میانگین رتبه‌های مولفه‌ها اختلاف معنی‌داری وجود دارد. مولفه‌ها به ترتیب از کم به زیاد بصورت زیر می‌باشد: تضمین، قابلیت اطمینان، عوامل ملموس، همدلی و پاسخگویی.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و ارزیابی میزان رضایت از فرآیند بهسازی و بازسازی محلات تاریخی و کهن در راستای تعامل با مدیران شهری بوده است. فرآیند بازسازی و بهسازی شهری، در قالب تعامل مداوم مدیران و مسئولان شهری در گذر زمان پی ریزی شده و قابل شناسایی است. نتایج پژوهش نشان دهنده رضایت مندی مدیران شهری حاضر در شورای شهر تبریز از

کیفیت خدمات ارائه شده در روند بهسازی و بازسازی محله مقصودیه و پروژه‌های اجرا شده در طی چند سال اخیر در این بافت، می‌باشد. با توجه به اثبات معنا دار بودن نتایج پرسشنامه از میزان رضایت مندی عملیات بهسازی و بازسازی انجام شده در محله مقصودیه، این نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویی محله، نخستین اولویت از ابعاد پنج‌گانه کیفیت خدمات را شامل می‌شود و در رتبه‌های بعدی، همدلی، عوامل ملموس، قابلیت اطمینان و تضمین واقع شده‌اند. این اولویت بندی می‌تواند به عنوان مبنایی برای تعیین تقدم و تاخر راهکارهای کلان در زمینه برنامه‌ریزی و مطالعات دقیق در بافت کهن شهری بوده و باعث ایجاد مشارکت فعال بین مدیران و برنامه‌ریزان شهری شده و در نتیجه باعث توسعه چشم اندازهای روشن بهسازی و بازسازی شهری



جدول ۷. نتایج آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مولفه‌ها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| متغیر | رتبه | میانگین | میانگین رتبه | مقدار خی‌دو | درجه آزادی | سطح معنی‌داری |
|-------------|------|---------|--------------|-------------|------------|---------------|
| عوامل ملموس | ۳ | ۲,۸۵۴۵ | ۳,۰۵ | ۱۱,۶۲۴ | ۴ | .۰۲۰ |
| | ۴ | ۲,۸۴۰۹ | ۲,۶۸ | | | |
| پاسخگویی | ۱ | ۳,۰۳۶۴ | ۴,۰۹ | | | |
| تضمین | ۵ | ۲,۵۴۵۵ | ۱,۹۱ | | | |
| همدلی | ۲ | ۲,۸۱۰۶ | ۳,۲۷ | | | |

شود.

ارائه راهکارهای مطلوب در گرو توجه و تعدیل و رفع مسائل و مشکلات موجود در بافت شهری، با تاکید عمده بر بخش مدیریت شهری امکان پذیر می باشد تا با استفاده از پتانسیل موجود در بافت در گذر زمان، بستر مناسبی را برای زندگی شهری ایجاد نمود.

از جمله راهکارهای مورد تعمیم در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره داشت:

- مطالعه بافتهای سنتی و شناسایی و اولویت بندی محلات و انتخاب روش مناسب (نوسازی و بازسازی و بهسازی) جهت مداخله در بافت؛

- برنامه ریزی های زیربنایی و زیرساختی جهت بهبود ساختار کالبدی و کاربردی این بافتهای در سطح مدیریتی و هدایت خردمندان جهت تحقق اجرایی برنامه های مدون نوسازی و بهسازی در نهادهای اجرایی؛

- ارتقاء و گسترش شبکه های ارتباطی و فضایی در محدوده بافتهای سنتی و پیوند آنها با فضای شهری موجود؛

- بهره گیری از امکانات و پتانسیل های فرهنگی و اجتماعی موجود در این بافتهای؛

- در این نوشتار سعی شد با جمع بندی دیدگاه شهرسازان و طراحان در حوزه ی مدیریتی در خصوص بهسازی و بازسازی محله های سنتی، لزوم توجه به نیازهای انسانی و برقراری ارتباط بین مفاهیم گذشته و حال و آینده و مناسب سازی بستر محله برای تعامل شهری مورد بررسی قرار گرفته و با دیدی عمیق نسبت به پیکره سنتی محلات تاریخی، در آینده شاهد تخریب ارزشهای غیر قابل تکرار این محلات نباشیم.

منابع و مآخذ

۱. باقرزاده خواجه مجید و باقرزاده فاطمه، (۱۳۸۸)، بررسی کیفیت خدمات مراکز آموزش عالی تبریز با استفاده از مدل سروکوال و رتبه بندی مراکز با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، نشریه علوم تربیتی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۸، ص ۳۱-۵۳.
۲. پاکزاد جهانشاه، (۱۳۸۶)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، انتشارات شهیدی، تهران.

۳. ثقه الاسلامی عمید الاسلام و امین زاده بهناز، (۱۳۸۸)، رویکردی تحلیلی به شناخت مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۸، ص ۸۱-۹۲.

۴. خاماچی بهروز، (۱۳۸۱)، محلات تاریخی و قدیمی تبریز، انتشارات روابط عمومی شهرداری منطقه ۳، تبریز.

۵. خاماچی بهروز، (۱۳۸۶)، شهر من تبریز، چاپ اول، انتشارات ندای شمس، تبریز.

۶. خستو مریم و نوید سعیدی، (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری، نشریه هویت شهر، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۶۳-۷۴.

۷. حبیب فرح و دیگران، (۱۳۸۸)، رویکردی تحلیلی به تعامل بین آیین های جمعی و ساختار شهرهای سنتی ایرانی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۱۷-۱۲۶.

۸. حبیبی سید محسن، (۱۳۷۸)، فضای شهری، حیات واقعه ای و خاطره جمعی، مجله صفا، پائیز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۶-۲۱.

۹. ریسمانچیان امید و بل سایمون، (۱۳۹۰)، بررسی جدا افتادگی فضایی بافتهای فرسوده در ساختار شهر تهران به روش چیدمان، باغ نظر، شماره ۱۷، سال هشتم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۶۹-۸۰.

۱۰. سلطان زاده حسین، (۱۳۸۹)، تبریز خشتی استوار، چاپ دوم، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.

۱۱. سید جوادین سید رضا و کیماسی مسعود، (۱۳۹۰)، مدیریت کیفیت خدمات، نشر نگاه دانش، تهران.

۱۲. ضرابی المیرا و طهرانی سایه، (۱۳۸۸)، رویکرد مشارکت جویانه در نوسازی و بهسازی بافتهای فرسوده شهری، آرمانشهر، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۹-۴۶.

۱۳. محمودی محمد مهدی و لیدا اسلامی، (۱۳۹۰)، بررسی راهکارهای بهبود و سازماندهی یکپارچه بافت فرسوده ساحلی؛ نمونه موردی بندرعباس، نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۸۱-۹۲.

۱۴. عمرانی بهروز، اسمعیلی سنگری حسین، (۱۳۸۷)،



تاریخ و معماری بازار تبریز، چاپ اول، انتشارات ستوده، تبریز.

۱۵. عمرانی بهروز، اسمعیلی سنگری حسین، (۱۳۸۵)، بافت تاریخی شهر تبریز، انتشارات سمیرا، تهران.

16. Bachelard,G.(1969).” The Poetics of Space”, Boston: beacon Press.

17. Brown,d. (1989).” Leadership Aspects and Reward System of Customer Satisfaction”. Customer Satisfactio Conference. Loss Angeles.

18. Bloemer, Josee, et al.(1999), “Linking Perceived Service Quality and Service Loyalty : a multi-Dimensional Perspective:, European Journal of Marketing.

19. Nde Daniel,Chingang(2010).”Using the SETVQUAL Model to assess Service Quality and Customer Satisfaction”,. Umea School of Business.

20. Landrum, H.(2009). “Measuring IS System Service Quality with SERVQUAL: Users perceptions Relative Importance of the Five SERVPERF Dimensions”,the International of an Emerging Transdiscipline.

21. Parasuraman.A, (1988),“SERVQUAL: a Multiple- Item Scale for Measuring Consumer Perception of Service Quality”,Journal of Retailing.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

جستاری در حوزه‌های آرمان شهرهای نظامی گنجوی

صدیقه سلیمانی* - استادیار دانشگاه پیام نور واحد گرمسار، سمنان، ایران.

Review of Utopias areas Nizami

Abstract

Nizami is a poet of the sixth century, and the most important figure in Azerbaijani schools. He is the naturalist poet and makes the utopias of his mind in cities. There is the memory of utopias in all masnavi of his. In this paper, a method of "content analysis" to review the Nizami has been hidden utopias.

Keywords: Nizami, utopia, ideal of utopia.

چکیده

نظامی از شاعران قرن ششم و از مهم‌ترین چهره‌های مکتب آذربایجانی است. شاعر طبیعت‌گرایی است و آرمان شهرهای ذهن و زبان خود را در آن شهرها برپا می‌سازد. در تمام مثنوی‌ها آرمان شهرها و یا گذری از آرمان شهر وجود دارد. در مثنوی «مخزن الاسرار» پایه‌های آرمانشهری را پی‌ریزی می‌کند و در مثنوی‌های بعد، مانند «اسکندرنامه» و «هفت‌پیکر» یا «بهرام‌نامه» شهرهای آرمانی و یا آرمان آرمانشهری را نشان می‌دهد. در این مقاله با روش «تحلیل محتوایی» به جستاری درباره‌ی چند و چون آرمانشهرهای ساخته‌ی نظامی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: نظامی گنجوی؛ خمسه؛ آرمان آرمانشهر؛ آرمانشهر.

مقدمه

آرمانشهر، مدینه‌ی فاضله یا اوتوپیا، مکانی است که در آن عوامل مزاحمی که در طبیعت و مکانی که انسان در آن زندگی می‌کند، هستند، وجود ندارند و جایی بسیار متعالی و با صفا و پاکی است. «یوتوپیا، واژه‌ای یونانی است که تامس مور آن را ساخته است از ریشه‌ی uo- topos به معنای «هیچستان» (یا به زبان حکیم ایرانی، شهاب‌الدین سهروردی، ناکجاآباد) که کنایه‌ای طنزآمیز از eu- topos (خوبستان) در آن است» (مور، ۱۳۶۱، ص ۱۶).

ابونصر فارابی، مدینه‌ی فاضله را به بدن تام‌الاعضاء تشبیه کرده است نه هر بدنی؛ زیرا مدینه‌های جاهله نیز مانند کالبدند و اعضای آن به یکدیگر وابسته‌اند و بلکه آن بدنی که هر عضوی در جهت بقا و دوام بدن وظیفه‌ی خود را انجام دهد. و «همان‌طور که اعضای بدن مختلف است و هر یک باید عهده‌دار وظیفه شوند بعضی بالطبع برتر از دیگران اند و یک عضو است که فرمانده و رئیس اول است که قلب باشد و اعضای دیگر از لحاظ مراتب، متفاوت‌اند» (فارابی، ۱۳۶۱، ص ۴۶).

آرمانشهر ابونصر فارابی و افراد آن دارای ایده‌ها و قوانین خاصی هستند که به ترتیب می‌توان این‌گونه از آنها یاد کرد:

۱. «نظام حاکم». انسان را به جایی می‌برد که جز به خدا نمی‌اندیشد.

۲. «اجتماع و اجتماع‌پذیری». در نظر فارابی انسان موجود مدنی بالطبع است و حیات بشر بدون تعاون و اجتماع پایدار نمی‌ماند. هر فرد در راه نیل به کمال فطری به اموری احتیاج دارد که تنهایی قادر به اقدام آنها نیست و فقط در اجتماع و در تعاون به کمال می‌رسد. پس نه تنها تأسیس اجتماع ناشی از طبع بشر است؛ بلکه جماعت هم غایتی جز کمال آدمی ندارد (رک، داوری اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۱۰۴-۱۰۵).

۳. «پیوستگی و همبستگی اجتماعی». از نظر فارابی انسان از جمله جانورانی است که به طور مطلق نه به حواج اولیه و ضروری زندگی خود می‌رسد و نه گروهی و اجتماع گروه‌های بسیار در جایگاه و مکان واحد و پیوستگی به یکدیگر. (رک، آزادارمکی، ۲۳۳: ۱۳۷۴)

۴. «نشانه‌های زندگی جمعی». مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی

نظامی از شاعران قرن ششم هجری و از چهره‌های بارز مکتب «آذربایجانی» است. این مکتب به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، مانند تسلط کامل شاعر به مسایل طب، نجوم، گیاهان و خواص دارویی آنها، فلسفه، حکمت و بسیاری از بازی‌های کلامی او را در کنار شاعر دیگر این مکتب، یعنی خاقانی شروانی از سرآمدان عرصه‌ی شاعری کرده است.

زبان نظامی مملو از استعاره، تشبیه، موسیقی کلام و تمام زیبایی‌های کلامی است که ساخته و پرداخته‌ی خیال جستجوگر انسان است. طبیعت‌گرا و یا قول فرنگی‌ها «ناتورالیسم» است. از قرن هفدهم، آکادمی هنرهای زیبای فرانسه، عقیده‌ای را که تقلید از طبیعت را در هر چیزی ضروری می‌شمرد، ناتورالیستی نامید. هر یک از نویسندگان اروپایی در باره‌ی ناتورالیسم و اصول و مبانی آن نظریه‌هایی دارند در هنر ایرانی نیز ناتورالیست جریان دارد و شاعران، نویسندگان و نقاشان و سایر هنرمندان از طبیعت به صورت علمی و هنری بهره برده‌اند (رک، سیدحسینی، ۱۳۸۱، ج ۳۹۳: ۱-۴۶۹).

ناتورالیست بودن نظامی او را در خدمت ذهن دق‌قاش قرار داده است. به این صورت که نظامی در پی شهرهایی بود که در آنها قانون‌هایی جریان داشت که با قوانین موجود در زمان زندگی شاعر تفاوت داشت. او در سایه‌ی این نوع قانون‌ها و یا طبیعت‌ها و جغرافیاهایی که برای آن شهرها ترسیم می‌کرد، آرمان شهرهای خود را پی می‌نهاد و یا نشان می‌داد.

پیش از ورود به بحث بهتر است اندکی در مفهوم آرمانشهر و حوزه‌های آن درنگی کنیم. تاریخ بشر عرصه‌ها و جایگاه‌های مختلف نشان می‌دهد که انسان همیشه در پی تأسیس و ساخت شهری بوده است که در آن به آرامش، سلامت و خوشبختی دلخواه خود برسد. افلاطون با طرح «شهر مراد» در کتاب «جمهوری» در ۲۳۰۰ میلادی و سنت آگوستین در قرن چهارم میلادی در کتاب «شهر خدا» و فارابی در قرن چهارم در کتاب «سیاست مدنی» و «اندیشه‌های اهل مدینه‌ی فاضله» از کسانی هستند که در پی ساخت آرمانشهر و لزوم تأسیس آنها بوده‌اند.



جامعه‌ای است که در آن عدالت و سعادت واقعی حکمروا است و رئیس و مرشد آن مدینه از حکماست و قدرت رهبری و هدایت دارد. (رک، حسینی، ۱۳۵۷، ص ۸۴)؛ از نظر فارابی نشانه‌های زندگی جمعی عبارتند از: افراد و گروه‌های بسیار؛ مکان واحد؛ پیوستگی و ارتباط با یکدیگر؛ فدفداری. او زیربنای کار را فضیلت و کمال می‌داند و می‌گوید خبر افضل و کمال نهایی انسان در مدینه و اجتماعات حاصل می‌شود. (رک، آزاد ارمکی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۴).

۵. «سعادت بشری». در دیدگاه فارابی، سعادت بردوگونه است: ۱. سعادت حقیقی که مطلوب لذاته است و همه‌ی امور و خیرات نسبت به آن در حکم وسیله است و این سعادت معنوی است و در آخرت محقق می‌شود؛ ۲. سعادت دیگر آن است که جمهور آن را سعادت می‌دانند. مانند: ثروت، لذات و سایر اموری که مردمان آن را به خیرات می‌انگارند. (رک، داوری اردکانی، ۱۳۵۴، ص ۱۰۲). تفکر آرزومندانه همواره در امور انسانی خودنمایی کرده است. هرگاه خیال در واقعیت بیرونی موجود ارضا نشود به مکان‌ها و دوره‌هایی پناه می‌جوید که برپایه‌ی آرزو بنا شده‌اند. کارل مانهایم درباره‌ی این حس انسان معتقد است: «حالت ذهن یا چگونگی اندیشه، هنگامی اوتویپایی است که با حالت واقعیتی که این حالت ذهنی در آن به ظهور می‌رسد ناسازگار باشد. این ناسازگاری همواره از این نکته هویداست که چنین حالت ذهنی در تجربه و اندیشه و در عمل، معطوف به موضوعاتی است که در موقعیت فعلی وجود ندارد؛ لیکن نباید حالتی از ذهن را که با موقعیت آنی و مستقیم ناسازگاری دارد و از حدود آن فراتر می‌رود و در این معنی از واقعیت فاصله می‌گیرد، اوتویپایی تلقی کنیم. فقط آن جهت‌گیری‌های فراتر از واقعیت را باید اوتویپایی بینگاریم که هرگاه به عرصه‌ی عمل درمی‌آیند، میل دارند نظم اشیا و امور حاکم در زمان را به طور جزئی یا کلی درهم بپاشند» (مانهایم، ۱۳۸۰، ص ۲۵۶).

برخی از شهرهایی که نظامی ساخته، در واقع می‌توان در گروه «آرمان آرمانشهری» جای داد. رشته‌ی مهمی در توسعه برنامه‌ریزی و معماری و مبتنی بر آرمان‌های اصلاح‌طلبان آرمانشهری انگلستان، آمریکا و فرانسه

مانند «رابرت اوئن»، «ایتنن کابه»، «شارل فوریه» است. هر یک تلاش داشتند تجربه‌های اجتماعی ویژه‌ای را به اجرا گذارند که در آنها، آرایش فیزیکی ساختمان بتواند معایب آشکار شهر صنعتی را اصلاح کند و به انسان امکان دهد به صورت موجودی خردمند و به‌کمال رسیده، شکوفاشود.

هدف‌های کلی به روشنی بیان شده‌اند اگرچه راه‌های رسیدن به اهداف آرمان‌گرایانه آشکار نیست، تلاش در راستای بارور ساختن پندار مردم و حل مسایل، از راه پیشنهاد رهیافت‌های جدید برای سازمان‌دهی و کار سیستم شهری منظور نظر بوده است. (سیف‌الدینی، ۱۳۸۲، ص ۴۸۱).

در گذر تاریخ آرمانشهری گوناگونی در حوزه‌های مختلف سیاست، ادب و فرهنگ، علم و فلسفه، سیاست و علوم دیگر ساخته شده‌اند. در حوزه‌ی ادب و فرهنگ، «الیوت» در «زمین هرز»؛ «ریکله» در دفترهای «مالده لائوریس بریگه» - در توصیف شهر پاریس؛ مونه؛ مایدنر؛ مونش؛ کیرشنر؛ بوچونی؛ دولونه؛ گروژ؛ دیکس؛ فرانتس کافکا در کتاب «سوار بر تراموا» و ویلیام باتلر ییتس شهرهای آرمانی خود را بنا کرده‌اند. در فرهنگ ایران، شاعران قدری چون مولانا، نظامی، خاقانی و دیگران و در شعر معاصر سهراب سپهری از طراحان آرمانشهر بوده‌اند. در خصوص سپهری، (رک، ترابی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲).

در حوزه‌ی علم و فلسفه، شهرهای آرمانی وبر (۱۹۶۶)؛ مامفورد (۱۹۲۴)؛ اتینن کابه (۱۷۸۸ - ۱۸۵۶)؛ ویکتور کونسیدران که ریاست جنبش «فالانژ» را بر عهده داشت (رک، شوای، ۱۳۷۵، ص ۱۰۰)؛ شارل فوریه (رک، همان، ص ۹۰)؛ موریس؛ گی ارمه و روسو ذکر کردنی است. روسو شهروندی را به داشتن اندکی دارایی (زمین) یا عدم وابستگی به دیگران می‌داند (هلد، ۱۳۶۹، ص ۱۰۳)؛ بدین ترتیب آرمانشهرگرایی فقط در دامن نظام مردم‌سالار پرورش می‌یابد.

در دوران ایران باستان نیز آرمانشهرهایی وجود دارد. «گنگ‌دژ»، ساخته‌ی سیاوش پسر کاووس در سرزمین توران است. شهری مینوی که نخست در آسمان بر سر دیوان روان بود. آنگاه کیخسرو آن را بر زمین آورد و در محل سیاوش گرد استوار کرد. (رک، بهار، ۱۳۵۷، ص ۴۱)؛



این شهر دژ دارای هفت دیوار از سنگ، پولاد، آبگینه، سیم، زر، گوهر و یا یاقوت است. کوشک آن یمین و کنگره اش زرین است. در روایت شاهنامه از دوشهر «گنگ دژ» و «سیاوش گرد» یاد شده است که در در اساطیر ایرانی بر هم منطبق بوده اند. برخلاف گنگ دژ منابع زرتشتی که پاسداری آن به هفت مرغ سپرده شده است، گنگ دژ شاهنامه از دیدگاه طبیعی تسخیرناشدنی است و تنها راه آن به جهان بیرون تنگه ای به دارازای دوفر سنگ است که از آنجا پنج مرد می توانند راه را بر صد هزار مرد جنگی ببندند. این موقعیت دفاعی به یوتوپای تامس مور مشابهت دارد که در وصف جزیره ی آرمانی آن آمده است: «طبیعت و فن از ساحل، چنان دژی ساخته اند که گروهی اندک از آنجا می توانند تاخت و تاز نیرویی بزرگ را پس زنند» (مور، ۱۳۶۱، ص ۶۸).

۱. «کاخ افراسیاب». در بندهشن از دژی پوشیده به آهن که افراسیاب در زیر زمین ساخت، یاد شده است و گفته شده که دژ افراسیاب در بخگیر با خدایان و در زیر زمین بود. کاخ به بالای هزار مرد بلند و بر صدستون استوار بود. چنان روشن که شب آن چون روز می نمود. چهاررود از آن می گذشت که در یکی شراب، در یکی ماست و در یکی آب روان بود (رک، کریستین سن، ۱۳۵۵، ص ۱۳۰).

۲. «کاخ کیکاووس». دومین پادشاه کیانی در البرز هفت کاخ بر آورد که نمونه ی بهشت این جهانی بود. (رک، همان: ۱۱۲)

۳. «جمکرد». این دژ ساخته ی جم بود که جمشید به فرمان اهورامزدا ساخت تا مردمان را از گزند اهریمنی در امان دارد. (رک، دوست خواه، ۱۳۶۷، ص ۶۶۵).

آرمانشهرهای ساخته ی نظامی

۱. اولین آرمانشهری که نظامی تأسیس کرده، در اولین مثنوی، «مخزن الاسرار» است. شاعر در معراج نامه هایی که در آغاز دفترهای پنج گانه ی خود دارد دست به تأسیس شهرهای زندگی در آنها اصول و قوانین خاصی رایج است که کرامت انسان ارزش دارد. چرخش آن بر پایه ی خرد و اختیار انسانی است. طبیعت آن آرام و رویش هندسی و شهری آن نیز طبق احساس و دلخواه انسان هاست. چنانکه از نام آن نیز پیداست شاعر در این

معراج نامه ها که روایتی شاعرانه از معراج پیامبر اسلام است، شرف و شکوه انسان و به خدمت گرفتن تمام عناصر جهان و ماورای جهان را به دست انسان به تصویر می کشد.

در معراج نامه ی «مخزن الاسرار» ترتیب ملاقات انسان را با «دل» می دهد و در این ساختار، یکی از باشکوه ترین شهرهای آرمانی را می سازد. جایی که اولاً در نتیجه ی زحمت و ریاضت فراوان و در نتیجه ی نوعی پرورش و جود جسمانی و با کمک عشق غیر جسمی و جنسی به دست آمده است و ثانیاً زمانی که شاعر و خوانندگان شعر او حتی به مقدار خیلی کم از آن فاصله می گیرند و به گونه ای آن را از دست رفته تلقی می کنند دچار اغتشاش روحی و آرزوی وصال به چنان مکان و زمانی می شوند:

خواجه یکی شب به تمنای جنس

زد دوسه دم بادوسه اینای جنس

یافت شبی چون سحر آراسته

خواستته هایی به دعا خواسته

مجلسی افروخته چون نوبهار

عشرتی آسوده تر از روزگار ...

عمر بر آن فرش ازل بافته

آنچه شده باز به دل یافته ...

ترک قصب پوش من آنجا چوماه

کرده دلیم را چو قصب رخنه گاه

مه که به شب دست بر افشاندند بود

آن شب تاروز فرومانده بود

ناوک غمزه اش چوسبک پر شدی

جان به زمین بوسه برابر شدی

شمع ز نورش مژه پر اشک داشت

چشم چراغ آبله از رشک داشت

هر ستمی کوبه جفا در گرفت

دل به تبرک به وفا بر گرفت

گه شده او سبزه و من جوی آب

گه شده من گازر و او آفتاب

زان رطب آن شب که بری داشت

بی خبرم گر خبری داشت

کان مه نوک کمر از نور داشت

ماه نواز شیفتگان دور داشت

شیفته‌ی شیفته‌ی خویش بود
رغبتی از من صد ازو بیش بود
دل به تمناکه چه بودی زروز
گر شب ما را نشدی پرده سوز
امشب اگر جفت سلامت شدی
هم نفس روز قیامت شدی
روشنی آن شب چون آفتاب
جویم و بسیار نبینم به خواب
جز به چنان شب طربم خوش نبود
تا شب خوش کرد شبم خوش نبود
زان همه شب یارب یارب کنم
بوکه شبی جلوه‌ی آن شب کنم...
ماه که بر لعل فلک کان کند
در غم آن شب همه شب جان کند
روز که شب دشمنیش مذهب است
هم به تمنای چنان یک شب است

(نظامی، ۱۳۴۳، ص ۶۱-۶۷)

در آغاز مقال گفتیم که نظامی این آرمانشهر را در شب و در دیدار بین انسان و «دل» ترتیب می‌دهد و پس از دور شدن از آن شهر، در تب و تاب رسیدن دوباره به آنجاست. بیست مقاله‌ای که نظامی پس از شناخت و پرورش دل می‌آورد می‌توان از سایه‌ی این آرمانشهر تلقی کرد. هر چند خود مقاله‌ها به سبب سختی گزارش شاعرانه، دیریاب هستند؛ ولی حکایت‌های پایانی آنها، نمایی کامل از خواست شاعرانه و تصویرهای شعری به دست می‌دهند. وی با صراحت، بینش و عقل کامل است که به چنین دنیایی وارد می‌شود و با صراحت و عقل کامل است که پایان شب دیدار وی با آن و از دست رفتن چنان مدینه‌ی فاضله‌ای را با تأسف فراوان یاد می‌کند. در این خصوص می‌توان این‌گونه بررسی کرد که مخاطب «دل»، خود نظامی است. هر حرف و حکمتی که دل مطرح می‌کند، شاعر آنها را درمی‌یابد و در ضمن مقال، همراه با تمثیل و یا حکایت‌های شاعرانه بازگویی کند. به این سبب در کلام او شاهد نوعی تعقید، ابهام و پیچیدگی هستیم. به همین سبب، توالی و ترتیب و یا منطقی نیز در

موضوع‌های بیست مقاله نمی‌یابیم. مقالته‌ها که بی‌هیچ نظم و انسجام از پیش اندیشیده‌ای به دنبال هم آورده شده، ناشی از تسلیم شاعر به جاذبه‌ی احوال و واردات قلبی است. تأسف خوردن به سبب دور شدن از این شهر، نوستالژی یا غم غربت نظامی است. باید گفت که واژه‌ی نوستالژی در فرهنگ آکسفورد به معنی احساس رنج و حسرت نسبت به آن چیزی است که گذشته و از دست رفته است (Hornby, A.S. (2003) P.840). حاصل معنی این اصطلاح با توجه به معنی‌های متنوع آن در فرهنگ‌های علوم انسانی به این صورت است. نوستالژی: غم غربت، حسرت و دل‌تنگی نسبت به گذشته و آنگهی اشتیاق مفرط برای بازگشت به گذشته، احساس حسرت و دل‌تنگی برای وطن، خانواده، دوران خوش کودکی، اوضاع خوش سیاسی، اقتصادی و مذهبی در گذشته و... (رک، آشوری، ۱۳۸۱)؛ (باطنی، ۱۳۶۸)، ذیل واژه)

این اصطلاح در ابتدا مربوط به حوزه‌ی روانشناسی بود و در درمان سربازانی به کار می‌رفت که بر اثر دور شدن از خانواده و کشور خود دچار نوعی بیماری و افسردگی می‌شدند؛ ولی رفته رفته به سایر حوزه‌ها مخصوصاً علوم انسانی و هنر نیز کشیده شد و منتقدان در آثار شاعران و هنرمندان به جستجو در خصوص این موضوع و چگونگی بروز این رفتار ناخودآگاه پرداختند.

مؤلفه‌های غم غربت: مؤلفه‌های اصلی غم غربت عبارت‌اند از: ۱. دل‌تنگی برای گذشته؛ ۲. گرایش مفرط به بازگشتن به وطن و زادگاه؛ ۳. بیان خاطرات همراه با افسوس و حسرت؛ ۴. پناه بردن به دوران کودکی و یادکرد حسرت‌آمیز آن؛ ۵. اسطوره‌پردازی؛ ۶. آرکائیسم (باستان‌گرایی)؛ ۷. پناه بردن به آرمانشهر. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که یکی از دلایل و یا طناب‌هایی که نظامی را به سمت و سوی تأسیس مدینه‌ی فاضله می‌کشاند، غم غربت به گذشته و آرزوی رسیدن به آن است.

۲. دومین آرمانشهر ساخته‌ی نظامی در مثنوی اسکندرنامه است. اسکندر در مسر مسافرت به جانب خاقان چین می‌رفت. همراه بلیناس حکیم سوار بر کشتی راهی دریای چین شد. در دریا مقداری راندند تا جزیره‌ای



پیدا شد. به شاه گفتند این مرحله آخرین منزل دریاست و از این پیش تر نمی توان رفت. دلیری نکن و در جای خود بمان؛ زیرا اینجا ژرف ترین جای دریاست و به سوی دریای محیط می رود اگر پیش تر برویم هلاک خواهیم شد. اسکندر دستور داد تا مجسمه و طلسم دست برافراخته ای ساختند که گویی با دست اشاره می کند و به ملاحان و کشتی نشینان می گوید پیش تر نروید که هلاک خواهید شد. آن مجسمه را در آن محل گذاشتند. اسکندر پس از ساختن آن مجسمه و طلسم دانست که راز یزدانی در سیر اجباری وی به آن طرف ژرف دریا همین ساخت طلسم برای نجات دریانوردان بوده است. به بلیناس گفت که این همه رنج بردن و دریانوردی ما طفیلی این طلسم سازی بود و تقدیر آسمانی را ببین که برای ساختن این طلسم و نجات راهروان چگونه مرا خضر رهبر دریا کرده است.

ده روز در آنجا دریانوردی کردند و آگاه شدند که مسیر را غلط رانده اند. کوهی پیدا شد که گردابی در کنج ریشه ی آن کوه بند و سدی زده بود و هیچ کشتی نمی توانست از آن بند و سد بگذرد و وقتی به آن می رسد دور و دایره می زد. چون ملاح به آن سد رسید مرگ را به یاد خود آورد و زندگی خود را تمام شده تلقی کرد. آن گرداب را «کام شیر» نامیده بودند. برای نجات خود خواستند تا کشتی را رها کنند و به سرکوه بروند و از طریق خشکی به چین برسند. اسکندر نیز پذیرفت و از آنجا به خشکی رسیدند. در جغرافیای آن زمان، «کام شیر» در حدود بابل بود و سحر و جادوی بابل بر همه کس آشکار بود. اسکندر در خصوص راز آن قسمت از دریا از جغرافیاشناسان و حکیمان سؤال کرد. آنان گفتند: چون کشتی در کنج کوه می رسد ماهی بزرگی که با شکوه و هیبت زبانی دوزخ است پیش آمده و گرد کشتی دور می زد. کشتی هم به دنبال آن ماهی به سبب حرکت دوری آب، دور می زد تا کشتی را از هم دریده و کشتی نشینان را در شکم خود بکشد. چون بانگ طبل بلند می شود ماهی به سوی ژرف دریا فرار می کند و کشتی هم عقب او روان شده و از گرداب نجات می یابد. اسکندر چون به فکر نجات دیگران بود راه نجاتی در پیش او نیز گشوده شد و بدون طبل زدن کشتی را در دریای سیاه به راه انداخته و به ساحل چین رسیدند.

وقتی از این سفر بازگشت میل گشت و گذار دوباره در وجود او زنده شد. از بیابان می رفت که به شهری سفید برخورد. از راهبان پرسید اسم این شهر چیست. او گفت: شهری است که رزق و روزی آن کم است؛ ولی طلا و نقره ی فراوان دارد. غریبان که در جاهای روشن زندگی کرده اند از این وضع فرار می کنند. یکی از سیاهی های شهر این است که هنگام طلوع از روی دریا صدای طراق طراق عجیبی بلند می شود چنانکه شنونده به مرگ نزدیک می شود. در آن هنگام اطفال را در دخمه های زیر زمین می برند که از ترس نمیرند. اسکندر پرسید این صداها از کجاست؟ فرزانه ای گفت از استاد خود به یاد دارم که گفت چون آفتاب بر آب دریا بتابد آب از گرما قبه قبه می شود و موج ها چون کوه بر یکدیگر می افتند و آوازهای موج به تندی چون تند و رعد می شود و تندی و تندری در یک دم است و پس از آن ساکت می شود. همان فرزانه گفت دانای دیگری عقیده دارد که در آن آب دریا، سیماب وجود دارد و سیماب از حرارت گریزان است و چون سبب گرمی آفتاب، آب دریا را به جوش می آورد سیماب را به بالا می کشد و زمانی که گرمای آفتاب کم می شود سیماب ها به پایین می ریزند و هنگام فروریختن موج ها این صداهای هولناک به گوش می رسند. اسکندر لشکر خود را به آنجا برد. شاه ثروت های فراوانی را از اموال خود به اهالی آنجا بخشید و دین خود را بر آنان عرضه کرد. هنگام صبح، صداهای هولناک دریا به گوش رسید در آن هنگام لشکریان شروع به کوبیدن طبل کردند. صدای طبل، بر صدای دریا غلبه کرد. چون مردم آنجا صدای طبل را شنیدند به سوی آن دویدند و تعجب کردند که در دنیا صدایی بلندتر از صدای دریا وجود دارد. از شاه مقداری از تأثیر صدای طبل ها و کوس ها را خواستند تا زمانی که صدای هولناک دریا برآید به آن وسیله آن را دفع کنند. شاه از کوس ها و طبل های خود به آنان بخشید و طبل زدن سحرگاهی را جزء رسم های شاهانه قرار داد.

اسکندر از چین به سوی خـرخیز رفت. از شرق به حد شمال رسید و بیابانی را دید که ریگ درخشانی داشت و هیچ جنبنده ای را در آن نیافت. مقداری از ریگ بیابان برداشت. آب و خاک آن زمین گویی دو قسمت بود: قسمت آبش سیماب و قسمت خاکش نقره. از گرمی هوا،

نه نقره‌ی آن آرام بود و نه کسی می‌توانست از سیماب بخورد. اگر زمین می‌جنبید، هیچ‌کس نمی‌توانست از سیماب بخورد. دستور داد برای آشامیدن آب، آب را آهسته از چشمه بردارند تا به سیماب آلوده و کشنده نشود. در آن بیابان مقداری راه رفتند تا به کوهی رسیدند که در آنجا تعدادی زاهد زندگی می‌کردند. با دیدن اسکندر به پیشوازش آمدند و دین او را قبول کردند. آن گروه گفتند که در پس این گریوه، دشت یاجوج وجود دارد که انسان‌هایش آدمی‌زاد دیوفام بسیار ستمگر و وحشی هستند. آنان بر ما حمله می‌کنند و ما به کوه پناه می‌بریم. نمی‌توانند بالای کوه بیایند. اسکندر با شنیدن این مسئله، سد یاجوج را بست که دیگر راهی به سوی مردمان آن نواحی نداشته باشند. درباره‌ی رسیدن ذوالقرنین به میان دو سد و شکوهی مردم از فساد یاجوج و مأجوج و درخواست ساختن سد از ذوالقرنین در قرآن کریم آمده است: «حتی اذا بلغ بین السدین وجد من دونهما قوماً لایکادون یفقهون قولاً. قالوا یا ذالقرنین ان یاجوج و مأجوج مفسدون فی الارض فهل یجعل لک خراجاً علی ان تجعل بیننا و بینهم سداً» (الکھف، ۱۷۵-۱۸۱)

در تورات، کتاب حزقیال نبی، از جوج که از سرزمین یاجوج است و از فتنه و فساد او سخن رفته است: «ای پسر انسان! نظر خود را بر جوج که از زمین مأجوج است و رئیس روش و ماشک و توپال است، بدار و بر او نبوت نما و بگو خدا و یهوه چنین می‌فرمایند. اینک ای جوج رئیس روش و ماشک و توپال به ضد تو هستم و تورا برگردانیده و قلاب خود را به چانه‌ات می‌گذارم...» (تورات، کتاب حزقیال نبی، باب سی‌وهشتم، آیات ۱، ۲، ۳، ۴).

در مکاشفات یوحنا هم آمده است که چون هزارسال به انجام‌رسد، شیطان از زندان خود خلاصی خواهد یافت تا بیرون رود و امت‌هایی را که در چهارزویه‌ی جهانند، یعنی جوج و مأجوج را گمراه کند و ایشان را به جهت جنگ فراهم آورد که عدد ایشان ریگ دریاست. (همان، مکاشفات یوحنا، باب بیستم، آیات ۷، ۸)

بدین‌گونه می‌بینیم که در تورات «یاجوج» نام قوم و «مأجوج» نام سرزمینی است و در انجیل جوج و مأجوج چون دو نام به هم عطف شده‌اند و در قرآن یاجوج و مأجوج آمده است. مخصوصاً با توجه به اینکه در

مکاشفات یوحنا از ظهور آنان در آخرالزمان سخن رفته است. می‌توان گفت که اصل قصه‌ی یاجوج و مأجوج از تورات، انجیل و قرآن گرفته شده و ذکر نام آنان در قرآن باعث شده است که در تفاسیر و قصص و اغلب تاریخ‌ها از آنان و تطبیقشان با اقوام مختلف و محل سد مربوط به آنان و شکسته‌شدن آن سد در آخرالزمان سخن بگویند. به عنوان مثال می‌توان به تاریخ نیشابوری، قصص الانبیای نیشابوری و شاهنامه‌ی فردوسی مراجعه کرد (رک، احمدنژاد، ۱۳۶۹، ص ۲۰۳-۲۰۵).

اسکندر پس از بستن سد، سوی شهری رفت. باغی سرسبز را دید. خواست تا میوه‌ای بچیند. تنش خشک شد. کسی نیز خواست تاگوسفندی را بردارد او نیز خشک شد. اسکندر فهمید که نباید به آنجا دست بزند. مقداری راه رفتند تا به شهری رسیدند که خانه‌هایش هیچ‌دردی نداشت. مردمان آن چون اسکندر را دیدند بسیار به او احترام کردند. اسکندر از علت قفل نداشتن منزل‌هایشان پرسید. گفتند ما گروهی هستیم که درستکاریم و هیچ‌وقت دست به اموال یکدیگر نمی‌زنیم و حال همدیگر را کاملاً مراعات می‌کنیم. اگر کسی هم به ما برسد و زبانی رساند، فوراً دچار عذاب می‌شود. اسکندر چون قصه‌ی دینداری و زندگی آنان را شنید خوشحال شد و گفت جهان به وسیله‌ی چنین دیندارانی پایدار است و شکوه عالم به وسیله‌ی آنان است. باید آیین این خردمندان را بیاموزم و دیگر سفر نکنم و با هر گروه و ملتی آشنا نشوم. با دادن هدیه‌هایی به آنان از آنجا به سمت روم حرکت کرد. این شهر، تصویری از شهر آرمانی و مدینه‌ی فاضله در دیدگاه نظامی بوده است.

داستان مربوط به شهری است که اسکندر در طی سفرهای خویش به آنجا می‌رسد و مردم آنجا را از ترس دزد و بیم تجاوزگران در امان می‌یابد و تمام آنچه را فلاسفه برای تحقق آزادی و سعادت جستجو کرده‌اند و حتی اهل ادیان جهت نیل بدان کوشیده‌اند برای آنها حاصل می‌یابد و احساس می‌کند که انسانیت واقعی در حیات این مردم به درستی تحقق یافته است و گویی تقدیر، او را در تمام دنیا به گشت‌وگذار واداشته است تا در اینجا شاهد تحقق واقعی سعادت انسان‌ها باشد. این شهر در واقع تصویر یک مدینه‌ی فاضله‌ی



انسانی است و بدون شک، مطالعه‌ی دقیق و مکرر مجموعه‌ی پنج‌گنج نظامی این اندیشه را می‌تواند به خواننده‌ی کنجکاو القا کند که گویی شاعر نیز مثل قهرمان داستان خویش همه‌ی عمر را - از روزهای پرجوش و خروش مخزن الاسرار تا سال‌های خاموش و آرام دوران اسکندرنامه - در جستجوی یک مدینه‌ی فاضله، یک بهشت گمشده، به سر برده است تا سرانجام در آستانه‌ی پیری افق‌های طلایی آن را از دور دیده باشد. شاید بتوان گفت تمام آثار شاعر تا حدی شرح و توصیف منزل‌های روحانی است که این ره‌نورد گوشه‌نشین در رؤیاهای شاعرانه‌ی خویش، در جستجوی این بهشت گمشده، طی کرده است و توالی این پنج‌گنج ماجراهای روح او را در سفرهای دور و درازی که به دروازه‌های این شهر طلایی منتهی شده است مثل ماجراهای اسکندرنامه‌ی او جالب و عبرت‌انگیز کرده است (رک، زرین‌کوب، ۱۳۶۹، ص ۱۵-۱۶).

تصور ایجاد برترین شهر، شهر آرمانی، همیشه رؤیای دل‌نوازی بوده است که تعدادی از متفکران جهان را مجذوب می‌داشته است و در بین کهن‌ترین معماران مدینه‌ی فاضله، تاریخ مخصوصاً نام افلاطون را درخور ستایش بسیار می‌داند. در حقیقت وقتی صحبت از مدینه‌ی فاضله در میان می‌آید، طرح افلاطون در کتاب «جمهور» بیش از هر طرح دیگری درخور دقت به نظر می‌آید و این، نه فقط از آن روست که مدینه‌ی فاضله‌ی افلاطون هنوز جامع‌ترین طرح یک مدینه‌ی خیالی از دنیای باستان است؛ بلکه مخصوصاً از آن جهت است که در سرتاسر تاریخ فلسفه بیشتر آنچه متفکران نام‌آور در باب اخلاق و سیاست گفته‌اند به نحوی تحت تأثیر افلاطون است.

استاد زرین‌کوب درباره‌ی علت رویکرد نظامی به سرودن این بخش و تصویرسازی از مدینه‌ی فاضله به وسیله‌ی نظامی نوشته‌اند: «شاید اقدام او به نظم این داستان تاحدی نیز ناشی از ضرورت بررسی جامعه‌ای بسته - مقید در قیود آداب و رسوم کهن - بود که او می‌خواست تصویر یک شهر آرمانی را در افق‌های آن نیز جستجو کند. به هر تقدیر مهارت و قدرت بی‌مانندی که شاعر در نظم این قصه‌ی بی‌آب و رنگ نشان داد آن را چنان استادانه و در

جو رنگ محلی و در چهارچوبه‌ی محیط صحرا جا انداخت که جز در خورد قدرت و توفیق سراینده‌ی داستان شیرین و خسرو نبود» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳).

سکندر چوزین عبرت آگاه گشت
ز خشک و ترش دست کوتاه گشت ...
چولختی گر اینده شد در شتاب
گذر کرد از آن سبزه و جوی آب
پدیدار شد شهری آراسته
چو فر دوسی از نعمت و خواسته
چو آمد به دروازه شهر تنگ
ندیدش دری ز آهن و چوب و سنگ
در آن شهر شد با تنی چند پیر
همه غایت اندیش و عبرت پذیر
دکان‌هایسی یافت آراسته
درو قفل از جمله برخاسته
مقیمان آن شهر مردم نواز
به پیش آمدندش به صد عذر باز
فرود آوردندش از ره به کاخ
به کاخی چومینوی مینا فراخ
بسی خوان نعمت برآراستند
نهادند و خود پیش برخاستند
پرستش نمودند با صد نیاز
زهی میزبانان مهمان نواز
چو پذیرفت شه نزلشان را به مهر
بدان خوب چهران برافروخت چهر
پیرسیدشان کلین چنین بی هراس
چرایید و خود را ندارید پاس
بدین ایمنی چوزیبید از گزند
که بر در ندارد کسی قفل و بند
همان باغبان نیست در باغ کس
رمه نیز چوپان ندارد ز پس
شبان‌ی نه و صد هزاران گله
گله کرده بر کوه و صحرا یله
چگونه‌ست و این ناحفاظی ز چیست
حفاظ شمارا تولا به کیست ...
چنان دان حقیقت که ما این گروه
که هستیم ساکن در این دشت و کوه

گروهی ضعیفان دین پروریم
سر مویی از راستی نگذریم
نداریم بر پرده‌ی کج بسیج
به جز راست‌بازی نداریم هیچ
در کج روی بر جهان بسته‌ایم
ز دنیا بدین راستی رسته‌ایم
دروغی نگوئیم در هیچ باب
به شب باز گونه نبینیم خواب
نپرسیم چیزی کزو سود نیست
که یزدان از آن کار خشنود نیست
پذیریم هر چ آن خدایی بود
خصومت خدای آزمایی بود
نکوشیم با کرده‌ی کردگار
پرستنده را با خصومت چه کار؟ ...

(نظامی، ۱۳۱۷، ص ۲۲۷-۲۳۲)

۳. سومین آرمانشهر ساخته‌ی نظامی در مثنوی «هفت‌پیکر» نمایان شده است. هریک از داستان‌ها - یا اپیزودهای هفت‌پیکر - را یکی از شاه‌دخت‌های هفت‌اقلیم در قصر و گنبد مخصوص خود نقل می‌کنند. استاد زرین‌کوب در این خصوص معتقد است: «اینکه هریک از آنها ازین هفت‌پیکر زیبا، فقط یک‌شب فرصت نقل قصه‌ی خویش را دارد به طور رسمی نشان می‌دهد که آنچه بهرام را به صحبت آنها می‌کشاند، عشق نیست. هوس زودگذر صیادی حرفه‌ای اس.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۳، ص ۱۵۲).

در ساختار قصه‌های هفت‌پیکر، رنگ‌گنبد با فرش و اثاث خانه و با ظاهر و لباس قصه‌گوی تناسب دارد. رنگ ستاره‌ای را هم که روز دیدار شبانه‌ی شاه بدان منسوب است، نشان می‌دهد. قدرت شاعری و ذوق قصه‌پردازی نظامی هیچ‌جا به اندازه‌ی هفت‌پیکر به اوج تعالی نمی‌رسد. اگرچه از نظر فن داستان‌سرایی هفت‌پیکر اثری موفق و با ارزش است و هیچ‌یک از پهلوانان داستان و ایفاکننده‌ی نقش‌ها، سست و بی‌کار و ناتوان در نقش خود نیستند؛ ولی نظامی تلاشش را فقط در این زمینه به کار نبسته؛ بلکه به نکته‌های آموزنده، اندیشه‌زای و بیدارکننده توجه داشته است. بیشتر خوانندگان را فقط

به شنیدن قصه دعوت نمی‌کند از آنان می‌خواهد که درون و نکته‌ی اصلی هر داستان را بیابند و به آن توجه کنند نه فقط قسمت بیرونی داستان و افسانه‌ها را. موضوع اغلب قصه‌هایی که در هفت‌گنبد به بهرام‌شاه گفته می‌شود قصه پریان است. «داستان پریان با حس خارق‌العاده‌پسند ما سر و کار دارد. ما ناباوری را موقتاً به کناری می‌نهیم و می‌گذاریم تا انگاره‌های برآورده‌شدن آرزوها مهار ذهنمان را به دست گیرند.» (رید، ۱۳۷۶، ص ۴۷-۴۸)؛ قصه‌ی عامیانه به عنوان اثری هنری که رسانه‌ی آن زبان است دارای خصایص ساختاری مخصوص به خود است و می‌توان آن را براساس عناصر کارکردی روایی تحلیل کرد.

افسانه‌ی ماهان از مهم‌ترین بخش‌های هفت‌پیکر است؛ اگرچه منبع و مصدر آن از نوع افسانه‌های گولان و جادوان است؛ ولی در واقع نشان‌دهنده‌ی نظر و اعتقاد نظامی در خصوص انسان و افکار و اندیشه‌های اوست که در جای جای داستان به بیان نظر خود همت کرده است. داستان این مرد با طبیعت زیبا، شب آرام و درخشان چون روز آغاز می‌شود. ماهان مردی را می‌بیند که خود را شریک تجاری او معرفی می‌کند. ماهان را به گشت‌وگذار می‌خواند. با او از باغ خارج می‌شوند. راهی دراز را می‌پیمایند. تا صبح راه ادامه می‌یابد. وقتی صبح می‌شود، شریک ماهان گم می‌شود و ماهان در حیرت فرومی‌ماند. ماهان تا ظهر از مستی و خستگی می‌خوابد. چشم خود را که باز می‌کند غارهایی می‌بیند که از مارهای بسیار درشت اژدهاگون مملو هستند. از دیدن آنها وحشت می‌کند و از هوش می‌رود. بعد از مدتی آوازی به گوشش می‌رسد. دو نفر مرد و زن را می‌بیند. به ماهان می‌گویند اینجا جای دیوان است. مرد به ماهان می‌گوید کسی که تورا به اینجا آورد دیوی بود که «هایل بیابانی» نام دارد. تا صبح ماهان در پیش آن دو می‌ماند، صبح که شد، آن دو ناپدید می‌شوند. ماهان چشم خود را باز می‌کند در آنجا کوه می‌بیند. در مغاک می‌رود و می‌خوابد. ناگه صدای پای اسبی را می‌شنود. سوار می‌گوید آن دوزن و مرد نیز دوغول بودند. نام زن «هیلا» و نام مرد «غیلا». ماهان با مرد به راه می‌افتد و صدای موسیقی و طرب به گوششان می‌رسد. صحرايي می‌بیند. به جای سبزه،



غول در غول و هیاهوی عجیب. ناگاه مشعل نوری پیدا می شود و شخصی بلند و سهمناک پدید می آید. با این غولان که هیاهوی عجیبی داشتند اسب او شروع به رقصیدن می کند به گونه ای که در زیر پای خود ازدهایی با چهار پا، دوپرو و هفت سر می بیند. ماهان در رقص و هیاهو از پای می افتد و بیخود و بیهوش می شود. با طلوع آفتاب به هوش می آید. بیابانی می بیند که پایانی ندارد. آنجا را با سرعت طی می کند و به زمین سبز با آب روان می رسد. می خواهد برای رهایی خود، شب را بخوابد. در چاه خانه ای می رسد و در آن فرومی رود و می خوابد. نوری را می بیند که از ماه می تابید. سر از چاه بیرون می آورد و باغی را می بیند پر از میوه های بزرگ و متنوع. مشغول خوردن در آن باغ بود که او را به اتهام دزدی می گیرند. ماهان وضعیت و غریبی خود را به صاحب باغ می گوید. مرد عذر او را می پذیرد و به او می گوید بیابان ها و جاهایی که تو دیده ای دیو کده بوده است؛ منتها اگر «دل» تو بر جای خود بود از راه گم نمی شدی. آن مرد ماهان را به عنوان فرزند خود می پذیرد و سرای زیبا و شاهانه ای را به او می دهد. به او سفارش می کند که جز به حرف آن مرد، به حرف کس دیگری گوش نکند. ماهان بر بالای درختی می رود و با بوی گل ها و عطر باغ از تمام رنج ها راحت می شود. ناگهان شمعی تافته و زنانی شمع به دست می بیند. تعداد آنان هفده نفر بود. مهتر آنان در بزمگاه خود می نشیند و با اشعار به اینکه ماهان به آنان خواهد پیوست، زنی را برای آوردن ماهان به پیش او می فرستد. ماهان با اینکه از دیدن زنان زیبا فریفته شده بود، هنگام رفتن، حرف صاحب باغ به یادش می آید و از رفتن سر باز می زند؛ ولی عاقبت فریفته می شود و به آنان می پیوندد و با یکی از زنان شروع به نزدیکی می کند. هنگام آمیزش، یک لحظه همان زن زیبا و دلفریب را عفریته ای زشت و خشم آگین می یابد. با به دست آوردن ماهان، دختر اشتمل های فراوانی در حق او می کند. ماهان تا صبح در دست آن دیواسیر بود با طلوع صبح، آن دیوها نیز می گریزند. ماهان از شدت ناراحتی و عذاب از هوش می رود. وقتی به هوش می آید خود را در دوزخی تافته می بیند. استغفراللهی می خواند و از تمام این کارها در شگفت می ماند و فکرهای عمیقی درباره ی چیزهایی که

دیده بود، می کند: گفت با خویشتن عجب کاری ست این چه پیوند و این چه پرگاری ست دوش دیدن شکفته بستانی دیدن امروز محنت ستانی گل نمودن به ما و خار چه بود حاصل باغ روزگار چه بود واگهی نه که هر چه ما داریم در نقاب مه ازدها داریم بینی ار پرده را براندازند کابلهان عشق با که می بازند این رقم های رومی و چینی زنگی زشت شد که می بینی

(نظامی، ۱۳۴۳، ص ۲۶۴-۲۶۵)

با رهایی ماهان از دست دیوها و با رهایی نظامی از سرودن داستان ماهان، ماهان نیت خیر در پیش گرفت. بادل پاک در خداوند گریخت تا به آبی روشن و پاک رسید. تن خود را شست و به خدا سجده کرد و به راز و نیاز با او مشغول شد. سپس خضر سبز پوش را دید دست او را گرفت و به شهر خود برگشت. پس از برگشت، ازرق پوش شد:

با همه در موافقت کوشید
ازرقی راست کرد و در پوشید
رنگ ازرق برو قرار گرفت
چون فلک رنگ روزگار گرفت
ازرق آن ست کآسمان بلند
خوشتراز رنگ او نیافت پـرنـد
هر که هم رنگ آسمان گردد
آفتابش به قرص خوان گردد
هر سویی کآفتاب سردارد
گل ازرق در او نظر دارد
لا جرم هر گلی که ازرق هست
خواندش هندو آفتاب پرست

(همان، ص ۲۶۷)

هنگام تحلیل محتوایی داستان ماهان، به دو عامل بسیار مهم در شعر و و اندیشه ی نظامی پی می بریم. اول، «دل»،

که یکی از «موضوع» (subject)ها و «مفهوم» (concept)های شعر نظامی است؛ دوم مبحث انسان‌گرایی نظامی که در شخصیت مرد صاحب باغ نمودار شده است.

با مطالعه‌ای که در این داستان و نحوه‌ی انسان‌مداری و انسان‌گرایی نظامی انجام می‌دهیم، نوعی رابطه میان مبحث اومانیسیم (Humanism) و تفکر نظامی مشاهده می‌شود. اومانیسیم، اصطلاحی است که پس از رنسانس به وجود آمد. یاکوب بورکهارت، اومانیسیم را کشف جهان و انسان خوانده است (رک، دیویس، ۱۳۷۸، ص ۱۵ و ۲۲) ادوارد سعید که به بحث اومانیسیم و قلمروهای آن بسیار علاقه‌مند بود، درباره‌ی آن نوشته است: «اومانیسیم توجه خود را معطوف به تاریخ مادی و دنیوی انسان می‌کند به محصول کار انسان و توانایی او برای بیان تفصیلی. اومانیسیم، دستاوردهای شکلی و صورت‌مند اراده و عاملیت انسان است.» (سعید، ۱۳۸۵، ص ۲۸)

جوهر انسان‌مداری، دریافت تازه و مبهمی از شأن انسان به عنوان موجودی معقول و دریافت عمیق‌تر این مطلب است که تنها ادبیات کهن، ماهیت بشر را در آزادی کامل فکری و اخلاقی نشان داده است. با توجه به رویکردهای نظامی به انسان، تعریف حد و مرز آن، ستایش او از انسان نمی‌توان او را یک «اومانیسیم» به مفهوم اصطلاحی و اروپایی آن دانست، فقط در پاره‌ای از مؤلفه‌های موجود میان این دو تفکر ارتباط - گاه بسیار نزدیک - وجود دارد.

قصه آکنده است از صحنه‌های جن و پری که گویی تمام آن در افق‌های خیال محو می‌شود. مصرکه ماهان منسوب به آنجاست در روایات عامیانه‌ی اعراب، از مدت‌ها قبل از عهد نظامی از سرزمین‌هایی بود که پاره‌ای انواع غول و عفریت در آنجا زندگی می‌کردند و اسناد چنین قصه‌ای به ماهان مصری نباید مجرد اتفاق باشد. (رک، زرین‌کوب، ۱۳۷۳، ص ۱۵۸-۱۵۹)

داستان ماهان و گرفتاری او در دست دیوها و نجات او به دست خضر، از نمونه‌های شناخت و عرفان و انسان‌مداری در شعر نظامی محسوب می‌شود. چنانکه در خلاصه‌ی داستان نیز متوجه می‌شویم، او شب‌ها با عدم آگاهی و دل به هوا و هوس سپردن‌هایش در دست

دیوها اسیر می‌شود. با طلوع صبح و روشنی طبیعت، دیوها فرار می‌کنند و ماهان از شدت رنج خود بیهوش می‌شود. چند بار این اتفاق می‌افتد بالاخره با آگاهی و فراستی که از عقل خود به دست می‌آورد و با التجا به خداوند راه نجات او بازمی‌شود و به شرافت انسانی بازمی‌گردد. نظامی در این داستان، پیرمرد صاحب باغ را به عنوان نمادی از وجدان و شعور و عقل انسان قرار می‌دهد و به ماهان سفارش می‌کند که باید به حرف او گوش بدهد. شعوری نیز که ماهان به دست می‌آورد در نتیجه‌ی تلاش‌های فکری و عقلی و عرفانی او بوده است. نظامی این داستان را که می‌سراید در اصل برای آگاهی بخشیدن به انسان و موقعیت او در جهان هستی است. دیو، عنصری بود که در زمان نظامی نماد کامل اغوا و شیطان بود که انسان به علت‌های مختلف در دست او اسیر بود. در عصر جدید و در زمان زندگی ما، اغوا و شیطان، نمادهای دیگری نیز گرفته‌اند؛ ولی اصل گمراهی و از بین بردن عزت انسان به دست آنان همچنان پابرجا هست.

آرمان‌شهری از این نوع بر مبنای تفکر انسان است، یعنی آرمان‌شهری است که هر چند در ایماژهای شاعرانه در شهر، اجزاء و طبیعت آن نمایان می‌شود؛ اما جایگاه آن در ذهن و تفکر انسان است. به این سبب است که گاه بستر اولیه‌ی آرمانشهرها و یا راه رسیدن به آنها به صورت ضد آرمانشهر و یا پادآرمانشهر جلوه می‌کند. نظامی در این نوع شهرها، جغرافیایی ترتیب می‌دهد که انسان پس از گذر از مراتبی به آنجا می‌رسد. به نظر می‌رسد سایه‌ای از عرفان و طلب صوفیانه و عارفانه بر آن گسترده است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با کندوکاو در خمسه‌ی نظامی به موضوعات گوناگون در خصوص آرمانشهر و یا آرمانشهرهایی با جغرافیا، مساحت، حد و رسم و خصوصیات اقلیمی - انسانس گوناگونی برمی‌خوریم. به این سه مورد که از نظر رتبه و ماهیت، تفاوت‌های بارزی از همدیگر داشتند، اشاره شد. مشخص می‌شود که در تفکر برخی از شاعران، اندیشه‌وران و یا حکیمانی چون نظامی، نباید آرمانشهرهای تأسیس شده را در یک حد و رسم و در



جغرافیای واحدی ترسیم کرد. شاعریه مناسبت مقال و به دلیل حرف و حکمتی که خواهان گفتن آن است به شیوه‌ی تمثیل، شهرهایی را تأسیس می‌کند و اصول، قانون‌ها و طول و عرض خاصی را بر آن ترسیم می‌کند. این هنر شاعر را می‌رساند که زبان و فکرش را در داخل سیستم و نظام بسته‌ای قرار نمی‌دهد. فکرش و تخیلش آزاد است و به این دلیل شهرهای خاصی را که حاصل فکر و زبان اوست، رسم می‌کند.

منابع و ماخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۷۴) اندیشه‌ی اجتماعی متفکران مسلمان (از فارابی تا ابن خلدون)، تهران، سروش.
۲. آشوری، داریوش. (۱۳۸۱) فرهنگ علوم انسانی، تهران، مرکز.
۳. احمدنژاد، کامل. (۱۳۶۹) تحلیل آثار نظامی‌گنجوی، تهران، علمی.
۴. باطنی، محمدرضا و گروه نویسندگان. (۱۳۶۸) واژه‌نامه‌ی روانشناسی و زمینه‌های وابسته، تهران، فرهنگ معاصر.
۵. بهار، مهرداد. (۱۳۵۷) گنگ‌دژ و سیاوش‌گرد، شاهنامه‌ی فردوسی، تهران، بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی.
۶. ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۲) سهرابی دیگر، تهران، دنیای نو.
۷. تنر، تونی. (۱۳۸۵) تجلی شهر در ادبیات غرب، فصلنامه‌ی معماری و شهرسازی، شماره‌ی پنجم، شماره‌ی ۱۵ و ۱۶.
۸. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۵۴) اجتماع و اجتماع‌پذیری فلسفه‌ی مدنی فارابی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر.
۹. (۱۳۵۴) فلسفه‌ی مدنی فارابی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر.
۱۰. دیویس، تونی. (۱۳۷۸) اومانسیم، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، مرکز.
۱۱. رید، یان. (۱۳۷۶) داستان کوتاه، ترجمه‌ی فرزانه طاهری، تهران، مرکز.
۱۲. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹) باکاروان اندیشه،

تهران، امیرکبیر.

۱۳. ----- (۱۳۷۹) پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، تهران، سخن.
۱۴. سعید، ادوارد. (۱۳۸۵) اومانسیم و نقد دموکراتیک، ترجمه‌ی اکبر افسری، تهران، کتاب روشن.
۱۵. سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۱) مکتب‌های ادبی، تهران، نگاه.
۱۶. سیف‌الدینی، فرانک. (۱۳۸۲) مبانی برنامه‌ریزی شهری، تهران،
۱۷. شوای، فرانسواز. (۱۳۷۵) شهرسازی: تخیلات، واقعیات، ترجمه‌ی دکتر سیدمحسن حبیبی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. عهد عتیق (کتاب مقدس تورات که از زبان‌های اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی ترجمه شده است)، انجمن پخش کتب مقدس در میان ملل.
۱۹. کریستین سن. (۱۳۵۵) کیانیان، ترجمه‌ی ذبیح‌الله صفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۰. فارابی، ابونصر محمد. (۱۳۶۱) اندیشه‌های اهل مدینه‌ی فاضله، ترجمه و تحشیه از دکتر سیدمحمدجعفر سجادی، تهران، طهوری.
۲۱. مانهایم، کارل. (۱۳۸۰) ایدئولوژی و اتوپیا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه‌ی فریبرز مجیدی، تهران، سمت.
۲۲. مور، تامس. (۱۳۶۱) آرمانشهر (یوتوپیا)، ترجمه‌ی داریوش آشوری - نادر افشار نادری، تهران، خوارزمی.
۲۳. نظامی‌گنجوی. (۱۳۱۷) اقبالنامه، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران، علمی.
۲۴. ----- (۱۳۴۳) مخزن الاسرار، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران، علمی.
۲۵. ----- (۱۳۶۳) هفت‌پیکر، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران، علمی.
۲۶. هلد، دیوید. (۱۳۶۹) مدل‌های دموکراسی، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، روشنگران.

تأثیر استقرار شهرداری الکترونیکی بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها

عبدالله محمودی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، گروه مدیریت و بانکداری، مهاباد، ایران.
کامل داودی* - دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت دولتی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

Impact of Electronic Municipality on Transparency of Municipal Performance

Abstract

Has long been a municipality as a new approach in the field of urban management, and tracking is introduced. This management approach strives to provide common services to the citizens of the municipality based on modern information and communication technology-based mechanisms arising from the communication form. Transparency means that the performance of public functions, financial decisions and policies, public sector accounts, and pre financial projections, they are subject to public notice. The purpose of this study is to examine the impact of commerce on the transparency function. The population of municipalities in the southern province of West Azerbaijan and questionnaires were used to collect data. In this study three types serve different aspects of commerce, including providing information offline, online services and mechanisms is the dividing line. The analysis of data Friedman test and the Wilcoxon test was used and the results indicate that all aspects of commerce have an impact on the transparency of municipal performance.

Keywords: Commerce, transparency, performance, information, offline, online services, activities within the

چکیده

مدتهای مدیریتی است که شهرداری الکترونیکی به عنوان رویکردی نوین در عرصه مدیریت شهری، معرفی شده است و پیگیری می‌شود. این رهیافت مدیریتی می‌کوشد تا ارائه خدمات متعارف به شهروندان از سوی شهرداری‌ها را بر اساس فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و مبتنی بر ساز و کارهای برخاسته از ارتباطات، شکل دهد. شفافیت عملکرد به معنای این است که ساختار عملکردهای بخش عمومی، تصمیمات و سیاست‌گذاری مالی، حساب‌های بخش عمومی و پیش‌بینی‌های مالی، همگی در معرض اطلاع عموم قرار داشته باشند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر استقرار شهرداری الکترونیکی بر شفافیت عملکرد می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شهرداری‌های جنوب استان آذربایجان غربی بوده و جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. در پژوهش حاضر ابعاد شهرداری الکترونیکی به سه نوع خدمت متفاوت شامل ارائه اطلاعات برون خط، ارائه خدمات برخط و ساز و کارهای درون خط تقسیم شده است. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون فریدمن و آزمون ویلکاکسون استفاده شده است و نتایج نشان دهنده این است که همه ابعاد شهرداری الکترونیک بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها تأثیر دارند.

واژگان کلیدی: شهرداری الکترونیک، شفافیت عملکرد، اطلاعات برون خط، خدمات برخط، فعالیت‌های درون خط.

مقدمه

گسترش شهرها به همراه افزایش جمعیت و توسعه کالبدی آنها، از یک سوسبب افزایش حجم فعالیت‌های شهروندان، درون عرصه‌های فضایی و کالبدی شهرها شده است، و از سوی دیگر گسترش در بُعد فیزیکی بر وسعت و کمیت این کنش‌ها و فعالیت‌ها افزوده است. حجم بالای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در شهرها که با گسترگی کالبدی و فضایی آن در آمیخته است، موجبات بروز مشکلات متعددی در زندگی شهروندان در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی شده است. شهرداری الکترونیکی به عنوان رویکردی نوین در عرصه جهانی و مدیریت شهری معرفی شده است و این رهیافت مدیریتی می‌کوشد تا ارائه خدمات متعارف به شهروندان از سوی شهرداری‌ها را بر اساس فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و مبتنی بر ساز و کارهای برخاسته از ارتباطات، دوردور شکل دهد. شفافیت عملکرد به معنای این است که ساختار عملکردهای دولت، تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های مالی، حسابهای بخش عمومی و پیش‌بینی‌های مالی همگی در معرض اطلاع عموم قرار داشته باشند. شفافیت عملکرد، پاسخگویی را تقویت می‌کند، بنابراین، اعتبار نهادهای دولتی را افزایش داده و کاهش هزینه‌ها و حمایت بیشتر آحاد جامعه را به دنبال خواهد داشت. یکی از عناصر ضروری شفافیت، دسترسی مردم به اطلاعات مالی است. انجام امور به صورت الکترونیکی، از اختلالات و اغتشاشاتی که در ادارات وجود دارد، می‌کاهد و سیستم‌های کنترلی پیشرفته که با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات قابل اعمال می‌باشند، از بروز بسیاری از سوءاستفاده‌ها، جلوگیری خواهند کرد. این سیستم‌های کنترلی و نظارتی باعث می‌شوند که تمام فرایندهای اداری تحت کنترل بوده و تخلفات اداری در هیچ مورد صورت نگیرد، که این امر در نهایت رضایت‌مندی مردم را در دریافت عادلانه خدمات به همراه خواهد داشت.

در حال حاضر، اکثر خدمات شهرداری‌ها به صورت سنتی می‌باشد که این فرآیند، طولانی، وقت‌گیر و همراه با کاغذبازی است و به نیروی انسانی فراوانی نیازمند است

که این روال اداری گسترده برای شهرداری و برای مراجعه کنندگان، پر هزینه و زمان بر است. همچنین به علت سنتی بودن مراحل کار، پرداخت‌ها و دریافت‌ها نیازمند کنترل‌های زیادی می‌باشد که همه این عوامل باعث مبهم شدن عملکرد می‌شود و همچنین باعث به وجود آمدن مشکلات عدیده‌ای برای شهرداریها خواهد شد. شهرداری‌ها در شهرهای بزرگ، لازم است از روش‌های سنتی دست برداشته و در انجام امور خود از سیستم الکترونیک و مجازی بهره‌گیرند. دنیایی که در آن فعالیت‌ها بسیار سریعتر و مطمئن‌تر انجام می‌گیرد و نیازی به تراکم فیزیکی جمعیت در این نهادها نیست. لازم است جهت کاهش ترافیک شهری، هزینه‌های انجام کار، برخوردها و ناراحتی‌های روانی، فساد اداری و ده‌ها مشکلی که همه روزه شهرداری‌ها با آن روبرو هستند، چاره اندیشند و به نظر می‌رسد یکی از راه‌حل‌های این مشکلات ایجاد شهرداری‌های مجازی باشد که از مشکلات یادشده می‌کاهد و حتی به بهبود روندکاری نیز منجر می‌شوند.

ادبیات نظری و تجربی پژوهش دولت الکترونیک

از اوایل قرن بیستم و با نفوذ فناوری تلفن در ساختار دولت تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین بر شیوه اداره امور دولتی آغاز شد. هر چند زمینه‌ها و خاستگاه آن را می‌توان به قرن هجدهم و پدیده تلگراف نسبت داد. در دهه ۷۰ میلادی، گسترش کامپیوتر و بکارگیری آن در ساختار دولت باعث رونق کاربردهای آن شد و تلاش گسترده‌ای برای دیجیتالی کردن دولت در آن زمان آغاز گردید (مقدسی و فیضی، ۱۳۸۸). روند ایجاد دولت الکترونیک بدین صورت بوده است که در طول نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، بخش خصوصی آمریکا مسئول خلق خدمات الکترونیکی شد. وجود فناوری WEB، به برانگیختن برخی اقدامات تجاری شرکتها منجر شد و نتایج خوب و قابل توجهی از این اقدامات حاصل گردید. به رهبران دولتی پیشنهاد داده شد که «لطفاً از فناوری اطلاعات استفاده کنید و اجازه دهید که خدماتتان بیشتر در



جدول ۱. پیشینه نظری و تجربی پژوهش؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| نویسنده | سال | موضوع پژوهش | نتایج پژوهش |
|--------------|------|--|--|
| امیر فرمانبر | ۱۳۸۹ | ارزیابی شهرداری الکترونیکی اصفهان | وی به ارزیابی برخی از راه کارهای پیشنهادی برای بهتر شدن شاخص‌های فناوری اطلاعات می پردازد. پژوهشگر در این تحقیق مدل و شاخص‌های به ارزیابی آمادگی الکترونیکی شهرداری اصفهان اشاره می کند و نتیجه می گیرد که شهرداری اصفهان دارای دو مزیت بزرگ است، اول اینکه دارای نیروی متخصص در حد متوسط است و دوم اینکه زیر ساخت‌های مناسبی جهت پیشرفت در آینده دارد. |
| اکبر کیانی | ۱۳۹۰ | شهر هوشمند ضرورت هزاره سوم در تعاملات یکپارچه شهرداری الکترونیک | شهر هوشمند و شهر الکترونیک به عنوان روشی نوین در جهت حل بسیاری از مشکلات موجود در مسیر مدیریت کارآمد شهری، مطرح گردد و همچنین به بررسی نقش عمده شهرداری الکترونیک پرداخته و به واکاوی خدمات شهرداری الکترونیک به شهروندان و وضعیت ایجاد شهر الکترونیک در ایران و موانع پیش روی آن پرداخته شده است، پژوهشگر نتیجه می گیرد که حرکت به سوی شهرهای الکترونیک با توجه به افزایش جمعیت و تعبیر ساختار روابط بین افراد امری اجتناب ناپذیر است. |
| علی حکمت نیا | ۱۳۹۰ | رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمانها | آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقی است که جامعه برای آنها در نظر می‌گیرد. در انجام تحقیق شهروندان سه منطقه از شهر تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده اند، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که افزایش آگاهی مردم، موجب مشارکت بیشتر آنها برای ادای تکالیف در امور شهری و توسعه شهروند فعال می شود. |
| اندرسون | ۲۰۰۹ | تعامل دولت الکترونیک و شفافیت در نهادهای دولتی | برای انجام این پژوهش ۱۴۹ کشور جهان در بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ میلادی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و نتایج از وجود رابطه مثبت و اقتصادی دولت الکترونیک بر شفافیت اداری را نشان داد. |
| هی لی | ۲۰۰۸ | کاربرد روز افزون دولت الکترونیک برای بهبود شفافیت بخش‌های دولتی و نبرد با فساد اداری | مطالعه این موضوع به وسیله روش کاربرد تئوری سازمانی (رسمی) از منظر تجزیه و تحلیل انجام شده است و در همین راستا روشی به نام سیستم OPEN را معرفی می‌کند. این تحقیق در سئول انجام شده است و چگونگی کاربرد سیستم دولت الکترونیک برای مبارزه با فساد را در دولت محلی مورد ارزیابی قرار داده و از آن به عنوان نمونه‌ای برای کاربرد در سایر نقاط جهان نام برده است. |
| لیو | ۲۰۰۵ | اثر استقرار فناوری اطلاعات بر افزایش شفافیت و پاسخگویی | پژوهشگر جهت انجام این پژوهش به جمع آوری داده‌های در هفتاد کشور جهان پرداخته است نتیجه می‌گیرد که اثرات استقرار فناوری بر افزایش شفافیت معنی داری است. |
| برتوت | ۲۰۱۰ | اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایجاد شفافیت | در سال‌های اخیر دولت‌های زیادی در سراسر جهان سعی کرده‌اند که فعالیت‌های خود شفاف کنند، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از منظر بسیاری از دولت‌ها به عنوان ابزاری مقرون به صرفه و مناسب برای ترویج شفافیت و کاهش فساد تعبیر می‌شود. اما هنوز بسیاری از دولت‌ها به این مسئله شک دارند که دولت الکترونیک باعث شفافیت بیشتر خواهد شد یا نه؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شفافیت معلول عوامل زیادی است و در نتیجه باید با در نظر گرفتن عوامل متعددی به سوی بهبود شفافیت رفت و در این میان دولت الکترونیک می تواند یکی از این عوامل متعدد باشد. |



دسترس باشد، همچنین هرگز از فناوری وب نهراسید، اما همواره برای آن برنامه ریزی کنید» (اصغرینیا، ۱۳۸۸).

«دولت الکترونیک»^۲ عبارت است از ارائه خدمات و اطلاعات دولتی از طریق اینترنت یا سایر رسانه‌های الکترونیکی که در این صورت سیستم‌های ارائه خدمات و اطلاعات مبتنی بر اینترنت و برخلاف ساختارهای سنتی که سلسله مراتبی، خطی و یک طرفه‌اند، حالتی غیر سلسله مراتبی، غیرخطی و دو طرفه به خود گرفته و به صورت بیست و چهار ساعته و هفت روز هفته به ارائه خدمات بر خط می‌پردازد (یعقوبی، ۱۳۸۸). همچنین «شهر الکترونیک»^۳، شهری است که اجرای اکثر فعالیت‌های آن از طریق امکانات مبتنی بر اینترنت و سیستم‌های الکترونیک امکان پذیر باشد، که در آن مردم برای کارهای روزمره خود را می‌توانند از طریق کامپیوتر شخصی خود، هنگامی که به اینترنت متصل هستند انجام دهند. همین‌طور مشارکت در فعالیت‌های شهری از جمله ارتباط با مسئولین ادارات، بنگاه‌های اقتصادی و اجتماعی، شهردار و سایر مسئولین شهری تا حد زیادی تسهیل می‌گردد و خدمات به شهروندان به شکل ساده‌تر و مطلوب‌تر ارائه می‌شوند (Burn & Robins, 2003).

کاستلز^۴ در کتاب «عصر اطلاعات» می‌نویسد: شهر اطلاعاتی نیازمند شهروندان اطلاعاتی است. او معتقد است بازسازی سرمایه داری به همراه فناوری‌های نوین، منجر به تحول اجتماعی و در نتیجه تحول شهر شده است. این تحول، شهر دو قطبی^۵ را جایگزین شهرهای سنتی می‌کند (سلسله، ۱۳۹۰).

در این بین مجموعه تحولات بزرگی که در جامعه بشری اتفاق می‌افتد، شهروند، جامعه را به سمتی سوق می‌دهد که مهارت زیستن در چنین جامعه‌های را پیدا کند. در اینجا مفهوم «شهروند الکترونیکی»^۶ نمود پیدا می‌کند که فردی است دارای توانایی استفاده از فناوری اطلاعات در انجام امور روزمره خود داشته و می‌تواند خدمات مورد نیاز خود را با استفاده از ابزارها و سیستم‌های الکترونیکی از منزل، ادارات و موسسات ذی‌ربط دریافت نماید. بنابراین، شهروند الکترونیک

کسی است که در محیط کار، محل تفریح، آموزش، ارتباطات روزمره و تراکنش‌های مالی، بتواند ابزارهای الکترونیکی مختلف از جمله رایانه و اینترنت را به خدمت بگیرد و به راحتی امور مختلف روزمره خود را انجام دهد (حق پناه، ۱۳۹۱). مقوله فناوری اطلاعات با گستردگی امروز خود در بین مجامع عصر حاضر جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. از این رو دولت‌ها و سازمان‌ها می‌توانند از طریق شبکه‌های الکترونیکی با شهروندان تبادل نظر، اطلاع رسانی و تراکنش داشته و در ارائه خدمات مجازی به صورت الکترونیکی عمل نمایند (کیانی، ۱۳۹۰).

لذا از آنجا که شهرداری‌ها، قسمت عمده‌ای از فعالیت سازمان‌ها را در شهرها عهده دار، و در هر نوع برنامه ریزی و تصمیم‌گیری مدیریت شهری، سهم عمده‌ای را دارا هستند، می‌توانند کانون تجلی شهر الکترونیکی باشند (فرمانبر و سید جوادی و یزدان پناه، ۱۳۸۷). بنابراین می‌توان گفت که شهرداری الکترونیکی، سازمانی است که با بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، خدمات خود را در حوزه وظایف شهرداری به صورت سریع قابل دسترسی و امن به شهروندان ارائه می‌دهد. (سرافرازی، ۱۳۹۰). شهرداری الکترونیکی می‌تواند مزایای زیر را به همراه داشته باشد:

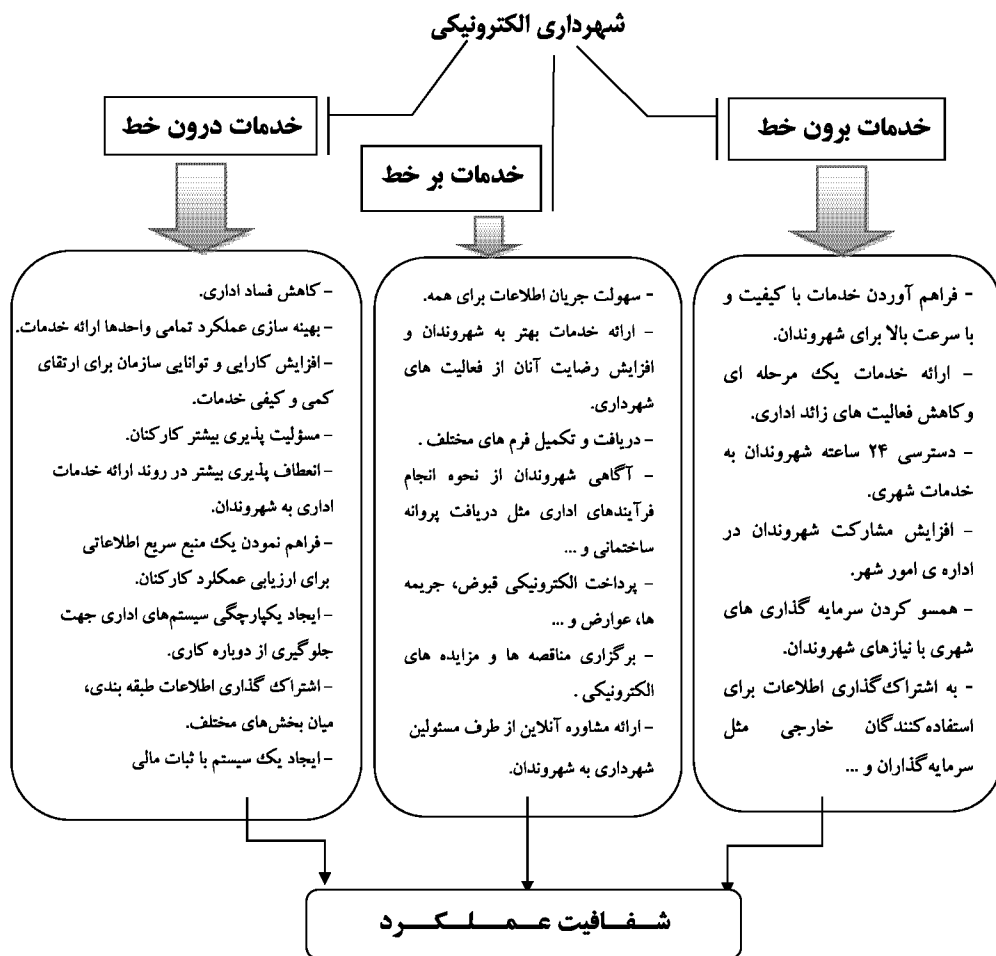
۱. «ایجاد یک سیستم با ثبات و جامع در گردش پول»؛
۲. «ارائه خدمات تک مرحله‌ای»؛
۳. «جلوگیری از روش‌های قدیمی تر»؛
۴. «کاهش کنترل دستی»؛
۵. «شفافیت عملکرد»؛
۶. «کاهش ترافیک شهری»؛ و
۷. کاهش تراکم و ازدحام فیزیکی ارباب رجوع» (جلالی، ۱۳۸۶).

شفافیت عملکرد

شفافیت عملکرد یکی از ضرورت‌های کلیدی مدیریت دولتی در شرایط کنونی است و از بهترین الگوهای حکمرانی مردم سالار تلقی می‌شود که صاحبان قدرت را

2. E-Government
3. E-City
4. Manoel Kastelz

5. Dipole City
6. E-Citizen



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.

می باشد (Fesher,2004). شفافیت یعنی اینکه، تصمیمات گرفته شده، بیطرفانه و منصفانه بوده و توسط راه و روشی که قوانین و مقررات را دنبال می کنند، اجرا گردند (Gally,2009). همچنین مفهوم شفافیت این است که اطلاعات بطور آزادانه در دسترس بوده و دستیابی به آنها مستقیماً و بدون درنگ صورت گیرد، تا افرادی که قرار است تحت تأثیر این تصمیمات واقع شوند، بطور کامل از آنها مطلع گردند، بدین معنا که اطلاعات کافی تهیه شده و بصورت مستند و نوشته صریح و قابل درک برای عموم ارائه شود (سجادی، ۱۳۸۷). شفافیت در فرهنگ وبستر^۹ (۱۹۷۲) باز بودن یا گشودگی سازمانها یا نهادهای دولتی (دسترسی آسان به به عملیات داخل سازمان)، آشکار بودن مؤسسات (وضوح)، صداقت و قابلیت درک آسان تعریف شده

در برابر شهروندان پاسخگومی نمایند (Bonz,2005). در حقیقت شفافیت یکی از ارکان اصلی مدیریت دولتی است که تصویری از عدالت، برابری^۷، اعتماد و انصاف^۸ را به ذهن متبادر می سازد و می تواند برای بهبود شرایط و اثربخشی مدیریت دولتی مورد استفاده قرار گیرد (غلام زاده، ۱۳۹۱). شفافیت عملکرد یکی از پایه های اصلی دموکراسی و جمهوریت و ملازم با «حق دانستن» است. «شفاف سازی» را می توان به شفاف سازی اطلاعات، شفاف سازی مشارکتی و شفاف سازی عملکرد و پاسخگویی تقسیم کرد (Tanzi, 2010). مهمترین نتایج شفاف سازی، ارتقای کیفیت تصمیمات متخذه، افزایش اعضای حلقه تصمیم گیری، کاهش فساد و سوء استفاده از موقعیت به منظور کسب منافع فردی یا جناحی، و اطلاع قانونمند مردم از فرایندهای تصمیم گیری

7. Equality

8. Trust and fairness

9. Webster's dictionary

عمومی هستند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با شهروندان در ارتباط هستند، به همین دلیل جهت ارائه خدمات بهتر به شهروندان و فراهم آوردن پاسخگویی و شفافیت در عملکرد آنها، مدل جدیدی از شهرداری‌ها طراحی شده که شهرداری الکترونیکی نام دارد. شهرداری الکترونیک در همه جای جهان سه خدمت عمده را ارائه می‌دهد:

۱. «ارائه اطلاعات برون خط»: این نوع اطلاعات شهرداری الکترونیکی برای شهروندانی طراحی شده است که به طور مستقیم با نهاد شهرداری سروکار ندارند و هدف از ارائه اینگونه اطلاعات، صرفاً اطلاع‌رسانی و یا کسب اطلاعات شهری می‌باشد.

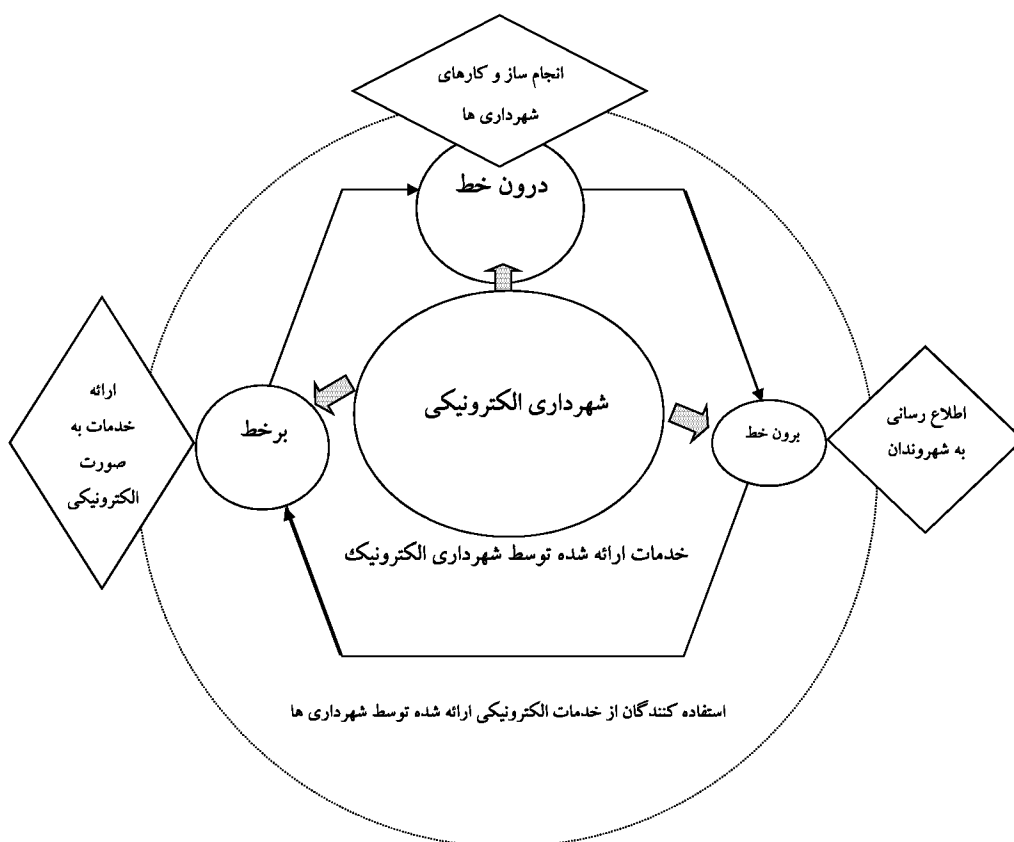
۲. «ارائه خدمات برخط»: این نوع خدمت برای شهروندانی طراحی شده است که به طور مستقیم با نهاد شهرداری سروکار دارند. ارائه خدمات برخط مزایای زیادی برای شهروندان و شهرداری‌ها به همراه دارد.

۳. «انجام فعالیت‌ها و ساز و کارهای درون خط»: این نوع

است. در این تعریف منظور از باز یا گشودگی، دسترسی آسان به عملیات داخل سازمان، و منظور از آشکار بودن موسسات، وضوح اطلاعات است (رمضانی و مرادی، ۱۳۸۸). هدف پژوهش حاضر این است که بررسی کند، با توجه به مفاهیم دولت الکترونیک و تأثیرات آن بر شفافیت عملکرد دولت و نهادهای وابسته به آن، آیا در عمل و در بستر فعلی سازمان‌های دولتی در کشور، الکترونیکی کردن ارگان‌های دولتی و عمومی باعث شفافیت‌کارکرد و عمل آنها خواهد شد یا خیر و همچنین میزان انطباق تئوری با تجربه را در مهمترین ارگان‌های شهری که صرفاً؛ شهرنشینان مواجه است، به بوته آزمایش بگذارند، لذا تأثیر شهرداری الکترونیک بر شفافیت عملکرد مورد ارزیابی قرار دهیم.

متغیرهای پژوهش

الف) متغیر مستقل این پژوهش، شهرداری الکترونیک می‌باشد. شهرداری‌ها جزو معدود ارگان‌های



نمودار ۱. مدل کارکردی دولت الکترونیک

جدول ۲. جامعه آماری و نمونه آماری با استفاده فرمول کوکران

| شهر | تعداد کل کارمندان | تعداد کل کارمندان دارای مدرک لیسانس به بالا | حجم نمونه |
|----------|-------------------|---|-----------|
| ارومیه | مرد | ۱۵۳۶ | ۷۴ |
| | زن | ۱۳۹ | ۳۰ |
| مهاباد | مرد | ۴۳۲ | ۲۸ |
| | زن | ۹ | ۲ |
| بوکان | مرد | ۱۷۲ | ۲۲ |
| | زن | ۲ | ۲ |
| پیرانشهر | مرد | ۱۵۳ | ۱۰ |
| | زن | ۲ | ۲ |
| | | ۲۴۴۵ | ۱۷۰ |
| | | ۱۹۲ | |

فعالیت و سازوکار شهرداری الکترونیکی برای پرسنل شاغل در شهرداری طراحی شده است، زیرا که شهرداری الکترونیکی به طور مستقیم بر کارایی پرسنل تأثیر خواهد گذاشت و باعث ایجاد نوعی کنترل سیستماتیک بر فعالیت کارکنان و هماهنگ سازی ساز و کارهای شهرداری خواهد شد.

ب) متغیر وابسته این پژوهش عبارت است از شفافیت عملکرد. ارتقای شفافیت عملکرد، می تواند نقش مهمی را در راستای افزایش اعتماد عمومی، افزایش پاسخگویی و کاهش فساد اداری در شهرداری، ایفا کند. فرضیه های این پژوهش عبارتند از:

- ۱- استقرار شهرداری الکترونیکی بر شفافیت عملکرد شهرداری ها مؤثر است (اصلی).
- ۲- ارائه اطلاعات برون خط بر شفافیت عملکرد شهرداری ها مؤثر است.
- ۳- ارائه خدمات بر خط بر شفافیت عملکرد شهرداری ها مؤثر است.
- ۴- انجام فعالیت ها و ساز و کارهای درون خط بر شفافیت عملکرد شهرداری ها مؤثر است.

مواد و روش ها

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت به لحاظ اینکه با دریافت نظرات کادر شهرداری، عوامل موثر بر

شفافیت عملکرد را مورد بررسی قرار می دهد، توصیفی-پیمایشی است. از آنجاکه این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر شفافیت عملکرد می پردازد، از نوع اثربخشی است، از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-پیمایشی از نوع میدانی است. برای جمع آوری اطلاعات از شهرداری های جنوب استان آذربایجان غربی استفاده شده است که ترکیب جنسیتی پرسنل در جدول ذیل ارائه شده است. حجم کل جامعه آماری ۲۴۴۵ و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۷۰ نفر می باشد.

گردآوری اطلاعات به دو شکل کتابخانه ای و میدانی بوده است. جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات موضوع، از منابع کتابخانه ای، مقالات و سایت های اینترنتی و کتابهای مورد نیاز استفاده شده است و در روش میدانی به منظور جمع آوری داده ها و اطلاعات برای تجزیه و تحلیل، از پرسشنامه پنج گزینه ای بر اساس طیف لیکرت استفاده گردیده است. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتیجه در جدول زیر خلاصه شده است و نشان دهنده آن است که موارد مورد نظر در پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار می باشند.

پرسشنامه ی مورد استفاده در پژوهش محقق ساخته می باشد. سوالات بکار رفته در پرسشنامه، استخراج شده از تئوری، در اختیار محققین صاحب نظر قرار گرفت و دیدگاه های اصلاحی آنها اخذ گردید. بنابراین اعتبار این



پرسشنامه از طریق روایی صوری تعیین شده است. همچنین تعداد ۲۵ پرسشنامه در مرحله پیش آزمون، از سوی کارکنان شهرداری تکمیل گردید و پس از بازبینی نحوه واکنش آزمودنی‌ها به سوالات، و مشورت با افراد صاحب نظر، نقایص ساختاری، محتوایی و روش‌گویه‌های پرسشنامه، مشخص و اصلاح گردید.

جدول ۳. آماره پایایی پرسشنامه

| پایایی آزمون | |
|--------------|---------------|
| تعداد سوالات | آلفای کرونباخ |
| ۳۲ | ۰/۸۵۸ |

یعنی ارائه خدمات برخط با شاخص ۲/۰۱ بیشترین تأثیر را بر شفافیت عملکرد در شهرداری‌ها دارد و نهایتاً متغیر اول یعنی ارائه اطلاعات برون خط با شاخص ۱/۷۶ در مکان سوم رتبه بندی تأثیرات شهرداری الکترونیکی بر شفافیت عملکرد، قرار دارد.

جدول ۴. آزمون فریدمن

| رتبه بندی | برون خط |
|-----------|---------|
| ۱/۷۶ | برون خط |
| ۲/۰۱ | بر خط |
| ۲/۲۲ | درون خط |

فرضیه فرعی اول پژوهش: ارائه اطلاعات برون خط بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها مؤثر است. برای مشخص نمودن آزمون مقایسه‌ای، ابتدا فرض نرمال بودن داده‌های مربوط به ارائه اطلاعات برون خط با استفاده از نمودار Q-Q plot و آزمون گلموکروف-اسمیرنوف را آزمون می‌کنیم.

با توجه به نتایج جدول فوق، که در آن میزان سطح معنی داری آزمون گلموکروف-اسمیرنوف ۰/۰۰۰ که کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ گزارش شده است؛ نرمال نبودن داده‌های مربوط به متغیر ارائه اطلاعات برون خط را تأیید می‌کند. قبل از بررسی آماری فرضیه‌های بایست آنها را به صورت فرضیه های آماری مشخص نمود. فرض (صفر): H_0 : میزان پارامتر میانه ارائه اطلاعات برون خط بیشتر یا مساوی ۳ می‌باشد. یعنی ارائه اطلاعات برون خط بر روی شفافیت عملکرد تاثیرگذار نیست. فرض (مقابل): H_1 : میزان پارامتر میانه ارائه اطلاعات کمتر از ۳ می‌باشد و این نشان‌دهنده این است که ارائه اطلاعات برون خط بر روی شفافیت عملکرد تاثیرگذار است.

$$H_0: \text{Median} \geq 3$$

$$H_1: \text{Median} < 3$$

جهت ارائه شاخصهای توصیفی از فروانی، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از نمودار Q-Q plot و آزمون گلموکروف-اسمیرنوف استفاده شده است. با توجه به نرمال نبودن داده‌ها، آزمون ویلکاکسون مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون از آزمون‌های ناپارامتری است که برای ارزیابی همانندی دو نمونه وابسته با مقیاس رتبه‌ای به کار می‌رود. این آزمون اندازه تفاوت میان رتبه‌ها را در نظر می‌گیرد، بنابراین متغیرها می‌توانند دارای جواب‌های متفاوت و یا فاصله‌ای باشند.

با توجه به خروجی‌های نرم افزار spss نتیجه نهایی این است که هر سه مشخصه شهرداری الکترونیک شامل خدمات برون خط، بر خط و ساز و کارهای درون خط بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها تأثیر معنادار دارند و فرضیه H_1 مبنی وجود ارتباط معنی‌دار بین سه متغیر فرعی شهرداری الکترونیک بر شفافیت عملکرد در شهرداری‌ها تأیید می‌شود. همچنین در جدول رتبه بندی متغیرها، متغیر سوم یعنی انجام فعالیت‌ها و سازو کارهای درون خط با شاخص ۲/۲۲ بیشترین تأثیر را بر شفافیت عملکرد در شهرداری‌ها دارد و سپس متغیر دوم

جدول ۵. نتایج آزمون گلموکروف-اسمیرنوف برای متغیر ارائه اطلاعات برون خط پاسخ دهندگان

| شرح آزمون گلموکروف-اسمیرنوف | | | |
|-----------------------------|-------|-------|-----------------|
| سطح معنی‌داری (یک طرفه) | تعداد | آماره | اطلاعات برون خط |
| ۰/۰۰۰ | ۱۶۱ | ۰,۰۲۵ | |

که در آن مقدار ثابت ۳، مقدار پیشنهادی برای میانه متغیر ارائه اطلاعات برون خط می باشد.

از نتایج جدول فوق، که در آن میزان سطح معنی داری آماره آزمون W تک نمونه ای ۰/۰۰ کمتر از $\alpha = 0/05$ گزارش شده است؛ می توان نتیجه گرفت که فرض صفر رد می شود؛ بنابراین مقدار پارامتر میانه ارائه اطلاعات کمتر از ۳ می باشد. یعنی ارائه اطلاعات برون خط بر روی شفافیت عملکرد تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی دوم پژوهش: ارائه خدمات برخط بر شفافیت عملکرد شهرداری ها مؤثر است. برای مشخص نمودن آزمون مقایسه ای، ابتدا فرض نرمال بودن داده های مربوط به ارائه خدمات برخط با استفاده از نمودار Q-Q plot و آزمون گلموکروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار می گیرد.

با توجه به نتایج جدول فوق، که در آن میزان سطح معنی داری آزمون گلموکروف-اسمیرنوف ۰/۰۰۰ که کمتر از $\alpha = 0/05$ گزارش شده است؛ نرمال نبودن داده های

مربوط به متغیر ارائه اطلاعات برون خط، تأیید می شود. قبل از بررسی آماری فرضیه ها می بایستی ابتدا آنها را به فرضیه های صورت آماری فرض بندی نماییم: فرض (صفر) H_0 : میزان پارامتر میانه ارائه خدمات برخط بیشتر یا مساوی ۳ می باشد. یعنی ارائه خدمات برخط بر روی شفافیت عملکرد تأثیرگذار نیست. فرض (مقابل) H_1 : میزان پارامتر میانه ارائه خدمات برخط کمتر از ۳ می باشد، یعنی ارائه خدمات برخط بر روی شفافیت عملکرد تأثیرگذار است، که در آن مقدار ثابت ۳، مقدار پیشنهادی برای میانه متغیر ارائه خدمات برخط می باشد.

از نتایج جدول فوق، که در آن میزان سطح معنی داری آماره آزمون W تک نمونه ای ۰/۰۰ کمتر از $\alpha = 0/05$ گزارش شده است؛ می توان نتیجه گرفت که فرض صفر رد می شود؛ بنابراین مقدار پارامتر میانه ارائه اطلاعات کمتر از ۳ می باشد. یعنی ارائه خدمات برخط بر روی شفافیت عملکرد تأثیرگذار است.



جدول ۶. آماره ی خلاصه نتایج آزمون تک نمونه ای ویلکاکسون برای ارائه اطلاعات برون خط پاسخ دهندگان

| شرح آزمون W تک نمونه ای | | | | تعداد | |
|-------------------------|---------|------------------|------------------|-------|---------------------|
| سطح معنی داری (یکطرفه) | آماره W | میانۀ برآورد شده | انحراف استاندارد | | |
| ۰,۰۰۰ | ۱,۷۲۳۳ | ۱,۷۶ | ۰,۳۷۴۳۶ | ۱۶۱ | ارائه خدمات برون خط |

جدول ۷. نتایج آزمون گلموکروف-اسمیرنوف برای متغیر ارائه خدمات بر خط پاسخ دهندگان

| شرح آزمون گلموکروف-اسمیرنوف | | | |
|-----------------------------|-------|-------|-------------------------|
| اطلاعات بر خط | آماره | تعداد | سطح معنی داری (یک طرفه) |
| | | ۰,۲۰ | ۱۶۱ |

جدول ۸. آماره ی خلاصه نتایج آزمون تک نمونه ای ویلکاکسون برای ارائه خدمات بر خط پاسخ دهندگان

| شرح آزمون W تک نمونه ای | | | | تعداد | |
|-------------------------|---------|------------------|------------------|-------|-------------------|
| سطح معنی داری (یکطرفه) | آماره W | میانۀ برآورد شده | انحراف استاندارد | | |
| ۰,۰۰۰ | ۱,۸۸۶۶ | ۲,۰۱ | ۰,۴۶۲۸۴ | ۱۶۱ | ارائه خدمات بر خط |

جدول ۹. نتایج آزمون گلموکروف-اسمیرنوف برای متغیر فعالیت‌های درون خط پاسخ‌دهندگان

| شرح آزمون گلموکروف-اسمیرنوف | | | |
|-----------------------------|-------|-------|-------------------------|
| فعالیت های درون خط | آماره | تعداد | سطح معنی‌داری (یک طرفه) |
| خط | ۰,۲۷ | ۱۶۱ | ۰,۰۰ |

جدول ۱۰. آماره‌ی خلاصه نتایج آزمون تک نمونه‌ای ویلکا کسون برای فعالیت‌های درون خط پاسخ‌دهندگان

| شرح آزمون W تک نمونه‌ای | | | | تعداد | فعالیت‌های درون خط |
|-------------------------|---------|------------------|------------------|-------|--------------------|
| سطح معنی‌داری (یکطرفه) | آماره W | میانۀ برآورد شده | انحراف استاندارد | | |
| ۰,۰۰۰ | ۱,۹۹۵۲ | ۲,۲۲ | ۰,۶۳۹۰۵ | ۱۶۱ | |

می‌دهد ارائه اطلاعات برون خط، ارائه خدمات بر خط و فعالیت‌ها و سازوکارهای درون خط از عوامل موثر بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها از دیدگاه پرسنل شهرداری می‌باشند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در این پژوهش ابتدا به کلیات موضوع پرداخته شده است، متغیرهای پژوهش که شهرداری الکترونیک و شفافیت عملکرد هستند تشریح شده‌اند، به بیان مسئله و ضرورت پرداختن به این موضوع نیز اشاره شده است و همچنین مدل کارکرد شهرداری الکترونیک نیز طراحی شده است، در بخش بعدی مبانی نظری و تجربی پژوهش در دو بخش تحقیقات داخلی و خارجی در قالب جدول بیان شده است، در قسمت بعدی هدف پژوهش کاربردی است، از نظر ماهیت توصیفی - پیمایشی است و از نظر نوع، میدانی است، جامعه آماری پژوهش حاضر شهرداری‌ها جنوب استان آذربایجان غربی هستند، نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۷۰ نفر از پرسنل بخش مالی شهرداری‌های جنوب استان آذربایجان غربی هستند. پرسشنامه پژوهش محقق ساخته می‌باشد و روایی آن صوری است و پایایی آن از روش آلفای کرونباخ بدست آمده است که برابر ۰/۸۵۸ می‌باشد، با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف نرمال نبودن داده‌ها مشخص شد و همچنین با توجه رتبه ای بودن مقیاس اندازه‌گیری از آزمون ویلکا کسون جهت

فرضیه فرعی سوم پژوهش: فعالیتها و سازوکارهای درون خط بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها مؤثر است. برای مشخص نمودن آزمون مقایسه‌ای، ابتدا فرض نرمال بودن داده‌های مربوط به ارائه اطلاعات درون خط با استفاده از نمودار Q-Q plot و آزمون گلموکروف-اسمیرنوف را آزمون می‌کنیم.

با توجه به نتایج جدول فوق، که در آن میزان سطح معنی‌داری آزمون گلموکروف- اسمیرنوف، می‌توان نتیجه گرفت که نتایج این روش، نرمال نبودن داده‌های مربوط به متغیر فعالیت‌های درون خط را تأیید می‌کند. فرض (صفر) H_0 : میزان پارامتر میانۀ فعالیت‌های درون خط بیشتر یا مساوی ۳ می‌باشد، یعنی فعالیت‌های درون خط بر روی شفافیت عملکرد تأثیرگذار نیست و فرض (مقابل) H_1 : میزان پارامتر میانۀ ارائه اطلاعات کمتر از ۳ می‌باشد یعنی فعالیت‌های درون خط بر روی شفافیت عملکرد تأثیرگذار است که در این فرض مقدار ثابت ۳، مقدار پیشنهادی برای میانۀ متغیر فعالیت‌های درون خط می‌باشد.

از نتایج جدول فوق، که در آن میزان سطح معنی‌داری آماره آزمون W تک نمونه‌ای (۰/۰۰) کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ بوده است و نشان می‌دهد که فرض صفر رد می‌شود؛ بنابراین مقدار پارامتر میانۀ ارائه اطلاعات کمتر از ۳ می‌باشد. یعنی فعالیت‌های درون خط بر روی شفافیت عملکرد تأثیرگذار است. در مجموع، تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و نتایج حاصل از آزمون ویلکا کسون نشان



تحلیل داده‌های پژوهش استفاده شده است، با توجه به خروجی‌های نرم افزار، نتیجه نهایی این است که هر سه بُعد شهرداری الکترونیک شامل خدمات برون خط، برخط و ساز و کارهای درون خط بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها تأثیر معنادار دارند و فرضیه H_1 مبنی وجود ارتباط معنی دار بین سه متغیر فرعی شهرداری الکترونیک با شفافیت عملکرد در شهرداری‌ها تأیید می‌شود. همچنین در جدول رتبه‌بندی متغیرها، متغیر سوم یعنی انجام فعالیت‌ها و سازوکارهای درون خط با شاخص ۲/۲۲ بیشترین تأثیر را بر شفافیت عملکرد در شهرداری‌ها دارد. متغیر دوم یعنی ارائه خدمات برخط با شاخص ۲/۰۱ مکان دوم تأثیر بر شفافیت عملکرد در شهرداری‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. نهایتاً متغیر اول یعنی ارائه اطلاعات برون خط با شاخص ۱/۷۶ در مکان سوم رتبه بندی تأثیرات شهرداری الکترونیک بر شفافیت عملکرد قرار می‌گیرد. نتایج حاصل نشان می‌دهند که استقرار شهرداری الکترونیک بر همه جنبه‌های رضایت شهروندان از جمله شفافیت عملکرد شهرداری‌ها و پاسخگویی این نهاد به شهروندان اثر مثبت دارد. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش فرمانبر و یزدان پناه موافق بوده است آنها در پژوهش خود با عنوان ارزیابی شهرداری الکترونیک در اصفهان و مشهد به این نتیجه رسیده‌اند که استقرار شهرداری الکترونیک بر همه جنبه‌های رضایت شهروندان از جمله شفافیت عملکرد شهرداری‌ها و پاسخگویی این نهاد به شهروندان اثر مثبت دارد و با نتایج پژوهش کیانی نیز موافق بوده است، ایشان نیز به این نتیجه رسیده است، که استقرار شهرداری الکترونیک ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد که باید دیر یا زود همه ابعاد آن در کشور اجرا گردد پژوهشگر همچنین یادآوری می‌کند که استقرار شهرداری الکترونیک باعث به وجود آمدن تعامل یکپارچه شهرداری‌ها با شهروندان می‌شود، که این موضوع به افزایش آگاهی شهروندان از فعالیت‌های گذشته، حال و آتی شهرداری همراه خواهد شد که به نوبه خود باعث افزایش شفافیت عملکرد شهرداری‌ها در ارائه برنامه‌ها و دریافت بازخور از شهروندان خواهد شد. ضمناً نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش جلالی و

سرافرازی موافق بوده است. آنها در پژوهش خود با عنوان تجربیات پیاده سازی شهرداری الکترونیک در ایران و سایر کشورها به این نتیجه رسیده‌اند، که استقرار شهرداری الکترونیک در ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد شهرداری الکترونیک باعث کاهش هزینه‌های پرسنلی و اداری در شهرداری‌ها خواهد شد و همچنین از مراجعه شهروندان به شهرداری تا حدی زیادی کم خواهد کرد و در مرحله بعد سیستماتیک شدن فعالیتها و ارائه خدمات به شهروندان، انجام کنترل بر فعالیت‌های پرسنل شهرداری به صورت دقیق تری را امکان پذیر خواهد کرد که این موضوع می‌تواند انحرافات و پیچیدگی‌های موجود در انجام فعالیت‌ها را به طور چشم گیری کاهش داده و باعث شفافیت در انجام وظایف پرسنل شهرداری گردد.

پیشنهاد می‌گردد که، شهرداری‌ها در مجموع یک برنامه بلند مدت استقرار دولت الکترونیک را در یک بازه زمانی مشخص در دستور کار خود قرار دهند و برای آن نیز بودجه مصوب اختصاص دهند و همزمان با اجرای این طرح به آموزش کارکنان و اطلاع رسانی به عموم شهروندان مبادرت ورزد، لازم به ذکر است به علت بالا بودن حجم فعالیت‌ها در شهرداری از خط مشی تدریجی در اجرای حذف روش قدیمی و جایگزینی روش جدید استفاده گردد، به معنی که از یک سری از فعالیت‌های خاص شروع شده و به مرور زمان کل سازمان را بگیرد فقط نکته مهمی که در اینجا وجود دارد این است که اراده استقرار شهرداری الکترونیک باید به صورت جامع و از طریق وزارت کشور و سپس از طریق طرح‌ها و تمهیدات لازم توسط شهرداری‌ها اجرا گردد.

منابع و مآخذ

۱. اصغرنیا، م. (۱۳۸۸) ضرورت توجه به دولت الکترونیک با نگاهی خاص به پدیده فساد اداری. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۹، ص ۴۲-۵۸.
۲. آذر، ع. (۱۳۸۵) آمار و روش تحقیق. تهران: نشر سمت، چاپ دوم، ص ۱۲۷.
۳. جلالی، ع. (۱۳۸۶) الزامات پیاده سازی شهرداری



15. Bonze, S. (2005). Information Technology , , Electronic City and Institutional Change. Public Administration Review. , Vol.102 .pp. 132-145.

16. Burn, J., & Robins, G. (2003). Moving Toward , Electronic City: A Case of Organizational Manegment. Logistics information managememen. Vol.62 .pp .82-103.

17. Gally , Y. (2009). Performance transparency and local E-Government Services: The Use Application Service Provider. Government Information Quarterly., pp.230-255.

18. Fletcher, P. (2002). The Government Paperwork Elimination Act and Performance transparency. Berlin: INT'L.J Of Public Admin. , pp. 162-175.

19. Tanzi, V. (2010). Performance transparency Around the World: Cases, Consequences, Scope and Cures. New York: pp.137-150 .

الکترونیکی در ایران، مجله مدیریت دولتی، شماره ۲۹، ص ۱۰۶-۸۹..

۴. حق پناه، ی. (۱۳۹۱) شهر الکترونیکی گامی نوین در جهت دستیابی اهداف شهر سالم ، مجله برنامه ریزی شهری، شماره ۲۴، ص ۱۳۵-۱۲۰.

۵. رضائی، ن.، و مرادی، ق. ا. (۱۳۸۸) تحول اداری مبتنی بر رویکردهای نوین کاهش زمینه‌های بروز فساد اداری. تهران: انتشارات قوقنوس، چاپ اول، ص ۱۰.

۶. سجادی، س. (۱۳۸۷) پژوهش‌های تجربی در شفافیت عملکرد. تهران: انتشارات بورس، چاپ اول، ص ۱۲۰.

۷. سرافرازی، م. (۱۳۹۰) آمادگی الکترونیکی ضرورتی اساسی در استقرار اثربخش شهر الکترونیک و شهرداری الکترونیک، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، شماره ۲۸، ص ۲۰۰-۱۸۲.

۸. سلسله، ع. (۱۳۹۰) از شهر الکترونیک تا شهرداری الکترونیک، مجله تحول مدیریت، شماره ۱۶، ص ۱۸۶-۱۷۱.

۹. غلام زاده، د. (۱۳۹۱) مدیریت عملکرد. تهران: انتشارات صفار چاپ اول، ص ۴۱.

۱۰. فرمانبر، ا. حمید، حاج سید جوادی، همایون یزدان پناه (۱۳۸۷) ارزیابی شهرداری الکترونیکی اصفهان. مجله مدیریت شهری، شماره ۲۲، ص ۸۴-۷۷.

۱۱. فرچپور، م. (۱۳۸۵) فقر، فساد، تبعیض و عدم شفافیت موانع توسعه در ایران. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی رسا، چاپ اول، ص ۱۰-۳۲.

۱۲. کیانی، ا. (۱۳۹۰) شهر هوشمند ضرورت هزاره سوم در تعاملات یکپارچه شهرداری الکترونیک (ارائه مدل مفهومی اجرایی با تاکید بر شهرداری‌های ایران، مجله جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۱۹، ص ۳۳-۴۶.

۱۳. مقدسی، ع.، و فیضی، ا. (۱۳۸۸) موانع استقرار دولت الکترونیک در ایران. تهران: نشر افکار، چاپ اول، ص ۳۵.

۱۴. یعقوبی، ن. (۱۳۸۸) دولت الکترونیک رویکرد مدیریتی. تهران: نشر افکار، چاپ اول، ص ۱۷۸-۲۲۸.



بررسی تطبیقی میزان تاثیرگذاری تنوع عملکردی بر رضایتمندی سکونتی (موردپژوهی: بافت مسکونی نارمک و تهرانپارس)

مستوره قلی پور - کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.
پروین پرتوی* - دانشیار گروه برنامه ریزی شهری، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

A Comparative study on functional diversity effectiveness on residential satisfaction (Case study: residential areas of Narmak and Tehran pars)

Abstract

The life has a definition beyond every day activities. Postmodernism has recently provided a context to increase versatility in both cities and neighborhoods in order to improve not only the power of choice of citizens but also the quality of urban life. Studies indicates that although neighborhood, as a minimized scheme of a society, had functioned as an autonomous fabric in traditional urban planning of Iran due to its settlement, work, entertainment and transport functions appropriate to people's needs, recent urban planning has declined neighborhoods to residential environments by differentiating urban functions and concentrating them in special centers. Thus, this study was designed to investigate the role of functional diversity in residential satisfaction by comparing Narmak neighborhood (high functional diversity) and Tehranpars (low functional diversity). In order to achieve this goal, quantitative and qualitative methods were used. Data were collected by survey and documentary methods. Sample size was chosen by using Cochran's formula. In addition, stratified sampling was used as sampling method. Data were analyzed by Importance satisfaction rate and variation finding methods. The results of this study show that the improvement of residential satisfaction cannot be reached exclusively through emphasizing on residential indexes. The key to success is to increase the functional diversity of neighborhood by empowering other functions. Even though, the importance and preference of each one of these functions is different in diverse urban locations and fabrics. Prior to changing the concept of home, which has the greatest effect on people's residential satisfaction; it is required to reinforce work opportunities in Narmak and transportation accessibility in Tehranpars. In addition, it seems that providing a responsive atmosphere to people's requirements can be the only way to reach this goal.

Keywords: function, functional diversity, mixed use, residential satisfaction, quality of life, Narmak, Tehranpars

چکیده

چندی است که تفکرات فراتجددگرایانه، در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهری، افزایش قدرت انتخاب شهروندان و میزان رضایتمندی آنها، بستری برای رواج تنوع در سطح شهر به ویژه محلات را فراهم آورده است. این در حالی است که در شهرسازی سنتی ایران، محله به مثابه مقیاس کوچک شده‌ای از جامعه شهری؛ به واسطه دارا بودن عملکردهای سکونت، کار، تفریح و جابه جایی؛ دارای این تنوع بوده و متناسب با نیازمندی‌های روزانه مردم ساکن، به عنوان بافتی خودکفا به ایفای نقش می‌پرداخته است. این پژوهش با بررسی تطبیقی دو بافت مسکونی نارمک (دارای تنوع عملکردی بالا) و تهرانپارس (عمدتاً تک عملکردی) نقش تنوع عملکردی را در ارتقای رضایتمندی سکونتی به اثبات برساند. از این رو، در زمره تحقیقات کاربردی جای گرفته و از هر دو رویکرد کمی و کیفی (با تاکید بر رویکرد کمی) در تحلیل داده‌ها و از روش تحلیل نرخ اهمیت - رضایت بهره گرفته شده است. روش جمع آوری داده‌ها، پیمایشی و اسنادی بوده و حجم نمونه‌گیری بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که برای افزایش رضایتمندی سکونتی می‌بایست، عملکرد کار در تهرانپارس را در بالاترین اولویت قرار داد. آشکار است که در راستای ارتقای رضایتمندی سکونتی مردم از طریق تغییر مفهوم خانه به مسکن؛ می‌بایست بستر مرتفع شدن سایر نیازمندی‌های آن‌ها در سطح محلات سکونتشان، از طریق ایجاد تنوعی از عملکردها فراهم شود. **واژگان کلیدی:** تنوع عملکردی، رضایتمندی سکونتی، کیفیت زندگی، نارمک، تهرانپارس.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۷۱۰۸۷۶؛ رایانامه: p.partovi@yahoo.com

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تطبیقی میزان تاثیرگذاری تنوع عملکردی بر رضایتمندی سکونتی (موردپژوهی: بافت مسکونی نارمک و تهرانپارس)» که در بهمن ماه سال ۱۳۹۱ در دانشگاه هنر تهران به انجام رسیده؛ استخراج شده است.

محیط مسکونی در بافت‌های شهری به عنوان یک مقوله بسیار مهم به همان میزان که برای ساکنان؛ برای برنامه ریزان و طراحان شهری، مجریان شهر و محققان می‌باید مطرح باشد. سنجش این مهم از طریق بررسی میزان رضایتمندی سکونت‌ی شهروندان ضروری به نظر می‌آید.

۲- روش تحقیق

نوشتار حاضر در پی آن است تا با بررسی میزان تاثیرگذاری شاخص تنوع عملکردی بر میزان رضایتمندی سکونت‌ی در دو بافت مسکونی نارمک (دارای تنوع عملکردی بالا) و تهرانپارس (عمدتاً تک عملکردی)، در راستای ارتقای کیفی سکونت در بافت‌های مسکونی گام بردارد. بنابراین این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی جای دارد. همچنین با توجه به آن که سنجش‌های تحقیق به صورت کمی و کیفی بوده‌اند؛ از راهبرد ترکیبی کمی-کیفی بهره گرفته شده است. همچنین در تحلیل اطلاعات از روش تحلیل نرخ اهمیت-رضایت^۱ بهره گرفته است. در جمع آوری داده‌های مورد نیاز از تکنیک‌های پرسشنامه، برداشت میدانی و بررسی اسناد موجود بهره گرفته شده است. جامعه آماری مورد نیاز برای این پژوهش شامل ساکنان بافت‌های یاد شده بوده که بنا بر آمار جمعیتی سال ۱۳۸۵، جمعیتی برابر با ۱۷۸۳۰۸ (مجموع جمعیت نارمک و تهران پارس) بوده و حجم نمونه مورد بررسی در این نوشتار با استفاده از فرمول کوکران (اطمینان ۹۵٪)، رقمی برابر با ۳۸۳ نفر بوده است. نمونه‌گیری به صورت خوشه ای دو مرحله ای انجام شده است. در مرحله نخست، با توجه به مساحت و جمعیت ساکن در بافت نارمک و تهران پارس، محدوده مطالعاتی تحقیق، به سه خوشه تهران پارس، نارمک شرقی و نارمک غربی تفکیک شد. پس از آن با توجه به جمعیت ساکن در بخش‌های مختلف این نواحی و هدف پژوهش (سنجش رضایتمندی از سکونت‌ی در مقیاس محلات)، این خوشه‌ها به ۱۰ خوشه دیگر تفکیک شدند. به این ترتیب، تهران پارس به سه خوشه شامل: محله پروین، محله رشید و محله حوزه علمیه؛ نارمک شرقی به سه خوشه

زیستن به ظاهر مفهوم ساده‌ای به نظر می‌آید. اما در حقیقت مفهومی ورای ترک کردن خانه و بازگشتن به آن است. بعضاً محیط کار برای برخی شادتر از محیط سکونت به نظر می‌آید و در مقابل برخی در محیط خانه آرامش بیشتری را به نسبت محیط کار احساس می‌کنند. اما مسلم است که سکونت و کار در کنار یکدیگر مفهوم زندگی را می‌سازند. به دنبال رخداد انقلاب صنعتی و چیرگی تفکر مدرنیسم بر عرصه شهرها، سیاست‌های منطقه بندی و تفکیک اراضی به از بین رفتن پویایی و حیات شهرها دامن زد. حاصل چنین منطقه بندی شهری، طبقاتی شدن مردم شهرها و از بین رفتن تنوع و گوناگونی فعالیت‌ها، سرزندگی و پویایی در شهرهاست. از دیگر تبعات چنین رویکرد شهری، سکون و خوابگاهی شدن محلات مسکونی است. خاموشی که به دنبال آن، کم‌رنگ شدن مفهوم دیرین محله را در ذهن شهروندان را به جای گذارد. در شهرسازی سنتی ایران، محله به مثابه مقیاس کوچک شده‌ای از جامعه شهری به شمار می‌رفته است. مجموعه ای که به واسطه دارا بودن عملکردهای سکونت، کار، تفریح و جابه جایی، متناسب با نیازمندی‌های روزانه مردم ساکن، به عنوان بافتی خودکفا به ایفای نقش می‌پرداخته است. حال آن که در محلات کنونی به ندرت می‌توان مردم را در حال گذران اوقات فراغت دید. مردها در کنار هم گرم صحبت؛ بچه‌های کوچک مشغول بازی و مادران سرگرم تماشای آن‌ها و غیره با توجه به ماهیت متنوع و تصادفی این فعالیتها، آن‌ها نیاز به فضایی دارند که توازن ظریفی میان عرصه‌های آن‌ها فراهم ساخته و از سویی بستری مهیا برای ظهور و بروز آن‌ها فراهم سازد. چندی است که تفکرات فراتجددگرایانه، در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهری و در بستر رویکرد توسعه پایدار، افزایش قدرت انتخاب شهروندان و میزان رضایتمندی آنان، بستری برای رواج تنوع در گستره شهر را فراهم آورده است. چراکه این خطر احساس می‌شود که ممکن است اندک اندک، محیط مسکونی شهری، برای تمام شهروندان به یک عادت تبدیل شود. از این رو، کیفیت



شامل: محله دردشت (مترو دانشکده)، محله دردشت (مهر)، محله تلفنخانه و نارمک غربی به چهار خوشه شامل: سمنگان، محله نبوت، محله گلستان و محله رسالت تفکیک شدند. در گام بعد، بر مبنای روش نمونه گیری سهمیه ای (طبقه بندی)، شمار نمونه‌های مورد نیاز در هر خوشه مشخص شده‌اند. به این ترتیب که ابتدا، نسبت جمعیت سه خوشه اول به جمعیت کل محدوده مورد مطالعه محاسبه شد. از حاصلضرب این نسبت در تعداد ۳۸۳ (تعداد کل نمونه‌ها)، نمونه‌های مورد نیاز در تهران پارس (۹۹)، نارمک شرقی (۱۳۶) و نارمک غربی (۱۴۸) بدست آمد. پس از آن نسبت جمعیت محلات (خوشه‌های ثانویه) به جمعیت نواحی (خوشه‌های اولیه) بدست آمده و با تکرار فرایند محاسباتی مرحله پیشین، تعداد نمونه‌های هر محله مشخص شده است.

با توجه به این که نوشتار حاضر، بر آن بوده است که به کشف و ریشه‌یابی تمایزات میان دو نمونه موردی بپردازد؛ می‌توان این پژوهش را بر چارچوب روش تحلیل تطبیقی کشف مغایرت استوار دانست. روش مطالعات تطبیقی به مقایسه مسائل کمی و کیفی در حوزه دانش پرداخته و در پدیدارشناسی الگوهای اجتماعی کاربرد بسیار دارد (طالبان، ۱۳۸۷). در این روش شباهت‌ها و تفاوت‌های دو مورد پژوهی و یا بیشتر به نسبت یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد (یاری قلی، زرغامی، قانلی و نقیب زاده، ۱۳۹۱). تحلیل‌های تطبیقی را بر اساس میزان هدف‌گذاری بر شباهت‌ها و تفاوت‌های نمونه‌های مورد بررسی، می‌توان به چهار دسته تحلیل‌های تطبیقی انحصارگرا، فراگیر، کشف مغایرت و عمومیت‌گرا تقسیم بندی کرد. روش کشف مغایرت در پی یافتن ریشه ویژگی‌های یک پدیده از طریق آزمودن سیستماتیک تفاوت میان نمونه‌های موردی است (Pickvance, 2005). در پایان این نوشتار بر پایه پاسخگویی به سوالات و اثبات فرضیه زیر شکل گرفته است:

● سوالات تحقیق

۱. تنوع عملکردی شامل چه شاخص‌ها و ابعادی

می‌شود؟

۲. آیا میزان تنوع عملکردی در بافت‌های مسکونی نارمک و تهران پارس بر میزان رضایتمندی ساکنان این محدوده‌ها موثر بوده است؟

● فرضیات تحقیق

به نظر می‌رسد افزایش تنوع عملکردی در بافت‌های مسکونی به ارتقای رضایتمندی ساکنان می‌انجامد.

۳- مبانی نظری و ادبیات پژوهش

این پژوهش بر دو مفهوم تنوع عملکردی و رضایتمندی سکونتی استوار است. از این رو مبانی نظری این نوشتار، مبتنی بر این دو مقوله تدوین شده است.

۳-۲- رضایتمندی سکونتی^۲

۳-۲-۱- بررسی مفهوم رضایتمندی سکونتی

بررسی مفهوم رضایتمندی سکونتی از منظر واژه شناسی

از دیدگاه واژه‌شناسی، مفهوم رضایتمندی سکونتی از دو مفهوم مجزای رضایت یا رضایتمندی و سکونت تشکیل می‌گردد. در فرهنگ دهخدا، واژه رضایتمندی به خشنودی و پسندیدگی تعبیر شده و واژه سکونت به اقامت و آرامش تبیین می‌گردد (دهخدا، ۱۳۳۴). درک مفهوم رضایتمندی سکونتی مستلزم دریافت درستی از محل سکونت است. در ادبیات فارسی، واژه مسکن به مثابه محل سکونت در نظر گرفته می‌شود. واژه مسکن در اصل، واژه‌ای عربی است، از ریشه سکن و مصدر سکون؛ که برگردان فارسی آن آرامش و در لغت به معنای محل سکونت، جای‌باش، منزل و مقام به کار برده می‌شود (معین، ۱۳۷۱). می‌توان در ترکیب، مفهوم رضایتمندی سکونتی را از منظر لغوی به عنوان تجربه‌ای از حس لذت یا خوشنودی از زندگی در یک محیط مسکونی تعریف کرد (Tu & Lin, 2008: 157). نکته قابل توجه در این بخش، درک درست از محدوده محیط مسکونی است. در حقیقت خانه^۳ (واحد مسکونی^۴)، تنها یک ساختار کالبدی است که علاوه بر سرپناه، فضاهایی را برای انجام فعالیت‌های روزانه فرد فراهم



می‌سازد. این درحالی است که مسکن بار معنایی و احساسی والاتری داشته و به پدیده دیگری اشاره دارد. مسکن تنها به چهاردیواری خانه محدود نمی‌شود؛ بلکه محیط اطراف شامل محله و همسایگان را نیز دربر می‌گیرد (Phillip et al, 2004:25). بنابراین مفهوم رضایتمندی سکونتی علاوه بر مقوله خانه، حیطة محله و همسایگان را نیز شامل می‌شود. در فرایند استحاله مفهوم خانه به مسکن، شکل‌گیری خاطرات جمعی، برانگیخته شدن عواطف و احساسات، شکل‌گیری حس تعلق و معنایافتن مکان صورت می‌گیرد. که در نتیجه آن، تجربه رضایت از سکونت حاصل خواهد شد (Rowles, 2006).

بررسی مفهوم رضایتمندی سکونتی

از منظر کاربردی، مفهوم رضایتمندی سکونتی در ذیل مفهوم کیفیت زندگی^۵ مطرح می‌گردد. می‌باید میان زندگی خوب و زندگی کمی تمایز قائل شد (به نقل از کوبی، ۷۶: ۱۳۸۶). این تمایز همان مفهومی است که پژوهشگران در قالب کیفیت زندگی برای محقق ساختن آن در عرصه شهر در تلاش هستند. تاکنون تعداد بسیاری از پژوهشگران همچون مک‌کال^۶ (۱۹۷۵)، مایرز^۷ (۱۹۸۷)، دیودسن و کاتر^۸ (۱۹۹۱)، اوپرین و ایدی^۹ (۱۹۹۱) و بسیاری دیگر به مقوله کیفیت زندگی پرداخته‌اند (به نقل از لطفی، ۱۳۸۸: ۶۹). این مفهوم، مفهومی چندبعدی و گسترده است. می^{۱۰} (۱۹۹۶) سلامتی، محیط کالبدی، سرویس‌ها و خدمات، توسعه اجتماعی، توسعه فردی و امنیت را به مثابه ابعاد گوناگون این مهم در نظر می‌گیرد (قربانی و تیموری، ۱۳۸۸). مک لارن (۱۹۹۶) بر این باور است که برای سنجش کیفیت زندگی می‌توان از دو گونه متمایز از سنجها بهره گرفت. نخست سنج‌های عینی که دربرگیرنده جنبه‌های ملموس محیط انسان ساخت هستند. دوم شاخص‌های ذهنی که به بررسی میزان رضایت افراد از جنبه ای خاص می‌پردازد. بررسی این سنجها در قالب ابعاد و

جنبه‌های یاد شده می‌توانند به حصول میزان کیفیت زندگی جامعه ای مشخص بیانجامد (به نقل از لطفی، ۱۳۸۸، ص ۷۳). «بنابراین، مقوله کیفیت زندگی به واکاوی انتظارات و ابعاد رضایتمندی شهروندان می‌پردازد» (فرجی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۳). روش‌های سنجش کیفیت زندگی از طریق بررسی میزان رضایتمندی، شرایط زندگی، ارزش‌های فردی و ویژگی‌های محیطی صورت می‌پذیرد (همان: ۲۵).

شاخص‌های عینی و ذهنی رضایتمندی سکونتی را می‌توان در قالب اجزا محیط مسکونی شامل: خانه، محله، همسایگان، سبک زندگی و محل سکونت جای داد. البته این شاخص‌ها عناصر ایزوله ای نبوده و موارد بسیاری بر روی آن‌ها تاثیرگذارند (Perzel et al, 2001:157). آمریکا و آراگونز (۲۰۰۲) بر این باورند که در آن زمان که شاخص‌های عینی محیط سکونتی در ذهن فرد ارزیابی می‌گردد؛ به شاخص‌های ذهنی مبدل می‌شود. اگرچه به طور طبیعی شاخص‌های ذهنی از ویژگی‌های شخصی شامل پیشینه اجتماعی- فرهنگی فرد تاثیر می‌پذیرد. اما شاخص‌های ذهنی از الگوی کیفیت سکونتی که فرد در ذهنش ساخته نیز تاثیر می‌پذیرد (2007: 291 Adriaanse). در نتیجه می‌توان رضایتمندی سکونتی را به مثابه یک مقوله پویا پنداشت؛ چراکه به نیازها و انتظارات ساکنان بستگی دارد (He, 2009).

تجربه نشان می‌دهد که رضایتمندی سکونتی به مقدار زیادی به رضایت از محل سکونت (خانه) فرد بستگی دارد. با این وجود نمی‌توان نقش بسزای شاخص‌های محیط مسکونی شامل: کیفیت پیاده‌روها، دسترسی به فضاهای سبز و باز، میزان حضور مردم در فضاهای محلی، همچنین ملزوماتی مانند حمل و نقل عمومی مطلوب و تسهیلات محلی (مدارس، بانک‌ها، داروخانه، میوه فروشی، اداره پست، پارک، اداره پلیس و غیره)، روابط اجتماعی را در این مهم نادیده شمرد (Adriaanse, 2007; PHILLIPS et al, 2004). همچنین گریلوئت و همکارانش^{۱۱} بدین نتیجه رسیدند که

5. Quality of life
6. Mc.Call
7. Mayers
8. Davidson&Kanter

9. Irwin&Idi
10. May
11. Grilloet et al

جدول ۱. تعاریف رضایتمندی سکونتی از دیدگاه نظریه پردازان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| ماخذ و منبع | تعریف رضایتمندی سکونتی |
|------------------------------|--|
| Rees & Canter (۱۹۸۲) | رضایتمندی سکونتی به معنای رضایت از خانه، محله و رضایت از همسایگان است. |
| Glaster (۱۹۹۳) | رضایتمندی سکونتی شکافی میان مال و نیازهای ساکنان در محیط مسکونی است که جهت ارزیابی انراکات و احساسات ساکنان به کار می‌رود. |
| May (۱۹۹۶) | رضایتمندی سکونتی به معنای کیفیت زندگی است. |
| مک لارن (۱۹۹۶) | رضایتمندی سکونتی به ذهنی کیفیت زندگی است. |
| Perzel (۲۰۰۱) | رضایتمندی سکونتی در قالب شاخص‌های عینی و ذهنی مرتبط با خانه، محله، همسایگان، سبک زندگی، محل سکونت و تمایل به جابه جایی از محله تعریف می‌شود. |
| مزیو و اراگونز (۲۰۰۲) | میزان تناسب نیازها و تمایلات فرد با واقعیت وجود محیط مسکونی. |
| عبدالغانی و نورالدینی (۲۰۰۶) | رضایتمندی سکونتی از یک سو یکی از اجزای اصلی کیفیت زندگی فردی به شمار می‌رود. دوم آن که ارزیابی تشخیص نسبت مسکن و محله شان نحوه پاسخگویی آن‌ها را نسبت به محیط مسکونی نشان می‌دهد. در نتیجه دانستن رضایتمندی سکونتی در علت پایی و پیش بینی تحرکات و جابه جایی‌های سکونتی مهم است. |
| Yiu & Lin (2008) | رضایتمندی سکونتی به عنوان تجربه ای از حس لذت یا خوشنودی از زندگی در یک محیط مسکونی به شمار می‌رود. |
| Grillo (۲۰۱۰) | از جمله نمودهای رضایتمندی سکونتی، مشارکت‌های محله ای است. |

مشارکت‌های محله ای، رضایتمندی سکونتی را افزایش می‌دهد (Grillo et al, 2010). جدول شماره ۱ تعاریف ارائه شده از مقوله رضایتمندی سکونتی توسط نظریه پردازان گوناگون را نمایش می‌دهد.

تعریف کاربردی رضایتمندی سکونتی

بنابر مطالب یاد شده و با توجه به تاکید این تحقیق بر اثر تنوع عملکردی بر رضایتمندی سکونتی؛ می‌توان مقوله رضایتمندی سکونتی را این چنین تعریف نمود: «رضایتمندی سکونتی به معنای تناسب انتظارات و نیازهای افراد ساکن در یک محله با ویژگی‌های موجود واحد مسکونی، همسایگان و محله آن‌هاست. می‌توان رضایت از محله را در قالب رضایت از عملکردهای موجود در محله، فعالیت‌های جاری در آن در طی شبانه روز، میزان تعاملات اجتماعی، میزان حضور و مشارکت مردم در امور محله، میزان تناسب حضور گروه‌های سنی - جنسی در عرصه محله، وجود عرصه‌های عمومی، فضاهای تجمع و حضور پذیری آن تعریف نمود.»

پس از آن، در راستای تبیین ابعاد گوناگون مقوله رضایتمندی سکونتی، نظریه پردازان و پژوهشگران، مدل‌های پرشماری را تهیه و تدوین کردند. به گونه ای که هر یک، بنا به شرایط و ملزومات پژوهش خود؛ جنبه‌هایی از مقوله رضایتمندی سکونتی را باز کرده و به آن‌ها پرداختند. آمریگو (۱۹۹۰-۱۹۹۲) و ون پل (۱۹۹۷)، مقوله رضایتمندی سکونتی را در قالب سه مقیاس محله، واحد مسکونی و همسایگان می‌دانند. با توجه به این که بحث اصلی پژوهش حاضر بر مقوله تنوع عملکردها استوار بوده و این مهم در محیط خارج از خانه قابل تبیین و بررسی خواهد بود؛ استخراج معیارهای مورد نظر جهت انجام پژوهش را به حیطه معیارهای رضایت از محلات و همسایگان محدود گشته است. از دیگر مدل‌های رضایتمندی سکونتی که به محیط خارج از خانه پرداخته‌اند؛ می‌توان به مدل تئوری مکان کانتر (۱۹۷۷)، مدل رضایتمندی سکونتی پریتو فلورس و همکارانش (۲۰۱۲)، مدل رضایتمندی سکونتی عبدالغانی و نورالدینی (۲۰۰۶)، مدل راجرز و ماریانز (۱۹۷۵)، مدل فرد-محیط (۲۰۰۳) اشاره کرد. جدول زیر، حاصل بررسی تطبیقی معیارهای مدل‌های یاد شده است.

۳-۲-۲- بررسی مدل‌های رضایتمندی سکونتی

کمپل از نخستین کسانی است که از رضایتمندی به عنوان یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در کیفیت زندگی نام برده است. وی مطالعات خود را در زمینه کیفیت زندگی از سال ۱۹۷۶ آغاز کرد و در ادامه مطالعات خود در این زمینه، مفهوم رضایتمندی را جایگزین مفاهیمی نظیر شادی کرد (Maran, 2004:75)؛ به نقل از: صادقی، ۱۸ (۱۳۸۹).

۳-۳- تنوع عملکردی

۳-۳-۱- بررسی مفهوم تنوع عملکردی

برای تعریف مفهوم تنوع عملکردی می‌باید نخست به دو مفهوم تنوع و عملکرد به طور مجزا پرداخت.

بررسی مفهوم تنوع شهری

واژه «تنوع»^{۱۲} در لغتنامه معین به معنای «گوناگونی»^{۱۳} و یا



جدول ۲. معیارهای برجسته در مقوله رضایتمندی سکونتی؛

ماخذ: نگارندگان؛ برگرفته از Dyck et al, 2011؛ Prieto-Flores et al, 2012؛ Norodini؛ Abdul Ghani, 2006؛ اصدقی،

۱۳۸۹؛ Van؛ Poll, 1997؛ Kohana et al, 2003؛ رفیعیان و همکارانش، ۱۳۸۸

| کانتور | پریئو فولرس | عبدالغانی و نورالدینی | آمریگر و آراگونز | ون پل | کوهانا | رفیعیان | نظریه پردازان | |
|--------|-------------|-----------------------|------------------|-------|--------|---------|--------------------|----------------|
| | | | | | | | معیارها | |
| | * | * | | * | * | | سرزندگی و پویایی | زیبایی از جمله |
| | * | * | | * | | | دسترسی و حمل و نقل | |
| | | * | * | * | * | * | امنیت | |
| | * | * | * | * | * | * | رفاه و خودکفایی | |
| | * | * | * | | * | | ایستایی | |
| | | | * | | * | * | زیبایی | |
| | | | * | * | * | * | تراکم | زیبایی از جمله |
| | | | * | * | * | * | تعاملات اجتماعی | |
| | | | * | | * | * | همسنگی | |
| | | | * | * | * | * | مشارکت اجتماعی | |
| | * | | * | * | * | * | حس تعلق | |
| | | | * | * | * | * | محرمیت | |

شهری پرداخته‌اند؛ می‌توان از یان بنتلی، کولمن، تیبالدز، گرین، لینچ، آلن جیکوبز و داند اپلیارد و غیره نام برد (گلکار، ۱۳۷۹؛ کاشانی جو، ۱۳۸۹؛ بنتلی، ۱۳۸۲؛ لینچ، ۱۳۷۶).

بررسی مفهوم عملکردهای شهری

بررسی لغوی مفهوم عملکرد در گرو بررسی مفاهیمی همچون، رفتار، فعالیت و کاربری به طور مجزا و بررسی نحوه ارتباط میان آن‌ها است. به تمامی افعال انسانی که در راستای برآوردن یکی از نیازهای او انجام می‌گیرد، فعالیت^{۱۴} اطلاق می‌شود. نحوه انجام یک فعالیت را رفتار^{۱۵} می‌نامند و رفتار انسان‌ها برابندی از انگیزه‌ها، نیازها، زمینه‌های ذهنی، قابلیت محیط و عوامل بسیار دیگر است. عملکرد مجموعه‌ای از فعالیت‌های نظام‌مند است که در راستای دست‌یابی به هدفی خاص انجام می‌گیرد (oxforddictionaries.com). از این رو می‌توان تجلی عینی و کالبدی عملکردهای شهری را در کاربری زمین مشاهده نمود. هرچند مفهوم عملکرد هم‌معنای کاربری^{۱۶} نیست. عملکرد یا کارکرد در حقیقت، مفهومی است که کارکردگرایان آن را در چهار قالب سکونت، کار، تفریح و آمد و شد بیان کرده‌اند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۷).

«گونگون شدن» مطرح می‌شود (معین، ۱۳۷۱). حال آن که فرهنگ آکسفورد، تنوع را متضاد یکنواختی^{۱۷} و همسانی^{۱۸} می‌داند (oxforddictionaries.com). در میان شهرسازان این باور رایج است که تنوع شهری^{۱۹} به عنوان یک نیروی مثبت در کل جامعه، بستر ساز ارتقای تجارب بشری می‌شود (Talen, 2008). این مقوله، ممکن است به عنوان ترکیبی از مقیاس مناظر شهری و کیفیت آن‌ها، کاربری‌های مختلط و عملکردها و فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و یا تفریحی که ایجاد شده‌اند؛ شناسایی شوند (چپ من، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱). فاینشتاین^{۲۰} (۲۰۰۵) خاطر نشان می‌کند که تنوع می‌تواند معانی مختلفی را در حیطه برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و جامعه‌شناسی دربرداشته باشد. برنامه‌ریزان و طراحان شهری معمولاً از این مفهوم به معنای اختلاط ابنیه، گونه‌های متنوع مسکن، کاربری‌های مختلط و اختلاط تراکم استفاده می‌کنند. همچنین، تلب بر این باور است که در راستای طراحی یک محله متنوع می‌باید مثلث اختلاط، ارتباط و امنیت را به مثابه سه راس یک مثلث مدنظر قرار داد. وی بر این باور است که این عوامل، معیارهای اصلی خلق هرگونه تنوعی هستند (Talen, 2008). از دیگر نظریه پردازان که به مقوله تنوع



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۷۲

14. Uniformity
15. Monotony
16. Urban diversity
17. Fainstein

18. Activity
19. Behavior
20. Landuse

بررسی مفهوم تنوع عملکردی در دیدگاه نظریه پردازان مفهوم تنوع عملکردی برآیند مفاهیم تنوع و عملکرد است که پیش تر بدانها پرداخته شده است. راب کریر، جین جیکوبز و الن جیکوبز و داندل اپلیارد در زمره نظریه پردازانی هستند که بدین مقوله پرداخته اند. راب کریر بر این باور است که بافت شهر از درهم آمیختگی کلیه فعالیت ها هنگامی که محمل کالبدی می یابند شکل می گیرند و تبیین کالبدی-فضایی همان آمیختگی فعالیت هاست که به نوبه خود، درهم آمیختگی رفتارهای انسانی و جامعه را باعث می شود. گردش، خرید، گفتگو، کار؛ ایجاد ارتباط اجتماعی را نمی توان از یکدیگر به صورت کاملاً مطلق جدا کرد. به نظری تحقیق این امر به یک نظام سلسله مراتبی از توزیع کاربری ها در سطح شهر نیاز دارد نه این که کاربری ها در کنار یکدیگر واقع شوند. بلکه باید با مقیاس ها و شدت و ضعف های گوناگون به صورت سلسله مراتبی توزیع شوند. این الگو می تواند ضامن سرزندگی فضای شهری و جلوگیری از اتلاف هزینه زیاد جهت تامین شبکه حمل و نقل گسترده باشد (به نقل از پاپلی یزدی، ۱۳۸۷). در این زمینه جین جیکوبز

(۱۹۶۱) نیز در کتاب خود «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» مهم ترین معیارهای یک طراحی شهری خوب را در توجه به فعالیت های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط، استفاده از کاربری های مختلط می داند. بدین ترتیب تنوع شهری را در قالب تنوع اجتماعی، عملکردی و کالبدی پنداشته اما بر تنوع عملکردی شهر تاکید می کند. از نظر جیکوبز برای شکل گیری تنوع عملکردی می باید هر محدوده دارای بیش از دو کارکرد اصلی باشند. همچنین منطقه باید ترکیبی از ساختمان هایی با قدمت و شرایط متفاوت باشد (جیکوبز، ۱۳۸۶).

تبیین مفهوم کاربردی تنوع عملکردی

تعریف کاربردی تنوع عملکردی از بررسی تعاریف ارائه شده در زمینه تنوع، عملکرد و تنوع عملکردی توسط نظریه پردازان حاصل شده است. جدول شماره ۳، نتایج حاصل را نشان می دهد. مبتنی بر مطالعات صورت گرفته می توان تنوع عملکردی را این چنین تعریف کرد: تنوع عملکردی در بافت های مسکونی به معنای همنشینی متعادل و متوازن عملکردهای سکونت- کار- تفریح و

جدول ۳. تعاریف تنوع عملکردی در نگاه نظریه پردازان:

ماخذ: نگارندگان برگرفته از: Barton, 2009; Talen, 2008; چپ من، ۱۳۸۶; Perrott * Grant, 2009; گلکار، ۱۳۷۹؛ بنتلی، ۱۳۸۲؛ کاشانی جو، ۱۳۸۹؛ گل، ۱۳۸۷؛ پاپلی یزدی، ۱۳۸۷ جیکوبز، ۱۳۸۶؛ و وحیدی، ۱۳۸۶؛ Cowan, 2005

| منقوله اصلی | ماخذ و منبع | تعاریف |
|--------------------------------|-----------------------------------|---|
| تنوع | جین جیکوبز، ۱۳۸۶ | تنوع شهری به عنوان ترکیبی از مقیاس، مناسبات شهری و کیفیت از خط کاربری های مختلط و عملکردها و فعالیت های اقتصادی-فرهنگی و یا تفریحی تعریف می شود. |
| | فایشترین (۲۰۰۵) | تنوع در شهرسازی معمولاً با اختلاط ایندکس های متنوع مسکن، کاربری های مختلط و اختلاط تراکم تعریف می شود. |
| | Talen (۲۰۰۸) | تنوع شهری در اثر برهمکنش میان عوامل تاریخی اقتصادی-اجتماعی، عوامل سیاست محور و رویه ای و عوامل کالبدی امکان شکل می گیرد. همچنین آنچه که به طور مستقیم تنوع را در تمام ابعاد محقق می سازد همپوشانی و تحقق متعادل سه عامل امنیت، اختلاط و ارتباط و اتصال است. |
| عملکرد عملکردی- فعالیت کاربردی | یان بنتلی و همکارانش (۱۳۸۲) | تنوع شهری در قالب تنوع عملکردی، تنوع فرم ها و تنوع اجتماعی و گروه های اجتماعی در مکان های شهری تعریف می شود. |
| | کولمن (۱۳۸۷) | تنوع شهری، به معنای تنوع عملکردهای شهری است. |
| | نیالدز (۱۳۹۰) | تنوع شهری به معنای تنوع اجتماعی، کالبدی-فضایی و عملکردی است. |
| | ساکل سوات پورت (۱۳۸۹) | تنوع شهری در قالب کاربری های مختلط، تنوع استفاده کنندگان، تنوع فعالیت ها در مرکز شهر، نگرش انواع مشاغل تعریف می گردد. تنوع در کاربری ها و فعالیت ها علاوه بر ایجاد سرزندگی، زمینه ساز انطباق پذیری شهری خواهد بود. سه عامل سرزندگی، تنوع و انطباق پذیری عناصر مطلوبیت شهری به شمار می روند. |
| | Barton (۲۰۰۹) | چیدمان و نوع کاربری ها به شکل گیری چگونگی فعالیت ها منتج می شود. انجام فعالیت های متنوع روزانه به ارتقای سلامت مردم می انجامد. |
| تنوع عملکردی- فعالیت کاربردی | راب یورت (۱۳۷۷) | کاربری ها از آن جایی که می توانند تمرکز از فعالیت ها را فراهم آورند، معمولاً در جهت یابی اقرا موثر واقع می شوند. |
| | یان گل (۱۳۸۷) | فعالیت در جایی رخ می دهد که بیشتر در آن رخدادهای به وقوع پیوسته باشند. چراکه معمولاً در فضایی که در آن فعالیت جریان ندارد، فعالیت تازه روی نمی دهد. بر این اساس فعالیت های افراد در فضای شهری را به سه دسته فعالیت های ضروری، فعالیت های اختیاری و فعالیت های اجتماعی) تقسیم می شود. این فعالیت ها در یک الگوی در هم تنیده رخ می دهند. |
| | مشور آبی | عملکرد با کارکرد مفهومی است که در قالب سکونت، کار، تفریح و حرکت تعریف می شود. |
| | گرن (۱۹۹۳) | عملکرد را در چهار خوب ارتباط، امنیت، امنیت اجتماعی، تنوع تعریف می شود. |
| | راب کریر | بافت شهر از درهم آمیختگی کلیه فعالیت ها هنگامی که محمل کالبدی می یابند شکل می گیرند و تبیین کالبدی-فضایی همان آمیختگی فعالیت هاست که به نوبه خود، درهم آمیختگی رفتارهای انسانی و جامعه را باعث می شود. گردش، خرید، گفتگو، کار؛ ایجاد ارتباط اجتماعی را نمی توان از یکدیگر به صورت کاملاً مطلق جدا کرد. |
| تنوع عملکردی- فعالیت کاربردی | جین جیکوبز (۱۹۶۱) | برای شکل گیری تنوع عملکردی می باید هر محدوده دارای بیش از دو کارکرد اصلی باشند. بیشتر بزرگی می باید کوتاه باشند تا از این رو فرصت هایی که در کنج ها فرا می گیرند ناپوش پیدا کنند. همچنین منطقه باید ترکیبی از ساختمان هایی با قدمت و شرایط متفاوت باشد. وی تاکید می کند که تراکم پذیره کافی مردم صرف نظر از علت حضورشان جهت ایجاد تنوع ضروری است. |
| | الن جیکوبز و داندل اپلیارد (۱۹۸۷) | تنوع و انطباق فعالیت ها را بخشی ضروری بافت شهری برای زندگی شهری می دانند. از نظر آن ها به حداکثر رساندن سیالیت اجتماعی چه در حوزه اجتماعی و چه در حوزه اقتصادی به عنوان فاکتور کلیدی کیفیت زندگی شهری به شمار می رود. |
| | وحیدی (۱۳۸۶)؛ Cowan, 2005 | اختلاط کاربری ها به عنوان ترکیبی از کاربری های تجاری (خرده فروشی، اداری و تفریحی) و کاربری های غیر تجاری هستند. مسکونی در قالب ساختمان های مختلف، ساخت، مختلط و محدوده های پیاده مدار مختلط تعریف می شود. |

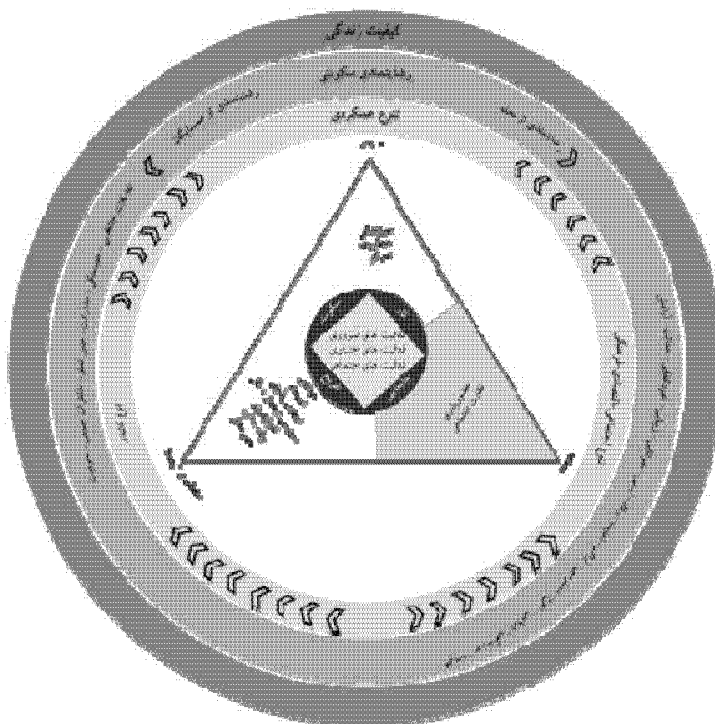


اجتماعی - دسترسی و حمل و نقل - پیاده مداری و همبستگی - مشارکت اجتماعی در مراتب بعدی جای می‌گیرند. در این میان بر معیارهای زیبایی و خونایی با رقمی برابر با کمترین تاکید شده است.

۵- مدل مفهومی پژوهش

برای تدوین مدل مفهومی پژوهش، نخست نحوه ارتباط و جایگاه دو مقوله رضایتمندی سکونتی و تنوع عملکردی - دی نسبت به یکدیگر مورد بررسی قرار گرفتند. نمودار حاصل از بررسی‌های صورت گرفته در بخش مبانی نظری نشان می‌دهد که می‌توان تنوع عملکردی را به مثابه زیرمجموعه‌ای از مبحث کلان کیفیت زندگی به شمار آورد. به بیان دیگر، برای ارتقای کیفیت زندگی در سطح محلات می‌بایست؛ رضایتمندی سکونتی را در سه سطح رضایت از محله، خانه و همسایگان ارتقا بخشید. تنوع شامل: تنوع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و عملکردی از جمله ویژگی‌های محلات به شمار رفته و در ارتقای رضایتمندی از محلات تاثیرگذار است. از طرف دیگر، مقوله تنوع عملکردی، بر سایر گونه‌های تنوع

تاثیرگذار بوده و از آنها تاثیر می‌پذیرد. از این رو تنوع عملکردی بر روابط همسایگان و میزان رضایتمندی از همسایگان موثر است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که چنانچه تنوع عملکردی شامل: همنشینی عملکردهای کار، سکونت، تفریح و جابجایی در سطح محلات محقق شوند؛ تنوعی از فعالیت‌های انتخابی، اجتماعی و ضروری در این محدوده‌های شهری عرصه بروز و ظهور خواهد یافت. شکل گیری تنوعی از فعالیت‌ها در سطح محلات به مفهوم تحقق تنوع عملکردی بوده و ارتقا دهنده رضایتمندی سکونتی و به طریق اولی کیفیت زندگی خواهد بود. با توجه به حیطه بحث تنوع عملکردی - دی مقوله رضایتمندی از خانه از دایره پژوهش خارج شده و فصل مشترک این دو بحث (تنوع عملکردی و رضایتمندی سکونتی) در دو مقیاس محله و همسایگان مورد بررسی قرار گرفته است. پس از تعیین جایگاه این دو مقوله نسبت به یکدیگر، برای تعیین معیارهای مشترک و تدوین مدل مفهومی پژوهش، ارتباط معیارهای بدست آمده از هر یک، در چارچوب یک ماتریس مورد بررسی قرار گرفته است.



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

جدول ۷. مقایسه میزان رضایتمندی سکونتی و تنوع عملکردی در نارمک و تهرانپارس؛ ماخذ: نگارندگان.

| معیار | شاخص | رضایتمندی سکونتی | | نوع عملکردی | | |
|---------------------------------------|--------------------|------------------|---------------------------------------|--|--|--------------------------------|
| | | نارمک | تهرانپارس | | | |
| معیار امنیت | نظارت اجتماعی | ۱۹.۹ | ۱۰.۴ | تعداد حضور مردم در ساعات مختلف شبانه روز | | |
| | حضور پذیری | ۳.۱ | ۲.۸ | تورپردازی مناسب، در شب | | |
| | حس تعلق | ۲.۶ | ۲.۴ | وجود پسترین های جذاب و متعدد معاره ها در معابر اصلی محلات و لکه بیرونی آن ها | | |
| معیار ارتباط و اتصال | انسجام | ۳.۸ | ۲.۲ | وجود کاربری های خدماتی روزانه و هفتگی در فاصله ۱۰ دقیقه ای منازل مسکونی | | |
| | پایاده مناری | ۳.۸ | ۴.۹ | وجود شبکه پایاده روی نا کیفیت بالا | | |
| | حمل و نقل عمومی | ۷.۵ | ۵.۷ | وجود الگوهای حمل و نقل متنوع در لکه محلات | | |
| | نفوذ پذیری | ۰ | ۰ | وجود آبنگاه های آتوموس یا طراحی و مینمان مناسب و جذاب | | |
| | خوانایی | ۰ | ۰ | الگوی لکه های تجاری به جای مجتمع های تجاری | | |
| | انعطاف پذیری | ۳ | ۲.۲ | تنوع فعالیت ها | | |
| | معیار تمرکز اختلاط | سرزندگی | ۱۵.۱ | ۱۳.۵ | همپوشانی زمانی فعالیت ها در راستای ارتقای سرزندگی در شبانه روز | |
| | | مجاورت | تعدد کاربری ها | ۱۲.۸ | ۱۱.۳ | مطلوبیت فضاهای ورزشی |
| | | | کاربری های تزیین ریز و شفاف | | | کاربری های تزیین ریز و شفاف |
| | | | سوپرها و نقالی های نیش بلوک ها | | | سوپرها و نقالی های نیش بلوک ها |
| حضور دستفروشی ها | | | | | حضور دستفروشی ها | |
| حضور متعادل زنان و مردان در شبانه روز | | | حضور متعادل زنان و مردان در شبانه روز | | | |
| مجاورت | ۲.۲ | ۱.۶ | تعدد کاربری ها | | | |
| تعدد کاربری ها | | | تعدد کاربری ها | | | |
| کاربری های تزیین ریز و شفاف | | | کاربری های تزیین ریز و شفاف | | | |
| سوپرها و نقالی های نیش بلوک ها | | | سوپرها و نقالی های نیش بلوک ها | | | |
| حضور دستفروشی ها | | | حضور دستفروشی ها | | | |
| حضور متعادل زنان و مردان در شبانه روز | | | حضور متعادل زنان و مردان در شبانه روز | | | |



گرفته‌اند. منطقه ۸ از جمله مناطق ۲۲ گانه تهران است که از شمال با منطقه ۴، از جنوب با منطقه ۱۳ و از غرب با منطقه ۷ همجوار است (مهندسان مشاور زیستا، ۱۳۸۴: ۱). این منطقه بر اساس طرح تفصیلی سال ۱۳۸۵ به پنج ناحیه تهرانپارس، نارمک شرقی، نارمک غربی، وحیدیه و مجیدیه تقسیم می‌شود (مهندسان مشاور زیستا، ۱۳۸۵: ۱). از این رو محدوده مورد مطالعه در این نوشتار شامل سه ناحیه (نارمک شرقی، نارمک غربی و تهرانپارس) از این منطقه می‌باشد.

۷- یافته‌ها و بحث

○ مقایسه میزان تنوع عملکردی و رضایتمندی سکونتی در محدوده نارمک و تهرانپارس

در گام بعد، در راستای بررسی تطبیقی میزان تنوع عملکردی در هر یک از این دو بافت مسکونی (نارمک و تهرانپارس)، تک تک معیارهای مدل مفهومی در قالب سنجه‌های آن‌ها در این دو محدوده مورد بررسی قرار گرفتند. جدول زیر شمایی از این بررسی را نشان

مدل مفهومی پژوهش که در نتیجه این بررسی‌ها بدست آمده؛ نشان می‌دهد که برای تحقق یافتن تنوع عملکردی در سطح محلات می‌باید سه معیار اصلی اختلاط فعالیت‌ها، امنیت و ارتباط و اتصال ساختار عملکردی محلات مد نظر قرار گیرد. این سه ضلع مثلث تنها در صورتی تحقق می‌یابند که مقوله سرزندگی، مجاورت و تمرکز فعالیت‌ها در سطح محلات (شاخص‌های معیار اختلاط)، همچنین مقوله خوانایی، انسجام عملکردی، انعطاف پذیری، نفوذپذیری، دسترسی و حس تعلق (شاخص‌های معیار ارتباط و اتصال) و در نهایت مقوله‌های حضورپذیری و نظارت اجتماعی (شاخص‌های معیار امنیت) در سطح محلات تحقق یابند (نمودار شماره ۱).

۶- معرفی محدوده مورد مطالعه

بافتهای شهری مورد مطالعه در این پژوهش بافت مسکونی نارمک و تهرانپارس را شامل می‌شوند. این دو بافت شهری در منطقه ۸ تهران و در کنار یکدیگر قرار

می‌دهد. در این جدول، به میزانی که مطلوبیت سنجه بیشتر باشد، دایره مقابل آن سنجه پررنگتر خواهد بود. هر چند از نظر فضاهای ورزشی تهرانپارس شرایط بهتری از نارمک داشته و از نظر میزان نفوذپذیری هر دو در یک سطح هستند. اما نتایج حاصل نشان می‌دهد که تنوع عملکردی در نارمک در قالب تمامی سنجه‌ها از تهرانپارس در شرایط بهتری بوده است (جدول شماره ۷). در گام بعد، میزان رضایتمندی ساکنان از همین سنجه‌ها در دو محدوده نارمک و تهرانپارس مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان رضایتمندی از نارمک به مراتب از تهرانپارس بیشتر است. بدین ترتیب، با در نظر گرفتن چارچوب مقایسه‌ای یکسان (سنجه‌های و محدوده یکسان) نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان رضایتمندی سکونتی در محدوده دارای تنوع عملکردی بالاتر، به مراتب بیشتر است.

○ تحلیل داده‌های بدست آمده با استفاده از روش نرخ اهمیت-رضایت
برای بررسی نقش تنوع عملکردی در میزان رضایتمندی سکونتی از طریق روش نرخ اهمیت- رضایت؛ نخست سنجه‌های پژوهش متناسب با محتوای آنها در قالب چهار عملکرد سکونت، کار، تفریح و جابجایی تقسیم بندی شدند. چارچوب حاصل به صورت پرسشنامه بسته و بر مبنای طیف لیکرت تنظیم شد. بر اساس این پرسشنامه میزان رضایت مردم از سنجه‌های هر یک از عملکردها را به طور جداگانه و میزان اهمیت سنجه‌های هر یک از عملکردها را به طور جداگانه مورد در محدوده مورد مطالعه قرار گرفت. نرخ اهمیت- رضایت هر سنجه از طریق محاسبه درصد اهمیت هر سنجه و درصد رضایت و پس از آن محاسبه فرمول زیر بدست آمده است.

جدول ۸. محاسبه نرخ اهمیت رضایت در محدوده نارمک؛ ماخذ: نگارندگان.

| عملکرد | IS | واژه‌های اصلی | IS |
|----------------------|------|--|------|
| بهبود عملکرد جابجایی | ۰.۲ | بازنگری فاصله ایستگاه حمل و نقل عمومی تا کاربری های اصلی محله | ۰.۱۳ |
| | | مجهز ساختن ایستگاه های حمل و نقل عمومی به امکانات جانبی | ۰.۱۳ |
| | | ارتقای مطلوبیت مسیرهای پیاده و دوچرخه | ۰.۱۲ |
| | | ارتقای مطلوبیت پیاده روی در محله | ۰.۱۲ |
| بهبود عملکرد کار | ۰.۱۹ | افزایش میزان دسترسی به انواع الگوهای حمل و نقلی در کل محدوده | ۰.۱۲ |
| | | ارتقای مطلوبیت طراحی و مبله ایستگاه های حمل و نقل عمومی | ۰.۱۲ |
| | | بازنگری مکان گزینی ایستگاه در راستای کاهش فاصله پیاده منزل تا ایستگاه ها | ۰.۱۲ |
| | | ایجاد تمهیداتی جهت استفاده تجاری ساکنان از منزل مسکونی خود | ۰.۱۱ |
| بهبود عملکرد تفریح | ۰.۱۹ | افزایش تعداد سوپرهای نیش بلوک ها | ۰.۱۱ |
| | | افزایش تعداد رستوران ها و کافه ها | ۰.۱۱ |
| | | افزایش کاربری های مورد نیاز مردم | ۰.۱ |
| | | فاصله میان محل کار تا منزل | ۰.۰۶ |
| بهبود عملکرد سکونت | ۰.۱۶ | افزایش تعداد پارک های محلی | ۰.۱۵ |
| | | افزایش مطلوبیت فضاهای ورزشی-تفریحی | ۰.۱۵ |
| | | ایجاد تمهیداتی در سطح محله در راستای افزایش میزان تعاملات همسایگی | ۰.۱۵ |
| | | ایجاد جذابیت هایی برای افزایش حضور مردم در طول روز | ۰.۱۴ |
| بهبود عملکرد سکونت | ۰.۱۶ | ایجاد جذابیت هایی برای افزایش حضور مردم در طول شب | ۰.۱۴ |
| | | ارتقای مطلوبیت فضاهای تجمع | ۰.۱۴ |
| | | افزایش امنیت محله | ۰.۱۸ |
| | | بهبود روشنایی محله | ۰.۱۵ |
| بهبود عملکرد سکونت | ۰.۱۶ | ساماندهی زمین های خالی و بناهای متروک | ۰.۱۴ |
| | | ارتقای پاکیزگی محله | ۰.۱۳ |
| | | افزایش سازگاری کاربری ها | ۰.۱۲ |
| | | افزایش امنیت فضاهای بازی کودکان | ۰.۱۱ |

محاسبه فرمول: (نرخ اهمیت رضایت) = درصد اهمیت * (درصد رضایت-۱)

در این روش نرخ بدست آمده برای هر شاخص در گروه‌های سه گانه ای ($IS \geq 0.2$ ، $0.1 < IS < 0.2$ ، و $IS < 0.1$) تفکیک می‌شوند. بنابراین آن دسته از شاخص‌هایی که نرخ آن‌ها برابر یا بیش از ۰.۲ باشد می‌باید برای مدت زمان تعیین شده، با تمهیدات دیگری بیشتر مورد تاکید قرار گیرند. آن دسته که میزان نرخ آن‌ها بین ۰.۱ تا ۰.۲ است بهتر است برای مدت زمان تعیین شده، تاکید بر آن‌ها را افزایش داد. در نهایت آن دسته که نرخ کمتر از ۰.۱ دارند می‌باید بر همان میزان تاکید که هم اکنون بر آن‌ها اعمال می‌شود، ادامه داد (Community Survey, 2007, Satisfaction Analysis Rappahannock Region -Importance).

جدول شماره ۷ نتایج حاصل از طی تمام مراحل یاد شده را در محدوده نارمک نشان می‌دهد. در این جدول کلیه مقادیر IS کمتر از ۰.۱ حذف شده و تمام سنج‌ها بر اساس

مقدار IS آنها اولویت بندی شده‌اند. همانگونه که این جدول نشان می‌دهد برای ارتقای رضایتمندی سکونتی مردم نارمک از طریق تنوع عملکردی این محدوده می‌باید نخست به بهبود سنج‌های عملکرد کار و تفریح توجه کرد. پس از آن عملکرد جابجایی و در نهایت سکونت در زمره اولویت‌های این محدود قرار می‌گیرند. محاسبه همین سنج‌ها در محدوده تهرانپارس نشان می‌دهد برای ارتقای رضایتمندی سکونتی این محدوده از طریق تنوع عملکردی می‌باید نخست بر عملکرد جابجایی تاکید کرد. پس از آن عملکردهای کار، تفریح و در نهایت سکونت از جمله موارد حاصل از این اولویت بندی هستند. راهبردهای حاصل از تک تک سنج‌های هر عملکرد بر اساس میزان مقدار IS آن‌ها اولویت بندی شده‌اند.

از دیگر خروجی‌های حاصل از به کارگیری روش نرخ اهمیت-رضایت، ماتریس‌های اهمیت رضایت است. این ماتریس‌ها، نحوه برخورد مسئولان با هر یک از

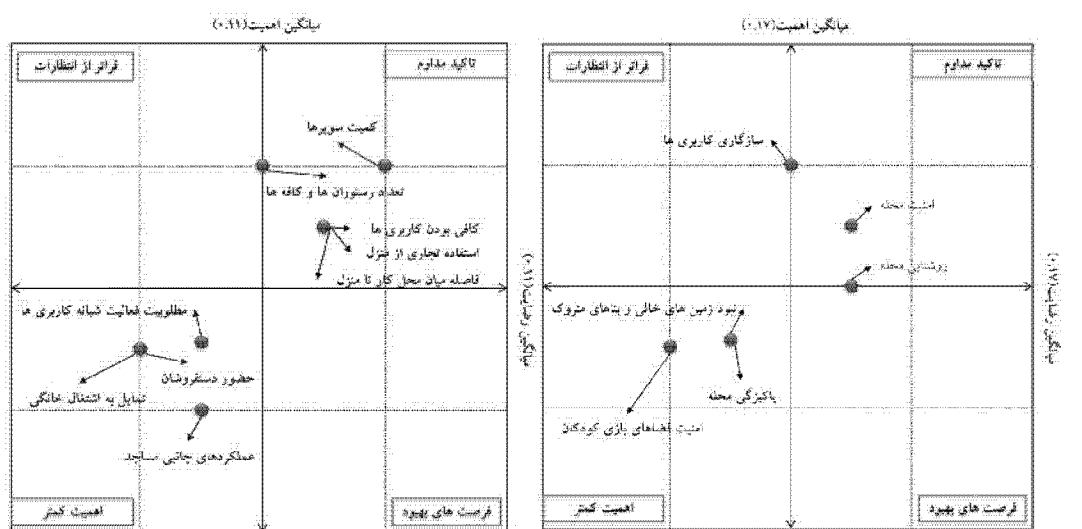
جدول ۹. محاسبه نرخ اهمیت رضایت در محدوده تهرانپارس؛ ماخذ: نگارندگان.

| عملکرد | IS | راهبردها | IS |
|----------------------|--------------------------|---|------|
| بهبود عملکرد کار | ۰.۱۱ | افزایش کاربری‌های مورد نیاز مردم | ۰.۱۱ |
| | ۰.۱۱ | ایجاد تمهیداتی برای استفاده تجاری مردم از منازل مسکونی خود | ۰.۱۱ |
| | ۰.۱۱ | ایجاد تمهیداتی جهت کاهش فاصله میان محل کار تا منزل | ۰.۱۱ |
| بهبود عملکرد تفریح | ۰.۱۱ | افزایش تعداد سوپرمارت و بقالی‌های نیش بلوک‌ها | ۰.۱۱ |
| | ۰.۱۱ | بازتوزیع موقعیت رستوران‌ها و کافه‌ها در لیه محلات | ۰.۱۱ |
| | ۰.۱۵ | افزایش تعداد پارک‌ها | ۰.۱۵ |
| | ۰.۱۵ | ارتقای مطلوبیت فضاهای ورزشی-تفریحی | ۰.۱۵ |
| | ۰.۱۴ | افزایش حضور مردم در طول روز از طریق ایجاد فعالیت‌های جذاب | ۰.۱۴ |
| بهبود عملکرد جابجایی | ۰.۱۳ | افزایش حضور مردم در طول شب از طریق ایجاد فعالیت‌های جذاب | ۰.۱۳ |
| | ۰.۱۲ | افزایش مطلوبیت فضاهای تجمع | ۰.۱۲ |
| | ۰.۱۲ | ایجاد تمهیداتی جهت افزایش میزان تعاملات همسایگی | ۰.۱۲ |
| | ۰.۱۴ | بازنگری موقعیت ایستگاه حمل و نقل عمومی متناسب با کاربری‌های اصلی محله | ۰.۱۴ |
| بهبود عملکرد جابجایی | ۰.۱۳ | افزایش میزان دسترسی به انواع الگوهای حمل و نقلی | ۰.۱۳ |
| | ۰.۱۲ | مجهز ساختن ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی به امکانات جانبی | ۰.۱۲ |
| | ۰.۱۲ | ارتقای مطلوبیت مسیرهای پیاده و دوچرخه | ۰.۱۲ |
| | ۰.۱۲ | ارتقای مطلوبیت پیاده روی در محله | ۰.۱۲ |
| | ۰.۱۲ | ارتقای مطلوبیت تفریحی و میلمان ایستگاه‌ها | ۰.۱۲ |
| بهبود عملکرد سکونت | ۰.۱۲ | کاهش فاصله پیاده ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی تا منازل مسکونی | ۰.۱۲ |
| | ۰.۱۶ | افزایش امنیت محله | ۰.۱۶ |
| | ۰.۱۵ | بهبود روشنایی محله | ۰.۱۵ |
| | ۰.۱۴ | ساماندهی زمین‌های خالی و بناهای متروک | ۰.۱۴ |
| | ۰.۱۳ | ارتقای امنیت فضاهای بازی کودکان | ۰.۱۳ |
| | ۰.۱۳ | بهبود پاکیزگی محله | ۰.۱۳ |
| ۰.۱۲ | افزایش سازگاری کاربری‌ها | ۰.۱۲ | |

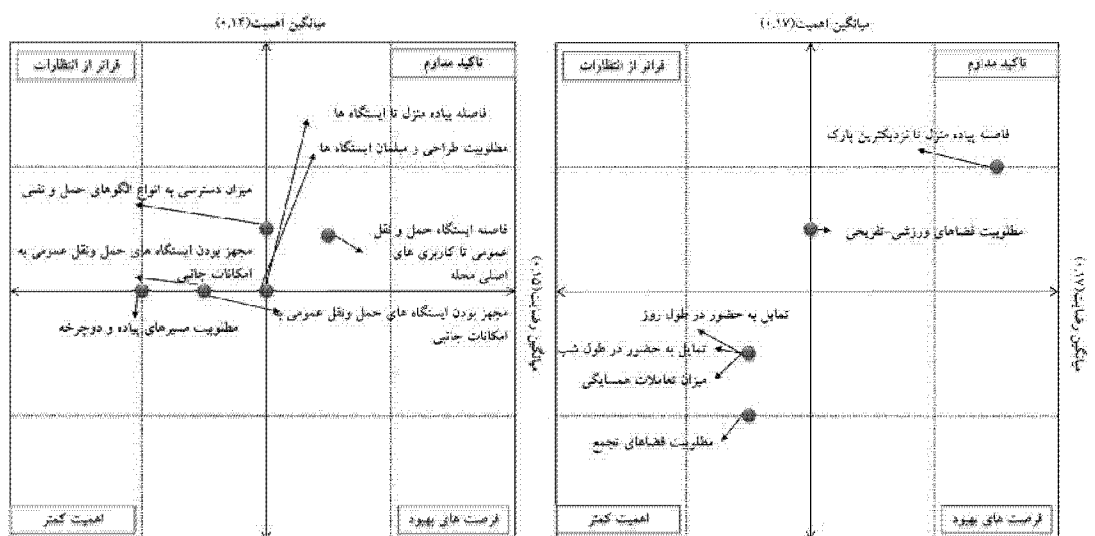
شاخص‌ها را بیان می‌کنند. هر ماتریس توسط محور میانگین اهمیت (محور عمودی) و محور میانگین رضایت (محور افقی) به چهار بخش (تاکید مداوم، فراتر از انتظارات، فرصت بهبود و اهمیت کم) تفکیک می‌شود. رویکرد متناسب با آن خواهد بود (TDOT, 2006).

بر اساس ماتریس‌های نرخ اهمیت-رضایت، در راستای ارتقای رضایتمندی سکونت در سطح نارمک می‌باید بر مقوله ارتقای امنیت محلات، توزیع مناسب سوپر‌ها و

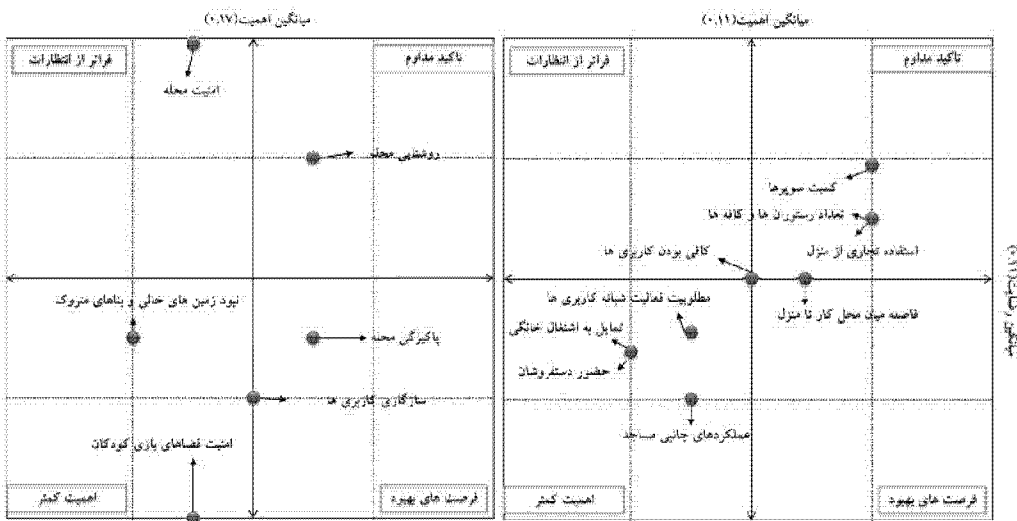
کاربری‌های مورد نیاز ساکنان محله، کاهش فاصله میان محل سکونت و کار مردم این بافت از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش تعداد پارک‌ها و فضاهای سبز و مکان‌گزینه‌ی مناسب ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی در راستای دسترسی مطلوب به کاربری‌های اصلی تاکید ویژه داشت. ماتریس‌های اهمیت-رضایت محدوده تهرانپارس نشان می‌دهند که در راستای ارتقای رضایتمندی سکونت از طریق تنوع عملکردی در این محدوده می‌باید مقوله روشنایی محلات، توزیع فضایی



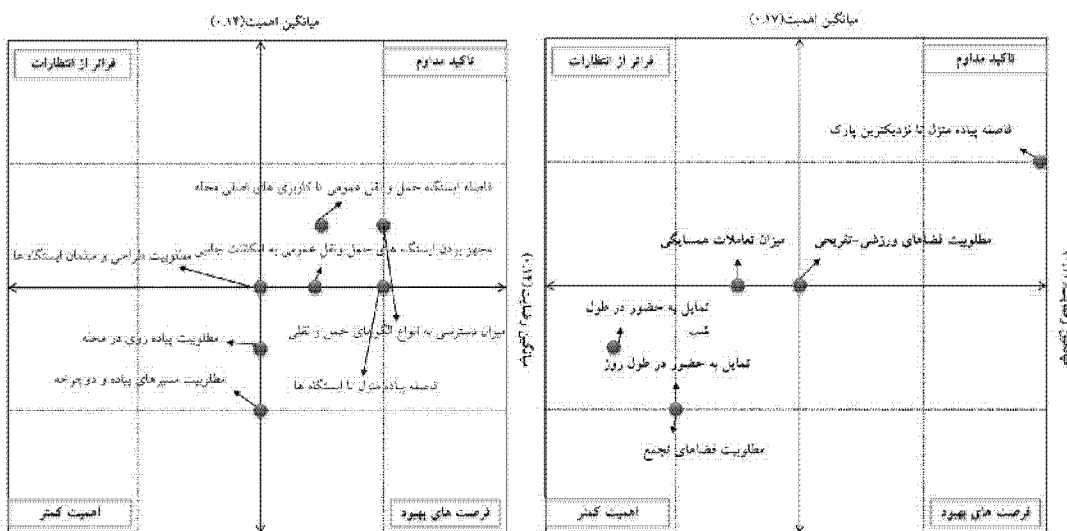
شکل ۳. ماتریس اهمیت-رضایت عملکرد سکونت (نارمک) و شکل ۴. ماتریس اهمیت-رضایت عملکرد کار (نارمک)؛ ماخذ: نگارندگان.



شکل ۵. ماتریس اهمیت-رضایت تفریح (نارمک)؛ شکل ۶. ماتریس اهمیت-رضایت جابجایی (نارمک)؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.



شکل ۷. ماتریس اهمیت - رضایت عملکرد سکونت (تهرانپارس) و شکل ۸. ماتریس اهمیت - رضایت عملکرد کار (تهرانپارس):
 ماخذ: نگارندگان.



شکل ۹. ماتریس اهمیت - رضایت عملکرد تفریح (تهرانپارس) و شکل ۱۰. ماتریس اهمیت - رضایت عملکرد جابجایی
 (تهرانپارس): ماخذ: نگارندگان.

محدوده فراتر از انتظار بیان می‌دارد که میزان توجه به شاخص‌های این محدوده فراتر از حد انتظار بوده است. از این رو افزایش توجه و تاکید بر این شاخص‌ها بر رضایتمندی عمومی تاثیر چندانی نخواهد گذارد. بدین ترتیب بهتر آن است که روند جاری در زمینه امنیت بافت تهرانپارس پی گرفته شود. محدوده فرصت‌های بهبود، شاخص‌هایی را نشان می‌دهد که با افزایش تاکید بر آن‌ها می‌توان میزان رضایتمندی ساکنان را به صورت

سوپرها، کافه‌ها، رستوران‌ها، نزدیکی محل کار به محل سکونت از طریق امکان استفاده تجاری از منازل مسکونی توسط مالکان، کاهش فاصله پیاده روی تا نزدیکترین پارک به منزل مسکونی از طریق افزایش تعداد پارک‌های کوچک مقیاس، افزایش الگوهای حمل و نقل عمومی در سطح محلات و بازتوزیع موقعیت ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی در این محدوده را مورد توجه ویژه قرار داد.

چشمگیری افزایش داد. از این رو در محدوده تهرانپارس، یکی از راهکارهای ارتقای رضایتمندی سکونتی، بهبود پاکیزگی محلات آن تشخیص داده شده است. افزایش توجه بر سایر شاخص‌ها که در محدوده اهمیت کم قرار گرفته‌اند؛ تاثیر چندانی بر میزان رضایتمندی سکونتی نمی‌گذارد؛ از این رو اقدام خاصی برای آن‌ها توصیه نمی‌شود.

۸- نتیجه گیری و جمع‌بندی

نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که میزان تنوع عملکردی و رضایتمندی سکونتی در نارمک بیش از تهرانپارس بوده است. بنابراین می‌توان با ارتقای تنوع عملکردی گامی موثر در راستای ارتقای رضایتمندی سکونتی مردم برداشت. بنابراین در نارمک بهتر است، عملکرد کار، تفریح و جابجایی و در نهایت عملکرد سکونت را بهبود بخشید. این در حالی است که در تهرانپارس، می‌بایست عملکرد جابجایی را بر سایر عملکردها مقدم دانست. تحلیل یک بافت شهری دارای تنوع عملکردی (نارمک) و یک بافت شهری عمدتاً تک عملکردی (تهرانپارس) نشان می‌دهد که برای افزایش رضایتمندی سکونتی از طریق تغییر در معیارهای تنوع عملکردی، نباید به شاخص‌های عملکرد سکونت اکتفا کرد؛ بلکه رمز موفقیت در این کار، ارتقای تنوع عملکردی آن محله از طریق تقویت تمامی عملکردهای آن بافت شهری است. نتایج حاصل از بررسی‌های صورت گرفته از روش نرخ اهمیت رضایت حاکمی از آن است که برای بهبود رضایتمندی دو محدوده مجزا از طریق ارتقای یک عملکرد مشابه، می‌بایست راهکارهای متفاوتی را اتخاذ نمود. چنانچه در جداول شماره ۸ و ۹ مشخص است، برای بهبود وضعیت حمل و نقل در نارمک می‌بایست ابتدا در مورد موقعیت ایستگاه‌های اتوبوس تجدید نظر کرد؛ اما در تهرانپارس فاصله ایستگاه‌ها نسبت به کاربری‌های مهم و جذاب می‌بایست تعدیل شود. هرچند در موقعیت‌ها و بافت‌های شهری گوناگون میزان توجه و اولویت هر یک از این عملکردها متفاوت خواهد بود. اما آشکار است که تغییر مفهوم خانه به مسکن برای مردم در ارتقای رضایتمندی سکونتی آن‌ها تاثیر بسزایی

دارد. این امر از طریق بسترسازی برای مرتفع شدن کلیه نیازمندی‌های آن‌ها در سطح محلات سکونتشان محقق می‌شود.

۹- منابع و مآخذ

۱. اصدقی، الهه (۱۳۸۹). بررسی و سنجش عوامل ذهنی تاثیرگذار بر رضایتمندی سکونتی زنان خانه دار (محدوده مورد مطالعه: بلوار هفت تیر). پایان نامه دوره کارشناسی شهرسازی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲. باردس، آنا (۱۳۷۹) «بهبودی بافت‌های تاریخی در تونس، مطالعه موردی محله حفصیه». شهرداری ها. ۲(۱۸): ۴۰-۴۴.
۳. بنتلی، ای یین؛ الکک، آلن؛ مورین، پال؛ مک گلین، پال؛ اسمیت، گراهام (۱۳۸۲). محیط‌های پاسخده. (ترجمه: مصطفی بهزادفر). تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۴. پاپلی یزدی، محمدحسین؛ رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۷). نظریه‌های شهر و پیرامون. چاپ سوم. تهران: سمت.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (ج ۱). تهران: انتشارات عمران شهرهای جدید.
۶. پاول وبر، الکه؛ زیلینگ، سباستین (۱۳۸۸). طراحی یک محله مسکونی پایدار در شهر جدید هشترگر - پروژه پایلوت ۳۵ هکتاری. (ترجمه مهتا میرمقتدایی). مهندسی ساختمان و علوم مسکن. ۷(۱۵): ۷۳-۸۹.
۷. جیکوبز، جین (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. (ترجمه: حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. چپ من، دیوید (۱۳۸۶). آفرینش محلات و مکان‌های انسان ساخت. (ترجمه: شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. حاجی نژاد، علی؛ رفیعیان، مجتبی؛ زمانی، حسین (۱۳۹۰). بررسی و رتبه بندی عوامل موثر بر میزان رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی (مطالعه موردی: مقایسه بافت قدیم و جدید شهر شیراز). پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۷۷(۷۷): ۱۲۹-۱۴۳.



۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴). لغت نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. رفیعیان، مجتبی؛ رضوی، حامده (۱۳۸۸). ارتقای کیفیت محیط شهری با استفاده از رویکرد برنامه ریزی طراحی محور: (تاثیر شهر و پهنه پیرامون). برنامه ریزی و آمایش فضا. ۴(۲): ۲۶۹-۲۸۷.
۱۲. رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی؛ عسگری زاده، زهرا (۱۳۸۷). سنجش میزان رضایتمندی سکونت ساکنان محله نواب. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۶۷(۶): ۵۳-۶۸.
۱۳. سلمانی، حسن (۱۳۸۹). بررسی رضایتمندی سکونت با استفاده از سنجش کیفیت زندگی در محلات فرسوده: نمونه موردی محله هاشمی در منطقه ۱۰ تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. گرایش برنامه ریزی شهری و منطقه ای. دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. سهرابی، ناریس؛ اکبری، سعید (۱۳۸۴). بررسی بافت محله جلفای اصفهان و ارائه راهکارهایی جهت حفاظت و ایجاد تعادل میان کالبد قدیم و جدید. نشریه راه و ساختمان. ۲۹(۱): ۵۱-۵۵.
۱۵. شیبانی، سپیده؛ نورالهی، حانیه (۱۳۸۸). شناسایی اصول و معیارهای محله مسکونی خوب و کاربرد آن در برنامه ریزی توسعه محله ای- مورد پژوهی: محله بنفشه (حد فاصل خیابان بهار تا بلوار جانباز). پایان نامه کارشناسی. رشته شهرسازی. دانشگاه فردوسی.
۱۶. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷). تاملی بر سه مساله روش شناختی در تحقیقات تطبیقی کلان. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی. ۱(۸). ۶۸-۳۹.
۱۷. عباس زادگان، مصطفی؛ رضازاده، راضیه؛ محمدی، مریم؛ علی پور اشلیکی، سجاد (۱۳۸۹). سنجش عوامل تاثیرگذار بر رضایت از سکونت در محلات بلافصل ایستگاه‌های مترو تهران. پژوهشنامه حمل و نقل. ۷(۳): ۲۴۵-۳۰۸.
۱۸. عزیززی، محمد مهدی (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک. هنرهای زیبا. ۲۷(۲): ۳۵-۴۶.
۱۹. فرجی ملانی، امین؛ عظیمی، آزاده؛ زیاری، کرامت الله (۱۳۸۹). تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران. مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری. ۱(۲): ۱-۱۶.
۲۰. قربانی، رسول؛ تیموری، راضیه (۱۳۸۸). تحلیلی بر نقش پارک‌های شهری در ارتقای کیفیت زندگی شهری با استفاده از الگوی Seeking-Escaping، نمونه موردی: پارک‌های شهر تبریز. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۷۲(۲): ۴۷-۶۲.
۲۱. کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹). بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. نشریه هویت شهر. ۶(۶): ۹۵-۱۰۶.
۲۲. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۷). زبان الگو: شهرها. (ترجمه: رضا کریلایی نوری). تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۲۳. کوکبی، افشین (۱۳۸۶). معیارهای ارزیابی زندگی شهری در مراکز شهری. نشریه هویت شهر. ۱(۱): ۷۵-۸۶.
۲۴. گل، یان (۱۳۸۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها. (ترجمه: شیما شصتی). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۵. گلکار، کورش (۱۳۷۹). مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. نشریه صفه. ۳۲(۳): ۳۸-۶۵.
۲۶. لطفی، صدیقه (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری. فصلنامه جغرافیای انسانی. ۱(۴): ۶۵-۸۰.
۲۷. لینچ، کوین (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر. (ترجمه: حسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۲۹. منشی، سهند (۱۳۸۸). حیات بافت تاریخی در بستر کاربری‌های مختلط. نشریه زیرساخت‌ها. ۱(۸).
۳۰. مهندسان مشاور زیستا (۱۳۸۴). تهیه الگوی توسعه و طرح تفصیلی منطقه و همکاری با شهرداری منطقه ۸. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران.
۳۱. مهندسان مشاور زیستا (۱۳۸۵). خلاصه گزارش طرح تفصیلی سال ۱۳۸۵ منطقه ۸ تهران. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران.
۳۲. وحیدی، گلдіس (۱۳۸۶). راهکارهای اجرایی اختلاط کاربری‌ها. شهرنگار. ۴۸(۲۳-۲۸).

Rappahannock Region Community Survey. Available in:

www.rappahannockunitedway.org/Community/.../Section%206

46. Kaczynski, Andrew T.; Johnson, Amanda J.; Saelens, Brian E.(2010). Neighborhood land use diversity and physical activity in adjacent parks. *Health & Place*. (16): 413-415.

47. Kohana, E.; Lovergreen, L.; Kahana, B.; Kahana, M.(2003). Person, environment and person-environment fit as influences on residential satisfaction of elders. *Environment and behavior*.35(3): 434-453.

48. Louw, Erik; Ruinsma, Frank (2006). From mixed to multiple land use. *Journal of Housing and the Built Environment*. (21): 1-13.

49. Momenian, Arezoo; Zekavat, Meysam(2012).Rehumanasing Urban Space for Night Activities with Particular Reference to Principal 24 hours Cities in Iran. *Research Journal of Applied Sciences, Engineering and Technology*. 4(23): 5055-5062.

50. Perezl, Fermina Rojo; Rivera, Gloria; Abuin, Jose Manuel Rojo(2001). Ageing in place: predictors of the residential satisfaction. *Social Indicators Research*. (54): 173-208.

51. Philips, David R.; Siu, , OI-Ling; Yeh, Anthony G. O.; Cheng, Kevin H. C.(2004). Factors influenceing older persons' residential satisfaction in big and densely populated cities in Asia: a case study in Hong Kong. *Ageing International*.29(1): 46-70.

52. Prieto-Flores, Maria-Eugenia; Moreno-Jime'nez, Antonio; Fernandez-Mayoralas, Gloria; Rojo-Perez, Fermina; Forjaz, Maria Joa ~o(2012). The Relative Contribution of Health Status and Quality of Life Domains in Subjective Health in Old Age. *Soc Indic Res*. (106): 27-39.

53. Rowles, Graham, et al(2006). Commentary: a house is not a home; but can it become?. *The Many Faces of Health, Competence and Well-Being in Old Age*. Netherlands: Springer. p 25-32.

54. Song, Yan; Knaap, Gerrit-Jan(2004). Measuring the effects of mixed land uses on housing values. *Regional Science and Urban Economics*. (34): 663- 680.

55. Szapocznik, Jos'e; Lombard, Joanna; Martinez, Frank; Mason, Craig A.; Gorman-Smith, Deborah; Plater-Zyberk, Elizabeth; Brown, Scott C.; Spokane, Arnold(2006). The Impact of the Built Environment on Children's School Conduct Grades: The Role of Diversity of Use in a Hispanic Neighborhood. *Am J Community Psychol*. (38): 299-310.

۳۳. یاری قلی، بهبود؛ ضرغامی، سعید؛ قائدی، یحیی؛

نقیب زاده، میرعبدالحسین(۱۳۹۱). تحلیل تطبیقی

فلسفه عدالت تربیتی: دیدگاه‌های لیبرال و جامعه‌گرا.

پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت. ۲(۱): ۹۱-۱۰۸.

34. Abdul Ghani, Salleh; Norodini, Yusof (2006). Rresidential satisfaction in low cost housing in Malaysia. *USM Short term research*.

35. Adriaanse, C.C.M.(2007). Measuring residential satisfaction: a residential environmental satisfaction scale (RESS). *J Housing Built Environ*. (22): 287-304.

36. Amerigo, M; Ignacio, J (۱۹۹۷). a Theoretical and Methodological Approach To The Study Of Residential Satisfaction. *environmental psychology*.17(1). 47-57

37. Barton, Hugh(2009). Land use planning and health and well-being. *Land Use Policy*. (265): 115-123.

38. Brown, Barbara B.; Yamada, Ikuho; Smith, Ken R.; Zick, Cathleen D.; Kowaleski-Jones, Lori; Fan, Jessie X.(2009). Mixed land use and walkability: Variations in land use measures and relationships with BMI, overweight, and obesity. *Health & Place*. (15): 1130-1141.

39. Cowan, Robert. (2005). *Dictionary of Urbanism*. Great Britain: Streetwise press.

40. Des Moines DirectionFinder Survey(2009). Importance-Satisfaction Analysis: Section 4. ETC Institute. Available in: www.arlingtonva.us

41. Dyck, Delfien Van; Cardon, Greet; Deforche, Benedicte; Bourdeaudhuij, Ilse De (2011). Do adults like living in high-walkable neighborhoods? Associations of walkability parameters with neighborhood satisfaction and possible mediators. *Health & Place*. (17): 971-977.

42. Grant, Jill L.; Perrott, Katherine(2009). Producing diversity in a new urbanism community: Policy and practice. *TPR*. 80(3): 267-289.

43. Grillo, Michael C.; Teixeira, Miguel A.; Wilson, David C.(2010). Residential Satisfaction and Civic Engagement:Understanding the Causes of Community Participation. *Soc Indic Res*. (97): 451-466.

44. He, Xueqin, (2009). Residential Satisfaction with home location: examination of the relationship between lacion-embedded benefits and resk perception. for the Degree Doctor of Philosophy. the Graduate Council of Texas State University □ San Marcos in Partial Fulfillment of the Requirements.

45. Importance-Satisfaction Analysis Rappahannock Region Community Survey (2007). Importance-Satisfaction Analysis



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

56. Talen, Emily(2008). Design for diversity: exploring socially mixed neighborhoods. Italy: Architectural Press.
57. TDOT (2006). Customer Satisfaction Survey :Importance-Satisfaction Analysis. Available in: www.tdot.state.tn.us/osp/pdfs/importantsatisfaction.pdf
58. Tu, Kung-Jen; Lin, Li-Ting(2008). Evaluative structure of perceived residential environment quality in high-density and mixed-use urban settings: An exploratory study on Taipei City. *Landscape and Urban Planning*. (87): 157-171.
59. Tunström, Moa(2007). The vital city: constructions and meanings in the contemporary Swedish planning discourse. *TPR*. 78(6): 681-698.
60. Van Poll, Ric (1997). The perceived quality of the urban residential environment: A Multi-Attribute Evaluation. Available in: dissertations.ub.rug.nl/FILES/faculties/science/1997/h.f.../thesis.pdf.
61. www.oxforddictionaries.com
62. www.Tehran.ir



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

بازخوانی ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر؛ مورد پژوهی: استخوان‌بندی اصلی شهر تاریخی اصفهان

محمد رضا پورجعفر* - استاد تمام گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
علی اکبر تقوایی - دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.
پرویز آزاد فلاح - دانشیار گروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
علی رضا صادقی - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

The Environmental Aesthetic Elements and Aspects of the Urban Form Case Study: the Main Structure of Esfahan

Abstract

There are two views on the concept of form. The first one looks at form versus content. Based on this old point of view, form or aspect is the shape and content is the performance of a phenomenon. On the other hand, according to the second perspective, form represents the aspect, structure, and the way content is developed, visualized, and expressed. From this standpoint, aesthetics is defined as emotional, obvious, and sensory presentation of a phenomenon which exposes itself to judgment. In other words, this core skeleton is responsible for transferring the city's message to its citizens and visitors. Other parts of the city, which comprise the non-core part of it, are taken to be environments for showing diversity, freedom, authority, and change. At this time, it appears that if we consider the urban form as all elements of natural and human-made environment that surrounds human being, which men can potentially connect with it, the core skeleton of the city can be a fundamental characteristic of the urban form. Since, the main skeleton of the city is comprised of such elements as the key axes of communication, major open spaces, public buildings, etc., with which people are always connected. On the other hand, environmental aesthetics is a paradigm that focuses on gaining aesthetic experience of the environment through focusing on the unlimited nature of natural environment and human made experience around the humans and the importance of perceiving such experience by humans. Such an experience could be as emotionally and cognitively rich and valuable as that which is gained from art and art works. Environmental aesthetics is one of the two or three important areas of aesthetics which have been taken into consideration since the second half of twentieth century. The most significant subjects, with which environmental aesthetics is involved, are those related to understanding of the universe aesthetics and world aesthetics whose constituents are not merely objects and phenomena. They are, rather, bigger elements found in the environment. Therefore, the domain of environmental aesthetics goes beyond the limited borders of the art world and human understanding and broadens to aesthetic understanding of natural and human-made artificial environments which are influenced by the presence of men. According to the foregoing, this paper uses descriptive-analytical research method, case study, text reviews, and visual documents and sources to review the visual-formal aspects (including visual characteristics of the physical environment such as the objective perspective and form of the city) and perceptive-meaning aspects (including the characteristics of behavioral environment such as urban subjective perspective and form) of the environmental aesthetic of the urban form. This important issue is achieved through reviewing and analyzing the main structure characteristics of Esfahan.

Keywords: Aesthetic Experience, Human-made Environment, Environmental Aesthetic Aspects, Esfahan Urban Form.

چکیده

به نظر می‌رسد اگر فرم شهر را کلیه عناصری از محیط طبیعی و انسان‌ساخت پیرامون آدمی بدانیم که انسان بطور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد، استخوان‌بندی اصلی شهر مشخصه بنیادینی از فرم شهر باشد. از سوی دیگر زیبایی‌شناختی محیطی پارادایمی است که با تاکید بر نامحدود بودن تجربه محیط طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی و اهمیت فهم انسان از آن، بر کسب تجربه زیبایی‌شناختی از محیط تاکید کرده است. تجربه‌ای که می‌تواند درست به اندازه تجربه‌ای که از هنر و آثار هنری بدست می‌آید، به لحاظ عاطفی و شناختی غنی و ارزشمند باشد. با توجه به آنچه گفته شد در این نوشتار با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری، به بازخوانی ابعاد بصری - فرمی (در برگزیده‌ی خصوصیات بصری محیط کالبدی مانند فرم و منظر عینی شهری) و ادراکی - معنایی (در برگزیده‌ی خصوصیات محیط رفتاری مانند سیما و منظر ذهنی شهری) زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر پرداخته شده است. این مهم از طریق بازخوانی و تحلیل ویژگی‌های استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: تجربه زیبایی‌شناسی، محیط انسان‌ساخت، ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی، فرم شهر اصفهان.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۱۳۵۷۱؛ رایانامه: pourja_m@modares.ac.ir

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری آقای علی‌رضا صادقی با عنوان «تبیین نسبت حس تعلق با زیبایی‌شناسی محیطی در فضاهای عمومی شهر ایرانی اسلامی» است که به راهنمایی آقایان دکتر محمد رضا پورجعفر و دکتر علی اکبر تقوایی و مشاوره آقای دکتر پرویز آزاد فلاح در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران در حال انجام است.

مقدمه و بیان مساله

مطرح شدن مبحث زیبایی‌شناسی محیطی، به اوائل قرن بیستم (زمانی که مردم آگاهی بیشتری از محیط طبیعی و مصنوع پیرامون خود بدست آورده‌اند) و اوج گیری آن به اواسط قرن گذشته میلادی بازمی‌گردد. گسترش این مبحث همزمان با کاسته شدن از نفوذ نظریه‌های بی‌طرفی و فرمالیسم بردانش زیبایی‌شناسی بوده‌است. در واقع با گسترش نظریه اکسپرسیونیستی هنر، نظریه‌های بی‌طرفی و فرمالیسم به حاشیه رانده شدند و ادراک زیبایی‌شناختی دستخوش تغییر شد. این تغییر آنقدر اهمیت داشت که بتوان آن را تغییر در الگوی مسلط زیبایی‌شناختی دانست چراکه باعث شد پارادایم قدیمی تأمل بی‌طرفانه در ویژگی‌های اثر هنری جدا و منفک شده از بافت پیرامونش، رفته رفته جای خود را به پارادایمی دهد که بر برقراری رابطه عاطفی با جنبه‌های گوناگون پدیده و برخورداری از شناختی غنی از ویژگی‌های پدیده مورد مطالعه تأکید می‌کرد. اما پارادایم جدید تقریباً فقط متناسب درک هنر بود و در آن بحث درک زیبایی‌شناختی هر عالمی بجز عالم هنرکنار گذاشته شد و درک زیبایی‌شناختی محیط را ناقص، بی‌اهمیت، شخصی و نارسا می‌دانست. هیپورن در سال ۱۹۶۶ به شیوه نگرش زیبایی‌شناسی تحلیلی به موضوع شناخت محیط انتقاد کرد و بر ظرفیت محیط به عنوان منبعی که می‌توان با بهره‌گیری از آن به نوعی تجربه زیبایی‌شناختی متفاوت دست یافت، تأکید کرد. در واقع پارادایم زیبایی‌شناختی محیطی پارادایمی است که با تأکید بر نامحدود بودن محیط طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی و اهمیت فهم انسان از آن، راه کسب تجربه زیبایی‌شناختی از محیط را هموارتر کرده است. این تجربه می‌تواند درست به اندازه تجربه‌ای که از هنر و آثار هنری بدست می‌آید، به لحاظ عاطفی و شناختی غنی و ارزشمند باشد.

از سوی دیگر طراحی شهری به شکل امروزی و به عنوان حرفه، علم و هنری در خدمت انسان، و وظیفه ارتقاکیفیت محیط زیست شهری آدمی را - چه طبیعی و چه انسان ساخت - برعهده دارد. دانش طراحی شهری به عنوان یک رشته دانشگاهی، به طور مشخص در دهه‌های

میانی قرن گذشته میلادی و به دنبال همه‌گیر شدن اثرات مخرب ناشی از نگرش تک‌ساحتی به انسان و شهر پا به عرصه وجود گذاشت. نتایج ناشی از تسلط تفکرات مدرنیستی بر انسان و شهر از یک سو و بروز جنگ جهانی دوم و ویرانی شهرها در غرب از سوی دیگر، در پیشرفت سریع این رشته تأثیر به‌سزایی داشته است. این حرفه امروزه در کشورهای در حال توسعه چون ایران که با مشکلات کالبدی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از صنعتی شدن در شهرهای خود رو به‌رو هستند، مورد توجه بسیار قرار گرفته است. به واقع هدف عمده این دانش برقراری تعادل در رابطه بین انسان و محیط پیرامون اوست. چرا که انسان همواره با محیط اطراف خود در رابطه و تعامل بوده و احساس، ادراک و شهود جنبه‌های مختلف آن را از راه حواس خود، به ویژه حس باصره، در دستور کار خود داشته است. محیط پیرامون انسان از عوامل و پدیده‌های طبیعی، عناصر انسان‌ساخت و محصول توسعه و رشد جوامع انسانی و کنش متقابل بین پدیده‌های طبیعی و انسان‌ساخت شکل گرفته است. در واقع انسان همواره رابطه‌ای نزدیک، مستقیم و بدون واسطه با محیط پیرامون خود داشته و در این رابطه متعامل و پویا، هم استفاده‌کننده از محیط، هم خلق‌کننده محیط و هم متاسفانه تخریب‌کننده محیط بوده است. امروزه نتایج حاصل از استفاده نامطلوب انسان از محیط طبیعی و انسان‌ساخت اطراف خود، علاوه بر مشکلات کالبدی و عملکردی، زمینه‌گسست پیوند معنایی - ادراکی میان انسان و شهر را بیش از پیش فراهم آورده است. از اینرو طراحی شهری به عنوان حرفه، دانش، علم و هنری که وظیفه ارتقاکیفیت محیط زیست طبیعی و مصنوع آدمی را برعهده دارد، تلاش دارد تا با استفاده از تکنیک‌های طراحی محور و تأکید بر ترجیحات انسانی، زمینه پیوند معنایی - ادراکی میان شهر و شهروندان را فراهم آورد. در مباحث طراحی شهری و در فرآیند بهبود کیفیت محیط، ارتقاکیفیت‌های زیباشناختی محیطی در عرصه‌های عمومی شهری از جایگاه والایی برخوردار است. با توجه به آنچه گفته شد بازشناخت ابعاد و عناصر زیبایی‌شناسی محیطی فرم ضروری به نظر می‌رسد. از اینرو این نوشتار با استفاده از



روش‌های تحقیق توصیفی تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری و از طریق بازخوانی و تحلیل ویژگی‌های استخوانبندی اصلی شهر اصفهان، به ارائه ابعاد و عناصر زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر پرداخته است.

چارچوب مفهومی موضوع پژوهش رویکردهای اصلی در زمینه فرم، فرم شهر و استخوانبندی اصلی در طراحی شهری در مورد مفهوم فرم، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول

جدول ۱. دیدگاه‌های مختلف در مورد فرم و مفاهیم مرتبط با آن؛ ماخذ: نگارندگان با استفاده از منابع گوناگون.

| بنیان فکری دیدگاه | | تعاریف فرم |
|-------------------|------------------------------------|---|
| دیدگاه اول | فرم در برابر محتوا است. (فرمالیسم) | فرم به طور کلی شکل یا ساختار یک چیز منفک از موادی که آن را ساخته‌اند و منفک از مضمون یا محتوای آن است. فرم به عنوان اصطلاحی در زیبایی‌شناسی، به عناصر مفهومی یک کار هنری و به ارتباطات میان عناصر مزبور اشاره می‌کند. فرمالیسم آن دکترین زیباشناختی است که در آن این عناصر فرمال و مرتبط با هم، جایگاه اصلی ارزش زیباشناختی را می‌سازند. ارزشی که مستقل از ویژگی‌های دیگر یک اثر هنری مانند معنا، مرجع یا سودمندی آن می‌باشد (Enc. Of Aesthetics, ۱۹۹۸, ۲۱۳). در واقع هرگونه نقدی که نفس یک اثر هنری، و نه سازنده و مخاطب آن را، به عنوان موضوع اصلی خود مورد توجه قرار دهد و نحوه ساخته شدن اثر را مطالعه کند، سر و کارش با ویژگی‌های فرمی آن خواهد بود (شپرد، ۱۳۷۷، ۷۳). از جمله ویژگی‌های فرمی در معماری می‌توان از تقارن، تناسب، وزن بصری، ریتم، غلبه خطوط عمودی یا افقی در کل ترکیب‌بندی و از ویژگی‌های فرمی در شهرسازی می‌توان از میزان محصوریت، وجود محور، میزان اوج و فرود و شکل خط آسمان، بود و نبود تجانس و تشابه در نماهای ساختمان‌های به وجود آورنده فضای شهری نام برد. |
| دیدگاه دوم | فرم چگونگی و بیان محتوا است. | تجزیه یک پدیده به فرم و محتوا فقط به صورت انتزاعی امکان‌پذیر است. هیچ فرمی را بدون محتوا نمی‌توان تصور کرد و نه محتوایی را می‌توان بدون فرم تخیل کرد. فرم جنبه قابل احساس یک پدیده است. فرم همیشه حالتی کالبدی ندارد. فرم، ظاهر، ساختار، چگونگی و نحوه رشد محتوا و تجسد و بیان آن است. تعریف زیباشناختی فرم عبارت است از تظاهر حسی و واضح یک پدیده که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد. (گروتز، ۱۳۸۳) عنصر زیباشناختی یک اثر نه فقط در فرم آن که در محتوای آن نیز وجود دارد. منظور از تظاهر حسی، ظاهر بالقوه یک پدیده است که در فرایند ادراک خود را بالفعل نموده، توسط انسان احساس می‌شود. این عینیت پس از ادراک و تجربه توسط انسان ارزش‌گذاری شده و فرد در مقابل آن عکس‌العمل عاطفی و عقلی نشان می‌دهد. (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۵۰-۵۸) فرم یا صورت، کلیتی است وحدت یافته از شاخص‌های کالبدی و غیر کالبدی. جنبه کالبدی فرم دارای شکل، رنگ، گشتالت، بافت، پیکره، جایگاه، جهت (وضع قرارگیری)، تعادل بصری (درجه سختی و نرمی)، ساختار و غیره می‌باشد. منحصر کردن فرم به شکل نه فقط مجاز نیست، بلکه تالی فاسد خود را به همراه دارد. مهمترین آن گریبانگیر طراحی است که معماری و طراحی شهری را، فقط تأثیرگذاری بر وجوه کالبدی و بدتر جنبه‌های بصری کالبدی می‌پندارند (زیرا شکل یک امر بصری است). فرم یا صورت خود را در سه بعد مطرح کرده و فقط در قالب زمان و مکان ادراک می‌شود. (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۱-۷۴) |



از سوی دیگر شهر به عنوان ساختاری مصنوعی، یک محیط محسوب می‌گردد و محیطی است که مستقل از شخص ادراک کننده عمل می‌کند. انسان در برخورد با محیط شهری با انبوهی از اطلاعات در زمینه‌های مختلف روبروست که می‌تواند اطلاعات را برداشت، اندازه‌گیری، توضیح و شمارش کند. این اطلاعات معرف مشخصات واقعی شهر و واقعیت‌های موجود در محیط می‌باشند. این اطلاعات در مجموع در ادبیات طراحی شهری به «فرم شهر» معروفند. البته لازم به ذکر است که منظور از «فرم شهر» به عنوان یک اصطلاح رانمی‌بایستی با منظوری که از اصطلاح «فرم» میان کلیه طراحان از نقاشی گرفته تا معماری و طراحی شهری می‌رود اشتباه گرفت. در اولی که واژه‌ای ترکیبی است و منظور کلیه اطلاعات محیطی است؛ در صورتی که در دومی منظور از «فرم»، ظاهر یا صورت در مقابل محتوا می‌باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

در واقع فرم شهر از کلیه عناصر و اجزای کالبدی و قابل رویت شهر شکل می‌پذیرد و متشکل از عناصر طبیعی و مصنوعی می‌باشد. فرم شهر ماهیتی ترکیبی و سه بعدی دارد. کوچکترین اجزا و عناصر مصنوعی این ترکیب، ساختمان‌ها، شبکه راه‌ها، فضای باز و تاسیسات شهری می‌باشند. عناصر عمده محیط طبیعی، مثل ناهمواری‌های زمین، جریان‌های آبی، و پوشش گیاهی، در چگونگی و فرم ترکیب عناصر کالبدی دخالت دارند. فرم مشخصه‌ای سه بعدی است، بدین معنا که نه تنها در سطح، بلکه در حجم نیز متبلور است. هر کدام از عناصر شهری که به منزله یک سلول شهری می‌باشند، به تنهایی «فرم» ویژه خود را دارند. ترکیب مجموعه‌ای از آنها نیز به پدید آمدن یک «فرم شهری» منجر می‌شود (حمیدی، ۱۳۷۲، ص ۴۲۳-۴۲۴). در همین زمینه مورفولوژی شهری، مطالعه فرم و شکل سکونتگاه‌هاست و باعث می‌شود که طراحان از الگوهای مکانی توسعه و فرایندهای تغییر و تحول آگاه شوند. کار ابتدایی و اصلی در این نوع مطالعات متمرکز بر تحلیل تکامل و تغییر در فضای شهری سنتی است. مورفولوژی شهری نشان می‌دهد که سکونتگاه‌ها را می‌توان توسط عناصر کلیدی ای چون کاربری‌های زمین، ساختارهای ساخت و ساز،

الگوی قطعات و الگوی خیابان مورد بررسی قرار داد و بر تفاوت دوام و طول عمر این عناصر تاکید می‌کند به طوری که الگوی خیابان پر دوامترین و کاربری کم دوامترین و متغیرترین آنها می‌باشد. در واقع هر چه مقیاس عنصر بزرگتر باشد، دوام آن بیشتر است و تغییر و تحولات در آن زمان بیشتری می‌برد. (Carmona, 2006, p63).

از اینرو «فرم شهر» شامل کلیه عناصر محیطی است که انسان بطور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد. بنابراین کلیه اطلاعات واقعی در محیط شهر، «فرم شهر» نامیده می‌شود. عناصر تشکیل دهنده «فرم شهر» می‌تواند مادی یا غیرمادی باشند. به همین خاطر کلیه جنبه‌های عملکردی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و کالبدی یک محیط یا یک شهر را شامل می‌گردد. در وادی طراحی شهری فرم شهر نه فقط ظاهر یا کالبد یک فضا، بلکه معنا، فعالیتها و کاربریهای منتج از آنان را نیز شامل می‌گردد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۶). انواع فرم شهر را از زوایای گوناگونی می‌توان بررسی کرد. کوین لینچ در کتاب شکل (فرم) خوب شهر، فرم شهر را از دید شکل کلی شهر؛ از دید مکان‌های مرکزی؛ از دید بافت و ساخت شهر؛ از دید نوع شبکه‌های ارتباطی؛ از نظر فضاهای باز عمومی؛ و از نظر سازمان زمانی (ونه فضایی) شهر بررسی کرده است. به واقع فرم شهر برآیند نیروهای اقتصادی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه است که خود را در کالبدی سه بعدی نمایش می‌دهد. جان جامعه انسانی در جسم فرم شهری نمودار می‌شود. نوع درآمدهای اقتصادی، جریان سرمایه، تحولات و پیشینه تاریخی یک شهر به همان اندازه در شکل و فرم بیرونی آن متجلی می‌شود که نوع حکومت، شیوه‌های اداره‌ی جامعه، سلیقه‌ی زیبایی شناختی مردم و فناوریهای ساخت جامعه. اهمیت فرم شهر، به خاطر نقشی است که فرم شهر می‌تواند در تحقق اهداف یک شهر بر عهده داشته باشد؛ چراکه بین بعضی از اهداف شهر و فرم شهر رابطه مستقیم وجود دارد. بعضی از اهداف مثل اهداف دفاعی و امنیتی، تاثیر مستقیم و بعضی دیگر مثل اهداف اقلیمی و جغرافیایی، تاثیر ضمنی بر فرم شهر می‌گذارند. (طیبی و غفاری، ۱۳۸۹) بدین ترتیب اگر بپذیریم که ایجاد تصور ذهنی از محیط شهری ایجاد حس جهت‌یابی، بالا

بردن راندمان و کارایی شهر، ایجاد حس ایمنی، امنیت و شادی و به طور خلاصه کلیه کارکردهای بصری- ادراکی، یکی از دو کاربرد اصلی مقوله ای است که اصطلاحاً فرم شهر نامیده می شود بدین ترتیب اهمیت فرم شهر، به عنوان ظرفی که امکان می دهد تا فعالیت های شهری در آن وقوع بی یونندند، بیش از پیش آشکار می گردد. (جورابچی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵-۱۶۶).

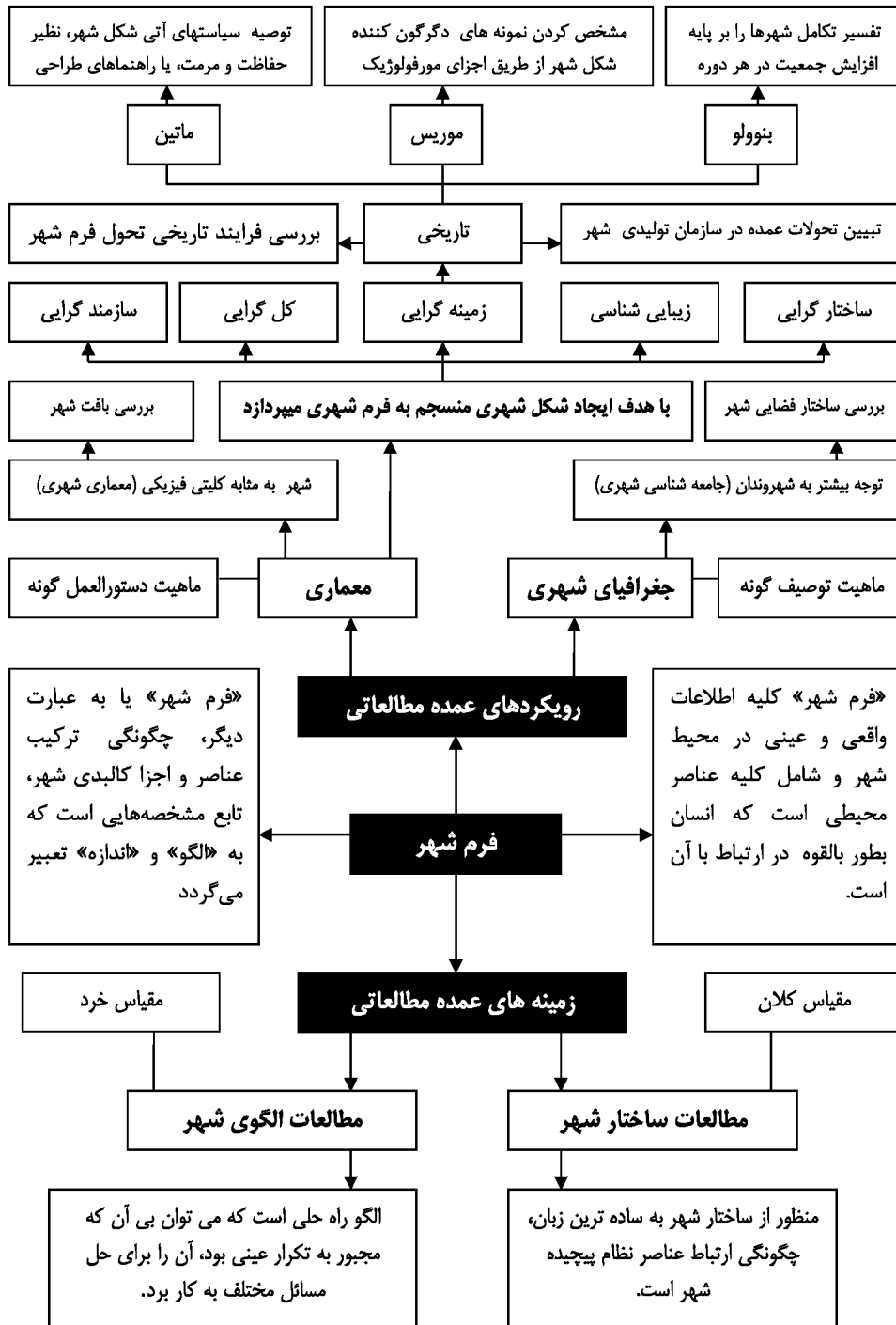
در زمینه رویکردهای مختلف در زمینه فرم شهر باید گفت که رویکردهای عمده، که از دو حوزه ی مطالعاتی گوناگون به فرم شهر می پردازند، جغرافیای شهری و معماری هستند. تفاوت میان ماهیت توصیف گونه ی اولی و ماهیت دستور العمل گونه ی دومی، زمانی که هر دو بر پدیده های شهری متمرکز می شوند، به حداقل می رسد. جغرافیا، که با توصیف پدیده ها بر سطح کره ی زمین، کارش را آغاز کرده بود، در زمینه ی جغرافیای شهری تا سطح مطالعات درون شهری، باریک بین شد. از سوی دیگر، معماری که در ابتدا، عمدتاً متوجه طراحی و ساخت ساختمان های منفرد بود، دامنه اش را گسترده کرد تا کل شهرها را پوشش دهد. صرف نظر از این نقاط مشترک، رویکردهای متفاوت شان به درک پدیده های شهری، که در زمینه های متفاوت مورد علاقه شان انعکاس یافته است، آن ها را از هم جدا نگه داشته، و شکافی میان آن دو برجا گذاشته است. در حالی که معماری شهری معمولاً شهر را کلتی فیزیکی می بیند، جغرافیای شهری، در کنار جامعه شناسی شهری، بیشتر توجه اش را معطوف مردمی کرده است که در این بافت زندگی می کنند. بدین طریق، جغرافیای شهری متوجه بررسی ساختار فضایی شهر است تا بررسی بافت شهر، که در حوزه کاری معماری شهری قرار دارد (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۴۹) در نمایه شماره ۱، رویکردهای مختلف در زمینه فرم شهر دسته بندی شده است.

پس از شناخت مفاهیم فرم و فرم شهر و در زمینه مطالعات ساختار شهر (به عنوان یکی از زمینه های مطالعاتی اصلی فرم شهر) به بررسی مفهوم و ویژگی های ساختار اصلی یا استخوان بندی اصلی شهرها و نقش آن در هویت بخشی به ساختار کالبدی شهر پرداخته شده است. استخوان بندی اصلی شهر به

محدوده ای خاص از شهر که در آن تمرکزهایی کالبدی و فعالیتی و فضایی وجود دارد، اطلاق می شود؛ مجموعه ای مرکب از یک ستون فقرات و شبکه ای به هم پیوسته از بناها و فعالیت ها و کاربری ها و عناصر مختلف و متنوع شهری که شهر را در کلیت آن انسجام می بخشد و شالوده سازمان فضایی- کالبدی شهر را به وجود می آورد و مبین خصوصیات کلی شهر است. عناصر به وجود آورنده استخوان بندی اصلی، در سه گروه: ۱- عناصر کالبدی: (دسترسی ها، بناهای شاخص و با ارزش عمومی، بافت ها و حوزه های همگن با ارزش تاریخی و غیره)؛ ۲- عناصر عملکردی و فعالیتی و ۳- عناصر فضایی- بصری نمادین و معنایی قابل تقسیم است (حمیدی، ۱۳۷۶، ص ۱-۳). سازمان فضایی استخوان بندی اصلی در سه حالت صورت می پذیرد: ۱- هندسی منتظم (دایره، مربع، چندضلعی منتظم و غیره)؛ ۲- ارگانیک و اندام وار؛ و ۳- مرکب که حاصل ترکیب دو حالت هندسی و ارگانیک است. در نحوه قرارگیری و سازمان فضایی عناصر استخوان بندی اصلی و رشد و گسترش این عناصر که در نهایت موجبات گسترش شهر را فراهم می آورند، عوامل طبیعی و مصنوع در شهر و پیرامون آن و همچنین ویژگی های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عملکردی شهر نقش موثری دارند. ذکر این نکته لازم است که استخوان بندی اصلی شهر در هنگام رشد و توسعه شهر، معمولاً به دلیل عوامل تاثیرگذار بالا، از مدل مرکب تبعیت می کند. تراکم کالبدی و عملکردی، همچنین تداوم بصری و فیزیکی استخوان بندی اصلی باید متناسب با نیازهای شهر و شهروندان و استفاده کنندگان از محیط و پاسخگوی این نیازها باشد. همچنین نسبت توده به فضای عمومی شهری و سازگاری و تناسب فرم شهری و فعالیت در محدوده ی استخوان بندی اصلی باید از الگوهای متنوع و در عین حال منحصر به فردی تبعیت کند تا ساخت اصلی شهر از تمایزی شاخص با دیگر بخش های شهر برخوردار گردد و موجبات تشکیل حوزه ای همگن و هماهنگ در محدوده ساخت اصلی را فراهم آورد. استخوان بندی اصلی شهر به عنوان یک کلیت و عناصر آن به عنوان اجزای این کلیت، مؤلفه های هویت دهنده ی شهر به شمار می آیند و به



سبب نقشی که در به وجودآوری تصویر ذهنی از شهر و ایجاد خاطره‌ی مطلوب از آن در ذهن ناظر برعهده‌دارند، از عوامل اصلی خوانایی و جهت یابی هستند. در واقع ساخت اصلی شهر مانند یک شبکه ارتباطی، وظیفه انتقال پیام و اطلاعات بصری، فضایی، عملکردی و معنایی را به شهروندان و بازدیدکنندگان برعهده دارد.



زیبایی همیشه با تحسین بشر همراه بوده است (McGann, 2004). گویا انگیزه زیبایی‌شناسی عمیقاً در طبیعت انسان جا گرفته و آن را به سادگی نمی‌توان از حیات پیچیده ذهنی وی که وجه تمایز انسان از حیوان است، جدا کرد (هاسپرز و اسکرتن، ۱۳۸۰، ص ۸۲). برای زیبایی‌شناسی تعاریف و مصادیق فراوانی بر شمرده‌اند که همگی در جای خود درست اما از جهاتی ناقص است؛ در فرهنگ «اصطلاحات فنی و نقادانه فلسفی» لالاند، زیبایی‌شناسی دو معنا در بر می‌گیرد: «۱- هر آنچه به زیبایی مرتبط شود و هر آنچه منش زیبایی را تعریف کند؛ ۲- علمی که موضوعش داوری و ارائه حکم، درباره تفاوت میان زیبا و زشت باشد» در «لغت نامه دهخدا» زیبایی‌شناسی، شناختن زیبایی و رشته‌ای از روانشناسی است که هدفش شناساندن جمال و هنر است. در فرهنگ «زبان فلسفی فولکیه»، زیباشناسی دانش اثباتی است که موضوعش زیبایی هنری باشد و مترادف با فلسفه هنر انگاشته شود (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۶). «زیبایی» نمودی از پدیده است که پس از ادراک توسط حواس و انتقال به مرکز اندیشه یا مشاهده ادراک‌کننده، آن خاصیت را دارد که واکنش‌هایی مبتنی بر تجربه‌های اندوخته شده را برانگیزد (نیوتن، ۱۳۶۶، ص ۲۷۵). در چپستی زیبایی، «گروتز» بر این نکته اشارت دارد که زیبایی معماری را می‌توان پیامی به سوی حواس یا پذیرنده‌های دریافت‌کننده زیبایی دانست که از پرت اطلاعاتی کافی برخوردار باشد یعنی میزان بداعت آن یا محتوای زیبا شناختی از حداکثر دریافت ذهنی کمی بیشتر باشد (گروتز، ۱۳۸۳). زیبایی‌شناسی یا استیتیک از واژه یونانی *Aistheta* به معنی ادراک حسی گرفته شده و بُن آن واژه *Aistheta* به معنای مورد ادراک حسی یا چیز محسوس است. ریشه این لغات واژه لاتین *Esthetique* بوده که امروزه در تمام زبان‌های اروپایی استفاده می‌شود و اولین بار توسط فیلسوف آلمانی الکساندر گوتلیب بومگارتن در کتابی به همین نام در سال‌های ۵۸-۱۷۵۰ به کار برده شد (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۰). در واقع واژه زیبایی‌شناسی (*Aesthetic*) به معنای شناخت حاصل از راه حواس، یعنی همان معرفت حسی را نخستین بار الکساندر باومگارتن در قرن

هجدهم به کار برد. او بعدها از این واژه در اشاره به ادراک زیبایی به کمک حواس، به ویژه در هنر بهره جست. کانت با کاربرد این واژه در احکام زیبایی‌شناسی در هر دو عرصه‌ی هنر و طبیعت به آن جانی تازه بخشید. دامنه این مفهوم در ادوار متأخر بار دیگر گسترده‌تر شده است. اکنون این واژه رانه تنها در توصیف داوری‌ها یا ارزیابی‌ها، که در مورد ویژگی‌ها، نگرش‌ها، تجربه و لذت یا ارزش نیز به کار می‌گیرند و دیگر آن را به زیبایی صرف محدود نمی‌سازند.

زیبایی‌شناسی محیطی، پیوندی چندحسی و فراگیر با محیطی است که انسان‌ها از اجزای اصلی آن هستند. در زیبایی‌شناسی محیطی، هنگامی که احساس زیبایی یا تعالی در حد بالایی قرار گیرد، تجربه زیبایی می‌تواند بسیار قوی و دارای تحریکات ذهنی ارزشمندی باشد. در اینگونه زیبایی‌شناسی، زیبایی یا تعالی می‌تواند احساس لذتی روزمره و معمولی در اطراف انسان باشد که بیشترین حد آن در محیطی است که با کیفیت‌های همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن همراه است. در نظریه زیبایی‌شناسی وایتهد بیان می‌شود که بزرگی یا تنوع تباین‌ها، همراه با خصوصیت شدت یا بزرگنمایی قیاسی، بدون نیاز به تنوع کیفی، قادرند محیطی قدرتمندی ایجاد کنند. در واقع در زیبایی‌شناسی محیطی، کیفیت‌های همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا به زیبایی و تعالی در محیط پیرامون انسان معنا بخشند. (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳-۱۲۶) با مرور تحقیقات انجام شده در حوزه زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری در نیم قرن اخیر مشخص می‌شود که مباحث زیبایی‌شناسی در این حوزه، از مقوله‌ای با تاکیدات بصری - هنری به مقوله‌ای با گرایش‌های ادراکی - معنایی تغییر جهت داده است. این موضوع در تغییر از سبک پیتورسک به گرایشات معناشناسانه در زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری به خوبی نمایان است. پیتورسک با تاکید بر معمارانه بر جنبه‌های بصری - هنری منظر از جمله توجه به کثرت و تنوع، مقیاسی انسانی، طبیعت‌گرایی و نظمی ارگانیک در فرم و ترکیب رنگ، توسط افرادی چون زیتته، گیبرد، و هالپرین رواج می‌یابد (6) (6)



(Sitte, 1945; Gibberd, 1945). برخلاف مدرن‌گرایی که «معماری شی‌گونه» را تبلیغ می‌کنند، کالن به «هنر ارتباطات» اهمیت می‌دهد، تجربه مکان را با حرکت درهم می‌آمیزد و دیدهای متوالی از محیط شهری را مطرح می‌کند (کالن، ۱۳۷۷). رویکرد کالن علیرغم بداعتش در زمینه ادراک زیبایی در حین حرکت، به دلیل تاکید بر جنبه‌های ادراکی - احساسی شخصی از تجربه منظر شهری مورد انتقاد قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، زیبایی‌شناسی شهری قابلیت رقابت با دیدگاه‌های جیکوبز و نیومن که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در علوم اجتماعی و علوم رفتاری توسعه می‌یافتند (Jacobs, 1961; Newman, 1972) یا نظریه‌های پدیدارشناسانه شامل کارهای رلف یا جکسون (Relph, 1976; Jakson, 1980)، و یا مبانی نظریه‌ای و فلسفی کارهای نوربرگ شولز (Norberg-Schulz, 1980) در دهه بعد را نداشت. این مفاهیم فکری جدید و توجه به ابعاد مختلف طراحی شهری، بحث‌های زیبایی‌شناسی و به طور خاص پیتورسک و رویکرد کالن را تضعیف کرد و مطالعات زیبایی‌شناسی فرمی منظر شهری را به حاشیه راند. به تدریج زیبایی‌شناسی منظر شهری از حوزه تاکیدات عینی و احساسی و تخصص‌گرایانه مربوط به کیفیات بصری یعنی فرم، رنگ و بافت به حوزه مطالعات ادراکی - ذهنی از محیط شهری انتقال یافت. به همین دلیل، نظریه‌های زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری بیش از آنکه در حوزه کالبدی طراحی شهری مطرح شود در حوزه مطالعات روانشناختی محیط بسط می‌یابد از آن جمله می‌توان به نظریه بقای اپلتون در ترجیحات زیبایی اشاره کرد که ارتباطی بین شرایط مناسب برای بقا و زیبایی جستجو می‌کند (Appelton, 1984). استفان کپلان در نظریه تکاملی وی بر اطاعات مردم و میزان آشنایی با منظر، جهت‌یابی، و کشف اطلاعات جدید در ترجیح زیبایی تاکید دارد (امین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳-۱۴).

در دیدگاه زیبایی‌شناسی محیطی، فضای شهری، فضایی است که زیبا باشد و معیارهای زیبایی‌شناسانه در ایجاد آن دخالت داشته باشند و این یعنی مترادف بودن طراحی شهر با خلق فضای زیبای شهری. طبیعی است که با پذیرش این نظریه، نباید جهان‌بینی و تفکری را که

بنیاد «قواعد زیبایی‌شناسی» خواهد بود، مغفول نهاد و در حقیقت این جهان‌بینی است که معیارهای زیبایی فضای شهر را سامان خواهد داد و فضاهای شهری در تمدن‌های مختلف را متمایز خواهد نمود. بنابراین تقلید از قواعد زیبایی‌شناسی دیگران زمینه‌ساز از خود بیگانگی و بحران هویت خواهد شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۱). در روند ایجاد محیط و فضای زیبا در شهر توجه به نکات زیر به عنوان اساس کار ضرورت دارد: باید توجه کرد که مفاهیمی چون زینت و تزئین و آرایش، جایگزین زیبایی نشوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۴، ب). در زیباسازی شهر یا ایجاد شهر (فضا و محیط) زیبا، نباید تنها بر زیبایی صوری متمرکز بود و سایر مراتب زیبایی را مغفول نهاد. در حقیقت مجموعه‌ی مراتب زیبایی یک شهر باید علاوه بر ادراک حسی انسان و ابزار این ادراک، سایر قوای مدرکه‌ی او را نیز متأثر نموده و در واقع، علاوه بر ادراک حسی، ادراکات روانی و معقوی و باطنی انسان نیز باید زیبایی شهر را به انسان القاء کنند. زیبایی باید بومی و ملی (برآمده از فرهنگ و جهان‌بینی جامعه) و به عبارت ساده «با هویت» باشد و به تعبیر دیگر هویتش با هویت جامعه هماهنگ باشد تا جامعه بهتر بتواند آن را درک و با آن رابطه برقرار کرده و در اثر تماس با آن احساس هویت و استقلال نماید. بزرگترین اشکال تکرار و تقلید الگوهای زیبایی مأخوذ از الگوهای بیگانه (یا زیبایی‌های خلق شده با معیارهای اجنبی)، ایجاد بحران هویت و از خود بیگانگی و احساس حقارت در جامعه است. معیارهای مراتب مختلف زیبایی باید در دسترس و مورد شناخت طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران و اهل شهر باشند تا امکان ارزیابی زیبایی و تعیین مرتبه آن و همچنین شناسایی ساحتی از حیات انسان که زیبایی، ما بازا و مرتبط با آن است وجود داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۸۰-۲۹۳). دو مکتب فکری برای درک زیبایی قابل تعریف هستند. یکی عوامل ادراکی در زمان ادراک را مد نظر دارد و دیگری عوامل غیرادراکی، مثل فرهنگ، دانش علمی و الگوها را موثر می‌داند. با توجه به منابع دریافت اطلاعات انسان، با ملحوظ داشتن آرمان و ایده‌آل‌های انسان که از جهان‌بینی و فرهنگش سرچشمه می‌گیرند و با عنایت به ادراکات انسان، می‌توان عواملی را

به عنوان عوامل ادراک زیبایی معرفی نمود. به عبارت دیگر، عواملی قابل طرح هستند که انسان‌هایی با تفکر، فرهنگ، محیط و آرمان‌های متفاوت، آن عوامل را به عنوان عامل درک زیبایی می‌شناسند و در هر صورت (با شدت و ضعف متفاوت) آنها را عامل زیبا بودن یک پدیده به شمار می‌آورند. برخی عوامل موثر بر ادراک زیبایی شهر عبارتند از: وحدت، تجرد، حیات، تناسب، رنگ، حس‌کمال، ارتباط با تاریخ، کمال مطلوب، ارضای نیازها، تخیل ناظر، تعصبات، ارزش‌ها، ممارست، کرامت انسان، ارزش‌گذاری، توجه به کلیت، اقلع ادراکات حسی، نماد و نشانه و رمز و معنا، تازگی و طراوت، سلیقه، شلوغی و ازدحام، آگاهی دادن، بری بودن از زشتی‌ها (همان، ص ۲۹۳-۳۰۲). با توجه به آنچه گفته شد امروزه توجه به زیبایی شناسی محیطی، تبیین مؤلفه‌های آن و استفاده از این مؤلفه‌ها در تحلیل فضاهای شهری از ضروریات طراحی شهری است. گلکار، مؤلفه‌های زیباشناختی محیطی در طراحی شهری را شامل موارد زیر می‌داند:

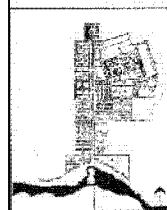
۱. مؤلفه‌های بصری- زیباشناختی محیط کالبدی- فضایی (محیط عینی) شامل استخوان‌بندی فضایی، سازمان کالبدی، جایگشت، توده- فضا، نقشه‌نولی، مواد و مصالح و غیره؛
۲. مؤلفه‌های بصری- زیباشناختی محیط ادراکی حسی (محیط ادراکی) شامل کیفیت منظر عینی، تحلیل ساختاری نمای شهری و غیره؛ و
۳. مؤلفه‌های بصری- زیباشناختی محیط ادراکی ذهنی (محیط شناختی) شامل کیفیت منظر ذهنی (فضایی و زمانی)، منظر ذهنی ارزیابانه، معانی انضمامی، سرزندگی و غیره (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵).

نگارندگان این نوشتار بر این عقیده هستند که ابعاد زیبایی شناسی محیطی در طراحی شهری به دو گروه اصلی ابعاد بصری- فرمی و ادراکی- معنایی تقسیم میشوند. ابعاد بصری- فرمی دربرگیرنده‌ی خصوصیات بصری محیط کالبدی مانند فرم و منظر عینی شهری و ابعاد ادراکی- معنایی دربرگیرنده‌ی خصوصیات ادراکی محیط اجتماعی و رفتاری مانند سیما و منظر ذهنی شهر هستند.

استفاده از ابعاد زیبایی شناسی محیطی در استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان چنانچه فرم شهرهای کهن در نقاط مختلف جهان بررسی شود، در بسیاری از آنها وجود یک استخوان‌بندی مشخص مشهود است که مؤید نقش و اهمیت استخوان‌بندی اصلی نه تنها در ادامه حیات شهر بلکه در رشد و یافتن نظم و سازمانی فضایی است. به نظر می‌رسد یکی از وجوه مشترک در شکل‌گیری، بقا و احیای استخوان‌بندی اصلی شهرها، استفاده از مؤلفه‌های زیبایی شناسی محیطی (بصری- فرمی و ادراکی- معنایی) در طراحی شهری و سازماندهی فرم اینگونه شهرها باشد. در جدول شماره ۳ استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان و نقش ویژگی‌های زیبایی شناسی محیطی در شکل‌گیری فرم آنها تحلیل شده است. تاریخ اصفهان از دو هزار و پانصد سال پیش شروع شد. این شهر در دوران حکومت آل بویه، سلجوقیان و صفویه پایتخت بوده است. ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۱۰۹) (قرن چهارم هجری) از دو بخش در اصفهان نام می‌برد، یکی موسوم به «یهودیه» و دیگری موسوم به «شهرستان» و میان آنها دو مایل فاصله است. یهودیه بزرگتر از شهرستان و در حدود دو برابر آن است. جی شهری حکومتی با طرح پیش آماده شده، تابع نظم هندسی با دیوار و دروازه‌ها و کاخ‌ها و بناها و باغ‌های معین بوده است. میدان بیرون دروازه‌ی یهودیه، حتی برعکس جانشین آن، میدان کهنه، می‌بایست دارای طرحی هندسی بوده باشد. در مقابل یهودیه شهری بدون هندسه‌ی منظم، بدون طرحی از پیش آماده شده بوده است و بناهای عمده آن، از جمله کنیسه‌ها، در روند شکل‌یابی از درون به بیرون از نظم هندسی تابعیت کرده و با (بی‌نظمی) بیرونی پیوند می‌خورند. این روند در سراسر توسعه‌ی شهر اصفهان تا قبل از صفویه مشاهده می‌گردد (میرفندرسکی، ۱۳۷۴، ص ۷-۱۲). اصفهان در دوران صفویه و حکومت شاه عباس اصفهان پس از قزوین پایتخت صفویه می‌گردد. در سفرنامه‌ها آمده است در دوران حکومت شاه عباس شهر اصفهان یکی از توسعه یافته‌ترین شهرهای ایران بوده و این شهر دارای خیابان‌های عریض، میدان‌های بزرگ، مساجد و کاخ‌های



اصفهان، ایران



پادشاهی متعدد بوده است که تعدادی از آن‌ها همچنان باقی است. توجه شاه عباس به توسعه و تکامل و زیبایی اصفهان برای رقابت با پاریس و لندن آن زمان نبوده است، بلکه هدف وی از رونق انداختن قسطنطنیه پایتخت دشمن درجه یک ایران بود. از اینرو تصمیم گرفت اصفهان را که پایتخت امپراتوری صفویه بود چنان بیاراید که مورد توجه سیاحان، تجار و سفرای خارجی قرار گیرد (شفتی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۹).

جمع بندی و نتیجه گیری

گفته شد که استخوان بندی اصلی هر شهر مشخصه‌ای

بنیادی از فرم شهر است که نقشی قابل توجه در ثبات، تداوم، هویت، اصالت و معنی هر شهر دارد. همچنین دیده شده که ویژگی‌های زیبایی شناسی محیطی همواره نقشی برجسته در شکل گیری استخوان بندی اصلی شهرها داشته‌اند. همچنین در این نوشتار ابعاد زیبایی شناسی محیطی فرم شهر به دو گروه ابعاد بصری- فرمی و ابعاد ادراکی- معنایی تقسیم شده‌اند. این ابعاد عبارتند از:

۱. ابعاد زیبایی شناختی- فرمی شامل: کیفیت منظر طبیعی زمین و عناصر آن، کیفیت منظر توده‌ها و بناها و عناصر آنها، کیفیت منظر فضاهای عمومی و عناصر آنها، تداوم، تنوع فرم‌ها، کیفیت دیدها و چشم اندازها و

جدول ۲. تبیین نقش ویژگی‌های زیبایی شناسی محیطی در استخوان بندی اصلی شهر اصفهان. ماخذ: نگارندگان.

| نام شهر | ویژگی‌های استخوان بندی شهر اصفهان در دوره صفویه | ابعاد زیبایی شناسی محیطی | چگونگی تاثیر مؤلفه‌های زیبایی شناسی محیطی |
|-----------------------|--|---|--|
| اصفهان، ایران | شهر اصفهان در دوره صفویه چهاربخش اصلی تقسیم می شده است: بخش اول: شهر قدیم اصفهان و توسعه آن بدست شاه عباس تا دروازه حسن آباد در جنوب شرقی، بخش دوم شهر جدید صفوی: محله تبریز نو یا عباس آباد در غرب شهر قدیم؛ بخش سوم محله جلفا (ارمنی نشین) در جنوب غربی و بخش چهارم گبر آباد در جنوب شرقی. احداث محور شمالی- جنوبی چهارباغ از دروازه دولت تا باغ هزارچریب در دامنه کوه صفه، عاملی است در جهت پیوند و اتصال بخشهای چهارگانه شهر. عملکردی که از دو محور اصلی شهر (چهارباغ و زاینده رود) و اتصال آن دو با یکدیگر پدید می آید، عملکردی تفریحی، عمومی، خصوصی و سلطنتی است. میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ نقش ساختاری در شکل گیری بافت شهری دارند. این دو فضا ایجاد کننده دو شبکه متمایزاند که باغها و حیاطها را سازمان می دهند. میدان سازماندهی بافت تودرتوی دولتخانه را به عهده دارد در حالیکه خیابان چهارباغ تعیین کننده جهت باغهای کنار آن و زوایای شبکه خیابانهای عمودی محله شمس آباد، عباس آباد و چرخاب است. | کیفیت منظر طبیعی زمین و عناصر آن | <ul style="list-style-type: none"> وجود فضاهای هندسی، منظم و وسیع وجود فضاهای متباین و تنوع فضایی دیدها و چشم اندازهای محوری همه‌انگهی با زمینه وجود تنوعی از محصوریت فضایی تاکید بر بناهای اصلی در فضاهای عمومی استفاده از عناصر طبیعی (درختان و رودخانه) برای نظم دهی به فضا تداوم و اتصال بافت‌های قدیمی تر و جدیدتر به یکدیگر بنده سازی های منظم با معماری خاص و تزئینات ویژه |
| | | کیفیت منظر توده‌ها و بناها و عناصر آنها | |
| | | ابعاد بصری- فرمی | |
| | | کیفیت منظر فضاهای عمومی و عناصر آنها | |
| | | تداوم | |
| | | کیفیت دیدها و چشم اندازها | |
| | | تنوع فرم‌ها | |
| | | همه‌انگهی با زمینه | |
| | | ابعاد معنایی- ادراکی | |
| | | هویت | |
| | | خوانایی | |
| | | معنی | |
| قابلیت ادراک | | | |
| تصویر ذهنی منسجم | | | |
| غناي فعالیت‌ها | | | |
| محیط فرهنگی و اجتماعی | | | |

هماهنگی بازمینه؛ در قالب جدول شماره ۴ ابعاد زیباشناسی محیطی
 ۲. ابعاد ادراکی- معنایی شامل: هویت، خوانایی، معنی، (بصری- فرمی و ادراکی- معنایی) و انگاره‌های وابسته به قابلیت ادراک، تصویر ذهنی منسجم، سازی، محیط آن‌ها تدقیق شده است.
 فرهنگی و اجتماعی، غنای فعالیت‌ها. در همین زمینه و

جدول ۴. ابعاد زیباشناسی محیطی در طراحی شهری. ماخذ: نگارندگان.

| مفهوم | ابعاد زیبایی شناختی محیطی | |
|--|-------------------------------|-----------------------|
| شکل زمین چگونه است؟ پستی و بلندی های آن چگونه است؟ | شکل و فرم زمین | کیفیت منظر طبیعی زمین |
| چه نوع درختانی در حوزه مورد نظر به کار گرفته شده‌اند؟ موقعیت مکانی، گونه‌ها، وضعیت، ابعاد. | گیاهان و درختان | |
| جنس و مصالح سطح زمین چگونه است؟ آیا دارای ویژگی های قابل احساس و تاثیر گذار هست؟ | بافت زمین | |
| نحوه ارتباط شیب زمین در سایت مورد نظر با بهره‌مندی از نور طبیعی و ویژگی های اقلیمی چگونه است؟ | جهت گیری | |
| معماری زمینه و بافت موجود چگونه است؟ آیا دارای قانونمندی‌های مشخص هست؟ آیا به این قانونمندی ها توجه شده است؟ | ۴ | هماهنگی با زمینه |
| شکل گیری زمینه و بافت موجود در طول زمان چگونه بوده است؟ آیا نوعی تداوم و پیوستگی در دوره های مختلف به چشم می‌خورد؟ | حفظ پیوستگی تاریخی | |
| الگوی خیابان بندی بافت و جهت های توسعه چگونه است؟ آیا ویژگی های زمینه هماهنگ هست؟ | الگوی توسعه | |
| آیا به حفظ جنبه ها و ویژگی های کالبدی تاریخی و هویت‌مند بافت در توسعه‌های بعدی توجه شده است؟ | حفظ هویت کالبدی زمینه | کیفیت منظر توده‌ها |
| چه رنگ ها و بافت های شاخصی در ساختمان ها، سازه ها و سطوح حوزه مورد نظر دیده می شود؟ | رنگ و بافت | |
| چند گونه نمای شاخص در ساختمان های حوزه مورد نظر دیده می شود؟ آیا این گونه ها متنوع هستند؟ | تنوع نماها و جداره‌ها | |
| آیا عناصر ساختمانی خاص (پنجره ها، درها، کنج ها، نرده ها و حفاظ ها، بالکن ها و دودکش ها) در حوزه مورد نظر وجود دارند؟ | عناصر ساختمانی ویژه | |
| ترکیب توده‌ها در حوزه مورد نظر از چه نظم و قواعدی برخوردار است؟ آیا الگوها و ریتم های واضح و قابل تشخیص وجود دارند؟ | ریتم و الگو | |
| آیا از قابلیت جزئیات و مصالح ساختمانی در جهت افزودن به جذابیت توده‌ها استفاده شده است؟ | جزئیات جذاب | |
| چه نوع مصالح ساختمانی در توده‌هایی که فضاهای عمومی را شکل می‌دهند، به کار رفته‌اند؟ | مصالح ساختمانی | |
| عمر ساختمان ها و سازه های حوزه مورد نظر چقدر است؟ آیا فرسودگی کالبدی در توده ها وجود دارد؟ | فرسودگی کالبدی توده‌ها | |
| آیا دانه‌بندی توده‌ها از تعادل بهره‌مند است؟ آیا هماهنگی ارتفاعی در تراکم ساختمانی به چشم می‌خورد؟ | دانه‌بندی و تراکم بافت کالبدی | |



| | | |
|---------------------------|----------------------------------|---|
| تداوم | تداوم قانونمندی در بدنه‌ها | آیا خطوط ساختمان‌ها ممتد بوده و یا انفصال و عقب نشینی‌های غیر معمول در آن‌ها وقفه ایجاد کرده است؟ |
| | جداره‌های فعال | فعالیت در جداره‌های طبقه همکف، متداوم است یا منفصل؟ آیا تداوم جداره‌های فعال در طول بدنه‌ها حفظ شده است؟ |
| کیفیت منظر فضاهای عمومی | نفوذ پذیری بصری | آیا فضاهای عمومی در معرض دید قرار دارند؟ |
| | تناسبات بصری | جذاب‌ترین ویژگی‌های بصری حوزه مورد نظر چیست؟ |
| | کیفیت ساخت و مصالح | کیفیت ساخت و مصالح به کار رفته در کف سازی، دیوارها، پله‌ها و شیب فضاهای عمومی چگونه است؟ |
| | فضای سبز | چه درختان، باغچه‌ها یا نواحی چمن کاری شده یا فضاهای سبزی در فضاهای عمومی وجود دارند؟ |
| | میلان شهری | چه نوع علائم، نیمکت‌ها، سطل‌های زباله، راه بندها و نرده‌هایی در فضاهای عمومی حوزه مورد نظر وجود دارند؟ |
| | وجود سازه‌هایی با قابلیت جابجایی | چه ایستگاه‌های اتوبوس، کیوسک‌ها، دکه‌ها، مراکز اطلاع‌رسانی، پل‌های عابر پیاده، چراغ‌های راهنمایی و سازه‌ها در محل وجود دارند؟ |
| | خط آسمان | آیا ساختمان‌هایی که خط آسمان فضای عمومی را به وجود می‌آورد واجد کیفیت هارمونی، هماهنگی و یا تاکید هستند؟ |
| | خط بام | منظر بام محل از درون و بیرون حوزه مورد نظر چگونه است؟ |
| | منظر شبانه | آیا نوع نورپردازی و ویژگی‌های عناصر منظر شبانه به ارتقا کیفیت فضاهای عمومی کمک می‌کنند؟ |
| | تنوع فرم‌ها | گوناگونی ساختارها و قانونمندی‌ها |
| گوناگونی جزئیات | | آیا تنوع جزئیات در شکل‌ها و فرم بناها در حوزه مورد نظر به تنوع فرم‌ها منجر شده است؟ |
| کیفیت دیدها و چشم‌اندازها | دیدهای بسته | آیا دیدهای با کیفیت و متباین از درون حوزه مورد نظر به سمت عناصر واقع در حوزه وجود دارد؟ |
| | دیدهای یکپارچه و پانوراما | آیا محل‌هایی در حوزه‌ی مورد نظر وجود دارند که فرصت بهره‌مندی از دید پانوراما به محدوده‌های مشخص از سایت را به استفاده‌کننده از فضا بدهند؟ |
| | دیدهای راهبردی | آیا از درون حوزه مورد نظر به مناظر دوردستی که واجد کیفیت باشند فرصت دید مطلوب وجود دارد؟ آیا از نقاط دوردست خارج از محدوده مورد نظر، دید به مناظری با کیفیت در حوزه مورد نظر وجود دارد؟ |
| | دیدهای محوری | آیا در حوزه مورد نظر «کریدور دید» که دربرگیرنده فرصت دید محوری به نشانه‌های مهم شهری و کیفیت‌های بصری باشد وجود دارد؟ |
| هویت | حدود واضح و روشن | آیا حدود حوزه مورد نظر با عناصر ویژه و قابل تشخیص کاملاً مشخص شده است؟ |
| | لبه‌ها و موانع | آیا مرزها و موانعی ویژه به خصوص در لبه (یا داخل) حوزه مورد نظر وجود دارند که به حوزه مورد نظر شخصیت ویژه‌ای ببخشند؟ |
| | آستانه‌ها | آیا آستانه‌هایی را در لبه و یا درون ناحیه (به طور بالفعل و بالقوه) می‌توان شناسایی نمود که در آن‌ها ساکنان‌ها، کارکرد و کاراکتر حوزه مورد نظر تغییر کند؟ |
| | بناهای شاخص و تاریخی | آیا در حوزه مورد نظر ساختمان‌هایی وجود دارند که به دلیل ارزش معماری یا تاریخی شان به شناخته شده باشند؟ |
| | اجتماعات محلی | آیا اجتماعات محلی همگن در حوزه مورد نظر شکل گرفته است؟ |

| | |
|-----------------------------|---|
| نشانه ها | آیا ساختمان ها و سازه هایی انسان ساخت یا عناصر سبز و طبیعی (واقع در حوزه مورد نظر و یا قابل رؤیت از محل) وجود دارند که در مقابل منظر پس زمینه خود به طور شاخص و برجسته ادراک می شوند؟ |
| دروازه ها | آیا محله هایی در لبه حوزه مورد نظر یا درون آن وجود دارند که بتوان آن ها را به عنوان دروازه ورود به محل (یا با توانایی و موقعیت بالقوه دروازه) در نظر آورد؟ |
| حوزه ها | آیا حوزه های مشخص (از نظر کالبدی، عملکردی یا بافت اجتماعی) در محدوده ی مورد نظر وجود دارند که به خوانایی محدوده کمک کنند؟ |
| گره های کالبدی | آیا نقاطی متمرکز و شاخص با معماری ویژه و همگن در حوزه مورد نظر وجود دارد؟ |
| پیچیدگی و تضاد | آیا در ارتباط بین عناصر در حوزه طراحی، پیچیدگی و تضاد که به درک ارتباط بین عناصر کمک کند وجود دارد؟ |
| نظم و هماهنگی | آیا در ارتباط بین عناصر در حوزه مورد نظر سازمان و قانونمندی های واضح و قابل ادراک وجود دارند؟ |
| منظر ذهنی و ادراک | آیا افراد (ساکنین و افراد غریبه) تصویر ذهنی واضح از محل دارند؟ اگر دارند این تصویر چگونه است؟ |
| رویدادها و همایش ها | آیا در حوزه مورد نظر رویدادها و فستیوال های فرهنگی و هنری دوره ای برگزار می گردند؟ |
| جنبه های میراث فرهنگی | آیا حوزه مورد نظر دارای میراث های فرهنگی مربوط به شیوه زندگی مردم در گذشته و حال می باشد؟ |
| گره های فعالیتی | آیا در حوزه مورد نظر نقاط تمرکز فعالیت ها و تلاقی مسیرها وجود دارد؟ |
| پهنه بندی و سازگاری فعالیتی | آیا کاربری ها در حوزه مورد نظر در عین گوناگونی دارای هماهنگی و سازگاری هستند؟ |
| اختلاط کاربری ها | آیا ترکیب کاربری ها و اختلاط فعالیت ها برای حوزه مورد نظر مناسب است؟ |

- امید است نتایج حاصل از این پژوهش بتواند در تحلیل بصری - زیبایی شناختی فرم کلان شهرهای معاصر ایران بر اساس ابعاد زیبایی شناختی محیطی استفاده شود.
- منابع و مآخذ**
۱. ابن حوقل، (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل، مترجم: جعفر شعار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
 ۲. احمدی، بابک (۱۳۷۸). حقیقت و زیبایی: درس فلسفه هنر، نشر مرکز، تهران.
 ۳. امین زاده، بهناز (۱۳۸۹)، ارزیابی زیبایی و هویت مکان، نشریه علمی و پژوهشی هویت شهر، شماره ۷.
 ۴. انصاری مجتبی، پورجعفر محمدرضا، صادقی علیرضا و مهدی حقیقت بین (۱۳۸۸). بازشناسی
 - انگاره های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری نمونه موردی: محله عباسی تهران، نشریه علمی پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، سال دوم، شماره ۲، بحرینی، سید حسین، (۱۳۸۲) فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۶. بحرینی، سید حسین و بهناز امین زاده (۱۳۸۵). طراحی شهری در ایران: نگرشی نو، فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
 ۷. بذرگر، محمدرضا (۱۳۷۷). بررسی و شناخت ساخت اصلی شهر نمونه موردی در ایران شیراز، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری و شهرسازی.
 ۸. بنتلی و دیگران (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، ترجمه:

- مصطفی بهزاد فر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۹. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر، الگو، ادراک و فرآیند، ترجمه: بهناز امین زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. بیکن، ادموند (۱۳۷۶)، طراحی شهرها، ترجمه: فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۱. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵ الف) سیمای شهر آنچه کویین لینچ از آن می فهمید، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید).
۱۲. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵ ب) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، جلد اول، چاپ اول، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۳. پاکزاد؛ جهانشاه، (۱۳۸۱) کیفیت محیط شهری، مطالبه معوقه شهروندان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره
۱۴. پاکزاد؛ جهانشاه (۱۳۸۶) مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، جلد دوم، تهران: انتشارات شهیدی
۱۵. پورتیوس، داگلاس (۱۳۸۹) زیبایی شناسی محیط زیست؛ ترجمه محمد رضا مثنوی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی
۱۶. پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۱)، معیارهای طراحی شهری در طراحی مساجد، فصلنامه مدرس هنر، شماره ۱.
۱۷. پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۲)، توجه به معیارهای طراحی شهری در انتخاب سایت مخابراتی تهران، فصلنامه آبادی، شماره ۳۸.
۱۸. پورجعفر، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۵)، مبانی طراحی محورهای شاخص شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید).
۱۹. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، تهران: انتشارات پیام
۲۰. توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۱)، طراحی فضای شهری، جلد ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۲۱. توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۲) طراحی فضای شهری، جلد ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۲۲. تولایی، نوین (۱۳۸۶) شکل شهر منسجم، انتشارات امیرکبیر، تهران
۲۳. جنکس، چارلز (۱۳۸۳) پست مدرن چیست، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، نشرنی، تهران
۲۴. جورابچی، کیوان (۱۳۸۲) زبان مسکن شهری، پایان نامه ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۲) نقش فرم، الگو و اندازه شهر در کاهش آسیب پذیری از زلزله، هشتمین سمینار بین المللی پیش بینی برابر زلزله تهران: دانشگاه تهران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
۲۶. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۵)، کنکاشی در الگوی ساختاری و استخوانبندی شهرهای کهن ایران، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
۲۷. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۶)، استخوانبندی شهر تهران، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرداری تهران
۲۸. شپرد (۱۳۷۷). مبانی فلسفه هنر، ترجمه علی رامین. تهران: هرمس
۲۹. شفتی، سیروس، (۱۳۸۱)، جغرافیای اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان
۳۰. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) مقدمه‌ای بر برنامه ریزی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۳۱. ضمیران، محمد (۱۳۷۷) جستارهای پدیدارشناسانه پیرامون هنر و زیبایی، تهران: نشرکانون
۳۲. ضمیران، محمد (۱۳۸۰) اندیشه فلسفی در پایان هزاره دوم، هرمس، تهران
۳۳. کوآن، رابرت (۱۳۸۵). اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار و سولماز حسینیون، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلیمی.
۳۴. طیبی، غفاری (۱۳۸۹) راهبردهای مطالعه فرم شهری در ایران، همایش ملی معماری و شهرسازی، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی
۳۵. کریر، راب (۱۳۷۵) فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، تهران، جهاد دانشگاهی.

۳۶. گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس (۱۳۸۹) دانشنامه زیبایی شناسی، ترجمه صانعی دره بیدی و دیگران، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ چهارم ۳۷. گروتز، یورک (۱۳۸۳). زیبایی شناسی در معماری، ترجمه: جهان‌شاه پاکزاد، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۳۸. گلکار، کوروش (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعاریف طراحی شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۳۹. گلکار، کوروش (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دوره جدید)

۴۰. گلکار، کوروش (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه علمی پژوهشی صفا شماره ۳۲

۴۱. گلکار، کوروش (۱۳۸۲). از تولد تا بلوغ طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۶

۴۲. گیدیون، زیگفرید (۱۳۸۱). فضا، زمان، معماری، ترجمه: منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۴۳. لنگ، جان (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری، ترجمه علی‌رضا عینی فر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۴۴. لنگ، جان (۱۳۸۶). طراحی شهری، گونه شناسی رویه‌ها و طرح‌ها، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۴۵. لینچ، کوین (۱۳۸۱). سیمای شهر ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۴۶. لینچ، کوین (۱۳۸۱). بازنگری در سیمای شهر ترجمه کوروش گلکار، نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۴

۴۷. لینچ، کوین؛ (۱۳۸۴). تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۴۸. مدنی پور، علی (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران

۴۹. موریس، جیمز (۱۳۷۴). تاریخ شکل شهر. ترجمه راضیه رضازاده. انتشارات دانشگاه علم و صنعت چاپ دوم

۵۰. مولوی، مهرناز (۱۳۸۴). تحلیل فرمال فضاها

شهری و پایه‌های فلسفی آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۱

۵۱. میرفندرسکی، محمدامین (۱۳۷۴)، باغ به مثابه‌ی پیش آیند شهر، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ بم - کرمان

۵۲. نقی زاده، محمد (۱۳۷۵) تقابل سبک‌های معماری وارداتی با ارزشها و اصول حاکم بر معماری اسلامی، مجموعه مقالات سومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.

۵۳. نقی زاده، محمد (۱۳۷۹) رابطه هویت سنت معماری ایرانی با مدرنیسم و نوگرایی، مجله هنرهای زیبا شماره ۷، تابستان.

۵۴. نقی زاده، محمد (۱۳۸۴ الف) جایگاه طبیعت و محیطزیست در فرهنگ و شهرهای ایران، تهران، واحد علوم و تحقیقات.

۵۵. نقی زاده، محمد (۱۳۸۱ الف) تأثیر معماری و شهر بر ارزشهای فرهنگ، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱، تابستان.

۵۶. نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو اسلامی، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

۵۷. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵ الف) معماری و شهرسازی اسلامی، اصفهان، راهیان.

۵۸. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵ ب) مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی تجلیات عینی و تألیفی، اصفهان: راهیان.

۵۹. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷ الف) شهر و معماری اسلامی تجلیات و عینیات اصفهان: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.

۶۰. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷ ب) مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی. اصفهان، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.

۶۱. نیوتن، اریک (۱۳۶۶) معنی زیبایی، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۶۲. هاس پرز، جان واسکراتن راجر (۱۳۸۰). فلسفه هنرو زیبایی شناسی، ترجمه یعقوب آژند، دانشگاه تهران، تهران.



بررسی سطح کیفیت زندگی در نواحی شهری؛ مطالعه موردی: شهر نیشابور

علیرضا خواجه شاهکوهی* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گلستان، گلستان، ایران.
علی اکبر نجفی‌کانی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گلستان، گلستان، ایران.
سمیه شریفان - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گلستان، گلستان، ایران.

چکیده

شناخت سطح کیفیت زندگی شهروندان در مقیاس محلات و نواحی شهری و چگونگی نابرابری بین آنها از مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان شهری است. بر این مبنای پژوهش حاضر درصدد بررسی چگونگی کیفیت زندگی در سطح نواحی مختلف شهر نیشابور می‌باشد که به منظور نیل به این هدف، از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات میدانی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش سرپرستان خانوارهای نواحی چهارگانه شهر نیشابور هستند که از میان آنها و براساس فرمول کوکران نمونه‌ای به حجم ۳۲۱ نفر سرپرست خانوار و به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب و با توجه به تعداد جمعیت در هر یک از نواحی، پرسشنامه‌ها توزیع شده است. نتایج پژوهش حاکی از تفاوت بودن ابعاد اقتصادی - اجتماعی و کالبدی زیست‌محیطی کیفیت زندگی در سطح نواحی مختلف، با ضریب معناداری ۹۹٪ است. این تفاوت و نابرابری‌ها در متغیرهای تسهیلات و خدمات شهری، مسائل اجتماعی و... وجود دارد. همچنین نتایج آزمون آماری اسپیرمن بیانگر آن است که بین احساس تعلق به مکان در بین شهروندان ناحیه مورد مطالعه با سطح کیفیت زندگی آنان رابطه معنادار در سطح ۹۹٪ وجود دارد؛ بدین صورت که هر چه احساس تعلق به مکان در بین مردم بیشتر باشد، رضایت آنها از کیفیت زندگی بیشتر خواهد بود. در رابطه با کیفیت زندگی و رضایت از خدمات‌رسانی دستگاه‌های متولی شهری نیز ضریب معناداری ۹۹٪ بدست آمده است که رابطه‌ی مثبتی را نشان می‌دهد. بنابراین، افزایش امکانات و خدمات در یک ناحیه، افزایش کیفیت زندگی را به همراه خواهد داشت. بطور کلی نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، شهروندان ناحیه چهار در بین دیگر نواحی شهر نیشابور از کیفیت زندگی بهتری برخوردارند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، رفاه، دسترسی، رضایت‌مندی، نیشابور.

Evaluation of quality of life in urban areas; case study: city of Neyshabur

Abstract

This study is designed to him applicable and developmental and has conducted in survey manner. The population was the head of the households living in four different districts of neyshabour city including 57726 peoples. Sample size was 321 which is determined Dy kockran formula sampling method was systematic random. Questionnaire was the instrument to gather data which were distributed according to the size of population in each district descriptive and inferential techniques have been used for data analyzing. Results obtained from kruskall- wallis and ANOVA tests show significancy of %99 between economic component of different districts of neyshabour city. Comparison of means of variables showed that district 4 citizen (mean= 2/63) enjoy a higher level of financial situation to satisfy their needs and district 3 citizens (mean= 2/18) have a lower level of financial situation than other districts. There were many factors to assess level of access to municipal infrastructures. Results provided by comparing means indicated that citizen's satisfaction of access ability of many services is higher among thos living in district 1 than other places. Environmentally, the study assessed visual, audio, air and water pollution across different districts. Results of kruskal-Wallis test show significant differences at %99 for audio and visual pollution and %95 for air pollution. With regard to water pollution, there is no significant difference between districts. Also, comparisons of means showed district 3 have the most environment pollution. The study investigated some of the social factors suchas cooperation and the level of intimacy and the level of intimacy and solidarity between citizen, their security in urban areas etc. result suggest that there is a significant difference at %99 between intimacy of citizen and their satisfaction of healthcare centers. Means comparing showed that comfort and security in district4 (m=3/63) is higher than 3 other districts. Each of the socio-economic and environmental-demographic dimensions was investigated among all four districts. The test results show significancy coefficient of %99 for each dimension so, it can be said with %99 confidence that the afore-mentioned dimensions of quality of life are different across districts investigated, so, our hypothesis has been approved. The study results indicate different levels of socio-economic and environmental-demographic dimensions of quality of life across different districts (significancy coefficient of %99). Also, this difference is observed in variables such as facilities and municipal services, social affairs and etc. moreover, results of spearman statistical test suggest that there is a significant relationship between sense of belonging to a place among citizens of districts under study and their quality of life, such that the more sense of belonging to a place among citizens, the more satisfied they would be of their quality of life. As to relation between quality of life and satisfaction with municipal services, significancy coefficient of %99 has obtained which indicate a positive correlation. So, a higher level of utilities and services in on district will increase quality of life across that district. Overall, results show that district 4 citizens enjoy of a higher level of quality of life.

Keywords: quality of life, urban areas, Neyshabur

مقدمه و بیان مسأله

مطالعات اولیه کیفیت زندگی بیشتر مربوط به سلامتی و توانبخشی معلولین، ناتوانی‌های جسمی و ذهنی، کهنسالان، کودکان و زنان بوده است. در واقع ابتدا این مفهوم جهت قشرهایی از مردم تعریف و بکارگرفته می‌شد که به علت شرایط اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و یا جسمی دچار مشکلات فراوان در زندگی خویش بوده‌اند (امینی، ۱۳۸۵، ص ۶). اما امروزه توافق عمومی در میان محققان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در خصوص نیاز به مطالعه کیفیت زندگی وجود دارد و در حال حاضر این مفهوم به تمامی اقشار انسانی و در شکل‌های متفاوت و مختلف تسری یافته است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۸). کیفیت زندگی به عنوان یک اصطلاح، مفهومی برای نشان دادن میزان رضایت افراد و گروه‌ها از زندگی است که جنبه‌های عینی و ذهنی زندگی را در بر می‌گیرد. مفهوم کیفیت از یک طرف در ارتباط با عدالت اجتماعی و از طرفی با رفاه اجتماعی در ارتباط است بنابراین برقراری عدالت اجتماعی در شهرها منجر به افزایش کیفیت زندگی شهروندان و دسترسی آسان و یکسان شهروندان به امکانات و خدمات در شهر می‌شود (محمدی و مهدی‌زنگنه، ۱۳۸۹، ص ۹۹).

طبق آمارهای موجود، نزدیک به نیمی از مردم جهان، ساکن شهرها می‌باشند و انتظار افزایش آن در دهه‌های آینده نیز وجود دارد (باسخا و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹۶). این رشد شهرنشینی و همین‌طور گسترش روز افزون صنعتی شدن که خود را با تولید انبوه کالاها و خدمات متنوع در بُعد کمی نشان می‌دهد، مشکلات زیادی را برای بشر به همراه آورده است (خوراسگانی، ۱۳۸۶، ص ۶۸). از جمله آن‌ها، کاهش سرانه برخورداری شهروندان از امکانات و خدمات شهری است. این مسائل باعث شده تا سطح کیفیت زندگی شهروندان در شهرها ثابت نگه داشته و یا در مواردی کاهش پیدا کند. این رشد شهرنشینی و نگرانی از پیامدهای ناهنجار آن در عرصه‌های مختلف، برنامه‌ریزان شهری را به سوی نظریه‌ها و گرایش‌های جدید اجتماعی سوق داد و ضرورت توجه به جنبه‌های اجتماعی در مطالعات



طرح‌های شهری را بیش از پیش تقویت کرد. علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسأله‌دار، علل نارضایتی مردم، تأثیر فاکتورهای اجتماعی- جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارآیی سیاست‌ها و استراتژی‌ها بینجامد و بی‌توجهی به چنین مطالعاتی می‌تواند تا حد بسیار زیادی سیستم شهری را مختل نموده و موجی از نارضایتی و بی‌عدالتی را در زمینه برخورداری از امکانات در بین مردم سبب گردد. همچنین اغلب اندیشمندان برنامه‌ریزی به ویژه برنامه‌ریزان شهری اعتقاد دارند که برنامه‌ریزی‌ها باید همسو با بهبود کیفیت زندگی باشد؛ به طوریکه بهبود کیفیت زندگی می‌تواند زمینه‌های دیگر توسعه مانند توسعه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و خدماتی را به همراه داشته باشد. در واقع جوهره اصلی کیفیت زندگی شهری تأمین همزمان نیازهای مادی و معنوی انسان است که برای شناخت و ارزیابی آن معمولاً به دو دسته شاخص‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی و کالبدی توجه می‌شود (علی اکبری و مهدی امینی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴). بنابراین صرف برنامه‌ریزی موضوعی یا موضعی بدون توجه به ارزش‌ها، آما، نگرش‌ها و آرزوهای مردم و ذهنیت خاص آنان به این مفهوم راهگشا نخواهد بود. بدیهی است که برنامه‌ریزی به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهری، نیازمند دستیابی به معیارها و شرایطی است که آسایش و رضایت‌مندی شهروندان را از طریق برآوردن نیازهای مادی و روانی آنان پاسخ‌گویند (کوکبی، ۱۳۸۴، ص ۴). شهر نیشابور یکی از شهرهایی است که از این افزایش جمعیت و مسائل و مشکلات شهری مستثنی نیست. بنابراین، در این پژوهش تلاش شده تا به بررسی سطح کیفیت زندگی شهروندان در نواحی مختلف شهر و بیان تفاوت نواحی با یکدیگر پرداخته شود. با توجه به مباحث مطرح شده، هدف اساسی از انجام این پژوهش؛ بررسی و تعیین سطوح کیفیت زندگی شهروندان در نواحی مختلف شهر نیشابور بر اساس ابعاد اقتصادی- اجتماعی و کالبدی- زیست محیطی می‌باشد که با توجه به هدف اساسی تحقیق، اکنون این سؤال مطرح است که، چه تفاوتی بین

سطح کیفیت زندگی شهروندان در ابعاد اقتصادی- اجتماعی و کالبدی- زیست محیطی وجود دارد؟ و کدام ناحیه در شهر نیشابور از لحاظ کیفیت زندگی از وضعیت مطلوبتری برخوردار است؟ لذا با توجه به هدف و سوالات اساسی مطرح شده، فرضیه‌های علمی به شرح زیر مطرح است:

- میزان سطح کیفیت زندگی شهروندان در ابعاد مختلف اقتصادی- اجتماعی و کالبدی- زیست محیطی در نواحی مختلف جغرافیایی شهر نیشابور متفاوت است.

- بین احساس تعلق به مکان در بین شهروندان با میزان رضایت آنها از کیفیت زندگی رابطه معنادار وجود دارد.

- بین کیفیت زندگی با میزان رضایت مردم از خدمات رسانی دستگاه‌های متولی شهری در زمینه‌های مختلف عمرانی، بهداشتی، آموزشی و غیره رابطه وجود دارد.

مبانی نظری تحقیق

اصطلاح «کیفیت زندگی»، واژه‌ی پیچیده و کیفی و در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت و مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله و غیره) است (وظیفه دوست و مهدی امینی، ۱۳۸۸، ص ۷). با توجه به اینکه کیفیت زندگی ریشه در ارزش‌ها دارد و این ارزش‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر فرق می‌کند، ارائه تعریفی جامع را برای این اصطلاح با مشکل همراه می‌سازد (Rapley, 2003: 88). در واقع مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب است که از چندین متغیر دیگر مانند سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی- روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی و غیره متأثر می‌گردد.

زمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را بهزیستی در حوزه‌های اجتماعی، روانی و فیزیکی می‌داند و آن را چنین تعریف می‌کند: «کیفیت زندگی ادراک فرد از موقعیت زندگی خود در چارچوب نظام‌های فرهنگی و ارزشی است که در آن زندگی می‌کند و با اهداف، معیارها، و دغدغه‌های او رابطه دارد. این امر بسیار گسترده است و به شیوه‌ای پیچیده تحت تأثیر سلامت فیزیکی، حالت روانی و میزان استقلال و روابط او با جنبه‌های مهم محیط

وی قرار دارد» (Who qol group, 1993: 5). در سال‌های اخیر اهمیت جنبه‌های اجتماعی در عرصه شهرسازی به حدی رسیده که مسائل شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹-۳۰۰)؛ بطوریکه منظور از کیفیت زندگی شهری، توجه به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و روانی و غیره در دو وجه عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) در روند برنامه‌ریزی شهری است: مثل کیفیت دسترسی، کیفیت مسکن، کیفیت فضاهای گذران اوقات فراغت و غیره. به طور کلی کیفیت زندگی شهری، تلاش در جهت ایجاد شهر سالم و فراهم آوردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چهارچوب پایداری است (109 Harpham and et al, 2001).

تحت تأثیر رواج و گسترش مفاهیم کیفی و اجتماعی توسعه از جمله کیفیت زندگی شهری، مباحث و موضوعات جدیدی در عرصه برنامه‌ریزی شهری مطرح شده است که تحول در شیوه‌ها و روش‌های آن را موجب شده است از جمله؛ توسعه دانش و فنون طراحی شهری، برنامه‌ریزی برای اعتلای کیفیت محیط مسکونی، برنامه‌ریزی برای فضاهای فراغتی و تفریحی، تأمین و هدایت مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت و غیره. بنابراین از آنجا که کیفیت زندگی، ویژگی‌های کلی اجتماعی اقتصادی یک ناحیه را نشان می‌دهد، می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی به کار رود (Pal and kumar, 2005: 326). همچنین کیفیت زندگی شهری می‌تواند اطلاعات مفیدی برای برنامه‌ریزی توسعه و طراحی استراتژی‌هایی که کیفیت زندگی شهروندان را ارتقاء می‌دهند، فراهم سازد (خادم‌الحسینی، ۱۳۸۹، ص ۵). درباره کیفیت زندگی دو دیدگاه عمده وجود دارد؛ دیدگاه اسکاندیناویایی، که بیشتر کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای اسکاندیناوی طرفدار دارد. جان درینوسکی^۱ و ریچارد تیموس^۲ آن را ابداع کرده‌اند. در این رویکرد بر شرایط عینی زندگی و ارضای نیازهای اولیه زندگی تأکید شده است. دیدگاه دوم دیدگاه آمریکایی است که بیشتر



در تحقیقاتی که در کشور آمریکا در مورد کیفیت زندگی انجام شده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد و محققان بیشتر به تجارب ذهنی افراد از زندگی‌شان و بر معرف‌های ذهنی توجه کرده‌اند. از اثرگذاران بر این رویکرد می‌توان به روانشناس اجتماعی دبلیو.آی. توماس^۳ اشاره کرد (غیاثوند، ۱۳۸۸، ص ۲۴). در این پژوهش از دیدگاه آمریکایی استفاده شده است همانطور که قبلاً توضیح داده شد این دیدگاه بر جنبه‌های ذهنی توجه می‌کند.

از رویکردهای مطرح شده در مورد کیفیت زندگی رویکرد توصیفی و تبیینی است. در رویکرد توصیفی، رابطه کیفیت زندگی با متغیرهایی چون جنس و سن و سواد بررسی می‌گردد و در رویکرد تبیینی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی اعم از عوامل عینی و ذهنی مورد بررسی قرار می‌گیرند و به دو دسته عاملیت‌گرا و ساختارگرا تفکیک می‌شوند.

تمامی مطالعات کیفیت زندگی تحت دو سر فصل جنبه‌های عینی و جنبه‌های ذهنی صورت می‌گیرد. (Allen, Vogtand cordes, 2002: 14) طبق نظر شالوک^۴، ابعاد کیفیت زندگی به مجموعه‌ای از عوامل ارجاع دارد که احساس بهزیستی شخصی را به وجود می‌آورد (205: Shalock, 2004). بیشتر محققان معتقدند: تعداد ابعاد مورد بررسی کیفیت زندگی خیلی مهم نیست، بلکه آن چه اهمیت حیاتی دارد توجه به این مطلب است که هر مدل پیشنهادی برای بررسی کیفیت زندگی، باید بتواند نیاز به داشتن یک چارچوب چند بُعدی را تشخیص دهد و به این که چه چیزهایی برای مردم در تعیین کیفیت زندگی‌شان مهم است توجه کند (خوراسگانی، ۱۳۸۶، ص ۷۵). با این وجود اکثر محققان و صاحب‌نظران معتقدند که کیفیت زندگی دارای ابعاد فیزیکی، محیطی، اجتماعی، روانشناختی و اقتصادی است (دهداری، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

در این پژوهش از چهار بُعد (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی) برای بررسی سطح کیفیت زندگی شهروندان استفاده شده که هر کدام شاخص‌های مربوط به خود را دارند مثلاً در بُعد اقتصادی مؤلفه‌های درآمد، هزینه، توانایی پس انداز و غیره بررسی شده، در بُعد

کالبدی- زیست محیطی شاخص‌های مسکن، دسترسی به خدمات شهری مثل دسترسی به مراکز آموزشی، بهداشتی، درمانی، ورزشی و رضایت از سایر خدمات شهری از جمله؛ فضای سبز، رضایت از جمع آوری بهداشتی زباله، رضایت از جدول کشی معابر، رضایت از مبلمان شهری و غیره مطالعه شده است و در بُعد اجتماعی شاخص‌های مشارکت، آرامش، میزان صمیمیت و همبستگی ساکنین و غیره مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشینه پژوهش

به طور کلی توجه به کیفیت زندگی و مفاهیم مربوط به آن به اواخر دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد و مطالعات اولیه در مورد کیفیت زندگی شهری از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه جدی قرار گرفته است. تحقیقات و تلاش‌های پیشین در این زمینه از دانش پژوهان جهان غرب (کمپ بل^۵، گاورز^۶ و رود گرز^۷ و غیره) که در رشته‌های مختلفی از قبیل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مشغول فعالیت بوده‌اند آغاز شده است (Tuan seek, 2000: 31). از جمله مطالعات خارجی که در رابطه با کیفیت زندگی انجام شده می‌توان به مطالعه مارکانت و اورتگا^۸ در سال (2006)، اشاره کرد که، استفاده از ارزش افزوده‌ی ناخالص سرانه را به عنوان شاخص توسعه‌ی استانداردهای زندگی، مفیدتر از درآمد سرانه می‌دانند. آن‌ها با استفاده از شاخص تعمیم یافته‌ی توسعه‌ی انسانی و سازگار کردن آن با اقتصاد اسپانیا، ارزش افزوده‌ی سرانه را جانشین درآمد سرانه نمودند. نتایج این جایگزینی نشان داد، علاوه بر این که ارزش افزوده‌ی سرانه ثابت بوده است، همگرایی بالایی در شاخص‌های مربوط به کیفیت زندگی در مناطق مختلف اسپانیا وجود داشته است (باسخا، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱). ریچاردز^۹ و همکاران (2007)، در آفریقای جنوبی، هر یک ابعاد خاصی از کیفیت زندگی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافتند که نابرابری‌های موجود در نهایت موجب ناپایداری شهری می‌شود. همچنین لی^{۱۰}

3. W.I.Thomas
4. Shalock
5. Campbell
6. Coverse

7. Rodgers
8. Merchant and Ortega
9. Richards
10. Lee

(2008)، با استفاده از شاخص‌های ذهنی به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تایپه پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وضعیت اجتماع، تعلقات محلی و رضایت از محله بیشترین تأثیر را بر رضایت از کیفیت زندگی دارد.

از مهم‌ترین مطالعاتی که در زمینه کیفیت زندگی در ایران انجام گرفته می‌توان به نتایج مطالعه کوکبی (۱۳۸۴) اشاره نمود که معیارهای کیفیت زندگی شهری را در شش عرصه‌ی اصلی زیبایی‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، ارتباطی و حمل و نقل و زیست‌محیطی طبقه‌بندی و ارائه کرده است. نتایج بیانگر آن است که مرکز شهر خرم‌آباد با توجه به واقعیت‌های موجود در رده‌ی مراکز شهری با کیفیت پایین قرار دارد که برون رفت از این وضعیت نیازمند تدوین سیاست‌گذاری اصولی و بهینه به منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهری است.

جاجرمی و ابراهیم کلتی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی از نظر شهروندان در گنبد قابوس دریافتند که از نظر شهروندان گنبدی، وضعیت دسترسی به امکانات شهری در مناطق مختلف این شهر مناسب است ولی مشکلاتی از قبیل آبرفتگی معابر و رواناب‌های ناشی از بارش و خطر تصادف و بوی تعفن زباله مشکلاتی را در سطح مناطق این شهر به وجود آورده است از طرفی، نتایج مطالعه رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، نشان می‌دهد که تفاوت آماری معناداری در کیفیت زندگی پاسخگویان با سطوح مختلف سطح تحصیلات، مالکیت مسکن، درآمد، وضعیت شغلی و سن وجود دارد و به طور کلی، کیفیت زندگی با افزایش میزان تحصیلات، درآمد خانوار، مالکیت مسکن و شاغل بودن، افزایش می‌یابد.

زیاری و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران با استفاده از روش موریس، به این نتیجه رسیدند که نواحی مختلف شهری ایران دارای شکاف عمیقی از منظر شاخص‌های کیفیت زندگی هستند، بطوری که از ۲۵۳ شهر مورد بررسی تنها ۲۴ شهر یعنی ۹/۵ درصد در سطح برخوردار قرار دارند و نزدیک به ۵۰ درصد از نواحی شهری مورد مطالعه به عنوان نواحی محروم محسوب می‌شوند و

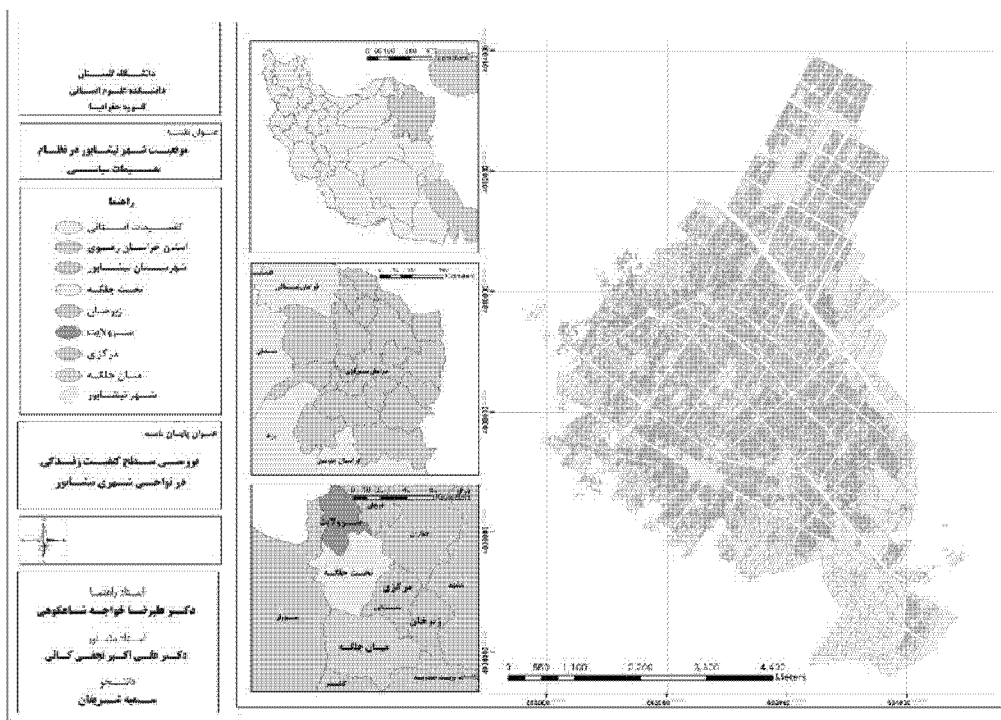
تهران به عنوان یک ناحیه‌ی شهری ناهمگن، خود را از سایر نواحی شهری مجزا ساخته است و نتایج مطالعه شهرام مهدوی (۱۳۹۰)، با عنوان ارزیابی و سنجش شاخص‌های توسعه به ویژه شاخص‌های کیفیت زندگی در سه ناحیه از شهرکاشان نشان می‌دهد که تفاوت معناداری تا سطح ۹۹٪ در رابطه با مؤلفه‌های اقتصادی و کالبدی - زیست محیطی و تفاوت معنادار ۹۵٪ بین مؤلفه‌های اجتماعی در سطح نواحی مورد مطالعه وجود دارد و میانگین‌های رتبه‌ای بدست آمده نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی - اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی بهتر ناحیه یک نسبت به دو ناحیه دیگر می‌باشد.

با توجه به اینکه بیشتر مطالعات خارجی و داخلی در ارتباط با کیفیت زندگی، مؤلفه‌های اجتماعی و مؤلفه‌های روانشناسانه را مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌اند و نتایج حاصل از این پژوهش‌ها تا همین حد خلاصه می‌شود؛ اما اعتقاد بر این است که کیفیت زندگی به عنوان یک پدیده اجتماعی و انسانی می‌تواند از جنبه محیطی و جغرافیایی مورد شناسایی و بررسی قرار بگیرد. از همین جهت مطالعه حاضر بیشتر توجه به این دارد که در یابد محیط جغرافیایی تا چه اندازه می‌تواند روی کیفیت زندگی شهروندان تأثیرگذار باشد. بدین جهت این مطالعه با این تفاوت (تأثیر محیط بر کیفیت زندگی) به بررسی کیفیت زندگی در سطح نواحی مورد مطالعه پرداخته است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

نیشابور در استان خراسان رضوی و در طول جغرافیایی 35° و 35° عرض شمالی و 58° و 8° ارتفاع آن نیز از سطح دریا ۱۲۱۳ متر می‌باشد. این شهرستان در دشت وسیع و همواری قرار گرفته که در شمال آن رشته کوه بینالود به صورت نواری در جهت شمال غربی - جنوب شرقی امتداد یافته و نیشابور را از شهرستان‌های مشهد، چناران و قوچان جدا می‌سازد. همچنین در قسمت غرب نیشابور شهرستان سبزوار، در قسمت جنوب غربی، شهرستان کاشمر و در جنوب شرقی، شهرستان تربت حیدریه قرار دارد. (مدیح، ۱۳۸۵، ص ۱). وسعت این شهرستان معادل $6763/14$ کیلومتر





شکل ۱. محدوده مورد مطالعه؛ ماخذ: نگارنده.

مربع است و جمعیت آن در سال ۱۳۹۰، ۴۳۳۱۰۵ نفر است. شده است و در بعضی موارد برای توضیح بیشتر مطالب از نرم افزار GIS و Excel استفاده شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و هدف، کاربردی- توسعه‌ای و از لحاظ روش انجام تحقیق، پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش سرپرستان خانوارهای نواحی چهارگانه شهر نیشابور هستند که ۵۷۷۲۶ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۱ نفر تعیین شده است که با توجه به تعداد سرپرست خانوار در سطح نواحی و روش تصادفی سیستماتیک، پرسشنامه در بین آنها توزیع شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و از تکنیک‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. بدین صورت که آمار توصیفی ویژگی‌های عمومی پاسخگویان از قبیل سن، جنس، شغل و غیره را بیان می‌کند و در آمار استنباطی برای تعیین رابطه هر یک از متغیرها نسبت به یکدیگر و همچنین متناسب با فرضیه‌های مطرح شده از آزمون‌های کروسکال والیس، F-test مستقل و ضرایب همبستگی اسپیرمن استفاده

یافته‌های تحقیق

— یافته‌های توصیفی

در این پژوهش، از جامعه آماری که مورد مطالعه قرار گرفته است، ۲۰۰ نفر معادل (۶۲/۳ درصد) مرد و ۱۲۱ نفر معادل (۳۷/۶ درصد) رازنان تشکیل می‌دهند. کمترین گروه سنی معادل (۸ درصد)، بالای ۵۲ سال سن دارند و بیشترین گروه سنی معادل (۴۹/۸ درصد) بین ۳۰-۴۰ سال قرار داشته‌اند. از نظر سواد، بیشتر افراد جامعه نمونه دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند و همچنین بیشتر از پنجاه درصد افراد نمونه شغل آزاد دارند.

— یافته‌های تحلیلی

یکی از اهداف عمده تحقیقات علمی، آزمون فرضیه‌های طرح تحقیق می‌باشد که در این بخش تلاش شده تا با بهره‌گیری از تکنیک‌های آمار توصیفی و تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج شده از پرسشنامه پردازیم.

جدول ۱. بررسی رضایت شهروندان نواحی مختلف از مؤلفه‌های اقتصادی با آزمون کروسکال والیس؛
 مأخذ: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۲؛ عدم معناداری NS ** معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪

| مؤلفه | میانگین | | | | درجه آزادی (df) | ضریب کای اسکوتر | درجه معناداری (sig) |
|--------------------------------|---------|---------|---------|---------|-----------------|-----------------|---------------------|
| | ناحیه ۱ | ناحیه ۲ | ناحیه ۳ | ناحیه ۴ | | | |
| تأمین نیازهای اساسی | ۲/۵۷ | ۲/۵۰ | ۲/۱۸ | ۲/۶۳ | ۳ | ۸/۴۴ | ۰,۰۳۸* |
| دسترسی به بازارها و بازارچه‌ها | ۳ | ۲/۵۲ | ۲/۸۵ | ۲/۴۸ | ۳ | ۱۱/۵۷ | ۰,۰۰۹** |
| توانایی پس انداز | ۱/۹۰ | ۱/۸۸ | ۱/۷۶ | ۲/۱ | ۳ | ۵/۵۰ | NS |
| امنیت شغلی (بیمه شغلی و غیره) | ۱/۸۱ | ۱/۰۸ | ۱/۷۵ | ۲/۴۴ | ۳ | ۱۲/۶۵ | ۰,۰۰۵** |

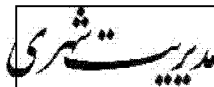
در این پژوهش به منظور تعیین میزان سطح کیفیت زندگی شهروندان در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی و کالبدی - زیست محیطی در نواحی مختلف شهر نیشابور از آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس و از آزمون F یک طرفه استفاده شده است. در ابتدا به بررسی هر یک از مؤلفه‌های ابعاد ذکر شده در سطح نواحی مورد مطالعه پرداخته ایم.

- بعد اقتصادی

بی شک زندگی انسان‌ها تحت تأثیر شرایط اقتصادی قرار دارد. در واقع شرایط اقتصادی تعیین کننده نوع تصمیم‌گیری در وجوه مختلف زندگی از جمله میزان قدرت خرید، نوع شغل و غیره می‌باشد. نتایج آزمون کروسکال والیس درباره مؤلفه‌های اقتصادی نشان می‌دهد که در مورد رضایت از دسترسی به بازارها و بازارچه‌های محلی و امنیت شغلی (بیمه شغلی و بازنشستگی) ضریب معناداری ۹۹٪ و برای مؤلفه‌ی رضایت از توانایی مالی مردم برای تأمین نیازهای اساسی زندگی ضریب معناداری ۹۵٪ بدست آمده است. برای روشن تر شدن اختلاف رضایت ساکنین نواحی مختلف از مؤلفه‌های فوق، به مقایسه‌ی میانگین هر یک از مؤلفه‌ها می‌پردازیم. میانگین‌های بدست آمده نشان می‌دهد که شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۲/۶۳، از توانایی مالی بیشتری برای تأمین نیازهای اساسی زندگی برخوردارند و شهروندان ناحیه سه با میانگین ۲/۱۸ در بین سایر نواحی

از توانایی مالی کمتری برخوردارند. طبق بررسی‌های انجام شده نواحی چهار و یک قشر نسبتاً مرفه‌ی از مردم هستند، بنابراین توانایی مالی بیشتری جهت برآوردن نیازهای اساسی زندگی‌شان دارند و دو ناحیه دیگر به دلیل توان اقتصادی پایین، کمتر می‌توانند نیازهای خود را تأمین کنند. دومین مؤلفه‌ای که در سطح نواحی اختلاف دارد؛ دسترسی به بازارها و بازارچه‌های محلی است که از بین نواحی مختلف بیشترین دسترسی را ساکنین ناحیه یک با میانگین سه و کمترین دسترسی را شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۲/۴۸ دارند. وجود بازارها و میدان‌های تره‌بار از جمله (میدان روز، میدان باغات و...) و همین‌طور مجاور بودن این نواحی با شریان‌های اصلی شهر از جمله دلایل رضایت‌مندی ساکنین نواحی یک و سه است. آخرین مؤلفه‌ای که در بین نواحی متفاوت است، رضایت مردم از امنیت شغلی (بیمه شغلی و بازنشستگی) است. با توجه به پاسخ‌های دریافت شده، شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۲/۴۴ بیشترین رضایت را داشته‌اند چون بیشتر ساکنین این ناحیه راکارمندان دولت تشکیل می‌دهند بنابراین بیشتر از بیمه و مزایای آن برخوردار هستند و مردم ساکن در ناحیه سه با میانگین ۱/۷۵ کمترین رضایت را از بیمه و مزایای آن داشته‌اند.

از دیگر مؤلفه‌های اقتصادی که مورد بررسی قرار گرفته است درآمد و هزینه است که این دو مؤلفه نیز در سطح



جدول ۲. بررسی درآمد و هزینه ماهیانه در سطح نواحی مختلف با استفاده از آزمون F؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۲**
معناداری ٪۱

| ردیف | مؤلفه | درجه آزادی | f | ضریب معناداری (sig) |
|------|-------|------------|-------|---------------------|
| ۱ | درآمد | ۳ | ۸/۷۳۳ | ۰,۰۰۰** |
| ۲ | هزینه | ۳ | ۷/۵۹۲ | ۰,۰۰۰** |

جدول ۳. طبقه‌بندی نواحی مختلف از لحاظ هزینه و درآمد ماهیانه با استفاده از تست دانکن؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

| متغیر نواحی | درآمد | متغیر نواحی | هزینه |
|---------------------|---------|--------------------|---------|
| ناحیه ۴ (C) ۹۳۷۵۴۰ | ناحیه ۴ | ناحیه ۴ (B) ۹۶۷۸۶۸ | ناحیه ۴ |
| ناحیه ۱ (B) ۷۷۱۸۵۱ | ناحیه ۱ | ناحیه ۱ (A) ۷۴۰۳۷۰ | ناحیه ۱ |
| ناحیه ۲ (AB) ۶۵۸۹۴۳ | ناحیه ۲ | ناحیه ۲ (A) ۶۵۶۳۳۸ | ناحیه ۲ |
| ناحیه ۳ (A) ۵۸۸۹۰۶ | ناحیه ۳ | ناحیه ۳ (A) ۶۴۲۱۸۷ | ناحیه ۳ |



نواحی متفاوت هستند؛ بطوریکه تفاوت معنادار ۹۹٪ برای هر دو مؤلفه بدست آمده است. از آنجاکه آزمون F قادر به بیان اختلاف میان نواحی نمی‌باشد، جهت نمایان ساختن اختلاف نواحی از تست دانکن استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ناحیه سه با میانگین درآمد (۵۸۸ هزار تومان)، کمترین درآمد و در طبقه اول (A) و ناحیه چهار با میانگین درآمد (۹۳۷ هزار تومان)، بیشترین درآمد و در طبقه سوم (C) قرار دارد. از لحاظ هزینه نیز همانند درآمد، ناحیه سه با کمترین هزینه (۶۴۲ هزار تومان) در طبقه اول (A) و ناحیه چهار با بیشترین هزینه (۹۶۷ هزار تومان) در طبقه دوم (B) جای دارد. بیشترین هزینه و درآمد متعلق به شهروندان ناحیه چهار می‌باشد.

- بُعد کالبدی

در رابطه با دسترسی مردم به خدمات و زیرساخت‌های شهری مؤلفه‌های زیادی را می‌توان مطرح کرد که در این پژوهش به بررسی تعدادی از آنها پرداخته‌ایم. از بین موارد مطرح شده، برای رضایت از مؤلفه‌های دسترسی به بانک و مراکز مالی، مراکز بهداشتی و مراکز فرهنگی ضریب معناداری تا سطح اطمینان ۹۵٪ و برای رضایت از دسترسی به مراکز اداری - دولتی، دسترسی به درمانگاه،

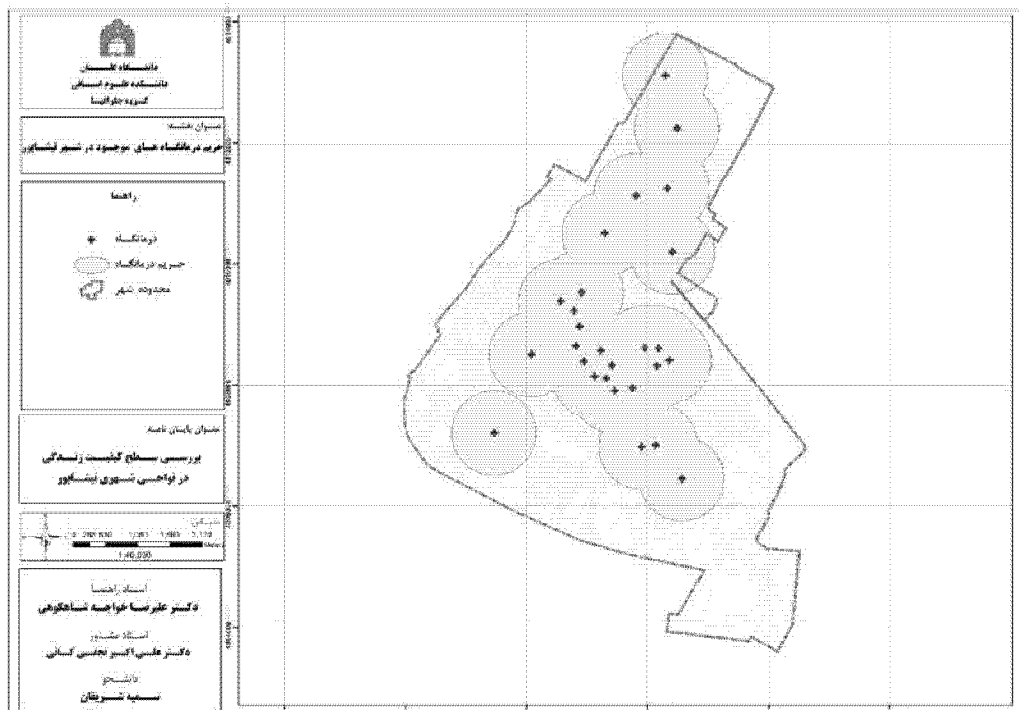
دسترسی به مراکز ورزشی و همچنین برای دسترسی به مراکز آموزشی و دسترسی به پارک تفاوت معنادار تا سطح اطمینان ۹۹٪ بدست آمده است. در ادامه نتایج بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد رضایت شهروندان ناحیه یک در زمینه دسترسی به بسیاری از خدمات نسبت به سایر نواحی بیشتر بوده از جمله؛ دسترسی به بانک و مراکز مالی با میانگین ۳/۲۵، دسترسی به مراکز اداری و دولتی با میانگین ۲/۷۹ و غیره. چون توزیع و پراکندگی این مراکز بیشتر در ناحیه یک قرار دارد. مثلاً شکل شماره ۲ توزیع و پراکندگی مراکز درمانی را در سطح شهر نشان می‌دهد، همانطور که ملاحظه می‌کنید بیشتر این مراکز در مرکز شهر و در ناحیه یک قرار گرفته‌اند. کمترین رضایت از مؤلفه‌های دسترسی به مراکز اداری و دولتی با میانگین ۲/۱۶ و دسترسی به درمانگاه با میانگین ۲/۱۹ متعلق به شهروندان ناحیه دو می‌باشد. از لحاظ دسترسی به مراکز مالی و مراکز آموزشی نیز مردم ساکن در ناحیه سه کمترین رضایت را داشته‌اند و در رابطه با دسترسی به مراکز بهداشتی، شهروندان ناحیه سه و دسترسی به مراکز فرهنگی شهروندان ناحیه یک بیشترین رضایت را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در رابطه با دسترسی مردم به پارک و مراکز ورزشی، رضایت

جدول ۴. بررسی رضایت ساکنان نواحی مختلف از لحاظ دسترسی به خدمات با استفاده از آزمون کروسکال والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ عدم معناداری **NS * معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪

| مؤلفه | میانگین | | | | درجه آزادی (df) | ضریب کای اسکوتر | ضریب معناداری (sig) |
|-------------------|---------|---------|---------|---------|-----------------|-----------------|---------------------|
| | ناحیه ۱ | ناحیه ۲ | ناحیه ۳ | ناحیه ۴ | | | |
| بانک و مراکز مالی | ۲/۲۵ | ۲/۷۶ | ۲/۶۸ | ۲/۸۸ | ۲/۸۹ | ۸/۸۹ | ۰.۰۳۱* |
| مراکز اداری | ۲/۷۹ | ۲/۱۶ | ۲/۶۸ | ۲/۶۷ | ۲/۵۷ | ۱۷/۲۶ | ۰.۰۰۱** |
| درمانگاه | ۲/۸۵ | ۲/۱۹ | ۲/۶۲ | ۲/۶۵ | ۲/۵۸ | ۱۷/۷۸ | ۰.۰۰۰** |
| مرکز بهداشت | ۲/۲۰ | ۲/۲۵ | ۲/۳۸ | ۲ | ۲/۲۱ | ۵/۹۱ | ۰.۰۱۷* |
| مراکز ورزشی | ۱/۸۷ | ۲/۰۵ | ۱/۹۲ | ۲/۶۲ | ۲/۱۱ | ۱۵/۶۴ | ۰.۰۰۱** |
| مراکز فرهنگی | ۲/۲۵ | ۲ | ۱/۹۹ | ۲/۱۳ | ۲/۰۹ | ۷/۵۷ | ۰.۰۲۸* |
| مراکز آموزشی | ۳/۱۲ | ۲/۷۳ | ۲/۴۸ | ۳ | ۲/۸۳ | ۱۳/۲۰ | ۰.۰۰۴** |
| ایستگاه اتوبوس | ۲/۹۲ | ۲/۸۹ | ۲/۸۵ | ۳ | ۲/۹۱ | ۳/۹۳ | ۰.۲۶۹Ns |
| پارک | ۲/۸۵ | ۲/۲۰ | ۱/۷۸ | ۲/۵۰ | ۲/۳۳ | ۳۲/۲۸ | ۰.۰۰۹** |

شهروندان ناحیه چهار بیشتر بوده است. یکی از دلایل وجود رضایت از دسترسی به مراکز ورزشی، وجود ورزشگاه بزرگ انقلاب در این ناحیه است. مسکن و داشتن سرپناه یکی از نیازهای اساسی هر فرد به حساب می‌آید. در واقع یکی از عواملی که باعث می‌شود افراد از زندگی‌شان احساس رضایت داشته باشند، داشتن مسکن مناسب است. بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع به شناخت مسکن شهروندان در سطح نواحی مختلف، از لحاظ مساحت و قدمت پرداخته‌ایم. براساس نتایج حاصل از آزمون F که در جدول ذیل بیان

شده است. یکی از دلایل وجود رضایت از دسترسی به مراکز ورزشی، وجود ورزشگاه بزرگ انقلاب در این ناحیه است. مسکن و داشتن سرپناه یکی از نیازهای اساسی هر فرد به حساب می‌آید. در واقع یکی از عواملی که باعث می‌شود



نقشه ۲. شعاع دسترسی مراکز درمانی در سطح شهر؛ مأخذ: نگارندگان.

جدول ۵. بررسی مساحت زمین و مسکن در سطح نواحی مختلف با استفاده از آزمون F؛
 مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ * معناداری ۵٪

| ردیف | مؤلفه | درجه آزادی | F | ضریب معناداری (sig) |
|------|--------------|------------|-------|---------------------|
| ۱ | مساحت زمین | ۳ | ۲/۹۸۲ | ۰,۰۳۲** |
| ۲ | مساحت زیربنا | ۳ | ۲/۸۵۲ | ۰,۰۳۷** |

جدول ۶. طبقه‌بندی نواحی چهارگانه از نظر مساحت زمین و زیربنا از طریق تست دانکن؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

| متغیر نواحی | مساحت زمین (متر مربع) | متغیر نواحی | مساحت زیربنا (متر مربع) |
|-------------|-----------------------|-------------|-------------------------|
| ناحیه ۴ | (B) ۱۷۸/۳۱ | ناحیه ۴ | (B) ۱۰۰/۱۶ |
| ناحیه ۳ | (A) ۱۳۹/۳۴ | ناحیه ۱ | (AB) ۹۲/۶۲ |
| ناحیه ۲ | (A) ۱۳۷/۳۷ | ناحیه ۳ | (A) ۸۲ |
| ناحیه ۱ | (A) ۱۳۸ | ناحیه ۲ | (A) ۷۹/۸۵ |

جدول ۷. بررسی وضعیت مسکن در نواحی مختلف شهر نیشابور؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

| وضعیت مسکن | ناحیه ۱ | | ناحیه ۲ | | ناحیه ۳ | | ناحیه ۴ | |
|------------|---------|------|---------|------|---------|------|---------|------|
| | فرآوانی | درصد | فرآوانی | درصد | فرآوانی | درصد | فرآوانی | درصد |
| نوساز | ۲۸ | ۵۳/۸ | ۵۷ | ۴۱ | ۲۷ | ۴۵ | ۳۶ | ۶۲ |
| قدیمی | ۲۴ | ۴۶/۲ | ۸۲ | ۵۹ | ۳۳ | ۵۵ | ۲۲ | ۳۸ |



فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
 No.35 Summer 2014

۱۱۲

شده است. تفاوت معنادار ۹۵٪ برای مساحت زمین و مساحت زیربنای واحد مسکونی در سطح نواحی بدست آمده است. سپس همانطور که قبلاً اشاره شد برای طبقه‌بندی نواحی از نظر مساحت زمین و مسکن و بیان اختلاف آن‌ها، از تست دانکن استفاده شده است طبق اعداد و ارقام مندرج در جدول ذیل کمترین مساحت زمین مربوط به ناحیه دو با میانگین (۱۳۷/۳۷) متر و بیشترین مساحت زمین نیز مربوط به ناحیه چهار با میانگین (۱۷۸) متر است. از نظر مساحت زیربنا نیز ناحیه دو کمترین مساحت زیربنای واحد مسکونی با میانگین (۷۹) متر و ناحیه چهار بیشترین مساحت، با میانگین (۱۰۰) متر را دارد. جدول شماره ۷ میانگین متراژ زمین و زیربنای واحد مسکونی را در سطح نواحی مختلف شهر نیشابور؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

جدول ۸. بررسی برخی از آلودگی‌های زیست‌محیطی در نواحی شهری با آزمون کروسکال‌والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛
عدم معناداری NS ** معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪

| مؤلفه | میانگین | | | | درجه آزادی (df) | ضریب کای اسکوئر | ضریب معناداری (sig) |
|-------------|---------|---------|---------|---------|-----------------|-----------------|---------------------|
| | ناحیه ۱ | ناحیه ۲ | ناحیه ۳ | ناحیه ۴ | | | |
| آلودگی هوا | ۲/۰۹ | ۱/۸۴ | ۲/۱۸ | ۱/۶۳ | ۱/۹۳ | ۱۰/۲۱ | ۰,۰۱۷* |
| آلودگی صوتی | ۲/۹۰ | ۲/۸۹ | ۳/۰۴ | ۲/۱۴ | ۲/۷۴ | ۲۰/۵۲ | ۰,۰۰۰** |
| آلودگی بصری | ۲/۷۷ | ۲/۸۹ | ۳/۰۷ | ۲/۲۷ | ۲/۷۵ | ۱۶/۱۴ | ۰,۰۰۱** |
| آلودگی آب | ۲/۱۱ | ۱/۹۶ | ۲ | ۱/۹۳ | ۲ | ۰/۶۹۵ | ۰,۸۷۴Ns |

(۵۹ درصد) می‌باشد چون قسمتی از بافت قدیمی و فرسوده در این ناحیه قرار دارد. در این رابطه مطالعات اسنادی بیانگر اینست که بیشترین مسکن با دوام در ناحیه چهار قرار دارد به طوریکه از کل مساحت آن فقط ۵۶/۶ هکتار از مسکن کم دوام هستند.

— بُعد اجتماعی

در این پژوهش بعضی از مؤلفه‌های اجتماعی مثل مشارکت، میزان صمیمیت و همبستگی ساکنین، امنیت شهروندان در فضاهای شهری و غیره مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی این عوامل همانند مؤلفه‌های قبلی از آزمون کروسکال‌والیس استفاده شده و سپس به منظور بیان اختلاف نواحی در مورد مؤلفه‌های مطرح شده، به مقایسه میانگین هر یک از مؤلفه‌ها در سطح نواحی پرداخته‌ایم. نتایج آزمون نشان می‌دهد؛ برای مؤلفه‌ی وجود آرامش، امنیت بانوان و کودکان، میزان روشنایی معابر، وجود فضای مخروطی و ناامن تفاوت معنادار تا سطح اطمینان ۹۹٪ و در مورد مؤلفه‌های میزان صمیمیت و همبستگی ساکنین و رضایت از مراکز بهداشتی - درمانی تفاوت معنادار تا سطح اطمینان ۹۵٪ بدست آمده است. در بقیه موارد از جمله؛ مشارکت شهروندان در امور شهری، آموزش شهرنشینی و شهروندی مداری، پایبندی به رسوم مذهبی و غیره تفاوتی معناداری در سطح نواحی دیده نمی‌شود. ولی در مؤلفه‌هایی که در سطح نواحی چهارگانه دارای اختلاف هستند، مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد؛ مؤلفه‌ی وجود آرامش در ناحیه چهار با میانگین ۳/۶۳ نسبت به سه ناحیه دیگر بیشتر است. همانطور که قبلاً ذکر شد نبود مراکز صنعتی و مراکز تجاری زیاد و بالا بودن پایگاه

- بُعد زیست‌محیطی

اصولاً تغییر نامطلوب در خواص فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی هر محیطی که موجب به خطر افتادن یا آشفته‌گی شرایط سلامت جسمی و روحی انسان گردد. آلودگی به شمار می‌رود (بهرام سلطانی، ۱۳۷۳، ص ۵۶). در این پژوهش جهت بررسی این بُعد به بررسی آلودگی بصری، آلودگی صوتی، آلودگی هوا و آلودگی آب در سطح نواحی پرداخته‌ایم. در رابطه با مؤلفه‌های مطرح شده، نتایج آزمون کروسکال‌والیس تفاوت معنادار ۹۹٪ را برای آلودگی صوتی و آلودگی بصری و تفاوت معنادار تا سطح اطمینان ۹۵٪ را برای مؤلفه‌ی آلودگی هوا نشان می‌دهد. در زمینه آلودگی آب تفاوت معناداری در سطح نواحی دیده نمی‌شود. همچنین مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد در رابطه با آلودگی‌های فوق، ناحیه سه بیشترین آلودگی را دارد که از دلایل آن وجود کارگاه‌ها و مغازه‌های جوشکاری و تعمیرگاه ماشین و همین‌طور وجود پایانه مسافربری روستایی در این ناحیه است و ناحیه چهار کمترین آلودگی را دارد دلیل آن اینست که صنایع و کارگاه‌های مزاحم در این ناحیه کمتر وجود دارد و دور از مرکز شهر است.



جدول ۹. بررسی رضایت شهروندان نواحی از مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی با آزمون کروسکال والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ عدم معناداری **NS معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪

| مؤلفه | میانگین | | | | درجه آزادی (df) | ضریب کای اسکونر | ضریب معناداری (sig) |
|--------------------------------------|---------|---------|---------|---------|-----------------|-----------------|---------------------|
| | ناحیه ۱ | ناحیه ۲ | ناحیه ۳ | ناحیه ۴ | | | |
| ایجاد زمینه‌ی مشارکت شهروندان | ۱/۷۵ | ۱/۸۳ | ۱/۶۵ | ۱/۸۸ | ۳ | ۲/۲۴ | NS ۰,۵۲۳ |
| آموزش شهرنشینی | ۱/۵۳ | ۱/۵۲ | ۱/۵۰ | ۱/۸۰ | ۳ | ۴/۹۶ | NS ۰,۱۷۴ |
| صمیمیت و همبستگی ساکنین | ۲/۷۰ | ۲/۷۳ | ۲/۷۹ | ۲/۳۶ | ۳ | ۷/۸۷ | ۰,۰۴۹* |
| وجود آرامش | ۲/۷۲ | ۲/۷۴ | ۲/۶۸ | ۳/۶۳ | ۳ | ۳۱/۸۳ | ۰,۰۰۰** |
| پایبندی به رسوم مذهبی | ۳/۳۷ | ۳/۴۵ | ۳/۳۲ | ۳/۴۱ | ۳ | ۰/۶۵۳ | NS ۰,۸۸۴ |
| پایبندی به رسوم ملی | ۳/۲۰ | ۳/۱۴ | ۳/۲۶ | ۳/۱۸ | ۳ | ۰/۴۰۲ | NS ۰,۹۴۰ |
| مراکز بهداشتی و درمانی | ۲/۴۸ | ۲/۴۴ | ۲/۳۵ | ۲/۹۰ | ۳ | ۸/۲۲ | ۰,۰۴۲* |
| مراکز و مؤسسات آموزش عالی | ۱/۸۰ | ۱/۷۱ | ۱/۷۵ | ۲ | ۳ | ۵/۳۶ | NS ۰,۱۲۷ |
| امنیت بانوان و کودکان در اماکن عمومی | ۲/۸۱ | ۲/۸۰ | ۲/۷۹ | ۳/۴۲ | ۳ | ۱۵/۵۴ | ۰,۰۰۱** |
| وجود فضای متروکه و مخروبه | ۲/۲۴ | ۲/۳۵ | ۲/۳۳ | ۱/۷۰ | ۳ | ۱۵/۶۵ | ۰,۰۰۱** |
| میزان روشنایی معابر | ۲/۸۳ | ۲/۵۰ | ۲/۵۱ | ۳ | ۳ | ۱۲/۳۱ | ۰,۰۰۶** |



کمترین فضای مخروبه در ناحیه چهار وجود دارد که معادل ۸۵۰ متر مربع است. از لحاظ روشنایی معابر نیز شهروندان ناحیه چهار و ناحیه یک بیشترین رضایت و شهروندان ناحیه دو کمترین رضایت را داشته‌اند. همین‌طور طبق اعداد و ارقام بدست آمده میزان امنیت زنان در ناحیه چهار با میانگین ۳/۴۲ در مقایسه با سایر نواحی بیشتر است.

در ادامه برای تأیید و یا رد فرضیه‌ی مطرح شده، بعد از اینکه تک تک مؤلفه‌های ابعاد اقتصادی- اجتماعی و کالبدی-زیست‌محیطی در سطح نواحی چهارگانه بررسی شد، از تمام ابعاد مطرح شده آزمون گرفته می‌شود که نتایج آزمون ضریب معناداری ۹۹٪ را برای هر بُعد نشان می‌دهد. بنابراین، با اطمینان ۹۹٪ می‌توان

اجتماعی و فرهنگی شهروندان در این ناحیه باعث شده که مردم آرامش بیشتری داشته باشند. کمترین آرامش متعلق به شهروندان ناحیه یک و سه با میانگین ۲/۷۲ و ۲/۶۸ می‌باشد؛ وجود پایانه مسافربری، وجود صنایع و کارگاه‌ها در این دو ناحیه از عوامل کمبود آرامش هستند. بیشترین میانگین بدست آمده در مورد رضایت از مراکز بهداشتی درمانی متعلق به شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۲/۷۵ می‌باشد و در نهایت میزان صمیمیت و همبستگی ساکنین ناحیه سه بیشتر است. همین‌طور بررسی مؤلفه‌های امنیت نشان می‌دهد ناحیه دو با میانگین ۲/۳۵ دارای بیشترین فضای متروکه و ناامن است و کمترین فضای متروکه مربوط به ناحیه چهار با میانگین ۱/۷۰ است. مطالعات اسنادی نیز نشان می‌دهد

جدول ۱۰. مقایسه ابعاد کیفیت زندگی در نواحی مختلف شهری با استفاده از آزمون کروسکال والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ ** معناداری ۱٪

| مؤلفه | میانگین | | | | درجه آزادی (df) | ضریب کای اسکوتر | ضریب معناداری (sig) |
|---------------------|---------|---------|---------|---------|-----------------|-----------------|---------------------|
| | ناحیه ۱ | ناحیه ۲ | ناحیه ۳ | ناحیه ۴ | | | |
| بُعد اقتصادی | ۲/۲۵ | ۲/۱۶ | ۲/۰۱ | ۲/۴۵ | ۳ | ۱۸/۱۵ | ۰,۰۰۰** |
| بُعد کالبدی | ۲/۴۲ | ۲/۲۴ | ۲/۱۴ | ۲/۷۳ | ۳ | ۴۶/۵۸ | ۰,۰۰۰** |
| بُعد اجتماعی فرهنگی | ۲/۳۴ | ۲/۲۷ | ۲/۲۴ | ۲/۴۸ | ۳ | ۲۱/۳۷ | ۰,۰۰۳** |
| بُعد زیست محیطی | ۲/۴۷ | ۲/۳۹ | ۲/۵۷ | ۲ | ۳ | ۱۸/۳۸ | ۰,۰۰۰** |

گفت که ابعاد کیفیت زندگی مذکور در سطح نواحی مورد مطالعه متفاوت است در نتیجه فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار می‌گیرد.

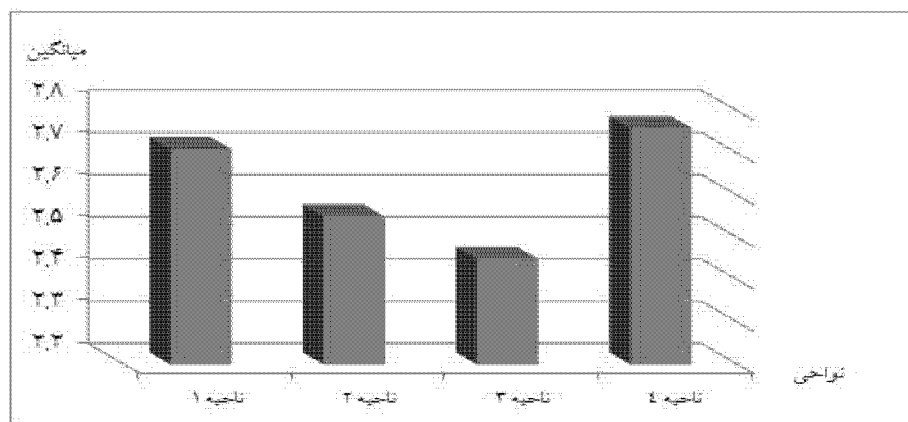
در زمینه رضایت شهروندان نواحی مختلف از سطح کیفیت زندگی شان نتایج میانگین‌ها نشان می‌دهد که شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۳/۱۱ بیشترین رضایت و ساکنان ناحیه سه با میانگین ۲/۶۷ کمترین رضایت را داشته‌اند. از دلایل رضایت‌مندی ساکنین ناحیه چهار، وجود امکانات و خدمات و همچنین درآمد بیشتر ساکنین این ناحیه نسبت به سایر نواحی است.

– فرضیه دوم

بین احساس تعلق به مکان در بین شهروندان با میزان رضایت آنها از کیفیت زندگی رابطه معنادار وجود دارد. دومین فرضیه‌ی این پژوهش است. در این فرضیه ابتدا به بررسی رضایت شهروندان نواحی مختلف از

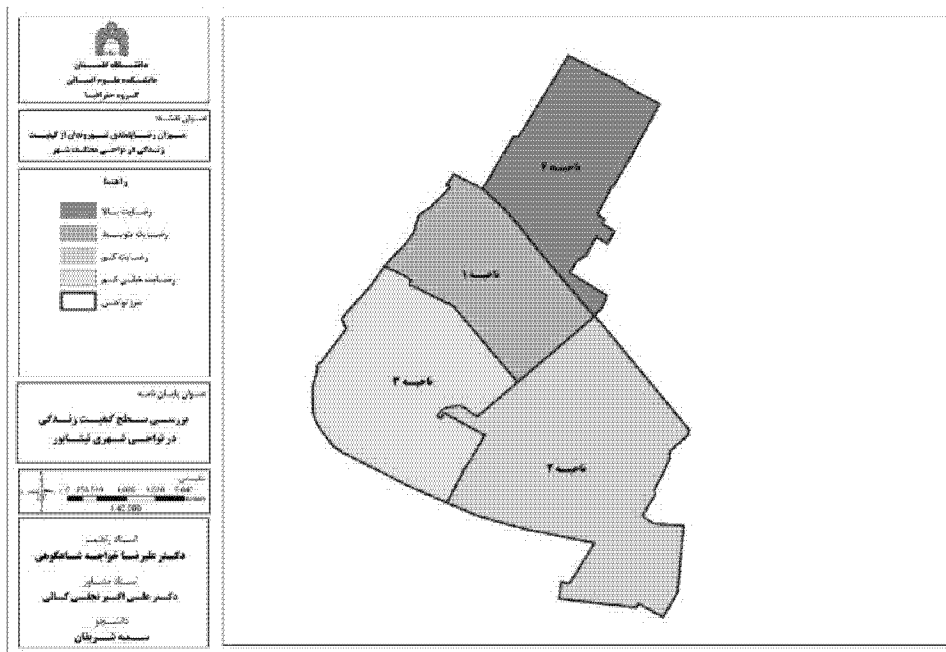
مؤلفه‌های احساس تعلق به مکان (میزان علاقه و دلبستگی به محل زندگی، احساس دلتنگی نسبت به محل زندگی و میل به ماندگاری در محل زندگی) با استفاده از آزمون کروسکال والیس و مقایسه میانگین‌ها پرداخته‌ایم که نتایج آزمون نشان داد رضایت شهروندان نواحی مختلف در دو مؤلفه‌ی میزان علاقه و دلبستگی به محل زندگی و میل به ماندگاری در محل زندگی با ضریب اطمینان ۹۹٪ متفاوت است و مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که در دو مؤلفه‌ی ذکر شده رضایت شهروندان ناحیه چهار بیشتر است.

سپس جهت تأیید و یا رد فرضیه مطرح شده از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول شماره ۱۳ ضریب معناداری ۹۹٪ را برای هر سه مؤلفه نشان می‌دهد. در واقع مؤلفه‌های مذکور (احساس تعلق به مکان) بر روی کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارند. بدین گونه که با افزایش



نمودار ۱. مقایسه رضایت شهروندان نواحی مختلف از سطح کیفیت زندگی





نقشه ۳. مقایسه رضایت شهروندان نواحی مختلف از سطح کیفیت زندگی

علاقه و دل‌بستگی و تمایل به ماندن در محل سکونت بسیار مهمی در کیفیت زندگی شهروندان دارند. بر این میزان رضایت آنها از کیفیت زندگی بیشتر می‌شود. بنابراین این فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه سوم – امروزه زندگی در شهرها بیش از هر دوره دیگری وابسته به خدمات شهری شده است؛ بطوریکه این خدمات نقش

بسیار مهمی در کیفیت زندگی شهروندان دارند. بر این مبنا فرضیه سوم و آخرین فرضیه این پژوهش بدین صورت مطرح شده است که بین کیفیت زندگی با میزان رضایت مردم از خدمات رسانی دستگاه‌های متولی شهری در زمینه‌های مختلف عمرانی، بهداشتی، آموزشی و غیره رابطه وجود دارد. جهت تأیید و یا رد فرضیه فوق همانند فرضیه قبلی از آزمون آماری

جدول ۱۱. بررسی رضایت شهروندان نواحی از مؤلفه‌های احساس تعلق به مکان با آزمون کروسکال والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ NS عدم معناداری ** معناداری ۱٪

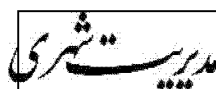
| درجه معناداری (sig) | ضریب کای اسکوئر | درجه آزادی (df) | میانگین | | | | مؤلفه | |
|---------------------|-----------------|-----------------|---------|---------|---------|---------|-------|-------------------------------------|
| | | | جمع | ناحیه ۴ | ناحیه ۳ | ناحیه ۲ | | ناحیه ۱ |
| ۰,۰۰۹** | ۱۷/۱۳ | ۳ | ۲/۹۵ | ۳/۳۱ | ۳/۰۹ | ۲/۷۲ | ۳/۱۸ | میزان علاقه و دل‌بستگی به محل زندگی |
| ۰,۰۹۸NS | ۲/۵۲ | ۳ | ۲/۲۳ | ۲/۸۷ | ۲/۷۱ | ۲/۶۷ | ۲/۸۱ | احساس دلتنگی به محل زندگی |
| ۰,۰۰۵** | ۱۲/۹۱ | ۳ | ۲/۱۵ | ۳/۳۸ | ۲/۹۶ | ۲/۷۷ | ۳/۰۶ | میل به ماندگاری در محل زندگی |

جدول ۱۲. بررسی رابطه میزان علاقه و تعلق به مکان با کیفیت زندگی با ضریب همبستگی اسپیرمن؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق: ۱۳۹۲ ** معناداری ٪۱

| ردیف | مؤلفه | تعداد نمونه | ضریب اسپیرمن | ضریب معناداری (sig) |
|------|---|-------------|--------------|---------------------|
| ۱ | میزان علاقه و دلبستگی نسبت به محل زندگی | ۳۲۱ | ۰/۲۱۶ | ۰,۰۰۳*** |
| ۲ | احساس دلتنگی نسبت به محل زندگی | ۳۲۱ | ۰/۲۰۴ | ۰,۰۱۰** |
| ۳ | میل به ماندگاری در محل زندگی | ۳۲۱ | ۰/۲۴۵ | ۰,۰۰۰** |

جدول ۱۳. بررسی رابطه رضایت از خدمات شهری با کیفیت زندگی با ضریب همبستگی اسپیرمن؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق ، ۱۳۹۲؛ عدم معناداری NS ** معناداری ٪۱ * معناداری ٪۵

| ردیف | مؤلفه | تعداد نمونه | ضریب اسپیرمن | ضریب معناداری (sig) |
|------|---------------------------------|-------------|--------------|---------------------|
| ۱ | جمع آوری بهداشتی زباله | ۳۲۱ | ۰/۱۱۴ | ۰,۰۰۴۱* |
| ۲ | نامگذاری صحیح خیابان‌ها و معابر | ۳۲۱ | ۰/۱۰۶ | ۰,۰۵۸NS |
| ۳ | درختکاری معابر | ۳۲۱ | ۰/۱۰۱ | ۰,۰۷۲NS |
| ۴ | مبلمان شهری | ۳۲۱ | ۰/۱۳۴ | ۰,۰۱۶* |
| ۵ | شبکه‌ی گاز رسانی | ۳۲۱ | ۰/۱۲۳ | ۰,۰۲۸* |
| ۶ | شبکه‌ی مخابرات | ۳۲۱ | ۰/۱۴۷ | ۰,۰۱۷* |
| ۷ | حمل نقل عمومی | ۳۲۱ | ۰/۰۷۱ | ۰,۰۲۳* |
| ۸ | مراکز و مؤسسات آموزش عالی | ۳۲۱ | ۰/۰۴۷ | ۰,۳۹۶NS |
| ۹ | مراکز بهداشتی و درمانی | ۳۲۱ | ۰/۱۴۹ | ۰,۰۰۸** |
| ۱۰ | مراکز فرهنگی | ۳۲۱ | ۰/۱۷۱ | ۰,۰۳۸* |
| ۱۱ | جدول کثی معابر | ۳۲۱ | ۰/۱۱۲ | ۰,۰۴۹* |



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۱۷

شهروندان تأثیر گذاشته‌اند؛ از جمله آنها جمع‌آوری بهداشتی زباله، مبلمان شهری، مراکز بهداشتی-درمانی، حمل و نقل عمومی و غیره است؛ بنابراین فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار می‌گیرد. بطور کلی بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که دادن امکانات به یک مکان و یا برخوردار بودن یک مکان از نظر شرایط زندگی می‌تواند بر کیفیت زندگی افراد و ارتقاء سطح زندگی آنها تأثیر اساسی بگذارد. پس با ایجاد و گسترش امکانات در یک محیط می‌توان شرایط بهتری برای زندگی فراهم ساخت. از جمله این امکانات؛ ارائه خدمات شهری مطلوب و باکیفیت است که با توزیع و ارائه

اسپیرمن استفاده شده است. بدین صورت که از تک تک مؤلفه‌های خدمات شهری که در جدول شماره ۱۳ ذکر شده است آزمون گرفته‌ایم تا رابطه هر یک از مؤلفه‌ها با کیفیت زندگی شهروندان روشن شود که نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد از بین مؤلفه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند برای رضایت از جمع‌آوری بهداشتی زباله، مبلمان شهری، شبکه‌ی گاز رسانی و غیره ضریب معناداری ۹۵٪ و برای رضایت از مراکز بهداشتی - درمانی ضریب معناداری ۹۹٪ بدست آمده است.

بنابراین، همانطور که در جدول شماره ۱۲ و ۱۳ مشاهده می‌کنید بیشتر خدمات مطرح شده بر کیفیت زندگی

مناسب آن توسط مسئولین در شهر، رضایت شهروندان از کیفیت زندگی بیشتر خواهد شد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نواحی شهری مراکز اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشوری هستند که خود را به عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند اما این نواحی با چالش‌های مهمی در زمینه‌های تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، کمبود مسکن، و ترافیک روبرو هستند که این مشکلات کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهد. این مسائل و معضلات باعث شده تا امروزه کیفیت زندگی شهری به عنوان کلیدی‌ترین مفهوم در برنامه‌ریزی شهری مطرح شود. علاوه بر این چون کیفیت زندگی نشان دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی مناطق است، می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود. با توجه به مطالب ذکر شده، در این مقاله تلاش شده تا به بررسی سطح کیفیت زندگی شهروندان در نواحی مختلف شهر نیشابور با در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی - زیست محیطی بپردازیم. در مورد فرضیه اول، نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که ابعاد مورد بررسی (اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، کالبدی - زیست محیطی) در سطح نواحی مختلف شهر نیشابور متفاوت است؛ بطوریکه نتایج آزمون مربوطه ضریب معناداری ۹۹٪ را برای هر بُعد نشان می‌دهد در واقع رضایت شهروندان نواحی چهارگانه باهم متفاوت است. همچنین بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که شهروندان ناحیه چهار از کیفیت زندگی بهتری نسبت به سایر نواحی برخوردارند به دلیل اینکه امکانات و خدمات شهری در این ناحیه بیشتر و با کیفیت‌تر است و همچنین مردمی که در این ناحیه زندگی می‌کنند از نظر اقتصادی و اجتماعی وضعیت بهتری نسبت به سایر نواحی دارند. همچنین از نتایج بدست آمده می‌توان استنباط کرد که احساس تعلق به مکان بر روی کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد به گونه‌ای که نتایج آزمون رابطه‌ی مثبت بین این دو

متغیر را نشان می‌دهد بدین معنا که هر چه وابستگی و داشتن احساس تعلق به یک مکان در بین مردم بیشتر باشد رضایت آنان از کیفیت زندگی‌شان بیشتر خواهد بود بنابراین با تقویت عناصر فرهنگی و تاریخی که در این شهر وجود دارد و همین طور با ارائه خدمات بیشتر، می‌توان باعث افزایش احساس تعلق به مکان در بین شهروندان شد.

در رابطه با فرضیه‌ی سوم باید گفت که بین رضایت مردم از خدمات رسانی دستگاه‌های متولی شهری در زمینه‌های مختلف با کیفیت زندگی رابطه مثبتی وجود دارد به طوریکه نتایج آزمون نشان داد بیشتر مؤلفه‌های مطرح شده بر روی کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارند. در واقع هر چه این خدمات بیشتر و با کیفیت‌تر و با نیازهای مردم منطبق باشد رضایت آنها از سطح کیفیت زندگی‌شان بیشتر خواهد بود. بنابراین از آنجا که مفهوم کیفیت زندگی تمامی جوانب زندگی انسان مورد بررسی قرار می‌دهد برنامه‌ریزان با بررسی این مفهوم می‌توانند با بسیاری از مسائل و معضلاتی که مردم با آن سروکار دارند آشنا شوند. در پایان با توجه به نتایج بررسی‌ها و یافته‌های تحقیق، پیشنهادات و توصیه‌های به منظور ارتقای سطح کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه و برون رفت از وضعیت موجود ارائه و تدوین می‌شود.

– پراکنش مناسب خدمات در سطح نواحی مختلف شهر جهت دسترسی مناسب شهروندان.

– تکمیل طرح‌های مربوط به تأسیسات شهری از جمله؛ تکمیل طرح فاضلاب شهری به ویژه در ناحیه سه و تعریض معابر در بافت فرسوده.

– استفاده از فضاهای خالی و بناهای مخروبه و رها شده در هر ناحیه برای تأمین کاربری‌های مورد نیاز و افزایش امنیت شهروندان.

– اصلاح سیستم حمل و نقل عمومی و توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل متناسب با توسعه شهر در سطح نواحی.

– نتایج تحقیق بیانگر اینست که بیشترین آلودگی‌ها در ناحیه سه وجود دارد، بنابراین با ساماندهی صنایع مزاحم و انتقال آنها به شهرک صنعتی می‌توان آلودگی صوتی و آلودگی هوا را در این ناحیه کم کرد.

- افزایش خدمات اجتماعی - فرهنگی نسبت به جمعیت نواحی از جمله؛ کتابخانه، فرهنگ سرا و کانون فکری و پرورشی در سطح نواحی بخصوص در حاشیه ناحیه سه و دو.
- مشارکت دادن ساکنین و ارتقاء سطح مشارکت آنها در نیازسنجی، تصمیم گیری و اجرای برنامه های محلی که باعث بالا رفتن سرمایه اجتماعی می گردد.
- ارتباط مستمر شورای شهر و مسئولین شهری با مردم جهت آگاهی از نیازها و خدمات مورد نیاز آنان در زمینه های مختلف به خصوص در نواحی محروم تر.
- ایجاد بازارهای روزانه و هفتگی در سطح نواحی شهر جهت افزایش رفاه حال شهروندان، چون بیشتر بازارها در مرکز شهر قرار دارد و مناطق حاشیه ای از دسترسی به این بازارها محروم هستند.
- جذب سرمایه گذاران بخش خصوصی در زمینه ایجاد صنایع و تقویت صنایع بومی مانند صنعت ذوب آهن، صنعت ایران خودرو و غیره از طریق سیاست های نظیر معافیت های مالیاتی، ارائه مشوق های مالی و غیره می توان زمینه اشتغال جوانان و افراد بیکار را فراهم نمود.
- تقویت زیرساخت های گردشگری (نظیر: ایجاد هتل ها، مسافرخانه ها، رستوران ها و غیره) در سطح شهر جهت کسب درآمد بیشتر.
- ساماندهی جهت توسعه شهر و جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت زمین و مسکن در برخی از نواحی از جمله در ناحیه چهار.
- منابع و مآخذ**
۱. امینی، مهدی (۱۳۸۵) شاخص های کیفیت زندگی شهروندی و نقش و وظایف دولت، هفتمین کنفرانس بین المللی مدیران کیفیت، تهران.
 ۲. باسزا، مهدی و همکاران (۱۳۸۹) رتبه بندی شاخص کیفیت زندگی در استان های کشور، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۷.
 ۳. بحرینی، حسین (۱۳۷۸) تجدد، فراجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، دانشگاه تهران.
 ۴. بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۳) مجموعه مباحث و روش های شهرسازی، معیارهای آسایش صوتی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
 ۵. پورجعفر، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۴) برنامه ریزی کیفیت زندگی در مراکز شهری، تعاریف و شاخص ها، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲.
 ۶. جاجرمی، کاظم و ابراهیم کلتی (۱۳۸۵) سنجش وضعیت شاخص های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان مطالعه موردی: گنبد قابوس.
 ۷. خادم الحسینی، احمد و همکاران (۱۳۸۹) سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره سه.
 ۸. دهداری، طاهره (۱۳۸۱) بررسی تأثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران با عمل جراحی قلب باز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس.
 ۹. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و همکاران (۱۳۹۰) ارزیابی توزیع کیفیت زندگی در مناطق روستایی مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان، پژوهش های روستایی، شماره دوم.
 ۱۰. زیاری، کرامت الله و همکاران (۱۳۸۹) تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران، پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره دوم.
 ۱۱. سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۱) فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای، چاپ دوم، دانشگاه شیراز.
 ۱۲. علی اکبری، اسماعیل و مهدی امینی (۱۳۸۹) کیفیت زندگی شهری در ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۵)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶.
 ۱۳. غیاثوند، الهام (۱۳۸۸) تأثیر سرمایه ی اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری، فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۴۵.
 ۱۴. کیانپور، مسعود و علی ربانی خوراسگانی (۱۳۸۶) مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی: مطالعه موردی شهر اصفهان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۵، شماره ۵۹، ۸۵.
 ۱۵. لطفی، صدیقه (۱۳۸۸) مفهوم کیفیت زندگی شهری؛

29. Rapley M., (2003). quality of life research, acirtical introduction, SAGE publication.

تعاریف و سنجش آن در برنامه ریزی شهری، فصلنامه علمی پژوهشی انسانی، سال اول، شماره چهارم. ۱۶. مدیح، عباسعلی (۱۳۸۵) نیشابور و استراتژی توسعه، انتشارات شهر فیروزه.

۱۷. محمدی، جواد و همکاران (۱۳۸۹) سنجش شاخص های کیفیت زندگی از نظر شهروندان شهر مشهد، فصلنامه ی مطالعات مدیریت شهری، شماره ی سوم.

۱۸. مهدوی، شهرام (۱۳۹۱) ارزیابی و سنجش شاخص های توسعه در مناطق شهری، با تأکید بر کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر کاشان)، پایان نامه کارشناسی ارشد.

۱۹. موسوی کربلایی، سید محمد (۱۳۸۵) شورا های اسلامی تحقق آرمان جمهوریت در نظام اسلامی، ماهنامه شهرداری ها، سال ششم، شماره ۷۴.

20. Allen J., voget. rebecca and cordes,S., (2002). quality of life in rural nebraska: trends and changes .institute of agriculture and natural resources

21. Harp ham T., and et al (2001). Healthy City Projects in Developing Countries: the First Evaluation, South Bank University, London

22. Lee Y.J., (2008). Subjective Quality of Life Measurement in Taipei, Building and Environment, No. 43(7): 1205-1215

23. Pal, A.K.Kumar,U.C., (2005). Quality of Life Concept for the evalution of Societal Development of rural Community in west Bangal, India, rural development, Vol. 15, No. 2

24. Profect M., (1992). Planning for Urban Quality, London, Societal Development of Rural Community in West Bangal, India, Rural Development, 4 (2). 122-135.

25. Schalock R. L.,(2004). the Concept of Quality of Life: What we Know and Do not Know. Journal of Intellectual Disability Research, Vol 48: 203- 16.

26. Rahman M., and et al (2003) Measurin the Quality of Life Across Countries: A sensitivity analysis of well-being indices, wider international conferences on inequality, poverty and human well-being, May 30-3 2003, Helsinki, Finland.

27. Tuan seik F., (2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998).

28. WHOQOL G., (1993). Study protocol for the world Health organization project to develop a quality of life assessment instrument, Quality of Life Research.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۲۰

تحول تیپ‌های رابطه‌ای دولت- جامعه در فرایند توسعه‌ی شهری: از «وابستگی» به «توانمندسازی»

حمیدرضا جلائی‌پور - دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
تقی آزاد ارمکی - استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
غلامحسین کلانتری - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
علی بقائی سرابی* - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Evolution of State- Society Relations Types in the Process of Urban Development: From Dependency to Empowerment

Abstract

In this article Urban Development is perceived not merely as a state-directed or society-oriented process, but as a relational process between multiple agents. The focus of this view is on the types and properties of relations between state agents of urban management and social actors. Here, according to the world experiences, is said that the power relations between the agents and actors is changing at the surface level towards a more democratic and more egalitarian types of relation, but at the deep level is resulting to enforcement of preexisting power relations that are ultimately non-democratic, non-egalitarian, non-visible, non-upstanding, non-resistible and subtle. This statement is documented by evidence from the evolution of the types of relations from dependency to empowerment.

Keywords: urban development, Relations Types in the Process of Urban Development, Dependency, Empowerment.

چکیده

در این مقاله «توسعه‌ی شهری» نه به عنوان فرآیندی صرفاً «دولت‌محور» یا «جامعه‌محور» بلکه به مثابه‌ی یک فرایند «رابطه‌ای» میان کارگزاران چندگانه دیده می‌شود. در این نگاه، کم‌ و کیف رابطه‌ی کارگزاران دولتی مدیریت شهری و کنشگران جامعه محل بحث قرار می‌گیرد. در اینجا بر اساس تجربیات جهانی به تحولاتی پرداخته می‌شود که در آن رابطه‌ی «قدرت» میان آن کارگزاران در ظاهر به سوی رابطه‌ی «دموکراتیک‌تر» و «برابانه‌تر» در حال تغییر است اما در باطن «تقویت‌کننده‌ی» روابط قدرت از پیش موجودی است که به غایت «غیردموکراتیک‌تر» و «نابرابانه‌تر»، «غیرقابل مشاهده‌تر»، «غیرمستقیم‌تر»، «غیرقابل مقاومت‌تر» و «موذیانانه‌تر» است. این گزاره با استناد به تحول تیپ آن رابطه از «وابستگی» به «توانمندسازی» صورت می‌گیرد. واژگان کلیدی: توسعه شهری، تیپ‌های رابطه‌ای دولت- جامعه، وابستگی، توانمندسازی.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۵۹۵۳۱۵۳، رایانامه: abaghaei@ut.ac.ir

این مقاله از رساله دکتری علی بقائی سرابی استخراج شده است.

مقدمه

«طبق» برنامه یا «برخلاف» برنامه‌های توسعه‌ای طراحی شده توسط طراحان (خواه خود شهروندان در تدوین آن دخیل باشند یا نباشند) عمل کنند و در نتیجه‌ی کردار همین شهروندان است که چیزی به نام «توسعه‌ی شهری» بر ساخت می‌شود (یا نمی‌شود).

با این حساب، در ادبیات «توسعه‌ی شهری»، توسعه‌ای که با عاملیت اصلی جامعه شکل می‌گیرد «توسعه‌ی جامعه‌محور»^۶ یا «توسعه‌ی از پایین به بالا»^۷ (1991 DuBois) نامیده می‌شود. آن جامعه‌ای که نقش مسلطی در این نوع از توسعه دارد نیز با عناوینی نظیر «جامعه‌ی توسعه‌گرا» یا «جامعه‌ی قوی» (2004 Migdal) شناخته می‌شود.

بدین ترتیب، دست‌کم دو کنشگر یا بازیگر اصلی در فرایند «توسعه‌ی شهری» در محدوده‌ی مرزهای ملی قابل شناسایی است: دولت و جامعه.^۸ وجه مغفول، و در عین حال به لحاظ هستی‌شناسانه مهم‌تر در مطالعات «توسعه‌ی شهری»، عبارت است از «رابطه‌ی دولت و جامعه در فرایند توسعه». رابطه‌ی این دو، فی‌نفسه، موجودیتی متمایز از موجودیت دولت یا جامعه داشته و بایستی به عنوان یک هستی اجتماعی معین مورد مطالعه قرار بگیرد. بر این اساس، نه خود دولت و نه خود جامعه به تنهایی حائز عاملیت مطلق در فرایند «توسعه‌ی شهری» نیستند. بلکه آن‌ها عاملیت خود در فرایند توسعه را از کم‌وکیف رابطه‌شان با همدیگر (و احیاناً با سایر کنشگران درگیر در این فرایند) کسب می‌کنند نه صرفاً از قابلیت‌های مجزای خودشان (Kulmala, 2011: 56; Eom, 2011).

به همین دلیل، در ادبیات «حکمرانی خوب شهری» نیز دولت و جامعه هیچ‌یک «جایگزینی» برای یکدیگر به شمار نمی‌روند بلکه هرگونه دستاورد «توسعه‌ی شهری» از رهگذار رابطه‌ی خاص دولت و جامعه می‌گذرد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۰، ص ۲۸). بر این مبنا، توسعه‌ی شهری ناشی از رابطه‌ی دولت-جامعه با عنوان «توسعه

امروزه یکی از گزاره‌های مسلّم‌انگاشته شده‌ی رایج در محافل علمی و مدیریتی شهری این است که «توسعه‌ی شهری» در کشورهای موسوم به «در حال توسعه» بدون نقش‌آفرینی «دولت» امکان‌ناپذیر است (1997 DuBois, 1991; Migdal). به طور معمول توسعه‌ای که با نقش‌آفرینی گسترده‌ی «دولت» طراحی، مدیریت و اجرا می‌شود، با عناوینی نظیر «توسعه‌ی دولت‌محور»^۱ (Kohli, 2004) یا «توسعه‌ی از بالا به پایین»^۲ (DuBois, 1991) شناخته می‌شود. دولت عامل در این نوع از توسعه نیز با عناوینی نظیر «دولت توسعه‌گرا» (Evans, 1996, Kumar, 2004) یا «دولت قوی» (Migdal, 2004) معرفی می‌شود. هم چون اغلب کشورهای «در حال توسعه»، در ایران نیز «توسعه‌ی شهری» فرایندی با نقش‌آفرینی غالب دولت است (آزاد، ۱۳۷۹؛ غنی‌نژاد، ۱۳۷۷؛ صدیق و ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۴؛ ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۶؛ سریع‌القلم، ۱۳۷۷؛ امیراحمدی، ۱۳۸۱؛ اوانز، ۱۳۸۰).

اما، فرض نهفته در پس‌گزاره‌ی بالا نقش‌آفرینی خود «جامعه» در فرایند توسعه‌ی شهری است. جامعه، کنشگر یا بازیگر دیگر این فرایند است که در ادبیات توسعه‌ی شهری در قالب «توسعه‌ی جامعه‌محور» یا «جامعه‌ی قوی» تئوریزه شده است. قائلین به این گزاره معتقدند خواه توسعه‌ی شهری پروژه‌ای دولتی قلمداد شود (دولت‌محور) یا برنامه‌ای اجتماع‌بنیاد (جامعه‌محور) (Migdal, 1988)، جامعه در فرایند توسعه «عاملیت»^۳ دارد. جامعه عاملیت (قابلیت) رانش «توسعه‌ی شهری» را دارد. یکی از پشتوانه‌های نظری اظهاراتی نظیر آنچه که گفته شد نظریه‌های موسوم به «زندگی روزمره»^۴ است که طبق آن ادعا می‌شود تمام برنامه‌های توسعه‌ی شهری در «کردار»^۵ شهروندان به سرانجام می‌رسند. بر این اساس، شهروندان قادرند



1. State-Directed Development
2. Top-Down Development
3. Agency
4. Everyday Life Theories

5. Practice
6. Society-Directed Development
7. Down-Top Development

۸. یکی دیگر از کنشگران یا بازیگران مطرح در فرایند توسعه، «نظام جهانی» است.

مشارکتی» (Mohan, 2007)، «حکمرانی شراکتی» یا «سرمایه‌داری مردمی» (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۰، ص ۲۹) شناخته می‌شود.

بر اساس همین ملاحظات در رشته‌های علمی مرتبط با فرایند «توسعه‌ی شهری» نظیر برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی شهری، معماری و مدیریت شهری اقدام به بازنگری اساسی در نقش‌های دولت و جامعه شده است. وقتی بنا بر ردگیری نقش‌های دولت در «توسعه‌ی شهری» با ملاحظه‌ی «رابطه‌ای بودن» آن فرایند باشد می‌توان از تحوّل آن نقش‌ها به ترتیب از «دولتِ بنا»، «دولتِ برنامه‌ریز»، «دولتِ تدارکات‌گر»، «دولتِ یاری‌گر»، «دولتِ تنظیم‌گر» تا «دولتِ شریک جامعه» نام برد.

این تغییر پارادایم از «تک‌محوری‌انگاری» دولت یا جامعه به «رابطه‌مداری» در توسعه‌ی شهری نوعی «چرخش رابطه‌ای» قلمداد می‌شود. این رخداد به نوبت خود محلّ مجادله‌ی دیگری شده است؛ به طوری که گفته می‌شود کارگزاران دولتی مدیریت شهری با طرح عبارات جدیدی نظیر «شهروند خوب»، «شهروند فعال» و «شهروند مسئولیت‌پذیر» در مقابل «شهروند پُرمخاطره»^۹ و «شهروند غیرفعال» برای تقویت اقتدار خود در فرایند توسعه‌ی شهری بهره می‌برند (Schinkle and van Houdt, 2010). بدین ترتیب، چنین پنداشته می‌شود که گفتمان توسعه در قالب نوعی گفتمان حقوقی، «کردارهای شهروندان را در محور توسعه محدود و محصور» می‌سازد. با پشتوانه‌ی این گفتمان حقوقی «مجازات ناهمنوایی شهروندان با کلان‌طرح‌های توسعه‌ی شهری» همواره ممکن می‌شود (DuBois, 1991). در این رابطه کارگزاران دولت به شهروندان آموزش می‌دهند که «چگونه می‌توانند به طور کارآمدانه‌ای در خدمت دولت برای توسعه‌ی شهری» قرار بگیرند. با این کار هم شهروندان «توانایی مدیریت هزینه‌های خود» را خواهند داشت و از این طریق داغ ننگ «بی‌مصرف بودن» و «انگلی بودن» را از پیکره‌ی خود پاک کرده و به تعبیر کارگزاران دولت منزلت اجتماعی

درخوری پیدا می‌کنند (رضایی، ۱۳۷۵) و هم این‌که دولت با نهادن بخشی از هزینه‌های توسعه‌ی شهری روی دوش شهروندان کارآمدی خود را به رخ می‌کشد.

به هر حال، رابطه‌ی دولت-جامعه، به نوبت خود، می‌تواند شکل‌بندی‌های گوناگونی بیابد. یکی از این شکل‌بندی‌ها، که در این مقاله از آن با عنوان «تیپ‌های رابطه‌ای» یاد می‌شود، تیپ رابطه‌ای «وابستگی»^{۱۰} در مقابل تیپ رابطه‌ای «توانمندسازی»^{۱۱} است. در این مقاله به معرفی ساختار آن تیپ‌های رابطه‌ای میان دولت-جامعه پرداخته می‌شود.

اهداف

در مطالعات «توسعه‌ی شهری» در ایران اساساً تعداد معدودی از پژوهش‌ها به موضوع «رابطه‌ی دولت-جامعه» پرداخته‌اند (نگاه کنید به: حاجی‌پور، ۱۳۸۵؛ ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰). این تعداد انگشت‌شمار نیز رابطه‌ی دولت و جامعه نیز را فقط از منظر «جوهرگرایی» (نظریه‌های «دولت‌محور» یا نظریه‌های «جامعه‌محور») مورد بررسی قرار داده‌اند نه از منظر نظریه‌های «رابطه‌گر».

پاره‌ای از پژوهشگران به پشتوانه‌ی دیدگاه «جوهرگرایانه» گمان می‌کنند دولت یا جامعه‌ی ایران، هر یک، از توانایی و قابلیت ذاتی بالقوه‌ای در فرایند توسعه‌ی شهری برخوردار است که طبق قوانین «خود دولت» یا قوانین «خود جامعه» مانع یا تسهیل‌کننده‌ی توسعه‌ی شهری هستند. به عنوان مثال، عده‌ای از پژوهشگران توسعه در ایران با طرح مفهوم «امتناع برنامه» به بحث در خصوص آسیب‌های موجود در سرراه نظام «برنامه‌ریزی شهری» کشور و ناکامی دولت‌ها در دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه‌ی شهری پرداخته و معتقدند: «ذکر اهداف متعدّد و بعضاً ناسازگار و بدون تصریح اولویت‌بندی‌ها در مرحله‌ی تدوین و هم‌چنین عدم همکاری، همدلی و مشارکت کافی مجریان، بخشی‌نگری، چرخش‌های مکرر در مسیر برنامه و وجود چانه‌زنی‌های گسترده جهت اجرای موردی و گزینشی بخش‌های خاصی از برنامه در مرحله‌ی اجرا از مهمترین



معضلات» پیش‌روی نظام برنامه‌ریزی [شهری] کشور است (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷-۸۸). معلوم است که این آسیب‌شناسی‌ها حاوی این مفروض اساسی در این نوع از تحلیل‌ها هست که دولت تنهاکنشگر فرایند توسعه‌ی شهری است. جامعه‌کنشگر غایب در این آسیب‌شناسی‌هاست. با این وجود، ضرورت پژوهش با جهان‌بینی رابطه‌ای از دیدگاه پژوهشگران توسعه‌ی شهری مخفی نمانده است. وجه تمایز، و در عین حال بااهمیت این مقاله، مطالعه‌ی موضوع اصلی جامعه‌شناسی (رابطه‌ی کنشگران اجتماعی) در فرایند «توسعه‌ی شهری» در میان دو کنشگر اصلی در محدوده‌ی مرزهای ملی است. این‌کار، به نوعی دعوت غیرمستقیم از عموم پژوهشگران برای قدم گذاشتن در مسیر اصلی مطالعات «توسعه‌ی شهری» در حیطه‌ی نظری و تجربی است.

اهمیت موضوع

بیشتر آثار کلان‌امنه‌ی مرتبط با رابطه‌ی دولت - جامعه در ایران با فرض این‌که فرایند توسعه، به خصوص «توسعه‌ی شهری»، در ایران با عاملیت محوری کارگزاران دولتی مدیریت شهری در جریان است به نحوی بر غیبت کنشگران جامعه در این فرایند صحه گذاشته و آن را مانعی اصلی در توسعه‌نیافتگی قلمداد کرده‌اند. «تضاد دولت و ملت» (کاتوزیان، ۱۳۸۷)، «دولت‌ستیزی» (رفیع‌پور، ۱۳۸۳)، «بحران در شخصیت‌ها» (سریع‌القلم، ۱۳۷۷) و «دولت‌محوری» (آزاد، ۱۳۷۹) صفات متعددی است که به رابطه‌ی دولت - جامعه در «توسعه‌ی [شهری]» ایران نسبت داده می‌شود. برای نمونه، «کاتوزیان» با طرح مختصات نظریه‌ی «استبداد ایرانی» بر «بیگانگی» دولت و جامعه و «عدم‌اتکای» دولت به نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند. اولی به این معناست که در طول تاریخ مردم ایران چون حقی نداشتند پس وظیفه‌ای هم نداشتند و هرگاه دولت ضعیف یا متزلزل می‌شد، یا بر علیه آن اقدام می‌کردند یا بی‌طرف بودند؛ و چون همه‌ی حقوق در انحصار دولت بود پس همه وظایف هم بر عهده‌ی دولت بود (کاتوزیان، ۱۳۸۷). به

زعم وی رابطه‌ی دولت - جامعه قرارداری نبود بلکه طبیعی بود: مردم اطاعت می‌کردند چون مجبور بودند. دولت هم اگر وظیفه خود را انجام نمی‌داد نمی‌توانست قدرتش را حفظ کند (همان).

از دیدگاه «رفیع‌پور» مشخصه‌ی اصلی رابطه‌ی دولت - جامعه در ایران «دولت‌ستیزی» است. به زعم او این میراث فرهنگی در توسعه باید لحاظ شود که مردم دولت و حکومت را به عنوان ارزش منفی قلمداد می‌کنند. از منظر مردم، دولت عنصر «منفی و بد» است و «مخالفت» با آن مشروع و مجاز است، حتی اگر دولت بخواهد در قالب طرح اقتصادی کاری برای رفاه همین مردم انجام دهد (رفیع‌پور، ۱۳۸۳، ص ۴۴ - ۴۹). دولت‌ستیزی در رفتار غیرتوسعه‌ای و غیربرنامه‌ریزی شده و ضدبرنامه‌ی توسعه ظاهر می‌شود. افراد جامعه احساس می‌کنند هر چه از برنامه‌های توسعه‌ای انتقاد کنند بیشتر مورد قبول جمع واقع می‌شوند. از مردم انتظار می‌رود در مورد اداره‌کنندگان کشور انتقاد کنند و هر کس چنین نکند «وکیل‌الدوله یا دولتی» نامیده می‌شود (همان، ص ۴۶۹). لذا در هر مرحله‌ای باید «نگاه» دولت به «شهروندان» مورد بازنگری قرار گیرد. اکثر دولت‌ها «مردم» را در حد «رعیت» می‌پندارند (که باید مالیات پرداخته و از قانون اطاعت کند) نه به عنوان «شهروند» یا «مشتری». کارگزاران دولتی، به استثنای دوره‌های نزدیک به انتخابات، خدمات و کالاهای عمومی را با کیفیت پایین، با تأخیر و «متکبران» ارائه می‌کنند. نگاه «ارباب - رعیتی» دولت به جامعه به هر دلیل که استقرا یافته باشد، اکنون وقت آن رسیده است که «صدای شهروندان» در طراحی، ارائه و ارزیابی خدمات عمومی به حساب آورده شود (خیرخواهان و عیسی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۶۰۷ - ۶۰۸).

«سریع‌القلم» با بیان این‌که علل توسعه‌نیافتگی ایران یا از «بحران در افکار و پارادایم‌ها» یا از «بحران در افراد، شخصیت‌ها، خلیات، و روحیات و طبایع آنها» ناشی می‌شود، مشخصاً به این نکته اشاره می‌کند که «شهروند ایرانی» به عنوان کنشگر دیگر فرایند توسعه در حال حاضر با توسعه مشکل دارد. «در دوسده‌ی گذشته... شخصیت مخالف توسعه‌ای و قبیله‌ای ما هم چنان باقی مانده

شهری» و تأثیرپذیری آن از نوع (تیپ) «تکنولوژی قدرت» غالب موضوع پژوهش‌های کثیری از محققان قرار گرفته است. تمامی آثاری که در این بخش از نوشتار ارائه می‌شود در دو مورد اشتراک دارند. اول این‌که، بر تحول «رابطه‌ی دولت-جامعه» در توسعه‌ی شهری از یک نوع (تیپ) به نوع (تیپ) دیگر تأکید می‌کنند؛ دوم، به بررسی نقش انواع مختلف «تکنولوژی‌های قدرت» در شکل‌گیری و تحول «رابطه‌ی دولت-جامعه» می‌پردازند.

نکته‌ی مهم در اینجا این است که برخی از این آثار «سوی‌گیری منفی» نسبت به تحول «رابطه‌ی دولت-جامعه» دارند و برخی دیگر «سوی‌گیری مثبت» به سخن دیگر، دسته‌ای از این آثار تحول از یک تیپ رابطه‌ای میان دولت-جامعه در فرایند توسعه‌ی شهری به تیپ دیگر را با میانجی‌گری «تکنولوژی‌های قدرت» «هم‌افزاینده»^{۱۳} ارزیابی می‌کنند و بر این باورند که نوع «رابطه‌ی دولت-جامعه» به سوی رابطه‌ای «همکاری جویانه‌تر»، همراه با «تشریک مساعی بیشتر» و «دوطرفه‌تر» در حال تغییر است. دسته‌ی دیگر از این رابطه با عنوان «هم‌تخریبی»^{۱۴} یاد کرده و ادعا می‌کنند رابطه‌ی مذکور به سوی رابطه‌ای «ستیزه‌آمیزتر»، «خودمختارانه‌تر» و «یک‌طرفه‌تر» پیش می‌رود. در این نوشتار، این آثار به ترتیب با عناوین «آثار خوش‌بینانه» و «آثار بدبینانه» خلاصه و ارائه می‌شوند.

آثار خوش‌بینانه

پژوهش «پیتر اوآنز»: وی در کتاب هم‌افزایی دولت-جامعه: حکومت و سرمایه اجتماعی در توسعه^{۱۵} به بررسی این پرسش اساسی می‌پردازد که چگونه و تحت چه شرایطی کنشگران مدنی می‌توانند به طور ثمربخشی با نهادهای عمومی در راستای اهداف توسعه‌ای «همراه» شوند. حاصل این «همراهی» جایگزینی الگوی رابطه‌ای «ادغام»^{۱۶} با الگوی رابطه‌ای پیشین، «مکمل هم بودن»^{۱۷} است. مکانیسم تبیینی «اوآنز» برای این جایگزینی استقرار «ساختارهای اجتماعی شایسته‌گرا»^{۱۸} و

است» (همان، ص ۱۶). لذا، «در شرایط ما مسئولیت‌پذیری مهمتر از همه چیز است» (همان، ص ۱۹). بنابراین تا ساختارهای منتهی به شخصیت را تغییر ندهیم، ساختارهای سیاسی و اقتصادی متحول نخواهد شد» (همان، ص ۱۶). لذا، راه‌حل «برساخت جامعه‌ی قوی، به زعم او، تولید «شهروند توسعه‌ای» است: «توسعه انسان ویژه‌ای می‌طلبد. نمی‌توان هم توسعه خواست و هم نامنظم بود. توسعه یافتگی به ذهن علمی و شخصیت کاری و انسان مسئولیت‌پذیر و قاعده‌پذیر نیازمند است. بی‌سبب نیست که برخی کشورها با داشتن پول و سرمایه، امکانات و توانمندی‌های بسیار، سرزمین گسترده و دسترسی به منابع جهانی الزاماً توسعه نمی‌یابند» (همان، ص ۱۴).

بزرگترین خدمت یک مدیر، اندیشمند، یک رئیس جمهور، یک نماینده‌ی مجلس به ایران و ایرانی این است که به متحول کردن شخصیتی ایرانیان اهتمام ورزد. ما به یک ایرانی تازه نیاز داریم: یک ایرانی وظیفه‌شناس، مسئولیت‌پذیر، حدشناس، منصف، پُرکار، متدین، بدون هیاهو، با حس و وابستگی به سرزمین، قدرشناس، انتقادپذیر، مطمئن از خود، متکی به خود، کم‌سخن، کم‌ادعا و خودشناس» (همان، ص ۱۷).

تحولات اخیر در رابطه‌ی دولت-جامعه در ایران نشان می‌دهد که بنا بر این است که مدیریت شهری با درگیرکردن شهروندان در مدیریت استفاده از کالاهای عمومی بخشی از هزینه‌های فرایند توسعه را روی دوش شهروندان بگذارد». این تحول مربوط به آثار اجرای قانون «هدفمندسازی یارانه‌ها» می‌شود که با آن چنین پنداشته می‌شود که پارادایم رابطه‌ی دولت-جامعه در مدیریت شهری تغییر یافته و رشته‌های «پیوند دولت و جامعه» پاره شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

نوع (تیپ) «رابطه‌ی دولت-جامعه» در فرایند «توسعه‌ی

13. Synergic
14. Ontagonism
15. State-Society Synergy: Government and Social Capital in Development

16. Embeddedness
17. Complementarity
18. Egalitarian Social Structures

«دیوان سالاری دولتی منسجم و قوی»^{۱۹} است. این الگوی جدید از دید «اوانز» حاکی از «هم‌افزایی رابطه دولت جامعه» است (Evans, 1997).

پژوهش «بانک جهانی»: این بانک در گزارشی با عنوان هم‌افزایی دولت-جامعه در راستای پاسخگویی: درس‌هایی از بانک جهانی^{۲۰} به بررسی شیوه‌های مختلفی پرداخته که از آن طریق جامعه می‌تواند با دولت «تعامل» کند تا «پاسخگویی» را ارتقاء بخشد. از دید «بانک جهانی» الگوی تعامل دولت-جامعه در این فرایند (ارتقاء پاسخگویی) از تیپ «دستوردهی و کنترل»^{۲۱} به الگوی «فشار از پایین»^{۲۲} تغییر یافته است. عامل این تغییر شگرف در الگوی «رابطه‌ای دولت-جامعه» «اقدامات متخصصان» و «بوروکراسی برخوردار از پشتوانه‌ی مالی» است (World Bank, 2004).

پژوهش «یان بارنز»: این متفکر در نوشته‌ای با عنوان تکنولوژی و شهروندی که در کتاب مابعدساختارگرایی، شهروندی و سیاست اجتماعی منتشر شد به این موضوع پرداخت که پیشرفت‌های تکنولوژیکی معاصر چه نقشی در تقویت عمل «شهروندی فعال» دارند؟ وی الگوی رابطه‌ای غالب میان دولت-جامعه را پیش از اعمال این تکنولوژی‌ها با عنوان «شهروندی منفعل»^{۲۳} (شهروندی مقید) و بعد از آن با عنوان «شهروندی فعال»^{۲۴} معرفی می‌کند (Petersen et al, 1999).

پژوهش «پنی لئونارد»: وی با نگارش کتابی با عنوان ترویج رفاه؟ سیاست اطلاعاتی حکومت و شهروندی اجتماعی به مطالعه‌ی رابطه‌ی سیاست اطلاعاتی و نگرش حکومت به شهروندی و حقوق شهروندی پرداخت. وی الگوی رابطه‌ای حکومت-جامعه را از حالت «سیاست اجتماعی مصرف‌مدار»^{۲۵} به حالت «سیاست اقتصادی تولیدمدار»^{۲۶} در تغییر می‌بیند. ساز و

کار عامل در این تغییر «سیاست اطلاعاتی» مورد استفاده توسط کارگزاران دولت است (Leonard, 2003).

پژوهش «لیزا بلوم‌گرین بینگهام» و همکاران: وی با نگارش مشترک کتابی با عنوان حکمرانی جدید: عملکردها و فرایندهایی برای سهام‌داران و مشارکت شهروندی در کار حکمرانی^{۲۷} به معرفی «چهره‌ی دیگر حکمرانی جدید» پرداخت؛ چهره‌ای که شامل «شهروندان»، «ابزارسازان» و «کاربران ابزار» و فرایندهایی است که از طریق آن شهروندان در کار حکومت مشارکت می‌کنند. چنین وضعیتی بدین معناست که الگوی رابطه‌ای «سیاستگذاری سازمانی سلسله‌مراتبی»^{۲۸} جای خود را به الگوی رابطه‌ای «مشارکت شهروندان در کار حکومت»^{۲۹} داده است. «تکنولوژی قدرت» عامل در جایابی این الگوی رابطه‌ای جدید «فرایندهای قانونی و نیمه‌قضایی حکومت» است که شامل «دموکراسی رایزنانه»، «دموکراسی الکترونیکی»، «بودجه‌بندی مشارکتی» و نظایر این‌ها می‌شود (et al, 2005).
(Bloomgren).

پژوهش «علی‌اعظم محمدبیگی»: این پژوهشگر با نگارش مقاله‌ای با عنوان حدائق سهم هر ایرانی در پیشرفت و توسعه با یادآوری این نکته که راهبردهای توسعه در ایران عموماً مصرف «افزایش تولید» می‌شود معتقد است که این راهبرد راه‌حلی تکمیلی دارد و آن «مشارکت مردم در مصرف مقتصدانه، صحیح و معقول کالاها و خدمات و حفظ ظرفیت‌های موجود ارائه‌ی کالاها و خدمات» است. کالاها و خدمات مصرفی چند دسته هستند: اول، کالاها یا خدمات «عمومی» که «قابل تملک شخصی» نبوده و با قیمتی نازل تقریباً برای هر شهروندی ارائه می‌شود؛ دوم، کالاها و خدمات «شخصی» که قابلیت تملک شخصی دارند؛ و سوم، کالاها و خدمات «اداری-سازمانی». روی سخن وی با تولید و

19. Robust, Coherent State Bureaucracies

20. State-Society Synergy For Accountability: Lessons From World Bank

21. "Command-and-Control"

22. Pressure "from below"

23. Possessive Citizenship

24. Active Citizenship

25. Consumption-oriented Social Policies

26. Production-oriented Economic Policies

27. The New Governance: Practices and Processes for Stakeholder and Citizen Participation in the Work of Government

28. Hierarchical Organizational Decision Making

29. Citizen Participation in the Work of Government

مصرف کالاهای «عمومی» است که در آن مشارکت شهروندان توسعه‌افزایی بیشتری به همراه دارد تا حذف مشارکت. وی به دو سیاست «همگرایی دولت-جامعه در فرایند توسعه» اشاره می‌کند: «تغییر سیاست اعطای یارانه» و «تصحیح باورها و رفتارها در فرهنگ عمومی» (محمدیگی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵).

پژوهش «محمد رضائی»: وی در مقاله‌ای با عنوان قلمرو امر اجتماعی و تأثیر آن بر رابطه‌ی دولت-جامعه سه تیپ رابطه‌ای میان دولت و جامعه^{۳۰} را بازشناسی کرده است: اول، رابطه‌ی «فعالانه، نامتساهلانه و جزم‌گرا» که در قلمرو «امراجتماعی» اتفاق می‌افتد. در این رابطه هر کدام از طرفین رابطه خود را در مقام حق می‌بیند و کمتر با دیگران مدارا می‌کند. فعالانه بودن این رابطه بر «خصوصیت‌آمیز بودن» آن اشاره دارد؛ دوم، رابطه‌ی «منفعلا نه» که بر رابطه‌ی «استبدادی» و «یک‌طرفه‌ی» کارگزاران دولت با شهروندان دلالت دارد؛ سوم، رابطه‌ی «فعالانه، نامتساهلانه و سرکوب‌گر» که بر «تکلیف» شهروندان در رابطه با دولت تأکید می‌کند تا بر «حق» آنان. وی «رابطه‌ی متناسب دولت و جامعه» را بر مفهوم «همیاری مدنی» بنا می‌کند. این تیپ رابطه‌ای به «نفوذ سیاسی» شهروندان در «تصمیم‌گیری‌های حکومتی» اشاره می‌کند. کم‌وکیف این «نفوذ سیاسی» دست‌کم به دو عامل بستگی پیدا می‌کند: اول، «توانائی ذهنی شهروندان» که به حالتی ذهنی مبنی بر اعتقاد به امکان تأثیرگذاری بر دولت و پاسخگو کردن دولت در قبال خواسته‌ها و نیازهای شهروندان راجع است و دوم، «توانائی سیاسی شهروندان» که بر توانائی «عملی» تأثیر بر تصمیمات دولت اشاره می‌کند (رضایی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰-۱۴۰).

آثار بدبینانه

پژوهش «اریک شواینگیدو»: وی در کتاب بازسازی

شهروندی، مقیاس‌بندی مجدد دولت و اقتدارگرایی جدید: پلمب‌کردن معادن بلژیک به ارائه‌ی این دعوی همت می‌گمارد که پیدایش اشکال «جهان-محلی» حکمرانی از یک طرف با شکل‌گیری ائتلاف‌های جدیدی از نخبگان و از طرف دیگر با طرد نظام‌مند یا ناتوان‌سازی بیشتر گروه‌های اجتماعی‌یی که پیش از این به لحاظ سیاسی و اقتصادی ضعیف‌تر بوده‌اند همراه شده است. الگوی رابطه‌ای دولت-جامعه پیش از این تحولات با عنوان «دولت کارآفرین جهان-محلی یا دولت کارساز شومپتری»^{۳۱} شناخته می‌شد اما الگوی جدید رابطه‌ی دولت-جامعه را باید با عنوان «اقتدارگرایی جدید»^{۳۲} بازشناسی کرد. مکانیسم تغییر آفرین در این رابطه از نظر این متفکر «مقیاس‌بندی مجدد دولت»^{۳۳} به عنوان یکی از صورت‌های اصلی اعمال «تکنولوژی‌های قدرت» است (Swyngedouw, 1996).

وی در اثر دیگر خود تحت عنوان نوآوری حکمرانی و شهروندان: حیل‌گیری حکمرانی فراتر از دولت^{۳۴} بر آن است که ادعا کند ترتیبات نوآورانه‌ی «حکمرانی فراتر از دولت» اساساً «حیل‌گرانه» هستند. این متفکر معتقد است که الگوی رابطه‌ای میان دولت-جامعه از وضعیت «حکومت: شکل‌های سیاست‌گذاری دولت‌محور»^{۳۵} به وضعیت «حکمرانی: حکمرانی فراتر از دولت»^{۳۶} تبدیل شده است. میانجی این تبدیل «اعمال تکنولوژی‌های جدید حکمرانی» است که در قالب «نوآوری دولت در ابعاد اجتماعی» به منصفی ظهور می‌رسد (Swyngedouw, 2005).

پژوهش «گنورگینا بلکلی»: وی در کتاب حکمرانی بر خود: مشارکت و حکمرانی در بارسلونا و منچستر تلاش می‌کند تا وجود دو نوع تناقض در ترتیبات حکمرانی جدید در دو شهر اروپایی را معرفی کند. اولین پارادوکس این است که با وجود تکثرو به «افزایش کنشگران فعال در



۳۰. نویسنده به روشنی متذکر می‌شود که این تیپ‌سازی بر مبنای «کنش سیاسی» شهروندان و «عملکردهای سیاسی آنان در ارتباط با دولت» ساخته شده است تا بر مبنای «کنش اقتصادی و توسعه».

31. 'Glocal Entrepreneurial' or 'Schumpeterian Workfare' State
32. New Authoritarianism
33. Re-scaling of the State
34. Governance Innovation and the Citizen: The

Janus Face of Governance-beyond-the-State
35. Government: State-Centred Forms of Policy-Making
36. Governance: Governance-beyond-the State

حکمرانی» قدرت دولت لزوماً تقلیل نمی‌یابد. دوّمین تناقض در این واقعیت نهفته است که «گسترش عملکردهای مشارکتی» به عنوان بخش جدائی‌ناپذیر شیوه‌های جدید حکمرانی لزوماً به «توانمندسازی شهروندان» نمی‌انجامد. با این وجود به زعم این متفکر الگوی رابطه‌ای دولت-جامعه از حالت «حکومت: شکل سیاستگذاری دولت‌محور» به حالت «حکمرانی فراتر از دولت» یا «محلّی‌گرایی جدید» یا «کارآفرینی‌گرایی دولتی محلّی» تبدیل شده است. مهمترین مکانیسم این تبدیل الگویی «اعمال ترتیبات جدید حکمرانی یعنی اعمال تکنیک‌های بهنجارسازی و وفاق است که از طریق ترویج آزادی» عمل می‌کند (Blakeley, 2010).

تیپ‌های رابطه‌ای: از تیپ رابطه‌ای «وابستگی» به تیپ رابطه‌ای «توانمندسازی»

با در نظر گرفتن تحولات مورد اشاره در اقصی نقاط جهان رابطه‌ای دولت-جامعه در فرایند توسعه شهری» به دو تیپ قابل تقلیل است: اول، تیپ رابطه‌ای «وابستگی»^{۳۷} و دوّم، تیپ رابطه‌ای «توانمندسازی»^{۳۸} (Dean, 2010: 75).

تیپ رابطه‌ای اول: «وابستگی»

در این تیپ رابطه‌ای کنشگر دولتی از «سیاست عمومی‌ای» دفاع می‌کند که در پی نوعی «تدارک منفعت» و «ارائه‌ی خدمات و کالاهای عمومی» به «شهروندان منفعل» (اقشار «آسیب‌پذیر و کم‌توان») باشد. قابل‌پیش‌بینی است که وقتی معیشت شهروندان به منافعی «وابسته» شود که از سوی «دولت رفاه» ارائه می‌شود نوعی «فرهنگ عمومی» شکل می‌گیرد که شهروندان در تطبیق با آن «در انتظار دریافت چنین کمک‌هایی می‌مانند» و چنین انتظاری به جزئی از «سبک زندگی شهروندان یا خانواده‌ها» تبدیل می‌شود (Dean, 2010: 76). آن‌چه در این رابطه محوریت دارد پیوند میان دو چیز «نوعاً متفاوت» است، یعنی پیوند میان «وضعیت اقتصادی وابستگی معیشت فرد به دولت» و

«وضعیت روانی-اخلاقی وابستگی» که از زندگی و سبک زندگی شهروندان و خانواده‌های آن‌ها ناشی می‌شود (Dean, 2010: 76).

«میشل دین» چهار بُعد مختلف برای مفهوم «وابستگی» مورد اشاره‌ی «فریزر» و «گوردون» (۱۹۹۴: ۳۱۲) را معرفی می‌کند؛ چهار گونه‌ی وابستگی‌ای که در هر جامعه‌ای حاضرند اما در هر بُره‌ی زمانی به شیوه‌هایی گوناگون سرهم‌بندی می‌شوند:

اول، «وابستگی اقتصادی» که در آن «معیشت شهروندان» به دیگری وابسته می‌شود؛ دوّم، «وابستگی اجتماعی-قانونی» که در آن «منزلت قانونی شهروندان» تحت تابعیت شخصیت قانونی دیگری قرار می‌گیرد؛ سوّم، «وابستگی سیاسی» که در آن شهروندان از «قدرت بیرونی» پیروی کرده و در غیر این صورت از حقوق شهروندی طرد می‌شوند؛ و چهارم، «وابستگی روانی-اخلاقی» که در آن «کاراگرهای شهروندان» وابسته به عقاید اخلاقی یا مذهبی یا به اشکال اقدام‌های مرتبط با آن عقاید می‌شود (Dean, 2010: 76).

تیپ رابطه‌ای دوّم: «توانمندسازی»

پشتوانه‌ی نظری این تیپ رابطه‌ای «اندیشه‌های لیبرالیسم» است که بر آرمان «خودتعیین‌کنندگی» و «خودمختاری» اتباع تأکید می‌کردند. اندیشمندان توسعه بر این باور بودند که بخشی از «قربانیان توسعه» (نظیر قربانیان نابرابری و تبعیض‌های اجتماعی، محرومان اقتصادی و زیردستان سیاسی) می‌توانند «توانمند شوند» به طوری که از وضعیت «قربانی بودن» رها شده و به طور فعال در تغییر زیست‌جهان خود مشارکت کنند (Dean, 2010: 82). نتیجه‌ی این اندیشه‌ی القاء این باور بود که «میزان توانمندی همه‌ی شهروندان در مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها» است که بازنمای ارزش و وجهه‌ی ترتیبات سیاسی دولت است. این اندیشه در واقع معادل هنجاری مفهوم «عاملیت» است. بر این اساس قلمداد کردن شهروندان به عنوان «عامل» مستلزم «توانمندسازی» آن‌ها می‌باشد. لذا، برنامه‌ی دولت‌ها

37. Dependency

38. Empowerment

«تکنولوژی شهروندی» تنها مطالبه‌ی حاکمیت به منظور «بارکردن سنگینی توسعه روی دوش شهروندان» نیست بلکه از سویی دیگر مطالبه‌ی جناح چپ سیاسی، جنبش‌های حقوق مدنی و موج دوم جنبش فمینیسم هم می‌باشد. «خصوصی‌سازی» نوعی راه‌حل بازاری برای پاسخ به هر دوی این مطالبات است.

۲. دوم، «حکومت بازآفریننده»

«آزبُرن» و «جیبِلر» (۱۹۹۳) مفهوم «حکومت بازآفریننده» را برای اشاره به «بازسازی کارآفرینانه‌ی ارکان دولت» که هدفش نه «خدمت‌رسانی» بلکه «توانمندساختن» شهروندان است، به‌کار می‌برند (Dean, 2010: 83).

۳. سوم، «خودمختاری محلی»

وقتی هدف طولانی‌مدت تیپ رابطه‌ای توانمندسازی «همتراز کردن ساختار قدرت در جامعه از طریق تقویت قدرت جامعه در مدیریت امور مربوط به خودشان» قلمداد شود، پس از این نگاه این مفهوم با «خودمختاری محلی» یعنی «کنترل مردم بر تولید اجتماعی محلی» که در آن زندگی می‌کنند، مترادف دانسته می‌شود (31 Friedmann, 1992: 338 به نقل از Roy, 2010). فرض بر این است که در این رابطه شهروندان می‌توانند صدای نیازها و دلمشغولی‌های خود را مستقیماً به گوش کارگزاران برسانند. این رابطه مشمول سه بُعد «توزیعی»، «رویه‌ای» و «قابلیت‌افزایی» می‌شود (2006: 448 Ebdon and Franklin).

از دیدگاه «تکنولوژی شهروندی» برخی از «روابط سیاسی» میان دولت و شهروندان قادر به ایجاد تیپ رابطه‌ای «توانمندسازی» هستند. این روابط از چهار مشخصه برخوردار می‌باشند:

- مشخصه‌ی اول، مبنای رابطه‌ی «توانمندسازی» شکل خاصی از «مهارت عملی»^{۴۳}، به معنای نوعی «عاملیت در روابط قدرت» میان شهروندان و حاکمان است. در این معنا شهروندان باید به «تمرین آزادی» بپردازند؛
- مشخصه‌ی دوم، رابطه‌ی «توانمندسازی» بنیان‌چیزی است که روکشانک «استفاده‌ی غیرپاسخگویانه‌ی قدرت

برای توانمندسازی شهروندان نمونه‌ای روشن از عقلانیت حکومت‌اندیشی به‌منظور عملیاتی کردن «قابلیت‌های خودحاکمیتی شهروندان» است (83 Dean, 2010). در شکل‌گیری این رابطه صرفاً از کارگزاران دولتی برای استفاده نمی‌شود بلکه از خود شهروندان (به خصوص از «فقر») نیز بهره‌گرفته می‌شود (Dean, 2010: 85). از این رابطه به عنوان «قابلیت آرزومندی»^{۴۴} نیز یاد می‌شود که در راستای گرایش حکومت‌ها به «تمرکززدایی» و «طراحی از پائین به بالا» به منظور فرا رفتن از «رابطه‌ی قیّم‌آبانه‌ی»^{۴۵} دولت و شهروندان معمولی دلالت می‌کند (2004:73 Appadurai, 2008: 424-425 به نقل از Pal).

سه مورد از معروف‌ترین آثار مرتبط با تیپ رابطه‌ای «توانمندسازی» به ترتیب عبارت است از: اول، «تکنولوژی شهروندی»؛ دوم، «حکومت بازآفریننده» و سوم، «خودمختاری محلی».

۱. اول، «تکنولوژی شهروندی»

اولین اثر مرتبط با این تیپ رابطه‌ای توسط اندیشمند آمریکائی به نام «باربارا کروکشانک»^{۴۱} با طرح مفهوم «تکنولوژی شهروندی»^{۴۲} ارائه شده است. این مفهوم به راهبردها یا تکنیک‌هایی راجع است که برای تغییر ذهنیت شهروندان از «بی‌قدرتی» به «شهروندی فعال» استفاده می‌شود. در این جا به دو جنبه توجه می‌شود:

جنبه‌ی اول، بُعد «تکنیکی» یا «تخنه‌ی»^{۴۳} حکومت‌کردن که در این جا به نوعی «تکنولوژی قدرت» قلمداد می‌شود؛

جنبه‌ی دوم، شیوه‌هایی که از طریق آن دولت به سوی ساخت انواع مشخصی از «ذهنیت»^{۴۴} و «هویت»^{۴۵} روانه می‌شود. «تکنولوژی شهروندی» دقیقاً در این معنا استفاده می‌شود، به طوری که در آن به سه موضوع پیوسته به همدیگر تأکید می‌شود: اول، «وقوف» شهروندان به بی‌قدرتی؛ دوم، «نیاز» شهروندان به برخورداری از دانش مربوط به علل بی‌قدرتی و سوم، «نیاز به اقدام» در خصوص این شرایط (Dean, 2010: 83).

39. 'Capacity to Aspire'

40. Patronage Relationship

41. Barbara Kruikshank

42. Technology of Citizenship

43. Techne

44. Subjectivity

45. Identity

46. Expertise

به طور دموکراتیک^{۴۷} می‌نامد. این امر به وضعیتی اشاره می‌کند که در آن دولت از طریق لوایح قانونی اقدام به «تحریک» شهروندان اقشار مختلف برای «ورود به روابط قدرت در سطح محلی» می‌کند تا در نهایت «حداکثر مشارکت عملی» تحقق یابد؛

○ مشخصه‌ی سوّم، رابطه‌ی «توانمندسازی» به یک معنا برملاکننده‌ی «چهره‌ی دیگر قدرت» است، چهره‌ای که نشان‌دهنده‌ی روابط قدرتی است که حاصل «مقوله‌بندی شهروندان» به عنوان «موضوع شناخت» به منظور کسب دانش از خود آن‌ها بر لّه یا علیه خود آن‌ها به حساب می‌آید. بر این اساس گفته می‌شود میان «تکنولوژی شهروندی» و «علوم اجتماعی» پیوند تنگاتنگی برقرار است؛

○ مشخصه‌ی چهارم، روابط «توانمندسازی» شامل چیزی است که «کروکشانک» آن را «اعمال داوطلبانه و اجباری قدرت روی فاعلیت شهروندان» محتاج به توانمندی، می‌نامد. این نوع رابطه‌ی سایر قالب‌های دوگانه‌ی متعارف رابطه‌ی قدرت نظیر «قدرتمند/ بی‌قدرت»، «فاعلیت/ انقیاد» و غیره را از شکل می‌اندازد. لذا، مداخلات دولت مستلزم عمل شهروندان به‌گونه‌ای است که اقدامات دولت مؤثر افتد و شهروندان «تحت انقیاد» این برنامه‌ها قرار گیرند. به‌رغم آن، تنظیمات دولت به‌نحوی ترتیب داده می‌شود که شهروندان تحت توانمندسازی «آزادی» (در فرایندهای توسعه‌ساز) را «تمرین» کنند تا نوع مشخصی از «سوژه‌ی مورد نظر دولت» همراه با «قابلیت تمرین اشکال مختلفی از آزادی» تولید شود (Dean, 2010: 84-85).

«خودمختاری محلی» در مدیریت شهری در نسخه‌های مختلفی ظاهر شده است. «برنامه‌ریزی مبتنی بر محله» یکی از نسخه‌های این تیپ رابطه‌ای است که در آن بر حضور بی‌بدیل عاملین محلی در شکل‌دهی به زندگی روزمره‌ی شهروندان در محیط‌های شهری تأکید می‌شود. در اینجا برنامه‌ریزی در مقیاس «محلی» و «همسایگی» به طور غیرمتمرکز بر برنامه‌ریزی در مقیاس «جهانی» و «ملّی» به طور متمرکز اولویت می‌یابد (1993

Fridman, 2001, 1996; Madanipour). با این نوع برنامه‌ریزی «توسعه‌ی شهری» فرایندی «از طریق شهروندان» قلمداد می‌شود تا «برای شهروندان» این نقش‌آفرینی شهروندان در مقیاس‌های محلی و همسایگی می‌تواند شامل طیفی از «مشارکت محله‌ای» تا «مدیریت محله‌ای» لغایت «خودگردانی» باشد.

چنین رابطه‌ای میان کارگزاران مدیریت شهری و شهروندان به معنای متعادل‌سازی «اقتدار» طرفین است تا این که به معنای «ستاندن» از یکی و «رساندن» آن به دیگری باشد. ساز و کار اصلی این متعادل‌سازی اقتدار طرفین رابطه در فرایند «توسعه‌ی شهری» کم و کیف «سرمایه‌ی اجتماعی» است. رابطه‌ی «توانمندسازی» به سهم خود مورد انتقاد قرار گرفته است. برای نمونه چند ملاحظه‌ی انتقادی بر تیپ رابطه‌ای «توانمندسازی» را معرفی می‌کنم:

○ ملاحظه‌ی انتقادی اوّل، رابطه‌ی قدرت مبتنی بر منطق توانمندسازی «بازی مجموع صفر»^{۴۸} نیست که در آن کنشگران خاصی قدرت را به هزینه‌ی دیگری به‌دست آورند؛

○ ملاحظه‌ی انتقادی دوّم، برخلاف تصوّر اولیه‌ی روابط توانمندسازی را تسهیل‌کننده‌ی مشارکت شهروندان به مثابه‌ی «عامل»^{۴۹} قلمداد می‌کرد، در عمل این روابط با «عاملیت دولت» به پیش می‌رود. آن چه در عمل اتفاق افتاد این بود که عاملیت شهروندان به شیوه‌ای که در این تیپ رابطه‌ای رُخ داده است «بینش آزادی‌بخشانه» به جامعه نمی‌دهد از این جهت که خود عاملی برای «تقویت قدرت دولت» است (Dean, 2010: 86)؛

○ ملاحظه‌ی انتقادی سوّم، این رابطه به مثابه‌ی راهبردی برای «انضباط‌بخشی» به معنای «فوکو»^{۵۰} بی‌قلمداد می‌شود؛ یعنی برای «جلب مشارکت شهروندان در عرصه‌های مقبول»، «محدودکردن صدای آنها به حوزه‌های خاص» و «حذف بنیادهای مقاومت شهروندان در برابر برنامه‌های دولت» به کار رفته است (2004: 756 Elwood, Roy, 2010: 339). به نقل از

○ ملاحظه‌ی انتقادی چهارم، برخلاف پندار اولیه‌ای که

47. 'a Democratically Unaccountable Use of Power'

48. Zero-Sum Game

49. Agent

رابطه‌ی توانمندسازی را مترادف با «افزایش کمیّت توانمندی و قابلیت شهروندان» معرفی می‌کرد، در عمل مترادف با «انتقال کیفی آشکال انقیاد»^{۵۰} شد (86: 2010 Dean).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

این مقاله بازگوکننده‌ی یکی از تحولاتی بود که در فرایند «توسعه‌ی شهری» از «وابستگی» شهروندان به کارگزاران دولتی مدیریت شهری به «توانمندسازی» آنها رخ داده است. به رغم برداشت اولیه از این تحول به دلایل مختلف نشان داده شد که «توانمندسازی» شهروندان در این فرایند الزاماً به «رهایی بخشی» روابط اجتماعی توسعه‌آفرین از قید ساز و کارهای «اجبار»، «زور»، «تحمیل» و «سرکوب» منجر نمی‌شود. در این تیپ رابطه‌ای جدید اعمال قدرت کارگزاران دولت نه از طریق آن ساز و کارهای «منفعل‌کننده‌ی» شهروندان بلکه از طریق ساز و کارهای جدیدتری صورت می‌گیرد که با فعال‌سازی و عاملیت بخشی صوری بخش قابل توجهی از بار «توسعه‌ی شهری» را از روی دوش کارگزاران مدیریت دولتی توسعه برداشته و آن را مستقیماً و توسط «خود شهروندان» روی دوش آنها می‌نهد.

منابع و ماخذ

۱. ابراهیم‌بای سلامی، غلامحیدر (۱۳۸۶) «مناسبات دولت و جامعه از دیدگاه جامعه‌شناختی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵۱: ۳۰-۱۷۵.
۲. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۱) جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی، تهران: انتشارات نقش و نگار.
۳. اوانز، پیتر (۱۳۸۰) نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه‌ی عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو.
۴. ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۰) «سرمایه اجتماعی و توسعه‌ی شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم: شماره ۷.
۵. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۹) اندیشه‌ی نوسازی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۶. حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵) «برنلمه‌ریزی محله - مینا»: رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.

۷. خیرخواهان، جعفر و سعید عیسی‌زاده (۱۳۸۳) «کارت گزارش: راهکاری برای بهبود عملکرد مؤسسات دولتی»، در حکمرانی خوب: بنیان توسعه اثر احمد میدری و جعفر خیرخواهان، تهران: انتشارات مجلس شورای پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۸. رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵) «مشارکت اجتماعی: وسیله یا هدف توسعه»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۹-۵۴: ۱۱۰-۶۳.

۹. رضایی، محمد (۱۳۸۱) «قلمرو امر اجتماعی و تأثیر آن بر رابطه‌ی دولت - جامعه»، در دولت، مردم و همگرایی اثر محسن فردرو و اصغر رضوانی، تهران: نشر آن.

۱۰. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۳) «عناصر زیربنایی جامعه ایران: نظام ایلی، دولت‌ستیزی و ساختار فئودال»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۱-۳۷: ۴۲-۵۲.

۱۱. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۷) «دگرگشت شخصیت ایرانی: سنگ‌بنای توسعه‌ی کشور»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۱-۱۲: ۱۹۲-۲۱.

۱۲. صدیق سروستانی، رحمت‌اله و غلامحیدر ابراهیم‌بای سلامی (۱۳۸۴). «بازگشت به دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴۱: ۲۵-۱۶۵.

۱۳. غلامی‌نتاج امیری، غلامحسین (۱۳۸۵) «آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، پیش‌نیازی برای تدوین استراتژی ملی توسعه اقتصادی کشور»، پژوهش‌نامه اقتصاد، شماره ۷: ۳-۱۷.

۱۴. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۹) تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.

۱۵. کاتوزیان، همایون (۱۳۸۷) تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، تهران: نشر نی.

۱۶. محمدبیگی، علی‌اعظم (۱۳۸۱) «حدّ اقلّ سهم هر ایرانی در پیشرفت و توسعه»، در دولت، مردم و همگرایی اثر محسن فردرو و اصغر رضوانی، تهران: نشر آن.



17. Blakeley, Georgina (2010). 'Governing Ourselves: Citizen Participation and Governance in Barcelona and Manchester', *International Journal of Urban and Regional Research*, 34 (1): 130- 145.
18. Bloomgren Bingham, Lisa, Tina Nabatchi and Rosemary O'Leary (2005). *The New Governance: Practices and Processes for Stakeholder and Citizen Participation in the Work of Government*.
19. Dean, M. (2010). *Governmentality: Power and Rule in Modern Society*, Second Edition, London: Sage.
20. DuBois, Marc (1991), *The Governance of the Third World: A Foucauldian Perspective on Power Relations in Development*, *Alternatives: Global, Local, Political*, Vol. 16, No. 1 (Winter 1991), pp. 1-30.
21. Ebdon, Carol and Aimee L. Franklin (2006). 'Citizen Participation in Budgeting Theory', *Public Administration Review*, 66 (3): 437- 447.
22. Evans, Peter (1996). 'government Actions, social capital and developmen: Reviewing the Evidence of Synergy', *World Development*, 24 (6): 1119-1132.
23. Evans, Peter (1997). *State-Society Synergy: Government and Social Capital in Development*, University of California at Berkeley.
24. Fridman, John (1993), "Toward a Non-Euclidian Mode of Planning-APA Journal", Autumn - 482.
25. Fridman, John (1993), "Toward a Non-Euclidian Mode of Planning-APA Journal", Autumn - 482.
26. Hamdi, Nabeel & Goethert, Reinhard (1997), "Action Planning for Cities, A Guide to Community
27. Hamdi, Nabeel & Goethert, Reinhard (1997), "Action Planning for Cities, A Guide to Community
28. Kohli, Atul (2004). *State-Directed Development, Political Power and Industrialization in the Global Periphery*, Cambridge University Press.
29. Kumar, Amiya Bagchi (2004). *The Developmental State in History and in the Twentieth Century*, Regency Publications.
30. Leonard, Penny (2003). *Promoting Welfare? Government information policy and social Citizenship*.
31. Madanipour, A. (1996), "Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process", London: John
32. Madanipour, A. (2001), "How relevant is 'planning by neighbourhoods' today?", in *Town Planning*
33. Migdal, Joel S. (1988). *Strong Societies and Weak States: State-Society Relations and State Capabilities in the Third World*, Princeton University Press.
34. Pal, Anirban (2008). 'Political Space for the Civil Society: The Work of Two Community-Based Organizations in Kolkata', *Habitat International*, 32: 424-436.
35. Pedersen, Ove K. (1993). 'Selling the State or Building a Society: Private Property Reforms in West and East', *The Journal of Socio-Economics*, 22 (4): 395-415.
36. Practice", New York: John Wiley and Sons Ltd.
37. Practice", New York: John Wiley and Sons Ltd.
38. Review, 72 (2).
39. Roy, Parama (2010). 'Analyzing Empowerment: An Ongoing Process of Building State-Civil Society Relations - The Case of Walnut Way in Milwaukee', *Geoforum*, 41: 337-348.
40. Schinkel, Willem and Friso van Houdt (2010). 'The Double Helix of Cultural Assimilationism and Neo-liberalism: Citizenship in Contemporary Governmentality', *The British Journal of Sociology*, 61 (4): 96-715.
41. Swyngedouw, Erik (1996). *Reconstructing Citizenship, the Re-scaling of the State and the New Authoritarianism: Closing the Belgian Mines*.
42. Swyngedouw, Erik (2005). *Governance Innovation and the Citizen: The Janus Face of Governance-beyond-the-State*.
43. Wiley & Son Ltd.
44. World Bank (2004). *State-Society Synergy for Accountability: Lessons from World Bank*, World Bank Publications.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۳۲

تدوین مدل ساختاری عوامل مکانی مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهری به کمک تحلیل عاملی و تحلیل مسیر

سید عبدالهادی دانشپور - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.
اسماعیل شیعه - استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.
مریم روستا* - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

Compilation the Structural Model of Social Sustainability Place Factors By Factor Analysis and Path Analysis

Abstract

Social problems are among the major issued of the distressed areas in Iran which can be mentioned as "social instability". Moreover, less applied attention is paid to social layers and aspects in preparation of renovation plans for such areas. "Social sustainability" is one of the triple aspects of sustainable development which its theoretical framework can be applied in urban plans and programs along considering improvement of the social situation of urban fabrics. Applied use of this theoretical framework requires compilation of urban planning indicators and factors which would affect promotion of social sustainability. This paper which is a part of the process of a PhD dissertation is seeking to compile the location indicators and factors effective in promotion of social sustainability in urban distressed fabrics to compile the model gained from them. For this, a sectional survey on the rate of effectiveness of location indicators on promotion of Social sustainability gained from the previous step of this research was conducted among 91 experts having the experience of renovation in distresses areas and 176 persons residing in distressed fabrics of Takhti neighborhood in Tehran (as case study). Then, by help of path analysis method and SPSS software the evaluated indicators were categorized in a structure of factors and the model gained from the relations between these factors and their correlation coefficients was compiled by help of path analysis method and AMOS software. According to this, 20 location indicators effective in promotion of social sustainability in distressed fabrics on were categorized in 5 factors of "security", "activity acceptance", "identity acquiring", "physical-spatial integration" and "people-oriented state" and the correlation coefficients between them were determined in the format of the achieved model.

Key words: social sustainability, location indicators, Factor Analysis.

چکیده

معضلات اجتماعی یکی از مسائل مهم بافت‌های فرسوده در ایران است که می‌توان از آن به عنوان «ناپایداری اجتماعی» یاد کرد. با این وجود در تهیه طرح‌های نوسازی برای این گونه بافت‌ها کمتر به لایه و ابعاد اجتماعی به طور کاربردی پرداخته می‌شود. «پایداری اجتماعی» یکی از ابعاد سه‌گانه توسط پایدار است که چهارچوب نظری آن می‌تواند در راستای توجه به بهبود وضعیت اجتماعی بافت‌های شهری، در طرح‌ها و برنامه‌های شهرسازی مورد استفاده قرار گیرد. استفاده کاربردی از این چهارچوب نظری، مستلزم تدوین شاخص‌ها و عواملی شهرسازانه است که بر ارتقاء پایداری اجتماعی اثرگذار باشد. این مقاله که بخشی از فرآیند یک رساله دکتری است، در پی آن است که ساختار شاخص‌ها و عوامل مکانی تأثیرگذار بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهری و مدل حاصل از آن‌ها را تدوین نماید. به این منظور ابتدا پیمایشی مقطعی در باب میزان اثرگذاری شاخص‌های مکانی برآمده از مرحله قبلی این پژوهش بر ارتقاء پایداری اجتماعی، میان ۹۱ نفر از کارشناسان دارای تجربه در نوسازی بافت‌های فرسوده و ۱۷۶ نفر از مردم ساکن بافت فرسوده محله تختی در تهران (به عنوان نمونه موردی)، انجام پذیرفت. سپس با استفاده از روش تحلیل عاملی و نرم‌افزار 2cS، شاخص‌های ارزیابی شده در ساختاری از عوامل دسته‌بندی شده و به کمک روش تحلیل مسیر و نرم‌افزار AMOS مدل حاصل از روابط میان این عوامل و ضرایب هم‌بستگی آن‌ها تدوین گردد. بر این اساس، ۲۰ شاخص مکانی تأثیرگذار بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده در ۵ عامل «امنیت»، «فعالیت پذیری»، «هویت مندی»، «انسجام کالبدی - فضایی» و «مردم مداری» دسته‌بندی و ضرایب هم‌بستگی میان آن‌ها در قالب مدل حاصل تعیین گردد.

واژگان کلیدی: پایداری اجتماعی، شاخص مکانی، تحلیل عاملی، تحلیل مسیر.

۱- مقدمه

مقوله‌بندی شده و شاخص‌های مقوله مکان تعیین شده‌اند. پس از آن شاخص‌های موجود، به کمک روش دلفی^۲، در دو مرحله، با حدود ده تن از اساتید دانشگاه در حوزه شهرسازی، در میان گذاشته شده و فرآیند بومی‌سازی را گذرانده‌اند.

در این مرحله از پژوهش به کمک روش پیمایش مقطعی، میزان تأثیر شاخص‌های حاصل از مرحله قبل، از نظر کارشناسان نوسازی و مردم ساکن در بافت فرسوده ارزیابی شده و به کمک تحلیل عامل و تحلیل مسیر، مدل حاصل از آن‌ها تدوین می‌شود.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- مفهوم پایداری اجتماعی

مباحث توسعه پایدار، در آغاز عمدتاً به موضوعات محیطی توجه داشته است. در واقع می‌توان گفت که در سال‌های انتهایی دهه ۸۰ و طی دهه ۹۰، دغدغه اصلی مطرح در توسعه پایدار، مباحث بوم و محیط بوده است. سپس در سال‌های انتهایی دهه ۹۰ شاهد ورود موضوعات اقتصادی در این مباحث هستیم. مباحث اجتماعی پایداری در سال‌های اخیر و در ابتدای قرن بیست و یک به دغدغه‌های توسعه پایدار تبدیل گردید.

در الگوی سند پایداری کمیسیون برنتلند، از سلامت اکولوژیکی، حیات اقتصادی و سلامت و کیفیت زندگی، به عنوان رویکردهای اصلی توسعه پایدار یاد شده است (WCED, 1987, 54). در دستورکار ۲۱ نیز هدف آرمانی پایداری، برقراری تعادل پویا میان نظام‌های مختلف اجتماعی، بوم‌شناختی و اقتصادی عنوان گردیده است (Agenda 21, 1992, 34). با این حال در بین محققان اتفاق نظر وجود دارد که بعد اجتماعی توسعه پایدار، در میان ابعاد سه‌گانه آن، به شدت مورد غفلت واقع شده است. (et al Colantonio, 2007, Kunz: 2006), Bramley, 2001, Chan & Lee, 2008, 2009, Koning, 2001, Poles & Stern, 2000, Barron & Gauntlett, 2002, 7, 7, Mckenzie 200).

اگرچه ناپایداری کالبدی یکی از معضلات بافت‌های فرسوده و یکی از معیارهای تشخیص این‌گونه بافت‌ها است، اما ناپایداری اجتماعی نیز یکی دیگر از مسائل مهم در این محدوده‌های شهری است که در برنامه‌ها و طرح‌های نوسازی کمتر به آن توجه می‌شود. پایین بودن سرمایه اجتماعی، پایین بودن شاخص هویت و احساس تعلق، پایین بودن شأن اجتماعی و وجود گروه‌های ناهمگون اجتماعی و بسیاری دیگر از این‌گونه ویژگی‌ها، حاکی از نوعی «ناپایداری اجتماعی» در بافت‌های فرسوده ایران است. بنابراین در تهیه طرح‌های نوسازی برای این بافت‌ها، توجه به پیامدهای اجتماعی - مثبت یا منفی - تغییرات کالبدی و نیز برنامه‌ریزی کالبدی معطوف به بهبود وضعیت اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

«پایداری اجتماعی» یکی از ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار و در واقع هدف نهایی آن است که می‌تواند به عنوان یک چهارچوب نظری در تهیه طرح‌های شهری و از جمله طرح‌های نوسازی بافت‌های فرسوده مورد استفاده قرار گیرد. لازمه استفاده از این چهارچوب نظری که برخاسته از حوزه جامعه‌شناسی است، یافتن شاخص‌هایی از آن در حوزه شهرسازی و تدوین مدلی از این شاخص‌ها است که به ارتقاء پایداری اجتماعی کمک کند و چهارچوب نظری پایداری اجتماعی را در طرح‌ها و برنامه‌های شهری کاربردی نماید.

هدف این تحقیق، که بخشی از یک رساله دکتری است، تدوین مدلی کاربردی از شاخص‌های مکانی مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی به منظور استفاده در طرح‌ها و برنامه‌های شهری و به خصوص طرح‌های بازآفرینی بافت‌های فرسوده در ایران است. منظور از شاخص‌های مکانی، شاخص‌های کیفی معطوف به مفهوم «مکان» در حوزه دانش شهرسازی و طراحی شهری است.^۱

در مراحل قبلی این پژوهش، طی فرآیندی علمی، شاخص‌های پایداری اجتماعی از منابع متعدد داخلی و خارجی استخراج گردیده، به کمک روش تحلیل محتوا^۲



۱. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان و طراحان شهری، ایجاد «مکان شهری» است، و «مکان» حالت خاصی از «فضا» است که با هنجارها و ارزش‌های انسانی تنیده شده است و دارای بار معنایی است (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۲۷).

(Mckenzie).

در این پژوهش، که از خاستگاه شهرسازی و محیط‌های شهری به مفهوم پایداری اجتماعی و شاخص‌های آن پرداخته می‌شود، با جمع‌بندی تعاریفی که به بخشی از آن‌ها اشاره شد، پایداری اجتماعی در محیط‌های شهری به عنوان «قابلیت یک محیط شهری به منظور استمرار حضور عادلانه و تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی مختلف در آن» تعریف می‌شود. در این تعریف حضور عادلانه مستمر و تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی، پیش شرط‌ها و پیش‌نیازهایی دارد که در شاخص‌های مکانی پایداری اجتماعی به عنوان موضوع اصلی این پژوهش، به آن پرداخته می‌شود.

۲-۲- پایداری اجتماعی و شهرسازی

در پژوهش‌های بسیاری به مفاهیم کلیدی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایداری اجتماعی پرداخته شده است. برخی از این پژوهش‌ها در حوزه دانش جامعه‌شناسی انجام پذیرفته است. در پژوهش حاضر، رویکرد «شهرسازی» به پایداری اجتماعی مورد نظر است. با این رویکرد نیز چند پژوهش در کشورهای مختلف انجام پذیرفته است. بریمی و همکارانش در پژوهشی ضمن بررسی پانزده محدوده در پنج شهر انگلستان به عنوان نمونه‌های موردی، شاخص‌هایی از پایداری اجتماعی که تحت تأثیر فرم شهری هستند را چنین برشمرده‌اند؛ حس غرور و تعلق، تعاملات اجتماعی، امنیت، کیفیت‌های محیطی، ثبات سکونتی، مشارکت در گروه‌های اجتماعی، استفاده از خدمات خدمات و تسهیلات محلی (Bramley et al.). این گروه، هم‌چنین در پژوهش دیگری، مهم‌ترین نکته در باب تأثیرات فرم شهر بر تحقق پایداری را «تراکم» می‌دانند (Bramley et al). موضوع تراکم در بسیاری دیگر از پژوهش‌های حوزه شهرسازی نیز به عنوان عاملی مؤثر بر پایداری اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (Freeman, Talen, 1999), (Barton, 2000).

چان و لی^۷ در پژوهش خود تلاش کرده‌اند ضمن مرور

تعاریف متعددی از سوی منابع مختلف برای پایداری اجتماعی ارائه شده است. در برخی از تعاریف ارائه شده از پایداری اجتماعی، مفهوم «عدالت و تساوی»، در محوریت قرار گرفته است؛ کونینگ^۵ بیان می‌دارد که پایداری اجتماعی به جامعه‌ای که تساوی حقوق در آن رعایت‌گردد، عاری از محرومیت اجتماعی باشد و از کیفیت خوب زندگی و معیشت برای همگان برخوردار باشد، برمی‌گردد (Partridge, 2005:9, Koning, 2001).

در برخی دیگر از تعاریف پایداری اجتماعی، به جز عدالت، مفهوم «مشارکت» و نیز وجود نهادهای مدنی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. (Litling & Gribler, 2000) «برآورده شدن نیازهای انسانی» و کیفیت زندگی نیز از دیگر مفاهیم مورد توجه در تعریف پایداری اجتماعی است؛ اگر نهادهای مربوطه در یک جامعه، مجموعه مبسوطی از نیازهای انسانی را تأمین کرده و به گونه‌ای شکل داده شوند که طبیعت آن در گذر زمان محفوظ بماند و وعده‌های قانونی عدالت اجتماعی، شأن انسانی و مشارکت به خوبی انجام شوند، پایداری اجتماعی حاصل می‌شود (Colantonio, 2007: 11). چو^۶ معتقد است پایداری اجتماعی، حفظ و ارتقاء شرایطی از زندگی بهتر برای نسل حاضر و آتی است (Chiu, 2003).

توجه به حضور «گروه‌های مختلف اجتماعی» نیز در برخی دیگر از تعاریف ارائه شده از پایداری اجتماعی به چشم می‌خورد؛ توسعه و یا رشدی که با سیر تحولات جامعه مدنی سازگار و هم‌سان باشد و یک زندگی هم‌ساز و موافق گروه‌های مختلف از لحاظ اجتماعی و فرهنگی را تقویت کند. (Poles & Stern, 2005)

در دسته‌ای دیگر از تعاریف پایداری اجتماعی، به «بستر محیطی» مورد نیاز برای تحقق آن اشاره شده است؛ پایداری اجتماعی شهری، توانایی پیوسته یک شهر برای عمل کردن به عنوان یک قرارگاه دراز مدت و حیاتی برای تعاملات انسانی و توسعه اجتماعی و فرهنگی» تعریف می‌شود؛ (Yiftachel & Hedgcock, 1993). پایداری اجتماعی، غنای شرایط زندگی در درون اجتماعات محلی و فرآیند دستیابی به آن شرایط است (2004)

5. Koning
6. Chiu

7. Chan & Lee

جدول ۱. خلاصه‌ای از پژوهش‌های انجام شده در موضوع شاخص‌های پایداری اجتماعی در محیط‌های شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

| ردیف | گروه پژوهشی | سال انجام پژوهش | مهم‌ترین شاخص‌های پایداری اجتماعی در محیط‌های شهری |
|------|---------------|-----------------|---|
| ۱ | Chan & Lee | ۲۰۰۸ | امکانات رفاهی مطلوب حفاظت از منابع طبیعی آفرینش محیط زندگی هماهنگ تسهیل فعالیت‌های زندگی روزانه شکل توسعه در دسترس بودن فضاهای باز |
| ۲ | Bramley et al | ۲۰۰۹ | حس غرور و تعلق تعاملات اجتماعی امنیت کیفیت‌های محیطی ثبات سکوتی مشارکت گروه‌های اجتماعی استفاده از تسهیلات محلی |
| ۳ | Dempsy et al | ۲۰۰۹ | قلمرو عمومی جذاب مسکن خوب کیفیت مطلوب محیط محلی دسترسی پذیری همسایگی پیاده‌مدار |



ادبیات و بررسی نمونه‌های موردی در شرق آسیا، مهم‌ترین ویژگی‌های یک طرح شهری پایدار به لحاظ اجتماعی را تبیین نمایند. این ویژگی‌ها چنین هستند: تدارک زیرساخت‌های اجتماعی، در دسترس بودن فرصت‌های شغلی، قابلیت دسترسی، طراحی منظر شهری، حفظ ویژگی‌های محلی، توانایی برآوردن نیازهای روان‌شناختی، (Chan & Lee, 2008, 246). آنها همچنین در پی یافتن مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر ارتقاء پایداری اجتماعی در پروژه‌های نوسازی شهری، به پنج دسته عامل اشاره کرده‌اند: رضایت از امکانات رفاهی، حفاظت از منابع و محیط طبیعی، آفرینش محیط زندگی هماهنگ، تهیه و تسهیل فعالیت‌های زندگی روزانه، شکل توسعه و در دسترس بودن فضاهای باز (همان، ۲۵۰).

دمپسی و همکارانش در پژوهش خود، به تفکیک، شاخص‌های کالبدی و غیرکالبدی پایداری اجتماعی پرداخته‌اند. از نظر آنان قلمرو عمومی جذاب، مسکن خوب، کیفیت مطلوب محیط محلی، دسترسی‌پذیری و همسایگی پیاده‌مدار، شاخص‌های کالبدی پایداری اجتماعی هستند (Dempsy et al, 2009, 62). در برخی پژوهش‌ها نیز به مقیاس تحقق پایداری اجتماعی در شهر اشاره شده است. کلانتونیو و دیکسون معتقدند در رویکرد پایدارمدار جدید به احیای شهری، مفاهیم جامعه محلی و واحد همسایگی در مرکز توجه و تمرکز تحلیل قرار گرفته‌اند. این الگوی جدید، فضای اجتماع محلی را به عنوان مهم‌ترین فضا برای دست‌یابی به پایداری تشخیص داده است. بنابر این نظر، شاید بتوان هدف پایداری اجتماعی را تحقق یک جامعه محلی پایدار دانست (Colantonio & Dixon, 2009: 83). دیگرانی نیز معتقدند حس جامعه محلی و تسهیل ملاقات چهره به چهره در واحد همسایگی بالاتر است (Glynn, 1981, 795 -Nasar & Julian, 1995:179). دمپسی و همکاران واحدهای همسایگی را عرصه مهمی برای وقوع فعالیت‌های اجتماعی می‌دانند. (2009, 61)

دمپسی و همکارانش در پژوهش خود، به تفکیک، شاخص‌های کالبدی و غیرکالبدی پایداری اجتماعی پرداخته‌اند. از نظر آنان قلمرو عمومی جذاب، مسکن خوب، کیفیت مطلوب محیط محلی، دسترسی‌پذیری و همسایگی پیاده‌مدار، شاخص‌های کالبدی پایداری اجتماعی هستند (Dempsy et al, 2009, 62). در برخی پژوهش‌ها نیز به مقیاس تحقق پایداری اجتماعی در شهر اشاره شده است. کلانتونیو و دیکسون معتقدند در رویکرد پایدارمدار جدید به احیای شهری، مفاهیم جامعه محلی و واحد همسایگی در مرکز توجه و تمرکز تحلیل قرار گرفته‌اند. این الگوی جدید، فضای اجتماع محلی را به عنوان مهم‌ترین فضا برای دست‌یابی به پایداری تشخیص داده است. بنابر این نظر، شاید بتوان هدف پایداری اجتماعی را تحقق یک جامعه محلی پایدار دانست (Colantonio & Dixon, 2009: 83). دیگرانی نیز معتقدند حس جامعه محلی و تسهیل ملاقات چهره به چهره در واحد همسایگی بالاتر است (Glynn, 1981, 795 -Nasar & Julian, 1995:179). دمپسی و همکاران واحدهای همسایگی را عرصه مهمی برای وقوع فعالیت‌های اجتماعی می‌دانند. (2009, 61)

۱-۴- ابزار پژوهش

پرسش نامه به عنوان ابزار این مرحله از پژوهش، به دو صورت برای انجام پیمایش در دو جامعه مردم ساکن در بافت و کارشناسان تدوین شد. به این منظور به ازای هر یک از شاخص‌های استخراج شده در مرحله قبل، یک گویه تنظیم و در قالب طیف لیکرت طرح گردید. در پرسش نامه مردم ساکن بافت، سعی بر آن بود تا با ساده سازی عبارت‌های تخصصی، امکان پاسخ‌گویی برای عامه مردم ساکن بافت، فراهم گردد.

۲-۴- روایی و پایایی

جهت تأیید روایی پرسش نامه‌ها، گویه‌ها از معرض نظر ۴ نفر از اساتید دانشگاه گذشت و محتوای آن، با اندکی ویرایش مورد تأیید واقع شد. در این پژوهش، به منظور سنجش پایایی، از روش آلفای کرونباخ^۸ استفاده شده است. از این روش متداول، برای اطمینان از میزان همبستگی درونی پرسش های پرسشنامه استفاده می شود. هر قدر میزان هم بستگی درونی پرسش ها بیشتر باشد، ضریب آلفا بیشتر است. معمولاً ضریب آلفای بیشتر از ۰.۶ حد متوسط و بیشتر از ۰.۷ میزان مناسبی است که پایایی ابزار را تأیید می کند. بدین ترتیب با انجام یک پیش آزمون در میان تعداد معدودی پاسخگو، می توان پیش از پیمایش از پایایی ابزار پژوهش اطمینان حاصل نمود.

پیش آزمون در میان دو جامعه آماری مردم ساکن در بافت فرسوده محله تختی و نیز کارشناسان دارای تجربه در امر نوسازی بافت انجام پذیرفت. از هر جامعه، ۳۰ نفر به طور آزمایشی به پرسش ها پاسخ دادند. داده ها به نرم افزار SPSS منتقل گردید و ضریب آلفای کرونباخ برای هر گروه به طور جداگانه محاسبه شد.

در پرسش نامه مردم، میزان آلفای کرونباخ در پیش آزمون برابر ۰.۷۹۶ بود که پایایی پرسش نامه را مورد تأیید قرار می

دکندی نیز در پژوهش خود به دنبال یافتن تعریفی جامع از بعد اجتماعی توسعه پایدار به این نتیجه می رسد که معیارهای وابسته به پایداری اجتماعی در یک مقیاس محلی قابل تحقیق هستند. (Mckenzie,2004:25)

۳-۲- شاخص های مکانی پایداری اجتماعی

همان گونه که پیش از این اشاره شد، در این پژوهش پس از مرور منابع و استخراج شاخص های پایداری اجتماعی از بیش از ۳۰ منبع مختلف، به کمک روش تحلیل محتوا، ۱۹ شاخص مکانی تعیین شده و به کمک روش دلفی در دو مرحله به شیوه های مصاحبه و پرسش گری از معرض نقد و نظر ده نفر از اساتید دانشگاه گذشت. شاخص های نهایی پس از انجام روش دلفی، ۲۱ شاخص معطوف به «مکان» بود که مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی شناخته شد.^۸

۳- سؤال های پژوهش

همان گونه که عنوان شد این پژوهش به دنبال دسته بندی شاخص های مکانی مؤثر بر پایداری اجتماعی و نیز تدوین مدل حاصل از آن ها است. اصلی ترین سؤال در این بخش از پژوهش، بدین صورت قابل طرح است که شاخص های مکانی پایداری اجتماعی در چه عواملی قابل دسته بندی هستند؟ هر یک از این شاخص ها و عوامل به چه میزان و چگونه بر یکدیگر تأثیر می گذارند؟ پاسخ به این دو سؤال در فرآیند تدوین مدلی از عوامل مکانی مؤثر بر پایداری اجتماعی ممکن می شود.

۴- روش شناسی پژوهش

جمع آوری داده ها در این مرحله از پژوهش به روش پیمایش مقطعی، با شیوه پرسش گری و با ابزار پرسش نامه، انجام پذیرفت.

۸. این شاخص ها عبارت اند از: تنوع فعالیت ها، اختلاط کاربری، دسترسی پذیری، وجود تسهیلات و زیرساخت های مطلوب، وجود مسجد در مرکز محله، وجود بازار و بازارچه های محلی، تراکم، فشردگی، پیوستگی کالبدی، سلسله مراتب فضایی، امنیت، ایمنی، وجود حریم، حفظ هویت، حس تعلق به مکان، تصویر ذهنی مطلوب، توجه به ویژگی های بومی و محلی، عدالت مندی، مقیاس انسانی، حق انتخاب برای مردم، مقیاس محله.

داد. در پرسش نامه کارشناسان میزان آلفای کرونیباخ برابر ۰.۶۷۹ بود که رقم قابل قبولی محسوب می شد. ضمن آن که با افزایش حجم نمونه تا ۵۰ نفر این رقم به ۰.۷۲۵ رسید. بنابراین، پرسش نامه کارشناسان نیز به لحاظ پایایی مورد تأیید قرار گرفت.

۳-۴- نمونه گیری

جامعه آماری شامل دو گروه؛ مردم ساکن در بافت فرسوده و کارشناسان دارای تجربه در نوسازی بافت های فرسوده بودند. به منظور تعیین نمونه موردی از میان بافت های فرسوده موجود، پس از مشورت با کارشناسان اداره راهبری در سازمان نوسازی شهر تهران، محله «تختی» در منطقه ۱۲ شهر تهران به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید.^{۱۰} پیمایش در میان مردم ساکن در بافت فرسوده محله تختی، در طول یک هفته انجام پذیرفت. نمونه گیری به شیوه تصادفی بود اما تلاش بر آن بود که از اقشار مختلف مردم ساکن در بافت، پرسش گری شود. در نهایت ۱۷۶ نفر از مردم ساکن در این محله، به پرسش نامه ها پاسخ دادند که برای انجام تحلیل عامل حجم قابل قبولی بود. پیمایش کارشناسان نیز در میان مدیران و کارشناسان دو مجموعه؛ سازمان نوسازی شهر تهران و شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری به عنوان دو نهاد مهم متصدی امر نوسازی بافت های فرسوده انجام پذیرفت. ۹۱ نفر از مدیران و کارشناسان این دو مجموعه پرسش نامه ها را تکمیل نمودند.

۵- تجزیه و تحلیل داده ها

۱-۵- تحلیل عامل^{۱۱}

به منظور پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه ای از داده ها از روش تحلیل عاملی استفاده می شود. در روش تحلیل عاملی، مجموعه

متغیرهای اصلی، به تعداد کمتری متغیر که عامل نامیده می شوند، کاهش می یابد. (سرمد و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴). تحلیل عامل پژوهش گر را قادر می سازد تا دسته های موضوعی متغیرها را تحت عنوان عوامل مشخص کند. هر عامل متشکل از چندین متغیر است که در الگوی مشابهی از جواب ها یا مشاهدات شباهت دارند (گروت و وانگ، ۱۳۸۸، ص ۲۴۰).

در این پژوهش نیز پس از انجام پیمایش و ورود داده های حاصل از آن، به منظور شناسایی ساختار و الگوی پنهان شاخص ها و دسته بندی آن ها و نیز آماده سازی آن ها به منظور تدوین مدل، از روش تحلیل عامل استفاده گردید. انجام این تحلیل به کمک نرم افزار SPSS صورت پذیرفت.

پس از انجام تحلیل اولیه بر روی ۲۱ شاخص موجود، شاخص «فشردگی» به دلیل عدم احراز توافق میان مردم و کارشناسان به عنوان یک شاخص تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی، حذف گردید و تحلیل عامل بر روی ۲۰ شاخص باقیمانده انجام پذیرفت. به منظور اطمینان از کفایت حجم نمونه برای تحلیل عاملی، از محاسبه ضریب KMO^{۱۲} استفاده گردید. این ضریب برای پرسش نامه مردم، عدد ۰.۸ و برای پرسش نامه کارشناسان رقم ۰.۶۷ را نشان می داد که رقم قابل قبولی به حساب می آید. تحلیل عامل و ترسیم نمودار اسکری^{۱۳} بر روی پرسش نامه های مردم، ۲۰ شاخص موجود را در یک ساختار ۶ عاملی و بر روی پرسش نامه کارشناسان، این شاخص ها را در ساختاری ۷ عاملی تشخیص داد. در این ساختارها، به دلیل هم بستگی برخی از شاخص ها با بیش از یک عامل، قابلیت تغییر و ویرایش وجود داشت.

پس از جمع بندی نتایج حاصل از تحلیل عاملی پرسش نامه های مردم ساکن بافت و کارشناسان دارای تجربه در نوسازی بافت های فرسوده، و بررسی میزان هم بستگی شاخص ها با یکدیگر، شاخص های موجود

۱۰. معیار انتخاب بافت فرسوده نمونه موردی این ویژگی ها بود: - بیشتر بافت محله، دارای شاخص های فرسودگی باشد. - بافت در حال بازآفرینی و بهسازی باشد. - مطالعات اولیه در آن انجام شده باشد - دفتر تسهیل گری به منظور همکاری در پیمایش، در آن فعال باشد. - محله، به لحاظ بافت اجتماعی، «خاص» و مربوط به قومیت خاصی نبوده و قابل تعمیم باشد. - به لحاظ تعاملات و انسجام اجتماعی در شرایط معمول قرار داشته باشد. - ترکیب جمعیتی آن در سال های اخیر چندان تغییر نکرده باشد.

11. Factor Analysis

12. Kaiser Meyer Olkin

13. Scree Plot

جدول ۲. تقسیم‌بندی شاخص‌ها در هر عامل و تعیین ضرایب هم‌بستگی بر اساس روش تحلیل عامل: ماخذ: نگارندگان.

| ردیف | شاخص | عامل | ضریب هم‌بستگی با هر عامل |
|------|---------------------------|---------------------|--------------------------|
| ۱ | امنیت | امنیت | ۰,۸۲۴ |
| ۲ | ایمنی | | ۰,۷۷۸ |
| ۳ | حریم | | ۰,۷۱۳ |
| ۴ | دسترسی پذیری | فعالیت پذیری | ۰,۸۱۲ |
| ۵ | بازار و بازارچه‌های محلی | | ۰,۷۹۰ |
| ۶ | تسهیلات و زیرساخت‌ها | | ۰,۷۰۳ |
| ۷ | اختلاط کاربری | | ۰,۶۷۸ |
| ۸ | تنوع فعالیتی | | ۰,۶۳۹ |
| ۹ | حس تعلق به مکان | هویت‌مندی | ۰,۷۴۶ |
| ۱۰ | مسجد محلی | | ۰,۶۹۱ |
| ۱۱ | تصویر ذهنی روشن | | ۰,۶۷۹ |
| ۱۲ | حفظ هویت | | ۰,۶۰۹ |
| ۱۳ | محلّه محوری | | ۰,۵۸۹ |
| ۱۴ | ویژگی‌های بومی/محلی | | ۰,۵۷۵ |
| ۱۵ | عدالت‌مندی | مردم‌مداری | ۰,۷۳۲ |
| ۱۶ | حق انتخاب | | ۰,۷۰۱ |
| ۱۷ | مقیاس انسانی | | ۰,۵۸۷ |
| ۱۸ | سلسله‌مراتب | انسجام کالبدی-فضایی | ۰,۸۰۰ |
| ۱۹ | پیوستگی و یکپارچگی کالبدی | | ۰,۷۷۰ |
| ۲۰ | تراکم طبقاتی | | ۰,۵۲۸ |



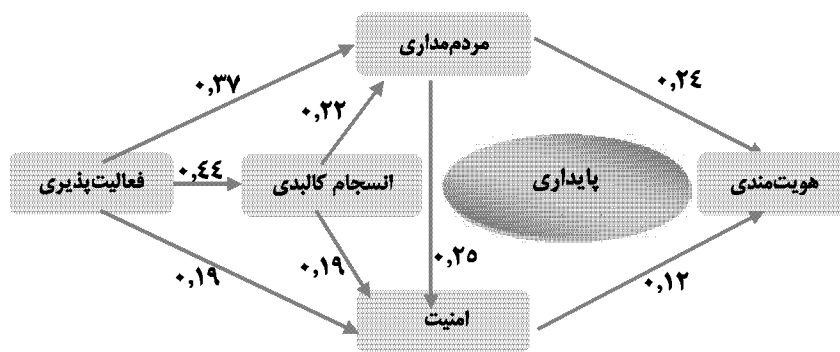
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۳۹

در قالب ۵ عامل شناسایی شدند. در این ساختار که در جدول شماره ۲ نیز دیده می‌شود، شاخص‌های «امنیت»، «ایمنی» و «حریم» تحت عامل اول، «تنوع فعالیتی»، «اختلاط کاربری»، «دسترسی پذیری»، «تسهیلات و زیرساخت‌ها» و «بازارچه محلی» تحت عامل دوم، «حفظ هویت»، «ویژگی‌های بومی، محلی»، «حس تعلق به مکان»، «تصویر روشن ذهنی» و «محلّه محوری» تحت عامل سوم، شاخص‌های «عدالت‌مندی»، «حق انتخاب» و «مقیاس انسانی» تحت عامل چهارم و شاخص‌های «پیوستگی کالبدی»، «سلسله‌مراتب» و «تراکم طبقاتی» تحت عامل پنجم شناسایی شدند. در این تحلیل، شاخص «وجود مسجد در مرکز محلّه» تحت عامل موثری شناسایی نشد.

به منظور عنوان‌گذاری بر عوامل شناسایی شده، از سه نفر از اساتید و دانشجویان دکتری شهرسازی کمک گرفته شد. برای عامل اول عنوان «امنیت»، برای عامل دوم، عنوان «فعالیت‌پذیری»، برای عامل سوم، عنوان «هویت‌مندی»، برای عامل چهارم، عنوان «مردم‌مداری» و بالاخره برای پنجمین عامل، عنوان «انسجام کالبدی-فضایی» انتخاب گردید.

پس از دست‌یابی به این ساختار، به منظور تأیید آن، هر دسته از شاخص‌ها، مجدداً تحلیل‌عاملی شدند که قرار گرفتن هر دسته تحت یک عامل و میزان ضرایب هم‌بستگی آن‌ها، تأییدی بر ساختار به دست آمده است.



نمودار ۱. مدل عوامل مکانی مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی حاصل از روش تحلیل مسیر به کمک نرم‌افزار AMOS؛
 ماخذ: نگارندگان.

مکانی پایداری اجتماعی را به این شرح نشان می‌دهد؛ عامل «فعالیت پذیری» به عنوان متغیر (عامل) مستقل شناخته شده و با وزن‌های ۰.۳۷، ۰.۱۹ و ۰.۴۴ بر روی متغیرها (عامل‌ها)ی «مردم‌مداری»، «امنیت» و «انسجام کالبدی- فضایی» تأثیر می‌گذارد.

در این مدل، سه متغیر (عامل) «مردم‌مداری»، «امنیت» و «انسجام کالبدی- فضایی» به عنوان متغیرها (عوامل) میانجی شناخته می‌شوند. متغیر (عامل) «مردم‌مداری» با وزن‌های ۰.۲۴ و ۰.۲۵ بر روی متغیرها (عامل‌ها)ی «هویت‌مندی» و «امنیت» تأثیر می‌گذارد. متغیر (عامل) «انسجام کالبدی- فضایی» با وزن‌های ۰.۲۲ و ۰.۱۹ بر روی متغیرها (عامل‌ها)ی «مردم‌مداری» و «امنیت» تأثیر می‌گذارد و نیز متغیر (عامل) «امنیت» تنها بر روی عامل «هویت‌مندی» با وزن ۰.۱۲ تأثیرگذار است. در این میان عامل «هویت‌مندی» به عنوان متغیر وابسته شناخته شده و تحت تأثیر متغیرها (عامل‌ها)ی «مردم‌مداری» و «امنیت» است.

در نمودار شماره ۲ مدل حاصل، به صورت تفصیلی نمایش داده شده و به جز عوامل و ضریب هم‌بستگی آن‌ها، ضریب هم‌بستگی هر شاخص با عامل سردسته آن نشان داده شده است.

۶- جمع‌بندی نتیجه‌گیری

این مقاله در پی تدوین مدلی از عوامل و شاخص‌های مکانی مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های

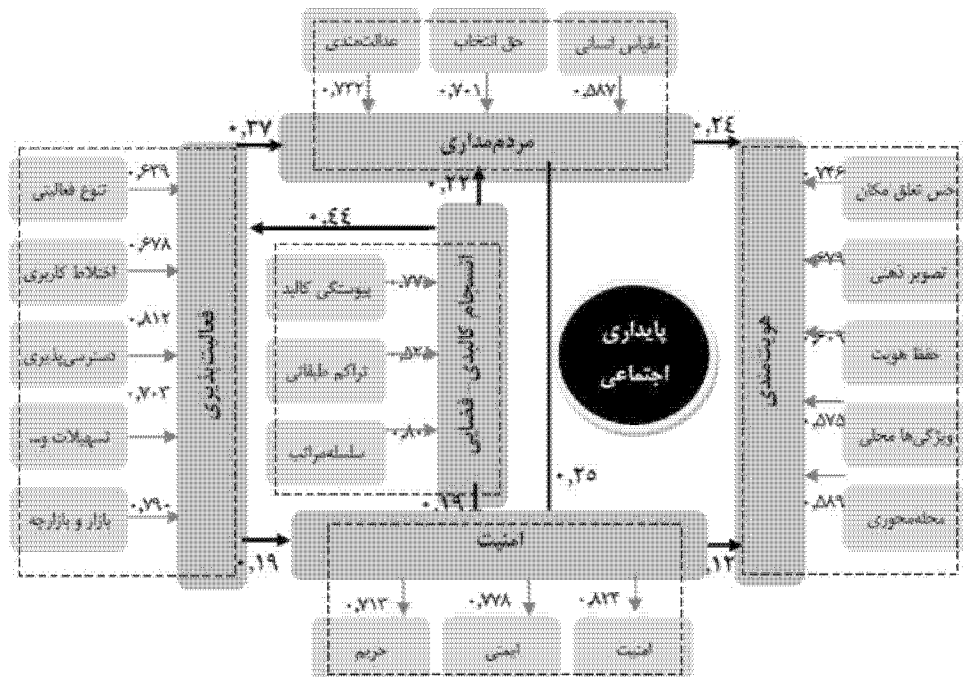
این ضرایب به تفکیک هر عامل در جدول شماره ۲ دیده می‌شود.

۵-۲- تحلیل مسیر

پس از تشخیص و تعیین عامل‌های مؤثر مکانی در پایداری اجتماعی به کمک تحلیل عامل، از نرم‌افزار AMOS برای تدوین مدل معادلات ساختاری و تحلیل مسیر^{۱۴} و بیان ارتباط میان عامل‌های سازنده پایداری اجتماعی استفاده گردید.

روش تحلیل مسیر، تعمیمی از رگرسیون معمولی است که قادر است علاوه بر بیان آثار مستقیم، آثار غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را برای متغیرهای وابسته نشان دهد و با بیان منطقی، روابط و همبستگی مشاهده شده بین آن‌ها را تفسیر کند. هدف تحلیل مسیر، به دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی میان مجموعه‌ای از متغیرها است. روش مدل معادلات ساختاری نیز، ساختار علی میان متغیرها و روابط بین متغیرهای مکنون و نشان‌گر را تعریف می‌کند (آذر، ۱۳۸۱، ص ۶۵).

برای استفاده از این روش، تحلیل عامل به صورت تأییدی بر روی عوامل استخراج شده انجام گردید و سپس رابطه میان عامل‌ها به کمک بار عاملی، وزن مسیر و شاخص برازش مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل مدل حاصل از این دو روش که در نمودار شماره ۱ دیده می‌شود، رابطه میان عوامل تشکیل شده از شاخص‌های



نمودار ۳. مدل تفصیلی شاخص‌های مکانی و عوامل مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی؛ ماخذ: نگارندگان.

«حق انتخاب» و «مقیاس انسانی» تحت عامل چهارم با عنوان مردم‌مداری و شاخص‌های «پیوستگی کالبدی»، «سلسله‌مراتب» و «تراکم طبقاتی» تحت عامل پنجم با عنوان انسجام کالبدی- فضایی شناسایی شدند. در این تحلیل، شاخص «وجود مسجد در مرکز محله» تحت عامل مؤثری شناسایی نشد.

پس از انجام تحلیل عامل، به کمک تحلیل مسیر و نرم‌افزار AMOS، ضرایب هم‌بستگی و روابط میان عوامل تعیین و در قالب مدلی تدوین گردید. بر اساس این مدل عامل «فعالیت پذیری» به عنوان عامل مستقل شناخته شده و با وزن‌های ۰.۳۷، ۰.۱۹ و ۰.۴۴ بر روی عامل‌های «مردم‌مداری»، «امنیت» و «انسجام کالبدی- فضایی» تأثیر می‌گذارد. هم‌چنین سه عامل «مردم‌مداری»، «امنیت» و «انسجام کالبدی- فضایی» به عنوان عوامل میانجی شناخته می‌شوند. عامل «مردم‌مداری» با وزن‌های ۰.۲۴ و ۰.۲۵ بر روی عامل‌های «هویت مندی» و «امنیت» تأثیر می‌گذارد. عامل «انسجام کالبدی- فضایی» با وزن‌های ۰.۲۲ و ۰.۱۹ بر روی عامل‌های «مردم‌مداری» و «امنیت» تأثیر می‌گذارد و نیز عامل «امنیت» تنها بر روی عامل «هویت مندی» با وزن ۰.۱۲ تأثیرگذار است. در این

فرسوده بود. بدین منظور پس از مرور پیشینه، به کمک روش پیمایش، میزان تأثیرگذاری شاخص‌های مکانی برآمده از مرحله قبلی پژوهش بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده، توسط مردم ساکن در بافت فرسوده محله تختی تهران و کارشناسان نوسازی مورد ارزیابی قرار گرفت. به این منظور پرسش‌نامه‌ای در قالب طیف لیکرت تهیه شد، روایی آن توسط تعدادی از اساتید دانشگاه و پایایی آن با انجام پیش‌آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، مورد تأیید قرار گرفت. داده‌های حاصل از پیمایش به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل عاملی قرار گرفت. در این تحلیل، ۲۰ شاخص موجود در قالب ۵ عامل اصلی شناسایی و دسته‌بندی شد. بر این اساس شاخص‌های «امنیت»، «ایمنی» و «جریم» تحت عامل اول با عنوان امنیت، «تنوع فعالیتی»، «اختلاط کاربری»، «دسترسی‌پذیری»، «تسهیلات و زیرساخت‌ها» و «بازار و بازارچه محلی» تحت عامل دوم با عنوان فعالیت‌پذیری، شاخص‌های «حفظ هویت»، «ویژگی‌های بومی، محلی»، «حس تعلق به مکان»، «تصویر روشن ذهنی» و «محل‌محوری» تحت عامل سوم با عنوان هویت مندی، شاخص‌های «عدالت مندی»،

Research, (85): 2, 243-256.

11. Chiu, Rebecca L. H. (2004): "Socio-cultural sustainability of housing: a conceptual exploration", The Journal of Housing, Theory and Society, Volume 21, Issue 2. Pp 65-76.

12. Colantonio A. (2007): Social Sustainability: "An Exploratory Analysis of its Definition, Assessment Methods, Metrics and Tools", The Oxford Institute for Sustainable Development (OISD), Oxford.

13. Colantonio A. & Dixon T. (2009): "Measuring Socially Sustainable Urban Regeneration in Europe", The Oxford Institute for Sustainable Development (OISD), Oxford.

14. Dempsey N., Bramley G., Power S., Brown C. (2009): "The Social Dimension of Sustainable Development; Defining Urban Social Sustainability", Sustainable Development (17). Pp 56-70

15. Freeman L. (2001): The Effects of Sprawl on Neighbourhood Social Ties, Journal of the American Planning Association, (67), pp 69-77.

16. -Glynn T. (1981): "Psychological Sense of Community"; Measurement and Application, Human Relations, (34), pp 789-818.

17. Koning J. (2001): "Social Sustainability in a Globalizing World; Context, Theory and Methodology Explored", Presented in: UNESCO/MOST Meeting, Hague, Netherlands.

18. Kunz. Jan (2006): "Social Sustainability and Community Involvement in Urban Planning". University of Tampere. Tampere.

19. Litting B. and Griebler E (2005): "Our Common Future, World Commission on Environment and Development", New York, Oxford University Press.

20. McKenzie S. (2004): "Social Sustainability: Towards some Definitions", Hawke Research Institute, Working Paper Series, No.27. Magill.

21. Nasar J. and Julian D. (1995): "The Psychological Sense on Community in the Neighbourhood", Journal of American Planning Association, (61), pp 178- 184.

22. Partridge E. (2005): "Social Sustainability; A Useful Theoretical Framework?" Australian Political Science Association Annual Conference.

23. Poles M. and Stern R. (2000): "The Social Sustainability of Cities: Diversity and the Management of Change", University of Toronto Press. Toronto.

24. Talen E. (1999): "Sense of Community and Neighbourhood Form; An Assessment of the Social

میان عامل «هویت‌مندی» به عنوان متغیر وابسته شناخته شده و تحت تأثیر عامل‌های «مردم‌مداری» و «امنیت» است.

به این ترتیب مدل حاصل، عوامل مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی و شاخص‌های مکانی تشکیل‌دهنده هر عامل را به همراه روابط و ضرایب هم‌بستگی میان آن‌ها تبیین نموده و به سؤال اصلی پژوهش پاسخ می‌گوید.

۷- منابع و مآخذ

۱. آذر، عادل (۱۳۸۱) «تحلیل مسیر و علت‌یابی در علم مدیریت»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال چهارم، شماره پانزدهم، صص ۵۹-۹۶.

۲. سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۸۸) «روش‌های پژوهش در علوم رفتاری»، نشر آگه.

۳. گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۸۸) «روش پژوهش در معماری»، چاپ سوم، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران.

۴. مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹) «طراحی فضای شهری؛ نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی»، ترجمه فرهاد مرتضایی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

5. Barron L. and Gauntlett E. (2002): "Model of Social Sustainability". Western Australia Council of Social Services. (WACOSS).

6. Barton H. (2000a): "Sustainable Communities: The Potential for Eco-Neighbourhoods". Earthscan, London.

7. Barton H. (2000b): "Conflicting Perceptions of Neighbourhood, in Sustainable Communities; The Potential for Eco-Neighbourhood", Barton H. (ed), Earthscan, pp 3-18.

8. Bramley G. Dempsey N. Power S. Brown C. and Watkins D. (2009): "Social Sustainability and Urban Form: Evidence from Five British Cities", Environment and Planning A. (41). Pp 2125-2142.

9. Bramley G., Brown C., Power S. and Dempsey N. (2006): "What is Social Sustainability and How do Existing Urban Forms Perform in Nurturing it?" Presented at The Planning Research Conference, University College London.

10. Chan E. and Lee G.K.L. (2008): "Critical Factors for Improving Social Sustainability of Urban Renewal Projects", Social Indicators



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۴۲

بازبینی مدیریت راهبردی برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های شهری و ارائه مدل برتر در فرآیندهای مداخلاتی آن

سارا ناصری* - کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
محمد مهدی بلندیان - کارشناسی ارشد معماری گرایش مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

امروزه بافت‌های شهری نیازمند رویکردهای مداخلاتی ویژه‌ای در بستر یک ساختار راهبردی در حوزه مدیریت است که در نظام برنامه‌ریزی کشور، مورد توجه ویژه قرار نداشته و یا «فرآیندهای مداخلاتی معطوف به حل مساله» بصورت علمی و سیستمی نبوده است. در هر حال، بازبینی مدیریت راهبردی برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های شهرها و روستاها، و ارائه مدلی که بتواند در فرآیندهای مداخلاتی معطوف به حل مساله، بصورت کارآمدتر عمل کند، از مفاهیمی است که ضرورتی ویژه داشته و التزام پرداختن به پژوهش‌های مشابه این تحقیق را نشان می‌دهد. روش پژوهش حاضر رویکرد «تبیینی - اکتشافی» است که از روش‌های «فرا تحلیل» و «توصیفی - تحلیلی» نیز بهره برده است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و رجوع به اسناد فرادستی و آمار و ارقام بوده است. در پایان نیز ضمن اشاره مختصر به مدل برتر در رویکرد سیستمی در این زمینه به راهکارها و برنامه‌های عملی در راستای مدیریت کارآمدتر بافت‌های شهری پرداخته می‌شود.
واژگان کلیدی: مدل بهسازی و نوسازی، سیاستها و برنامه‌های مدیریتی، رویکردهای مدیریتی بافت‌های فرسوده.

Review of strategic management plans to improve and upgrade the urban tissue and provide a superior model in interventional procedures

Abstract

Today's urban tissue requires special interventions in the context of a structured approach in the field of strategic management. Review of strategic management plans to improve and repair tissues, towns and villages, in particular, is necessary.

The research method "approach to explanation - Exploring" that way "meta-analysis" and "descriptive - analytic" is also used. Methods of data collection as well as a library of reference documents and national documents and figures, respectively. In the end, alluding briefly to the premier model systems approach in the field of practical strategies and programs in order to effectively manage the urban tissue.

Keywords: Model development and modernization, management policies and programs, management approaches worn tissues.

مقدمه

برنامه‌ها و راهبردهایی روح تازه‌ای به آنها دمیده شود تا بار دیگر این بافت به شادابی و طراوت قبلی بازگردد.

از سوی دیگر، سطح‌بندی سطوح پایداری یک موضوع ضروری در مطالعات بافتهای فرسوده شهری است. نظر به اینکه در یک نظام پویا مانند جامعه بشری مفهوم پویای پایداری به معنای ثبات تعادل در طول زمان است (بدریچ، ۱۳۸۱، ص ۸۶). با وجود تلاشها و اقدامات صورت‌گرفته در رابطه با پایداری، روند گسترش این محدوده‌ها و نابسامانی‌های این مناطق روبه رشد بوده و در برخی مناطق، اقدامات صورت‌گرفته موجب افزایش مشکلات ساکنان این محلات شده تا حدی که آنان را مجبور به ترک محله‌های خود کرده است. برای دستیابی به علل عدم موفقیت برنامه‌های گذشته، آسیب‌شناسی و ارزیابی سیاستها و اقدامات گذشته ضروری است. بافتهای فرسوده به مرور زمان و در اثر تحولات جدید، عملکرد گذشته خود را از دست داده و روبه اضمحلال گذارده و امروزه به عنوان یکی از بزرگترین معضل در کلانشهر تهران مطرح هستند. تداوم وضعیت تخریب کالبدی فیزیکی بناها به همراه تنزل شرایط زیست‌محیطی، منجر به حرکت گروه‌های توانمند از این بافتها به سایر قسمت‌های شهر و اشغال آن به وسیله گروه‌های کم‌درآمد و کارگر گردیده است که نتیجه آن تسریع فرآیند رکود و تنزل است (پورا احمد، ۱۳۷۹، ص ۹۴). امروزه مفهوم بهسازی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری با اقدامات و پیش‌بینی‌هایی برای بهتر کردن کیفیت محیط کالبدی و فضایی توأم است؛ به گونه‌ای که با ایجاد امکانات نو، بهتر ساختن محیط فضایی میسر شود. ساماندهی و بهسازی وضعیت موجود بافتهای فرسوده می‌تواند با اصلاح سازمان فضایی منطقه از طریق اصلاح شبکه دسترسیها، اصلاح کاربریهای ناسازگار و حذف کاربریهای مزاحم و یا تغییر نوع کاربریها و تخصیص کاربریهای خدمات شهری مطابق معیارها و استانداردها و رعایت و اجرای اصول و ضوابط افزایش تراکم (بلند مرتبه سازی) صورت‌گیرد (حبیبی، پورا احمد، مشکینی، ۱۳۸۶، ص ۱۷).

در این مقاله موضوع مدیریت و ارائه مدل برنامه‌ریزی بافتهای فرسوده شهری و روستایی با نگاهی به

تا قبل از جریان انقلاب صنعتی، تغییرات جوامع شهری بسیار بطئی و نامحسوس بوده و به تبع آن، کالبد شهرها نیز با دگرگونی قابل توجهی مواجه نبود. همگام با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و فناوری‌های جدید، بافت‌های شهری با تغییر شکل و شالوده مواجه گردیدند؛ چراکه شهر نیز همچون سایر پدیده‌های مصنوع انسان ساخت در طول زمان دچار، تغییر، تحول، رشد و توسعه می‌گردد (زنگی آبادی، ۱۳۷۱، ص ۵). افزایش مشکلات کالبدی-کارکردی عرصه‌های نابسامان شهری، پایین بودن شرایط کیفی سکونت، مخاطرات جدی ناشی از ناپایداری و عدم برخورداری از امکانات، خدمات و زیرساخت‌های شهری در این مناطق از یک سو و ضرورت استفاده از ظرفیتهای این محدوده‌ها به عنوان فرصتی برای توسعه، سبب شده که توجه برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مدیران شهری به این عرصه‌ها در طی سالهای اخیر روزافزون شود. ایجاد نهادی مستقل برای سیاست‌گذاری در ساختار دولت، توجه به موضوع بهسازی و نوسازی شهری در برنامه‌های پنج ساله سوم و چهارم، اختصاص منابعی در ردیف بودجه کل کشور، انتشار مقالات و کتب متعدد در این حوزه، تشکیل سازمان‌های اجرایی در شهرداری‌ها با مأموریت نوسازی و بهسازی مناطق نابسامان، برگزاری جلسات هم‌اندیشی، کارگاه‌های تخصصی و همایشها، تدوین و تصویب لوایح، قوانین و دستورالعمل‌هایی برای تشویق و حمایت از برنامه‌های نوسازی و بهسازی همگی نشان از توجه دست‌اندرکاران به موضوع و تلاش آنان برای یافتن راهکاری در مواجهه با مسائل و مشکلات این مناطق است. این تحولات در شهرها باعث پیدایش بافتهایی می‌گردد که از نظر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی باهم متفاوت هستند. از بافتها یا محدوده‌هایی که بیشتر تحت تاثیر این تحولات است، بافت مرکزی یا قدیمی شهر است که اکثر فعالیتها اقتصادی، و اجتماعی در این محدوده انجام می‌شود. این بافتها به عنوان هویت شهرها، امروزه دچار فرسودگی و پژمردگی حاصل از این تحولات و فعالیتها گشته‌اند و اهمیت ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاب می‌نماید که با یک‌سری



برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری مورد نظر است که در انتها به ارائه راهکارهای پیشنهادی و ارائه مدل مورد نظر در شرایط فعلی و اقتضات مکانی و زمانی خواهد شد.

پیشینه پژوهش

بسیاری از مسائل و مشکلات کالبدی باعث گردیده، این بافتهای قدیمی و با ارزش جمعیت خود را به نفع مناطق حاشیه‌ای و شهرکهای در حال ساخت از دست بدهند و نتیجه این امر بی‌رونقی و متروک شدن بخش مرکزی و بافت قدیمی شهر و سیر نزولی آن می‌باشد؛ حال آنکه مراکز شهرها بنا به دلایلی نظیر مرکزیت جغرافیایی و ارائه خدمات بهتر، استقرار بازار و فعالیتهای تجاری و هویت تاریخی و فرهنگی از توانهای بالقوه نسبتاً بالایی برای تولید درآمد برخوردارند. تداوم این امر از نظر فرسودگی فضاهای کالبدی و آلودگیهای زیست محیطی در مرکز شهر منجر به حرکت گروههای توانمند از این محلات به سایر بخشهای حاشیه شهر و جایگزین شدن گروههای اجتماعی غیربومی و ناهماهنگ گردیده و در نتیجه فرایند رکود و تنزل، مشکلات شهری دوچندان می‌شود (شماعی، ۱۳۸۰، ص ۴). مروری بر پژوهشهای انجام شده در مورد شناخت بافتهای فرسوده حاکی از اهمیت جایگاه این موضوع در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران است که در ذیل به برخی از این نتایج اشاره می‌شود:

۱- تحقیقات قرخلو و همکاران در زمینه تحلیل سطح پایداری شهری در شهر سمنان نیز بیانگر آن است که سطح پایداری فیزیکی- کالبدی سکونتگاه‌ها از لحاظ نظام شیب‌بندی با توپوگرافی خشن اسکان یافته‌اند که هم سکونت‌گاهها و هم شهر را با ناپایداری مواجه ساخته است (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

۲- عندلیبی، فرسودگی در پهنه وسیعی از سطح تهران امروز را یکی از معضلات جدی پایتخت می‌داند و ضمن بررسی علل فرسودگی، راهبردهای کلان سازمان نوسازی شهر تهران را به عنوان متولی بافتهای فرسوده شهری می‌داند (عندلیبی، ۱۳۸۵، ص ۱۰-۱).

۳- منصور در بررسی خود در زمینه بافتهای فرسوده شهری معتقد است به‌گواهی تجربه‌های گذشته، ساخت و ساز در بافتهای فرسوده با شرایط موجود فاقد توجیه

اقتصادی است و لازم است با اتخاذ تمهیداتی نسبت به جلب مشارکت موثر مردم در فرآیند نوسازی بافتهای فرسوده اقدام گردد (منصوری، ۱۳۸۵، ص ۲۰-۱۳).

۴- نتایج بررسی ارزیابی فضایی آسیب‌پذیری بافتهای شهری مناطق شهر تهران که توسط زنگی‌آبادی و همکار انجام شده، بیانگر آن است که منطقه ۱۰ از لحاظ مقاومت مصالح ساختمانی آسیب‌پذیری بیشتری دارد و از لحاظ مقاومت بافتها، شهری جز مناطق فرو توسعه شهری محسوب می‌شود (زنگی‌آبادی و همکار، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶-۱۱۸).

۵- نتایج پژوهش حاتمی‌نژاد و همکاران در زمینه ارزیابی میزان آسیب‌پذیری لرزه‌ای در منطقه ۱۰ شهر تهران نشان می‌دهد که استفاده صرف از شاخص‌های سازه‌ای کافی نیست و شاخص‌هایی چون تراکم جمعیت، نوع بافت نیز باید مورد بررسی قرار گیرد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱).

۶- بررسی مطالعات خارج از کشور نیز حاکی از نتایج ارزشمندی است؛ بطوریکه کایاک در مطالعه بر روی علل ناپایداری بافتهای فرسوده در ونیز اشاره می‌کند که تقویت جنبه‌های مثبت بافتهای قدیمی و فرسوده موجب افزایش دوام و یکپارچگی در سازمان فضایی شهری خواهد شد (kayak, 2005: 78-92).

۷- اسمیت در مطالعات خود بر روی بافت شهری لندن، تدوین مجموعه اقداماتی مانند تهیه و تدوین قوانین، جلب حمایت‌ها و مشارکتهای مردمی را از جمله راهکارهای احیاء اینگونه بافتهای می‌داند (63-66: 2008: smit).

۸- مطالعات انستیتو مطالعات شهری و منطقه‌ای در ایالات نیوجرسی آمریکا نیز بیانگر آن است که بهبود اوضاع کاربریها و فعالیتهای شهری از جهت ایمنی، تراکم با تمرکز، سازگاری از جمله رهیافتهای پایداری بافتهای فرسوده شهری است (Alvino, 2010: 46-50).

۹- انجمن حفاظت از آثار تاریخی ایتالیا ضمن بررسی بافتهای ارزشمند شهر روم اظهار می‌دارد که تلفیق طرحهای قدیم و جدید در حوزه‌های شهری، جلوگیری از کاربری ناسازگار، توجه به هویت در شهرسازی و ایجاد توازن در فضاهای شهری، اقدامات زیرساختی در زمینه



سازه‌های شهری در برابر زلزله، رونق توان اقتصادی، توزیع متناسب خدمات، از جمله اقدامات موثر در احیاء و پایداری بافت‌های فرسوده شهری محسوب می‌شوند (46-Salvatore, 2010: 33).

مبانی نظری پژوهش

رشد شتابان شهرنشینی و گسترش فعالیتها، ظرفیت زیرساختهای محلات شهری را کاهش و آسیب‌های بافت‌های فرسوده شهری را افزایش داده است. در حال حاضر، هرگونه برنامه‌ریزی در مدیریت بافت‌های فرسوده شهری و هدایت خردمندان آن، مستلزم شناخت صحیح برنامه‌ها و سازوکارهای رشد شهری و تحلیل ناپایداری در الگوهای شهری منبعث از آنهاست (علی اکبری و همکار، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶).

مهمترین دغدغه‌ای که موجبات تعمق و توجه جدی برنامه‌ریزان شهری را به سوی مفهوم پایداری شهری جلب نموده، واقعیت رشد شتابان شهرنشینی در جهان امروز و تداوم آن در آینده از یکسو و رشد حیرت‌آور و چشمگیر کلان‌شهرها به ویژه در کشورهای جنوب و پیامدهای زیانبار آن برای ساکنان این مناطق می‌باشد (رهنمائی و همکار، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸-۱۷۷). از سویی دیگر، پایداری شهری طی دهه‌های اخیر به تدریج به پارادایم نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. این پارادایم اگرچه ناظر به برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگون می‌باشد، اما در مجموع بر پایداری و استمرار توسعه برای همگان و نسل‌های آینده طی زمان و بر همه‌جانبه‌نگری در سطح بافت‌های شهری تاکید دارد. بافت‌های فرسوده علیرغم انسجام مرحله‌ای و بافت اجتماعی قوی نیز بواسطه موقعیت شهری خود در میان سایر پهنه‌های شهری، از مشکلاتی فراتر از نحوه ساخت و ساز رنج می‌برند. از این رو موضوع بررسی سطوح پایداری در این بافت‌ها صرفاً نمی‌بایست از نوع اقدامات کالبدی باشد. فرسودگی بافت که نتیجه فرسایش کالبدی، اقتصادی است به مرور موجب تضعیف امکان استفاده مناسب و

بهینه از زمین می‌شود، سبب هدر رفتن در بخش‌های توانمند شهر - محدوده‌های مرکزی و بافت قدیمی - می‌شود. مداخله در بافت‌های فرسوده شهرها به مفهوم امروزی آن به اواخر قرن نوزدهم بیستم و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم بر می‌گردد. فرآیند صنعتی شدن در غرب که موجب رشد سریع شهرنشینی و ازدحام جمعیت در شهرها گردید و به تدریج شرایط زندگی را دشوار ساخت. در ادامه به برخی از مولفه‌های مهم در بافت‌های فرسوده و فرآیندهای بهسازی و نوسازی اشاره می‌شود. «ویژگی‌های بافت فرسوده»: بخش‌هایی از محدود قانونی شهرها که به دلیل فرسودگی ساختمان‌ها عدم برخورداری از دسترسی سواره، تاسیسات و فضاهای عمومی، فرهنگی و ورزشی از ارزش محیطی، مکانی و اقتصادی پایینی برخوردارند. بافت فرسوده شهری حایز سه ویژگی است:

- «ناپایداری»: ناپایداری به معنای نداشتن استحکام لازم است؛
- «نفوذناپذیری»: «نفوذناپذیری» به معنای فراهم نبودن امکان خدمات‌رسانی مناسب (امدادی و زیرساختی) در شرایط بحرانی است؛
- «ریزدانگی»: «ریزدانگی» به معنای کوچک بدون قطعات و ابعاد املاک است.

مکاتب و نظریه‌های بهسازی و نوسازی

مکاتب و نظریه‌های متعددی درباره بهسازی و ساماندهی بافت‌های قدیم و فرسوده شهری ارائه شده که بعضی از مکاتب نقش انسان و محوریت آن را اصل اساسی می‌دانند که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

- «مکتب انسانگرایی»: «کریستوفر الکساندر»^۱، «پاتریک گدس»^۲، «کوین لینچ»^۳ از جمله اندیشمندان و نظریه پردازان قرن بیستم هستند که در زمینه بهسازی و نوسازی بر اساس شهرسازی انسانگرا اظهار نظر کرده‌اند. نظریه‌های این گروه تحت تأثیر نظریه‌های شهرسازی مشارکتی دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی است. هدف اصلی این گروه توجه به مردم و مشارکت آنها در بهسازی

1. Alexander
2. Patrick Geddes

3. Kevin Lynch

جدول ۱. نظریه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری؛ ماخذ: نگارنده.

| | |
|--|--|
| <p>نظریه اصالت‌بخشی یا راهبرد اصلاح مسکن به همراه بهبود زندگی اجتماعی در بافت قدیم یا بخش مرکزی شهرها بویژه برای گروه‌های اجتماعی با درآمد زیاد، جوانان و خانواده‌های کم‌فرزند است. اصالت-بخشی فرایندی است که در نواحی مرکزی شهرها صورت می‌گیرد و از طریق آن خانه‌های قدیمی و نیمه قدیمی خریداری می‌شوند (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳).</p> | <p>نظریه اعیان سازی (اصالت بخشی)</p> |
| <p>این راهبرد به جای نوسازی املاک، برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی و حل مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم را مورد توجه قرار می‌دهد. بر اساس این نظریه ابتدا از طریق تحلیل علل «محرومیت و فرسودگی شهری» باید زمینه‌های لازم برای اجرای سیاستها و برنامه‌های ساماندهی شهری فراهم آید.</p> | <p>نظریه محرومیت زدایی و راهبرد برنامه‌ریزی اجتماعی</p> |
| <p>قسمتهای فرسوده در داخل شهر از طرفی خریداری شده و با پاکسازی و ساخت و سازهای جدید جایگزینی صورت می‌گیرد. فرض بر این است که قسمتهای فرسوده در سیستم شهری کارایی ندارند. هدف اصلی جایگزینی ایجاد هماهنگی در بخشهای مختلف شهر و تأمین منابع مالی برای نواحی شهری و مشارکت اجتماعات محلی در بهبود محیط فیزیکی شان است. برنامه جایگزینی با کمک بخش خصوصی توسط تشکیلات نهادی صورت می‌گیرد.</p> | <p>الگوی جایگزینی</p> |
| <p>این الگو متکی بر کوچ ساکنان و اشتغال، به خارج شهر می‌باشد، بدین ترتیب که جمعیت مناطق فرسوده و قدیمی مراکز شهری به حومه‌ها و شهرک‌های جدید رانده می‌شود و در این مکانهای جدید، اشتغال افراد نیز در نظر گرفته می‌شود. از طرف دیگر، مناطق فرسوده قدیمی پاکسازی شده و با ایجاد نواحی مسکونی جدید سعی می‌شود، گروه‌های اجتماعی با درآمد متوسط و بالا در این مناطق جایگزین شوند (عظیمی، ۱۳۳۴، ص ۲۴۲).</p> | <p>الگوی پالایش شهری</p> |
| <p>این راهبرد بر خلاف تخلیه بافت و تعویض مکان (الگوی جایگزینی) حفظ و بهبود املاک موجود بدون جایگزینی ساکنان آن است؛ بنا بر این راهبرد، هر فضایی قابل بهبود است و ارزش اصلاح در محل خود را دارد</p> | <p>راهبرد خودکفایی و خود تنظیمی</p> |
| <p>طرحها تنها در زمانی توصیه می‌شود که نه بناهای موجود در بافت دارای ارزش باشند و نه مجموعه عناصر شهری ارزشمندی ارائه دهند. در نهایت تخریب املاک و تجمیع پلاکهای ثبتی شهر مطرح می‌شود (حیدر نتایج، ۱۳۸۶، ص ۶۱).</p> | <p>طرح تجمیع</p> |
| <p>هرچه تحولات جامعه سمت و سوی مردمی تر به خود بگیرد، اهمیت مشارکت و همچنین نقش و جایگاه آن در فرایند تکامل اجتماعی بیشتر آشکار می‌شود. مشارکت فرایندی از خود آموزی اجتماعی و مدنی است. این تغییر موجب برقراری مناسبات اجتماعی و انسانی جدید می‌شود. خودگردانی، تجسم دموکراسی مشارکتی است. اعتماد اجتماعی^۴، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی^۵ مواد اولیه سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند که ارتباطی عمودی باهم دارند. بدین معنا که در سایه آشنایی اجتماعی، اعتماد اجتماعی شکل می‌گیرد. اعتماد بوجود آمده به انسجام اجتماعی منجر می‌شود و نهایتاً اعتماد و انسجام حاصله در قالب شبکه‌های اجتماعی^۶ (رسمی و غیر رسمی) به جریان مشارکت اجتماعی ختم می‌شود.</p> | <p>سرمایه اجتماعی</p> |

نوسازی فضاهای شهری است. بهسازی و نوسازی شهری شهرسازان انسانگرا، براساس نظرها و مشارکت شهروندان و سپس با توجه به بررسی‌های لازم صورت می‌گیرد. مداخله مردم‌گرایانه بیش از طراحی به برنامه ریزی شهری می‌انديشد. برنامه‌ریزی که در آن مردم و یا شهروندان نقش اساسی را در ساماندهی شهری بازی می‌کنند (کوین لینچ، ۱۳۷۶، ص ۳۴۲). این مکتب اعتقاد دارد شهر صنعت‌زده قرن بیستمی قادر به برآوردن

4. Social Trust
5. Social Participation

6. Social Network

نیازهای جسمی و روانی ساکنانش نیست؛ از این رو توجه به «طبیعت و فرهنگ» از اصول مهم این دیدگاه است. - «توسعه پایدار»: بافت قدیم در دوران معاصر با یک تضاد اساسی روبرو شده است. از یک طرف هویت تاریخی و فضایی آنها بر اساس هویت انسانی، اقتصاد پیشه‌وری و فرهنگ ماقبل صنعتی شکل گرفته و از طرف دیگر با نیازها و الزامات نیرومند عصر صنعتی و پسا صنعتی روبرو شده است. جدایی و بریدن از میراث گذشته شهر به بی‌هویتی و آشفتگی می‌انجامد و از طرفی مقاومت در برابر سبک‌های جدید زندگی شهری به انزوا و جدایی از تحولات جهانی منجر می‌شود (مهدیزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۴). مقابله با این تضاد و بحران به یک رویکرد راهبردی درازمدت و نگرش علمی و جامع نیاز دارد. شاید مناسب‌ترین راهکار در این زمینه، توسعه شهری پایدار و تدوین دستورکار ملی توسعه شهری پایدار است. نظریه توسعه پایدار در راستای حمایت از منابع محیطی ارائه شده است. مبانی نظری این رویکرد بر نگهداری منابع در حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید ناپذیر مطرح است. (Bertolini, 2005: 116). این نظریه راه

رسیدن به این اهداف را از طریق اتخاذ سیاست کاربری صحیح و محافظت از زمین و کنترل کاربریها میداند (107 Curtis, 2008). بنابراین در این دیدگاه بافت قدیم از طریق اتخاذ سیاست‌های کاربری صحیح و اجرای طرحهای حفاظتی از زمین و بنا، به منظور استفاده بهینه از زمین و منابع برای حال و آینده با وارد کردن کمترین ضایعات، نگهداری و ساماندهی می‌شود. در تمامی طرحها و پروژه‌های اجرایی توجه به اهداف اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی در راس سیاستگذارها و برنامه‌ریزی توسعه شهری قرار می‌گیرد. این دیدگاه معتقد است که گرچه احیای کالبدی، اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی در تعامل و مرتبط با یکدیگرند؛ اما احیای اقتصادی را می‌توان جنبه کارکردی و ضامن احیای کالبدی و اجتماعی تلقی کرد، اما نه به طریقی که موجب شود هویت تاریخی، اجتماعی و شهرهای سنتی از بین برود. در این مورد توجه به ظرفیت‌های محدود اقتصادی بافتهای قدیمی در رونق اقتصادی نیز بسیار ضروری و مهم است. پایداری اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که بطور رسمی و غیررسمی، سیستم‌ها، ساختارها، و ارتباطات بطور فعالی

جدول ۲. اصول پایداری اجتماعی در رویکردهای مداخلاتی در بافتهای فرسوده؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| اصول پایداری اجتماعی | توضیحات |
|----------------------|--|
| عدالت | عدالت در دسترسی به فرصتها و درآمدهای برابر برای همه اعضاء، بویژه برای افراد فقیر و آسیب‌پذیر جامعه محقق می‌شود. |
| حکروایی | اجتماع بایستی فرایندهای دموکراسی و ساختارهای حکمروایی باز و قابل توجهی را برای اعضاء تدارک ببیند. |
| تنوع | توجه به اصل تنوع در پایداری اجتماعی، می‌توان شرایط و امکانات مختلف اقتصادی - اجتماعی اقشار ساکن در بافتهای فرسوده برایشان فراهم نمود. |
| کیفیت زندگی | همین امکانات رفاه و شرایط مناسب زندگی در بافتهای فرسوده و توجه به فضاها و مکانهای زیبا و خاطره انگیز ایجاد نماید، می‌تواند به نوبه خود کیفیت زندگی مطلوب را فراهم نموده و منجر به افزایش حس تعلق به مکان گردد. |
| روابط بهم پیوسته | میتوان با ایجاد فضاهای متعدد (تجاری، خدماتی، تفریحی و متناسب با نیازهای ساکنین) و تدارک شرایط تعاملات اجتماعی در آنها با فراهم نمودن شرایط روابط و مرادات اجتماعی در بین ساکنین بافتهای فرسوده دست یافت. |

ظرفیت نسل‌های کنونی و آینده را جهت ایجاد جوامع سالم و قابل‌زندگی تدارک ببیند. جوامع پایدار، جوامعی متساوی، متنوع، به‌هم‌پیوسته و دموکراتیک هستند که کیفیت مطلوب زندگی را برای ساکنان خود فراهم می‌کنند. اصول پایداری اجتماعی جهت شناسایی اهداف و جوامع پایدار اجتماعی و توصیف آنچه‌که این جوامع را برای حال و آینده سالم و قابل‌زندگی می‌سازد، طراحی شده است. در جدول ۲ به این اصول اشاره شده است.

فرآیند مداخله در بافتهای فرسوده

استراتژی، هنر برنامه‌ریزی و هدایت تحرکات ناشی از محیط می‌باشد. داشتن یک استراتژی مشخص می‌تواند از همسویی تصمیمات روزمره خود با منافع بلندمدت مطمئن شد. بدون استراتژی بدون ممکن است تصمیمات امروز بر نتایج آتی تأثیر منفی داشته باشد؛ همچنین استراتژی نهادها و سازمان‌های مختلف و نیز افراد را به همکاری با یکدیگر در جهت دستیابی به اهداف مشترک ترغیب می‌کند.

۱- «مأموریت و اهداف بنیادی»: اولین گام در هر تفکر و رفع مشکل و استراتژی در سطوح فرادستی می‌باشد. اهداف بنیادی و اساسی را ارائه می‌دهد و آغازکننده نقطه و تعریفی از موجودیت و هدف موردنظر حاکمیت و یا حتی یک دولت یا سازمان می‌باشد که با توجه به ارزش‌های آن دارای اثربخشی برای بیش از یک دوره کوتاه مدت می‌باشد و شامل تصمیماتی است که دارای اثرات بلندمدت است.

۲- «ارزش و اهداف موردنظر»: دومین گام از فرآیند استراتژی ارزشها و یا فاکتورهای مهم حاکمیت در جهت تحلیل استراتژی انتخابی می‌باشد. ارزش‌ها شامل شاخص‌های بررسی عوامل محیط بیرونی و داخلی می‌باشد که با ایجاد ماتریس‌های ناشی از فرصت‌ها و تهدیدات محیط خارج و نقاط ضعف و قوت محیط داخلی، چشم‌انداز و در نهایت تعیین استراتژی را بدنبال خواهد داشت. لازم است در ابتدا به جهت تعریف از بافت فرسوده و حساسیت این مهم به نکاتی اشاره شود. اول

آنکه واحدهایی که در معابر زیر ۶ متر عرض قرار دارند، دوم آنکه در اجرای ساختمان‌ها از مقررات ملی ساختمان و به ویژه آئین‌نامه ۲۸۰۰ استفاده نشده باشد و سوم آنکه ساختمان‌هایی که دارای قدمت بیش از سی سال و در ترکیب ساخت آنان از مصالح نامرغوب و سنتی استفاده شده‌است لذا اینان چون مقاومت و استحکام لازم را ندارند، فرسوده تلقی می‌گردد. تکنیک مدیریتی استراتژیک SWTO سعی به تجزیه و تحلیل محیط خارج شامل فرصتهای موجود و تهدیدات محیط خارج را مورد بررسی قرار داده و از سوی دیگر محیط داخل را از دو بعد نقاط ضعف و نقاط قوت مورد بررسی قرار داد.

۳- «رویه‌های مورد انتظار»: سومین گام از فرآیند استراتژیک به‌منزله نگاه و رویه‌ای است که خواسته‌های اجرایی را که خواهان آن می‌باشیم را مطرح می‌نماید. آنچه به عنوان محور اهداف بنیادی که همانا احیاء بافت فرسوده و الزامات قانونی می‌باشد در دستورکار بررسی نکات مهم برای حاکمیت قرار می‌گیرد. این نکات مهم با ابزار SWTO آنالیز می‌شود و پس از بررسی‌های تک‌تک اقسام تشکیل‌دهنده و تشکیل ماتریس نگاه کلی به آینده که همانا VISION می‌باشد، برای سازمان و یا حاکمیت ایجاد می‌نماید.

۴- «استراتژی و خط‌مشی»: چهارمین گام از فرآیند استراتژیک استراتژی می‌باشد. استراتژی برنامه توسعه و درگیر با موضوعات جهانی و یا کشوری با ابزار محیط خارج و ظرفیت‌های داخلی می‌باشد. اکثر طراحان و سازمان‌های بزرگ و دولتی هم دارای بیانیه مأموریت و هم دارای چشم‌انداز می‌باشند، لیکن عموماً هر دو را به یک تعبیر نام می‌برند. در واقع بیانیه مأموریت توجهات داخلی و دلایل موجودیت دولت و یا سازمان و یا طرح می‌باشد و هدف اولیه آن فعالیت اهداف بنیادی می‌باشد؛ در حالیکه چشم‌اندازها همانند تصویر آینده می‌باشد و شامل مواردی است که می‌خواهیم باشیم؛ در نتیجه استراتژی برنامه‌های کلی رسیدن به اهداف می‌باشد.

۵- «برنامه اجرایی استراتژی و خط‌مشی»: پنجمین گام

7. MISSION
8. VALUES
9. VISION

10. STRATEGY
11. STRATEGY MAP



از فرآیند استراتژیک طراحی و تدوین برنامه اجرایی استراتژی بواسطه تحلیل‌های ماتریس‌های ایجاد شده می‌باشد، در این فرآیند تدوین برنامه‌های اجرایی جامع و کلی با ملاحظات پیش‌نیاز و پس‌نیاز کلیه عوامل متأثر از مقوله بازسازی بافت‌های فرسوده و نظارت بر چگونگی اجرا را مطرح می‌نماید، لذا یکی از مهم‌ترین شاخص‌های این بخش مقابله تعامل آیت‌های ماتریس ایجاد شده می‌باشد. برای مثال در ماتریس (OS) حاکمیت، اراده و عزم خود را برای حصول بر استراتژی ترسیم کرده و از سوی دیگر جذابیت‌های ناشی از اراده حاکمیت منتج به انتخاب استراتژی رشد و سرعت لازم در بازسازی و احیاء بافت فرسوده خواهد شد، لذا باید حداکثر استفاده را از امکانات موجود بعمل آید.

۶- «معیارهای اندازه‌گیری»^{۲۱}: ششمین گام از فرآیند استراتژیک با استفاده از معیارهای اندازه‌گیری مقوله بازسازی و احیاء بافت فرسوده را کمی و آثار SWOT را بصورت منفرد در کنار ماتریس‌های ایجاد شده مورد بررسی قرار می‌دهد. بطور خلاصه مشاهده می‌شود نقاط ضعف محیط داخل (W) دارای سوابق عمقی و کمی بیشتری می‌باشد و بدیهی است در صورت برتری (W) همانند آنچه که در سال‌های گذشته در کشورمان شاهد بودیم؛ شاید بهتر باشد مقوله احیاء و بازسازی بافت فرسوده را فراموش کرده و با بازنگری اصولی در مدیریت و حاکمیت پرداخته شود؛ در غیر اینصورت هر تصمیم جدی نه تنها مؤثر نخواهد بود بلکه منجر به خسران نیز خواهد شد.

۷- «هدف و رویکردهای اجرایی مورد نیاز»^{۲۲}: گام بعدی از فرآیند استراتژیک بیانگر میزان فعالیت و رویکردهای رفتاری در جهت بیانیه ماموریت می‌باشد. براساس معیارها و شاخص‌های اهداف در جهت احیاء و بازسازی بافت فرسوده نهادگذاری می‌شود و مقیاس تعامل و تقابل را پیش‌بینی کرده و به جهت دست‌یافتن به تدوین استراتژی هرگونه انحراف معیار از مقیاس رویکردهای مناسب در جهت تقویت نقاط ضعف داخل (W) و کاهش

تهدیدات (T) استفاده می‌نماییم، به عبارتی با معیارهای اندازه‌گیری (کمی) و معیارهای کیفی برای بهینه نمودن تدوین استراتژی نسبت به تحلیل شرایط موجود در قالب تعامل و تغییر در رویکردهای مدیریتی نادرست طراحی‌های لازم بعمل می‌آید.

۸- «تدوین استراتژی»^{۲۳}: هشتمین و آخرین گام از فرآیند استراتژیک بیانگر پیشنهادات اجرایی فاز سفرکه ناشی از تحلیل‌های ماتریس‌های ایجاد شده و همچنین برنامه‌ریزی در جهت کاهش (W) و (T) و استفاده بهینه از (S) و (O) برابر مفاد هفتمین قدم می‌باشد مستخرج خواهد شد. در ابتدا سعی می‌شود تحلیل‌های ماتریس بطور خلاصه مطرح و سپس راهکارهای پیشنهادی تحت عنوان تدوین استراتژی ارائه گردد.

سیاست‌ها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری

ارزیابی و تحلیل سیاستها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری این امکان را فراهم می‌نماید تا با اطلاع از نقاط ضعف و قوت برنامه‌های گذشته و آسیب‌شناسی علل عدم تحقق برخی برنامه‌ها به یافته‌هایی برای تدوین سیاستهای کارآ برای مواجهه با مسایل و مشکلات این محدوده‌ها دست یابیم. لذا در این بخش به مروری تحلیلی بر سیر تکامل سیاستها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری می‌پردازیم. اما مجموعه تجربیات، سیاستها و رویکردهای بکارگرفته شده در برخورد با بافتهای فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران بطور خلاصه در جدول شماره ۳ آمده است:

در این بررسی سیاستها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری سه دهه گذشته مورد توجه قرار می‌گیرند. برنامه‌های به اجرا درآمده هر یک متأثر از ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوران خود بوده و معرف رویکردهای متفاوتی در مواجهه با مسایل و مشکلات بافتهای شهری‌اند. در این بررسی سیاستها و برنامه‌های فوق در شش گروه طبقه‌بندی و مورد بررسی قرار می‌گیرند.

12. BALANCED SCORECARD
13. TARGET & INTIVES
14. STRATEGIC OUTCOMES

جدول ۳. رویکردهای اصلی بری حل مساله اسکان غیررسمی در ایران؛ ماخذ: ایراندوست، ۱۳۸۸، ص ۱۷۴.

| سیاست؛ رویکرد | مصادق | دوره اصلی رواج | نتیجه |
|--------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|---|
| نادیده گرفتن | جنوب تهران | پیش و پس از انقلاب | رشد سکونتگاههای غیررسمی |
| پاکسازی | جنوب تهران- خاک سفید | دوره انقلاب دهه هفتاد | جابجایی خانوارها تشکیل محله های جدید |
| مسکن عمومی | کوی نهم ابان | در دوران مختلف بویژه پس از انقلاب | فروش و واگذاری مسکن از سوی کم درآمدها |
| سیاستهای بخشی مختلف مسکن | قانون تامین مسکن کم درآمدها (۱۳۷۲) | پس از انقلاب | عدم پوشش مناسب نبود ارزیابی مشخص |
| مکان-خدمات و آماده سازی | تمام شهرهای ایران | دهه ۱۳۶۰ | عدم پوشش کم درآمدها |
| شهرهای جدید | کلانشهرها | دهه ۱۳۶۰ و اوائل هفتاد | عدم جذب و شمول فقرا |
| بهسازی و توانمندسازی | بندرعباس- کرمانشاه و زاهدان | دهه ۱۳۸۰ | - |



گذشته به تهیه «طرح‌های تفصیلی ویژه‌ای برای مراکز شهری» بویژه شهرهای آسیب‌دیده در جنگ پرداخت. این روند تکاملی با برنامه جدیدی تحت عنوان «محورهای فرهنگی- تاریخی» ادامه پیدا کرد. بافتهای مراکز شهری که همواره به عنوان بخش مجزایی از پیکره شهر مورد برنامه‌ریزی‌های موضعی قرار می‌گرفتند. در این برنامه با جامعیت ساختاری شهر و سرزمین پیرامونی، مورد اندیشه واقع شدند. سیاست قالب در این دوره بهسازی و نوسازی تدریجی توسط مردم از طریق طرحهای بهسازی با ساختاری مشابه با طرح‌های تفصیلی رایج بوده است (ایزدی، ۱۳۸۰).

ج- «نوسازی شهری حد فاصل سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶»: سیاست استفاده از اراضی و املاک واقع در بافتهای مراکز شهری برای جبران بخشی از مسکن مورد نیاز، از طریق تملک، پاکسازی و تجمیع واحدهای موجود، آغاز گر دوره جدیدی از فرایند برنامه ریزی برای بهسازی و نوسازی بافتهای شهری در ایران است. این سیاست در

الف- «سیاستها و برنامه‌های به اجرا درآمد پس از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷»: برنامه‌های به اجرا درآمده در این دوره متأثر از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پس از انقلاب و جنگ دارای تفاوت‌های بارزی با سایر دوره‌هاست. اقدامات بسیار محدود و موضعی اند، و اگر چه با سیاستی پیشرو تحت عنوان «روانبخشی» آغاز گردید، اما ماهیت آن از یک برنامه مشارکتی بین شهرداری و شهروندان به برنامه‌ای دولتی وابسته به درآمدهای عمومی مبدل گردید. در نتیجه با توجه به شرایط اقتصادی حاکم به کلیه شهرها تعمیم پیدا نکرد و در حد چند اقدام موضعی در شهرهای اصفهان، یزد، سمنان، گرگان و شیراز باقی ماند (ایزدی، ۱۳۸۰).

ب- «سیاستها و برنامه‌های بهسازی شهری حد فاصل سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲»: این دوره مصادف با سال‌های ابتدای دوره بازسازی پس از جنگ است. دولت در این دوره با ارائه سیاستی جامع تر نسبت به اقدامات موضعی

ابتدا با عنوان «تجمیع» و سپس با درج آن در برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور تحت عنوان «بافت مسئله دار شهری» به مورد اجرا گذاشته شد. دولت مرکزی با تشکیل شرکتهای وابسته با مشارکت اندکی با سایر سازمانهای ذی نفع از جمله شهرداریها بدین امر مبادرت ورزید. دخالت مستقیم دولت در این برنامه و اجرای پروژههای کلان مقیاس پاکسازی و تجمیع از یک سو و وابستگی برنامه به درآمد عمومی دولت از سوی دیگر موجب بروز مسایل عمدهای در اجرای این برنامه گردید.

د- «سیاستها و برنامههای حد فاصل ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴»: با تشکیل سازمان عمران و بهسازی شهری وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۷۶ دوره کاملاً نوینی در سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجرای برنامههای بهسازی و نوسازی شهری آغاز گشت. هدف اصلی تشکیل این سازمان، ایجاد نهادی سیاستگذار، برنامه ریز و ناظر بر تحقق برنامههای عمران و بهسازی به منظور دستیابی به توسعه موزون، متعادل و پایدار شهری، از طریق شناسایی و استفاده از ظرفیتهای موجود کالبدی، اقتصادی، و اجتماعی موجود در درون محدوده قانونی شهرها و تعادل بخشی به استقرار جمعیت و جلوگیری از گسترش بی رویه شهرها و همچنین فراهم کردن امکان زندگی سالم، ایمن و استاندارد بوده است. با اتخاذ چنین سیاستی نه تنها قلمرو جغرافیای موضوع بهسازی و نوسازی شهری افزایش یافت، بلکه سیاست جدیدی با عنوان سیاست توسعه از درون برای نخستین بار در زمره سیاستهای توسعه شهری مورد توجه قرار گرفت. از سوی دیگر، مسائل ناشی از اجرای پروژههای بزرگ مقیاس پاکسازی دوره پیشین و دخالت مستقیم دولت بدون مشارکت با سایر نقش آفرینان این فرایند موجب شد که برنامههای بهسازی و نوسازی شهری در این دوره دارای تفاوتی ساختاری با دوره ی قبل گردد. از مهمترین سیاستهای پیگیری شده در این دوره می توان به سیاست تشویق بخش خصوصی و سرمایه گذاران برای مشارکت در اجرای پروژههای نوسازی با دولت اشاره کرد (اسکندری و رباطی، ۱۳۸۹).

ه- «نوسازی بافتهای فرسوده شهری حد فاصل سالهای

۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸»: پس از واقعه ناگوار زلزله بم، توجه همگان بویژه مدیران شهری به موضوع چالشها و مسایل بافتهای شهری جلب گردید. سیاستگذاری برای مواجهه با مخاطرات ناشی از ناپایداری و نابسامانیهای بافتهای شهری به یکی از موضوعات مطرح در شورای عالی معماری و شهرسازی ایران بدل گردید. در این دوره با تعیین و تصویب سه شاخص ناپایداری، ریزدانی و نفوذناپذیری، به شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران ماموریت داده می شود که با توجه به شاخصهای فوق مبادرت به شناسایی این محدودهها با عنوان بافتهای فرسوده شهری بنماید. تاکنون بیش از ۶۷/۶۱۹ هزار هکتار بافت با سه شاخص فوق در بیش از ۳۸۳ شهر کشور شناسایی شده است. شناسایی و معرفی این محدودهها با عنوان بافتهای فرسوده شهری اگر چه باعث توجه بیشتر مسئولین به این معضل و ابعاد گسترده آن شده است، اما عدم تدوین برنامههای جامع با مشارکت سایر دستگاههای مرتبط برای گونههای مختلف و تعریف رویکرد مواجهه متناسب برای هر یک و بی توجهی به حضور و مشارکت مردم، سبب فقدان کارایی برنامههای نوسازی در این دوره شده است. در این دوره همزمان با دولت، شهرداریها نیز با تشکیل نهادی مستقل، برنامههای متنوعی را در شهرهای مختلف به اجرا برده اند. در این دوره، برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به مورد اجرا گذاشته شد. تدوین اصول و راهبردهای هویت بخشی به سیما و منظر شهری و روستایی، ضروری دانستن استحکام بخشی به ساخت و سازها، بهبود محیط زندگی در شهر و روستا و احیای بافتهای فرسوده و نامناسب شهری به قصد ممانعت از گسترش محدوده شهرها از جمله مواردی هستند که توسط برنامه چهارم مورد توجه قرار گرفتند (عندلیب، ۱۳۸۹).

و- «ساماندهی و توانمندسازی پس از ۱۳۸۸»: ارزیابی و تحلیل بیش از دو دهه اقدام برای بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری بیانگر این واقعیت است که بدون حضور و مشارکت گسترده ساکنان، مالکان و سایر دست اندرکاران امر بهسازی و نوسازی شهری، امکان موفقیت و تحقق اهداف این برنامهها غیرممکن است.

جدول ۴. مقایسه شرایط بافت فرسوده با بافت‌های عادی؛ ماخذ: نگارنده.

| بافت معمولی | بافت فرسوده |
|--|---|
| هر یک از مالکین به خواست خود اقدام به نوسازی ملک خود می‌کند. | اقدامات نوسازی بصورت متمرکز برنامه‌ریزی و مدیریت می‌شود. |
| ساخت و ساز امری جاری و تدریجی است و مهلت معین ندارد. | نوسازی، در مهلت معین (کوتاه یا میان مدت) باید اتمام یابد. |
| ساخت و ساز جدید در پلاک‌ها و بصورت جزئی انجام می‌شود. | نوسازی بافت فرسوده، کلیت ناحیه را مورد نظر قرار می‌دهد. |
| دگرگونی کل بافت مورد نظر نیست. | دگرگونی کل بافت مورد نظر است. |
| اجرای طرح مشروط به توجیه اقتصادی نیست. | اجرای طرح وابسته به توجیه اقتصادی آن است. |

محدوده‌ها و محلات، اعطای تخفیف عوارض صدور پروانه ساختمان توسط شهرداری‌های کشور، استفاده از ابزارها و امکانات مختلف برای اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و ایجاد بستر لازم برای حضور گسترده و مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده همگی از اقداماتی هستند که نشان از نوعی عزم ملی برای دست‌یابی به محیطی امن، باکیفیت، مجهز و ایمن برای شهروندان است. این در حالی است که مسائلی چون تعدد سازمانها و نهادهای دخیل و عدم هماهنگی در رویکردها، سیاست‌ها و برنامه‌های آنان، تقابل‌های موجود در سیاست‌های توسعه، عدم تبیین نقش و جایگاه بازیگران مختلف و در اختیار نداشتن برنامه جامع در مواجهه با مسائل این عرصه‌ها موجب ناکارایی و ضعف عملکرد دستگاه‌ها در این فرایند شده است.

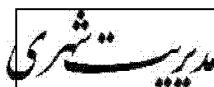
اصول نوسازی بافت‌های فرسوده شهری

کلیه هدف‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، اقدامات و عملکردهای مدیریت نوسازی بافت فرسوده شهر تهران بر پایه اصول دهگانه‌ای که ذیلاً اشاره می‌گردد، ارزیابی و مورد عمل قرار می‌گیرد. این اصول در واقع میتواند نقطه ثقل موفقیت برنامه‌ها و فرایند نوسازی بافت فرسوده قلمداد شود.

۱- «مردم محوری»: باید بپذیریم که ساکنین بافت‌های فرسوده در حقیقت ذینفعان اصلی اقدامات نوسازی

توجه به این مهم و نیز سرمایه شگرف نهفته در این مناطق که با مشارکت مردم و حضور آنان در این فرایند شکوفا خواهد شد، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این بخش را به سوی رویکرد مشارکت پایدار و گسترده مردم رهنمون کرده است. اما تحقق مشارکت پایدار مردمی و حضور گسترده کلیه دست اندرکاران، درگرو فراهم کردن بسترهای لازم برای تسهیل حضور بخش خصوصی، ساکنان و سایر نهادها و دستگاه‌های ذی مدخل در این فرایند است. براین اساس، دولت و شهرداری‌ها با اتخاذ رویکرد جدیدی تلاش نموده‌اند با تمرکز بر مجموعه اقداماتی نرم‌افزاری زمینه‌های حضور و مشارکت مردم را فراهم نمایند (ایزیدی، ۱۳۸۹).

تعریف و تأمین بسته‌های حمایتی و تشویقی در ترغیب مردم برای حضور فعال و گسترده در فرایند بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی مشتمل بر تسهیلات ارزان قیمت، تخفیف‌های ویژه کمک به ودیعه اسکان موقت، کمک بلاعوض برای تجمیع قطعات ریزدانه و اختصاص اعتبارات خاص برای بهبود شبکه معابر و ایجاد دسترسی‌های لازم، تهیه و تصویب طرح حمایت از نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری در مجلس شورای اسلامی، تهیه سند ملی راهبردی ساماندهی و توانمندسازی نواحی نابسامان شهری در ایران، تدوین دستورالعمل راه‌اندازی دفاتر خدمات نوسازی



محسوب می‌گردند. پرهیز از نگرش درآمذزایی به نوسازی و بازگرداندن سود و عواید آن به نوسازی محیط زندگی و تامین نیازهای اساسی ساکنان باید مورد توجه قرار گیرد.

۲- «همه جانبه‌نگری»: نوسازی امری پیچیده است، ابعاد و عناصر گوناگونی در آن بر یکدیگر تاثیرگذارند. نگرش به همه جوانب و دیدن تمام ابعاد در سطوح متفاوت کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عملکردی، زیست محیطی، حقوقی و مدیریتی درک این پیچیدگی را آسان نموده و حل آن را ممکن می‌سازد.

۳- «جامع‌نگری»: مدیریت نوسازی مدیریتی راهبردی است که جامع‌نگر و چندلایه است. توجه به نیازهای گوناگون در زمانهای متفاوت، باید برنامه‌ریزی تامین نیازهای فوری و افق‌های کوتاه مدت تا بلند مدت را در برنامه‌کار خود قرار دهد.

۴- «فرایند محوری»: نوسازی نه‌جرای یک پروژه بلکه یک فرایند است، که طی مراحل خویش پرورش تکاملی یافته و خود را به نقطه هدف می‌رساند.

۵- «مشارکت برانگیزی»: ایجاد بستر مناسب جهت حضور و مشارکت همه بخش‌ها و تشویق به ایفای نقش موثر آنها از طریق توسعه و گسترش حوزه عملیات نوسازی در چارچوب مدیریتی یکپارچه از اصول مهم نوسازی بافت‌های فرسوده است؛ چراکه اساساً یک سازمان کوچک نه ظرفیت و نه قابلیت آن را دارد که بتواند مسئولیت اجرای این امر خطیر را بر عهده گیرد.

۶- «نوآوری»: تغییر و تحول اساسی در شیوه‌ها، روش‌های جاری و سازوکارهای اجرایی کم‌اثر، امری الزامی و ضرورتی انکارناپذیر خواهد بود.

۷- «الگوسازی»: در واقع نوسازی در بستر زمان عبارت است از جریان تولید الگوهای جدید در موضوعات و زمینه‌های اصلی نوسازی شامل تولید طرح، تولید زمین، تولید سرمایه و تولید ساختمان. همچنین نوسازی باید بتواند از طریق تامین الگوهای مناسب برای اقدام در هر منطقه متناسب با نیاز آن جغرافیا پاسخی درخور ارائه نماید.

۸- «فرصت محوری»: این اصل تاکید بر درک نقش و اهمیت مدیریت زمان در امر تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و

اجرای نوسازی می‌باشد؛ بدین معنا که هزینه‌ای که بابت تاخیر در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا حاصل می‌شود، هر چند ممکن است قابل شمارش نباشد، لیکن در درازمدت اثر اجتناب‌ناپذیری در نوسازی این مناطق به همراه خواهد داشت.

۹- «اطمینان بخشی (اعتماد سازی)»: مادامی که نوسازی از درجه بالای شفاف‌سازی و نیز اطمینان‌بخشی برخوردار نباشد نمی‌تواند مدعی تداوم و تضمین مسیر خویش باشد.

۱۰- «نهادینه سازی»: بدین معنا که مدیریت نوسازی باید بتواند از طریق اعمال کارآمدترین شیوه‌ها، روش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، یک جریان پایدار و روندی ماندگار را در راستای نوسازی باوی‌ژگی دائمی بودن ایجاد نماید. در عین حال باید از هرگونه اقدامات سلیقه‌ای، مقطعی و شتاب زده پرهیز نماید.

کنشگران دخیل در فرایند بهسازی و نوسازی شهری را کنشگران دخیل در فرایند بهسازی و نوسازی شهری را می‌توان در چهارگروه طبقه‌بندی کرد:

= «بخش خصوصی»، دربرگیرنده جامعه حرفه‌ای؛ شامل تمامی دستگاه‌ها و شرکت‌های تخصصی، سرمایه‌گذاران و نهادهای تامین‌کننده سرمایه، جامعه نخبگان؛ یا به عبارتی مجموعه عوامل و دستگاه‌هایی که در زمینه تحقیقات و پژوهش و آموزش و مطالعات صاحب نظر و صاحب قلم اند،

= «دولت»، مشتمل بر کلیه دستگاه‌های اجرایی، نهاد سیاستگذار، ناظر و هدایت‌کننده فرایند بهسازی و نوسازی شهری

= «مردم»؛ به عنوان اولین و مهمترین جامعه ذی نفع نوسازی و بهسازی بافت، پایه و قاعده اصلی مشارکت فعال در امر نوسازی مشتمل بر ساکنان، شاغلان، مستاجرین، مالکان و مراجعین (عندلیب، ۱۳۸۶)

= «شهرداری‌ها»، شوراهای اسلامی شهر، سازمانهای نوسازی شهری و انجمن‌های شورایی وابسته به شوراهای شهر بخش خصوصی، دولت و شهرداری‌ها هر یک نقش ویژه‌ای در این فرایند بر عهده دارند. اما در این میان ضروری است نقطه کانونی اقدامات هر سه گروه

معطوف به مردم و همگام با خواسته‌ها و نظرات آنان باشد. در یک فرایند ایده آل، بخش خصوصی ارائه‌کننده خدمات فنی - تخصصی، تامین‌کننده منابع مالی و اجرایی است؛ دولت نقش تسهیل‌گر، سیاستگذار، ناظر و همچنین فراهم‌کننده زمینه‌ها و بسترهای لازم برای تشویق و ترغیب مردم برای حضور و مشارکت را برعهده داشته و شهرداری‌ها محور مدیریت اجرایی را برعهده دارند.

در حال حاضر این سه رکن از طریق تشکیل نهادهای واسط در تلاش‌اند تا ضمن ایجاد فضای مشترک همکاری، نهادهای لازم برای تسهیل این فرایند را ایجاد نمایند. تشکیل شرکت‌های عمران و مسکن‌سازان، نوسازان و یا شرکت‌های احیاء بافت، گام موثری در ایجاد همکاری بین دولت و شهرداریها بوده است. راه‌اندازی دفاتر خدمات نوسازی، ایجاد نهاد تسهیلگر محله و مجریان نوسازی نیز تلاشی نوپا برای واگذاری امور از سوی شهرداری‌ها به بخش خصوصی است.

مداخله در بافتهای شهری

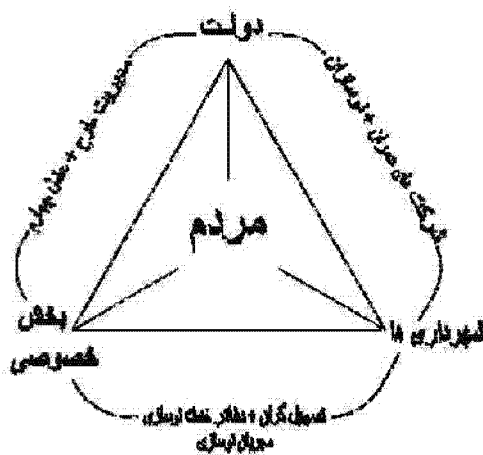
در طول تاریخ رویه‌های گوناگونی در برخورد با بافتهای شهری (در هر مرتبه و مقیاس) وجود داشته است که باعث شکل‌گیری رویکردهای گوناگون در حوزه مداخلات شهری شده است. در جمع‌بندی از انواع نگاه‌هایی که تا به امروز نیز در نوع مداخله در بافتها

تاثیرگذار بوده است، باید بیان داشت که چهار نوع نگاه در این زمینه وجود دارد:

۱. «مداخله نوگرایانه»: این مداخله متأثر از نظریات شهرسازان و پیش‌شهرسازان قرن نوزدهم چون کابه و راسکین است، با هدف ارتقاء بهداشت و زیبایی و افزایش کارائی به وجود آمد. این نگاه با مشکلاتی از قبیل تراکم بالا در بافتهای قدیمی و آلودگی این بافتها و نبود فضاهای سبز و مناظر زیبا در آنها روبرو بود. نوگرایان دلیل این مسائل را در ادامه یافتن سنتهای قدیم در شهرها و عدم استفاده از علم و تکنولوژی جدید می‌دانستند و بر این اساس بود که مانیفست جدایی از گذشته را مطرح کردند و با استفاده از روشهایی چون منطقه بندی کاربریها و ایجاد شبکه‌های سواره منظم و شطرنجی، سعی داشتند برای مردم نور و هوا به ارمغان آورند.

۲. «مداخله فرهنگ‌گرایانه»: این نوع نگاه به مداخله نیز از قرن نوزدهم و افرادی نظیر «راسکین، موریس و کامیلو سیت» تاثیر گرفته است و بر وجود ارزشهای فراوان در بافتهای کهن تاکید دارد و راه آینده را در تبعیت از اشکال شهری کهن و تکرار زیبایی‌های آن و حداقل مداخله در آن بافتها می‌داند. این نگاه بر وجود فرهنگ (به عنوان جوهره اساسی فضا) در شکل‌دهی به بافتهای کهن تاکید دارد و لذا بر از بین نبردن آنها تاکید می‌کند.

۳. «مداخله فرانوگرایانه»: که تلفیقی از دو نگاه بالا است و از اواسط قرن بیستم به بعد شکل می‌گیرد. در این نگاه



نمودار ۱. کنشگران دخیل در فرایند نوسازی شهری و نهادهای مشترک تسهیل‌گر؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۵. میزان مداخله در بافتهای شهری؛ ماخذ: نگارنده.

| | | |
|--------------------------|------------------------|--|
| سیاستهای بهسازی | سیاستهای حفاظت موزه ای | افزایش میزان مداخله کالبدی (از بالا به پایین) |
| سیاستهای بازسازی | سیاستهای نوسازی | |
| افزایش حجم و نوع تغییرات | | |

جدول ۶. نوع بافت، اهداف و سیاستها و اقدامات؛ ماخذ: نگارندگان.

| انواع بافت | اهداف | سیاستها | اقدامات |
|--|---|---------------|---|
| بافت تاریخی زنده و فعال  | حفظ کامل وضع موجود رفع مشکلات موردی اصلاح تدریجی بافت | حفاظت و تعمیر | تدوین ضوابط خاص بافت تاریخی مرمت دائم کالبد بافت تاریخی نظارت دائم و جلوگیری از هر نوع تغییر پیش بینی نشده |
| بافت تاریخی خالی شده از فعالیت  | حفظ کالبد وضع موجود ارتقاء فعالیتها در بافت | بهسازی | استحکام بخشیدن به ساختار کالبدی بافت توانبخشی از طریق تزریق فعالیت های جدید حمایت و مراقبت از بافت از طریق جلب حمایتهای دولتی، تدوین قوانین و حوزه های حفاظتی |
| بافت فعال اما دارای وضعیت کالبدی نامناسب  | حفظ فعالیت موجود اصلاح کالبدی | نوسازی | انطباق و به روز سازی فضاها و فعالیتها تبدیل و تغییر کالبد قدیمی در جهت استفاده بهینه نوسازی کالبد در جایی که امکان اصلاح ندارد حمایت و ایجاد مشارکت ساکنان در تعمیر یا تغییر کالبد |
| بافت با کالبد نامناسب و فعالیت اندک  | اصلاح همزمان کالبد و فعالیت در بافت | بازسازی | تخریب بافت کاملاً فرسوده پاکسازی و آوار برداری محدوده اجرای طرح و سازمان جدید در محدوده |

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۵۶

معاصر سازی فضاهای کهن را لازمه زندگی امروز می داند، ولی مراقب است که کمترین آسیب ممکن را به بافت کهن که آن را واجد ارزشهای فرهنگی اما نامناسب برای زندگی امروز می داند، برساند.

۴. «مداخله مردم گرایانه»: این نوع نگاه به مداخله متاثر از نظریات مشارکتی اواخر قرن بیستم است که سعی دارد مردم را به عنوان مخاطبان اصلی هر نوع مداخله ای در فرآیند و محصول برنامه ریزی و طراحی بافتها شریک کند. در این نگاه بیشتر ادراک نقش مردم در شهر و برنامه ریزی بر اساس آن اهمیت دارد نه مداخله کالبدی. مداخلات شهری طیفی وسیع از انواع اقدامات را در

نویسند (تخریب و بازسازی) تشکیل خواهند داد که هر کدام برهه ای از تاریخ را در بر گرفته است.

برای وضعیت بافتهای شهر نیز، می توان طیفی را شکل داد که بیان کننده میزان «ارزشمندی» و میزان «فرسودگی» آنها باشد. یعنی یک سر طیف، بافت کاملاً داری ارزش با میزان فرسودگی پائین و سر دیگر طیف بافت دارای ارزش پائین با میزان فرسودگی بالا قرار دارد. به طور خلاصه می توان خصوصیات انواع بافتها و اهداف سیاستها و اقدامات مورد نیاز مداخله در آنها را در جدول زیر اینچنین خلاصه کرد.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
56 nt
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۵۷

در مجموع مداخله در شهر و میزان و محل و چگونگی این مداخله دارای طیفهای گوناگونی می شود، یعنی با تغییر موقعیتها و شرایط بافتها در مناطق مختلف، روشها نیز تغییر خواهد کرد اما به طور کلی آنچه می توان ثابت است این است که همواره برآورد درست میزان مشکلات و نیازها در یک محدوده، تعیین کننده نوع و روش برخورد با آن محدوده را مشخص می کند.

برمی گیرد که در کلی ترین نگاه از محافظه کارانه ترین برنامه ها که سیاستهای حفاظت کامل است، آغاز می شود و تا بزرگترین پروژه های توسعه مجدد، پیش می رود. به طور اجمالی سیاستهای مداخله در چهار دسته قرار می گیرند:

اگر برای این تغییرات طیفی در نظر گرفته شود، یکسر طیف را دیدگاه موزه ای و سر دیگر طیف را، دیدگاه کاملاً

جدول ۷. دیدگاههای مختلف، نگرش، دوره های زمانی و نحوه برخورد با اسکان غیررسمی و بافتهای فرسوده؛

ماخذ: ایراندوست، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶.

| دیدگاه | نگرش | دوره | نحوه برخورد |
|--------------|-----------------------------------|--------------|---------------|
| لیبرالیسم | مسئله ای گذرا | تا دهه ۱۹۶۰ | نادیده گرفتن |
| محافظه کار | غده ای چرکین | ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ | تخلیه و تخریب |
| رادیکال | ریشه در نظام نابرابری سرمایه داری | ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ | خودداری |
| نئولیبرالیسم | رویکرد قانونی و بوروکراتیک | ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ | مسکن عمومی |
| اسکار لوئیس | فرهنگ فقر | ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ | بهبودی |
| چارلز ابرامز | تغییر در نگرش نهادهای بین المللی | ۱۹۹۰ تا کنون | توانمندسازی |

تحلیل یافته‌ها و تبیین چارچوب مدل پیشنهادی

مهم‌ترین ویژگی‌های بافتهای فرسوده شهری به شرح زیر قابل ذکر است:

۱- «ویژگی‌های کالبدی، سیما و منظر شهری»: اغلب واحدهای ساختمانی در بافتهای فرسوده شهری فاقد سیستم سازه‌ای و فاقد هرگونه محاسبات فنی برای مقاومت در برابر سوانح طبیعی از جمله زلزله می‌باشند و واحدهای فرسوده مزبور، به لحاظ زیبایی بصری، دچار ناهنجاری‌های متعدد بوده و روح جستجوگر زیبایی شهروندان را متناسب با سلیقه‌های امروزی سیراب نمی‌کند و باعث رویگردانی آنها می‌شود.

۲- «میزان برخورداری از شبکه‌های دسترسی، زیرساخت‌ها و تاسیسات شهری»: بافتهای فرسوده شهری از کمبود و ناکافی بودن سطح شبکه‌ها و معابر دسترسی به خدمات شهری رنج می‌برد و اغلب معابر آن دارای عرض کمتر از ۶ متر می‌باشند که به هیچ وجه متناسب با زندگی شهری امروز نیست. تاسیسات و زیرساخت‌های شهری به دلیل گذشت زمان، فرسوده شده و پاسخگو نیست.

۳- «میزان بهره‌مندی از خدمات شهری»: بافتهای فرسوده شهری از فقدان برخی خدمات فرهنگی، آموزشی و شهری به لحاظ کمی و کیفی رنج می‌برد و در برخی خدمات نیز دچار نقص است. در محدوده بافتهای فرسوده، بندرت شاهد وجود مراکز فرهنگی و عمومی نظیر کتابخانه‌های عمومی، فرهنگسراها و مراکز بهداشتی، درمانی، امداد و نجات، فضاهای سبز و عمومی لازم و کافی، مهدکودک‌ها و امثال آن هستیم.

۴- «ویژگی مالی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری»: عمده محدوده بافتهای فرسوده شهری بویژه در لایه‌های مرکزی شهرها از چرخه و حیات اقتصادی شهر خارج شده‌اند و به عبارت ساده‌تر، از بین رفتن توجیه اقتصادی و مالی موجب فرار سرمایه‌ها از این مناطق و عدم سرمایه‌گذاری در آنها گردیده است.

۵- «ویژگی اجتماعی و فرهنگی»: توسعه فرسودگی و از بین رفتن مرغوبیت محدوده بافتهای شهری و به عبارت دیگر، تنزل رتبه اجتماعی محدوده‌های مزبور در نگاه شهروندان، باعث افزایش میزان مهاجرت افراد اصیل و

بومی با توان اقتصادی مطلوب و جایگزین شدن آنان با افراد با توان اقتصادی پایین‌تر، اقشار مبتلا به آسیب اجتماعی نظیر معتادان و مهاجران بیگانه شده‌است. در واقع هنجارهای اجتماعی و فرهنگی محدوده‌های بافت فرسوده به ناهنجاری بدل گردیده و ملاحظه برخی آمارها نشان می‌دهد، سهم مستاجران به مالکان ساکن در محدوده‌های مذکور بشدت بیشتر شده‌است. از سوی دیگر، به دلیل پایین بودن میزان مقاومت واحدهای فرسوده در برابر سوانح طبیعی حتی برخی واحدها، با بارش یک باران فرو می‌ریزند به میزان قابل توجهی، سطح امنیت روانی ساکنان را کاهش داده‌است.

مهمترین چالشهای برنامه ریزی بافتهای فرسوده نیز به این قرار است:

۱- جمعیت ساکن این بافتهاکه عمدتاً از گروه‌های پایین درآمدی جامعه‌اند، توان مالی لازم را جهت نوسازی در اختیار ندارند.

۲- تعدد دستگاه‌های متولی موجب بروز ناهماهنگی‌هایی در نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، عدم همگرایی منابع و شیوه‌های مواجهه شده‌است.

۳- علی‌رغم تمرکززدایی و برنامه‌های برون‌سپاری امور به بخش خصوصی، سهم قابل ملاحظه‌ای از برنامه‌ها به ساختار مرکزی دولت وابسته است.

۴- الگوی مناسب و مطلوب برای مردم، سرمایه‌گذاران و سازندگان به عنوان نمونه ای قابل تعمیم وجود ندارد.

۵- مردم اعتماد لازم به دولت و شهرداری‌ها را ندارند.

۶- بافت‌ها از حداقل خدمات و زیرساخت‌های شهری برخوردارند.

۷- تعداد نهادهای تسهیل‌گر و ارائه‌کنندگان خدمات به ساکنان بسیار ناچیز است.

۸- ساختار و تشکیلات مدیریت شهری برای پذیرش نقش محوری در فرایند بهسازی و نوسازی شهری از قدرت و انسجام کافی برخوردار نیست.

۹- ساکنان بافت از حقوق و تسهیلاتی که برای نوسازی بافت به آنها تعلق دارد، مطلع نیستند.

۱۰- مراحل اخذ وام و یا سایر تسهیلات بسیار پیچیده، زمان‌بر و به لحاظ تعداد ناکافی است.

مروری بر برنامه‌ها و سیاستهای سه دهه گذشته نشان

می‌دهد که فرایند سیاست‌گذاری و برنامه ریزی بهسازی و ساماندهی بافتهای شهری مسیر تکاملی را پیموده است. سیاستهای مورد عمل علاوه بر توجه به ظرفیتهای موجود ابعاد جامع تری از مسایل را مورد توجه قرار می‌دهند. دولت مرکزی ضمن تفویض و واگذاری امور خود به کارگزاران محلی از درگیری و دخالت مستقیم در پروژه‌های اجرایی پرهیز می‌کند. تامین منابع مالی برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری بجای تکیه بر بودجه عمومی دولت بر محور مشارکت با بخش خصوصی و خود ساکنان و مالکان استوار است. سیاستهای کنونی عمدتاً توجه خود را بر تاکید بر نقش گروه‌های اجتماعی، تقویت جایگاه مالکان و ساکنان و توجه به نیازمندی‌های آنان قرار داده‌اند. در حال حاضر هدف برنامه‌های نوسازی آن است که بجای تخریب و نوسازی‌های گسترده، تغییر ساختار موجود و جایگزینی عناصر جدید، به ساماندهی کالبدی و انتظام بخشی نابسامانی‌های فضایی - عملکردی و برنامه ریزی برای استفاده از ظرفیتهای موجود برای توسعه پردازند. با توجه به مسایل، موانع و چالشهای موجود در فرایند بهسازی و نوسازی شهری، ضروری است تدابیر ویژه‌ای اندیشه و بکار گرفته شود:

۱- بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده و ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی به سبب وسعت و پیچیدگی مساله از یک سو و صرفه‌ها و مزیت‌های آن از سوی دیگر می‌بایست در اولویت برنامه‌های دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مربوطه قرار گیرد. تحقق سیاستها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری در گرو عزم ملی و بازتعریف نقش و مأموریت دولت، شهرداری‌ها، بخش خصوصی و تشکل‌های محلی با محوریت مشارکت همگانی در کل این فرایند است.

۲- تجارب جهانی و ملی حاکی از ضرورت سازماندهی هماهنگ و یکپارچه در عرصه‌های اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، زیرساختی، کالبدی - فضایی، از تدوین چشم انداز و هدف‌گذاری تا تدوین قوانین، سیاست‌ها و اقدامات اجرایی است. در این زمینه، توسعه و احیای سرمایه‌های اجتماعی و پرهیز از مداخلات کالبدی صرف، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳- تعدد دستگاه‌های ذی‌مدخل از موانع جدی در پیشبرد اهداف بهسازی و نوسازی شهری است. در این زمینه، ضمن تاکید بر ضرورت دستیابی به مدیریت واحد شهری، اعمال مدیریت هماهنگ شهری در دوره گذار، ضرورت دارد. به این منظور، و با عنایت به ماهیت فرا بخشی موضوع، پیشنهاد می‌شود ستاد ملی و ستادهای استانی بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری زیر نظر شورای عالی راهبردی با عضویت نمایندگان سازمان‌های مرتبط و صاحب‌نظران تشکیل گردد. ستادهای استانی مسئولیت راهبری فرایند بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده را در شهرهای مختلف استان بر عهده خواهند داشت.

۴- اطلاع رسانی و توسعه دانش عمومی در خصوص مسائل و مشکلات و ضرورت‌های بهسازی و نوسازی از یک سو و آگاهی از قوانین، مقررات، حمایت‌ها، تسهیلات، برنامه‌ها و گردش کارها به منظور جلب مشارکت حداکثری ساکنان، مالکان و سایر گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع ضروری است.

۵- توجه به مهندسی مالی پروژه‌های محرک نوسازی و استفاده از توانمندی حوزه مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری و حضور متخصصین مالی در طراحی و اجرای این پروژه‌ها الزامی است.

۶- تحقق واقعی اهداف و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری از طریق مشارکت جامع و پایدار مردم نیازمند نهادسازی در مقیاس محلات به منظور تسهیل فرایند کار و نهادینه کردن موضوع بین مردم است. تشکیل و راه‌اندازی دفاتر خدمات نوسازی محلات گامی اساسی برای تحقق این مهم است.

۷- دستگاه‌های مختلف اجرایی در بدنه دولت با توجه به وظایف قانونی خود و اولویت قرار دادن موضوع بافتهای فرسوده شهری در سطح شهرها، بایستی نقش تسهیل‌گری و بسترسازی را ایفاء نموده و خدمات عمومی و زیرساخت‌های لازم را بدون قصد انتفاع و به سهولت در محدوده بافتهای فرسوده شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی ارائه نمایند.

۸- چارچوب عملیاتی اقدام در بافتهای فرسوده بر مبنای مشارکت پایدار مردم می‌بایست تدوین و تبیین



شود. ضروری است چنین برنامه‌ای، براساس گونه‌بندی بافت‌ها (بافت‌های واقع در عرصه‌های تاریخی شهر، فرسوده میانی و سکونتگاه‌های غیر رسمی)، مشارکت عمومی‌آحاد مردم با توجه ویژه به زنان و کودکان، اسکان اقشار کم درآمد و تهیدستان شهری در فضای رسمی شهرها و توانمندسازی در چارچوب توسعه پایدار شهری تدوین شده و نتایج آن به بحث و بررسی گذاشته شود.

۹- الگوسازی برای ارائه نمونه‌ای مطلوب در فرایند بهسازی و نوسازی به عنوان یکی از اقدامات محرک توسعه پیشنهاد می‌گردد.

۱۰- توجه به بازار املاک و مستغلات بعنوان یکی از نیروهای تاثیرگذار بر فرایند توسعه درونی شهرها در برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری ضروری است. توسعه و قانونمند نمودن صنعت املاک و مستغلات بمثابه منبعی غنی در تامین طرح‌های توسعه شهری الزامی است.

در رابطه با ارائه مدل جامع در چارچوب سیاستها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی میتوان اشاره کرد که امکان موفقیت و تحقق اهداف این برنامه‌ها بدون حضور و مشارکت گسترده ساکنان، مالکان و سایر دست اندرکاران امر بهسازی و نوسازی شهری غیرممکن است. اما تحقق مشارکت پایدار مردمی و حضور گسترده کلیه دست اندرکاران، درگرو فراهم کردن بسترهای لازم و تشویق و تحریک این فرایند از طریق فراهم کردن شرایط کمی و کیفی سکونت در این محدوده‌ها است. از سوی دیگر فراهم شدن زمینه‌های فوق و اجرای پروژه‌های محرک توسعه نیازمند وجود ساختار مدیریتی مناسب، هماهنگ و کارآاست:

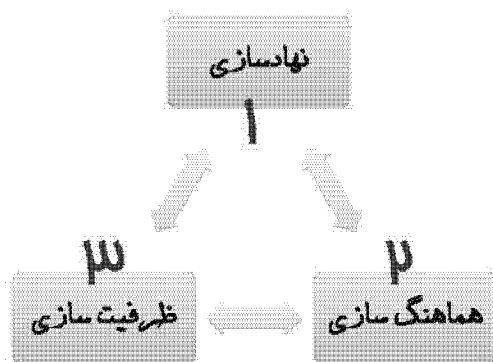
۱- «بسترسازی»: بسترسازی به مجموعه برنامه‌ها و فعالیت‌هایی اطلاق می‌گردد که با فرهنگ‌سازی از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی، مستندسازی، ترویج، برنامه‌ریزی و تهیه طرح، با ابزارسازی و نیز با توانمندسازی ساکنان، بستر لازم برای تحقق برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری را با حضور حداکثری مردم فراهم می‌نماید.

۲- «فرهنگ‌سازی»: به مجموع فعالیتهایی اطلاق

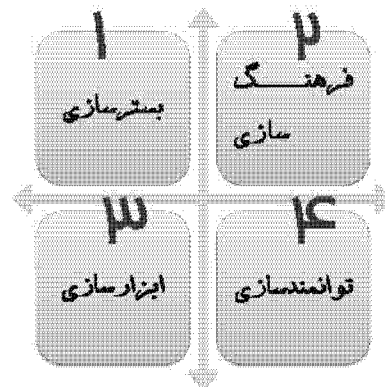
می‌گردد که از طریق آموزش، ترویج و اطلاع‌رسانی، ضرورت بهسازی و نوسازی شهری و همچنین مزایای این اقدام را نزد کلیه کنشگران بویژه ساکنان، نهادینه ساخته و شیوه‌ها و مکانیزم‌های مواجهه را روشن و شفاف نماید. ارتقاء دانش و افزایش آگاهی ساکنان به اهمیت نوسازی و بهسازی و مزایای آن موجب تقویت حس تعلق و درک بهتر ارزشهای اجتماعی- مکانی عرصه‌های شهری می‌گردد.

۳- «ابزارسازی»: به مجموعه اقداماتی برای تامین منابع اجرایی فرایند نوسازی از طریق مدیریت و هماهنگی راه‌اندازی صندوقهای وام نوسازی، مدیریت و هماهنگی در راه‌اندازی صندوقهای سرمایه‌گذاری مشاع، مدیریت و هماهنگی در راه‌اندازی صندوقهای سهامدار پروژه، مدیریت و هماهنگی جهت جذب شرکتهای تامین سرمایه و سرمایه‌گذاری و تامین منابع غیرمالی و همچنین ایجاد ابزارهای حقوقی- قانونی از طریق پیگیری اخذ دستورالعملها، مجوزها و بخشنامه‌های تسهیل‌گر فرایند نوسازی و بهسازی مردمی و انعقاد تفاهم نامه‌ها و توافق نامه‌های مرتبط با دستگاه‌های ذیربط جهت تسهیل در رفع مشکلات و گلوگاه‌های فرایند نوسازی اشاره دارد.

۴- «توانمندسازی»: راه‌کاری برای توزیع مناسب منابع اقتصادی، اجتماعی به صورت پایدار است. توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای بهبودی شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط خانه، محل زندگی خود را با توجه به اولویتهای و نیازهایشان بهبود بخشند. بطور خلاصه در روش توانمندسازی، ساکنان شهر و مردم مرکز توجه هستند و دولت متعهد می‌گردد که تسهیلات لازم را برای آنها فراهم کند. توانمندسازی در پی ظرفیت‌سازی برای استفاده از شیوه‌های مشارکتی در برنامه‌ریزی و اجرای طرحها، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی ساکنین از طرح‌ها و برنامه‌ها و اشتغال‌زایی از طریق رشد بخش خصوصی است. آموزش مهارتهای فنی حرفه‌ای و طراحی و پیشنهاد فرصتهای شغلی مناسب برای ساکنین بافت از جمله اقدامات برای توانمندسازی اقتصادی ساکنان بشمار می‌رود.



نمودار ۴. ساختار مدیریتی و مراحل مدل مفهومی آن در بافتهای شهری و فرآیند بهسازی و نوسازی؛ ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۳. ارائه مدل جامع مدخله در بافتهای شهری در چارچوب سیاستها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی؛ ماخذ: نگارندگان.

به جهت اجرای فعالیت‌ها، حل مسایل، هدفگذاری و دستیابی به آن در یک حالت پایدار در مدیریت اجرای برنامه‌های توسعه شهری است (روستا، ۱۳۸۸).
 ۳- «همه‌پندگی سازی»: با توجه به تعدد دستگاه‌های ذی‌مدخل اعمال مدیریت همه‌پندگی شهری از طریق تشکیل ستاد ملی و ستادهای استانی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری زیر نظر شورای عالی راهبردی با عضویت نمایندگان سازمان‌های مرتبط و صاحب‌نظران ضروری است.

لازم به ذکر است که اگر چه این مجموع اقدامات نرم افزاری زمینه حضور مردم را در این فرآیند مهیا می‌سازند ولی به تنهایی قادر به تحقق مشارکت همه جانبه و پایدار مردم نخواهند شد. با تامین خدمات مورد نیاز، ارتقاء زیرساختها و تجهیز فضای عمومی محلات و الگوسازی تحت مدیریتی کارآمد است که می‌توان انگیزه‌های لازم را در ساکنین بوجود آورد و آنان را ترغیب به مشارکت در فرآیند نوسازی و بهسازی محلاتشان نمود.

مدیریت در فرآیند بهسازی و نوسازی کلیدی‌ترین موضوع ساختاری در تحقق برنامه‌ها و سیاستهای اتخاذ شده است. چنین مدیریتی در برگیرنده یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزاء رسمی و غیررسمی موثر و ذیربط در ابعاد مختلف است که اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری را عهده‌دار است. برای دست یابی به چنین ساختاری سه اقدام نهادسازی، ظرفیت سازی و همه‌پندگی سازی ضروری است:

۱- «نهادسازی»: نهادسازی عبارت است از یاری‌رسانی به سازماندهی و بسیج منابع مالی و انسانی موجود و ایجاد تشکلهای اجتماعات محلی با هدف جلب مشارکت اجتماعی به منظور شناخت نیازها، اولویتها و همچنین نظارت بر اقدامات اجرایی (روستا، ۱۳۸۸).

۲- «ظرفیت‌سازی»: ظرفیت سازی به معنی ایجاد توانایی پرسنلی، سازمانی، مالی، تجهیزاتی و اجتماعی

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

مروری تحلیلی بر سیاستها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری دهه‌های گذشته، این امکان را فراهم می‌کند تا علل ناکامی و عدم تحقق برنامه‌ها و اقدامات را جستجو کرده و با توجه به شرایط و ساختار موجود، مدلی را ارائه کرده که در صورت کاربست می‌تواند تسهیل‌کننده اجرای برنامه‌های نوسازی و بهسازی شهری باشد. تحقق برنامه‌های بازآفرینی شهری با رویکرد مشارکت همه‌جانبه و پایدار مردم مستلزم تامین منابع اجرایی این فرآیند، بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل، نهادینه سازی موضوع نزد متولیان، تجهیز قلمرو عمومی، توسعه و ارتقاء زیرساختهای شهری محلات هدف، تامین خدمات مورد نیاز ساکنان، در اختیار داشتن الگویی مناسب و قابل تکرار، ایجاد

تشکلها و نهادهای مردمی، تقویت توانایی و ارتقاء ظرفیت‌های مدیریت شهری و هماهنگی دستگاه‌های مرتبط و دخیل است. به نظر نگارنده، مهم‌ترین دلایل گسترش این موضوع در سال‌های گذشته و سال‌های اخیر، فارغ از مسائل و ریشه‌های آمایش سرزمینی موارد زیر بوده است:

۱- عدم توجه برنامه‌ریزان شهری و شهرسازان به ظرفیت‌های بلااستفاده در محدوده‌های قبلی شهرها و اولویت نیافتن توسعه درون شهری و اسکان سرریز جمعیت در محدوده‌های مزبور

۲- اتخاذ سیاست‌های توسعه شهری متصل و منفصل و در نتیجه ایجاد رقبای قوی و با زرق و برق تحت عنوان مفهوم «شمال شهر» برای محدوده قدیمی شهرها؛

۳- عدم سرمایه‌گذاری شهرداری‌ها و دستگاه‌های ارائه دهنده خدمات شهری در جهت اصلاح و بهبود شبکه‌های دسترسی و اصلاح زیرساخت‌ها و تاسیسات شهری بافت قدیمی و فرسوده شهرها به رغم وظایف قانونی و وضع عوارض نوسازی و در نتیجه عدم تطبیق ساختار و کالبد بافت قبلی با شرایط زندگی امروزی و بویژه عدم حل مساله عبور و مرور وسایل نقلیه و امدادرسان در داخل محدوده‌های قدیمی، مرکزی و بعضاً میانی شهرها؛

۴- نبود تعامل و وفاق و تعریف مشترک در جهت اتخاذ سیاست منطقی برای حفظ و کارآمدی واحدهای با ارزشی تاریخی، فرهنگی و معماری و در یک کلمه «میراثی» به عنوان کانون‌های احیای بافت‌های قدیمی، فرسوده و ناکارآمد شهری و عدم اولویت بندی صحیح ارزش‌ها، باعث عدم تحرک شده و بسیار از پروژه‌های بهسازی و نوسازی به دلیل اختلاف نظر، متوقف شده و یا انگیزه‌ای برای ایجاد پروژه‌های جدید باقی نگذاشته است؛

۵- نبود عزم ملی موثر در جهت بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی و فرسوده و ناکارآمد شهری و اولویت نیافتن موضوع در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور و بودجه‌بندی‌های سالانه.

در ادامه در راستای بهبود فرآیند برنامه ریزی بافت‌های فرسوده پیشنهاد می‌شود:

۱- توجه به رویکرد هوشمندانه قانون ساماندهی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و بهره‌مندی از مشارکت مردم با رویکرد توانمندسازی و ظرفیت‌سازی اقتصادی و اجتماعی در محلات فرسوده،

۲- ایجاد اجتماعات محلی پایدار و کمک به شهروندان بافت‌های فرسوده و فراهم نمودن زمینه برای پایدار کردن این‌گونه بافت‌ها.

۳- تجمیع و بلندمرتبه سازی به منظور ایجاد شرایط کالبدی در بافت‌های فرسوده شهری،

۴- ساماندهی معابر و فضاهای باز بافت‌های فرسوده به منظور جلوگیری از تداخل کاربری‌ها،

۵- جلوگیری از افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی محدوده و توزیع مناسب کاربری‌ها و جمعیت در بافت‌های فرسوده،

۶- بازسازی و ایمن سازی واحدهای فرسوده و آسیب پذیر،

۷- ارتقای شبکه‌های زیربنایی و خدمات رسانی بهبود سرانه کاربری‌های شهری در محله‌های هدف از طریق افزایش دادن سرانه‌های فرهنگی، آموزشی، و غیره.

در ضمن پیشنهاد می‌شود که موارد زیر بیشتر در نوسازی شهری مورد توجه قرار گیرند:

○ نوسازی شهری می‌تواند در سطوح مختلف بر محیط شهری تاثیر بگذارد. حفظ هویت شهری، حفظ محیط زیست و محیط طبیعی و اشکال قدیمی کالبدی که به شهر هویتی منحصر به فرد می‌بخشند.

○ شهر در عین حفظ تنوع باید در یک کلیت تام به تصور آید؛ یعنی وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت.

○ مسأله مهم دیگر ضرورت رعایت مسائل و ملاحظات محیطی است. حفظ محیط طبیعی و مصنوع و حفظ اشکال قدیمی کالبدی که به شهر هویتی منحصر به فرد می‌بخشند، بر احساس تعلق به مکان و حفظ سرزندگی آن اساسی است، زیرا بخش‌های قدیمی شهر بخشی از خاطره جمعی مرد آن شهر به حساب می‌آیند. به اعتقاد لوئیس مامفورد: زمانی که با تغییر محیط کالبدی به زندگی شهری زیربنا و مبنای جدیدی می‌دهیم، باید طبیعت تاریخی شهر را درک کنیم و کارکردهای اولیه، ثانویه و آتی را از هم تمیز دهیم.

- تنوع در تمامی سطوح برای ایجاد یک محیط زنده شهری امری اساسی است و باید از طریق نوسازی تشویق شود.
- تنوع و تداوم، عناصر اصلی محیط شهر هستند که باید در فرایند و نوسازی شهری حفظ و نگهداری شوند.
- محترم شمردن هویت محله و هر در فرایند نوسازی شهری، شهرها را از پدیده حس لامکانی که به اعتقاد ناظران بسار ناشی از عوامل متعدد و از جمله سبک بین‌المللی معماری و ارزش‌های فرهنگ مصرف‌انبوه است نجات خواهد داد.
- ملاحظات اجتماعی روانی از مسائل مهم در نوسازی شهری است. خصوصا حفظ سلامت اجتماعی روانی افرادی که مجبور به نقل مکان می‌شوند و بالا جبار باید زندگی خود را در مکانی ناآشنا از نو سرگیرند، حیاتی است. آن دسته از پروژه‌های نوسازی که به هزینه‌های اقتصادی- اجتماعی و به خصوص روای نقل مکان کرد:
- ساکنان توجه لازم و کافی ندارند معمولا پروژه‌های موفق نیستند.
- در نوسازی شهری ملاحظات فرهنگی نیز باید مورد توجه قرار گیرند. زیرا یک فرهنگ شهری در محیط مصنوع و محیط اجتماعی از طریق معماری، طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری تداوم یابد.
- ملاحظات روانی اجتماعی و ملاحظات فرهنگی باید در هر نوسازی شهری مورد نظر و دقت قرار گیرد. نوسازی شهری نه تنها شکل کالبدی محیط شهری را دستخوش تغییر میکند، بلکه همچنین نحوه‌های راکه شهر مذکور به تصور می‌آید را دستخوش تغییر می‌کند. نوسازی شهری همچنین روابط احساسی و روانشناختی بین انسانها و مکانهای شهری را تغییر می‌دهد.
- لذا می‌توان در ارائه مدل پیشنهادی به راهکارهای زیر در زمینه برنامه ریزی برنامه‌های بهسازی و نوسازی اشاره کرد:



۱- تعیین زون‌های جغرافیایی از محدوده شهری و مطالعات شهری، معابر، سرانه مسکونی، تجاری، رفاهی، آموزشی و درمانی و در نهایت امکان‌سنجی، تملک واحدهای فرسوده و سپس تمهیدات لازم در خصوص مباحث تشویقی مانند حذف تعرفه‌ها و افزایش بنا در کنار توافقات بانکی با حداقل نرخ بهره بانکی و آنهم بصورت پلکانی توسط کارگروه؛

۲- تشویق بخش خصوصی جهت اجرا بافت‌های فرسوده و نظارت بر روند اجرا توسط دولت و حاکمیت؛

۳- اعطای امکانات مالی و معوض تشویقی به بخش خصوصی در زون‌هایی که امکان‌سنجی مثبت ندارند؛

۴- تشکیل کارگروه مشترک توسط سازمان‌ها و نهادهای موازی در امر بازسازی بافت فرسوده و همچنین کلیه سازمان‌هایی که در روند ساخت‌وساز شهری متأثر خواهند بود؛

۵- جدا نمودن احیاء بافت فرسوده شامل تخریب، نوسازی و همچنین بازسازی بافت فرسوده؛

۶- توجه اصولی کارگروه به امور کارشناسی مربوط به کالبد و ماهیت هویت شهری، جامعه‌شناسی و رویکرد رفتاری متناسب با فرهنگ مناطق موردنظر و توجه به علم روان‌شناختی؛

۷- دخالت مستقیم مردم در مشارکت بازسازی و نوسازی و مرمت بافت‌ها اعم از تشکل‌های غیر حرفه‌ای و حرفه‌ای و نیز سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم در اجرای بازسازی بافت‌های فرسوده به جهت انتفاع از این مهم؛

۸- اطلاع‌رسانی و تبلیغات لازم در خصوص لزوم بازسازی بافت فرسوده.

در پایان می‌توان به مدل پیشنهادی زیر در مدیریت استراتژیک اشاره کرد:

منابع و ماخذ

۱. اسکندری و رباطی، زهرا (۱۳۸۹) ضرورت یافتن زبان مشترک بین متخصصین و مخاطبین در پروژه‌های مشارکتی، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، شماره ۲۹ و ۳۰.

۲. ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۰) تجارب مرمت شهری در ایران با تاکید بر تحولات دو دهه اخیر، هفت شهر،

فصلنامه عمران و بهسازی شهری، سال دوم، شماره ۳، صفحه ۳۲ تا ۴۳

۳. ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۹) مروری تحلیلی بر سه دهه سیاست‌گذاری، برنامه ریزی و اقدامات اجرایی در بهسازی و بازآفرینی بافتهای نابسامان شهری، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام- کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی، کمیته آمایش، مسکن و شهرسازی، تهران.

۴. ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۹) ایجاد سرزندگی اجتماعی و اقتصادی از طریق تجهیز و توسعه فضای عمومی: پروژه‌های محرک توسعه، راهکاری برای تحقق برنامه‌های بازآفرینی محلات و مراکز شهری، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی معماری و شهرسازی جستارهای شهرسازی، شماره ۳۲، صفحه ۲۲ تا ۲۸

۵. بدریج، مولدران (۱۳۸۱) شاخصهای توسعه پایدار، ترجمه: نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم نژاد، انتشار سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.

۶. پژوهشکده توسعه کالبدی (۱۳۸۹) سند راهبردی ساماندهی و توانمندسازی نواحی نابسامان شهری در ایران، ویراست ششم، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.

۷. پوراحمد، احمد (۱۳۷۹) نقش اکولوژی اجتماعی (بافت قدیم شهری)، پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۲۹ صص ۱۰۳-۹۳

۸. توکلی نیا، جمیله و همکار (۱۳۸۸) تحلیل پایداری محله‌های کلان شهر تهران با تاکید بر عملکرد شورایاری‌ها، فصلنامه پژوهشهای جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، صص ۴۳-۲۹

۹. جایکا، (۱۳۷۶) مطالعات ریزپهنه‌بندی شهر تهران، آژانس بین‌المللی زلزله‌شناسی ژاپن، تهران.

۱۰. حاتمی نژاد، حسین و همکاران (۱۳۸۵) بررسی شاخص‌های مسکن غیر رسمی در ایران، پژوهشهای جغرافیایی- شماره ۵۸، صص ۱۴۵-۱۲۹

۱۱. حاتمی نژاد، حسین و همکاران (۱۳۸۸) ارزیابی میزان آسیب‌پذیری لرزه‌ای در شهر تهران: نمونه مورد مطالعه منطقه ۱۰ شهرداری تهران صص ۲۰-۱

۱۲. حائری، محمدرضا (۱۳۶۸) طرحی از کالبد شهر ایرانی، خلاصه مقالات تداوم حیات در بافت‌های قدیمی

- شهرهای ایران، تهران.
۱۳. حبیبی، سید محسن و همکاران (۱۳۸۱) مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. حبیبی، کیومرث و پور احمد، احمد و مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۶) بهسازی و نوسازی بافتهای کهن شهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه کردستان.
۱۵. حکمت نیا، حسن (۱۳۸۵) بررسی و تحلیل سطوح پایداری در محلات شهر یزد و ارائه راهکارهایی در بهبود روند آن، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۲، صص ۳۷-۵۱
۱۶. حیدر نتایج، وحید (۱۳۸۳) خدمات شهری در بافت‌های تاریخی شهرها، مجله شهر داریها، ضمیمه ش ۶۱
۱۷. دیکنز، پیتر (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی شهری، جامعه اجتماع محلی و طبیعت آن، مشهد، آستان قدس رضوی
۱۸. رضویان، محمد تقی (۱۳۸۱) برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات منشی.
۱۹. روستا، مجید (۱۳۸۸) آموزه‌های بهسازی شهری در ایران با تاکید بر ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی محلات عباس آباد (شهر سنندج) و شمال دوهزار (شهر بندر عباس)، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.
۲۰. رهنمایی، محمد تقی و همکار (۱۳۸۵) بررسی ناپایداری‌های امنیتی کلان شهر تهران بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷، صص ۱۷-۱۹
۲۱. زاكس، اینیاسی (۱۳۸۱) برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، دانشگاه یزد، یزد.
۲۲. زنگی آبادی، علی و همکار (۱۳۸۵) زلزله تهران و ارزیابی فضایی آسیب‌پذیری مناطق شهری، فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی شماره ۵۶، صص ۱۳۰-۱۱۵
۲۳. سازمان عمران و بهسازی شهری ایران (۱۳۷۹) خلاصه نتایج یافته‌های طرح مطالعاتی بررسی تطبیقی توسعه پنج کلان شهر ایران، تهران.
۲۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۲) مروری بر برنامه‌های عمرانی و توسعه شهری در ایران.
۲۵. شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران (۱۳۸۹) دومین همایش ملی بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری و ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی، شیراز.
۲۶. شماعی، علی و پوراحمد، احمد (۱۳۸۴) بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. علی‌اکبری، اسماعیل و همکار (۱۳۸۵) شهرهای اداری - سیاسی و ناپایداری شهری - مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای شماره ششم، صص ۱۷۸-۱۵۵
۲۸. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۶) هفت مخاطب طرح‌های نوسازی، روزنامه همشهری، شنبه ۱ دی ماه، صفحه ۱۷
۲۹. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۹) اصول نوسازی شهری: رویکردی نو به بافت‌های فرسوده، انتشارات آذرخش، تهران.
۳۰. عندلیبی، علیرضا (۱۳۸۵) توسعه نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران، دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، دانشگاه تهران
۳۱. فهر، رسول (۱۳۸۶) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پیش‌بینی وضعیت مسکن سردشت در سال ۱۴۰۰، دانشگاه یزد
۳۲. لینچ، کوین (۱۳۷۶) سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۳. مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۸۱) تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ چهارم.
۳۴. یاور، بیژن (۱۳۸۱) شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر ایرانی واقعیات، اهداف و استراتژیها پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت.
- 35- Alvino, K (2010) Revitalizing urban texture. New Jersey, New York
- 36- Clark, D (2003) Urban world, Global city, second edition, Routledge. P.200
- 37- Hensek, B (2010) sustainability and city in developing world, London, Routledge
- 38- kayak, B(2005)urban vitality in veniz, Roma, silkana
- 39- Salvatore, N (2010) Render in urban planning (new approach), michigan, kliwan press.
- 40- Smit, A(2008) urban planning and historic texture erode, London, Routledge
- 41- Bryson, John M. (2004), Strategic

Planning for Public and Non-Profit Organizations, Jossey Bass, 3rd Edition, P. 430
42-Alexander, E.R. (1992), Approaches to planning: Introducing Current Planning Theories, Concepts & Issues, Gordon and Breach Science Publishers, Philadelphia.
43- Carpenter, Juliet and Lees, Loretta (1995) gentrification in New York, London and Paris: an introduction comparison. Urban and Regional Research Journal. Volume 19 number 2.
44- CAC (Consultants and university of Hull) (2003); sustainable development tools for regional policy, output 2- final report to the English regions network, unpublished
45- David, Fred R. (2005), Strategic Management: Concepts & Cases, Pearson Education, 10th Edition.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۶۶

ارزیابی توزیع فضایی و مکانیابی درمانگاه‌های شهری با استفاده از مدل NETWORK ANALYST (نمونه موردی: شهر زنجان)

محسن احد نژاد روشتی - استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
رحیم غلامحسینی* - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
علی زلفی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

The Evaluation of Spatial distribution and allocation of urban medical centers using Network Analyst Model (A case study Zanjan city)

Abstract

Today one of the most important issues that could improve access for residents of cities and towns to provide services is utilities distribution. One of the most important services in addition to the proper distribution of reduction of urban problems (traffic, etc.) will also help to urban residents health are convenient access to medical care. Healthcare service should be distributed in such a way that the urban population in the shortest possible time has access to these services therefore suitable distribution of this service in urban areas is essential for convenient access to urban residents. In this study, using a Network Analyst to assess the spatial distribution of urban healthcare centers in the Zanjan city has been evaluated and then using analytical hierarchy process (AHP) has been attempting to allocation of new medical centers. The aim of this study was to identify of limitations accessibility to urban medical centers in Zanjan city and then offer suggestions for places to build new urban medical centers. The results showed that North West and North East parts of the city of Zanjan, mostly built in the past two decades, have less access to urban medical centers And about 76,242 people in the city of Zanjan has not convenient access to medical Centers.

Keywords: Spatial Distribution, medical centers, Zanjan, Network Analyst, AHP

چکیده

امروزه یکی از مهمترین مسائل که میتواند به بهبود وضع شهرها و دسترسی مناسب ساکنین شهرها به خدمات را فراهم آورد، توزیع مناسب خدمات شهری می‌باشد. یکی از مهمترین خدمات که توزیع مناسب آن علاوه بر کاهش مشکلات و معضلات شهرها (ترافیک شهری و غیره) به سلامتی ساکنین شهرها نیز کمک می‌کند، دسترسی مناسب به مراکز درمانی می‌باشد. بایستی خدمات درمانی به گونه ای در شهرها توزیع شود که در کمترین زمان ممکن جمعیت ساکن در شهر به این کاربری دسترسی داشته باشند بنابراین توزیع مناسب این کاربری در سطح شهرها در جهت دسترسی مناسب ساکنین شهرها امری ضروری می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از مدل Network Analyst به ارزیابی توزیع فضایی درمانگاههای شهری زنجان و همچنین با استفاده از مدل تحلیلی سلسله مراتبی (AHP) به مکانیابی مراکز درمانگاهی جدید اقدام شده است. هدف از این پژوهش شناسایی محدوده‌های شهری زنجان که کمترین دسترسی به درمانگاههای شهری را داشته و ارائه مکانهای پیشنهادی جهت ایجاد درمانگاههای شهری جدید می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قسمت‌های شمال غرب و شمال شرق شهر زنجان که اکثر آدرده دهه اخیر ساخته شده‌اند، کمترین دسترسی به درمانگاههای شهری را دارا می‌باشند و در حدود ۷۶۲۴۲ نفر در شهر زنجان دسترسی مناسبی به این مراکز درمانی ندارند.

واژگان کلیدی: توزیع فضایی، درمانگاه، شهر زنجان، مدل Network Analyst.

مقدمه

می‌پردازد. اساس این نوع برنامه‌ریزی مکانی، مفهوم دسترسی و فرصت‌های برابر است، که عموماً با توانایی افراد برای فائق آمدن بر اصطکاک مسافت^۱ به منظور دریافت خدمت در نقاط مشخصی از فضا مرتبط است. دسترسی را می‌توان به عنوان یک منبع کمیاب در نظر گرفت که به توزیع (مجدد) از طریق برنامه‌ریزی وابسته است (Amer 2007, Smith 1974)

این پژوهش با هدف ارزیابی نحوه توزیع فضایی و تعیین شعاع عملکردی مراکز بهداشتی-درمانی (درمانگاه) در سطح شهر زنجان است. سپس مشخص کردن نواحی محروم از این خدمات و نهایتاً استفاده از امکانات سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در تشخیص مکان‌های بهینه برای احداث درمانگاه‌ها جدید و در پی پاسخگویی به این سؤالات است که آیا مراکز موجود پاسخگوی نیاز ساکنین این شهر می‌باشند یا خیر؟ و برای رفع نیازهای ساکنین چه تعداد مراکز جدید باید تأسیس شود و مکان‌های ساکنین این مراکز و مراکز قبلی چگونه باید باشد تا همه ساکنین دسترسی مناسبی به این مراکز داشته باشند؟ بنابراین این پژوهش بیشتر متکی بر پیمایش میدانی است، اما قبل از هر فعالیت میدانی، ضمن مراجعه به اداره کل بهداشت و درمان استان زنجان و شهرستان زنجان، آخرین آمار موجود مراکز بهداشتی درمانی از سازمان‌های زیربط اخذ گردید. این آمار پس از کنترل میدانی و بهنگام‌سازی مورد پردازش اولیه قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

مطالعه‌ی نظری مکان‌یابی تسهیلات به صورت رسمی از سال ۱۹۰۹ شروع شد، هنگامی‌که آلفرد وبر^۲ تعیین موقعیت یک انبار را به صورت حداقل ساختن کل فاصله بین انبار و مشتریان مخ تلف مطرح کرد. از آن پس، تئوری مکان‌یابی تسهیلات و کاربردهای آن توسط پژوهشگران در زمینه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفت و مدل‌های گوناگونی در این زمینه ارائه شد (مرادی، ۱۳۸۶، ص ۲۱). گرچه ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در شهرها

به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی، رعایت اصول مربوط به تعادل فضایی و پراکنش معقول خدمات شهری، امری الزامی است که باید بیش از پیش مورد توجه برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای قرار گیرد. وظیفه اصلی برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان شهری تعیین مکان بهینه این گونه مراکز است، به طوری که تمام ساکنان شهری به راحتی به آنها دسترسی داشته باشند. علاوه بر این، می‌توان گفت که برنامه‌ریزان می‌کوشند توزیع مراکز خدماتی را در محیط‌های شهری بهینه سازند و این توزیع متناسب با توزیع جمعیت و میزان تقاضا در نقاط مختلف شهر باشد (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۴۰). همزمان با پیچیده‌تر شدن محیط‌های شهری، کار برنامه‌ریزی در این زمینه نیز روز به روز دشوارتر می‌گردد. یکی از راه‌های اساسی برای رفع این مشکل، استفاده از تکنیک سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) است (علیمحمدی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۲). یکی از این خدمات شهری که از مهمترین این خدمات نیز می‌باشد، خدمات بهداشتی و درمانی است که از نیازهای اساسی ساکنان یک شهر به شمار می‌رود. در بردار عادیانه از خدمات بهداشتی درمانی نخست موضوع دسترسی به خدمات مطرح می‌شود. از این رو دسترسی یکسان به خدمات بهداشتی درمانی همواره مورد توجه محققان در کشورهای مختلف جهان بوده است (Hendryx and others, 2002: 37). از همین رو، در قانون اساسی کشورمان نیز این موضوع مورد توجه بوده، در بند ۱۲، اصل سوم و اصل چهل و سوم به تأمین خدمات بهداشتی و درمانی اشاره کرده، و آن را جزو وظایف دولت به شمار آورده است. در حقیقت دسترسی مطلوب به خدمات بهداشتی و درمانی یعنی فراهم کردن خدمات درست، در زمان درست و در مکان درست است (Gulliford and morgan, 2003: 8). بنابراین با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان تا حدودی این مسئله را حل نمود. برنامه‌ریزی مکانی تسهیلات بهداشتی و درمانی در سطح شهری به تعیین مکان مناسب برای این تسهیلات جهت رفع نیازهای بهداشتی و درمانی جمعیت مربوطه



1. friction of distance
2. Alfred Weber

تحلیل سلسله مراتبی^۳، K تحلیل حساسیت و روش دلفی بهبود یافته^۴ استفاده کردند (Cheng et al, 2007) ابراهیم و رند از مدل مکان یابی حداکثر پوشش^۵ برای هلال احمر عربستان سعودی در شهر ریاض استفاده کردند. هدف این پژوهشگران شناسایی مکان بهینه برای ایستگاه‌های خدمات اورژانسی پزشکی و تخصیص آمبولانس به آنها بود. (Ibrahim & Rand, 2003) احمد مطالعه ای برای ارتقای سطح دسترسی به خدمات بهداشتی و درمان عمومی با هدف بهبود سطح پوشش تسهیلات عمومی در سطح بیمارستانها و مراکز بهداشتی و درمانی در دارالسلام جهت یافتن نقاط جدید برای این تسهیلات از الگوریتم Greedy برای حل مسئله MCLP و در محیط Flowmap استفاده نمود. مکان‌های جدید حاصل از این الگوریتم، با هدف کمینه سازی بیشترین مسافت طی شده بهینه یابی شدند. (Ahmed 2004)

در زمینه‌ی مکان یابی با استفاده از تکنیک GIS، باید گفت که این تکنیک در ایران به دلیل وارداتی بودن آن،

سابقه ای طولانی دارد، لیکن در زمینه مکان یابی مراکز خدمات درمانی و بهداشتی پیشینه‌ی درازمدتی وجود ندارد و سابقه این گونه مطالعات به دهه ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد. در سال ۱۹۷۹ دپارتمان بهداشت و تأمین اجتماعی انگلستان به توسعه استراتژیک مراکز خدمات بهداشتی و درمانی توجه نشان داد و از آن پس، مطالعات در این زمینه آغاز گردید و طی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۲ این مطالعات در اتریش دنبال شدند. از اولین مطالعات مکان‌یابی در زمینه‌ی تسهیلات بهداشتی و درمانی در یک کشور در حال توسعه، می‌توان به مطالعه‌ی گود و باخ در سال ۱۹۶۶ اشاره کرد. هدف این پژوهشگران، مکان یابی بیمارستان‌ها و تعیین ظرفیت آن‌ها برای بخش غربی گواتمالا بود، که برای حل آن از الگوریتم حمل و نقل استفاده کردند. (ur-Rahman & Smith 2000)

(Shams) چنگ و همکاران برای تعیین مکانهای مناسب بیمارستان‌های تایوان با ایجاد مزایایی رقابتی از «روش



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.

3. analytic hierarchy Process
4. Modified Delphi Method
5. Maximal Covering Location Problem (MCLP)

هنوز نتوانسته است جایگاه شایسته خود را بیابد و به عبارتی، کم سابقه است (همان منبع) با این حال در این زمینه تحقیقات محدودی انجام شده است که اکثر قریب به اتفاق آنها به رسالات کارشناسی ارشد و دکتری محدود می شود. در این میان، در حد یافته‌های موجود، به مقوله مکان یابی خدمات بهداشتی و درمانی، در مقایسه با دیگر خدمات، کمتر پرداخته شده است. پایان نامه کارشناسی ارشد منصور عزیزی با عنوان کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در مکان یابی، توزیع فضایی و تحلیل شبکه مراکز بهداشتی و درمانی، نمونه موردی: شهر مهاباد از معدود پژوهشهایی است که در این زمینه در گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز، انجام گرفته است. پایان نامه کارشناسی ارشد فرهاد الماس پور، با عنوان کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در تجزیه و تحلیل شبکه، توزیع فضایی و مکانی داروخانه ها، نمونه موردی: منطقه ۶ تهران نیز به این موضوع پرداخته است.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، رویکرد حاکم بر فضای تحقیق «توصیفی - تحلیلی» است. در این پژوهش با استفاده از طرح تفصیلی و مشاهدات میدانی موقعیت درمانگاه‌های موجود شهر زنجان شناسایی شده و با استفاده از تحلیل Network Analyst و با توجه به دسترسی در مدت زمان مشخص (۷ دقیقه) به ارزیابی نحوه توزیع فضایی درمانگاههای شهری، شهر زنجان پرداخته شد و محدوده‌های شهری که به این کاربری دسترسی نداشتن شناسایی شد. در ادامه پژوهش با استفاده بلوک جمعیتی (۱۳۸۵) و مناطق تحت پوشش مراکز بهداشتی - درمانی که در مدل Network Analyst مشخص شده، جمعیت شهری که به مراکز درمانگاهی کمترین دسترسی را دارند، در محدوده مورد مطالعه برآورد شد. با مشخص شدن مناطق شهری زنجان که دسترسی مناسبی به مراکز درمانگاهی ندارند با استفاده از شش معیار (کاربری اراضی، دسترسی به شبکه ارتباطی، مساحت، سازگاری کاربریها، فاصله مناسب از

مراکز درمانی موجود و فاصله از مراکز صنعتی) در مدل تحلیل سلسله مراتبی HHP (به مکانیابی مراکز جدید درمانگاهی در محدوده شهر زنجان اقدام شد.

مبانی نظری پژوهش

از کاربری‌های مهم شهری، فضاهای اختصاص یافته به خدمات بهداشتی و درمانی است (پورمحمدی، ۱۳۸۲، ص ۵۹). از آن جایی که سلامت روح و جسم انسان‌ها به عنوان یکی از معیارهای مهم توسعه یافتگی کشورها و مناطق محسوب می شود، میزان برخورداری یا دسترسی به این خدمات و توزیع بهینه‌ی آن‌ها در سطح کشور و منطقه از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است. (تقوایی، شاهینوندی، ۱۳۸۹، ص ۳۵) و امروزه کمیت و کیفیت بهداشت، درمان و تأمین سلامت افراد جامعه و بالا بردن بهداشت فردی و اجتماعی، از مهمترین شاخص‌های پیشرفت و اعتلای فرهنگی هر کشوری بشمار می آید و میزان موفقیت برنامه‌های توسعه ملی نیز، تا اندازه زیادی در گرو دستیابی به هدف‌های این بخش است. دسترسی از ابعاد مختلف، چون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی قابل بررسی است. (Ahmed, 2004:5) در این مطالعه جنبه‌ی فضایی دسترسی مدنظر است، که از این منظر، ارتقای دسترسی مستلزم استقرار بهینه و کارایی مراکز ارائه دهنده‌ی خدمات بهداشتی درمانی است. دسترسی یکسان به خدمات بهداشتی درمانی برای اقشار مختلف جامعه به طور عادلانه و با توزیع متعادل این خدمات از پایه‌های مهم رفاه اجتماعی است. بنابراین یکی از نیازهای اساسی جوامع انسانی، نیاز به دسترسی مناسب و به هنگام به خدمات بهداشتی و درمانی است که جز در سایه وجود و توزیع مناسب این امکانات و خدمات محقق نمی‌گردد و هر چه میزان کیفیت شاخص‌های بهداشتی در یک جامعه بیشتر باشد و توزیع و پراکنش این شاخص‌ها نیز متعادل تر و مناسب تر باشد، رفاه نسبی و سلامتی بیشتری وجود خواهد داشت. لذا از آنجایی که شرایط افراد بر توانایی برخورداری از خدمات بهداشتی درمانی تأثیر می‌گذارد باید ترتیبی اتخاذ گردد تا کلیه

جدول شماره ۱۰. ضوابط مکان یابی و همجواری کاربری درمانگاه (در مقیاس ناحیه)، ماخذ: (پورمحمدی، ۱۳۸۲، ۶۰).

| عنوان | مشخصات بر اساس معیارهای عمومی |
|------------------------|--|
| جمعیت سرویس دهنده | - حداقل ۲ هزار خانوار - حداکثر ۴ هزار خانوار |
| شعاع دسترسی | - فاصله محلات مسکونی زیر پوشش ۶۵۰-۷۵۰ متر |
| سرانه و فضای مورد نیاز | - ظرفیت یک درمانگاه برای ۱۰ هزار تا ۲۰ هزار نفر به طور متوسط ۱۰ تخت برای بستری شدن - به ازای هر ۱۰۰ نفر ۲۵ متر مربع - حداقل قطعه تفکیکی ۲۵۰۰ متر مربع است |
| نوع ارتباطات | - بر خیابانهای شریانی درجه ۲ قرار گیرد |
| موقعیت معمول | - نزدیک مرکز ناحیه قرار گیرد |
| ضوابط طراحی | - سطح کل زیربنا در طبقات حداکثر ۶۰ درصد کل زمین و حداقل سطح آزاد ۴۰ درصد کل زمین - حداکثر طبقات ۲ طبقه - حداکثر فاصله تا محلات مسکونی ۱ کیلومتر - حداقل فاصله از کارگاههای صنعتی مزاحم ۱ کیلومتر - بر خیابانهای شریانی درجه دو قرار گیرد - در اراضی مسطح ساخته شود - به ازای هر ۶۰ متر مربع سطح زیربنا پیش بینی یک محل توقف خودرو الزامی است |
| اولویت سازگاری | - همجواری با کاربری های مرکز ناحیه - همجواری با فضای سبز شهری |



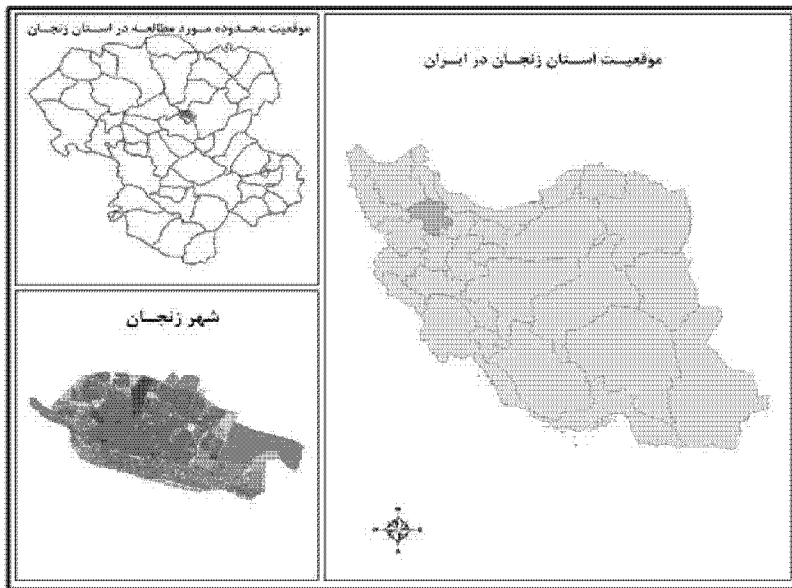
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۷۱

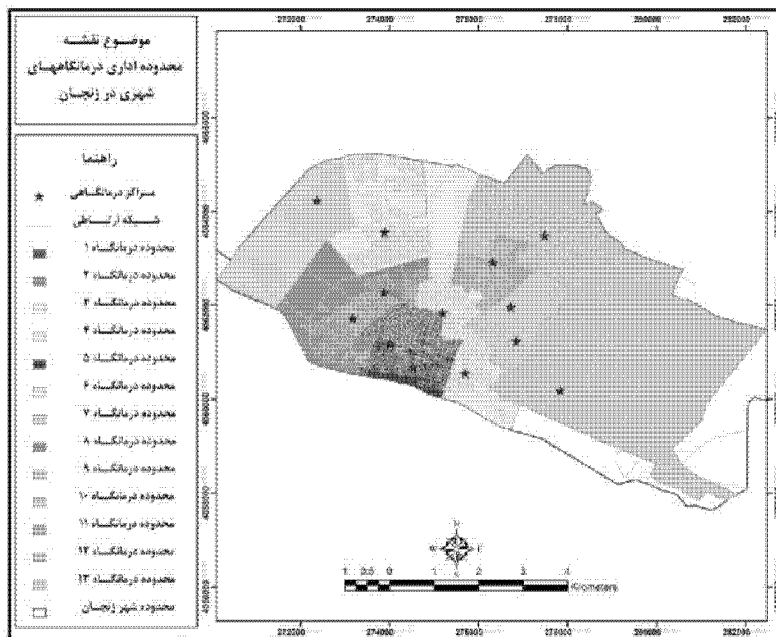
زنجان را به نمایش گذاشته، و بتواند مشکلات و نارسایی های موجود در سطح مناطق را با روش های آماری بیان نموده، با ارائه راه حل ها، از مشکلات ناشی از عدم تعادل توزیع خدمات بهداشتی - درمانی بکاهد و بحران را در سطح جامعه به حداقل ممکن کاهش دهد ضروری به نظر می رسد.

معیارها، استانداردها و ضوابط مکان یابی درمانگاه درمانگاه به مؤسسه ای اطلاق می شود که بطور شبانه روزی بیماران سرپایی را برای درمان می پذیرد و در آن محل می توان موارد فوری یا نیازمند کمک های ویژه را حداکثر ۲۴ ساعت تحت نظر قرارداد و در صورت عدم بهبودی و داشتن مشکلات خاص و نیازمند به خدمات بیشتر، بایستی در طول این مدت هماهنگی لازم جهت اخذ پذیرش و اعزام به بیمارستان، در صورت لزوم فراهم گردد. استاندارد عبارت است از، حداقلی در برابر مطلوب که بر اساس آن جامعه بتواند احساس رضایت کند (درگاهی و دیگران، ۵: ۱۳۸۴) به عبارت دیگر، استاندارد یعنی سطحی از اجرا، که با معیارهای سنجش مشخص شده باشد و یا کاربرد رقم سرانه بر حسب متر

سیاستهای توزیع خدمات برای همه افراد جامعه عادلانه باشد (Black and Mooney, 2002: 199). همچنین ارتباط مثبتی بین فراهم بودن خدمات بهداشتی درمانی و برخورداری از خدمات وجود دارد، بنابراین سیاست های تخصیص منابع بهداشتی درمانی در دسترسی مصرف کنندگان از خدمات و نیز برقراری عدالت در دستیابی به خدمات نقش مثبتی دارد (کریمی و دیگران، ۹۴: ۱۳۸۸) نتایج تحقیقات در آمریکا نشان می دهد کاهش ۲۲/۹ درصد مرگ و میر در جامعه حاکی از فراهم بودن و در دسترس بودن خدمات بهداشتی و درمانی بوده است و به طور متوسط ۵ سال امید به زندگی با بهبود شرایط درمانی در افراد افزایش داشته است (Gulliford and morgan, 2003: 8). به طور کلی بررسی های موجود علمی در جوامع بین المللی نشان می دهد که نظام ارائه خدمات بهداشتی به تنهایی حدود ۲۵ درصد بر سلامت وضعیت جامعه تأثیر گذار است (سیاری و مفتون، ۳۱: ۱۳۸۱). لذا با عنایت به اهمیت سلامت در جامعه و برخورداری همه افراد جامعه از خدمات بهداشتی درمانی، انجام مطالعه ای عمیق که بتواند نارسایی های بهداشتی مناطق مختلف سطح شهر



شکل ۱. موقعیت سیاسی شهر زنجان.



شکل ۲. محدوده اداری تحت پوشش درمانگاههای شهری زنجان.

تجزیه و تحلیل داده ها

شهر زنجان و توزیع فضایی درمانگاهها در آن موقعیت جغرافیایی این شهر منطبق بر ۴۸ درجه و ۲۹ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی است. این شهر با جمعیت ۳۴۹۳۱۷ نفر در سال ۱۳۸۵ بیش از ۳۶ درصد از جمعیت استان را به خود اختصاص داده

مربع (بخشی، ۲۱: ۱۳۸۰۰) یکی از کاربری های مهم شهری فضاهای اختصاص یافته به خدمات بهداشتی و درمانی است. در این زمینه استانداردهای مربوط به درمانگاه ها (در مقیاس ناحیه) اهمیت دارد. ضوابط مکان یابی، ویژگی ها و تناسبات و همجواری های این کاربری در جدول (۱) آمده است.

جدول ۲. مشخصات درمانگاه‌های موجود شهر زنجان؛ منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱.

| عنوان واحد طبق آخرین طرح گسترش | وضعیت کنونی | | وضعیت مالکیت | | تاریخ احداث | سطح زیرینا (متر) | مساحت زمین | جمعیت تحت پوشش مراکز | خانوار |
|--------------------------------|-------------|----------------|--------------|----------|-------------|------------------|------------|----------------------|--------|
| | موجود فعال | موجود غیر فعال | دولتی | استیجاری | | | | | |
| مرکز شماره ۱ | * | | * | | ۱۳۷۲ | ۷۲۰ | ۷۲۰ | ۱۲۶۷۷ | ۳۹۷۰ |
| مرکز شماره ۲ | * | | * | | ۱۳۵۲ | ۳۵۲ | ۵۹۷ | ۳۰۰۵۰ | ۶۹۱۹ |
| مرکز شماره ۳ | * | | * | | ۱۳۵۸ | ۳۸۸ | ۸۰۲ | ۲۵۷۸۴ | ۶۶۲۸ |
| مرکز شماره ۴ | | * | * | | ۱۳۳۵ | ۱۵۲ | ۳۰۵ | ۱۷۷۳۸ | ۴۵۶۰ |
| مرکز شماره ۵ | * | | * | | ۱۳۴۰ | ۴۲۲ | ۱۰۴۰ | ۱۸۴۵۸ | ۴۷۴۵ |
| مرکز شماره ۶ | * | | * | | ۱۳۷۸ | ۷۷۵ | ۱۳۸۶ | ۴۹۱۰۰ | ۱۳۴۵۰ |
| مرکز شماره ۷ | * | | * | | ۱۳۵۷ | ۳۷۳ | ۱۰۴۰ | ۲۷۵۷۴ | ۷۰۸۸ |
| مرکز شماره ۸ | * | | * | | ۱۳۶۴ | ۷۳۱ | ۱۹۱۱ | ۲۸۹۳۴ | ۷۴۳۸ |
| مرکز شماره ۹ | * | | * | | ۱۳۶۵ | ۸۳۷ | ۳۳۰۰ | ۳۰۶۶۸ | ۷۸۸۴ |
| مرکز شماره ۱۰ | * | | * | | ۱۳۶۴ | ۴۶۳ | ۴۵۵ | ۲۶۱۵۲ | ۶۰۱۰ |
| مرکز شماره ۱۱ | * | | * | | ۱۳۶۳ | ۳۶۰ | ۴۰۰ | - | - |
| مرکز شماره ۱۲ | * | | * | | ۱۳۶۶ | ۳۲۰ | ۲۳۳ | ۱۹۹۰۲ | ۵۱۱۶ |
| مرکز شماره ۱۳ | | * | * | | ۱۳۷۲ | ۶۰۵ | ۱۰۳۳ | - | - |
| مرکز شماره ۱۴ | * | | * | | ۱۳۷۰ | ۸۶۰ | ۲۸۷۰ | ۲۲۳۲۰ | ۵۷۳۸ |
| مرکز شماره ۱۵ | * | | * | | ۱۳۷۸ | ۱۱۳۲ | ۱۵۰۲ | ۳۱۲۲۹ | ۷۳۵۱ |
| جمع | ۱۳ | ۲ | ۱۴ | ۱ | | ۸۴۹۰ | ۱۷۵۹۴ | | |



است. زنجان به عنوان اولین و بزرگ‌ترین نقطه شهری استان و به عنوان یکی از شهرهای میانه‌اندک‌کشور در رده جمعیتی ۵۰۰-۲۵۰ هزار نفری و مرکز سیاسی اداری استان زنجان محسوب می‌شود (ابراهیم زاده و دیگران، ۴۰: ۱۳۸۹).
در شرایط موجود در شهر زنجان ۱۵ درمانگاه وجود دارد، که مساحتی در حدود ۱۷۵۹۴ متر مربع را در بر می‌گیرند. شهر زنجان برابر گزارش‌ها و آمار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نیز مطالعات میدانی نگارندگان، در

سال ۱۳۹۱ در مجموع دارای ۱۳ درمانگاه موجود فعال، ۲ درمانگاه موجود غیر فعال می‌باشد. همچنین مراکز شماره ۱۱ و ۱۳ مربوط به بیماری‌های ریوی می‌باشند و به کل شهر و استان خدمات دهی می‌کنند. سرانه درمانگاه بر اساس جمعیت سال ۱۳۸۵ برابر با ۰/۰۵ متر مربع است. در حالی‌که سرانه درمانگاه برای شهرهای ایران با توجه به ضوابط و معیارهای جمعیتی، حدود ۰/۱۵ در نظر گرفته شده است (شیعه، ۱۷۶: ۱۳۸۶).

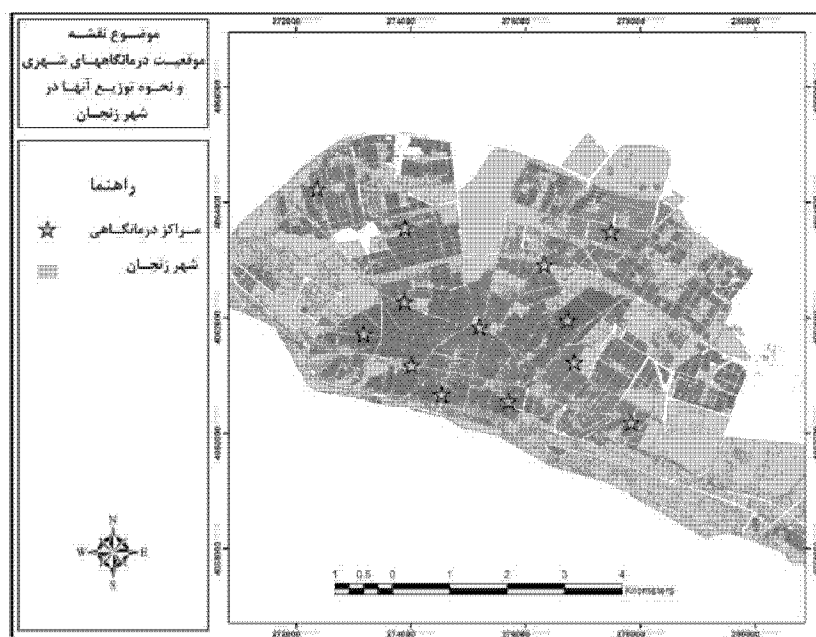
مدل‌های مکان‌یابی مراکز بهداشتی و درمانی (درمانگاه) با استفاده از GIS

می‌دانیم که مدل نمادی از واقعیت است و معمولاً مدل مهم‌ترین ویژگی‌های وضعیت دنیای واقعی را به صورتی ساده و کلی، بیان می‌دارد (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۸۵:۲۹). در واقع مدل برداشتی است از واقعیت که برای توضیح مفاهیم و تقلیل پیچیدگی جهان به نحوی که قابل درک باشد و ویژگی‌های آن به راحتی مشخص می‌شود، به کار می‌رود (لی، ۱۳۸۸:۸). اگرچه تنها با استفاده از مدل‌ها نمی‌توان به تجزیه و تحلیل سیستم واقعی دست پیدا کرد، ولی به مثابه ابزاری مستقیم و قانونمند برای درک بهتر پدیده‌های جغرافیایی و سیستم واقعی و پیش‌بینی آنها، کمک فراوانی می‌کنند (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۸۵:۳۱). در واقع منظور از مدل‌های مکان‌یابی، مجموعه‌ای از اصول است که با توسل به آن امکان بهینه‌سازی فعالیت‌های خدماتی و یا صنعتی (نقطه منطبق بر حداکثر سود و یا کمترین هزینه) تبیین می‌شود (یکانی فرد، ۱۳۸۰:۱۶). سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی تکنیکی کمی در تصمیم‌گیری‌ها، تعیین روندها و مکان‌یابی است که در مطالعات مربوط به مکان و سطوح مختلف برنامه‌ریزی به کار گرفته می‌شوند. رویکرد

به سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی امروزه از جمله کاراترین شیوه‌ها برای ارتقای سیاست‌گذاری‌ها و نیز بهبود برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری به شمار می‌رود (ویلیامز، ۱۳۷۶:۹). در این پژوهش برای ارزیابی وضعیت توزیع مراکز درمانگاهی در شهر زنجان از مدل تحلیل شبکه استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

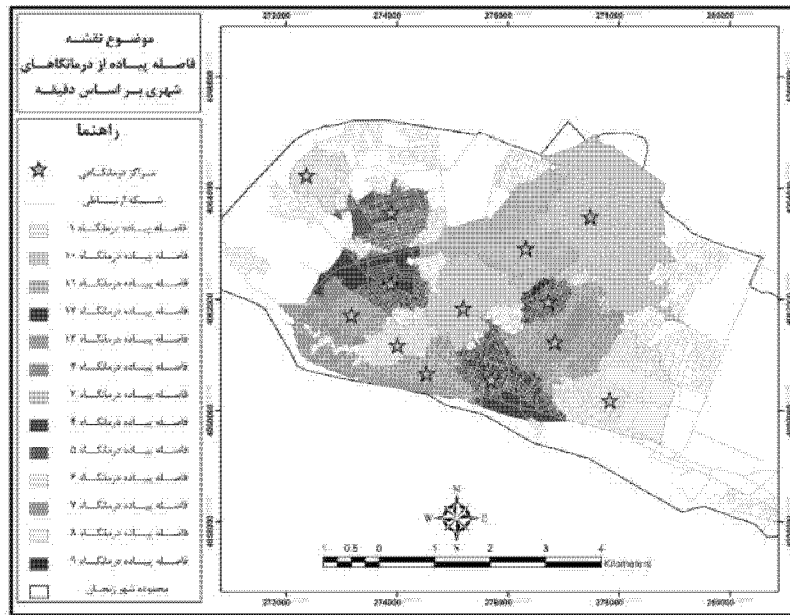
در این پژوهش با استفاده از داده‌های موجود و مشاهدات میدانی اقدام به مشخص کردن موقعیت درمانگاه‌های شهری زنجان اقدام گردید و با استفاده از قابلیت‌های نرم افزار *OP و مدل Analyst و Network به ارزیابی توزیع فضایی ۱۳ درمانگاه، شهر زنجان اقدام گردید. در مدل تحلیل شبکه از مهم‌ترین بحث‌های موجود دسترسی به کاربری مورد نظر در مدت زمان مشخص می‌باشد. بدین معنی که یک فرد در چه مدت زمان با توجه به نوع شبکه ارتباطی به کاربری مورد نظر می‌تواند دسترسی داشته باشد. با توجه به مطالعات صورت گرفته و بررسی منابع موجود شعاع عملکردی یک درمانگاه در حدود ۷۵۰ متر می‌باشد بنابراین بر اساس این مقدار، برای دسترسی به درمانگاه شهری با توجه به



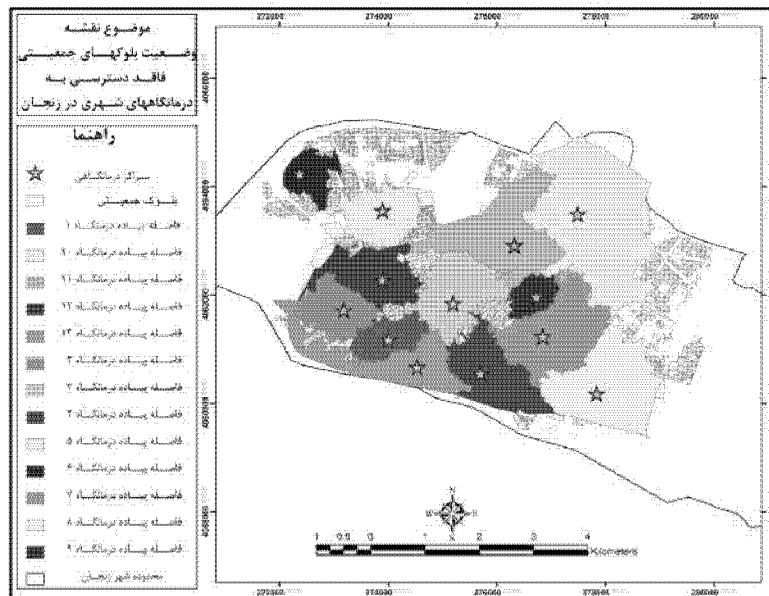
شکل ۳. موقعیت و نحوه پراکندگی درمانگاههای شهر زنجان نسبت به شبکه ارتباطی شهر زنجان.

شبکه ارتباطی موجود مدت زمان هفت دقیقه در نظر گرفته شد. شکل شماره ۳ محدوده تحت پوشش درمانگاه‌های زنجان را براساس مدل تحلیل شبکه نشان می‌دهد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قسمت‌های شمال غرب و شمال شرق شهر زنجان به علت رشد و توسعه این مناطق طی دو دهه اخیر و تأثیر قیمت زمین دسترسی مناسبی به شبکه درمانی شهر زنجان ندارند.

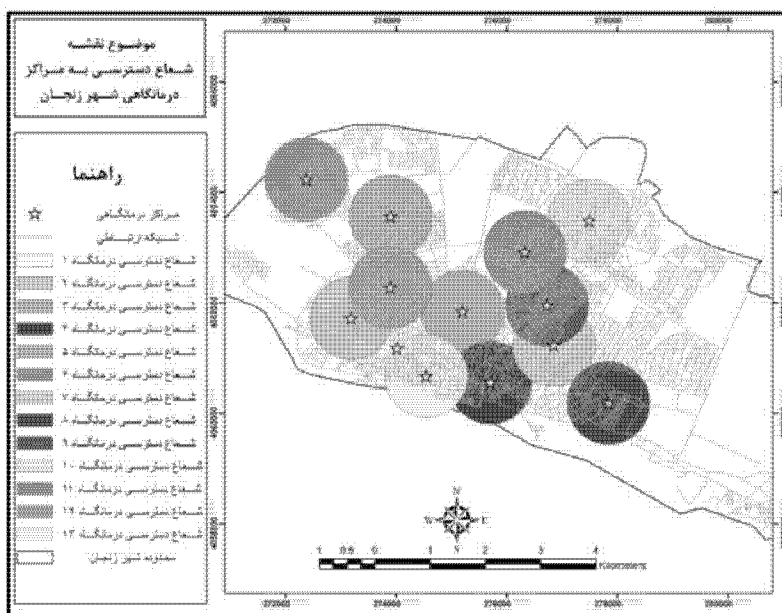
نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از مساحت کل محدوده شهر (۵۶۰۲ هکتار) در حدود ۲۳۷۵/۴ هکتار از محدوده



شکل ۴. محدوده تحت پوشش درمانگاهی شهر زنجان براساس مدت زمان ۷ دقیقه



شکل ۵. وضعیت بلوک‌های جمعیتی در عدم دسترسی به درمانگاهی شهری در شهر زنجان.



شکل ۶. شعاع دسترسی به درمانگاههای شهری زنجان.

درمانی موجود و فاصله از مراکز صنعتی) در مدل تحلیل سلسله مراتبی AHP اقدام به مکانیابی مراکز جدید درمانی در شهر زنجان شد. در مورد شکل شماره ۶ قابل ذکر است که از این شعاع‌های دسترسی در موضوع مکانیابی به عنوان فاصله از مراکز درمانی موجود استفاده شده است

مدل تحلیل سلسله مراتبی AHP

فرآیند AHP اولین بار توسط توماس ال ساعتی عنوان و بکارگرفته شده است، این مدل روشی است برای تصمیم‌گیری و انتخاب بهترین گزینه‌ها، خصوصاً در مواقعی که چندین شاخص و معیار جهت تصمیم‌گیری وجود داشته باشد (Saaty, 1980). فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) چهارچوبی منطقی است که درک و تحلیل تصمیم‌گیریهایی پیچیده را با تجزیه آن به ساختاری سلسله‌مراتبی آسان می‌کند. (shalabi, et al. 2006) امروزه فرآیند تحلیل سلسله مراتبی AHP جهت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مکان‌یابی و اولویت‌بندی استفاده می‌شود. با استفاده از چندین ضابطه کمی و کیفی و بر اساس چگونگی توزیع آن‌ها طبقه‌بندی جهت دست‌یابی به هدف طبقه‌بندی می‌شود.

ارزیابی دسترسی جمعیت ساکن شهر زنجان به درمانگاه در ادامه این پژوهش با استفاده از نتایج مدل تحلیل شبکه و بلوک جمعیتی شهر زنجان و همچنین قابلیت‌های نرم‌افزار ARC MAP برای برآورد جمعیت شهری زنجان که دسترسی مناسبی به درمانگاه‌های شهری ندارند اقدام گردید. شکل شماره ۵ موقعیت بلوک‌های جمعیتی که دسترسی به درمانگاه‌های شهری را ندارند نشان می‌دهد.

با توجه به نتایج بدست آمده مشخص می‌شود که در حدود ۷۶۲۴۲ نفر از جمعیت محدوده شهر زنجان، دسترسی مناسبی به خدمات درمانی ندارند. این تعداد نشان می‌دهد که یک سوم جمعیت شهر زنجان دسترسی مناسبی به درمانگاه‌های شهری نداشته و بایستی برنامه‌ریزی مناسبی جهت دسترسی این افراد به درمانگاه‌ها صورت‌گیرد.

مکان‌یابی مراکز درمانی

در ادامه پژوهش بعد از مشخص شدن وضعیت توزیع مراکز درمانی در شهر زنجان و شناسایی مناطقی که دسترسی کمتری به مراکز درمانی را دارند با استفاده از شش معیار (کاربری اراضی، دسترسی به شبکه ارتباطی، مساحت، سازگاری کاربریها، فاصله مناسب از مراکز

جدول ۳. ماتریس مقایسه دو تایی معیارهای بکار رفته در مکان یابی مراکز درمانگاهی؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.

| وزن نهایی | دوری از مراکز صنعتی | فاصله از مراکز موجود | مساحت | سازگاری کاربریها | دسترسی به شبکه ارتباطی | کاربری اراضی |
|-----------|---------------------|----------------------|--------|------------------|------------------------|--------------|
| ۰,۴۵۵ | ۹ | ۹ | ۷ | ۵ | ۳ | ۱ |
| ۰,۲۶۴۶ | ۸ | ۷ | ۵ | ۳ | ۱ | ۰,۳۳۳۳ |
| ۰,۱۴۱۲ | ۶ | ۵ | ۳ | ۱ | ۰,۳۳۳۳ | ۰,۲ |
| ۰,۰۷۵۷ | ۵ | ۳ | ۱ | ۰,۳۳۳۳ | ۰,۲ | ۰,۱۴۲۹ |
| ۰,۰۴ | ۳ | ۱ | ۰,۳۳۳۳ | ۰,۲ | ۰,۱۴۲۹ | ۰,۱۱۱۱ |
| ۰,۲۳۵ | ۱ | ۰,۳۳۳۳ | ۰,۲ | ۰,۱۶۶۷ | ۰,۱۱۱۱ | ۰,۱۱۱۱ |
| ۱ | | | | | | مجموع |



ماتریس مقایسه دو تایی

به منظور تعیین اهمیت نسبی معیارها در هر مرحله از سلسله مراتب از مقایسه دو به دو استفاده می‌شود. این روش در بر دارنده یکسری مقایسات دو به دو به منظور ساختن ماتریس تناسب می‌باشد. این ماتریس تعدادی مقایسه دو تایی را به عنوان ورودی دریافت و اوزان مورد نظر را به عنوان خروجی تولید می‌کند (مالزوسکی^۷، ۱۵۷: ۱۹۹۹). در این رابطه ماتریس مقایسه دو تایی برای تعیین وزن نهایی هر یک از معیارها شکل گرفت (جدول شماره ۳). قابل ذکر است که ضریب سازگاری یا نسبت توافق ماتریس مقایسه دو تایی ($CR=0.0748$)^۸ محاسبه شد.

در مورد معیارهای مورد مطالعه قابل ذکر است که معیار کاربری اراضی با وزن نهایی (۰.۴۵۵) مهمترین معیار ارزیابی بوده و وزن سایر معیارها به صورت تابعی از آن می‌باشد.

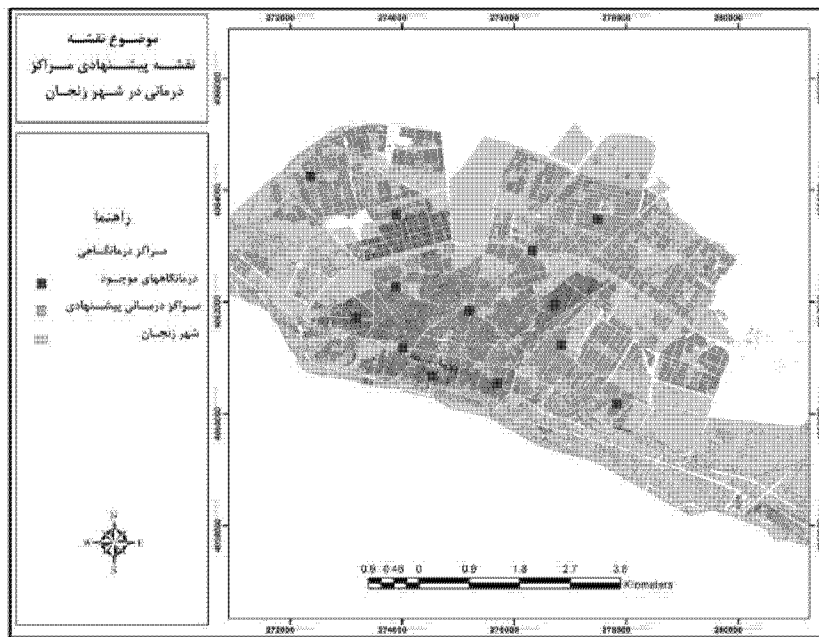
شکل شماره ۱ نشانگر مراکز درمانگاهی موجود و مراکز درمانگاهی پیشنهادی برای شهر زنجان می‌باشد. یک نکته ضروری قابل ذکر درباره مراکز پیشنهادی این است که با توجه به این که نقشه نهایی تولید شده در مدل AHP دارای تعداد اراضی متعدد از نظر مناسبت برای ایجاد مراکز درمانگاهی بود مراکز انتخابی با توجه به برخی عوامل دیگر از جمله (دوری و نزدیکی به بیمارستان) پیشنهاد شد.

نتیجه گیری و جمع بندی

از آنجایی که سلامت روح و جسم انسان‌ها به عنوان یکی از معیارهای مهم توسعه یافتگی کشورها و مناطق محسوب می‌شود، میزان برخورداری یا دسترسی به این خدمات و توزیع بهینه‌ی آن‌ها در سطح کشور و منطقه از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است. دسترسی از ابعاد مختلف، چون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی

7. Malczewski

8. consistency ratio



شکل ۷. مراکز درمانی پیشنهادی شهر زنجان.

مشاهدات میدانی اقدام به مشخص کردن موقعیت درمانگاه‌های شهر زنجان اقدام گردید و با استفاده از قابلیت‌های نرم افزار ARC MAP و مدل Analyst Network به ارزیابی توزیع فضایی ۱۳ درمانگاه، شهر زنجان اقدام گردید که نتایج ارزیابی نشان می‌دهد در حدود ۲۳۷۵/۴ هکتار از محدوده شهر، تحت پوشش مناسب درمانگاه‌های شهر زنجان می‌باشد. همچنین ارزیابی محدوده تحت پوشش مناسب درمانگاه‌های شهر زنجان نسبت به وضعیت بلوک‌های جمعیتی این شهر نشان می‌دهد ۷۶۴۲ نفر دسترسی مناسبی به مراکز درمانگاهی ندارند. پژوهش نشان می‌دهد که قسمت‌های شمال غرب و شمال شرق شهر زنجان به علت رشد و توسعه این مناطق طی دو دهه اخیر و تأثیر قیمت زمین دسترسی مناسبی به شبکه درمانی شهر زنجان ندارند. با مشخص شدن محدوده‌های شهری استفاده مدل تحلیلی سلسله مراتبی AHP با در نظر گرفتن شش معیار دخیل در امر مکانیابی مراکز درمانگاهی به مکانیابی مراکز جدید درمانگاهی در شهر زنجان اقدام شد. با توجه به وضعیت توزیع مراکز درمانگاهی موجود تعداد ۴ واحد درمانگاهی برای شهر

قابل بررسی است. در این مطالعه جنبه‌ی فضایی دسترسی مدنظر است، که از این منظر، ارتقای دسترسی مستلزم استقرار بهینه و کارایی مراکز ارائه دهنده‌ی خدمات بهداشتی درمانی است. شهر زنجان به عنوان مرکز استان زنجان و به واسطه عواملی از قبیل مهاجرت‌های روستا شهری، رشد فزاینده طبیعی جمعیت و نظایر این‌ها، با افزایش بیش از حد جمعیت و در نتیجه رشد فیزیکی بی برنامه در برخی از مناطق شهری مواجه بوده است. در حالی که از نظر توزیع فضایی بهینه و مکان‌گزینی عادلانه برای کاربری‌های خدمات عمومی مخصوصاً خدمات بهداشتی و درمانی که دسترسی سریع و بموقع و راحت به آن‌ها دارای اهمیت است، فضای متناسبی در نظر گرفته نشده است. معمولاً استقرار بسیاری از عناصر شهری و عمدتاً انتفاعی بیشتر تابع سازوکارهای اقتصادی و رقابت آزاد است، اما عناصر شهری عمومی غیرانتفاعی را نمی‌توان یکسره به سازوکارهای اقتصادی بازار واگذار کرد، بلکه لازم است برای جبران ناکارآمدی‌های بازار به تصمیم‌ها و سیاست‌های مبتنی بر منافع عمومی تمسک جست که واحدهای خدمات عمومی بهداشتی و درمانی از آن جمله‌اند. در این پژوهش با استفاده از داده‌های موجود و

زنجان پیشنهاد شد که امید است با ایجاد این مراکز درمانگاهی تمامی اقشار مردم شهر زنجان به این کاربری مهم که با سلامت آنها در ارتباط است دسترسی مناسب را داشته باشند.

منابع و ماخذ

۱. ابراهیم زاده، عیسی، احدنژاد، محسن، ابراهیم زاده آسمین، حسین، شفیعی، یوسف (۱۳۸۹) برنامه ریزی و ساماندهی فضایی مکانی خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از GIS مورد: شهر زنجان، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۷۳.
۲. بخشی، شهناز (۱۳۸۰) مکانیابی پارک‌های شهر کرمانشاه بوسیله GIS، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۳. تقوایی، مسعود، شاهپوندی، احمد (۱۳۸۹) پراکنش خدمات بهداشتی و درمانی در شهرستان‌های ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹.
۴. پورمحمدی، محمد رضا، (۱۳۸۲) برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات سمت، تهران.
۵. حکمت نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۸۵) استفاده از مدل در جغرافیا، تمرکز در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، انتشارات یزد.
۶. درگاهی، حسین و دیگران (۱۳۸۴) استانداردهای بیمارستان، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. سیاری، علی اکبر و محمد علی مفتون (۱۳۸۱) عملکرد وزارت بهداشت- درمان و آموزش پزشکی در آیین قضای، انتشارات مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه.
۸. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۶) مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۹. علیمحمدی، عباس و فرهاد الماس پور (۱۳۸۱) کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در تجزیه و تحلیل شبکه، توزیع فضایی و مکانی داروخانه‌ها، مورد منطقه هفت تهران. تحقیقات جغرافیایی، ۱۷ (۴ پی‌پی ۶۷)؛ صص ۵۰-۶۲.
۱۰. کریمی، ایرج، سالاریان، آریتا و عنبری، زهره،)

(۱۳۸۸)، مطالعه‌ی تطبیقی برخورداری عادلانه از خدمات بهداشتی و درمانی در چند کشور توسعه یافته و ارائه‌ی الگوی مناسب ایران، مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، سال ۱۲، شماره ۴ (شماره پیاپی ۴۹).

۱۱. مرادی، حمید (۱۳۸۶) مکانیابی مراکز سلامت در شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی اصفهان.

۱۲. یاکانی فرد، احمد رضا، (۱۳۸۰) مدیریت مراکز بهداشت محلات، مجله شهرداری‌ها، شماره ۲۳.

13. Ahmed S J (2004), 'Improving access to public health care services- a case study on Dar es Salaam, Tanzania', International Institute for Geo-Information Science and Earth Observation, MSc thesis.

14. Amer S (2007), 'Towards Spatial Justice in Urban Health Services Planning: A spatial-analytic GIS-based approach using Dar es Salaam, Tanzania as a case study', International Institute for Geo-Information Science and Earth Observation, Doctoral dissertation.

15. Black M, Mooney G. Equity in health care from a communitarian standpoint. Health Care Anal 2002; 193-208.

16. Cheng R W, Chin T L and Huang C C (2007), 'Optimal selection of location for Taiwanese hospitals to ensure a competitive advantage by using the analytic hierarchy process and ensitivity analysis', Building and Environment, Vol. 42, Issue 3, 1431-1444.

17. Gulliford M, Morgan M. Access to health care: Rout ledge. London: New Fetler LAN; 2003.

18. Hendryx M, Ahern M, Lovrich N, McCurdy A. Access to health care and community social capital. Health Serv Res 2002

19. Ibrahim O and Graham K R, (2003) 'A goal-Programming model applied to the EMS at Riyadh City, Saudi Arabia', www.lums.lancs.ac.uk/publications/viewpdf/000 177.

20. Lee Cullen, 1987, Models in Urban Planning, Translated by Mustafa Abbas Zadehan, Elm And Sanaat University Publications.

21. Malczewski, J, (1999), spatial multi criteria decision analysis In: J. ctill(Ed), Multicriteria decision making and analysis: a geographic information sciences approach. Brook field, VT: Ashgate publishing.

22. Mohamed A. AL-Shalabi, Shattri Bin Mansor, Nordin Bin Ahmed, Rashid Shiriff, 2006, GIS based Multi criteria Approaches to Housing Site



suitability assessment. XXIII FIG Congress Munich, Germany, October 8-13, 2006.

23. Saaty TL. The analytic hierarchy process: planning, priority setting, resource allocation. New York/London: McGraw-Hill International Book Co.; 1980.

24. Shams-ur Rahman SDK (2000), 'Invited Review Use of location allocation models in health service development planning in developing nations', European Journal of Operational Research, 123, 437-452.

25. Williams Jannatan, 1997, Special Geographical Information, Tehran city GIS Organization.



فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳

No.35 Summer 2014

۱۸۰

بررسی رابطه مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری با ادراک پیوستگی ساختمان و شهر

منصور یگانه - استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمد رضا بمانیان* - استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
علیرضا عینی‌فر - استادیار گروه معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
مجتبی انصاری - دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Study of the Relationship between Placeness of Urban Public Spaces with Perception of Integrity of Buildings and City

Abstract

The article aims at studying the citizens' perception of the integrity of buildings and city with placeness of urban public spaces which is one of the most important components of the quality of urban public spaces. The concept of quality of urban public spaces is one of the pivotal concepts in scientific, professional and management context in the area of architecture and urban planning. Integrity of buildings and city in urban public spaces plays an essential role in unified perception of spaces and its identity. Placeness as an explanatory factory of the integrity of buildings and city in urban public spaces is a quality which is resulted from the existence of physical, spatial, social- activity, and meaning-symbolic qualities. The article claims on the existence of a co-variation between the extent of placeness of urban public spaces and the extent of citizens' perception of the integrity of buildings and city in urban public spaces. This explanatory claim is examined in three sequences of vali- e-Asr(A) street of Tehran. The study is done through a phenomenological approach in area of perception psychology in the framework of fuzzy methodology with a descriptive- explanatory research method in the theoretical level and survey research method in the experimental level applying analytic fuzzy quantitative and qualitative techniques. Data collection method is to refer to scientific literature and documents in the theoretical level and survey method through questioner and direct interview in experimental level. Units of observation are selected from those educated people residents and business in the neighboring blocks to the related sequences. The results show that placeness is one of the most important casual conditions in integrity of buildings and city and its spatial, social- activity, physical, and meaning- symbolic dimensions in order play the most roles in explanation of the extent of citizens' perception of the integrity of buildings and city. Among in all urban public spaces physical, spatial, social- activity and meaning- symbolic components of spaces, spatial component has the most effects in integrity. Without placeness, the extent of the integrity is very low and near non-integrity. Since, social behaviors and activities occur in space, there are correlation between spatial and social- activity qualities. Too, physical and symbolic dimensions are correlated and therefore covariant. From citizens' perspective, Vali- e-Asr(A) has a unique character and identity and so is the most memorial urban element in city of Tehran.

Keywords: Integration, Urban Public Spaces, Placeness, Coherence, Street, Fuzzy

چکیده

موضوع مقاله، مطالعه رابطه میزان مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری با میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر توسط شهروندان - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های کیفیت فضاهای عمومی شهری - می‌باشد. مفهوم کیفیت فضاهای عمومی شهری یکی از مفاهیم محوری در مجامع علمی، حرفه‌ای و مدیریتی در حوزه معماری و شهرسازی است. پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در ادراک یکپارچه فضا و هویت‌مندی آن نقش مهمی ایفا می‌نماید. مکان‌مندی به‌عنوان یکی از عوامل تبیین‌کننده پیوستگی ساختمان و شهر، کیفیتی است که از طریق وجود کیفیت‌کالبدی، کیفیت-فضایی، کیفیت‌فعالیتی - اجتماعی و کیفیت‌معنایی و نمادین فضا حاصل می‌شود. مدعای مقاله آنست که بین میزان مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری و میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر هم‌تغییری وجود دارد. این مدعای تبیینی در سه سکانس از خیابان ولیعصر تهران به‌آزمون گذاشته شده‌است. این مطالعه با رویکردی پدیدارشناختی در حوزه روان‌شناسی ادراک و در چارچوب روش‌شناسی فازی با روش تحقیق توصیفی-تبیینی در سطح نظری و روش تحقیق پیمایشی در سطح تجربی و با تکنیک‌های تحلیلی کمی و کیفی فازی انجام گرفته‌است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده این‌است که، مکان‌مندی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شروط علی در پیوستگی ساختمان و شهر به‌شمار می‌آید و ابعاد فضایی، فعالیتی - اجتماعی، کالبدی و معنایی نمادین آن به‌ترتیب بیشترین سهم را در تبیین میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر توسط شهروندان ایفا می‌نمایند.

واژگان کلیدی: مکان‌مندی، انسجام، فضاهای عمومی شهری، ادراک، پیوستگی، منطق فازی.

۱- مقدمه

عمومی شهری منسجم است که آن فضا مکان مند^۱ باشد. مکان مندی کیفیتتی برای فضای عمومی شهری است که از طریق وجود کیفیت در مؤلفه‌های کالبدی، فضایی، فعالیتتی - اجتماعی و معنایی - نمادین آن فضا حاصل می‌شود. به عبارتی هرچه فضایی مکان مندتر باشد میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری افزایش یافته، در نتیجه کیفیت فضا نیز برای شهروندان مطلوبتر خواهد بود. این مدعای تبیینی به عنوان فرضیه یا گزاره تئوریک مقاله در سه سکانس از خیابان ولیعصر تهران به مورد آزمون گذاشته شده است. در این مقاله ابتدا مفهوم مکان مندی به عنوان متغیر مستقل مطالعه شده و سپس مفهوم پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری به عنوان متغیر وابسته بررسی و در نهایت رابطه این دو مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۲- روش تحقیق

این پژوهش بر مبنای طبقه‌بندی انواع پژوهش؛ بر حسب اهداف در زمره مطالعات توصیفی و تبیینی و بر مبنای نتایج در زمره مطالعات کاربردی است. بر مبنای فرایند پژوهش کیفی و کمی است بر مبنای چارچوب

یک رابطه دو سویه بین انسان و محیط وجود دارد، و حس تعلق و هویت مندی در بستر مکان صورت می‌گیرد. در میان انواع عرصه‌های شهری، فضاهای عمومی شهری به دلیل اینکه بستر فعالیت‌های اجتماعی هستند، واجد اهمیت بالایی هستند. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی، نیازمند وجود فضا و قرارگاه کالبدی است. فضای عمومی شهری بستر پاسخگویی به این جنبه از حیات انسان است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶، ص ۱۹)؛ چراکه وجود کالبد متناسب و پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی، در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، زمینه‌ساز حس تعلق به مکان نیز می‌باشد. نقش مهم فضاهای عمومی شهری در حیات جمعی شهروندان باعث شده است که مفهوم کیفیت مندی آن به یکی از مفاهیم محوری در حوزه‌های تخصصی، مدیریتی و علمی معماری و شهرسازی تبدیل شود. انسجام و یکپارچگی فضاهای عمومی شهری یکی از مهمترین مولفه‌های کیفیت مندی آن است. برای ایجاد انسجام و یکپارچگی فضاها، پیوستگی ساختمانها و شهر نقش تعیین‌کننده ایفا می‌نماید. زمانی یک فضای



جدول ۱. جدول ارزشهای فازی (ریگین، ۲۰۰۸)

| درجه بندی | برچسب زبانی |
|-----------|---|
| ۰/۹۹ | عضویت کامل ^۳ |
| ۰/۸۳ | بیشتر درون مجموعه ^۴ |
| ۰/۶۷ | بیشتر درون تا بیرون مجموعه ^۵ |
| ۰/۵۰۰ | نقطه گذار ^۶ |
| ۰/۳۳ | بیشتر بیرون تا درون مجموعه ^۷ |
| ۰/۱۷ | بیشتر بیرون از مجموعه ^۸ |
| ۰/۰۱ | عدم عضویت کامل ^۹ |

1. Placeness
2. Charles Ragin
3. Full membership
4. Mostly in
5. Degree of membership is More in than out

6. Cross-over point
7. Degree of membership is More out than in
8. Mostly out
9. Full non membership

روش‌شناسی، فازی است. طبق روش‌شناسی فازی، می‌توان گفت همه چیز به شکل نسبی درجه‌بندی می‌شود (کاسکو، ۱۳۸۴) و حقیقت چیزی بین صفر و یک است (ساعی، ۱۳۹۱). درجات فازی مفاهیم بر مبنای ارزشهای جدول زیر توسط ریگین آتعیین شده است. شیوه‌های گردآوری داده‌ها در سطح کلان از طریق رجوع به اسناد و متون علمی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها در سطح خرد، روش گردآوری تجربی پیمایش با ابزار پرسشنامه و به صورت مصاحبه حضوری است. واحدهای مشاهده رجوع به بلوک‌های متصل به سکانه‌های انتخاب شده و مصاحبه با افراد با تحصیلات حداقل دیپلم می‌باشد. در این مقاله چهار واحد تحلیل مورد مطالعه قرار گرفته است: ۱- شهر تهران؛ ۲- خیابان ولیعصر و سه سکانس از آن شامل سکانس: میدان تجریش تا زعفرانیه؛ سکانس- میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر؛ و سکانس ۳- میدان راه آهن تا چهارراه مولوی. - افراد شامل ساکنین و کسبه سکانس‌های مورد مطالعه؛ ۴- اسناد و مدارک علمی.

حجم نمونه برابر ۵۰۰ نفر از ساکنین و کسبه بلوک‌های متصل به سکانه‌های مورد مطالعه بوده و شیوه نمونه‌گیری به روش هدفمند است. اعتبار معرفها و مفاهیم از طریق رجوع به ادبیات نظری، اجماع علمی صاحب نظران و دانش محتوایی نویسندگان تامین شده است.

۳- پیشینه تحقیق

مطالعاتی که در زمینه پیوستگی و انسجام بخشی به فضاهای شهری و فضاهای عمومی شهری انجام شده است، هر یک صرفاً برخی ابعاد پیوستگی و انسجام را مورد توجه قرار داده‌اند. علاوه بر آن نقش پیوستگی ساختمان و شهر را در به وجود آمدن فضاهای منسجم عمومی شهری مورد بررسی قرار نداده‌اند. به طور کلی پیشینه نظری مرتبط با فضاهای عمومی شهری منسجم طبق جدول زیر است.

۴- ادبیات نظری

با توجه به اینکه موضوع مقاله بررسی رابطه متقابل مفاهیم مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری و پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است. در ادامه به بررسی این دو مفهوم پرداخته می‌شود.

مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری

جستجو در مفهوم مکان به سه رویکرد پدیدارشناسانه، انتقادی، و اثباتی منتهی می‌گردد (مدیری، ۱۳۸۷، ص ۷۰). اساس نظریه مکان درک خصوصیات انسانی و فرهنگی اجتماعی فضای کالبدی است (Schultz, 1997). مکان به معنایی جایی برای جاری شدن رویدادها و وقایع به منظور زندگی کردن است؛ و از آنجایی که ارتباط نزدیکی با هستی و حیات دارد،



جدول ۱. رویکردهای مرتبط با شکل منسجم شهر؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| مکانی پیوستگی و انسجام | واحدت‌گرا | کل‌گرا | سازمندگرا | زمین‌گرا | ساختارگرا | زمینه‌گرا |
|--|--|---|--|--|--|--|
| همگرایی اجزاء عناکثر برای پیوستن به کل | اهمیت کل به عنوان منشأ وجود اجزاء | تبعیت از روابط حاکم بر کل | همگرایی با روندهای طبیعت | تاثیر مثبت بصری اجزاء بر یکدیگر | همگرایی فضایی میان اجزاء و کل | همگرایی اجزاء با ارزش‌های تاریخی و فرهنگ جمعی |
| کشف روابط در نظام آفرینش به عنوان نمودی از وحدت مفهوم | تبعیت از روابط حاکم بر کل | روندهای طبیعت | همگرایی با روندهای طبیعت | تاثیر مثبت بصری اجزاء بر یکدیگر | عناصر فضایی شهر و امکانات ترکیبی آنها در محدوده خاص | همگرایی با زمینه کالبدی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی |
| روش شهودی بر مبنای حرایق وحدت حقیقی | روش شهودی بر مبنای حرایق تعمیر یافته در نظام آفرینش | روندهای طبیعت | روش شهودی بر مبنای حرایق روندهای طبیعت | مطالعه تاریخی بر مبنای استخراج اصول و قواعد گرفته | روش مطالعه تاریخی مشاهده و مصاحبه برای تریاق ساختار ذهنی و عینی | روش مطالعه تاریخی مشاهده و مصاحبه عمیق بر مبنای دریافت معنی |
| ایجاد کل به عنوان نمادی از وحدت مفهوم | ایجاد کل یکپارچه با تطبیق در هم نقود یافته | ایجاد کل هدفمند و سازگار با روندهای طبیعت | ایجاد کل آریسته و هماهنگ | ایجاد کل از نظر فضایی تعمیر پیوسته و خوانا | ایجاد کل معنی‌دار | ایجاد کل معنی‌دار |

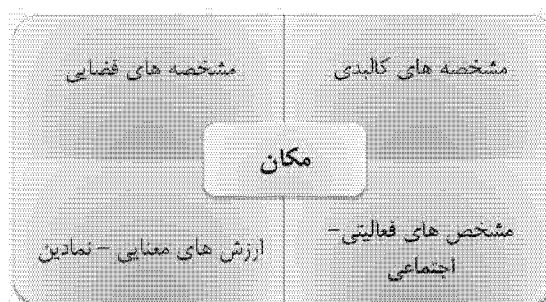
هستی بخش نیز می باشد (حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۰). مکان زمینه ای برای فعالیت ها است و عموماً دارای هویت شناختی بوده، دربرگیرنده عوالم اجتماعی متنوع و دارای تاریخی که گذشته، حال و آینده را به هم متصل می کند (پرتوی، ۱۳۸۲). مکان علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش ها، توقعات، انگیزه ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می کنند و در مورد آن به قضاوت می پردازند (1990 Rapoport).

بر اساس مدل کانتر مکان بخشی از فضای ساخته شده یا فضای طبیعی است که نتیجه روابط متقابل میان سه عامل: ۱- رفتار انسانی؛ ۲- معانی و مفاهیم؛ ۳- و مشخصات کالبدی است. پس بر این اساس، کیفیت محیط نتیجه برآیند این سه مولفه است (Canter, 1971). جامعه شناسان و بویژه انسان شناسان همواره بر این نکته تاکید کرده اند که مکان، محل و سرزمین برای مردم بسیار اهمیت دارند، چراکه توانایی هویت سازی بسیار بالایی دارند. مکان علاوه بر مرز پذیر و قابل تحدید بودن، ثبات نیز دارد. بنابراین با تامین نیاز به تداوم داشتن و پایدار بودن، منبعی مهم در تامین هویت به شمار می آید (Morley and Robins, 1996: 121). با الهام از مدل نظری کنترو با تأکید بر جنبه های فضایی، اجتماعی و نمادین فضاهای شهری مدل مکان به شرح زیر نمودار زیر ارائه می شود.

پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری زمانی یک سکونت گاه مطلوب است که به عنوان مجموعه ای پیوسته و یکپارچه به احساس در آید. از نظر

لینچ شرط اساسی برای پیوستگی و یکپارچگی مجموعه آن است که مظاهر هر قسمت در قسمت دیگر جاری شود و احساسی از پیوستگی درونی اجزاء از هر جهت و در هر سطح بوجود آید و در همه مظاهر مجموعه به طور پیوسته ادامه یابد (لینچ، ۱۳۸۷). با ایجاد انسجام و پیوستگی پایدار و متداوم در شهر، پیوند گذشته، حال، و آینده فرهنگ یک جامعه برقرار گشته، معیارها و ارزش های نسل های پشت سر هم، به هم متصل می شود. علاوه بر آن ارتقای ارزش های فرهنگی جامعه با به هم پیوستن بازتابها و پاسخهای کالبدی و فضایی به یکدیگر نیز دنبال می شود (حمیدی، ۱۳۷۶، ص ۱۱). استخوان بندی و ساختار فضای عمومی شهری در صورت داشتن پیوستگی، واجد کیفیت و مختصات ویژه می گردد. این مختصات در جو حاکم بر فضا و ارزش های بصری آن منعکس گردیده و از تراکم جمعیتی، سرو صدا، نوع تردد، نوع فعالیت های خارج از ساختمان ها، آرامش یا ازدحام، همگنی و ناهمگنی فرم ها و فعالیت ها، تفکیک حریم های خصوصی و عمومی، تناسب فضای باز و سبز به فضای محصور و بسته، نورپردازی ها و بسیاری موارد کمی و کیفی دیگر ناشی می شود (حمیدی، ۱۳۷۶، ص ۳).

ماهیت پیوستگی همانند هر امر دیگری نسبی، درجه بندی شده، و غیر قطعی است. تعیین میزان پیوستگی بر مبنای دستگاه نظری دوارزشی صفر و یک که در معرفت شناسی علوم و تحت عنوان منطق ارسطویی رایج است، تنها به این گزاره می انجامد که یک فضای عمومی شهری پیوسته است یا پیوسته نیست؛ که این گزاره منطبق با واقعیت نیست؛ چراکه ماهیت پیوستگی



نمودار ۱. مدل مکان؛ ماخذ: نگارندگان.

فضاها و درکل، ماهیت پدیده‌ها و واقعیت‌ها دو ارزشی نبوده، بلکه چندارزشی، مبهم و درجه‌بندی شده یا به اصطلاح فازی است. تبیین میزان دقیق‌ترین پیوستگی نیازمند طراحی نظام یا دستگاه معرفتی چندارزشی است که در آن پاسخ‌گزاره‌ها، صرفاً محدود به آری یا خیر نمی‌باشد، بلکه درجات پیوستگی شامل طیفی از محدوده ارزش‌گذاری شده بین صفر و یک است و پیوستگی و ابعاد درونی آن، ارزشی در بازه صفر تا یک را به خود اختصاص می‌دهند. در این دستگاه معرفتی میزان تاثیرگذاری عناصر هر یک از مولفه‌های کالبدی، فضایی، اجتماعی و نمادین پیوستگی به طور نسبی درجه‌بندی می‌شود.

(احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری ~ مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری ~)

بر اساس این گزاره، مکان‌مندی شرط لازم برای احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است. فرضیه پژوهش: میزان مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری با میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری رابطه دارد، به گونه‌ای که هرچه میزان مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری بیشتر باشد، میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر نیز بیشتر می‌شود. اثبات این ادعا از طریق رجوع به شواهد تجربی انجام

شده است. بر این اساس، آزمون گزاره نیازمند عملیاتی‌سازی مفاهیم مورد استفاده در این گزاره تئوریک است که در ادامه، پس از بررسی روش‌شناسی، بر اساس قاعده عملیاتی‌سازی مفاهیم، معرفت‌های عملی آنها بیان شده است:

۱. تعریف مفهومی مکان‌مندی: اساس مکان داشتن خصوصیات انسانی، فرهنگی اجتماعی فضای کالبدی است. به لحاظ مفهومی مکان‌مندی یک فضا از طریق وجود کیفیت‌های کالبدی، فضایی، فعالیتی - اجتماعی و نمادین فضا حاصل می‌شود.

۲. تعریف مفهومی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری: از لحاظ مفهومی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی عبارت است از اینکه احساس و ادراکی از پیوستگی درونی و برونی مجموعه در تمامی سطوح، مقیاس‌ها و جهات یک مجموعه بوجود آید و مظاهر هر قسمت در قسمت دیگر جاری و به‌طور پیوسته ادامه داشته و بین درون و برون مجموعه دیالکتیک مناسب داشته باشد. در این صورت معناداری، خوانایی و هویت متن شهری حاصل می‌شود. زمانی پیوستگی مطلوب است که در ابعاد کالبدی، فضایی، اجتماعی و نمادین، این پیوستگی حاصل گردد.

۳. تعریف عملیاتی مجموعه‌ها: بر اساس تعریف مفهومی مجموعه‌ها، تعریف عملیاتی آنها به شرح جدول‌های ۲ و ۳ می‌باشد.

بر اساس قاعده عملیاتی‌سازی مفاهیم، معرفت‌های تجربی کیفیت فضاهای عمومی شهری در این مقاله به شرح جدول ۲ می‌باشد.

جدول ۳. معرفت‌های عملی مکان‌مندی؛ ماخذ: نگارندگان.

| معرفت‌های عملی | ابعاد مکان‌مندی |
|--|-----------------------------------|
| ۱- خوانایی کالبدی ۲- ایمنی ۳- کیفیت ارتباط بین عناصر | کیفیت کالبدی |
| ۱- خوانایی فضایی ۲- ترکیب متعادل فضاها و توده‌ها ۳- دیدهای فضایی و دیدهای بی در بی فضایی | کیفیت فضایی |
| ۱- خوانایی و سازگاری فعالیتها ۲- سرزندگی ۳- خاطره انگیزی | کیفیت فعالیتی - اجتماعی |
| ۱- معانی و ارزش‌های مشترک ۲- احساس تعلق فرد به مکان | کیفیت نمادین |
| ۱- سازگاری کالبد با فعالیتها ۲- سازگاری کالبد با معانی | سازگاری کالبد با فعالیتها و معانی |



جدول ۴. معرفی‌های عملی کیفیت فضاهای عمومی شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

| ایجاد پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری | معرفی‌های عملی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری |
|--|---|
| اندازگ یکپارچه فضا | ۱- امکان تصور ذهنی آسان فضا ۲- قابلیت به یادآوری پس از نگر فضا ۳- یکپارچگی ساختمانهای جداره با ساختمانهای پشتی ۴- هماهنگی بین ساختمانها و عناصر مستقر در فضا ۵- اتصال سلسله مراتبی فضا با بقیه قسمتها |
| هویت‌مندی فضا | ۱- داشتن هویت و شخصیت منحصر به فرد برای فضا |
| انجام نمادین در فضا | ۱- پیوستگی نمادها با مراجع نمادها ۲- پیوستگی در شبکه عناصر نمادین و نشانه ای ۳- پیوستگی نمادها با پیش‌داشتهای افراد |

مقیاس فازی مفاهیم

با توجه به جدول ارزش‌های فازی که در مبانی روش‌شناسی فازی بیان شد، برای هر یک از مفاهیم به شرح زیر مقیاس فازی ساخته شده است.

۵- مطالعه موردی

همانطور که بیان شد مطالعه میدانی در سه سکانس از خیابان ولیعصر به شرح زیر انجام شده است: سکانس اول- میدان تجریش تا زعفرانیه؛ سکانس دوم- میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر؛ سکانس سوم- میدان راه‌آهن تا چهارراه مولوی. در بخشهای بعدی یافته‌ها، تحلیل یافته‌ها و آزمون گزاره تئوریک ارائه می‌شود.

۵-۱- تحلیل توصیفی

داده‌های تجربی حاصل از پیمایش در این سه سکانس و همچنین مجموع سکانسها در جداول زیر ارائه شده است. تحلیل توصیفی در دو بعد متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای مستقل و وابسته انجام شده است.

توصیف متغیرهای زمینه‌ای

برون دادهای آماری حاصل نشان می‌دهد که ۳۲۰ نفر یعنی ۷۳ درصد از پاسخگویان پژوهش مردان و ۱۲۱ نفر یعنی ۲۷ درصد دیگر را نیز زنان تشکیل داده‌اند. برون داد آماری مربوط به آماره‌های توصیفی این متغیر نشان می‌دهد که بر روی طیف جمعیت ۸۰-۱۷ ساله پاسخگویان، آماره‌های گرایش به مرکز نما (مد) برابر با ۲۵، میانه برابر با ۲۹ و میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۳۱.۶ و آماره پراکندگی انحراف استاندارد برابر با ۱۰.۹۵ است. براساس توزیع آماری این متغیر، ۶ نفر یعنی در حدود ۱.۳ درصد از پاسخگویان پژوهش را دارندگان مدرک ابتدایی، ۱۹ نفر یعنی در حدود ۴.۱ درصد را دارندگان مدرک سیکل، ۱۷۳ نفر یعنی ۳۷.۳ درصد را دارندگان مدرک دیپلم، ۵۴ نفر یعنی حدود ۱۱.۶ درصد کاردانی، ۱۶۴ نفر یعنی ۳۵.۳ درصد کارشناسی، ۲۵ نفر یعنی ۵.۴ درصد کارشناسی ارشد و ۴ نفر یعنی ۰.۹ را نیز دارندگان مدرک دکتری تشکیل داده‌اند که آماره نما مربوط به دارندگان مدرک دیپلم با ۳۷.۳ درصد است. برون داد آماری مربوط به آماره‌های توصیفی متغیر سابقه



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

عجت

جدول ۵. مقیاس سازی مفاهیم مورد استفاده در فرضیه

| | |
|---|---|
| درجه بندی فازی مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری | احساس مکان‌مندی کامل (۹۹) بیشتر احساس مکان‌مندی (۸۳) کم و بیش احساس مکان‌مندی (۱۷) بینابین (۶۷) کم و بیش عدم احساس مکان‌مندی (۲۳) کمتر احساس مکان‌مندی (۱۷) عدم احساس مکان‌مندی کامل (۰۱) |
| درجه بندی فازی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری | احساس پیوستگی کامل (۹۹) بیشتر احساس پیوستگی (۸۳) کم و بیش احساس پیوستگی (۱۷) بینابین (۶۷) کم و بیش عدم احساس پیوستگی (۲۳) کمتر احساس پیوستگی (۱۷) کملاً عدم احساس پیوستگی (۰۱) |

جدول ۶. گویه‌های مورد پرسش در مطالعه میدانی

| گویه‌های ناظر بر احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری | گویه‌های ناظر بر مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری |
|--|---|
| <p>شکل کلی فضا به‌راحتی قابل درک است</p> <p>آن قسمت از خیابان که ساختمان‌های آن به هم پیوسته هستند، را یکپارچه احساس می‌کنم</p> <p>ساختمان‌ها و فضای خیابان آراستگی و نظم ظاهری دارند</p> <p>فضای خیابان به همراه ساختمان‌ها به‌صورت یک مجموعه یکپارچه احساس می‌شود</p> <p>ساختمان‌هایی جلویی خیابان با ساختمان‌های عقبی دارای انسجام و یکپارچگی هستند</p> <p>کل عناصر موجود مانند ساختمان‌ها، گیاهان، کف خیابان، مبلمان، و نورپردازی‌ها با هم انسجام دارند</p> <p>فضاهای پر مانند ساختمان‌ها با فضاهای خالی دارای پیوستگی مناسب هستند</p> <p>در طول این قسمت از خیابان انسان همواره احساس می‌کند ساختمان‌های اطراف مانند حصارى او را در بر گرفته‌اند.</p> <p>ساختمان‌ها و فضاهای مورد نظر را در این قسمت به راحتی می‌توان پیدا کرد.</p> <p>این قسمت از خیابان به عنوان جزئی پیوسته از بقیه قسمتهای خیابان احساس می‌شود</p> <p>نشانه‌ها و نمادها به‌صورت یک مجموعه مرتبط به هم و به صورت یکپارچه با سایر عناصر به نظر می‌رسند</p> <p>این فضا هویت و شخصیت خاص برای خودش دارد</p> <p>پس از ترک فضا، می‌توان شکل فضا و عناصر آن را در ذهن تصور کرد</p> | <p>ساختمان‌های مهم، در مهم‌ترین قسمت‌های خیابان قرار دارند</p> <p>نشانه‌ها و علائم مشخصی جهت راحت پیدا کردن مکان‌های مورد نظر وجود دارد</p> <p>افراد پیاده در برابر وسایل نقلیه ایمن هستند</p> <p>افراد در برابر عوامل فیزیکی موجود در فضا مانند سایه‌بان‌ها، پله‌ها، کف پیاده‌روها ایمنی دارند</p> <p>ارتفاع ساختمانها منظم است</p> <p>احساس می‌کنم ساختمان‌های اطراف مانند حصارى من را در بر گرفته‌اند</p> <p>سبک معماری ساختمانها هماهنگ است</p> <p>کف پیاده روها پیوستگی دارد مانند پیوستگی در مسیر حرکت، پیوستگی در مصالح</p> <p>در بدنه خیابان، نمای ساختمان‌ها در کنار هم به‌صورت پیوسته احساس می‌شود</p> <p>در جاهایی که عمق قابل مشاهده مغازه‌ها بیشتر است، حس بهتری نسبت به آن قسمت از خیابان دارم</p> <p>خطوط افقی نماهای ساختمان‌ها در کنار هم به‌صورت پیوسته احساس می‌شوند</p> <p>ساختمان‌های دو طرف خیابان باهم هماهنگ هستند</p> <p>مصالح ساختمانها و سایر عناصر موجود در فضا با هم هماهنگ هستند</p> <p>رنگ ساختمانها و سایر عناصر موجود در فضا با هم هماهنگ هستند</p> <p>فضای خیابان و قسمتهای مختلف آن به تدریج و مرحله به مرحله مشاهده می‌شوند</p> <p>دسترسی مناسب بین فضای پیاده و سواره وجود دارد</p> <p>دسترسی بین دو طرف خیابان مناسب است</p> <p>میزان تردد وسایل نقلیه متناسب با ظرفیت خیابان است</p> <p>سرعت حرکت وسایل نقلیه متناسب با ماهیت خیابان است</p> <p>نحوه تفکیک و تلفیق فضاهای سواره و پیاده مناسب است</p> <p>امنیت مانند عدم ترس برای به‌خطر افتادن جان، مال و ناموس در ساعات مختلف در شب وجود دارد</p> <p>امنیت مانند عدم ترس برای به‌خطر افتادن جان، مال و ناموس در ساعات مختلف در روز وجود دارد</p> <p>کاربرها متنوع مانند مغازه‌ها، خانه‌ها، و ادارات وجود دارد</p> <p>فعالتهای متنوع مانند قدم‌زدن، نشستن، و تماشا کردن وجود دارد</p> <p>استفاده کنندگان متنوع مانند زنان، کودکان، و سالمندان وجود دارد</p> <p>اماکن قدیمی اینجا با نام‌های قدیمی‌شان نامیده می‌شوند</p> <p>هویت کاربری‌ها و ساختمان‌ها و فضاها متناسب با اهمیت آنها آسان تشخیص داده می‌شود.</p> <p>کاربری‌ها مانند انواع مغازه‌ها، خانه‌ها، بانک‌ها، تعمیرگاه‌ها و سایر فضاها با همدیگر سازگاری دارند</p> <p>افراد ارزش‌های رفتاری مشترک در این فضا دارند مانند تفاهم در اینکه نباید به اموال عمومی آسیب رساند</p> <p>هنجارها در اینجا بین افراد مشترک است مانند رعایت حق تقدم عبور یا نحوه احوالپرسی افراد یا داشتن نزاکت کلام</p> <p>خودم را متعلق به اینجا می‌دانم</p> <p>حاضرم به خاطر این مکان از خواسته‌های فردی‌ام چشم‌پوشی کنم</p> <p>نشانه‌ها و نمادهای موجود، به‌صورت یک مجموعه و شبکه مرتبط به هم به نظر می‌رسند مانند وجود ساختمان‌های نمادین، عناصر طبیعی مانند کوه، و المان‌های مذهبی مانند مناره‌ها که به صورت منسجم و یکپارچه به نظر برسند</p> <p>معنایی که من به این نمادها و نشانه‌ها می‌دهم با معنایی که دیگران می‌دهند یکی است</p> <p>این نمادها و نشانه‌ها برایم آشنا هستند</p> <p>ذهنیاتی که از این نمادها دارم با کاربردی که برای آنها تصور می‌کنم همخوانی دارد</p> |



سکونت در تهران نشان می‌دهد که بر روی طیف ۸۰-۱ سال، آماره‌های گرایش به مرکز نما (مد) برابر با ۱ سال، میانه برابر با ۲۶ و میانگین سکونت پاسخگویان برابر با ۲۶.۳ و آماره پراکندگی انحراف استاندارد برابر با ۱۴.۷۵ سال است. با توجه به آماره‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که اکثریت جمعیت نمونه آماری پژوهش حداقل دو دهه سابقه سکونت در تهران را دارند. برون داده‌های آماری حاصل از جدول توصیفی مالکیت نشان می‌دهد که ۱۵۴ نفر یعنی ۴۳.۸ درصد از پاسخگویان پژوهش را افراد مالک و ۱۹۸ نفر یعنی ۵۶.۲ درصد دیگر را نیز مستاجرین تشکیل داده‌اند. از مجموع ۴۶۴ پاسخگوی پژوهش ۱۱۲ نفر یعنی ۲۴.۱ درصد به این سوال پاسخ نداده‌اند.

تحلیل توصیفی مفاهیم مدل نظری

با توجه به چارچوب روش شناختی فازی، مجموعه فازی مستقل (مکان مندی) و مجموعه فازی وابسته (پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری) در این مقاله در هر سه سکانس و مجموع آنها مورد تحلیل توصیفی قرار گرفته‌اند. با توجه به مقیاس‌سازی هر یک از مجموعه‌ها، تحلیل توصیفی هر یک از مجموعه‌ها بر حسب گویه‌ها و میزان عضویت پاسخگویان در زیر مجموعه‌های هر یک از مجموعه‌های فازی انجام گرفته‌است. شاخص هر یک از مجموعه‌ها نیز بر حسب زیرمجموعه‌های فازی آن مجموعه تعیین شده‌است که نشان‌دهنده میانگین میزان عضویت پاسخگویان در هر زیرمجموعه است.

هر یک از گویه‌های بالا در هفت مقیاس فازی از شهروندان مورد پرسش واقع شده است که داده‌های تجربی آن در جداول زیر به تفکیک سکانسها و همچنین بر اساس دو مفهوم مکان مندی و پیوستگی ساختمان و

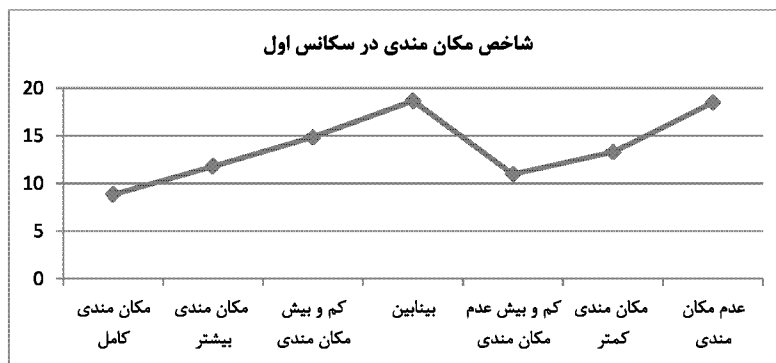
شهرانجام گرفته است.

شاخص مکان مندی در سکانس میدان تجریش تا زعفرانیه نشان می‌دهد درصد عضویت افراد در زیرمجموعه‌های مربوط به مجموعه فازی مکان مندی، تقوُّت نزدیک به هم است. شواهد تجربی بیانگر این است که درصد عضویت افراد در زیرمجموعه «مکان مندی کامل» ۸/۸۵ درصد، زیرمجموعه «بیشتر مکان مندی» ۱۱/۸۹ درصد، زیرمجموعه «کم و بیش مکان مندی» ۱۴/۸۸ درصد، زیرمجموعه «بینابین» ۱۸/۶۸ درصد، زیرمجموعه «کم و بیش عدم مکان مندی» ۱۰/۹۷، زیرمجموعه «بیشتر عدم مکان مندی» ۱۳/۳۳ درصد و زیرمجموعه «عدم مکان مندی» ۱۸/۵۱ درصد می‌باشد. همانطور که از این شاخص‌ها پیداست، بیشترین درصد عضویت‌ها به ترتیب مربوط به زیرمجموعه‌های «بینابین» و «عدم مکان مندی» می‌باشد. کمترین درصد عضویت‌ها نیز مربوط به «مکان مندی کامل» و «کم و بیش عدم مکان مندی» است.

نمودار شاخص مکان مندی در این سکانس نشان می‌دهد که دو مجموعه «احساس مکان مندی کامل» و «بینابین» بیشترین درصد افراد را به خود اختصاص داده‌اند و عدم احساس مکان مندی کمترین عضو را دارد. تحلیل درصد عضویت پاسخگویان در طرفین مجموعه فازی بینابین نشان می‌دهد از مجموعه بینابین به سمت عدم احساس مکان مندی تغییرات بتدریج و با شیب یکنواخت از درصد عضویت پاسخگویان کاسته می‌شود. در سمت دیگر، درصد عضویت به سمت کم و بیش عدم احساس عضویت با یک شیب تند کاهش یافته ولی از این مجموعه به سمت مجموعه احساس مکان مندی کامل، درصد عضویت‌ها بیشتر شده به نحوی که در نقطه پایانی نمودار یعنی در مجموعه احساس مکان مندی کامل

جدول ۷. شاخص مکان مندی در سکانس میدان تجریش تا سر زعفرانیه

| بی پاسخ | کاملاً مخالف | مخالف | تا حدی مخالف | بینابین | تا حدی موافق | موافق | کاملاً موافق | |
|---------|--------------|-------|--------------|---------|--------------|-------|--------------|--|
| ۰ | ۰,۰۱ | ۰,۱۷ | ۰,۳۳ | ۰,۵ | ۰,۶۷ | ۰,۸۳ | ۰,۹۹ | |
| ۳,۳۵ | ۱۸,۵ | ۱۳,۳ | ۱۰,۹۷ | ۱۸,۶۸ | ۱۴,۸۸ | ۱۱,۸ | ۸,۸۵ | شاخص مکان مندی در سکانس میدان تجریش تا زعفرانیه بر اساس گویه های ذکر شده |



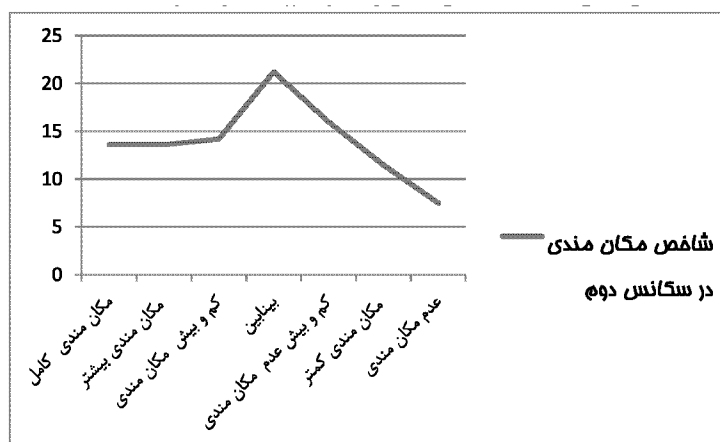
نمودار ۲. شاخص مکان مندی در سکناس میدان تجریش تا سر زعفرانیه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

دوباره درصد عضویت به اوج می‌رسد. شاخص مکان مندی در این سکناس نشان می‌دهد، درصد عضویت افراد در زیرمجموعه‌های این مفهوم، تقریباً نزدیک به هم است. شواهد تجربی جدول بیانگر آن است که درصد عضویت پاسخگویان در زیرمجموعه‌های «مکان مندی کامل» ۷/۴۸ درصد، «بیشتر مکان مندی» ۱۱/۵ درصد، «کم و بیش مکان مندی» ۱۶ درصد، «بینابین» ۲۱/۱۸ درصد، «کم و بیش عدم مکان مندی» ۱۴/۲۲، «بیشتر عدم مکان مندی» ۱۳/۶ درصد و زیرمجموعه «عدم مکان مندی»، ۱۳/۶ درصد می‌باشد. همانطور که از این شاخص‌ها پیداست، بیشترین درصد عضویت‌ها به ترتیب مربوط به زیرمجموعه «بینابین» می‌باشد. کمترین درصد عضویت‌ها نیز مربوط به «مکان مندی کامل» است. نمودار شاخص مکان مندی در این سکناس نشان می‌دهد زیرمجموعه «کم و بیش عدم مکان مندی» بیشترین و زیرمجموعه «مکان مندی کامل» کمترین درصد عضویت پاسخگویان را دارند. تحلیل درصد



جدول ۸. شاخص مکان مندی در سکناس میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر

| بی پاسخ | کاملاً مخالف | مخالف | تا حدی مخالف | بینابین | تا حدی موافق | موافق | کاملاً موافق | |
|---------|--------------|-------|--------------|---------|--------------|-------|--------------|---|
| ۰ | ۰,۰۱ | ۰,۱۷ | ۰,۳۳ | ۰,۵ | ۰,۸۳ | ۰,۸۳ | ۰,۹۹ | شاخص مکان مندی در سکناس میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر بر اساس گویه های ذکر شده |
| ۲,۲۷ | ۱۳,۶ | ۱۳,۶ | ۱۴,۲۲ | ۲۱,۱۸ | ۱۶ | ۱۱,۵ | ۷,۴۸ | |



نمودار ۳. شاخص مکان مندی در سکناس میدان ولیعصر تا چهار راه ولیعصر؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

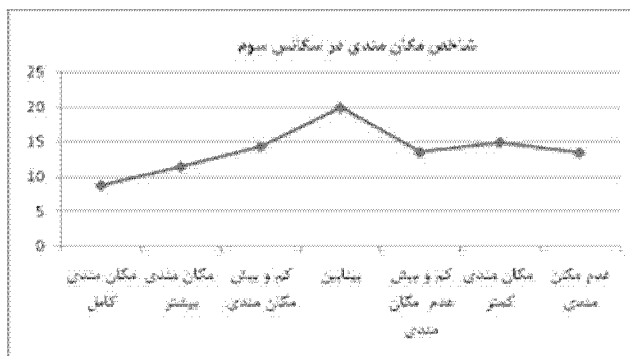
جدول ۹. شاخص مکان‌مندی در سکانس میدان راه آهن تا چهارراه مولوی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| بی پاسخ | کاملاً مخالف | مخالف | تأخیدی مخالف | بینابین | تأخیدی موافق | موافق | کاملاً موافق | |
|---------|--------------|-------|--------------|---------|--------------|-------|--------------|---|
| ۰ | ۰,۰۱ | ۰,۱۷ | ۰,۳۳ | ۰,۵ | ۰,۶۷ | ۰,۸۳ | ۰,۹۹ | |
| ۳,۹۷ | ۱۳,۴ | ۱۴,۹ | ۱۳,۴۷ | ۱۹,۹ | ۱۴,۳ | ۱۱,۴ | ۸,۷ | شاخص مکان‌مندی در سکانس میدان راه آهن تا چهارراه مولوی بر اساس گویه های ذکر شده |

است که درصد عضویت افراد در زیرمجموعه «بینابین» ۱۹/۹ درصد، زیرمجموعه «مکان‌مندی کامل» ۸/۷ درصد، زیرمجموعه «بیشتر مکان‌مندی» ۱۱/۴ درصد، زیرمجموعه «کم و بیش مکان‌مندی» ۱۴/۳ درصد، زیرمجموعه «کم و بیش عدم مکان‌مندی» ۱۴/۹ درصد، زیرمجموعه «بیشتر عدم مکان‌مندی» ۱۳/۴ درصد و زیرمجموعه «عدم مکان‌مندی» ۱۳/۴ درصد می‌باشد. نمودار شاخص مکان‌مندی در این سکانس نشان می‌دهد که مجموعه «بینابین» نقطه عطف منحنی است. توزیع داده‌ها در دو سمت نقطه عطف تأخیدی متفاوت است. شاخص مکان‌مندی در مجموع سکانس‌ها نشان می‌دهد، درصد عضویت افراد در زیرمجموعه‌های مربوط به مجموعه فازی مکان‌مندی، در دو سوی نقطه بینابین تقریباً نزدیک به هم است. با این وجود، درصد عضویت پاسخگویان در سمت «عدم مکان‌مندی» به مقدار ناچیزی بیشتر است. شواهد تجربی این جدول بیانگر این

عضویت پاسخگویان در طرفین نقطه عطف نمودار، نشان‌می‌دهد از این نقطه به سمت «عدم مکان‌مندی» به تدریج و با شیب یکنواخت از درصد عضویت پاسخگویان کاسته می‌شود. در سمت دیگر نقطه عطف، درصد عضویت از «کم و بیش عدم مکان‌مندی» تا زیرمجموعه «مکان‌مندی بیشتر» ثابت است ولی میزان عضویت در زیرمجموعه «مکان‌مندی کامل» به شدت کاهش یافته است.

شاخص مکان‌مندی در این سکانس نشان می‌دهد، درصد عضویت افراد در زیرمجموعه‌های مربوط به مجموعه فازی مکان‌مندی، در دو سوی نقطه بینابین تقریباً نزدیک به هم است. با این وجود، درصد عضویت پاسخگویان در سمت «عدم مکان‌مندی» به مقدار ناچیزی بیشتر است. شواهد تجربی این جدول بیانگر این



نمودار ۴. شاخص مکان‌مندی در سکانس میدان راه آهن تا چهارراه مولوی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۱۰. شاخص مکان‌مندی در مجموع سکانسها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| بی پاسخ | کاملاً مخالف | مخالف | تأخیدی مخالف | بینابین | تأخیدی موافق | موافق | کاملاً موافق | |
|---------|--------------|-------|--------------|---------|--------------|-------|--------------|---|
| ۰ | ۰,۰۱ | ۰,۱۷ | ۰,۳۳ | ۰,۵ | ۰,۶۷ | ۰,۸۳ | ۰,۹۹ | |
| ۲,۹ | ۱۴,۶ | ۱۳,۹ | ۱۳,۳ | ۲۰,۲۴ | ۱۵,۲۵ | ۱۱,۵ | ۸,۱ | شاخص مکان‌مندی در مجموع سکانس‌ها بر اساس گویه های ذکر شده |



نمودار ۵. شاخص مکان مندی در مجموع سکانسها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

طبق این نمودار، بیشترین درصد پاسخگویان موافق درجه بینابین مکان مندی در مجموع سکانسها هستند. نحوه توزیع موردهای پاسخگودر دو سوی نقطه عطف نمودار (زیرمجموعه بینابین) متفاوت است.

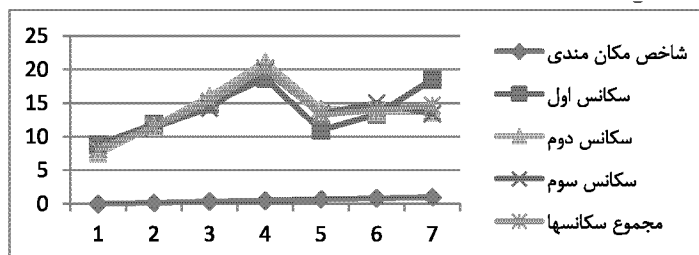
براساس این جدول، درصد افرادی که فضای خیابان را کاملاً مکان مند احساس کرده‌اند در سکانس دوم کمتر از بقیه سکانسها و در سکانس سوم بیشترین مقدار را دارد. در تمامی سکانسها، درصد افرادی که فضای خیابان را بیشتر مکان مند احساس کرده‌اند به یک اندازه است. درصد پاسخگوییانی که کم و بیش احساس مکان مندی از فضای خیابان داشته‌اند در سکانس دوم بیشتر از بقیه و

سکانس اول کمترین درصد را دارد. در «عدم مکان مندی»، سکانس اول به‌طور قابل توجهی بیشترین درصد شهروندان و سکانس سوم کمترین درصد موردهای پاسخگورا دارند.

همانطور که از نمودار تطبیقی بالا مشخص است، الگوی کلی تغییرات نمودار و درصد عضویتها در هر سه سکانس و مجموع آنها بسیار نزدیک به هم است. در سکانس اول میزان پاسخگویان زیرمجموعه فازی «عدم مکان مندی» نسبت به بقیه سکانسها بیشتر است. درصد افرادی که احساس مکان مندی از فضای خیابان دارند، تقریباً به یک اندازه است.

جدول ۱۱. مقایسه شاخص‌های مکان مندی در سکانسها و مجموع آنها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| شاخص مکان مندی | (۰,۹۹) | (۰,۸۳) | (۰,۶۷) | (۰,۵) | (۰,۳۳) | (۰,۱۷) | (۰,۰۱) | بی پاسخ |
|----------------|--------|--------|--------|-------|--------|--------|--------|---------|
| سکانس اول | ۸,۸۵ | ۱۱,۸۹ | ۱۴,۸۸ | ۱۸,۶۸ | ۱۰,۹۷ | ۱۳,۳۳ | ۱۸,۵۱ | ۳,۳۵ |
| سکانس دوم | ۷,۴۸ | ۱۱,۵۵ | ۱۶ | ۲۱,۱۸ | ۱۴,۲۲ | ۱۳,۶۸ | ۱۳,۶۰ | ۲,۲۷ |
| سکانس سوم | ۸,۶۹ | ۱۱,۴۲ | ۱۴,۲۷ | ۱۹,۸۸ | ۱۳,۴۷ | ۱۴,۹۸ | ۱۳,۴۲ | ۳,۹۷ |
| مجموع سکانسها | ۸,۱۳ | ۱۱,۵۱ | ۱۵,۲۵ | ۲۰,۲۴ | ۱۳,۲۶ | ۱۳,۹۶ | ۱۴,۶۸ | ۲,۹۲ |



نمودار ۶. مقایسه شاخص مکان مندی در سکانسها؛ ماخذ: نگارندگان. (* (۷) معادل ۰,۹۹ مکان مندی کامل؛ (۶) معادل ۰,۸۳ بیشتر مکان مندی؛ (۵) معادل ۰,۶۷ کم و بیش مکان مندی؛ (۴) معادل ۰,۵ بینابین؛ (۳) معادل ۰,۳۳ کمتر مکان مندی؛ (۲) معادل ۰,۱۷ بیشتر عدم مکان مندی؛ (۱) معادل ۰,۰۱ عدم مکان مندی کامل.

جدول ۱۲. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سکانس میدان تجریش تا سر زعفرانیه؛
ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| بی پاسخ | کاملاً مخالف | مخالف | تا حدی مخالف | بینابین | تا حدی موافق | موافق | کاملاً موافق | |
|---------|--------------|-------|--------------|---------|--------------|-------|--------------|--|
| ۰ | ۰,۰۱ | ۰,۱۷ | ۰,۳۳ | ۰,۵ | ۰,۶۷ | ۰,۸۳ | ۰,۹۹ | |
| ۲,۴ | ۱۱,۶ | ۱۱,۹ | ۱۵,۳ | ۲۰,۷ | ۱۷,۳ | ۱۲,۶ | ۸,۴ | شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس اول بر اساس گویه های ذکر شده |

مجموعه معلول: پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری
با توجه به بررسی نقش مکان مندی به عنوان مجموعه مستقل بر روی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری به عنوان مجموعه وابسته، در ادامه به بررسی شواهد و داده‌های تجربی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سه سکانس از خیابان ولیعصر پرداخته می‌شود.

شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در این سکانس نشان می‌دهد که بیشتر افراد این سکانس، ساختمانها و فضای عمومی خیابان را پیوسته احساس می‌کنند تا عدم پیوسته. همانند سایر متغیرها، در این متغیر نیز نقطه گذر نقطه عطف نمودار است و درصد عضویت افراد به سمت پیوستگی کامل بیشتر از عدم پیوستگی است. شاخص پیوستگی در سکانس میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر نشان می‌دهد که درصد افرادی که احساس

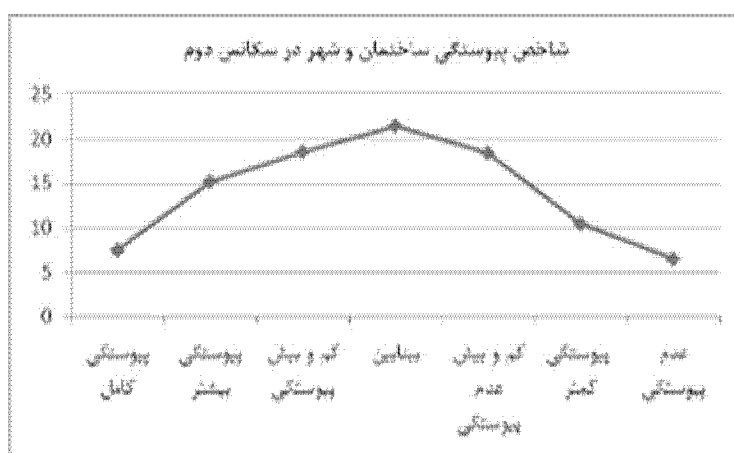
جدول ۱۳. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سکانس میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر؛
ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| بی پاسخ | کاملاً مخالف | مخالف | تا حدی مخالف | بینابین | تا حدی موافق | موافق | کاملاً موافق | |
|---------|--------------|-------|--------------|---------|--------------|-------|--------------|---|
| ۰ | ۰,۰۱ | ۰,۱۷ | ۰,۳۳ | ۰,۵ | ۰,۶۷ | ۰,۸۳ | ۰,۹۹ | |
| ۲,۲ | ۷,۵ | ۱۵,۲ | ۱۸,۵ | ۲۱,۴ | ۱۸,۴ | ۱۰,۳ | ۶,۵ | شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سکانس دوم بر اساس گویه های ذکر شده |

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۱۹۲



نمودار ۷. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری سکانس دوم؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۱۴. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سکانس سوم؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| بی پاسخ | کاملاً مخالف | مخالف | تا حدی مخالف | بینابین | تا حدی موافق | موافق | کاملاً موافق | |
|---------|--------------|-------|--------------|---------|--------------|-------|--------------|---|
| ۰ | ۰,۰۱ | ۰,۱۷ | ۰,۳۳ | ۰,۵ | ۰,۶۷ | ۰,۸۳ | ۰,۹۹ | شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سکانس سوم بر اساس گویه های ذکر شده |
| ۳,۹ | ۷,۲ | ۱۶,۵ | ۱۶,۳ | ۲۱,۳ | ۱۵,۲ | ۱۲,۷ | ۶,۶۳ | |

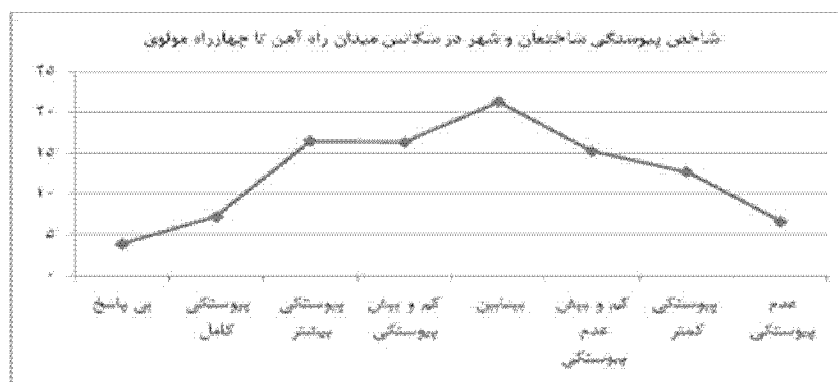
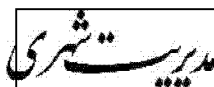
افرادی که احساس پیوستگی ندارند، تقریباً یکسان است. زیرمجموعه «بینابین»، زیرمجموعه «بیشتر عدم پیوستگی»، زیرمجموعه «کم و بیش عدم پیوستگی»، زیرمجموعه «کم و بیش پیوستگی»، زیرمجموعه «بیشتر پیوستگی» و زیرمجموعه «پیوستگی کامل» به ترتیب بیشترین درصد پاسخگویان را دارند.

تحلیل توصیفی متغیر وابسته (معلول) پیوستگی ساختمان و شهر در هریک از سکانس‌ها به‌طور جداگانه انجام گرفت. در مجموع سکانس‌ها و یا به عبارتی در خیابان ولیعصر، از طریق میانگین داده‌های تجربی حاصل از پیمایش اجتماعی در سه سکانس در جدول زیر ارائه شده است.

پیوستگی از ساختمانها و خیابان دارند، با درصد افرادی که ساختمانها و خیابان را پیوسته احساس نمی‌کنند، تقریباً یکسان است.

الگوی توزیع درصد عضویت پاسخگویان در زیرمجموعه‌های پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در نمودار بالا نشان می‌دهد که درصد افرادی که در این قسمت از خیابان ولیعصر، ساختمانها و خیابان را به صورت یک مجموعه پیوسته و یکپارچه احساس می‌کنند با میزان افرادی که احساس عدم پیوستگی دارند تقریباً به یک اندازه است.

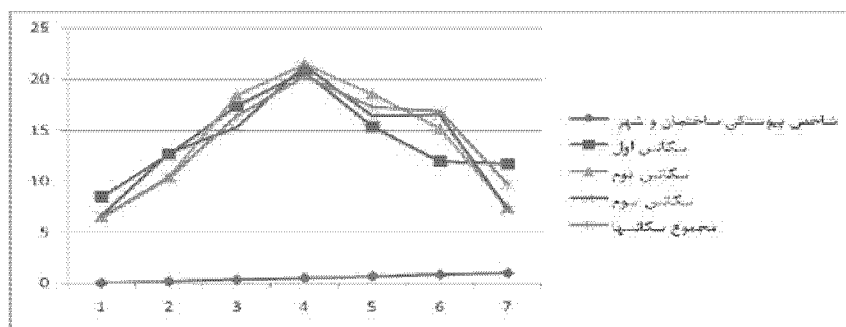
شاخص پیوستگی در این سکانس نشان می‌دهد که درصد افرادی که احساس پیوستگی از فضا دارند با درصد



نمودار ۷. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری سکانس سوم؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۱۵. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در مجموع سکانسها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| بی پاسخ | کاملاً مخالف | مخالف | تا حدی مخالف | بینابین | تا حدی موافق | موافق | کاملاً موافق | |
|---------|--------------|-------|--------------|---------|--------------|-------|--------------|--|
| ۰ | ۰,۰۱ | ۰,۱۷ | ۰,۳۳ | ۰,۵ | ۰,۶۷ | ۰,۸۳ | ۰,۹۹ | شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در مجموع |
| ۲,۶۷ | ۹,۷۲ | ۱۶,۸۵ | ۱۷,۲۸ | ۲۰,۳ | ۱۶,۳۷ | ۱۰,۳۵ | ۶,۴ | |



نمودار ۸. مقایسه شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سکناس‌ها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق. (* (۱) معادل ۰.۹۹ پیوستگی کامل؛ (۲) معادل ۰.۸۳ بیشتر پیوستگی؛ (۳) معادل ۰.۶۷ کم و بیش پیوستگی؛ (۴) معادل ۰.۵ بینابین؛ (۵) معادل ۰.۳۳ کمتر پیوستگی؛ (۶) معادل ۰.۱۷ بیشتر عدم پیوستگی؛ (۷) معادل ۰.۰۱ عدم پیوستگی

مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری و میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری رابطه وجود دارد. این مدعای تبیینی از طریق تعیین رابطه میان متغیر شرط علی مکان‌مندی و متغیر معلول پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. با استفاده از رگرسیون پیوستگی ساختمان و شهر بر مکان‌مندی این ادعا قابل بررسی است.

بر اساس این داده‌های تجربی، احساس مکان‌مندی با احساس پیوستگی ساختمان و شهر در تمامی سکناس‌ها رابطه دارد. میزان این ارتباط در سکناس میدان تجریش تا زعفرانیه به اندازه ۰.۶، در سکناس میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر معادل ۰.۶۹، در سکناس میدان راه آهن تا چهارراه مولوی برابر با ۰.۶۴۷، و در مجموع سکناس‌ها به اندازه ۰.۶۵۷ است. نسبتی از واریانس مشترک پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی خیابان که از طریق احساس مکان‌مندی در سکناس اول بدست

مقایسه شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در سکناس‌های مختلف در نمودار زیر صورت گرفته است. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در خیابان ولیعصر در سکناس‌های مختلف نشان می‌دهد که نقطه عطف تمامی نمودارها، مربوط به زیرمجموعه بینابین است. علاوه بر آن، نقطه عطف تمامی نمودارها بر روی هم منطبق است. به عبارتی درصد افرادی که نه احساس پیوستگی کامل دارند و نه عدم احساس پیوستگی کامل، به یک اندازه هستند. توزیع داده‌ها در دو سمت نقطه عطف نمودارها، باهم متفاوت است. در سمت عدم پیوستگی، با شیب تقریباً یکسان به ترتیب از درصد عضویت پاسخگویان تا انتهای نمودار کاسته می‌شود. در دیگر سمت نقطه عطف، شیب تغییرات متفاوت و در برخی سکناس‌ها، میزان عضویت‌ها بیشتر نیز می‌شود.

تحلیل تبیینی

مدعای تبیینی این مقاله آن است که بین میزان



جدول ۱۵. رگرسیون فازی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری بر مکان‌مندی فضاهای عمومی شهری

| F | Beta | b | constant | sig | R ^۲ | R | مورد مطالعه |
|-------|-------|-------|----------|-----|----------------|-------|--------------------------------------|
| ۵۹,۷ | ۰,۶۰۴ | ۰,۷۷۶ | ۰,۰۱۴ | +++ | ۰,۳۶۵ | ۰,۶۰۴ | سکناس میدان تجریش تا زعفرانیه |
| ۲۰,۴ | ۰,۶۹ | ۰,۸۶۵ | ۰,۰۸۵ | +++ | ۰,۴۷۷ | ۰,۶۹ | سکناس میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر |
| ۹۲,۷ | ۰,۶۴۷ | ۰,۸۵۴ | ۰,۰۸۱ | +++ | ۰,۴۱۷ | ۰,۶۴۷ | سکناس میدان راه آهن تا چهارراه مولوی |
| ۳۵۰,۳ | ۰,۶۵۷ | ۸۳۹, | ۰,۹۸, | +++ | ۰,۴۳۱ | ۰,۶۵۷ | مجموع سکناس‌ها |

آمده است، به میزان ۰/۳۶۵، در سکناس دوم معادل ۰/۴۷۷، در سکناس سوم برابر با ۰/۴۱۷، و در مجموع سکناس ها برابر با ۰/۴۳۱ است. R_2 ، فصل مشترک دو مجموعه $(A \cap B)$ را به صورت مقداری نشان می دهد. $R^2 = ۰/۳۶۵$ به این معناست که ۳۶۵٪ درصد واریانس مجموعه پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی این قسمت از خیابان و مجموعه احساس مکان مندی مشترک است. به عبارتی ارزش R^2 برآوردی از واریانس پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی خیابان در سکناس اول است، که توسط احساس مکان مندی معین می شود. درجه ۳۶۵٪ معادل متغیر زبانی "بیشتر بیرون تا درون مجموعه" است. یعنی احساس مکان مندی بیشتر غیرعضو در مجموعه شرط علی است. در سایر سکناس ها نیز تحلیل طبق سکناس اول است. بر اساس رگرسیون فازی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری بر مکان مندی فضاهای عمومی شهری، تابع این رابطه در هر یک از سکناس ها به شرح زیر است.

با برچسب «در آستانه عدم احساس مکان مندی» تعریف کرد. حال اگر مکان مندی وارد تحلیل گردد، شواهد تجربی دلالت بر آن دارد که به ازای هر واحد تغییر مثبت در درجه شرط علی مکان مندی، ۰/۷۷۶ واحد تغییر مثبت در معلول (پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی شهری) در سکناس اول، ۰/۸۶۵ واحد تغییر مثبت در سکناس دوم، ۰/۸۵۴ واحد تغییر مثبت در سکناس سوم، و ۰/۸۳۹ واحد تغییر در مجموع سکناس ها قابل تخمین است. ارزش شیب رگرسیون فازی آنها نیز به ترتیب معادل ۰/۷۷۶، ۰/۸۶۵، ۰/۸۵۴، و ۰/۸۳۹ است که ارزش زبانی فازی آن معادل «بیشتر درون تا درون مجموعه» است.

به استناد شواهد تجربی حاضر می توان داوری کرد که گزاره مشاهده ای در بازه صفر و یک در تمامی سکناس ها و همچنین در مجموع سکناس ها با ضریب زاویه های ذکر شده با گزاره تئوریک زیر سازگار است: «هرچه میزان مکان مندی (مصادیق علت) فضاهای عمومی شهری بیشتر باشد، میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر

| |
|---|
| (احساس مکان مندی در این سکناس) $Y = ۰/۰۱۴ + ۰/۷۷۶$ |
| (احساس مکان مندی در این سکناس) $Y = ۰/۰۸۵ + ۰/۸۶۵$ |
| (احساس مکان مندی در این سکناس) $Y = ۰/۰۸۱ + ۰/۸۵۴$ |
| (احساس مکان مندی در مجموع سکناس ها) $Y = ۰/۰۹۸ + ۰/۸۳۹$ |

در صورتی که پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی شهری زیرمجموعه شرط علی نباشد، یعنی تاثیر شرط علی احساس مکان مندی، کنترل شود، عرض از مبدا پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی شهری در سکناس اول برابر ۰/۰۱۴، در سکناس دوم برابر ۰/۰۸۵، در سکناس سوم معادل ۰/۰۸۱، و در مجموع سکناس ها برابر ۰/۰۹۸ است. این موضوع به این معناست که پایه عضویت فازی پاسخگویان در مجموعه احساس پیوستگی ساختمان و شهر در خیابان ولیعصر در این سکناس ها، قبل از ورود شرط علی احساس مکان مندی، به ترتیب برابر با مقادیر ذکر شده است. تمامی این مقادیر پایین تر از درجه فازی نقطه گذار (۰/۵) در مقیاس فازی است. از حیث مقوله بندی کیفی موردها، می توان آنها را

در فضای عمومی شهری (مصادیق نتیجه) نیز بیشتر خواهد بود؛ به عبارتی گزاره تئوریک یادشده در این تمامی سکناس ها کاملاً مورد تأیید قرار می گیرد.

سازگاری و پوشش مکان مندی و پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری

دو شاخص سازگاری و پوشش در مجموعه به شناسایی شروط با سازگاری پائین (شروط فاقد ارزش نظری) و شناسایی شروط با پوشش پایین (شروط فاقد ارزش تجربی) کمک می کند. میزان سازگاری و پوشش مکان مندی و پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری طبق جدول زیر است.



جدول ۱۷. سازگاری و پوشش شرط علی و معلول

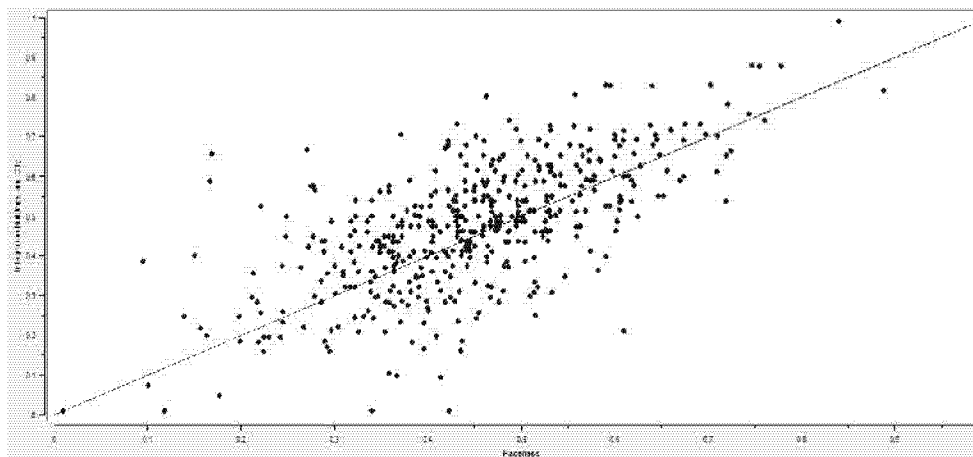
| تحلیل شرط علی | | |
|---|---------|------|
| متغیر معلول: پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری | | |
| متغیر علت: مکان مندی فضاهای عمومی شهری | سازگاری | پوشش |
| | ۰.۷۱ | ۰.۸۸ |

بحث و تحلیل یافته‌ها

در هر سه سکانس شرط علی مکان مندی تاثیر زیادی بر افزایش میزان پیوستگی ساختمان و شهر دارد. میزان تاثیر آن در هر سه سکانس تقریباً به یک اندازه است. با این حال، اگر میزان اختلاف این ضریب تاثیر را در هر سه سکانس مورد توجه قرار دهیم، مکان مندی بیشترین تاثیر را به ترتیب در افزایش میزان پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس‌های میدان راه آهن تا چهارراه مولوی، میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر و میدان تجریش تا زعفرانیه دارد. این موضوع نشان دهنده آن است که در هر فضای عمومی شهری مکان مندی در احساس پیوستگی ساختمان و شهر حائز اهمیت است، هرچند که معیارهای آن از سکانشی به سکانشی متفاوت است که در ادامه به این موضوع نیز پرداخته می‌شود. اما مجموع تاثیرات معیارها در همه سکانشی‌ها به گونه‌ای است که برآیند آنها را در افزایش میزان مکان مندی موثر جلوه می‌دهد. از این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که باید در شرط علی

داده‌های تجربی ناظر بر رابطه فازی دو مجموعه‌ی مکان مندی و پیوستگی ساختمان و شهر دلالت بر آن دارد که ارزش شاخص سازگاری بین این دو مجموعه برابر با ۰.۷۱ است. این ارزش نشان می‌دهد که ۷۱ درصد موردها، این ادعا را تایید می‌کنند که مکان مندی شرط لازم بر پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است. شاخص پوشش بین دو مجموعه مکان مندی و پیوستگی ساختمان و شهر برابر با ۰.۸۸ است. این ارزش، بیانگر میزان اهمیت تجربی مکان مندی برای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است. شواهد موجود دلالت بر آن دارد که ۸۸ درصد از پیوستگی ساختمان و شهر، توسط مکان مندی پوشش داده شده است.

نمودار بالا نشان می‌دهد که مکان مندی بیشتر یک شرط لازم برای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است تا به عنوان یک شرط کافی.



نمودار ۹. شرط لازم و کافی علت برای معلول؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۱۸. مهم‌ترین معیارهای موثر در مکان‌مندی و عدم مکان‌مندی به تفکیک سکانس‌ها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| معیارهایی که وجود آنها بیشترین تاثیر را بر احساس مکان‌مندی می‌گذارد. | معیارهایی که عدم وجود آنها بیشترین تاثیر را بر عدم مکان‌مندی می‌گذارد. |
|---|--|
| <p>سکانس اول</p> <ul style="list-style-type: none"> - احساس تعلق فرد به مکان - وجود نمادها و نشانه‌های آشنا و خاطره‌انگیز - نامیدن اماکن با نام‌های قدیمی آنها - وجود استفاده‌کنندگان متنوع در فضا | <ul style="list-style-type: none"> - متناسب بودن میزان و نحوه تردد وسایل نقلیه با ظرفیت خیابان - متناسب بودن سرعت وسایل متناسب با ماهیت خیابان - منظم بودن ارتفاع ساختمانها - هماهنگی سبک معماری ساختمانها |
| <p>سکانس دوم</p> <ul style="list-style-type: none"> - محصوریت فضا - تشخیص آسان هویت کاربری‌ها، ساختمانها و فضاها متناسب با اهمیت آنها - عمق زیاد و قابل رویت مغازه‌ها - وجود کاربری‌های متنوع - قرارگرفتن ساختمان‌های مهم در مهم‌ترین قسمت خیابان | <ul style="list-style-type: none"> - متناسب بودن میزان و نحوه تردد وسایل نقلیه با ظرفیت خیابان - متناسب بودن سرعت وسایل متناسب با ماهیت خیابان - منظم بودن ارتفاع ساختمانها - هماهنگی سبک معماری ساختمانها - ایمنی افراد پیاده در برابر وسایل نقلیه |
| <p>سکانس سوم</p> <ul style="list-style-type: none"> - محصوریت فضا - احساس تعلق فرد به مکان - تشخیص آسان هویت کاربری‌ها، ساختمانها و فضاها متناسب با اهمیت آنها - وجود نمادها و نشانه‌های آشنا و خاطره‌انگیز | <ul style="list-style-type: none"> - متناسب بودن میزان و نحوه تردد وسایل نقلیه با ظرفیت خیابان - هماهنگی سبک معماری - منظم بودن ارتفاع ساختمانها - هماهنگی ساختمانهای دو طرف خیابان با همدیگر |



فرد به مکان، وجود علائم و نشانه‌هایی برای پیدا کردن آسان مکانهای مورد نظر، تشخیص آسان هویت کاربریها و ساختمانها متناسب با اهمیت آنها، وجود نمادهای آشنا و خاطره انگیز، و قرارگرفتن ساختمانهای مهم در مهم‌ترین قسمت‌های خیابان، در افزایش میزان مکان‌مندی و همچنین پیوستگی ساختمان و شهر در خیابان، دارای تاثیر بیشتری نسبت به دیگر معیارهای مورد مطالعه بوده‌اند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

مکان‌مندی کیفیتی است که در ابعاد کالبدی، فضایی، فعالیتی- اجتماعی و معنایی- نمادین بر پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در ابعاد پیوستگی کالبدی، پیوستگی فضایی، پیوستگی فعالیتی- فضایی و پیوستگی معنایی- نمادین تاثیر گذاشته و به عبارتی آنرا تبیین می‌نماید. مطالعه سازگاری و پوشش مکان‌مندی و پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری نشان داد که مکان‌مندی به

مکان‌مندی، بیشتر به معیارها و سنجه‌هایی که بیشترین تاثیر را دارند، توجه کرد تا به مؤلفه مکان‌مندی. بر این اساس، چه بسا صرفاً با تقویت چند معیار مهم بتوان به‌طور قابل توجهی میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر را در یک فضای عمومی شهری افزایش داد. براساس داده‌های تجربی حاصل از پیمایش، در سکانس اول، از طریق افزایش میزان احساس تعلق فرد به مکان، وجود نمادها و نشانه‌های خاطره‌انگیز و نامیدن اماکن با نام‌های قدیمی آنها، می‌توان بیشترین تاثیر را در افزایش میزان مکان‌مندی و در نتیجه افزایش میزان پیوستگی ساختمان و شهر ایفاء کرد. در سکانس میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر، معیارهای محصوریت خیابان، تشخیص آسان هویت کاربریها و ساختمانها و فضاها متناسب با اهمیت آنها، عمق زیاد و شفاف و قابل رویت مغازه‌ها و همچنین وجود کاربریهای متنوع در افزایش میزان مکان‌مندی و به‌واسطه آن میزان پیوستگی ساختمان و شهر تاثیر بیشتری نسبت به سایر معیارها دارند. در سکانس میدان راه‌آهن تا چهارراه مولوی، تعلق

میزان ۸۸ درصد می تواند پیوستگی ساختمان و شهر را تبیین نماید یا به عبارتی شرط علی پیوستگی به شمار می آید. علاوه بر آن مکان مندی به عنوان شرط لازم برای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است. در بین مؤلفه های کالبدی، فضایی، فعالیتی- اجتماعی و نمادین فضاهای عمومی شهری، در همه فضاها مؤلفه های فضایی بیشترین تأثیر را بر احساس پیوستگی ساختمان و شهر دارد. بعد از آن، مؤلفه های فعالیتی- اجتماعی، کالبدی و نمادین بیشترین تأثیر را بر میزان پیوستگی ساختمان و شهر دارند. بدون وجود مکان مندی میزان پایه پیوستگی در حد بسیار پایین و در آستانه عدم پیوستگی قرار دارد. این موضوع بیانگر این است که مکان مندی به عنوان یک شرط برای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری ضرورت دارد. از آنجایی که فعالیت و رفتارهای اجتماعی در فضا شکل می گیرد در همه فضاها رابطه مستقیمی بین کیفیت فضایی و کیفیت فعالیتی- اجتماعی به چشم می خورد. و کالبد نیز با بعد نمادین فضا مرتبط است رابطه مستقیمی بین افزایش و یا کاهش بین این دو دیده می شود. از نظر شهروندان، خیابان ولیعصر دارای یک هویت و شخصیت منحصر بفرد است. وجود ساختمان های تاریخی با اصالت، اطلاق عنوان برشی از تاریخ و هویت شهر تهران و نامیده شدن کل مسیر آن به یک اسم، این ویژگی منحصر بفرد و تاریخی را به آن بخشیده است. هر چند در برخی قسمتها برخی ویژگی های آن از نظر شهروندان مطلوب نیست، با این وجود، شهروندان آن را به صورت یک مجموعه و یک عنصر ساختاری تلقی کرده و آن را به عنوان دوست داشتنی ترین عنصر شهر تهران می دانند. بیشترین دل بستگی در بین عناصر ساختاری شهر تهران را نیز به خود اختصاص داده است.

منابع و ماخذ

۱. اردلان، نادر؛ بختیار، لاله، (۱۳۸۰) حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، انتشارات نشر خاک، تهران.
۲. پرتوی، پروین، (۱۳۸۲) مکان و بی مکانی رویکرد

- پدیدار شناختی، نشریه های هنرهای زیبا.
۳. حبیبی، رعنا سادات، (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۴. حمیدی، ملیحه، (۱۳۷۶) استخوان بندی شهر تهران، جلد اول، تهران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
 ۵. دانشپور، سید عبدالهی؛ چرخچیان، مریم، (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۸۶، پژوهشکده نظر، تهران، صص ۲۸-۱۹.
 ۶. ساعی، علی، (۱۳۹۱) عقلانیت علم گذار به روش شناسی فازی، در دست انتشار.
 ۷. کاسکو، بارت (۱۳۸۴) تفکر فازی، مترجمین علی غفاری و دیگران، تهران، انتشارات دانشگاه خواجه نصرالدین طوسی.
 ۸. کریر، راب، (۱۳۸۵) فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، تهران نشر خاک.
 ۹. گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱) جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی.
 ۱۰. لینچ، کوین، (۱۳۸۷) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۱. مدیری، آتوسا، (۱۳۸۷) مکان، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۳، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
 12. Lenard & Lenard, 1984, Public Life in Urban Places, Godlier, Southampton.
 13. Schultz, christen, 1997, The Phenomenon of place, Princeton Architectural Press, New York.
 14. Rapoport, Amos. , 1990, "The Meaning of the Built Environment, A Nonverbal Communication Approach", Sage Publications, London.
 15. Canter, D. (1971), The Psychology of Place; London: the Architectural Press.
 16. Guibernau, Montserrat, 1996, sociological reflections on nation and nationalism.
 17. Morley, D. and K. Robins, (1996): Space of identity . London : Routledge .
 18. Lashand , S. and J. uyyr, (1994), Economic of Sings and Space . London : Sage.

19. Giddens,A.(1991) :Modernity and Self Identity . Cambridge : Polity Press.
20. Tomlinson, J.(1999b), Globalization and Culture . Cambridge : Polity .
21. Charney, Melvin. (1991). City Structure as the Generator of Architectural Form [Housing 22. on Toronto's Main Streets]. Places, 7(2), . Retrieved from: <http://www.escholarship.org/uc/item/1410v2pp>
23. Eрман, Onur Karagen'c (2004), The Analysis of Symbolic Performance in Mass Housing Settlements, Building and Environment 39 (2004) 449 – 457
24. Francis Jacinta, Giles-Corti Billie, Wood Lisa Knuiman, Matthew (2012), Creating sense of community: The role of public space, Journal of Environmental Psychology 32 (2012) 401e409
25. Wu JunJie, Plantinga Andrew J.(2003),The influence of public open space on urban spatial structure, Journal of Environmental Economics and Management 46 (2003) 288–309
26. Medway , P.(2003), Imagining the building: architectural design as semiotic construction, Design Studies 24 (2003) 255–273.



تحولات ساختاری- کارکردی فضاهای روستایی در ایران و اثرات آن بر توسعه بافت در نواحی روستایی، مورد پژوهی: روستاهای جوانمردی و باغبهزاد، شهرستان لردگان

محسن صیدالی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
بیژن رحمانی - دانشیار جغرافیا و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
عباس سعیدی - استاد جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
جمیله توکلی‌نیا - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Structural-functional evolutions of rural spaces in Iran and their effects on development of rural texture in rural areas, a case study of Javanmardi and Baghbehzad Villages, Lordegan County

Abstract

Considering the geographical spaces in a changing state and the rural space as a geographical space, it is necessary for geographers to recognize the dimensions of structural-functional evolutions in rural areas. The rural spaces due to functionality of different forces over time experience many changes in their structure. These include changes in building house, rural texture as well as in function through the evolving periods of development. It is evident that the range, magnitude, intensity, and the type of these changes and evolutions are different in many regions throughout the country depending upon the kind of influence, the range and the magnitude of these factors and forces in the rural spaces as well as upon the passivity of the areas from these driving forces. Some considerable economic and social changes were made in rural spaces of Iran particularly following farm reforms and Islamic Revolution by which the spatial structure of many villages are influenced. Accordingly, as a result of these spatial evolutions the rural texture including the domiciles and pathway networks has undergone changes and developments. The study through a literature and field way for gathering data attempt to investigate the rate and the dimensions of these spatial evolutions for the selected villages of Javanmardi and Baghebehzad in Lordegan County after the revolution as well as the effects of these evolutions on the texture of the villages by an analytical-descriptive method.

Keywords: spatial evolution; rural space; rural texture; rural houses

چکیده

اگر فضای جغرافیایی را فضایی در حال تغییر بدانیم و فضای روستایی را نیز به عنوان یکی از انواع فضاهای جغرافیایی قلمداد کنیم، شناخت ابعاد تغییر و تحولات ساختاری- کارکردی فضاهای روستاهای همواره یکی از وظایف جغرافیدانان بوده است. فضای روستایی در گذر زمان و در اثر نقش آفرینی عوامل و نیروهای گوناگون، تغییر و تحولات بسیاری را ساختار خود از جمله در شیوه ساخت مسکن، بافت روستایی همچنین در نقش و کارکرد در ادوار گوناگون توسعه خود پشت سر می‌گذارد. بدیهی است دامنه، وسعت، شدت و نوع این تغییر و تحولات بسته به نحوه اثرگذاری، دامنه، وسعت و نحوه اثرگذاری این نیروها و عوامل بر فضای روستایی و اثرپذیری پذیرنده فضاهای روستایی در سطح، دامنه و وسعت آن، در نواحی گوناگون کشور متفاوت خواهد بود. در فضاهای روستایی ایران، بالاخص پس از اصلاحات ارضی و به ویژه پس از انقلاب، تغییر و تحولات بنیادین اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است که در این میان ساختار فضایی روستاهای را نیز متأثر نموده است. همچنین، در اثر این تحولات فضایی، بافت روستاهای شامل مسکن و شبکه معابر روستایی است، نیز دستخوش تغییر و توسعه گردیده است. در پژوهش حاضر که در آن از روش میدانی و کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است، دو روستای جوانمردی و باغ بهزاد در بخش خانمیرزا از توابع شهرستان لردگان انتخاب شده‌اند و سعی شده است که ضمن بررسی روند و ابعاد تغییر و تحولات فضایی که در این روستاهای در محدوده زمانی بعد از انقلاب در اثر عوامل یادشده صورت گرفته است، تأثیرپذیری بافت روستاهای مورد نظر از تغییر و تحولات فضایی ذکر شده در سطوح مختلف، با روش توصیفی- تحلیلی تبیین شوند. **واژگان کلیدی:** تحولات ساختاری- کارکردی، فضای روستایی، بافت روستایی، مسکن روستایی، شهرستان لردگان.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۲۸۱۰۷۵۸؛ رایانامه: Mseidali@gmail.com

این مقاله مستخرج از رساله دکتری محسن صیدالی با عنوان: تحولات ساختاری- کارکردی سکونتگاه‌های روستایی و ارتباط آن با توسعه روستایی (مطالعه موردی، بخش خانمیرزا، شهرستان لردگان) در دانشگاه شهید بهشتی تهران می‌باشد.

مقدمه

سکونتگاههای روستایی ایران در طول تاریخ پایگیری، استقرار و روند تداوم حیات خود، تحولات گوناگون فضایی را پشت سر می‌گذارند. این تحولات می‌توانند در ابعاد کالبدی- فضایی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی- معیشتی و محیطی- اکولوژیک بررسی شوند. همانگونه که در شکل‌گیری، استقرار و پایگیری روستا، عوامل و نیروهای گوناگونی موثر است، وقوع و بروز تحولات فضایی در روستاها نیز متأثر از اثرگذاری نیروها و عوامل متعددی است. بسته به دامنه فعالیت، نوع، چگونگی، مقطع زمانی و مدت زمان اثرگذاری این نیروها و عوامل، در جریان تحولات فضایی و نیز بسته به دامنه و نوع اثرپذیری سکونتگاههای روستایی از این نیروها و عوامل، ماهیت و چگونگی این تحولات در نواحی گوناگون متفاوت و متنوع خواهد بود.

نحوه قرارگیری عناصر و اجزا اصلی یک روستا، مانند مجموع ساختمانها، باغها و مزارع، پل و جاده و راه، فضاهای باز، مانند خرمنگاه و گورستان و بنای زیارتگاه و عناصر اصلی محیط، مانند رودخانه و چشمه، در مجموع، بافت روستا را تشکیل می‌دهد. قرارگیری عوامل فوق در کنار یکدیگر، تابع قواعد و اصولی است که در هر منطقه و در هر مصداق، نیازمند مطالعه و شرح و بحث است. آنچه مسلم است، اینکه رابطه این اجزاء با یکدیگر از نوع تصادفی و اتفاقی نیست، بلکه حکمتی در پس آن نهفته است که ممکن است به راحتی به نظر نرسد و حتی با پرس وجود در محل و از اهالی هم نتوان آن را به سادگی بازخوانی کرد. معمول است که علاوه بر بافت روستا، از بافت پرروستا نیز در فضاهای علمی و کارشناسی سخن می‌گویند. منظور از بافت پر، معمولاً مجموعه مصنوع شامل خانه‌ها و کوچه‌ها و گذرگاهها و ابنیه عمومی است که در کنار یکدیگر قرار دارند. حتی در روستاهای پراکنده نیز محدوده‌ای را که ساختمانهای مسکونی در آن قرار دارند، می‌توان بافت پر تلقی کرد (زرگر، ۱۳۸۷، صص ۲۰).

همانگونه که اشاره شد، اگر بافت روستایی را مجموعه‌ای متشکل از شبکه معابر، مساکن، مزارع، باغات، مراکز خدماتی، فضاهای عمومی بدانیم؛ در روند شکل‌گیری و

استقرار یک روستا و نیز در فرایند توسعه کالبدی و فیزیکی، یک روستا در طول تاریخ حیات خود، تغییر و تحولات در شکل و فرم هر یک از این فضاها در اثر سایر تحولات می‌تواند، منظرو سیمای یک روستا را دچار دگرگونی نماید و در نهایت بافت جدید یک سکونتگاه روستایی را متفاوت و متمایز از گذشته ایجاد نماید. از جمله عمده‌ترین تحولات در دهه‌های اخیر می‌توان به ورود اتومبیل و ماشین‌آلات کشاورزی، گسترش مناسبات روستا-شهری، بروز و ظهور نیازهای متنوع و توسعه و گسترش خدمات و امکانات جدید در اثر شکل‌گیری این نیازها را می‌توان نام برد که در ادوار مختلف شکل‌گیری و تداوم حیات روستاهای ایران قبل توجه و بررسی علمی می‌باشند. در گذشته‌ها، شکل‌گیری بافت روستایی متأثر از عوامل طبیعی مانند توپوگرافی، شیب زمین، اقلیم، دسترسی به منابع آب و شکل بهره‌برداری از آنها بوده است، برای مثال شبکه‌های آبیاری و نیز وجود یک رشته قنات یا چشمه و چاه، موجب پایگیری یک سکونتگاه روستایی، شکل دهنده، جهت بخش و هدایت‌کننده توسعه کالبدی- فیزیکی روستاها و قوام بخش نظام استقرار مساکن و عامل مهم تداوم بخش حیات یک روستا و جامعه روستایی ساکن در آن بوده است.

علاوه بر آن، در اثر عوامل اجتماعی مانند کوچ‌نشینی اقوام، طوایف و ایلات و نحوه سکونت و جدائی‌گزینی طبقاتی آنان در محلات مختلف روستاها نیز، بافت روستایی شکل گرفته و یا سکونتگاههای روستایی از این عامل هم متأثر می‌گردند که به تبع آن محلات همگن با افراد هم‌طایفه‌ای و از یک خاندان، در سکونتگاههای روستایی شکل می‌گرفته است. عوامل اقتصادی و از جمله ضرورت کوتاه بودن فاصله محل کار و سکونت نیز در شکل‌گیری بافت به هم پیوسته مزارع و باغات با مساکن در روستاهای ایران و از جمله در نواحی کوهستانی و یا بافت متفرق روستایی در نواحی شمالی ایران موثر بوده است که مجموعه این عوامل، بیانگر برخی از عمده‌ترین تحولات فضایی موثر بر بافت روستاهای ایران می‌باشند. بنابراین از گذشته‌های دور تاکنون در نواحی کوهستانی شمال شرق، شمال غرب و غرب ایران، ترتیب استقرار روستاهای کوچک و بزرگ به صورت متمرکز و در مجاور



مزارع و زمین‌های قابل کشت بوده است.

از این گذشته با توجه به اقلیم سرد مناطق کوهستانی و نیز ضرورت تامین امنیت، فشردگی و تراکم بافت از جمله راهکارهایی بوده که ساکنین با توجه سابقه سکونت در محل و بر اثر تجربه به آن دست یافته‌اند، در شکل‌گیری و نحوه توسعه نقاط روستائی حوزه مطالعه، توپوگرافی پیچیده و اراضی ناهموار حاشیه رودها، باعث گردیده استقرار نقاط روستائی در فاصله مناسبی از اراضی کشاورزی و منابع (آب) روستا به طرف دامنه ارتفاعات مشرف بر رودخانه کشیده شود (زرگر، ۱۳۷۸، ص ۲).

بعد از اصلاحات ارضی در ایران و به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، به دلیل تحولات شکل گرفته در کشور، به تبع آن نواحی روستائی نیز از این جریانات تأثیر پذیرفته‌اند. انجام اقدامات عمرانی در روستاها سبب تغییر در بافت و کالبد روستاها گردیده است و همچنین به دنبال ورود وسایل نقلیه و نیز ماشین‌آلات کشاورزی ضرورت تغییر در شبکه معابر روستائی با عریض‌تر شدن آنها و نیز انجام طرح‌های هادی و بهسازی روستائی در اثر بروز نیازهای جدید در سکونتگاههای روستائی، تغییر و حتی شکل‌گیری بافت جدید روستائی را به دنبال داشته است.

همانگونه که اشاره گردید، در فضاهای روستائی ایران، بالاخص پس از اصلاحات ارضی و به ویژه پس از انقلاب اسلامی، تغییر و تحولات بنیادین اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است که در این میان ساختار فضایی روستاها را نیز متأثر نموده است. همچنین، در اثر این تحولات فضایی، بافت روستاها نیز به عنوان یکی از عناصر ساختار فضایی که شامل مسکن و شبکه معابر روستائی است، نیز دستخوش تغییر گردیده است.

تغییرات و تحولات فضایی که صورت گرفته است از عوامل گوناگون (درونزا و برونزا) تأثیر پذیرفته‌اند که از جمله آنها می‌توان به تغییر در نظام معیشت و اقتصاد روستائی، الگوپذیری روستا و روستاییان از شهر و توسعه شهری و معماری مدرن شهرها، تحول در نظام مناسبات و پیچیده شدن روابط شهر و روستا اشاره نمود. همچنین، تحول در اقتصاد روستائی و افزایش میزان درآمد روستاییان و ورود جریانات سرمایه در فرایند تداوم حیات و توسعه

سکونتگاه‌های روستائی و نیز اجرای طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی و توسعه ای در روستاها را می‌توان ذکر کرد، که در مجموع، در اثر این نیروها و عوامل و موارد بسیاری دیگری بافت جدید روستائی را متناسب با شرایط، نیازها و الزامات جدید زندگی در روستاها شاهد هستیم.

در این نوشتار نیز با عنایت به ضرورت و ماهیت بحث، روند تحولات صورت گرفته در اثر عوامل گوناگون و نیروهای متعدد ذکر شده را در دوروستای جوانمردی و باغ‌بهاد به عنوان دو سکونتگاه روستائی با سابقه تاریخی و سکونتی و وزن جمعیتی بیشتر نسبت به سایر روستاهای بخش خانمیرزا در شهرستان لردگان، بررسی می‌نمائیم. شایان ذکر است همانگونه که در بالا اشاره گردید، اثرگذاری یک یا چند عامل اصلی زمینه‌ساز مکان‌گزینی، پایگیری، تداوم حیات و شکل‌گیری نظام استقرار یک روستا می‌باشند که در روستاهای مورد مطالعه در این نوشتار نیز این موارد قابل بررسی می‌باشند. چنانچه در روستای جوانمردی، علاوه بر ضرورت دفاع در مقابل تهدیدات، که شکل‌گیری هسته‌ی اصلی روستا را در دامنه‌ی تپه‌های مشرف به غرب روستا سبب گردیده است، وجود چشمه روستا نیز عامل مهمی در مکان‌گزینی اولیه و نیز تداوم حیات روستا در دهه‌های بعد بوده است. در روستای باغ‌بهاد نیز وجود چشمه‌کرتگل عامل اصلی استقرار روستا و قنات باغ‌بهاد نیز عامل تداوم حیات و قوام بخش توسعه روستا در گذشته بوده است. بنابراین، موضوع وجود یک عامل اصلی و اساسی در پایگیری هسته‌های اولیه روستاهای جوانمردی و باغ‌بهاد که در این پژوهش مورد بررسی می‌باشند نیز صادق است.

در ادامه به معرفی و بررسی شرایط استقرار، موقعیتی و جغرافیایی این دو سکونتگاه در دشت خانمیرزا می‌پردازیم.

روش بررسی

به لحاظ ماهیت موضوعات و مسائل محیطی و جغرافیایی، در این پژوهش از روش مشاهده مستقیم در کنار روش کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات مورد نیاز در پژوهش، و بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیل به صورت توأمان در تجزیه و تحلیل یافته‌ها استفاده شده است. با



ب- بررسی نحوه اثرپذیری بافت روستایی از تحولات فضایی (اقتصادی- معیشتی، اجتماعی- فرهنگی، فیزیکی- کالبدی و محیطی- اکولوژیک) در روستاهای روستاهای مورد مطالعه.

معرفی محدوده مورد مطالعه

روستای جوانمردی، مرکز دهستان جوانمردی است که در بخش خانمیرزا از توابع شهرستان لردگان واقع است. این روستا در سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۵۷۶ خانوار و جمعیتی بالغ بر ۲۳۳۷ نفر بوده است که از این تعداد ۱۱۹ نفر مرد و ۱۲۱۸ زن می‌باشند. روستای جوانمردی، به لحاظ موقعیت استقرار در جنوب غربی دشت خانمیرزا و به لحاظ تپ استقرار نیز دارای موقعیت جلگه‌ای کوهستانی و از نوع متمرکز یا گردآمده می‌باشد. این روستا با قدمتی بیش از سه قرن، از نخستین کانونهای اسکان و یکجانشینی عشایربختری بوده است. هسته اصلی و اولیه روستا در مجاورت یک چشمه و در دامنه تپه‌های موسوم به تپه‌های دولاب در دشت خانمیرزا شکل گرفته است. به دنبال افزایش جمعیت و نیاز به توسعه فیزیکی در روستا محله پائین روستا در ضلع شرقی روستا و در کنار کانال آب موسوم به آب اکبرکه از

مشاهده شرایط حاکم بر روش ساخت و ساز مسکن در روستاهای جوانمردی و باغبهزاد و نیز شیوه‌اثرگذاری و اثرپذیری مسکن و نیز بافت این روستا از تحولات فضایی حاکم، به بررسی و تجزیه و تحلیل این شرایط در روستاهای یاد شده پرداخته شده است. در نهایت ضمن بررسی وضعیت موجود این دو روستا، به پیش‌بینی شرایط آینده و نیز ارائه پیشنهاداتی در خصوص وضعیت آینده این دو روستا پرداخته شده است.

سوالات پژوهش

- ۱- چه عوامل اثرگذاری در فرایند تحولات ساختاری- کارکردی فضاهای روستائی در ایران و نیز روستاهای مورد بررسی در ناحیه‌ی مورد مطالعه موثر بوده‌اند؟
- ۲- چگونه اثرات و تبعات فضائی این تحولات بر بافت روستاهای ایران و به تبع آن در روستاهای مورد مطالعه در در ناحیه‌ی مورد مطالعه موثر بوده‌اند؟

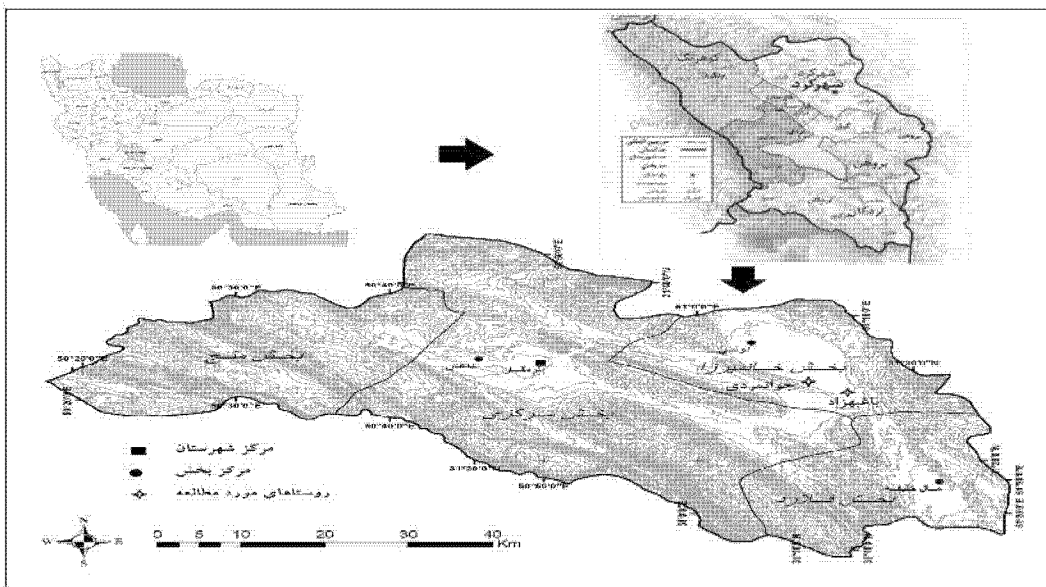
اهداف پژوهش

الف- شناخت عوامل، نیروها و روندهای موثر بر تحولات بافت روستایی در روستاهای مورد مطالعه؛



فصلنامه مدیریت شهری
ment
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۰۴



نقشه ۱. موقعیت روستاهای جوانمردی و باغبهزاد در بخش خانمیرزا؛ ماخذ: نگارندگان.

صورت گرفته است، تغییرات چشم اندازهای روستایی این ناحیه با بهره‌گیری دو مطالعه مجزا اما مرتبط، شامل مطالعه عکس‌های هوایی و تجزیه و تحلیل آنها و همچنین مطالعات میدانی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. در مطالعه ای که توسط آلبرچیت^۲ (۱۹۹۸)، در برزیل تحت عنوان «کاربرد تصاویر ماهواره‌ای در تشخیص چشم انداز و کاربری اراضی»، انجام گرفته است و تحولات کالبدی و فضایی در ششم اندازی‌ها را مورد مطالعه قرار داده است.

۴. وس و همکاران^۴ (۱۹۹۹)، در مطالعه ای تحت عنوان «روند توسعه چشم اندازهای فرهنگی در اروپا دورنمایی برای آینده‌ای پایدار»، تقاضای روز افزون جامعه برای کاربری‌های جدید اراضی را در تغییر شکل و تخریب چشم اندازهای با ارزش روستایی که طی قرون منتهی به این هزاره ایجاد شده‌اند، موثر می‌داند. وی از کاهش نقش سنتی کشاورزی، افزایش کاربری‌های جدید، تقاضای روز افزون برای توسعه صنعت، فضای توریستی، تفریحات، کاربری‌های چندگانه و موارد دیگر به عنوان مهم‌ترین نمودهای تغییر و تحولات کالبدی-فضایی، نام برده و تحولات روابط شهر و روستا در قالب افزایش پدیده شهرنشینی را بر تغییرات پدید آمده موثر دانسته است.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد، در اغلب این پژوهش‌ها، تحولات و تغییرات ساختاری (طبیعی-اکولوژیک، نهادی و غیره) از جمله تغییر در چشم اندازهای کشاورزی و روستائی و اثرات آنها در حوزه‌های کارکردی (اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی-کالبدی) را که در نهایت در تغییر سیمای توسعه و عمران شهری-روستایی (فضائی) رادر پی داشته‌اند، بررسی کرده‌اند.

پژوهش‌های داخلی

در ایران نیز در سالهای اخیر عباس سعیدی در مقالات متعددی از جمله: پویای ساختاری-کارکردی؛ رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی- فضائی (۱۳۹۰) و پویای ساختاری-کارکردی؛ رویکردی بی بدیل در برنامه ریزی

چشمه‌ای به همین نام که در روستای سیله در بخش خانمیرزا واقع است و آب‌کشاورزی قدیم روستا را تأمین می‌کرده است، محله جدید روستا شکل گرفته و گسترش یافته است. در سالهای قبل از انقلاب به جزء ساختمان شرکت تعاونی روستا و شعبه توزیع نفت، هیچگونه ساختمان و تأسیساتی در ضلع شرقی روستا وجود نداشته است و بعدها ساختمان دبستان روستا در کنار این تعاونی ساخته می‌شود.

روستای باغبه‌زاد نیز از روستاهای دهستان جوانمردی در بخش خانمیرزا می‌باشد که بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ دارای تعداد ۲۲۰۲ نفر جمعیت بوده است که از این تعداد ۱۰۶۳ نفر را مرد و ۱۱۳۹ نفر را زن بوده‌اند. روستای باغبه‌زاد نیز از به لحاظ تیپ استقرار از روستاهای جلگه‌ای (دشتی) و از نوع متمرکز یا گرد آمده می‌باشد. این روستا از شمال به صحرای باغبه‌زاد و مزرعه کرتگل و نهایتاً به جاده کمربندی خانمیرزا، از جنوب به دامنه‌های کوه سرخ و اراضی کشاورزی جنوب روستا، از غرب به مزرعه کرتگل و از شرق به خطوط لوله سراسری گاز و جاده گاز و رشته کوه سیوک، محدود می‌گردد. در شکل ۱، موقعیت جغرافیایی روستاهای یادشده در نقشه ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

از جمله مهم‌ترین پژوهشهایی که در زمینه تحولات ساختاری-کارکردی سکونتگاه‌های می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

پژوهش‌های خارجی

۱. زوبه^۱ (۱۹۸۹)، در یک پژوهش تحت عنوان «تغییرات چشم انداز: ادراکات و مقیاس‌های فیزیکی»، عوامل موثر در تغییرات اراضی کشاورزی در منطقه روستایی آریزونا و تناسب این تغییرات با ویژگی‌های ساکنان منطقه، بررسی کرده است.

۲. مدلی و همکارانش^۲ (۱۹۹۵)، در مطالعه دیگری که تحت عنوان «تغییرات چشم انداز با تراکم کشاورزی در حوضه آبخیز روستایی در جنوب غربی اوهایو آمریکا»

1. Zube
 2. Medley et all

3. Ulbricht
 4. Vos et all

فضائی (۱۳۹۱) و چندین اثر دیگر به تبیین این موضوع در ایران پرداخته‌اند. از دیگر پژوهش‌های انجام گرفته در ایران در زمینه تحولات ساختاری-کارکردی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شفیع‌ی ثابت، ناصر (۱۳۸۷): در رساله دکتری خود با عنوان «تحولات کالبدی-فضایی روستاهای پیرامون کلانشهر تهران با تاکید بر تغییرات کاربری اراضی کشاورزی»، (۸۲-۱۳۵۸)، در ناحیه رباط کریم به این موضوع پرداخته است. در این رساله به دگرگونی ناهنجار و نامتعادل ساختار کشاورزی و بروز مسائل زیست-محیطی، تحولات شدید و ناموزون در جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی، فیزیک (کالبد) روستاهای این ناحیه و در نتیجه کاربری اراضی ارزشمند کشاورزی پرداخته است.

۲. قادرمزی، حامد (۱۳۸۷): در رساله دکتری خود «تحولات ساختاری-کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج در فرآیند گسترش فضایی شهر»، (طی دوره ۸۵-۱۳۵۵)، به بررسی این موضوع پرداخته است. در این رساله ضمن پرداختن به این موضوع که مرکزیت اداری-سیاسی شهر سنندج به عنوان مرکز استان کردستان و قطب مسلط جمعیتی، اقتصادی و سیاسی و نیز دارا بودن ساختار خاص در عرضه خدمات و امکانات مختلف، در تبدیل سنندج به یک مرکز با نیازهای فضایی خاص در تعامل و پیوند با روستاها و شهرهای دیگر در خدمات رسانی، نیازهای فضایی جدیدی را برای آن شهر در پی داشته است و در تحول ساختاری-کارکردی روستاهای واقع در عرصه پیرامونی بلافاصله خویش در ابعاد گوناگون اثرگذار بوده است.

۳. صادقی، مظفر (۱۳۸۹)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود که به راهنمایی عباس سعیدی در دانشگاه شهید بهشتی به انجام رسیده است به بررسی تحولات کالبدی و فضایی سکونت گاه‌های روستایی پیرامون شهر نورآباد ممسنی با توجه تعاملات روستا-شهری پرداخته و دریافته‌اند که الگوی ساخت مسکن و بافت روستا تحت تأثیر تعاملات و پیوندهای روستا شهری به کلی دگرگون گردیده است.

همچنین پژوهش‌های بسیار دیگری در سالهای اخیر، در

قالب پایان نامه‌های دانشگاهی در نقاط مختلف کشور به انجام رسیده است و تقریباً همه آنها به نتایجی مشابه با پژوهش‌های مورد اشاره دست یافته‌اند. آنچه از مجموع این مطالعات انجام شده به دست می‌آید، نشانگر اینست که عوامل درونزا (افزایش سطح زیرکشت و میزان تولید روستائی، توسعه‌ی مناسبات شهر و روستا و غیره) و نیز عوامل برونزا (فرایند جهانی شدن، اثرات زندگی شهری بر شیوه‌ی زندگی سکونتگاه‌های روستائی، الگوپذیری ساخت و ساز و معماری و به تبع آن بافت روستائی از ساخت و ساز شهری)، موجبات تحولات ساختاری-کارکردی را در سکونتگاه‌های روستائی فراهم می‌سازد.

مبانی و چارچوب نظری موضوع

شکل‌گیری و استقرار سکونتگاه‌های روستایی

شکل‌گیری روستاها در پی اسکان جماعات انسانی در نواحی گوناگون کشور، در تناسب با ویژگیهای محیطی و اکولوژیک ناحیه‌ای که در آن واقع شده‌اند، می‌باشند. استقرار، شکل و توسعه سکونتگاه، تحت تأثیر طبیعت قرار دارد؛ ولی تمام سکونتگاهها سازگاری موفقی با نیروهای طبیعی ندارند (چپ من، ۱۳۸۴، ص ۴۳).

الگوهای سکونتگاه‌های روستایی از طریق سازگاری جوامع انسانی با نیروهای طبیعی و در تناسب اجتماعی-اقتصادی بسیار متنوع خود، متحول شده‌اند. سکونتگاهها همیشه با طبیعت سازگاری نمی‌یابند و به همین دلیل در مقابل سوانح طبیعی آسیب پذیر می‌شوند. برعکس محیط زیست طبیعی می‌تواند برای ایجاد سکونتگاهی امن تر و راحت تر تعدیل گردد. عوامل طبیعی بر طرح، نظم و مصالح بکار گرفته شده در ساختمان‌ها که لازمه بیان شخصیت فیزیکی و زیبایی‌شناسانه سکونتگاهها هستند، تأثیر می‌گذارد. طبیعت بر سکونتگاه تأثیر می‌گذارد و سکونتگاهها نیز آثاری را بر طبیعت وارد می‌کنند. چنین ارتباط پیچیده‌ای، عاملی اساسی برای درک جنبه‌ها و موضوعات مختلف مرتبط به ساختمان‌ها، واحدهای همسایگی و مکانها محسوب می‌گردد (دیوید چپ من، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

در جهان امروز به مدد تکنولوژی و توسعه‌ی دانش و فناوری، اگرچه نقش آفرینی عوامل محیطی - اکولوژیک در مکانیابی و استقرار سکونتگاه‌ها مانند گذشته برجسته نمی‌باشد، اما نباید نقش و اثر عوامل طبیعی در آسایش و رفاه جوامع ساکن در سکونتگاه‌ها (اعم از شهری و روستائی) و نیز در تداوم حیات و بقاء آنها را از نظر دور داشت.

عوامل و تحولات فضایی موثر بر بافت و مسکن روستایی
مساکن روستایی اساساً به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزاء بافت فیزیکی روستایی محسوب می‌گردند. مساکن روستایی در واقع بیانگر میزان درآمدهای اقتصادی نیز می‌باشند و در واقع نمود یا تجلی فضایی فعالیتها محسوب می‌گردند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴).
سکونتگاه‌های روستایی بر اساس عواملی ممکن است دارای مساکن مجتمع یا متفرق باشند. عواملی که موجب این تفرق یا تجمع می‌شوند عوامل طبیعی و فرهنگی می‌باشند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲). سنن بومی و نژادی نیز ممکن است باعث تجمع و یا تفرق مساکن شود. برخی از گروهها به علت خصوصیات و علایق خویشاوندی ترجیح می‌دهند که در کنار یکدیگر زندگی نمایند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳).
دسترسی به خدمات و تسهیلات؛ نیز، امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تجمع و تفرق مساکن محسوب می‌شود. چراکه هرچه از مساکن از این منابع فاصله می‌گیرند، هزینه دسترسی به این خدمات بیشتر می‌شود. از اینرو حتی المقدور، افراد سعی دارند که درون بافت سکونتگاهی به ساخت مسکن بپردازند (همان، ۱۵۳).
مساکن روستایی در گذشته از منابع محیطی استفاده می‌نمودند. یکی از مهم‌ترین علل در این مورد را می‌توان، فاصله این روستاها از مراکز بزرگ که منابع ساخت مسکن را تامین می‌نمودند دانست. همچنین فقدان تکنولوژی حمل و نقل نیز در این مورد اثر داشته اس. بنابراین منابع محیطی نقش قابل توجهی در ساخت مسکن داشته‌اند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴).
از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار در این زمینه می‌توان به: ضرورت دفاع و حفظ امنیت، آداب و رسوم و سنن

نژادی و بومی، جدایی‌گزینی اجتماعی (قومی) - طایفه ای و فرهنگی)، دسترسی به خدمات و تسهیلات، شرایط طبیعی و انسانی - اجتماعی (روستاهاى گردآمده در اغلب نواحی ایران و پراکنده در شمال ایران) و غیره را نام برد. ضرورت دفاع تنها موضوع مقابله با دشمنان نیست، بلکه ممکن است دفاع در مقابل یک عامل طبیعی و یا کلاً در برابر خود طبیعت باشد از جمله آن تپه‌های مصنوعی دست که در نواحی هموار دشته‌ها به ساختن تپه‌های مصنوعی دست می‌زده‌اند (ودیدی، ۱۳۵۲، ص ۵۷).
امروز، همراه با گسترش دامنه روابط شهر و روستا و برقراری جریان‌های گوناگون، از جمله جریان افراد، نوآوری و اطلاعات، دگرگونی دامنه داری در سطح سکونتگاه‌های روستایی پدیدار شده است. از جمله این دگرگونی‌ها، تغییر شکل و فضا بندی خانه‌های روستایی و به تبع آن، تحول کارکردی آنهاست (سعیدی، ۱۳۹۰).
تغییر الگوهای رفتار اجتماعی و ورود فضای مجازی اینترنت و دیستوپیا، که به صورت الکترونیکی مکان‌های دور را به هم وصل می‌کنند، تأثیر جدیدی بر سکونتگاهها و از جمله روستاها گذاشته است، به گونه‌ای که در آینده، سازمان فضایی آنها را دستخوش تغییر و دگرگونی خواهد کرد. تغییراتی که در نحوه تفکر روستاییان به وجود آمده نیز به نوبه خود در تغییر فضای کالبدی مؤثر است. بخشی از این تحولات، لازمه پیشرفت، توسعه و تمدن است، اما برخی دیگر ارتباطی با نیازهای جامع روستایی ندارد. ارائه ما به ازای کالبدی مناسب از نیازها و رفتارهای اجتماعی، مستلزم شناخت جامعه و ویژگی‌های آن است (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، ص ۵۵).
بنابراین، شکل‌گیری بافت روستائی متأثر از عوامل و نیروهای متعدد بیرون و درون یک روستا می‌باشد. در گذشته بنا به نیازها و نقش‌های محدود روستا و زندگی روستائی، تعدد و تنوع در معماری، شکل و کارکرد مساکن، معابر و فضاهاى روستائی نیز محدود و از تنوع کمی برخوردار بود. با گسترش دامنه ارتباطات روستا - شهری و شکل‌گیری مناسبات جدید شهر و روستا و نقش آفرینی پیوندهای شهر و روستا در توسعه فضائی و منطقه ای، بالطبع فضاها و عناصر جدیدی در روستاها در پاسخگویی به نیازهای جدید زندگی و معیشت روستائی



در تائی و تاثیر پذیری از زندگی شهری و در راستای ایفای نقشها، ماموریتها و کارکردهای جدید سکونتگاههای روستائی یا در تکامل نقشهای سابق روستاها شکل گرفته و توسعه یافتند.

تحولات ساختاری- کارکردی

در خصوص تحولات ساختاری و کارکردی در سکونتگاههای روستائی و آنچه بدان پویش ساختاری- کارکردی اطلاق می‌گردد، می‌توان گفت: «از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده هر نظام، ساختار و کارکرد آن است. در نظامهای مکانی- فضایی که موضوع اصلی مطالعات جغرافیای نوین را تشکیل می‌دهد، انواع ساختارها (ساختار محیطی، ساختار اجتماعی، ساختار اقتصادی و غیره) و کارکردها (کارکرد محیطی، کارکرد اجتماعی، کارکرد اقتصادی و غیره) مطرح می‌شوند. بدین‌سان، رویکرد نظام‌وار در جغرافیا رویکردی است که ارتباط اجزای ساختاری و کارکردی پدیده‌ها را در ارتباط و همبستگی تنگاتنگ با هم مورد تاکید قرار می‌دهد (سعیدی، ۱۳۹۰).

همه پدیده‌های جغرافیایی اعم از طبیعی- اکولوژیک و یا اجتماعی- اقتصادی، حاوی خصلت قانونمندی‌های نظامها (سیستمها) هستند و از این رو، نظام‌وار عمل می‌کنند. بنابر این علم جغرافیا که بررسی و شناخت اینگونه پدیده‌ها تاکید دارد، در عمل نظامهای جغرافیایی یا به زبان بهتر، نظامهای فضائی را مورد بررسی دارد (سعیدی، ۱۳۹۰). هر نظام فضائی متشکل از مجموعه‌ای مرتبط از ساختارها و کارکردهای گوناگون است. از اینرو، نگارنده، جغرافیا را علم شناخت ساختاری- کارکردی نظامهای فضائی تعریف کرده است (سه‌چ).

علاوه بر این، پدیده‌های جغرافیایی ضمن اینکه تاثیرات و تاثرات متقابلی را بر یکدیگر دارند، از پیوستگی ساختاری- کارکردی مبتنی بر قانونمندی‌های فضائی برخوردار می‌باشند. «پیوستگی‌های ساختاری- کارکردی نظامهای فضایی، همانند تمام پدیده‌ها، قانونمند است. بر همین مبنا، پویش ساختاری- کارکردی بر اساس تعریف جغرافیا به عنوان

علمی که نظامهای فضایی را بررسی می‌کند، بر این بنیادها استوار است:

● چشم اندازها و پدیده‌های جغرافیایی به مثابه ی نظامهای مکانی- فضایی؛ و

● وظیفه شناخت ساختاری- کارکردی اینگونه نظامها. بدین ترتیب، پویش ساختاری- کارکردی بر قانونمندی هایی از جمله موارد زیر استوار است:

- بین بسترها عینی یک پدیده (ساختار آن) و فعالیت پذیری و تحقق روابط (کارکرد) آن پیوندی بی چون و چرا برقرار است؛

- بدون عنایت به ویژگی‌های ساختاری یک نظام مکانی- فضایی نمی‌توان انتظار هرگونه کارکردی دلخواه را داشت؛

- برای ایجاد دگرگونی مثبت (توسعه) در کلیت نظام مکانی- فضایی، اعم از شهر و روستا، تحول ساختاری- کارکردی الزامی است.

بر این اساس این مختصر، پویش ساختاری- کارکردی بر این باور است که اجزای پدیده‌ها مستقلاً از هم عمل نمی‌کنند. به عنوان مثال، نمی‌توان در بافت کالبدی یک سکونتگاه دخالت کرد و به دامنه کارکردی آن بی توجه بود. به همین ترتیب، نمی‌توان در یک سرزمین، انتظار برخورداری از شهرهای سالم داشت، بدون وجود روستاهایی توسعه یافته و بالعکس. یا نمی‌توان شاهد شکوفایی کشاورزی بود، بدون حضور فعال صنعت و خدمات (سعیدی، ۱۳۹۱).

در گذر تحولات و رخداد‌های پیش آمده (در تاریخ هر کشور) متأثر از نیروها و روندهای درونی و بیرونی حاکم بر عرصه‌های روستائی، روستاها دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی در بافت و کالبد فضایی خود شده‌اند و برای آنکه بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند، نیازمند همگامی و هماهنگ شدن با تحولات پیش‌آمده در دیگر عرصه‌های سکونتگاهی جامعه و به روز کردن شرایط زیست و معیشت خود و نیز محیط سکونتگاههای خود با تکنولوژی، شرایط اجتماعی- اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشند (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷).

به طور نمونه، شیوه‌ی زیست و معیشت روستائیان

عاملی تعیین‌کننده در ساخت و ساز مساکن، متناسب با فعالیت‌های جوامع روستایی می‌باشد که رفته‌رفته در گذر زمان، دچار تحولات ساختاری و کارکردی گردیده است.

وجود برخی از فضاها در خانه‌های روستائی، مرتبط با پیشه غالب می‌باشد، چنانچه غلبه کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری دهقانی) در روستاهای استان چهارمحال و بختیاری نیز موجد عناصری کالبدی یا فضایی جهت انبار غله، علوفه و خشک‌کردن محصولات باغی و غیره شده است (غفاری و همکاران، ۱۳۸۷).

همچنین انتخاب و به‌کارگیری مصالح همساز با اقلیم نواحی و شکل‌دهنده‌ی معماری سازگار با اقلیم و شکل‌یافتن سازه‌های روستایی متشکل از مصالح گردآوری شده در دسترس و بومی، از تحولات عمده‌ی موجد بافت روستائی در گذشته بوده است که جایگزینی آن با مصالح مقاوم‌تر و بادوام‌تر در سال‌های اخیر، تحول ساختاری جدید و شکل‌دهنده‌ی مجموعه تحولات کارکردی نوین در سکونتگاه‌های روستائی ایران محسوب می‌گردد.

به هر حال، محیط جغرافیایی، عامل تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و نوع مصالح مصرفی به شمار می‌رود (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، ص ۴۹). نوع، جنس و رنگ مصالح نیز متناسب با محیط جغرافیایی و در تناسب و هماهنگی با آن به‌کار می‌رود. در گذشته، معماری روستایی مبتنی بر باورهای قناعت‌گرایانه در کاربرد انرژی، مصالح ساختمانی، همسازی با محیط و بازیافت مصالح بود و برخلاف امروز، نیازی به ناسازگاری مصالح و معماری با محیط برای شاخص شدن نبود. روستاها برای اینکه بتوانند به زیست و حیات خود ادامه دهند، نیازمند ایجاد تغییر و تحول در بدنه، کالبد و به ویژه کارکرد خود می‌باشند و از این رهگذر است که می‌توان به توسعه در کشور، نظر داشت و با این هدف روستاییان را به ادامه سکونت و زندگی در روستاها، ترغیب و از مهاجرت و جذب آنان به کانونهای جمعیتی دیگر جلوگیری کرد (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

همچنین در بررسی تحولات ساختاری- کارکردی در سکونتگاه‌های روستایی، همانگونه که قبلا نیز بدان پرداخته شد، عوامل و نیروهای درونزا و برونزای متعدی

موثر می‌باشند که در نحوه‌ی ساخت مساکن نیز این نیروها مشهود می‌باشند. از جمله می‌توان به بهره‌گیری و استفاده از مصالح طبیعی و در دسترس در محیط اشاره کرد که در اغلب نواحی روستایی ایران قابل مشاهده می‌باشند و علاوه بر آن، همسازی این مصالح در شکلهای به معماری همساز با اقلیم نیز قابل بررسی می‌باشد. در گذشته وجود مصالح بومی و در دسترس یک عامل درونزا بوده است و در زمان حاضر نیز ورود مصالح جدید و بادوام علاوه بر اینکه یک عامل برونزای باشد در عین حال خود یک تحول ساختاری در ساخت مساکن محسوب می‌گردد. این تحول ساختاری نیز در نوع خود سبب توسعه‌ی توأم با تحول کارکردی بافت روستائی می‌گردد.

تحول در مناسبات شهر و روستا و پیچیده‌تر شدن نظام ارتباطات و مناسبات روستا شهری به عنوان وجه دیگری از تحولات ساختاری، زمینه‌ساز تحولات کارکردی فراوانی در سکونتگاه‌های روستایی در جمیع ابعاد (محیطی- اکولوژیک، اقتصادی- معیشتی، اجتماعی- فرهنگی و فیزیکی- کالبدی) گردیده است. بنابر آنچه بیان گردید، امرزوه پرداختن به تحولات ساختاری- کارکردی سکونتگاه‌های روستایی (تحولات فضایی) در ابعاد گوناگون آن، که بخش از آن نیز تحول در بافت سکونتگاه‌های روستایی می‌باشد، بدون لحاظ داشتن و اساس قرار دادن رویکرد ساختاری- کارکردی امکانپذیر نمی‌باشد و در این پژوهش نیز، مبنای کار همین رویکرد نظری می‌باشد.

بنابراین عوامل متعددی از جمله موارد بالا در مقاطع زمانی مختلف بر فشرده‌گی یا گسترده‌گی سکونتگاه‌های روستایی موثر می‌باشند که در نواحی مختلف و بر اساس عوامل طبیعی و انسانی متفاوت و متنوع می‌باشد. با توجه به تحولات ساختاری- کارکردی عصر حاضر و در راستای کاهش آسیب‌پذیری بافت سکونتگاه‌های روستائی از اثرات منفی الگوپذیری از معماری و ساخت و سازهای جدید و نیز درهم‌آمیختگی توأم با گسست تاریخی و فرهنگی ناشی از اثرات منفی از تحولات ساختاری- کارکردی در زمینه‌ی کالبدی- فیزیکی، لازم است تا در ادامه به بررسی عوامل شکل‌دهنده به یک



فضای مطلوب سکونتگاهی و پایداری یک سکونتگاه در ابعاد مختلف آن (محیطی - اکولوژیک، اقتصادی - معیشتی، اجتماعی - فرهنگی و فیزیکی - کالبدی) اشاره گردد.

عوامل اجتماعی - فرهنگی

لزوم احیاء ارزشهای گذشته در ساخت مسکن و معماری با عنایت به نزول ارزشهای گذشته در عرصه‌های روستایی که در اثر دستیابی به مادیات موجبات بروز ناهنجاری‌ها و کج‌سلیقگی‌ها را توأم با ایجاد اثراتی چون حرکات نسنجیده، تزئینات مبتذل منزل، معماری بی‌قواره و آشفتگی رفتارها می‌گردد.

● توسعه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق بسط و گسترش نشریات، رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی و غیره؛
● بازگشت به فرهنگ قناعت و دوری از اسراف و تبذیر؛
● تقویت و توسعه نظام آموزشی و ارتباط آن با ضعف‌های اجتماعی؛

● تقویت روابط و مناسبات اجتماعی.

در بعد اقتصادی کالبد و بافت روستا باید بتواند به ایجاد این شرایط کمک‌کننده این شرایط در اثر تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی روستایی تداوم بقاء و پایداری روستایی را در قالب سکونتگاه مطلوب ایجاد نماید.

● تخصصی شدن فعالیت‌ها
● صرفه‌جویی‌های ناشی از استفاده مشترک از زیرساخت‌های عمومی
● انتقال آسان و سریع اطلاعات و امکان به‌کارگیری فناوری‌های جدید

دچار نابودی و ناپایداری گردند.

فرانسیس تیبالدز، معیارهای طراحی شهری «خوب» برای احیای توسعه پایدار در شهرها را به شرح زیر ارائه کرد

● مکان‌ها پیش از ساختمان‌ها در نظر گرفته شوند؛
● از گذشته درس گرفت و به بافتهای موجود احترام گذاشت؛

● از کاربری‌های مختلط در شهرها استفاده شود؛
● مقیاس انسانی در طرح رعایت شود؛
● آسایش پیاده‌ها تأمین شود؛
● همه‌گروه‌های جامع مورد مشورت قرار گیرند؛
● خوانایی محیط در نظر گرفته شود؛
● محیط‌ها به شکلی انعطاف‌پذیر پیش‌بینی و طراحی شوند؛

● رشد و تغییرات محیط‌های شهری به مثابه فزاینده تدریجی در نظر گرفته شود؛
● در ارتقای پیچیدگی، شادی‌بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری محیط تلاش شود.

هاتن و هانتز نیز بر اساس اصول توسعه پایدار، تنوع، تمرکز، مردم‌سالاری، نفوذ پذیری، امنیت، مقیاس مناسب، طراحی ارگانیک، اقتصاد و ابزارهای مناسب آن، روابط خلاقانه، انعطاف‌پذیری، مشورت و مشارکت دادن استفاده‌کنندگان در طرح‌ها را برای شهر پایدار الزامی می‌دانستند. پون بسیاری از کارکردهای روستا در ارتباط با محیط زیست است، امروزه در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های روستایی، توجه به توسعه پایدار روستایی الزامی است (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، صص ۹۷-۹۶).

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

وضعیت مسکن در منطقه مورد مطالعه

شایان ذکر است که در گذشته، در دشت خانمیرزا نیز مانند سایر نقاط کشور از مصالح موجود در منطقه و در دسترس استفاده می‌شده است. که از جمله آنها می‌توان به خشت و سنگ و در سقف خانه‌ها از تیرهای چوبی و شاخ و برگ درختان استفاده می‌شده است. استفاده از مصالح بومی برای شکل‌دهی به محیط و ساخت سرپناه، نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده طبیعت در شکل‌گیری و شکل

عوامل محیطی - اکولوژیک

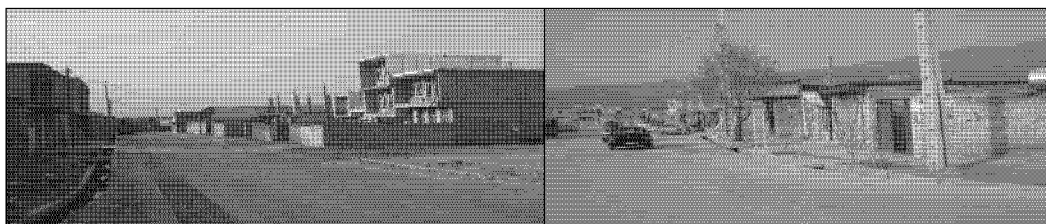
از آنجاکه روستاها عرصه‌هایی متکی و متأثر از طبیعت می‌باشند، تقویت پیوند روستا با طبیعت در راستای توسعه پایدار و پایداری محیطی از اهمیت خاصی برخوردار است. بهره‌برداری از منابع طبیعی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی باید ضمن اینکه پایداری محیط را تضمین می‌نماید، تداوم بهره‌برداری را تضمین‌کند تا در اثر این تعامل در سویه انسان و محیط نه منابع محیطی در اثر مهاجرت بلااستفاده بمانند و نه

دهی به بافت مسکونی و ایجاد هویت کالبدی روستاهاست. کاربرد مصالح بومی در معماری روستایی، حاکی از هماهنگی و همساز بودن تحولات ساختاری-کارکردی با جغرافیای محل و استفاده از امکانات طبیعی آن است. در نحوه‌ی شکل‌گیری شبکه معابر روستایی در روستای جوانمردی نیز، در گذشته به دلیل کمبود وسایل نقلیه موتوری و کمی عبور و مرور، روستا دارای یک خیابان اصلی با عرض کم و چندین کوچه و معابر فرعی بوده است. عبور و مرور مردم و احشام آنها از طریق این معابر صورت می‌گرفته است و در ناحیه جنوبی و غربی روستا نیز مزارع روستا واقع شده بوده‌اند. در سالهای پس از انقلاب به صورت خودجوش در بافت جدید روستا، معابر عریض‌تر از گذشته ایجاد شدند. در ساخت مسکن نیز از مصالح جدید، بادوام و نیز متناسب با اصول مهندسی ساختمان استفاده می‌شود. از جمله این مصالح می‌توان به آجر، سیمان، تیرآهن، استفاده از اسکلت بتونی با میلگرد و بتون، استفاده از قیروگونی و پوشش‌های سقفی ایزوگام و سایر عایق‌های رطوبتی مرغوب می‌توان اشاره کرد. در روند توسعه فیزیکی این روستا به دلیل افزایش جمعیت، بدون نظارت دولت، ساخت و سازها در جهات شرق و جنوب روستا انجام گردید و نیز بافت قدیم روستا نیز به صورت جدید و با معماری جدید در ناحیه غربی روستا بازسازی شد و به طور کلی تغییرات اساسی در بافت و مسکن روستا شکل گرفت. در سالهای دهه ۷۰، به دنبال اجرای طرح‌های روستایی توسط بنیاد مسکن شهرستان لردگان در روستا، توسعه فیزیکی روستا تا حدودی کنترل گردید و شبکه معابر اصلی روستا، اصلاح و بهسازی گردیدند.

روستای باغبه‌زاد نیز به عنوان یکی از روستاهای پرجمعیت و با سابقه تاریخی بیش از ۱۵۰ سال در منطقه

شناخته می‌شود. این روستا در جنوب شرقی دهستان جوانمردی در دشت خانمیرزا واقع شده است در بررسی وضعیت این روستا نیز باید افزود که این روستا به طور کامل در دشت واقع شده است. هسته اولیه روستا به تبع شبکه آب‌قنات روستای باغبه‌زاد و در ناحیه مرکزی روستا شکل گرفته است و توسعه فیزیکی روستا در طی زمان به صورت شعاعی صورت گرفته است. این روستا به دلیل اینکه محدودیت توسعه فیزیکی ندارد مسکن آن به صورت گسترده ولی پیوسته توسعه و بسط یافته‌اند. بالا بودن نرخ رشد جمعیت در سالهای بعد از انقلاب در روستاهای کشور و نیز بخش خانمیرزا و به ویژه این روستا که به حدود ۳/۵ درصد نیز رسیده بود، سبب توسعه سریع روستا از جهات فیزیکی گردید. همانند روستای جوانمردی مصالح و مواد اولیه ساخت مسکن از مصالح کم دوام و طبیعی به مصالح مقاوم‌تر و جدید تغییر یافته‌اند. به دنبال تغییرات و تحولات سریع شکل گرفته در عرصه سکونتگاه‌های روستایی کشور، این روستا نیز از این تغییرات برکنار نمانده است و شاهد تحولات عظیمی در بافت و مسکن آن همگان و همراه با سایر نقاط کشور بوده‌ایم. در این روستا نیز در دهه ۷۰، طرح‌های روستایی توسط جهادسازندگی به اجرا درآمده است. در شکل ۲، نمونه‌هایی از این تحولات را پس از اجرای طرح‌های روستایی به ترتیب در روستاهای جوانمردی و باغبه‌زاد ملاحظه می‌نماییم.

در نحوه ساخت و ایجاد مسکن روستایی نیز به عنوان یکی از عناصر بافت روستایی، تغییرات متعددی شکل گرفته است، که می‌توان به دگرگونی در استفاده از مصالح ساده و در دسترس از طبیعت در نواحی گوناگون روستایی به استفاده از مصالح مدرن، مقاوم، مهندسی و استاندارد در سالهای اخیر و تنوع و تکثر در بهره‌گیری از مصالح نوین



شکل ۲. تحولات فضایی متأثر از اجرای طرح‌های؛ ماخذ: عکسبرداری نگارندگان.

ساختمانی، تنوع در پلان و نقشه مساکن، حذف و یا تغییر برخی فضاهای سنتی (انبار، کاهدان، صندوقخانه، مطبخ و غیره) به عناصر جدید چون (آشپزخانه، اتاق‌های پذیرایی، نشیمن، خواب اصطبل، انبارهای علوفه و پارکینگ) اشاره کرد. همچنین تغییر در سایر عناصر بافت روستایی متناسب با شرایط زمان حاضر و نیازهای جدید و از جمله تحولات شبکه معابر روستایی و بعضاً اضافه شدن فضاهای سبز، عمومی و بازاری می‌توان از دیگر اثرات فضایی مترتب بر تحولات فضایی یاد شده دانست. بدیهی است، شکل‌گیری و بروز نیازهای جدید در اثر تحولات ساختاری-کارکردی و فضایی یاد شده می‌باشد که در نهایت، گذار بسیاری از روستاهای کشور را از شکل و سیمای سنتی به شکل پیچیده، مدرن و امروزی سبب گردیده است.

ب) یافته‌های تحلیلی

در ادامه مهم‌ترین عوامل و تحولات فضایی موثر بر بافت و مسکن روستایی به صورت مجزا بررسی می‌شوند.

الف) عوامل اقتصادی

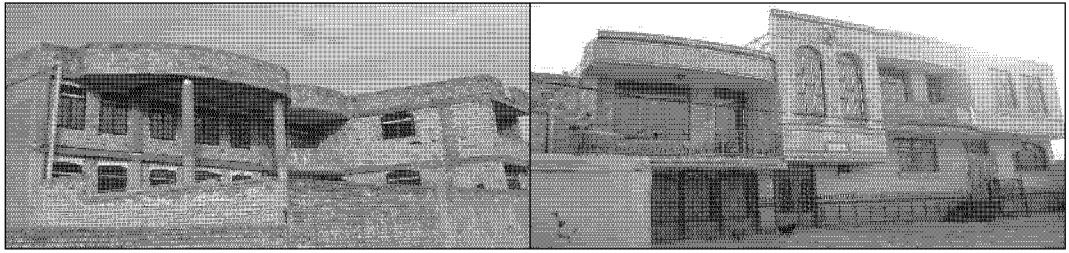
در ابتدا لازم است که تعریفی از اقتصاد روستائی در راستای تبیین بیشتر این بخش ارائه گردد. اقتصاد روستایی هر فعالیتی است که در محیط روستا، به منظور تأمین رفاه و گذران زندگی روستاییان به وقوع بپیوندد، تمام و یا قسمتی از اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد (مهدوی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹).

در شیوه‌های ساخت مساکن نیز، نوع و شیوه‌ی معیشت روستائیان در ساختمساکن و در نهایت در شکل‌گیری بافت روستاها عاملی تعیین‌کننده است. در پژوهش‌های مشابه در نواحی دیگر کشور و نیز در استان چهارمحال و بختیاری که پژوهش حاضر نیز در آن استان به انجام رسیده است، نیز چنانچه قبلاً اشاره گردید، این موضوع به اثبات رسده است. در طی سالهای اخیر، تحولات عظیمی در شیوه معیشت و اقتصاد روستاهای ایران به دنبال تحولات ایجاد شده در اقتصاد جهانی و نیز ایران رخ داده است. عدم تکافوی فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری و درآمدهای حاصل از آن، علیرغم رشد سطح زیرکشت در روستاها و نیز رشد بخش خدمات در راستای

شکل‌گیری نیازهای جدید در روستاها، توسعه فعالیت‌های صنعتی و عمرانی در کشور و نیاز به نیروی کار و به تبع آن مهاجرت روستاییان به شهرها و نواحی صنعتی جهت کار و غیره، از جمله مهم‌ترین تحولات اقتصادی شکل گرفته در روستاهای ایران است.

حال با توجه به تحولاتی که در اقتصاد روستایی متأثر از شرایط اقتصادی کشور شکل گرفته است، نیاز به فضاهای جدید فعالیت و کسب و کار (از جمله تعمیرگاه، کارگاه‌ها، غیره)، فضاها و عرصه‌های جدید خدماتی (پست، مخابرات، بانک، درمانگاه و غیره) احساس گردید و حذف پاره‌ای فضاها در منازل و مساکن و جایگزینی فضاهای جدید به دنبال داشته است. حذف کاهدان و طویله، مطبخ، انباری و غیره) و شکل‌گیری برخی فضاها در برخی مساکن متناسب با نوع فعالیت و معیشت خانوارها از جمله اصطبل، انبار علوفه، پارکینگ و آشپزخانه که دو مورد اخیر در اکثر مساکن جدید موجود هستند.

در سالهای اخیر، فرایند رشد شهرنشینی و توسعه تعاملات، پیوندها و ارتباطات روستا شهری در تحول روستاها و اثرپذیر متقابل شهر و روستا از یکدیگر موثر بوده است. اگر در گذشته صحبت از روابط شهر و روستا می‌شده امروزه، پیوندهای روستا-شهری در یک فضای سرزمینی و در یک تعامل منطقه‌ای، بروز و ظهور سیمای متفاوتی از سکونت و فعالیت انسانی را ایجاد کرده است. بنابراین می‌توان گفت که علاوه بر تنوع نیازها و شکل‌گیری فضاهای جدید که گوناگونی مساکن روستایی را به دنبال داشته است، تبدلات و تعاملات روستاشهری، آشنایی با فرهنگ غربی در روستاها و شهرهای کشور پس از انقلاب مشروطه، آشنایی روستائیان با مظاهر زندگی شهری، تجملات زندگی شهری، گسترش و اثرگذاری سازوکارهای سازمانی شهر در روستا، توسعه و فراگیر شدن شبکه‌های ارتباطی، وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون)، توسعه آموزش عالی و آموزش و پرورش، جریان‌ات مالی و پولی همه در تحول اقتصادی و اثرپذیر اقتصاد روستایی از شهر مؤثر بوده‌اند و در شکل‌گیری وضعیتی که امروزه در روستاهای ایران ایجاد شده است را به دنبال داشته است. روستاهای جوانمردی و باغبه‌زاد نیز به همین دلایل و نیز دلایلی دیگر از جمله اقدامات



شکل ۳. الگوپذیری مسکن روستائی از معماری شهری

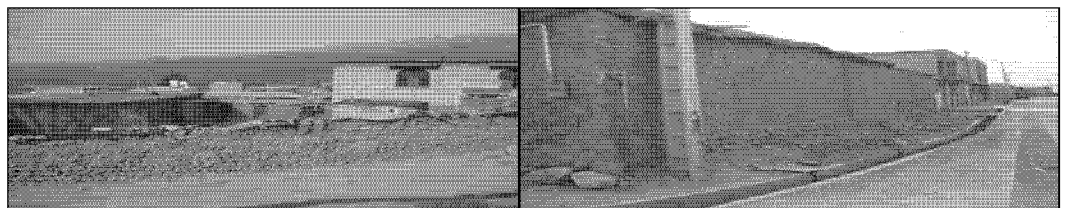
سویه که از آن با عنوان پیوندهای روستا- شهری یاد می‌شود، ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی روستاها نیز متحول گردیده‌اند و به دنبال آن بافت و مسکن روستایی نیز از این عوامل متأثر شده‌اند. افزایش ارتباط بین شهرها و روستاها و الگوبرداری از زندگی شهری، در دهه‌های اخیر، باعث تغییر ساختار خانواده از گسترده به هسته‌ای و دگرذیسی فضاهای مسکونی روستایی شده است و بسیاری از خانواده‌ها به جایگزین کردن الگوهای مسکن شهری به جای خانه‌های موجود روی آورده‌اند. در شکل ۳، به ترتیب الگوپذیری مسکن روستائی از معماری شهری به ترتیب در روستاهای باغبه‌زاد و جوانمردی نمایش داده شده است.

دولتی در روستاها از جمله فعالیتهای عمرانی مانند انجام طرح‌های هادی توسط طرح‌های توسط بنیاد مسکن در جوانمردی و توسط جهاد سازندگی در روستای باغبه‌زاد، دچار تحولات فضایی شده‌اند. بدیهی است، انجام طرح‌های هادی نیز با اهداف گوناگونی صورت می‌گیرد که تحولات ساختاری- کارکردی که در بالا به آنها اشاره شد در ضرورت انجام و اجرای این طرح‌ها موثر بوده و نیز انجام و اجرای این طرح‌ها نیز خود تحول در بافت روستا (شبکه معابر و نیز اثرپذیری ساخت و ساز مسکن روستایی) از انجام آنها را در پی داشته است.

ب) عوامل اجتماعی- فرهنگی

همانگونه که در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر فرایند تحول بافت روستایی ذکر شد، بیش از پیش از همه عوامل اجتماعی اثرگذار و یا به عبارت بهتر زمینه‌ساز تحول اجتماعی روستایی می‌توان به نظام روابط و پیوندهای شهری و روستایی اشاره کرد. که در نهایت زمینه تأثیرپذیری بافت و مسکن روستایی را از بافت، فرم مسکن و ویژگیهای معماری و ساخت شهر و اصول شهرسازی فراهم می‌سازد. در گذشته کم بودن روابط شهر و روستا، سبب انزوای جوامع و محیطهای روستایی از ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی شهرها می‌شده است، اما در زمان حاضر به دنبال گسترش این ارتباطات دو

روستاهای باغبه‌زاد و جوانمردی نیز به دنبال تغییرات فرهنگی ایجاد شده، به شکل بسیار سریع از مظاهر فرهنگی و اجتماعی جدید متأثر گردیده‌اند. در این میان کثرت رفت و آمد به شهر، الگوبرداری از زندگی شهری، افزایش استفاده از رسانه‌های جمعی، اینترنت و غیره در تغییرات اجتماعی و فرهنگی نقش مهمتری داشته‌اند و به سبب این تغییرات تنوع مسکن از حیث نوع معماری، نقشه، تنوع فضاها و نیز تغییرات در فرم کالبدی روستا و سایر عناصر موجود در بافت روستا را شاهد هستیم. در تصویر شماره یک بخشی از تحولات ساختاری- کارکردی



شکل ۴. قرار گرفتن بافت و معماری سنتی و مدرن در کنار هم در روستاهای باغبه‌زاد و جوانمردی؛ ماخذ: عکسبرداری نگارندگان.

فضاهای روستائی در روستاهای جوانمردی و باغبهزاد مشاهده می‌گردد. در شکل ۴، تحولات ساختاری-کارکردی بافت روستائی و تضاد دو گونه معماری و بافت مدرن و سنتی را در کنارهم به ترتیب در روستای باغبهزاد و جوانمردی نمایش داده شده است.

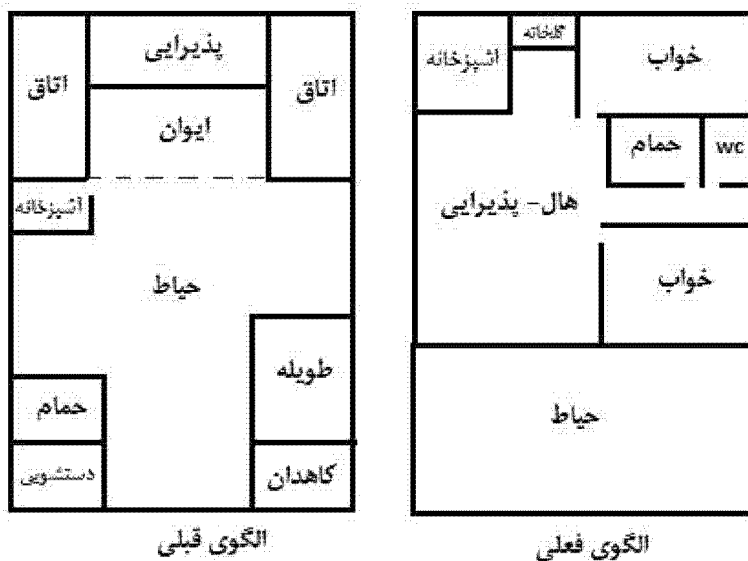
عوامل محیطی- اکولوژیک

بنابر آنچه ذکر شد، از جمله مهم‌ترین عوامل موثر بر ساخت مسکن و تغییر در بافت روستاها، محیط و عوامل اکولوژیک (طبیعت) ناحیه‌ای است که روستا در آن واقع شده است. تغییر و تحولات محیطی از جمله تغییر شرایط اقلیمی، توپوگرافی و ژئومورفولوژیک، نوسان در میزان منابع آب، فرسایش خاک و غیره، در نحوه بهره‌برداری از طبیعت و معیشت روستائی و زندگی جوامع روستائی موثر است. در ناحیه مورد مطالعه و روستاهای جوانمردی و باغبهزاد نیز این مسأله حائز اهمیت و مشهود است. شیوه ساخت مسکن و تغییرات در بافت روستائی و عناصر این بافت نیز تأثیرپذیری خاصی از شرایط محیطی است. چنانچه روستای باغبهزاد یک روستای گردآمده و با بافت شطرنجی و متمرکز و روستای جوانمردی دارای بافت گردآمده، متمرکز و در بخش کوهستانی دارای بافت مستقر بر

دامنه‌ها می‌باشد. روستای جوانمردی از تنوع بافت بیشتری به لحاظ استقراری برخوردار می‌باشد. در دهه‌های گذشته، تعدد مسکن خالی از سکنه در بافت سنتی روستا، بیشتر بوده است، اما در سالهای دهه ۱۳۸۰ به بعد، به دلیل کمبود زمین مسکونی و محدودیت توسعه فیزیکی در محدوده روستای جوانمردی، مسکن بافت قدیمی روستا در ضلع غربی روستا تخریب و به جای آنها، مسکن با معماری و ساخت جدید و به عنوان یک نمود بارز و عینی از تحولات ساختاری- کارکردی سکونتگاههای روستائی، ایجاد گردیده است. این وضعیت در بخش مرکزی روستای باغبهزاد قابل مشاهده است (شکل شماره ۴).

تحولات الگوی ساخت مسکن در سال‌های اخیر

در اثر تحولات ناشی از توسعه مناسبات و روابط شهر و روستا و در پی الگوپذیری جوامع روستائی ساکن در سکونتگاههای روستائی و از جمله در ناحیه مورد مطالعه، شیوه‌ها و الگوهای ساخت مسکن نیز تغییرات چشمگیری داشته است. علاوه بر تغییر و تحولات صورت گرفته در فضاهای روستائی، شیوه‌های ساخت مسکن روستائی نیز تحول یافته‌اند و معماری داخلی و خارجی بناهای روستائی نیز در یک تنوع ساختاری- کارکردی



شکل ۵. نمونه‌ای از تحولات الگوی ساخت مسکن در منطقه مورد مطالعه در دهه‌های اخیر؛ ماخذ: نگارندگان.

(صوری و محتوایی) نسبت به گذشته ظهور یافته‌اند. مسکن جدید توجه به تحولات در تکنولوژی ساخت مسکن، تغییر در سطح زیرکشت برخی محصولات و افزایش میزان درآمد روستائیان در اثر این عامل و یا تنوع یافتن درآمدهای روستائیان به دلیل اشتغال آنان در مشاغل پردرآمدتر در روستا و یا خارج از آن و ورود منابع سرمایه‌ای جدید به روستاها، ورود کارکردهای جدید در بافت روستائی، اشکال و ساختار متفاوتی یافته‌اند. بنابراین، مسکن روستائی می‌تواند نمایانگر تجلی فضایی درآمدهای اقتصادی و طبقات و گروه‌های موجود در جامعه روستائی محسوب گردد. این موارد در ناحیه‌ی مورد مطالعه به وضوح قابل بررسی و مشاهده می‌باشند در بخش عوامل موثر بر فشردگی یا گسترده‌گی مسکن روستائی نیز به این موارد اشاره گردید. در شکل ۵، نمونه‌ای از تحولات الگوی ساخت مسکن در منطقه مورد مطالعه در دهه‌های اخیر، نمایش داده شده است. چنانچه در شکل بالا ملاحظه می‌گردد، در الگوی قبلی، عناصری در ساخت مسکن روستائی با کارکردهای معیشتی (طویله، کاهدان) وجود داشته است که با تحول در شیوه‌های سکونت و معیشت جوامع روستائی، این الگوها در مسکن امروزی حذف گردیده و یا متحول گردیده‌اند. در برخی موارد انبار برای نگهداری و سائل مورد استفاده در کشاورزی، باغداری و دامداری، مطبخ به عنوان محلی جهت پخت نان و غیره وجود داشته است که در ناحیه مورد مطالعه این عناصر از ساختار مسکن حذف گردیده و به تبع آن کارکرد مسکن نیز تغییر یافته است که به دلیل اینکه در زمان نگارش این پژوهش، این عناصر در مسکن جدید کمتر مشهود بوده‌اند در شکل بالا حذف گردیده‌اند. در الگوی فعلی نیز، ساخت مسکن از الگوی حذف ردیفی و کنار هم بودن اتاق‌ها و سایر عناصر، به شکل تودرتو و با وجود عناصری جدید از جمله گلخانه، راهرو، پارکینگ و غیره تحول یافته است. به طور کلی، تحولات اقتصادی - اجتماعی در شیوه‌های ساخت مسکن روستائی به ویژه در ناحیه مورد مطالعه بسیار موثر بوده‌اند.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات
چنانچه گذشت، روستاهای ایران در طی سالهای اخیر و

به ویژه پس از انقلاب اسلامی به صور گوناگون دستخوش تغییر و تحولات عدیده‌ای گردیده‌اند. این تغییر و تحولات که تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محیطی - اکولوژیکی را شامل می‌شوند، جنبه‌های گوناگون حیات روستاها را مورد تغییر و تحول قرار می‌دهند که از مهم‌ترین آنها بافت روستاها می‌باشد. این بافت در اثر اقدامات خود روستائیان از یکسو و اقدامات عمرانی و توسعه‌ای دولت از سوی دیگر دچار تغییر و تحول می‌گردد. در جهت رسیدن به توسعه پایدار روستائی به عنوان شاه کلید و هدف غایی توسعه روستائی، لازم است تا با شناخت صحیح از زندگی روستائی و محیط روستا به برنامه‌ریزی صحیح برای روستا و روستائیان پرداخت و در نهایت، سکونتگاه مطلوب روستائی را که آرمان توسعه روستائی است، شکل داد. سکونتگاه مطلوب روستائی به نظر نگارندگان فضایی است که در آن توسعه متوازن و یکپارچه روستائی از طریق فرایند ارتقاء مستمر جنبه‌های گوناگون فضایی روستائی (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فیزیکی و محیطی اکولوژیکی)، زمینه بهره‌برداری مطلوب و بهینه از منابع طبیعی را فراهم نماید و ضمن ایجاد پایداری محیطی، تداوم استقرار و حیات روستا و روستائی را توأم با رفاه و آسایش ساکنین و حفاظت و صیانت از محیط زیست را تضمین نماید.

به دلیل کمبود منابع درآمدی در روستاهای ایران و نیز وجود مشکل بیکاری، علیرغم افزایش کیفیت مصالح مورد استفاده در ساخت مسکن روستائی، هنوز شاهد ساخت و ساز مسکن با استحکام کم و معماری نامناسب هستیم. در روستاهای جوانمردی و باغبه‌زاد نیز به دلیل نظام خرده مالکی در نظام بهره‌برداری از اراضی و کمبود تولید روستائی، شاهد مهاجرت نیروی کار و تبدیل روستا با سرزندگی و پویایی خاص خود به سکونتگاه خوابگاهی هستیم. کمبود فضای لازم برای توسعه فیزیکی، خصوصاً در روستای جوانمردی، محدود شدن توسعه فیزیکی روستا را به دنبال داشته است. از سمت مغرب وجود تپه‌ها، محدود شدن جنوب روستا به اراضی کشاورزی، شرق روستا به اراضی کشاورزی و نیز شمال روستا به اراضی کشاورزی روستای مجاور (حسن هندو) و



نیز انحصار مالکیت زمین‌های با قابلیت مسکونی در دست افراد محدود از مشکلات آینده در تحول فضایی روستای جوانمردی است. ساخت و ساز در بافت قدیم روستا نیز به پایان رسیده است و بناهای قدیمی این بافت نیز به مسکن مدرن و جدید تغییر شکل داده‌اند. در روستای باغبه‌زاد نیز کمبود زمین برای ساخت و ساز به دلیل عدم امکان تغییر کاربری اراضی و یا مشکل بودن آن توسعه فیزیکی-کالبدی و تحول بافت روستا، این روستا را در آینده با مشکلات فراوانی روبرو می‌سازد. تبدیل باغات و مزارع درون بافت روستا و حواشی مسکن نیز به مرحله نهایی خود رسیده است. در حال حاضر یکی از عوامل تسریع روند ساخت و ساز در روستای باغبه‌زاد، نزدیک شدن مسکن روستا به جاده کمربندی خانمیرزا به دلیل وجود فضایی حاصل از وجود زمین‌های کشاورزی (اراضی کشاورزی ضلع شمال و شمالغرب روستا) و محدودیت زمین در جهات دیگر روستا می‌باشد. از دیگر عوامل محدودکننده توسعه فیزیکی روستای باغبه‌زاد می‌توان به قرار داشتن سه خط لوله سراسری گازکشور در ضلع شرقی روستا می‌باشد که با توجه به بالا بودن جمعیت جوان روستا، ضمن اینکه پیش‌بینی می‌گردد که آینده کشاورزی و تولید روستائی در این روستا روبرو نابدی می‌باشد، محدودیت زمین جهت ساخت و ساز مشهود می‌باشد که در نهایت تحولاتی نظیر ساخت و ساز مسکن با مساحت کم در ساختمان‌های یک طبقه و ویلائی، شکل‌گیری روند تراکم‌سازی، توسعه عمودی و دگرگونی در بافت روستائی به وقوع خواهد پیوست که طبیعه رخ دادن این تحولات از اکنون آغاز گردیده و در دهه آینده تسریع خواهد گردید. گفتنی است که این تحولات ساختاری-کارکردی فضاها و مسکن روستائی، متاثر از تحولات اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی در کنار تحولات جمعیتی، افزایش نفوس و نیازهای فزاینده جمعیت به ساخت مسکن و ایجاد فضاهای جدید، در روستای جوانمردی و دیگر روستاهای بخش خانمیرزا نیز قابل ملاحظه می‌باشد. چنانچه می‌بینیم در طراحی و توسعه بافتهای روستائی نیز بسیاری از معیارهای یادشده در بخش مبانی نظری این پژوهش قابل به‌کارگیری هستند. نظر به اینکه امروزه در طراحی و توسعه بافت روستائی، از

اصول و معیارهای شهرسازی در سطح روستا نیز بهره گرفته می‌شود. توجه به جمیع الزامات و معیارهای از پیش برشمرده، ضروری می‌باشد. ضمن آنکه لازم است به ویژگی‌های سکونتگاه مطلوب که پیشتر به آن پرداخته شد، نیز توجهی خاص مبذول گردد.

البته باید به موارد فوق امکان مشارکت مردم، طراحی ارگانیک و مبتنی بر ارزشهای محیطی و طبیعی، اقتصاد و ابزارهای متناسب با آن و در نهایت کمک به توسعه روستائی پایدار در راستای ایجاد سکونتگاه روستائی پایدار و متناسب با شأن، منزلت و تعالی انسان را در نظر داشت.

منابع و مأخذ

۱. باستیه، ژان؛ درز، برنارد (۱۳۷۷) شهر، ترجمه: علی اشرفی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
۲. چپ من، دیوید (۱۳۸۴) آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت، ترجمه: شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳. زرگر، اکبر (۱۳۸۷) بافت روستائی، دانشنامه مدیریت شهری و روستائی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۴. زرگر، اکبر (۱۳۸۵) درآمدی بر شناخت معماری روستائی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۵. سرتیبی پور، محسن (۱۳۸۸) آسیب‌شناسی معماری روستائی: به سوی سکونتگاه مطلوب. چاپ اول، انتشارات شهیدی، تهران.
۶. سعیدی، عباس (۱۳۷۷) مبانی جغرافیای روستائی. چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۷. سعیدی، عباس (۱۳۹۰) پویای ساختاری-کارکردی: رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی-فضایی در جغرافیا، در جغرافیا: نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان. صص ۱۶-۸.
۸. سعیدی، عباس و احمدی، منیژه (۱۳۹۰) شهرگی و دگردیسی ساختاری-کارکردی خانه‌های روستائی، مورد: روستاهای پیرامون شهر زنجان، در جغرافیا: فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران،

- شماره ۳۱، زمستان. صص ۳۲-۷.
۹. سعیدی، عباس (۱۳۹۱) «پویش ساختاری-کارکردی، رویکردی بی بدیل در برنامه ریزی فضائی»، در فصلنامه اقتصاد فضا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، شماره ۱، تابستان، صص ۱۵-۱.
۱۰. شاریه، ژان برنار (۱۳۷۳) «شهرها و روستاها»، ترجمه: دکتر سیروس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد.
۱۱. شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۷۷) «تحولات کالبدی-فضایی روستاهای پیرامون کلانشهر تهران با تاکید بر تغییرات کاربری اراضی کشاورزی»، (۸۲-۱۳۵۸). رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی. دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۲. شمس الدینی، علی (۱۳۸۷) جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی فضایی روستاها از محیط‌های شهری، در فصلنامه مسکن و انقلاب. شماره ۱۲۴، سال بیست و هفتم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. صص ۵۲-۴۰.
۱۳. شمس الدینی، علی (۱۳۸۷) آثار اجرای طرح‌های درکاهش مهاجرت‌های روستایی، مورد مطالعه روستای پل فهلیان (شهرستان ممسنی)، در فصلنامه مسکن و انقلاب. شماره ۱۲۱، سال بیست و هفتم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، صص ۴۱-۳۰.
۱۴. قادرمزی، حامد (۱۳۸۷) تحولات ساختاری-کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج در فرآیند گسترش فضایی شهر، (طی دوره ۸۵-۱۳۵۵)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۵. غفاری، سید رامین، مدیر، معصومه و ریاحی زانیانی، زینب (۱۳۸۷) مونوگرافی مسکن و معماری روستای یاسه چاه، در فصلنامه تخصصی مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۲، تابستان، صص ۵۲-۴۲.
۱۶. منصوری زینی، محمد (۱۳۷۵)، نظام کشاورزی و سامان پذیری بافت سکونتگاه‌های روستایی روستایی، مورد: ناحیه میانکاله (بهشهر)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی (مطالعات ناحیه ای)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۷. مهدوی، مسعود (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
۱۸. ودیعی، کاظم (۱۳۵۲) مقدمه بر روستا شناسی ایران، چاپ دوم، انتشارات دهخدا، تهران.



بررسی تاثیر رفتار شهروندی سازمانی و ابعاد آن بر میزان رضایت ارباب رجوع شهرداری منطقه ۱۷ شهرداری تهران

مهران شیرواند* - پژوهشگر و جامعه‌شناس، استادیار دانشگاه.

A Study of the Effect of organizational citizenship behavior on the Clients satisfaction rate

Abstract:

The purpose of this study is investigating the impact organizational citizenship behavior on customer satisfaction. The population of the research staff at Municipality of 17th Region is a simple random sample was selected. The purpose of this research is applicable in terms of data collection, is descriptive - correlation. Inferential statistics (stepwise regression, unidirectional variance analysis). The results indicate that there is significant relationship between organizational citizenship behavior and customer satisfaction. There is also a significant relationship between social manners, altruism, job conscience, personal mutual coordination, protection of resources, chivalry and decency of customer satisfaction According to the obtained regression models, respectively, job conscience, altruism, social customs, protection of resources, coordination of personal interaction, Chivalry, the highest to the lowest, are predicting clients' satisfaction.

Keywords: Organizational, Citizenship, Behavior

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تاثیر رفتار شهروندی سازمانی بر میزان رضایت ارباب رجوع است. جامعه آماری در این پژوهش کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شیراز می‌باشد که به روش تصادفی ساد نمونه پژوهش انتخاب گردید. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی - همبستگی است. جهت بررسی فرضیات پژوهش و شاخص‌های مربوطه از پرسشنامه‌ای استاندارد رفتار شهروندی سازمانی و پرسشنامه‌ای ده سوالی برای سنجش میزان رضایت ارباب رجوع استفاده شد. روش‌های آمار استنباطی (رگرسیون گام به گام، تحلیل واریانس یک طرفه، استفاده شد. نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین رفتار شهروندی سازمانی و رضایت ارباب رجوع است. همچنین وجود رابطه معنادار بین آداب اجتماعی، نوع دوستی، وجدان کاری، هماهنگی متقابل شخصی، محافظت از منابع سازمان، جوانمردی و نزاکت رضایت ارباب رجوع پذیرفته شده که با توجه به مدل رگرسیونی بدست آمده به ترتیب وجدان کاری، نوع دوستی، آداب اجتماعی، محافظت منابع سازمان، هماهنگی متقابل شخصی، جوانمردی، بیشترین تا کمترین سهم را در پیش بینی رضایت ارباب رجوع دارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود، سازمان‌ها با برگزاری دوره‌های آموزشی کاربردی به تعلیم رفتار شهروندی سازمانی در بین کارکنان بپردازند و در این راستا توجه به وجدان کاری، نوع دوستی، آداب اجتماعی بیشتر مد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: رفتار شهروندی سازمانی، رضایت ارباب رجوع، مشتری.

تکلیف شغلی به رفتار شهروندی سازمانی اشاره دارد که محققان زیادی به تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌اند. رفتار شهروندی سازمانی برای هر سازمانی مطلوب است، چرا که با متغیرهای سازمانی مهمی همچون رضایت شغلی، نگهداری سیستم و بهره‌وری سازمانی ارتباط دارد. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که مدیران می‌توانند رفتار شهروندی سازمانی را با ایجاد یا بهبود محیط‌کاری مثبت پرورش دهند، بجای آنکه متوسل به زور و اجبار شوند، به فرایندهای انتخاب یا استخدام یا جامعه‌پذیری اتکا نمایند تا این رفتارها را ایجاد نمایند.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، سازمان‌ها، بویژه سازمان‌ها در کشورهای جهان سوم که نیازمند جهشی در افزایش کارآمدی می‌باشند، بایستی زمینه را به گونه‌ای فراهم سازند که کارکنان و مدیرانشان با طیب خاطر تمامی تجربیات، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود را در جهت اعتلای اهداف سازمانی بکارگیرند. این امر میسر نخواهد شد، مگر آنکه اصول و قواعد مربوط به رفتار شهروندی سازمانی شناسایی و بسترهای لازم برای پیاده‌سازی این گونه رفتارها فراهم گردد. به دلیل تاثیر مثبت و مستقیم رفتار شهروندی سازمانی بر کیفیت خدمات ارائه شده و به تبع آن رضایت ارباب رجوع، توجه به این گونه رفتارها می‌تواند یکی از راههای افزایش اثربخشی سازمان‌ها باشک

ادبیات پژوهش

پیشینه داخلی

رضایی دیزگاه و صالحی کردآبادی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان مشتری‌مداری چنین بیان داشته‌اند، بی‌گمان امروزه مهمترین دغدغه ذهنی هر سازمانی یافتن مشتری و در نهایت حفظ و ایجاد وفاداری در مشتریان است. سازمانهای دولتی نیز بدون داشتن مشتریان و مراجعان راضی و وفادار نمی‌توانند به اهداف خود برسند. بنابراین، کسب رضایت مشتری و ارباب رجوع و ایجاد وفاداری در وی یکی از مهمترین اهداف سازمان‌هاست. رضایت مشتری یک موضوع کلیدی برای بقاء سازمانها به حساب می‌آید؛ در نتیجه در بیشتر سازمان‌ها به مشتریان به عنوان دارایی استراتژیک سازمان توجه

انسان‌ها به صورت کاملاً ارادی و اختیاری، برای خود، گروه و سازمان و حتی جامعه بشری، اهدافی تدوین می‌کنند که انسان را در رسیدن به کمال یاری می‌دهند. امروزه اهداف بشری، در جوامع، سازمان‌ها، گروه‌ها و واحدهای مختلف سازمان تجلی پیدا کرده و هر یک از این مجموعه‌های انسانی سعی دارند با هماهنگی و همکاری درونی، در سایه تداوم زندگی و حیات بشری، بعدی از ابعاد انسانی را تحقق بخشند. هر یک از این مجموعه‌های انسانی که رسمی و یا غیررسمی در بستر زندگی بشری فعالیت می‌کنند، جملگی دارای اهداف و مأموریت‌هایی هستند که فلسفه وجودی آن‌ها را توجیه می‌کند. رسیدن به کمال انسانی و توسعه همه‌جانبه حیات بشری، از جمله اهداف آرمانی و کلی تمامی این مجموعه‌های انسانی است که در قالب مفاهیم و اصطلاحات مختلف در سازمان‌های مختلف بروز پیدا می‌کند. مأموریت‌ها و اهداف سازمانی در هر مجموعه‌ای برای هدایت عمومی فعالیت‌های سازمان به سمت و سوی مورد نظر سازمان است. معمولاً این‌گونه اهداف، در سطح رسالت‌ها، مأموریت‌ها و در سطح عملیاتی و کاربردی توسط هدفگذاران که در هر سازمانی متناسب با فرهنگ و سبک مدیریت سازمانی می‌تواند متغیر باشند، تعریف می‌گردند. چگونگی و نحوه تعیین اهداف و مأموریت‌های سازمان و سطح اهداف فردی کارکنان از جمله مسائل مهمی است که می‌تواند نقش بسیار عمده‌ای را در تحقق اهداف سازمانی و در نهایت، موفقیت سازمان ایفا کند

از مهمترین سیاست‌های تعیین شده از سوی دولت، ارائه خدمات با کیفیت بالا به تمامی افراد جامعه، پاسخگویی همه افراد در مقابل مسوولیت‌ها و اختیارات آنها و از همه مهم‌تر جلب رضایت ارباب رجوع می‌باشد. بر این اساس توجه به شهروندان در نظام ارزشی دموکراسی رو به افزایش می‌رود. اکنون که اهمیت شهروندان به عنوان یکی از منابع بسیار مهم سازمان درک شده، رفتار با آنها هم می‌تواند بسیار با اهمیت تلقی شود. بدیهی است که سازمان‌ها به کارکنانی نیازمندند که تمایل دارند از الزام‌ها و تکلیف‌های رسمی خود پا را فراتر بگذارند. اقدام فراتر از



شده و مطالعات بر روی مدیریت مشتریان به عنوان دارایی سازمان متمرکز شده است. بنابراین مدیریت عملکرد سازمان‌های دولتی در جهت بهبود کیفیت خدمات ارائه شده به منظور ایجاد رضایتمندی در ارباب رجوع می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار و در تحول و توسعه جوامع نقش استراتژیک داشته باشد، زیرا بهبود عملکرد سازمان‌های دولتی، توانمندی رقابتی و بهره‌وری و قدرت پاسخگویی این سازمانها را ارتقاء می‌دهد. رضایت مندی ارباب رجوع و رضایت مشتری هر دو در یک معنا به کار می‌رود و دربرگیرنده حالت خشنودی و مطلوبیتی است که در نتیجه تامین نیازها و برآورده کردن تقاضاها و احتیاجات مراجعان توسط ارائه دهندگان خدمت در مراجعان حاصل می‌شود. به سبب اهمیت موضوع در این مقاله بحث ارباب رجوع، مشتری‌مداری و رضایت ارباب رجوع، ضرورت توجه به رضایت مشتری و ارباب رجوع، روش‌های اندازه‌گیری میزان رضایت، الگوهای رضایت مشتری، کیفیت خدمات مورد ارزیابی قرار گرفته و در پایان نیز راهکارهایی برای جلب رضایت مراجعان ارائه شده است.

○ زیکانی (۱۳۸۷) به بررسی نقش عدالت سازمانی در تقویت رفتار شهروندی سازمانی پرداخته و سپس عامل تعدیل‌کننده‌ای را با عنوان شخصیت سالم سازمانی و یا به عبارت دیگر سلامت سازمانی را در این رابطه مورد بحث و بررسی قرار داده است. در این تحقیق ابعاد پنج‌گانه رفتار شهروندی سازمانی از دیدگاه ارگان مورد بررسی قرار گرفته است که مشتمل بر نوع دوستی، وظیفه‌شناسی، ادب و نزاکت، جوانمردی و فضیلت مدنی می‌باشد. در مرحله بعدی عدالت سازمانی در سه بعد عدالت توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً تأثیرات سلامت سازمانی یا شخصیت سالم سازمانی را با تأکید بر ۱۱ مولفه، در این رابطه مورد بررسی قرار داده و به آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آنست که با ضریب اطمینان ۹۵ درصد بین عدالت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی رابطه مثبت وجود دارد. در نتیجه هر چه تصور مثبت‌تری از عدالت سازمانی در ذهن کارکنان باشد، رفتار شهروندی سازمانی بیشتر خواهد شد؛ و

همچنین با همان ضریب اطمینان، بین عدالت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی، به واسطه شخصیت سالم سازمانی، رابطه مثبت وجود دارد. یعنی در سازمانهای دارای شخصیت سالم سازمانی، تأثیر تصور مثبت کارکنان از عدالت سازمانی بر رفتار شهروندی سازمانی بیشتر خواهد شد. یافته‌های تحقیق نشانگر آنست که تقویت رفتار شهروندی سازمانی که از اهداف سازمان‌هاست، تابع عدالت سازمانی به واسطه شخصیت سالم سازمانی است.

○ زارع (۱۳۸۸) در رساله خود با عنوان «مدلی برای رفتار شهروندی سازمانی و رابطه آن با افزایش سرمایه اجتماعی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» چنین بیان داشته است، رفتارهای شهروندی سازمانی از موضوعاتی است که در دو دهه اخیر، مورد توجه محققان و پژوهشگران مباحث حوزه سازمان و مدیریت واقع شده است. صاحب این اثر ضمن بررسی این موضوع در نوشته‌ها و ادبیات موجود و تدوین مباحث نظری مرتبط با آن، تلاش کرده تا الگویی جامع از ابعاد و مولفه‌های رفتار شهروندی در سازمان‌های دولتی ایران ارائه نماید. این الگواز منظر خبرگان و استادان رشته مدیریت، مدیران و کارشناسان ارشد دستگاههای اجرایی و کارشناسان علوم دینی، اعتباریابی شده است. رفتارهای شهروندی آثار متنوعی در عملکرد سازمانها دارند که یکی از آنها می‌تواند ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی باشد. ما در این رساله ضمن شناسایی ابعاد و مولفه‌های رفتارهای شهروندی و سرمایه اجتماعی، از طریق مطالعه ادبیات موجود و بهره‌مندی از نظر خبرگان با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه، شاخص‌های سنجش این متغیرها را به دست آورده و سپس به سنجش وضعیت موجود این متغیرها در جامعه هدف و رابطه‌ای که می‌تواند بین آنها حاکم باشد، پرداخته‌ایم.

○ صابری (۱۳۸۸) به بررسی رابطه عدالت سازمانی با رفتار شهروندی سازمانی در ورزشکاران نخبه‌کشوری پرداخته و می‌گوید. با توجه به اینکه به نظر می‌رسد در باشگاههای ورزشی ایران عدالت سازمانی می‌تواند باعث ایجاد رفتارهای شهروندی شود، در این پژوهش به بررسی رابطه بین ابعاد سه‌گانه عدالت سازمانی با رفتار



شهروندی سازمانی و همچنین تفاوت رفتار شهروندی سازمانی و عدالت سازمانی بر حسب ویژگی‌های جمعیت شناختی ورزشکاران مورد مطالعه (سن، تحصیلات، سابقه بازی، سابقه قهرمانی، سابقه بازی در لیگ و نوع ورزش) پرداخته شد.

○ یعقوبی، مقدمی و کیخا (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین رهبری تحول آفرین و رفتار شهروندی سازمانی کارکنان، چنین بیان داشته‌اند که رهبری تحول آفرین یکی از پارادایم‌های رهبری در روانشناسی سازمانی است که مورد تحقیق گسترده‌ای قرار گرفته است. رهبری تحول آفرین، رضایت زیردستان و اعتماد آنان به رهبری و به علاوه تعهد عاطفی آنان را افزایش می‌دهد. رهبرانی که رفتارهای تحول آفرین را از خود نشان می‌دهند مجموعه‌ای از نتایج مثبت را در سازمان ایجاد می‌کنند. تحقیقات نشان داده بین رهبری تحول آفرین و رفتار شهروندی سازمانی ارتباط مثبتی وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین رهبری تحول آفرین و رفتار شهروندی سازمانی صورت گرفته است. در این راستا داده‌های مورد نیاز برای تحلیل این ادعا با استفاده از پرسشنامه‌های چند عاملی رهبری و رفتار شهروندی سازمانی از جامعه آماری پژوهش (سازمان مدیریت و برنامه ریزی و اداره امور مالیاتی استان قم) جمع‌آوری گردید. تحلیل اطلاعات با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون حاکی از این است که رابطه بین سبک رهبری تحول آفرین و رفتار شهروندی سازمانی معنادار است. بعلاوه تمامی مؤلفه‌های رهبری تحول آفرین با رفتار شهروندی سازمانی رابطه معناداری دارند. همچنین تحلیل رگرسیون چند عاملی بیانگر این است که از میان مؤلفه‌های رهبری تحول آفرین، رفتارهای آرمانی و ملاحظات فردی بیشترین تأثیر را در رفتار شهروندی سازمانی دارند.

○ پوربرخورداری، (۱۳۸۹)، می‌گوید در این تحقیق تلاش گردیده تا تأثیر هشت کارکرد مدیریت منابع انسانی؛ یعنی، تأمین نیروی انسانی، آموزش کارکنان، جابه‌جایی و ارتقا، امنیت شغلی، ارزیابی عملکرد، دستمزد و پاداش، مشارکت کارکنان و طراحی شغل بر کارآفرینی سازمانی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای رفتار شهروندی سازمانی

مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های تحقیق با بهره‌گیری از روش‌های مختلف آمار توصیفی و استنباطی از جمله همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره، نشان از تأثیر مثبت کارکردهای مدیریت منابع انسانی بر کارآفرینی سازمانی از طریق رفتار شهروندی سازمانی دارد که در بین هشت کارکرد مورد بررسی، تأمین نیروی انسانی دارای بیشترین تأثیر بوده است.

○ بیدگلی (۱۳۸۹)، چنین بیان می‌کند در دنیای رقابتی امروز، اهمیت ایجاد و بروز رفتار شهروندی سازمانی از جانب مشتریان به منظور توسعه و نگهداری رابطه پایدار در میان بخشهای خدماتی قابل ملاحظه است. طبیعت سازمان‌های خدماتی همچون هتل، بیمه و بانک بر مبنای تماس مستقیم با مشتریان استوار است؛ از این رو نیروی انسانی این سازمان‌ها، در ایجاد مزیت رقابتی رفتار شهروندی نقش کلیدی دارند. روابط بین فردی مشتریان و کارکنان ارائه‌کننده خدمات یک ارتباط اجتماعی و حرفه‌ای است. کیفیت روابط بین فردی مشتریان و کارکنان ارائه‌کننده خدمات، منجر به درک کلی مشتریان از سازمان و خدمات و بروز رفتار شهروندی سازمانی مشتری می‌شود. رفتارهایی که فرد به طور داوطلبانه و بدون هیچگونه اجبار و الزامی در جهت پیشبرد اهداف سازمان انجام می‌دهد. در این تحقیق تأثیر و نقش کلیدی کارکنان خدماتی در بروز اینگونه رفتارها از جانب مشتری بررسی می‌شود.

○ امینی (۱۳۸۹)، چنین بیان می‌کند هدف کلی این تحقیق، تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر میزان کلی روابط انسانی (و ابعاد آن) و رفتار شهروندی سازمانی پرستاران بیمارستان شهید آیت‌الله کاشانی اصفهان با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی بود. در این پژوهش از روش آزمایشی استفاده شده است. مرادزاده (۱۳۸۹) به بررسی رابطه چندگانه رفتار شهروندی سازمانی با رضایت از زندگی کارکنان دانشگاه اصفهان پرداخته و بیان می‌دارد. جامعه آماری آن راکلیه کارکنان رسمی و پیمانی دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۹-۱۳۸۸ تشکیل می‌دهد. روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بود که از بین جامعه آماری ۹۹ نفر به شیوه تصادفی ساده به عنوان نمونه (۴۶ زن و ۵۳ مرد) انتخاب

گردید. ابزار پژوهش شامل دو پرسشنامه ای استاندارد رفتار شهروندی سازمانی از پودساکف و مکنزی و پرسشنامه رضایت زندگی از دینر بود که با استفاده از روش وابسته به محتوا روایی آن بررسی و با استفاده از آلفای کرونباخ ضریب پایایی این دو پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۹. برآورد گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از آمار توصیفی (جداول فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمونهای ضریب همبستگی و آزمون t، تحلیل واریانس و رگرسیون) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین رفتار شهروندی سازمانی با رضایت از زندگی کارکنان رابطه معنادار وجود دارد. بین مولفه‌های رفتار شهروندی سازمانی با رضایت از زندگی کارکنان رابطه معنادار است. ولی بین ویژگی‌های دموگرافیک با رضایت از زندگی و رفتار شهروندی سازمانی تفاوت وجود دارد.

محمدی (۱۳۸۹) چنین بیان می‌دارد که شناخت رفتار شهروندی سازمانی به عنوان یک پیامد، مهم می‌باشد زیرا موفقیت نسبی هر سازمانی به سطح رفتارهای شهروندی سازمانی کارکنانش مرتبط است. مطالعات بسیاری نشان داده، جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق و بدست آوردن نتایج از نرم افزار لیزرل و آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است اند که رفتارهای شهروندی سازمانی اثربخشی سازمان را افزایش می‌دهد نتایج بدست آمده از آزمون فرضیات این پژوهش نشان داد که توانمندسازی روانشناختی به طور مثبتی با رفتارهای شهروندی سازمانی رابطه دارد. ادراک کارکنان از عدالت سازمانی به طور مثبتی با اعتماد به سرپرست رابطه دارد. ادراک کارکنان از تبادل رهبر - عضوبه طور مثبتی با اعتماد به سرپرست و توانمندسازی روانشناختی رابطه دارد.

ادبیات تحقیق

رفتار شهروندی سازمانی یکی از متغیرهای است که در چند دهه اخیر مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. همچنین نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد عوامل زیادی بر رفتار شهروندی سازمانی تأثیر

می‌گذارند. بازکورت و بال^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رفتار شهروندی سازمانی پرداخته‌اند. هدف از پژوهش خود را بررسی تأثیر فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر رفتار شهروندی سازمانی کارکنان بخش‌های متفاوتی مانند داروخانه‌ها، سیستم بانکداری انجام دادند. ادبیات ارتباط بین رفتار شهروندی سازمانی و تصورات کارکنان از مسئولیت‌پذیری اجتماعی از کمبود مطالعات رنج می‌برد. در این مطالعه دو مقیاس برای بررسی ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رفتار شهروندی سازمانی استفاده شده است. جهت تعیین فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دومین مقیاس در رابطه با رفتار شهروندی سازمانی بوسیله ویگودا گادوت و آنگرت^۲ (۲۰۰۹)، جهت تعیین تصورات کارکنان با پنج بعد از سازمان استفاده شد. متغیرهای جمعیت شناختی همچنین شامل این دو مقیاس می‌شدند.

شهروندی مفهومی است بسیار گسترده، کلی و عمومی که سازمان اجتماعی، سازمان سیاسی و سازمان اقتصادی جامعه را به خود معطوف می‌کند. مطالعات متعدد و گسترده در زمینه شهروندی هم به خوبی نشان می‌دهد که این مفهوم در طول تاریخ و در جوامع مختلف هرگز پدیده‌ای واحد و یکپارچه نبوده است. در برخی تعاریف شهروندی منزلی است که موجبات برخورداری از حقوق و قدرت‌ها را فراهم می‌کند، در صورتی که در منابع دیگر شهروندی نه تنها به موقعیت قانونی، بلکه به آرمان‌های دموکراتیک هنجارین باز می‌گردد. شهروندی قصد ارائه موقعیت و هویت مشترک و عام را دارد که به پیوند و همبستگی میان اعضای جامعه کمک می‌کند. موضوع حقوق و تکالیف شهرنشینان در رابطه با مدیریت محلی (شهرداری‌ها و شوراهای)، بخش کوچکی از عناصر اصلی شهروندی است. در واقع زمانی می‌توان شهروندی را در رابطه میان شهرنشینان و مدیریت‌های شهری دخالت داد که سایر الزامات و بسترهای حیاتی شهروندی در جامعه در سطح کلان فراهم باشد مانند شکل‌گیری جامعه مدنی، دولت - ملت، به عنوان مثال: مشارکت



شهری خود معلول شهروندی است و به بیان دیگر شهروندی مقدم بر مشارکت است. تحقق شهروندی بازتاب دو اصل مهم است، موقعیتی که افراد بر حسب حقوق و تکالیف خود کسب می‌کنند و شرایطی که جامعه برای کسب یا اعطای این موقعیت پدید می‌آورد. دسترسی بیشتر به منابع و امکانات آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی فضایی مناسب و قابلیت‌زا برای رشد آگاهی و عمل به حقوق و وظایف شهروندی را فراهم می‌نماید. زمینه‌های اجتماعی متفاوت به لحاظ فقر، نابرابری و محرومیت یا توسعه نیافتگی تأثیر خود را به خوبی بر کم و کیف شهروندی آشکار ساخته است. تحقیقات اولیه‌ای که در زمینه رفتار شهروندی سازمانی انجام گرفت بیشتر برای شناسایی مسئولیت‌ها و یا رفتارهایی بود که کارکنان در سازمان داشتند، اما اغلب نادیده گرفته می‌شد. این رفتارها با وجود اینکه در ارزیابی‌های سنتی عملکرد شغلی بطور ناقص اندازه‌گیری می‌شدند و یا حتی گاهی اوقات مورد غفلت قرار می‌گرفتند، اما در بهبود اثربخشی سازمانی مؤثر بودند (بینستوک^۳، ۲۰۰۳، ۱۱۸).

فی چن^۴ (۲۰۰۶) رابطه بین رهبری تحول‌آفرین و تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی را مورد مطالعه قرار داد که نتیجه تحقیق بیانگر این بود که سبک رهبری تحول‌آفرین باعث ایجاد تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی بالای در اعضای سازمان می‌شود. وانگسیان و وایویوه^۵ (۲۰۰۶) به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های جمعیت شناختی و در نظر گرفتن رفتارهای شهروندی سازمانی به عنوان رفتارهای نقشی پرداختند. طی یک نظر سنجی از ۳۴۹ کارمند شرکت چینی نشان داد کارمندان مَسَن و زنان به احتمال خیلی بیشتری رفتارهای شهروندی را به عنوان رفتارهای نقشی و یا شغلی در نظر می‌گیرند.

کاپلان و فلاین (۲۰۱۰) طی یک تحقیقی در رابطه با جنبه‌های منفی رفتار شهروندی سازمانی، بیان کردند که تحقیقات قبلی فقط در مورد جنبه‌های مثبت رفتارهای شهروندی سازمانی به بحث پرداختند؛ اما رفتار

شهروندی سازمانی ممکن است به دلایل منفی زیر صورت بگیرد:

۱. رفتار شهروندی سازمانی ممکن است در نتیجه انگیزه‌های خدمت به خود صورت بگیرد.

۲. رفتار شهروندی سازمانی ممکن است غیر مرتبط و یا حتی ارتباط منفی با عملکرد سازمانی داشته باشد.

۳. رفتار شهروندی سازمانی ممکن است نتایج منفی برای کارمندان داشته باشد.

اویانگ^۶ (۲۰۱۱) در جدیدترین مطالعه خود پیرامون اثر رفتار شهروندی سازمانی بر عملکرد سازمانی، هفت بعد را به عنوان نمادهای اصلی این پدیده مدنظر خود قرار داد. این ابعاد عبارتند از: پذیرش سازمانی، روحیه جوانمردی، وفاداری سازمانی، ابتکارات فردی، فضیلت مدنی، رفتارهای کمک‌کننده و توسعه شخصی.

چنگ چین و تسانگ هانگ^۷ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان هدفگرایی، رفتار خدماتی و عملکرد خدماتی با ارائه مدلی به بررسی رابطه هدفگرایی عملکردی و تبحری، رفتار مشتری‌مدار، رفتار شهروندی سازمانی و عملکرد خدماتی در بیمارستان‌ها و شرکت‌های خدماتی تایوان پرداخته‌اند؛ و اساساً چون شرکت‌های تجاری طراحی شده‌اند تا منافعی را برای خود و مشتریان‌شان بدست آورند و به مشتریان کمک کنند تا منابع مالی‌شان را مدیریت کنند. در مقابل بیمارستان‌ها به سوددهی تمایل ندارند و بیشتر به فراهم آوردن خدمات رفاهی برای مشتریان خود تمایل دارند؛ که محقق در این پژوهش قصد دارد مبنای کار خود را از کار این دو پژوهشگر بردارد. دو پژوهشگر فوق‌الذکر در بررسی‌های خود به وجود رابطه‌های معنادار بین متغیرهای مورد پژوهش پی بردند، بر اساس مثلث خدماتی قدیمی، این مطالعه به منظور بررسی مقدمات و نتایج رفتار خدماتی در سطح فوری، یک مدل فرضی از روابط بین هدفگرایی، رفتار خدماتی را، ارائه می‌دهد. اطلاعات بدست آمده از ۲۱۷ متخصص اقتصاد شخصی و کمک‌های پزشکی، نشان دهنده‌ی ارتباط مستقیم بین رفتارهای مشتری‌مدار و رفتار شهروندی سازمانی است. هر دو نوع این رفتارها به

3. Binestok

4. Chen Fei

5. Wanxian &, Weiwu

6. Kornodel

7. Cheng chin & Tsung hung

نوبه‌ی خود با عملکرد خدماتی رابطه‌ی مستقیم دارند ولی این در حالی است که کارگران خدماتی دارای سطح بالاتری از آموزش هدف‌گرایی‌اند، رفتارهای بیشتری را در خصوص مشتری‌مداری و شهروندی سازمانی، از خود نشان می‌دهند. عملکردگرایی با عامل اول رابطه‌ی مستقیم و احتمالاً با عامل دوم رابطه‌ی عکس دارد.

فرضیه تحقیق

رفتار شهروندی سازمانی بر رضایت ارباب رجوع در شهرداری منطقه ۱۷ تهران تاثیر دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی بوده زیرا هدف تحقیق توسعه دانش کاربردی است و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی (غیرآزمایشی) - همبستگی است. در این پژوهش جهت بررسی فرضیات پژوهش و

شاخص‌های مربوطه از پرسشنامه‌ای استاندارد که توسط هوول و واتسون^۸ (۲۰۰۷) در مورد رفتار شهروندی سازمانی در قالب بیست و هفت سوال و هفت مولفه تهیه شده است و پرسشنامه‌ای ده سوالی برای سنجش میزان رضایت ارباب رجوع استفاده شد. جامعه آماری در این پژوهش کارکنان منطقه ۱۷ شهرداری تهران به تعداد ۲۲۵۰ نفر می‌باشد. برای انتخاب حجم نمونه بین افراد از فرمول عمومی کوکران که در آن احتمال وجود رابطه و عدم وجود رابطه ۰.۵ در نظر گرفته می‌شود، استفاده شده است؛ که حجم نمونه ۳۳۰ نفر بدست آمده است.

$$p=0/5 \text{ احتمال وجود رابطه}$$

$$q=0/5 \text{ احتمال عدم وجود رابطه}$$

$$N = 2250$$

$$E = 0/5 \text{ تقریب در برآورد پارامتر مورد مطالعه}$$

$$Z_{\alpha} = 1/96 \text{ وقتی سطح معنی داری آزمون برابر } 0/05 \text{ باشد}$$



$$n = \frac{N \times (Z_{\alpha} \cdot 2)^2 \times P \times Q}{E^2 \times (N-1) + (Z_{\alpha} \cdot 2)^2 \times P \times Q} = \frac{2250 \times (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2 \times (2250-1) + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 330$$

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های پرسشنامه

| ردیف | مؤلفه | مقدار آلفای کرونباخ | مؤلفه | مقدار آلفای کرونباخ |
|------|------------------------|---------------------|-----------------------|---------------------|
| ۱ | آداب اجتماعی | ۰/۷۹ | رفتار شهروندی سازمانی | ۰/۸۴ |
| ۲ | نوع دوستی | ۰/۸۰ | | |
| ۳ | وجدان کاری | ۰/۷۹ | | |
| ۴ | هماهنگی متقابل شخصی | ۰/۷۸ | | |
| ۵ | محافظت از منابع سازمان | ۰/۷۷ | | |
| ۶ | جوایز مردمی | ۰/۷۸ | | |
| ۷ | نزاکت | ۰/۷۷ | | |
| ۸ | رضایت ارباب رجوع | ۰/۷۷ | | |

برای بررسی پایایی پرسشنامه فوق‌الذکر، به کمک نرم‌افزار آماری Spss میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد؛ که نتایج آلفای کرونباخ مولفه‌های پرسشنامه نیز به شرح جدول ۱ می‌باشد.

جدول ۲. ارتباط بین ابزار جمع‌آوری اطلاعات و مدل تحقیق

| تعداد سوال | سؤال | مؤلفه |
|------------|---------------|------------------------|
| ۴ | ۴-۳-۲-۱ | آداب اجتماعی |
| ۴ | ۸-۷-۶-۵ | نوع دوستی |
| ۵ | ۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹ | وجدان کاری |
| ۴ | ۱۷-۱۶-۱۵-۱۴ | هماهنگی متقابل شخصی |
| ۳ | ۲۰-۱۹-۱۸ | محافظت از منابع سازمان |
| ۳ | ۲۳-۲۲-۲۱ | جوانمردی |
| ۴ | ۲۷-۲۶-۲۵-۲۴ | نزاکت |
| ۲۷ | ۱ تا ۲۷ | رفتار شهروندی سازمانی |
| ۱۰ | ۱۰-۱ | رضایت ارباب رجوع |

بیان یافته‌های پژوهش
مدل حاصل از تأثیر مولفه‌های رفتار شهروندی سازمانی رگرسیون به روش گام به گام استفاده شده است که خلاصه بر رضایت ارباب رجوع نتایج به شرح زیر است:
برای ارائه مدل رگرسیونی بین متغیرهای پیش‌بین و

جدول ۳. مدل رگرسیونی تأثیر مولفه‌های رفتار شهروندی سازمانی بر رضایت ارباب رجوع

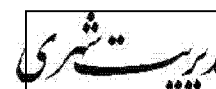
| مدل | R | R ^۲ | R ^۲ اصلاح شده | خطای استاندارد تخمین زده شده |
|-----|-------|----------------|--------------------------|------------------------------|
| ۱ | ۰/۹۹۱ | ۰/۹۸۱ | ۰/۹۸۱ | ۰/۴۶۳ |

جدول ۴. تحلیل واریانس تأثیر مولفه‌های رفتار شهروندی سازمانی بر رضایت ارباب رجوع

| مدل | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | آماره F | سطح معنی‌داری |
|-----------|---------------|------------|-----------------|----------|---------------|
| ۱ رگرسیون | ۳۷۱۵/۲۴۳ | ۶ | ۶۱۹/۲۰۷ | ۲۸۸۳/۵۲۱ | ۰/۰۰۰ |
| | ۷۰/۶۴۹ | ۳۲۹ | ۰/۲۱۵ | | |
| | ۳۷۸۵/۸۹۳ | ۳۳۵ | کل | | |

جدول ۵. معنی‌داری رگرسیون تأثیر مولفه‌های رفتار شهروندی سازمانی بر رضایت ارباب رجوع

| مدل | استاندارد نشده | | استاندارد شده | t | سطح معناداری |
|-----|----------------|----------------|---------------|-------|--------------|
| | B | خطای استاندارد | | | |
| ۱ | -۰/۴۷۷ | ۰/۲۶۰ | -۱/۸۳۲ | ۰/۰۶۸ | عرض از مبدا |
| | ۰/۹۱۲ | ۰/۰۱۳ | ۰/۶۰۷ | ۰/۰۰۰ | وجدان کاری |
| | ۱/۰۹۸ | ۰/۰۱۷ | ۰/۵۶۶ | ۰/۰۰۰ | نوع دوستی |
| | ۰/۲۴۶ | ۰/۰۱۵ | ۰/۱۴۹ | ۰/۰۰۰ | آداب اجتماعی |
| | ۰/۰۵۷ | ۰/۰۱۹ | ۰/۰۴۳ | ۰/۰۰۳ | محافظت منابع |
| | -۰/۰۴۵ | ۰/۰۱۴ | -۰/۰۳۵ | ۰/۰۰۱ | هماهنگی |
| | ۰/۰۴۴ | ۰/۰۲۲ | ۰/۰۲۶ | ۰/۰۴۹ | جوانمردی |
| | | | | | |



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۲۶

پیش بینی کننده‌ها: (مقدار ثابت)، وجدان کاری، نوع دوستی، آداب اجتماعی، محافظت منابع سازمان، هماهنگی متقابل شخصی، جوانمردی،

متغیر وابسته: رضایت ارباب رجوع

نتیجه گیری و پیشنهادات:

در بررسی فرضیه اصلیفرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین رفتار شهروندی سازمانی و رضایت ارباب رجوع پذیرفته شد که نتایج این پژوهش با کار رضایی دیزگاه و صالحی کردآبادی (۱۳۸۸)، پوربرخورداری، (۱۳۸۹)، مرادزاده (۱۳۸۹) و زارع (۱۳۸۸) در این زمینه همسو است. همچنین بیدگلی (۱۳۸۹)، چنین بیان می‌کند در دنیای رقابتی امروز، اهمیت ایجاد و بروز رفتار شهروندی سازمانی از جانب مشتریان به منظور توسعه و نگهداری رابطه پایدار در میان بخشهای خدماتی قابل ملاحظه است. طبیعت سازمان‌های خدماتی همچون هتل، بیمه و بانک بر مبنای تماس مستقیم با مشتریان استوار است؛ از این رو نیروی انسانی این سازمان‌ها، در ایجاد مزیت رقابتی رفتار شهروندی نقش کلیدی دارند. روابط بین فردی مشتریان و کارکنان ارائه‌کننده خدمات یک ارتباط اجتماعی و حرفه‌ای است. کیفیت روابط بین فردی مشتریان و کارکنان ارائه‌کننده خدمات، منجر به درک کلی مشتریان از سازمان و خدمات و بروز رفتار شهروندی سازمانی مشتری می‌شود. رفتارهایی که فرد به طور داوطلبانه و بدون هیچگونه اجبار و الزامی در جهت پیشبرد اهداف سازمان انجام می‌دهد.

در بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین آداب اجتماعی و رضایت ارباب رجوع پذیرفته شد. نتایج این پژوهش با کار بولینو و همکاران (۲۰۰۴) در این زمینه ناهمسو است و با نتایج پژوهش امینی (۱۳۸۹) همسو است. با توجه به نتایج پژوهش توصیه می‌شود موارد زیر توسط کارکنان رعایت گردد:

(۱) با توجه به وجود رابطه معنادار بین رفتار شهروندی سازمانی و رضایت ارباب رجوع پیشنهاد می‌شود، با برگزاری دوره‌های آموزشی کاربردی رفتار شهروندی سازمانی تعلیم و تقویت گردد.

(۲) با توجه به وجود رابطه معنادار بین آداب اجتماعی و

رضایت ارباب رجوع پیشنهاد می‌شود، به رعایت آداب اجتماعی توسط کارکنان توجه بیشتری گردد و در این زمینه برای کارکنان کلاس‌های آموزشی لازم برگزار گردد تا صبر و تحمل کارکنان برای برخورد هرچه بهتر با ارباب رجوع بیشتر شود.

(۳) با توجه به وجود رابطه معنادار بین نوع دوستی و رضایت ارباب رجوع پیشنهاد می‌شود، روحیه نوع دوستی در بین کارکنان تقویت گردد و سعی شود در این زمینه فرهنگ‌سازی گردد.

(۴) با توجه به وجود رابطه معنادار بین وجدان کاری و رضایت ارباب رجوع پیشنهاد می‌شود، افرادی که وجدان کاری دارند به طرق مختلف تشویق گردند تا سبب گردد این روحیه در دیگران نیز بوجود آید.

(۵) با توجه به وجود رابطه معنادار بین هماهنگی متقابل شخصی و رضایت ارباب رجوع پیشنهاد می‌شود، هماهنگی‌ها و تعاملات متقابل شخصی بین کارکنان ایجاد شود تا باعث بهتر انجام شدن امور سازمان و در نتیجه رضایت ارباب رجوع شود.

(۶) محافظت از منابع سازمان در واقع محافظت از کارکنان است و محافظت از کارکنان باعث ایجاد رضایت شغلی و احساس امنیت می‌گردد که این به نوبه خود بر نحوه برخورد با ارباب رجوع و رضایت ارباب رجوع مرتبط است. (۷) با توجه به وجود رابطه معنادار بین جوانمردی و رضایت ارباب رجوع پیشنهاد می‌شود، روحیه جوانمردی و ارزشهای فرهنگی بین کارکنان سازمان‌ها و افراد جامعه تقویت و تشویق گردد.

(۸) رعایت نزاکت و احترام موجب رضایت ارباب رجوع خواهد شد هر چند کار ایشان به درستی انجام نگردد پس پیشنهاد می‌شود نزاکت و احترام در سازمان‌ها رعایت گردد و تدبیری اندیشیده شود تا با کارکنانی که رعایت احترام را در برخورد با ارباب رجوع ندارند برخورد گردد.

(۹) تلاش در راستای بهره مندی بیشتر از نظرات و پیشنهادات کارکنان.

پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده

(۱) این پژوهش در سازمان خدماتی انجام شده است؛ بنابراین برای تعمیم چنین تحقیقاتی به سایر بخشها



توصیه می‌شود پژوهشهایی در سایر بخشها به عمل آید. - ۸۹: ۶۵

۲) پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه در سایر استان‌ها انجام گیرد و نتایج حاصل از آن با پژوهش حاضر مقایسه شود.

تحول، سال دوم، شماره ۴.

10. Bienstock, C. Carol, Demoranville, W. Carol, Smith, K. Rachel (2003). Organizational Citizenship behavior and service quality, journal of services management, 1(2) 13-20

11. Bozkurt, S. & Bal, Y. (2012). Investigation of the relationship between corporate social responsibility and organizational citizenship behavior. International Journal of Innovations in Business, IJIB Vol. 1. No 1. July 2012, 40-60.

12. Cheng Chien, C.; Tsung Hung, S. (2008). Goal Orientation, Service Behavior and Service Performance, Asia Pacific Management Review 13(2) 513-529

13. Howell, A.; Watson, D. (2007). Association with achievement goal orientation & learning strategies. Personality 7 Individual Differences, 43, 167-178.

14. Kaplan, A.; Flun, H. (2010). Achievement goal orientation & identity formation styles. Elsevier, Educational Research Review, 5, 50-67.

15. Ouyang, Y. (2011). "Understanding Employees Organizational Citizenship Behaviors Through the Mediating Role of Corporate Social Responsibility", International Research Journal of Applied Finance, Vol 11, Issue 1 January, 2011.

16. Vigoda Gadot, E. and Angert, L. (2009), Goal Setting Theory, Job Feedback, and OCB: Lessons from a Longitudinal Study, Basic and Applied Social Psychology, 29(2), pp. 119-128.

17. Wanxian, L. and Weiwu, W. (2006). "A demographic study on citizenship behavior as in-role orientation, personality and individual differences", Journal of Executive management (JEM), Vol 9, No 1 (33), pp119-144.

منابع و مأخذ

۱. امینی، محسن. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مهارت‌های

ارتباطی بر روابط انسانی و رفتار شهروندی سازمانی پرستاران بیمارستان آیت... کاشانی اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان دانشگاه اصفهان.

۲. صابری، علی. (۱۳۸۸). رابطه بین عدالت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در ورزشکاران مرد نخبه کشور، کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان دانشکده تربیت بدنی علوم ورزشی.

۳. رضایی دیزگاه، مراد صالحی و کردآبادی، سجاد (۱۳۸۸)، مشتری مداری، همایش منطقه ای طراحی مجدد سازمان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا.

۴. زارع، حمید. (۱۳۸۸). مدلی برای رفتار شهروندی سازمانی و رابطه آن با افزایش سرمایه اجتماعی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، رساله دکترای تخصصی، تهران. دانشگاه علامه طباطبائی.

۵. زکیانی، شعله. (۱۳۸۷). بررسی تقویت رابطه رفتار شهروندی سازمانی و عدالت سازمانی به واسطه شخصیت سالم سازمانی، تهران. کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

۶. بیدگلی، زواره. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر ادراک مشتریان از کارکنان خدماتی در بروز رفتار شهروندی سازمانی مشتری (مطالعه موردی: بیمارستان شهید هاشمی نژاد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران. دانشگاه الزهراء علیها السلام دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

۷. مرادزاده، سجاد. (۱۳۸۹). بررسی رابطه چندگانه رفتار شهروندی سازمانی با رضایت از زندگی کارکنان دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

۸. محمدی، علی و شغلی، علیرضا. (۱۳۸۷). کیفیت خدمات درمانی ارائه شده در سطح اول مرکز زنجان، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ۱۰: ۱۰۰



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۲۸

گونه‌شناسی جدید در تکوین پراکنش‌های فضایی مناطق کلان‌شهری

(نمونه مطالعه: رشد متاستاتیک در محور شرق منطقه کلان‌شهری تهران)*

رضا خیرالدین* - استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، نارمک، تهران، ایران.

رضا پیروزی - پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، نارمک، تهران، ایران.

A New Typology of Spatial Spread Genesis in Metropolitan Areas (Case Study: Metastatic Growth in Eastern Corridor of Tehran Metropolitan Area)

Abstract

Various kinds of growth have been documented and categorized in metropolitan areas, all of which have some form of coordination with the structure of the metropolis. However lack of attention to territory planning policies, concentration of activities, capital and population in the metropolis have brought about major difficulties for the main city. In Tehran metropolitan area, the city of Tehran is experiencing unplanned and tumor-like growth. At the same time new types of dispersed growth in this area are manifesting a different characteristic because they are not spatially or physically in cohesion with the main center. This new type of spread is due to many reasons and houses different social strata. However, the systematic relation between the new type of spread and the growth of metropolis has not been spatially analyzed. One of the most important types of this new spread is growth of luxury second homes which has many social, structural and economic implications. Due to similarities of this type of spread with the spread pattern of cancer tumors through vessels to further areas, the "Metastasis" notion was used to explain this new phenomenon. This article uses cartographic methods and field observations to discern the characteristics of the spread of second homes, especially in Damavand County. Detailed understanding of this phenomenon provides the necessary basis for effective planning of metropolitan areas that are experiencing the same pattern of spread. Further research in this area can be about detailed analysis, patterns, required methods, tools and planning related to "metastatic growth".

Key words: Metropolization, Metastasis, Urban sprawl, Tehran, Damavand County

چکیده

در ادبیات مرسوم، مفاهیمی برای گسترش‌های روبه اطراف در مناطق کلان‌شهری معرفی و دسته‌بندی می‌شود که بر نوعی وابستگی فضایی با ساختار کلی مادرشهر یا حومه‌های آن تاکید دارد. در حالی که اشکال جدید گسترش فضایی در مناطق کلان‌شهری همچون تهران، گونه‌های مختلفی از پراکنده‌رویی را نشان می‌دهد. با توجه به در نظر نگرفتن سیاست‌های آمایش سرزمینی، تمرکز فعالیت، سرمایه و جمعیت و در نتیجه مهاجرت‌های فراوان به مرکز پایتخت، مادرشهر به هسته ای با مشکلات عدیده و همچون غده‌ای سرطانی، در حال رشد و غیرقابل کنترل تبدیل شده است. در این گونه‌ها، هیچ پیوستگی کالبدی و فضایی با ساختار مادرشهر و حومه‌های مرتبط با آن مشاهده نمی‌گردد. با توجه به ویژگی‌های الگوی جدید در منطقه کلان‌شهری تهران، هسته اصلی تمرکز (غده سرطانی) در فاصله‌های دوردست خود، بدون همجواری و هیچگونه چسبندگی، دست‌یازی می‌کند. پیدایش پهنه‌هایی مانند مشا، آبسرد و گیلوند در شهرستان دماوند در محور شرقی منطقه‌ی تهران که هیچ ارتباط فضایی مشخصی با هسته‌ی اصلی ندارد و در عین حال متأثر از جریان‌های قوی اجتماعی، فرهنگی و حمل و نقلی آن می‌باشد، از این دست به شمار می‌آید. پژوهش حاضر در پی شناسایی روند تبیین این‌گونه‌ی جدید رشد سکونت‌گاهی در مناطق کلان‌شهری است. شباهت این الگو با گسترش غدد سرطانی از مسیر رگ‌های خونی و لنف‌ها در بافت‌های دورتر از تومور اصلی در بدن انسان، منجر به استفاده از مفهوم متاستاز^۱ برای این الگو در مطالعه حاضر گردید. با توجه به اینکه تحلیل این‌گونه گسترش با الگوهای تحلیل فضایی مرسوم و موجود امکان‌پذیر نیست، با بهره‌گیری از شیوه‌های کار توگرافیک، بررسی عملکردها، مشاهده‌های میدانی سکونت‌گاه‌های مذکور به ویژه در شهرستان دماوند، از چارچوب رشد متاستاتیک^۲ (فراگستری) در علوم پزشکی برای تعیین این نوع گسترش فضایی در منطقه کلان‌شهری استفاده شد. با توجه به اینکه این‌گونه‌ی رشد در مناطق کلان‌شهری مختلف در نقاط دیگر ایران و جهان نیز در حال رشد و شکل‌گیری است، این مطالعه می‌تواند راهی برای تحلیل دقیق الگوهای گسترش در آن‌ها و آغازی برای اصلاح برنامه‌ها، الگوها، شرح خدمات و حتی روش‌های جمع‌آوری اطلاعات برای مدیریت کلان‌شهری آتی به حساب آید.

واژگان کلیدی: کلان‌شهری شدن، متاستاز یا فراگستری، خزش شهری، تهران، دماوند

* این پروژه با حمایت مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی و سفارت فرانسه در ایران انجام شده است.

** نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۰۰۹۰۱۰، رایانامه: reza_kheyroddin@iust.ac.ir

1. Metastasis: Change of position, state or form: as A; transfer of a disease producing agency (as a cancer cells or bacteria) from an original site of disease to another part of the body with development of a similar lesion in the new location B; a secondary metastatic growth of a malignant tumor (Merriam Webster, 1995)

– متاستاز یا فراگستری در پزشکی: جدا شدن سلول‌های سرطانی از تومور اصلی و حرکت به نقاط دیگر بدن موجودات زنده توسط چرخه خونی و لنفاوی. در فرهنگ پزشکی دولند: انتقال بیماری از یک عضو یا قسمت بدن به عضو یا قسمت دیگر یا یک ضایعه‌ی ثانویه که کمی دورتر از محل ضایعه‌ی اولیه قرار می‌گیرد و عامل ایجاد آن به وسیله خون یا لنف به محل جدید حمل می‌شود (دورلند، ۱۳۸۰)

2. Metastatic Growth

مقدمه و طرح مسئله

کلان‌شهری شدن یا توسعه کلان‌شهری، مفهومی است که در ادبیات شهر و منطقه برای تبیین روند تشکیل شبکه سکونت‌گاهی یا نقاط شهری و روستایی در حوزه‌های مادرشهری وجود دارد. این مفهوم که معمولاً با تغییر در عملکرد و نقش نقاط و قطب‌ها همراه است، حرکت از تمرکز به سوی توسعه پهنه‌ای و منطقه‌ای را توضیح می‌دهد. در حالی که تحولات سال‌های اخیر در برخی مناطق کلان‌شهری همچون تهران گونه‌های مختلفی از تشکیل نقاط جدید را نشان می‌دهد که لزوماً پدیده‌هایی به سوی توسعه تلقی نمی‌شود. برای تبیین شکل و گونه‌ی رشد‌های اطراف مادرشهرها، مفاهیمی چون قطاعی، حاشیه‌ای، حومه‌ای تا پراکنده‌رویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر خلاف وجود برخی وابستگی‌های فضایی میان سکونت‌گاه‌های پراکنده و ساختار مادرشهر یا حوزه‌ی آن در پراکنده‌رویی، رشد‌های پراکنده در شرایط جدید و مورد بحث در مطالعه حاضر، بدون پیوستگی با ساختار مادرشهری و منطقه کلان‌شهری به وجود می‌آید. در واقع رشد و گسترش سکونت‌گاه‌ها در عرصه فضا بدون ساختار و در نظر گرفتن آمایش فضایی و اعتدال میان روابط سکونت و فعالیت از شاخصه‌های اصلی نمونه‌ی مذکور می‌باشد. این گسترش‌ها، گونه‌ها و عوامل مختلفی دارد که رده‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در خود جای می‌دهد (مانند قرچک: افراد با سطح درآمدی پایین، گیلانود: افراد متوسط، مشا: افراد با درآمدهای بالا). با توجه به ادبیات موجود، ارتباط نظام‌مند این الگوی گسترش با مادرشهر کمتر مورد تحلیل فضایی قرار گرفته است. مادرشهر تهران به عنوان پایتخت بزرگ سر^۲ ایرانی، در سال‌های دراز عامل جذب و زهکشی منابع و سرمایه‌های کشور بوده و در سال‌های اخیر این نقش را با نقاط سکونت‌گاهی اطرافش به اشتراک گذاشته است. نقاط مذکور مقاصد مهاجرت‌های جدید از شهرها و روستاها است و تا حدودی موجب کند شدن مهاجرت‌های افراد عادی و غیرمتخصص به مادرشهر

می‌شود. با بیانی دیگر، تنها فاصله‌ی دروازه‌های ورود مهاجران از مرکز فیزیکی مادرشهر افزایش یافته است. گرایش جاری به موجب شکل‌گیری تپ‌های جدیدی از تحولات فضایی در حومه‌های دور مادرشهر و به عنوان نماینده‌ی گونه‌ای جدید از رشد، قابل بررسی است. با توجه به جنبه‌های متعدد موضوع، باید در نظر داشت تا پی بردن به منشاء احتمالی و روند موجود که منجر به رشد سکونت‌گاه‌های بدون برنامه در مناطق کلان‌شهری می‌شود، مستلزم استفاده از رویکردی جامع و روشن است. تبیین مشخصات چنین گسترش‌های فضایی که در پی خود دارای گونه‌های مختلفی از سکونت‌گاه‌ها و پیامدهای فضایی روی پهنه‌های اطراف است، هدف بررسی و تحلیل پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. این گونه جدید تحول در پهنه‌های فراگیر حوزه‌های مادرشهری، در واقع روند مثبت کلان‌شهری شدن را طی نمی‌کند. این پراکنش‌ها بیشتر موجب بروز ویژگی‌های منفی از جمله زهکشی مناطق، ایجاد قطب‌بندی فضایی، تخریب محیط زیست، و تعارضات اجتماعی و فرهنگی شدید در پهنه‌های مختلف منطقه کلان‌شهری می‌شود. گسترش سکونت‌گاه‌های این چنینی در مناطق کلان‌شهری همچون تهران، با پیامدهای مخربی همراه بوده، که پژوهش حاضر به عنوان گامی اولیه و مفید برای شناخت و تبیین مناسب ابعاد آن، پیگیری شده است.

مبانی نظری

۱. متروپولی‌زاسیون^۳ یا کلان‌شهری شدن
پراکندگی پدیده‌های جغرافیایی و یا فعالیت‌های اقتصادی در سطح یک منطقه تحت شرایط خاص خود، شکل‌گیری الگوهایی را امکان‌پذیر می‌سازد، که اکثر الگوی فضایی حاصل تصمیم‌گیری‌های انسانی است (شکویی، ۱۳۸۶). فرآیند و شکل‌یابی سازمان فضایی مناطق کلان‌شهری تحت تأثیر عوامل کالبدی مرتبط با بستر طبیعی و همچنین عوامل سیاسی و در واقع فرهنگ حاکمیت رایج در منطقه کلان‌شهری، فرم اختصاصی و محلی می‌یابند (Simmonds & Hack, 2001). مفهوم



فعالیت در شهرهای بزرگ و از سویی شکل گرفتن جریان پویای پراکنده شدن و مرکزگریزی جمعیت - فعالیت، متناقض نمای متروپلی‌زاسیون را پدید می‌آورد. این دو فاز، به دو مرحله متروپلی‌زاسیون منجر می‌شود:

– تمرکز عمومی از مناطق مختلف به سمت مراکز مادرشهرها و در پی آن پراکنده شدن داخل حوزه‌ی مادرشهری از مرکز به حومه (Moriconi, 2000). زبردست و حاجی‌پور با عنوان «پویا همزمان پیوستگی و گسیختگی» (زبردست و حاجی‌پور، ۱۳۸۸) از این خصیصه نام برده‌اند و همچنین معتقدند اشباع و گرانی زمین و ساختمان به موجب فزونی تقاضا برای فضا در مراکز شهرهای بزرگ، و دسترسی همزمان به مناطق و نواحی دوردست در پی بهبود شیوه‌های حمل و نقل، به رانش جمعیت و فعالیت‌های تولیدی زمین‌بر از نواحی مرکزی به پیرامون و هاله شهری می‌انجامد. در واقع برخی معتقدند پدیده‌ی منطقه کلان‌شهری، برآیندی است از مجموعه فرآیندهایی که در روند تحول و تکوین مادرشهر به منطقه کلان‌شهری رخ داده است. این مادرشهرها در مقطعی از فرآیند توسعه و تمرکز خود، در پی افزایش هزینه‌های ناشی از انبوهی و تجمع، به پالایش عملکردی پرداخته‌اند و بخشی از عملکردها و به همراه آن جمعیت را در فضاهای پیرامونی‌شان پراکنده‌اند. بدین ترتیب پس‌کرانه‌های وسیعی از جاذبه و نفوذ در هاله‌ی پیرامونی کلان‌شهری به وجود آمده، تا جایی که پویا جست و جوی فضا برای اشتغال و اسکان را می‌توان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری مناطق کلان‌شهری قلمداد کرد.

برخی دیگر نیز تعریف این مفهوم را به گونه‌ای مرتبط با نظام شهری مطرح ساخته‌اند. بر این اساس، کلان‌شهری شدن عبارت است از فرآیند حرکت و یا جدال برای داشتن مکانی برجسته در سلسله مراتب نظام شهری و منطقه‌ای. این فرآیند فراتر از رشد و گسترش کمی شهرنشینی در مفهوم کلاسیک آن است، و در واقع تمرکز کیفی عملکردهایی است که مادرشهر را به کانون رقابت با دیگر مراکز، به منظور تقویت و تحکیم جایگاه آن، تبدیل

متروپلی‌زاسیون، اغلب برای تبیین روند شکل‌گیری مناطق کلان‌شهری به کار گرفته می‌شود. این پدیده، شهرهای زیادی از کشورهای توسعه‌یافته را تحت تأثیر قرار داده است. این فرآیند معمولاً بر اثر تغییرات به وجود آمده در دوران پساصنعتی همچون رشد سریع خدمات سطح بالا برای سلطه‌ی اطلاعات و تحولات وسیع فرآیندهای تولید حاصل شده است. این روند موجب تخصصی شدن فرآیندهای فعالیت‌های شهرهای درگیر (از جنبه‌هایی چون اطلاعاتی و نیروی کار ماهر) و همچنین ایجاد تحول در ساختار اقتصادی و سازمان فضایی آن‌ها می‌شود. به همراه این بازسازی اقتصادی، متروپلی‌زاسیون به معنای تغییر شکل فضای منطقه شهری، به خصوص از طریق ظهور «ساختارهای چندمرکزی»^۵ و همچنین تخصصی شدن مراکز شهری برای عملکردهای خاص است. این ساختارهای جدید اقتصادی و فضایی، دربرگیرنده تعاملات نزدیک و فشرده‌ای است. تغییرات در نقش مادرشهرها در نظام داخلی و بین‌المللی خود و بدل شدن به گره‌هایی مهم در تعاملات جهانی، از دیگر نشانه‌های این روند است (Bourdeau & Huriot, 2002). این بدان معنا است که متروپلی‌زاسیون به صورت منطقی می‌تواند از طریق تمرکز عملکردهای منطقه کلان‌شهری، سازمان فضایی داخل شهر، و شدت یافتن طیف تعاملات خارجی آن درک و شناخته شود. تغییر ساختار اقتصادی و فضایی حاصل از متروپلی‌زاسیون، روندی آشنا در کشورهای صنعتی شده به شمار می‌آید. بوردو لویژ متروپلیس را با ترادبسی اصلی اقتصاد پساصنعتی و فرآیندهای تجمعی مرتبط می‌داند (2011 Bourdeau).

۱.۱ متروپلی‌زاسیون و چند مرکزگرایی^۶

زوج جهانی شدن - متروپلی‌زاسیون به عنوان موتور تحولات دنیای امروز عمل می‌کند. فرآیند دوم با ساختار داخلی گسترش شهری و منطقه‌ای، به عنوان محصول قرارگیری سکونت و فعالیت در عرصه‌ی فضا معنا می‌یابد. این دو فرآیند منجر به کنترل تخصصی شدن فضایی و مرکزگرایی‌های جدید می‌گردد. حرکت و تمرکز جمعیت و

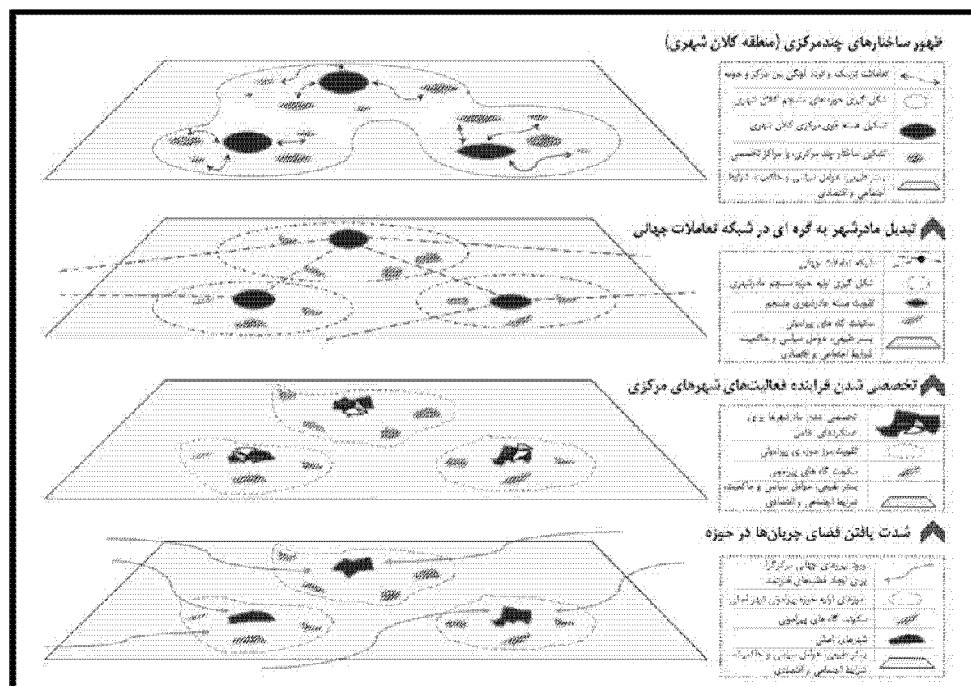
5. Multicentric Structures

6. Polycenerism

می‌کند (زبردست و حاجی پور، ۱۳۸۸). این روند با رویکردها و عملکردهای مختلف، دارای پیامدهای مثبت و منفی بوده است (Bourne, 1999). متروپلی‌زاسیون ممکن است بر اثر دلایل مختلف همچون ناتوانی یا ناهماهنگی مدیریت منطقه‌ای و محلی و رشد پراکنده بر اساس گرایش‌های معمول اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... به شکل‌گیری مراکز مجزا و منطقه‌ای با نابرابری و عدم تعادل، منجر شود. فرم مناطق کلان‌شهری در اثر متروپلی‌زاسیون ناصحیح و پراکنده شدن قطب‌های جدید، عاملی برای دشوار ساختن مدیریت و کنترل منطقه به حساب می‌آید. در اکثر موارد، به غیر از افتراق فضایی، ایجاد انواع مختلف از سیستم‌های شهری و روستایی با خصوصیات متفاوت و حتی متضاد، مشکلات بیشتری را پدید می‌آورد. از جمله خصوصیات اصلی این‌گونه از رشد منطقه‌ای می‌توان به مقیاس گسترده جغرافیایی و جمعیتی، پراکندگی توسعه (که لزوماً به معنای تراکم کم نیست) و ترکیبی از مرکزگرایی و توسعه هسته‌ای و فرم‌های حومه‌ای اشاره نمود. این مناطق با پیچیدگی انبوه در زمینه‌هایی همچون اقتصاد منطقه‌ای، مراکز تولید، منظر اجتماعی و فضاهای

زندگی شناخته می‌شود. فراهم شدن خدمات عمومی و بخش‌های تجاری به عنوان زیرساخت‌های نوین، شرایط را برای تجمع افراد در نقاط جدید ایجاد می‌کند (Pyka, 2010). در شکل زیر، مراحل حرکت به سوی ساختارهای چندمرکزی در فرآیند کلان‌شهری شدن به صورت تصویری و با زبان ساده‌ی نمادین بیان شده‌است. باید توجه داشت که در تمام تعاریف ارائه‌شده در مورد فرآیند کلان‌شهری شدن و مفاهیم مرتبط، تاکید اصلی بر تغییر نقش‌ها است. همان‌طور که دومتریکا و دینو نیز اشاره کرده‌اند، متروپلی‌زاسیون فرآیندی است که از دیدگاه ساختار عملکردی به پیکربندی مجدد فضایی منجر می‌شود (Dumitric & Dinu, 2013). البته این فرآیند از دیدگاه جغرافیایی و یا فعالیتی می‌تواند نمودهایی مانند بازتعریف گروه‌های جمعیتی در نقاط سکونت‌گاهی و یا گردهم آمدن و تخصصی شدن فعالیت‌ها را در پی داشته باشد، اما بدان معنا نیست که حرکت به سوی کلان‌شهری شدن، با تغییرات اساسی در مرزهای روستا، شهر و شهرستان آغاز شود.

۱.۲ پراکنده‌رویی یا خزش شهری در مناطق کلان‌شهری در ادبیات ریشه‌های مناطق کلان‌شهری، به پرکنده‌رویی



شکل ۱. حرکت به سوی ساختارهای چندمرکزی در فرآیند کلان‌شهری شدن؛ ماخذ: نگارندگان.

اشاره می‌شود. تداوم پراکنده‌رویی و خزش شهری^۷، از عمده‌ترین مسائل مناطق کلان‌شهری، که به معنی گسترش فضایی بی‌رویه و نامنظم ساخت و سازهای کلان‌شهری است. پراکنده رویی در فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به معنای پخشایش کنترل نشده‌ی توسعه بر روی زمین روستایی یا زمین توسعه نیافته است. تبدیل زودرس زمین‌های روستایی یا زمین‌های جنگلی به کاربری شهری و توزیع توسعه به خارج از شهرها است (سیف‌الدینی، ۱۳۸۵). این در حالی است که در بخشی از رشدهای جدید در حوزه‌های مادرشهری، حرکت به سوی تبدیل به کاربری‌های شهری صورت نمی‌گیرد یا در برخی دیگر، توسعه همزمان کاربری‌های مختلف شهری بروز نمی‌یابد و معمولاً به سکونت بدون تسهیلات و زیرساخت‌های اولیه محدود می‌شود. میزان بالای تملک اتومبیل، وجود تسهیلات حمل و نقل پیشرفته مرکز-پیرامون، تنزل کیفی زندگی در مراکز شهری بزرگ در همراهی با ارزان بودن زمین در پیرامون مادرشهرها، اعمال کنترل ضعیف بر رشد در خارج از محدوده شهرداری‌ها و زمین‌های کشاورزی اطراف و فقدان مرجع و رویکرد یکپارچه در حکمروایی این‌گونه مناطق موجب تشدید روند پراکنده‌رویی می‌گردد (طیبیان و اسدی، ۱۳۸۷)، که در گونه‌ی مورد بحث در پژوهش حاضر، بسیاری از مشخصه‌ها و زمینه‌های بیان شده (همچون حمل و نقل پیشرفته مرکز-پیرامون) جایگاهی ندارد. از مشکلات اساسی مناطق کلان‌شهری در روند این الگو، برنامه‌ریزی و کنترل کاربری‌ها است. با وجود نظام مقررات کاربری زمین به صورت نامتمرکز، اجتماعات محلی هر یک دارای منطقه‌بندی، مقررات ساختمانی و صدور جوازهای تفکیک اراضی ویژه خود است که به صورت مستقل و بدون در نظر گرفتن تضاد با تصمیم‌گیری نواحی مجاور عمل می‌کند (Sn, 1999). پراکنده‌رویی در کشورهای در حال توسعه اغلب به صورت سکونت‌گاه‌های خودرو در مناطق پیرامونی شهرهای بزرگ یا روستاهایی با نرخ رشد بسیار بالای جمعیتی است و در کشورهای توسعه‌یافته به صورت مناطق

حومه‌ای نظیر مناطق گردشگری، شهرک‌های تفریحی و یا در مسافت‌های دورتر شهرهای جدید فعالیتی و سکونتی مستقل مشاهده می‌شوند (داوودپور، ۱۳۸۸). این روند پیامدهای زیست‌محیطی متعددی را در بر داشته است. مصرف زمین کشاورزی برای توسعه مسکونی و انرژي در این نوع توسعه بسیار بیشتر از توسعه‌های فشرده است و به تبع آن آلاینده‌های بیشتری نیز وارد بوم‌سازگان طبیعی و مصنوعی می‌گردد (2006 EEA). تعدد قلمروهای حکومتی و مدیریتی مستقل درون یک منطقه کلان‌شهری از طریق ممانعت از برنامه‌ریزی هماهنگ منطقه‌ای و رقابت بین محلی برای رشد و نیز کسب درآمدهای مالیاتی موجب بسط پراکنده رویی می‌گردد (طیبیان و اسدی، ۱۳۸۷). با بررسی شاخصه‌هایی که پیش از این برای پراکنده‌رویی و ابعاد آن آمد، مشخص می‌شود که الگوی مذکور نیز چارچوبی مشخص و قابل قبول برای توصیف و تبیین گونه‌ی تازه‌ی رشد در مناطق کلان‌شهری به هم نمی‌رساند.

مشخصات گونه‌های بیان شده که جهاتی از گسترش فضایی و تحولات مناطق کلان‌شهری را بیان می‌کند در بیان مختصاتی روشن از پراکنش‌های مورد بحث این پژوهش نارسا به نظر می‌رسد. به بیانی دیگر، هیچ‌کدام به صراحت در مورد شکل‌گیری برخی سکونت‌گاه‌ها در محدوده فراگیر مناطق کلان‌شهری که ظاهراً هیچ پیوستگی و ارتباط کالبدی و فیزیکی با مادرشهر مرکزی ندارد و در عین حال، در ارتباط و تحت تاثیر مستقیم مادرشهر است، مطلبی ارائه نمی‌کند.

۲ روش‌شناسی

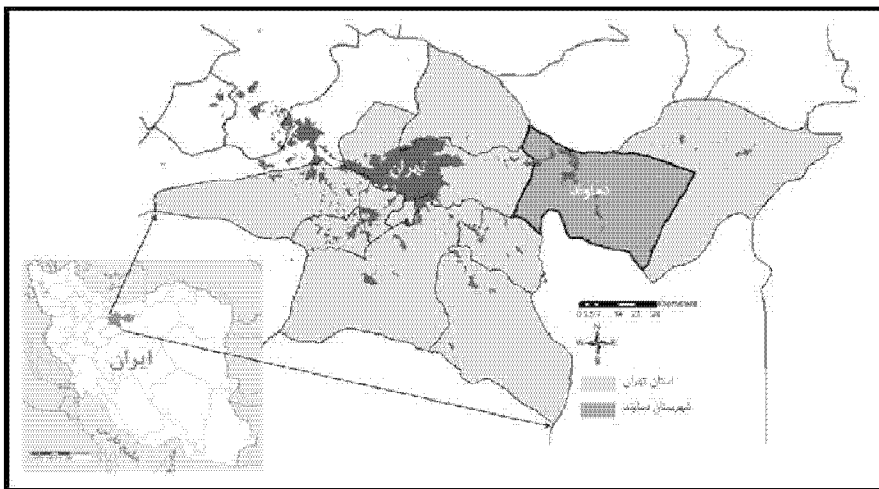
در پژوهش حاضر، هدف تبیین ابعاد و روند رشد و گسترش سکونت‌گاه‌های جدید در مناطق کلان‌شهری پیگیری شده است. محور شرقی منطقه کلان‌شهری تهران به عنوان نمونه‌ی مورد بررسی در این مطالعه انتخاب شد. برای ورود به موضوع، ابتدا به بررسی ادبیات مرتبط و روشن ساختن فضای حاکم بر رشدهای مناطق کلان‌شهری در برخی مطالعات موجود به روش توصیفی-تحلیلی پرداخته شده است. با توجه به



سامانه‌ی پیچیده‌ی شهر و منطقه، در این پژوهش روندی گام به گام برای شناسایی ریشه‌ها و عوامل بروز ساخت و سازهای جدید در مناطق کلان‌شهری پیگیری شد. با کاندوکاو در گونه‌های ارائه شده برای انواع رشد و پراکنش سکونت‌گاه‌ها در ادبیات مرسوم، تفاوت‌هایی میان رویه‌ی گسترش‌های جدید و گونه‌های بیان شده روشن شد. با توجه به لزوم تعریف چهارچوبی مشخص برای تبیین گونه‌ی جدید رشد و پراکنش فضایی سکونت‌گاه‌ها در منطقه کلان‌شهری تهران تلاش شده با نگاهی ساختاری به مشخصات تحولات فضایی منطقه، تبیین ویژگی‌های تحول منطقه آسان‌تر شود. از این رو با توجه به ویژگی‌ها و مشابهت‌های ساختاری در روند تکوین و شکل‌گیری هسته‌های سکونت‌گاهی جدید در فواصل مشخص و ناپیوسته با مادرشهر اصلی به تشبیه این روند با روند توسعه بیماری غدد سرطانی در بدن پرداخته و مفهوم «متاستاز یا فراگستری» از علوم پزشکی به استعاره گرفته شده است. در واقع از الگوی رشد متاستاتیک یا روند گسترش غده‌های سرطانی جدید و شیوه‌ی پراکندگی آن‌ها در بدن موجودات زنده، به عنوان مدلی برای توجیح و پیگیری رشد‌های جدید مناطق کلان‌شهری بهره گرفته شد. در راستای بیان مفهوم و تشخیص روند در محدوده‌ی مورد مطالعه، از شیوه‌های کارتوگرافی و بررسی عکس‌های هوایی دوره‌ای و همچنین مشاهده و پیمایش میدانی استفاده شده

است. با مطالعه‌ی مباحث مرتبط با تومور اصلی سرطانی و فرایند متاستاز در علوم پزشکی و انطباق آن با گسترش‌های فضایی و تحولات کالبدی در محدوده‌های فراگیر مادرشهرها، الگوی تحلیلی محدوده‌ی مورد مطالعه روشن شده و مشخصات گونه جدید مورد بحث در تحول فضایی منطقه و شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های جدید تبیین می‌شود.

۳ شهرستان دماوند؛ مقصد پراکنش سکونت‌گاه‌های جدید در محور شرقی منطقه کلان‌شهری تهران
سکونت در شهرک‌ها و مجموعه‌های جدید اطراف شهرهای کوچک برای فعالیت در شهر اصلی و یا از دیگر سو، میل به گذران فراغت در محورها و نقاط روستایی خوش آب و هوا و ساخت و ساز ویلاهای روستایی، پهنه‌ها و نقاط جدیدی را در حوزه فراگیر مادرشهر تهران شکل داده است. نزدیکی و تنوع انواع سکونت‌گاه‌های جدید و شرایط مساعد محور شرقی تهران برای رشد و توسعه، موجب انتخاب محور مذکور به عنوان نمونه‌ی موردی این مطالعه گردید. نمونه‌های روشن و قابل بررسی مورد نظر به خصوص در شهرستان دماوند مورد بررسی قرار گرفته است. شهرستان دماوند در شرق استان تهران و در فاصله ۴۸ کیلومتری و در حد فاصل مسیر ارتباطی جاده هراز و تهران فیروزکوه واقع شده است. به‌طور کلی محدوده شهرستان دماوند از رشته‌کوه‌های



شکل ۲. قرارگیری شهرستان دماوند در پهنه‌ی سرزمینی؛ ماخذ: نگارندگان.

البرز و ارتفاعات شمالی تا تپه ماهور میانی و شیب‌های کم در پهنه‌ی جنوبی گسترده شده است. شهرستان دماوند به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاص آب و هوایی و خاک مناسب، شرایط مطلوبی را جهت ایجاد و گسترش فعالیت‌های کشاورزی و گردشگری فراهم آورده است. موقعیت قرارگیری شهرستان دماوند در پهنه‌ی سرزمینی در شکل زیر نشان داده شده است.

ساختار فضایی کاربری زمین در شهرستان دماوند، حاکی از آن است که اولاً بخش قابل توجهی از مساحت شهرستان به کاربری‌های بخش کشاورزی همچون زراعت، باغ‌داری، مرتع، جنگل و غیره اختصاص دارد و دیگر آن که الگوی پراکنش سکونت‌گاه‌های این شهرستان و به ویژه نقاط روستایی، متأثر از دو عامل زمین حاصل‌خیز و شبکه راه‌ها بوده است. جریان‌های جمعیتی شهرستان دماوند را می‌توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم نمود. به طور کلی سه جریان جمعیتی داخلی در شهرستان دماوند وجود دارد که شامل جریان‌های روستا به شهر، شهر به شهر و روستا به روستا می‌باشد. از این میان، جریان‌های روستا به شهر، که عمدتاً به معنای خروج نیروی کار از بخش تولید است، و جریان شهر به شهر، عمده‌تر از دیگر جریان‌ها است. مهاجرت داخل شهرستانی، عمدتاً دارای مقصد شهری می‌باشد (۸۰ درصد کل مهاجرت داخل حوزه) و این امر، نشانه ضعف بخش تولید و به ویژه تولید کشاورزی در شهرستان و در مقابل، وضعیت بهتر بخش خدمات در مراکز شهری است. به همین دلیل، هر سال، بخشی از جمعیت کشاورز و باغ‌دار شهرستان، بخش کم‌بازده کشاورزی در روستا را رها نموده و در شهرها ساکن می‌شوند. شهرستان دماوند با حوزه پیرامونی خود نیز تبادلات جمعیتی قابل ملاحظه‌ای دارد. این تبادلات، عمدتاً با استان تهران صورت می‌گیرد. جریان‌های خارج به داخل، شامل ورود کارکنان ادارات دولتی، دانشجویان، ویلانشینان در حوزه‌های پیرامون شهرها و کارگران ساختمانی می‌باشد. جریان داخل به خارج نیز غالباً شامل خروج نیروی کار روستایی و نیز، جوانان تحصیل کرده از شهرستان است.

شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های جدید برنامه‌ریزی شده همچون شهر جدید پردیس یا نمونه‌های خودرو و بدون برنامه در محور دماوند به صورت منفک و بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های مناسب از جمله حمل‌ونقل کارآمد، نبود برنامه‌ی یکپارچه برای این محور و اجرای برنامه‌های جداگانه برای هر شهر و روستا بدون در نظر گرفتن آن‌ها به عنوان یک «کل واحد»، رشد پراکنده و «لکه‌ای»^۴ در این منطقه را در پی داشته است. در سال‌های گذشته در محور شرق استان تهران (همچون دیگر محورهای منطقه‌ی کلانشهری تهران)، طرح‌های جامع و هادی در شهرها و روستاها به صورت غیر یکپارچه و جدای از هم، پیگیری شده است. گسترش توسعه‌های لکه‌ای و عدم کنترل منطقه‌ای، نوع تازه‌ای از سوداگری زمین و مسکن را به وجود آورده که تعادل فعالیت و سکونت را در سطح منطقه برهم زده است. شرایط قابل پیش‌بینی برای آینده‌ی مراکز با رشد پراکنده، می‌تواند افزایش سرعت رشد فیزیکی و پخشایش نامنظم و مرکزگرای جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی باشد که خود منجر به شکل‌گیری مراکز تمرکز جدید خواهد شد. ادامه‌ی این روند، ناکارآمدی اقتصادی و افزایش قطبی شدن اجتماعی و فضایی را در پی خواهد داشت و زمینه برای الگوهای توسعه شهری نابرابر و شرایط ناعادلانه‌ی زندگی فراهم خواهد شد.

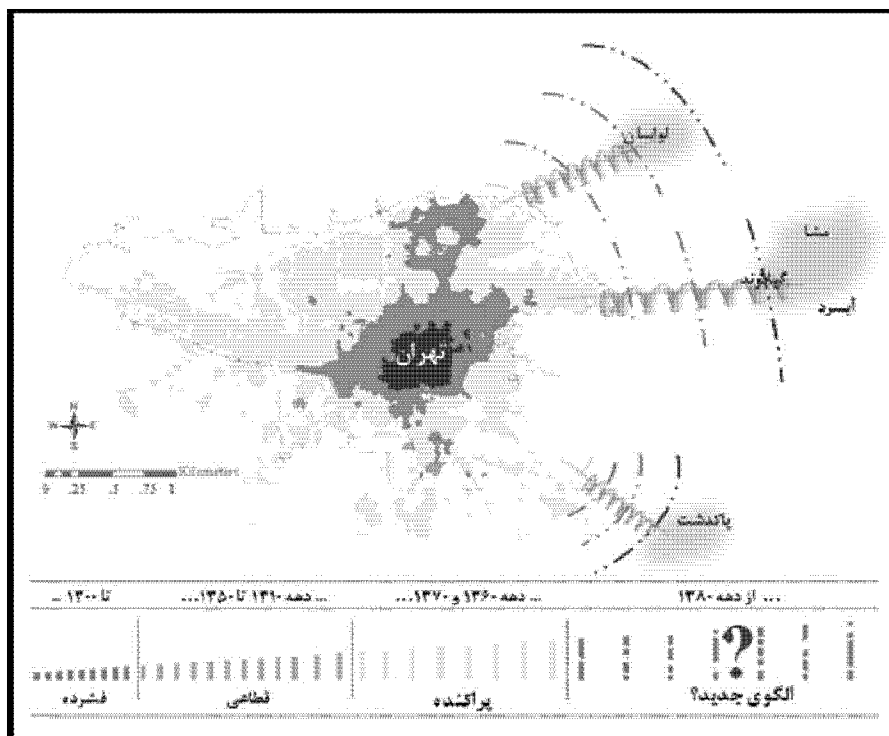
۴ الگوی جدید رشد در منطقه‌ی کلان‌شهری تهران با توجه به اینکه دریافت روح و شرایط حاکم بر توسعه منطقه، بدون بازساخت دوره‌های رشد پیشین و سیر تحول آن میسر نخواهد شد، ابتدا به صورت مختصر، به بررسی مجدد و هدفمند این روند در مورد مادرشهر تهران پرداخته شده است. شهر تهران پس از تبدیل شدن به پایتخت در سال ۱۷۸۶ میلادی، رشد سریع‌تری را نسبت به روند معمول و طبیعی موجود در ایران را تجربه کرد. ثابت ماندن مساحت شهر تا دهه ۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) موجب افزایش تراکم جمعیتی و ساخت و ساز داخل حصار شهرگشته بود. در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی با تخریب باروهای شهر، توسعه به سوی اطراف آغاز شد.



در اوایل این دوران، رشد فیزیکی شهر به صورت پیوسته در اطراف شهر صورت می‌گرفت و با توجه به روند فزاینده‌ی مهاجرت‌ها به سوی تهران، هر روز بر نیاز افراد به مسکن و فعالیت افزوده می‌شد. از همین زمان به تدریج نوع رشد سکونت‌گاه‌ها تغییر یافت و آبادی‌های زیادی در اطراف، به محدوده شهری وارد شدند به صورتی که مساحت محدوده شهری در سال ۱۳۴۵ خورشیدی با ۱۸۱ کیلومتر مربع، بیش از ۷ برابر مساحت آن در سال ۱۳۰۰ خورشیدی بوده است. رشدهای نیمه متصل و با سرعت زیاد در حومه‌های نزدیک از شاخصه‌های این دوران به حساب می‌آید. از حدود دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، پراکنده‌رویی به شخصیت اصلی

جدول ۱. شاخصه‌های اصلی روند رشد در منطقه کلان‌شهری تهران؛ ماخذ: گردآوری نگارندگان.

| شاخصه‌های اصلی الگوهای رشد در دهه‌های پیشین (از تمرکز تا پراکنده رویی) | | | شاخصه‌های الگوی جدید |
|--|--|--|---|
| دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۱۰ تا ۱۳۰۰ | | | از دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۷۰ تا ۱۳۵۰ |
| فشرده | متحداً مرکز نیمه متصل در حال گذار سریع | حاشیه‌ای غالباً جدا غالباً نامتمرکز با تراکم پایین | پراکنده در مجاورت شهرهای درجه دوم و سوم کاملاً مجزا از شهر مرکزی نامتمرکز تراکم پایین منشا گرفته از هسته اصلی |
| فشرده | قطاعی | پراکنده | الگوی جدید؟ |



شکل ۳. الگوهای گسترش مادرشهر تهران به سوی منطقه کلان‌شهری از سال ۱۳۰۰ خورشیدی؛ ماخذ: نگارندگان.

توسعه سکونت‌گاه‌های منطقه کلان‌شهری تهران مبدل گشت. تفکیک زمین (اغلب منفصل از محدوده‌های موجود)، تبدیل و تغییر کاربری اراضی حومه‌ای دورتر، ساخت و ساز با تراکم‌های کمتر و با فاصله و مشکلات دسترسی و تأمین تسهیلات و زیرساخت‌ها را می‌توان به عنوان شرایط حاکم در آن زمان برشمرد. همانطور که در شکل زیر مشخص شده، شهر تهران با حرکت از فشردگی و تراکم به سوی پراکنده‌رویی، به منطقه‌ی کلان‌شهری با تمرکزهای دور از هم و بدون تبعیت از قوانین و برنامه‌ها مبدل گشته است. با تقسیم‌بندی سه دوره از دهه ۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) تا دهه ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی) و پس از آن، شاخصه‌های اصلی قابل تبیین هستند. در جدول زیر، شاخصه‌های اصلی روند رشد در منطقه کلان‌شهری تهران بیان شده است.

اما توسعه‌ی منطقه در سال‌های اخیر با الگویی جدید هم‌سان شده که بدون شناخت مشخصه‌ها و ابعاد اصلی آن، برنامه‌ریزی و مدیریت آینده میسر نخواهد بود. به نظر می‌رسد رشد تهران در سال‌های اخیر (با تغییر از شکل دوایر متمرکز به رشد شبه سرطانی)، با منشأ شهر اصلی به سوی زمین‌های اطراف شهرهای کوچکتر منطقه پراکنده شده است (شکل ۲).

این نوع از رشد شباهت‌هایی با پراکنده‌رویی دارد اما با توجه به شاخصه‌های جدید آن، بهتر است الگوی تازه‌ای برای شناخت و اندازه‌گیری آن بیان شود. در واقع سؤالی پیش می‌آید که چگونه این الگو قابل نام‌گذاری، تحلیل و آمایش است؟ به میان آوردن نام‌ها و مدل‌های جدید برای تبیین گونه‌های توسعه، هدفی فراتر از شناخت ظاهری و نام‌گذاری صرف دارد؛ در واقع با شناخت کامل این پدیده، مقدمات تصمیم‌سازی برای برنامه‌ریزی و اجرا در آینده فراهم می‌آید.

۴.۱ رشد متاستاتیک (فراگستری)؛ رویه‌ای تازه در رشد پراکنده

با توجه به اینکه دسته‌بندی‌های متعدد برای انواع رشد در مناطق کلان‌شهری ارائه شده، اما به نظر می‌رسد بر اساس روندهای بررسی شده در پژوهش حاضر به ویژه با تأکید بر سکونت‌گاه‌های شهرستان دماوند در محور شرقی تهران، بتوان الگوی رشد سکونت‌گاه‌های جدید

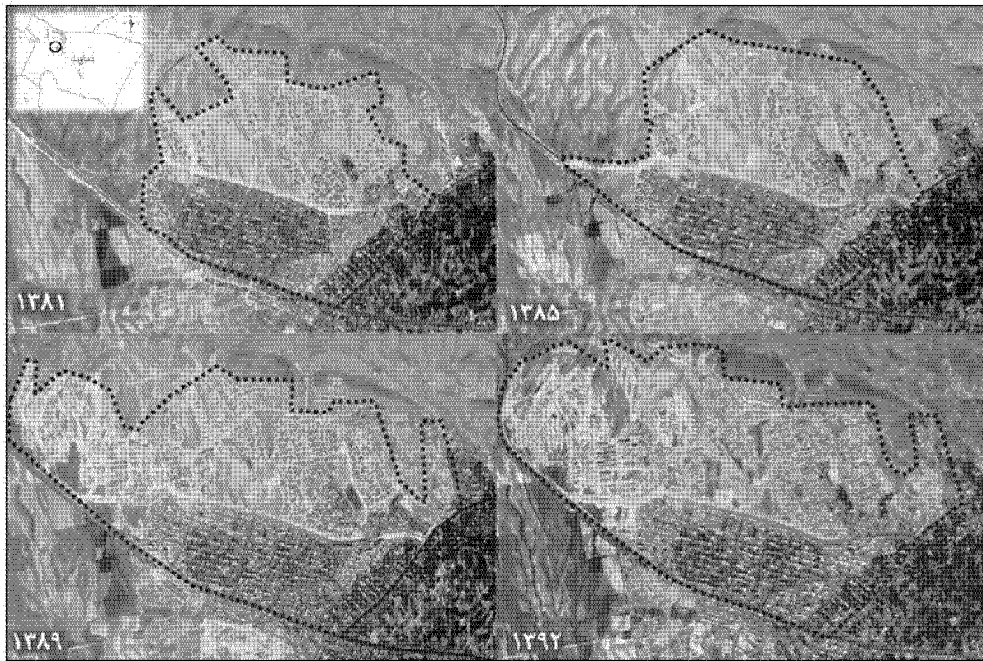
در منطقه‌ی کلان‌شهری تهران را به چند دسته تقسیم نمود:

● نوع اول: سکونت‌گاه‌هایی که معمولاً با تبدیل روستا به شهر یا خودرو گسترش یافته‌اند. ساختمان‌های کم کیفیت، آلودگی محیط بر اثر نبود زیرساخت‌ها، پایین بودن کیفیت زندگی و وجود تمایل زیاد ساکنان برای مهاجرت به شهرهای اصلی منطقه را می‌توان از جمله خصوصیات اصلی این گونه سکونت‌گاه‌ها برشمرد. اکثر ساکنان این گونه از سکونت‌گاه‌ها را افرادی از اقشار پایین جامعه و معمولاً مهاجران غیر متخصص تشکیل می‌دهند. از این گونه، در جنوب شرق و جنوب غرب شهر تهران می‌توان به محدوده‌هایی همچون پاکدشت، قرچک، حسن آباد و یا اسلام‌شهر اشاره نمود.

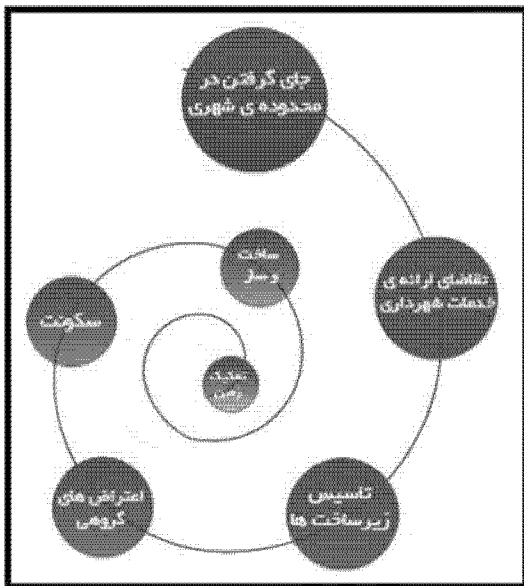
● نوع دوم: شهرک‌هایی با آپارتمان‌هایی با ساکنان قشر متوسط که در واقع مجموعه‌های تعاونی و یا سازمانی به شمار می‌آید (مجموعه‌هایی که اغلب ساکنان آنها در تهران فعالیت می‌کنند). ساکنان شهرک‌های مذکور با سطح درآمدی متوسط، در مجموعه‌هایی آپارتمانی با گونه‌بندی مشترک و مصالح معمولی زندگی می‌کنند. در واقع این مجموعه‌ها را می‌توان خوابگاه‌های بزرگی نامید که ساکنانشان به صورت روزانه برای کار یا برطرف کردن نیازهای اساسی خود، به یکی از شهرهای اصلی منطقه (به خصوص تهران) سفر می‌کنند. برای نمونه می‌توان به شهرک گیلاوند در ورودی غربی شهر دماوند اشاره نمود. در نمونه‌هایی همچون گیلاوند، مراحل ساخت ساختمان‌ها پیش از تأمین زیرساخت‌های شهری شروع شده است. افراد پس از سکونت و مواجهه با مشکلات موجود، با چند دوره اعتراض‌های گروهی، سازمان‌های مختلف را مجبور به ایجاد زیرساخت‌ها نموده‌اند (که به صورت ناقص و ناتمام صورت گرفته). در شکل زیر موقعیت محدوده‌ی ساخت و ساز گیلاوند در بخش ورودی شهر دماوند از سوی جنوب غربی مشخص شده است. در شکل‌های زیر، روند رشد گیلاوند از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ نشان داده شده است.

درواقع یکی از گونه‌های رشد اطراف شهر در شهرستان دماوند به صورت الگویی مخرب و تکرار شونده به راه خود ادامه می‌دهد. با قرار گرفتن یک محدوده در مرز جدید





شکل ۴. روند رشد و ساخت و سازهای گیلانود از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ (برگرفته از عکس‌های هوایی گوگل ارت)



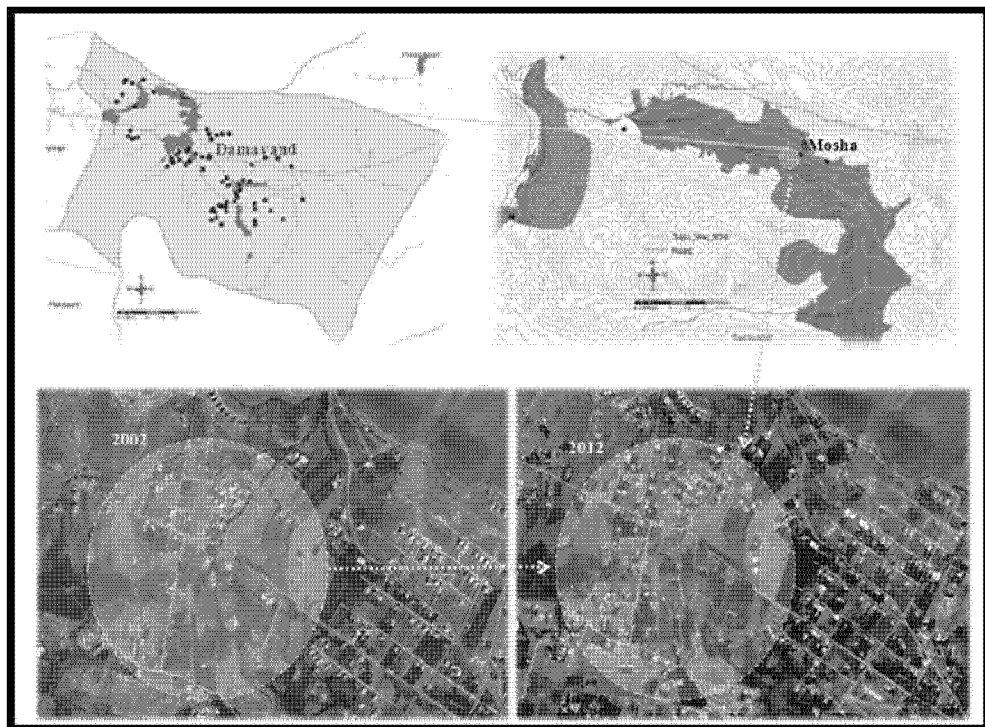
شکل ۵. الگوی مغرب‌گسترش حومه‌های شهری اطراف شهرها در شهرستان دماوند؛ ماخذ: نگارندگان.

محسوب می‌شود. از محدوده‌های روستایی که مقصد ویلاسازی‌های لوکس منطقه کلان‌شهری تهران به شمار می‌آید، می‌توان به کردان و برقان در غرب، لواسان در شمال و مشا و آبسرد در شرق (شهرستان دماوند) اشاره نمود که الگویی کاملاً متفاوت با توسعه سکونت‌گاه‌های دائم در فضاهای حومه‌ای مادرشهر دارد.

شهر، زمین‌های بخش کناری با شرط عدم تقاضای زیرساخت، تفکیک و فروخته می‌شود. این روند را می‌توان به صورت ساده شده، در شکل زیر به نمایش گذاشت.

زمین‌های جنوبی محدوده ورودی شهر دماوند با نام جیلانود در ابتدای این روند قرار دارد، به طوری که بر اساس مشاهده‌های میدانی، در حال حاضر مراحل ساخت بدون زیرساخت در بعضی قطعه‌ها آغاز شده که با در نظر گرفتن رویه مرسوم و عدم کنترل و اصلاح آن، در سال‌های آتی همچون محدوده‌ی گیلانود به شهر دماوند الحاق خواهد شد و نوعی گسترش فضایی شهر را در پهنه‌های خاص به دنبال خواهد داشت.

● نوع سوم: سکونت‌گاه‌هایی با خانه‌های مجلل که با اهدافی همچون تفریح و خوش‌گذرانی، برای روزهای محدودی در سال و معمولاً اواخر هفته و یا روزهای گرم سال مورد استفاده‌ی گروه‌های درآمدی بالا قرار می‌گیرد. این گونه سکونت‌گاه‌ها از الگوی فضایی مشخص و منظمی پیروی نمی‌کند و در بسترهای جغرافیایی با شرایط آب و هوایی و چشم‌انداز مناسب پراکنده می‌شود. در واقع الگویی جدید از رشد سکونت‌گاهی در مناطق، با ساکنان اغلب تهرانی



شکل ۶. رشد خانه‌های دوم در حومه‌های روستایی مشا، از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ (برگرفته از نقشه‌های اطلاعات جغرافیایی استان تهران و عکس‌های هوایی گوگل ارت)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

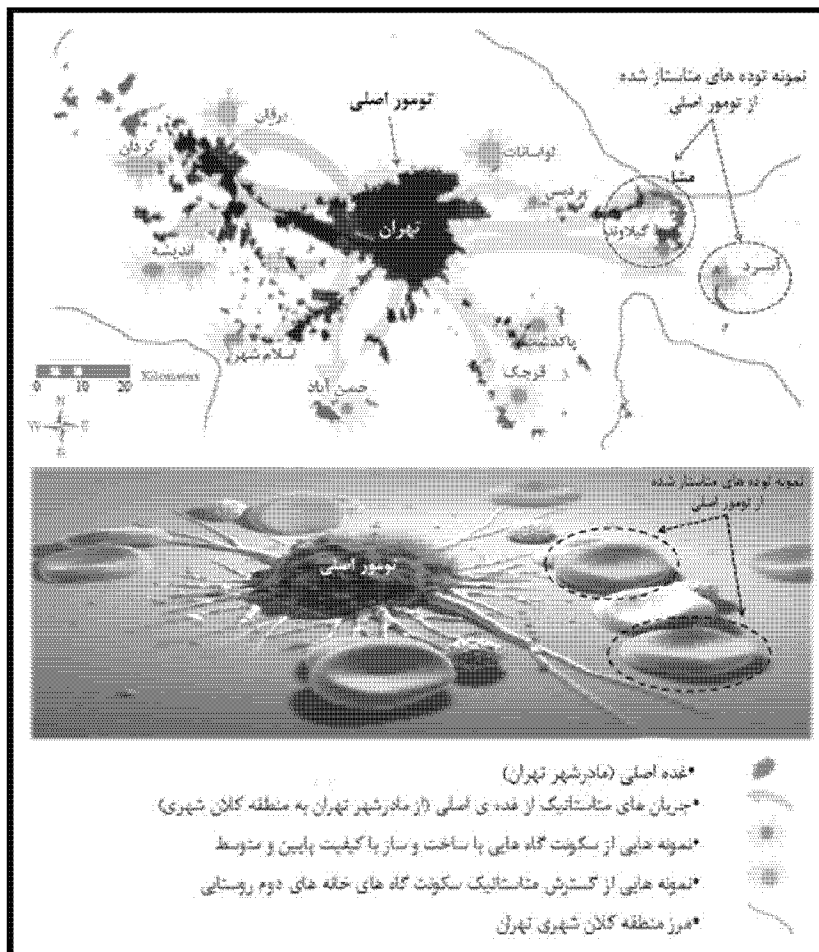
۲۳۹

گسترش ثانویه و بدخیم‌رشدی در فاصله از محل اولیه سرطان اطلاق می‌گردد. سلول‌های سرطانی به قسمت‌های مختلف بدن سفر می‌کند و در برخی از آن‌ها رشد کرده و تومورهای جدیدی شکل می‌دهد که جایگزین بافت طبیعی خواهد شد. این پدیده زمانی اتفاق می‌افتد که سلول‌های سرطانی به جریان خونی و یا رگ‌های لنفاوی راه یابد. (انجمن سرطان آمریکا)^{۱۰} هرچند این واژه، محتوایی پزشکی دارد، اما با نگاهی دقیق‌تر، می‌توان آن را به نوعی برای گسترش سکونت‌گاه‌های جدید در قالب‌های متفاوت نیز به‌کاربرد. از آن جایی که برخی از گونه‌های گسترش جدید در مناطقی دور از مادرشهر و اغلب بدون پیوستگی کالبدی با آن گسترش می‌یابد، می‌توان آن‌ها را بخشی از توسعه مادرشهر دانست که در دامن طبیعت خود را نشان می‌دهد. با بررسی این مفهوم در مطالب پزشکی می‌توان درک بهتری از این گونه رشد به دست آورد. با توجه به گزارش‌های جامعه علمی سرطان آمریکا،

نحوه پراکنش آن‌ها می‌تواند به عنوان گونه‌ای جدید تلقی گردد که متأثر از رشد فضایی تهران به سوی فضاهای پیراشهری است. این خانه‌ها در زمین‌های اطراف روستاها و در نزدیکی شهرهای کوچک‌تر منطقه، بدون تبعیت جغرافیایی از مسیر، شیب، منظر، فاصله و نسبت قرارگیری با ساختمان‌های دیگر و ... ساخته می‌شود. روستای مشا در قسمت شمالی شهرستان دماوند، به عنوان یکی از این گونه روستاها به حساب می‌آید. رشد و پراکندگی ویلاهای لوکس در این روستا با الگویی بدون برنامه و بدون توجه به شرایط روستا در سال‌های اخیر، یکی از گونه‌های رشد الگوی جدید به حساب می‌آید. در شکل زیر روند ساخت و ساز از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ به تصویر درآمده است.

تشابه زیاد شکلی و رویه‌ای میان ایجاد این سکونت‌گاه‌ها و تومورهای سرطانی وجود دارد، از این رو می‌توان نام رشد متاستاتیک^۹ یا فراگستری را برایش برگزید. همان‌طور که در فرهنگ آکسفورد آمده، «متاستاز» به

9. Metastatic Growth
10. American Cancer Society



شکل ۷. شباهت گسترش فضایی جدید منطقه ی تهران و رشد متاستاتیک (فراگستری) سلول های سرطانی (تصویر مربوط به غده ی سرطانی برگرفته از TRBR, 2012 می باشد)

دیگر متاستاز کرده و نمودار شده اند که اصولاً شخصیت مستقلی از یک سکونت گاه به همراه ندارد. این پهنه های سکونت گاهی هر چند جدا از مادرشهر اصلی است ولی کاملاً ناشی از آن و مرتبط با آن می باشد. لذا پرداختن به آن ها نمی تواند و نباید منتزع از مسائل مادرشهر اصلی باشد. در مورد رشد مناطق کلان شهری نیز برای رسیدن به راهکارهای اساسی باید به اصلاح روندهای ناقص و مشکل ساز در مراکز اصلی پرداخته شود. با بیانی دیگر، رشد نامتناسب خانه های دوم در حومه های روستایی در شهرستان دماوند یا سکونت گاه هایی چون گیلاوند در حاشیه ی شهرهای درجه دوم و سوم، بازتاب تجمع سرمایه و فعالیت در شهر تهران و تغییر نگرش ساکنانش به زندگی روستایی و شکل گیری فرهنگ نوین گذران اوقات فراغت در روستا یا تعیین مکان زندگی در منطقه

سلول های سرطانی بدون در نظر گرفتن نوع پراکندگی شان در بدن، با نام ارگان منشا سرطان خوانده می شود. برای مثال سلول های سرطانی کبد که به مغز استخوان پراکنده شده اند سرطان کبد خوانده می شود. برخی سلول های سرطانی که از بافت اولیه جدا می شود، بدون رشد از بین می رود و تعدادی دیگر با توجه به شرایط بافت پذیرنده، ادامه ی حیات داده و رشد متاستاتیک را پدید می آورد.

پیدایش پهنه های جدید از گونه های اسکان در محدوده های کاملاً جدا و به دور از مادرشهر و حتی شبکه راه های اصلی، مانند ویلاهای مشا و شهرک های ویلایی آسبرد در منطقه دماوند کاملاً در ارتباط با مادرشهر (به عنوان تومور اصلی) را می توان منطبق با توده های سلولی جدید تومور اصلی سرطان دانست که در جاهای

کلان‌شهری تهران و فعالیت در شهر اصلی به حساب می‌آید.

شکل زیر نمونه‌هایی از نقاط متاستاز شده از تومور اصلی یعنی شهر تهران را نشان می‌دهد. همچنین در شکلی نمادین که برگرفته از پژوهش صورت گرفته توسط گروه تحقیقاتی دانشگاه ناتینگهام^{۱۱} در سال ۲۰۱۲ در مورد سرطان سینه می‌باشد، شباهت روند متاستاز در سلول‌های سرطانی با شرایط منطقه کلان‌شهری تهران نشان داده شده است.

البته در این میان، تمایل روستاییان برای فروش زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها به منظور ساخت ویلا، به عنوان رکن دیگر وقوع این نوع از ساخت و ساز نوع سوم، ایفای نقش می‌کند. وجود انگیزه‌های اندک کشاورزان برای باقی ماندن در روستا به علت سود ناکافی بخش کشاورزی و کمبود فعالیت در بخش صنایع تبدیلی کشاورزی در شهرستان و کم‌رنگ شدن نقش فعالیت کشاورزی نسبت به خدمات، استفاده از ادوات و امکانات قدیمی کشاورزی، عدم شکل‌گیری اصناف و تعاونی‌های مستقل کشاورزی روستایی و تأثیر منفی ساخت و سازهای جدید بر کیفیت و میزان دسترسی به منابع آبی منطقه، از جمله عوامل ترغیب روستاییان به فروش زمین برای کسب درآمد به حساب می‌آید. همچنین عدم رعایت قوانین مربوط به زمین‌های اطراف شهرها و متولی‌گری‌های غیر اصولی در راستای واگذاری زمین‌های غیرشهری و یا حتی اراضی عمومی و مراتع به ارگان‌ها و تعاونی‌ها و به دنبال آن، ورود سوداگران و بورس‌بازان زمین به عرصه‌های مالکیت زمین‌های مذکور نیز شرایط را برای تبدیل جریان‌های سرطانی جدا شده از تومور اصلی به متاستازهای جدید فراهم می‌کند. در واقع جریان‌های سرطانی از شهر تهران به سوی فضاهای اطراف گسیل شده و در نقاط پذیرنده، تومورهای سرطانی جدیدی را تشکیل می‌دهد.

این الگوی نوین می‌تواند پیامدهای گوناگونی بر محیط داشته باشد. هرچند در نگاه اول، می‌توان بیان داشت که نوعی روند مرکزگرایی نسبت به تهران را نشان می‌دهد، اما از آنجایی که اسکان در ویلاهای لوکس، تنها در بخش

اندکی از سال وجود دارد، و یا اسکان و فعالیت در دو نوع سکونتی اول (اقشار کم‌درآمد) و دوم (اقشار متوسط) در حوزه جغرافیایی مشترک با هم همراه نمی‌شود، نمی‌توان چنین روندی را تشخیص داد. علاوه بر آن، گسترش با الگوی ظاهری نامنظم این سکونت‌گاه‌ها در منطقه، ضمن آن که منظر طبیعی منطقه را خدشه دار نموده، به مصرف بیشتر منابع، نیز منجر شده است. از منظر اجتماعی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای این روند را می‌توان اثرات آن بر شهرها و روستاهای پیرامون دانست.

عدم تجانس و ناهمگونی شدید فرهنگی و اقتصادی ساکنان ویلاهای جدید با ویژگی‌های فرهنگی سایر ساکنان بومی، تعارض‌های جدی را در این فضاها ایجاد می‌کند که به نوبه‌ی خود، نیازمند بررسی گسترده‌ای است. ساخت و سازهای سال‌های اخیر با تغییر پوشش گیاهی ناحیه، و تغییر کاربری‌های متعدد، روند توسعه‌ی روستاها را کاملاً دگرگون ساخته است و رشد متاستاتیک، تأثیرات مخربی بر محیط زیست منطقه به همراه دارد.

بخش قابل توجهی از این شرایط با پیش‌بینی‌ها و پیشنهادهای طرح‌ها و برنامه‌های استان تهران مغایر بوده است. برای مثال، محدوده‌ی روستای مشا در شمال شهرستان دماوند، در برنامه‌ی آمایش استان تهران (سال ۱۳۸۵)، محوری متناسب برای فعالیت‌های متمرکز و گسترده‌ی گردشگری، با قابلیت زیاد برای باغداری و درختکاری در نظر گرفته شده بود (مهندسین مشاور آمایش و توسعه البرز، ۱۳۸۹)، که در حال حاضر با ساخت و ساز ویلاهای روستایی از برنامه تبعیت نشده است. خانه‌های لوکس در «مشا» و برخی از روستاهای دیگر در دماوند معمولاً در ۲ تا ۳ طبقه با هزینه‌های بسیار بالا ساخته می‌شود. از این خانه‌ها معمولاً به عنوان سکونت‌گاه‌های تفریحی برای آخر هفته استفاده می‌شود. ساکنان روستایی در حال حاضر با کمبود منابع آب و آلودگی آب‌های زیرزمینی به دلیل ایجاد چاه برای این خانه‌های لوکس رو به رو هستند. در حال حاضر در ایران ایجاد قطب‌های قدرتمند منجر به انباشتگی مردم در مناطق مرکزی و تخلیه مناطق اطراف آن شده است. تخریب چشم‌اندازهای طبیعی در سکونت‌گاه‌های



روستایی به دلیل ساخت و سازهای جدید، انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش خدمات و تکرار این الگودر دیگر مناطق شهری ایران در سال‌های اخیر، بر ضرورت توجه به این مسائل در برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند. از سوی دیگر تغییرات در استفاده از زمین در این مناطق منجر به پیشروی بازار زمین از داخل شهرها به مناطق اطراف شده که موجب خروج سرمایه از چرخه مولد اقتصادی و ورود به بازار زمین و مسکن و پیگیری روندی مخرب در نواحی شهری و روستایی و به دنبال آن، بروز نابرابری‌های فضایی شده است.

۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روح رشدهای اخیر در مناطق کلان‌شهری همچون تهران، با تشکیل قطبی متمرکز و پراکنده شدن ناموزون سکونت‌گاه‌ها در پیرامون آن، قابل شناسایی است. این روند به جای حرکت به سوی کلان‌شهری شدن مثبت طی می‌شود. متمرکز شدن افراد برای سکونت و فعالیت در قطب‌ها و زهکشی نواحی پیرامونی، پیامدی منفی در پی ایجاد قطب‌های قدرتمند محسوب می‌شود. با بررسی نمونه‌ی تهران و نگاه خاص به محدوده‌ی دماوند روشن شد که سکونت‌گاه‌های اطراف تهران به جای پیمودن روند کلان‌شهری شدن، به قطب‌های غیر مولد و رشدهای منفک از مادرشهر ولی در ارتباط مستقیم با مادرشهر تبدیل شده است. این سکونت‌گاه‌ها به عنوان نقاطی برای جذب متقاضیان مهاجرت به مادرشهر عمل می‌کند، به نحوی که مهاجران با ورود به نقاط جدید در منطقه کلان‌شهری در صف ورود به مادرشهر (وقرارگرفتن در هسته غده سرطانی) قرار می‌گیرند. از سویی دیگر مهاجرت‌های درون منطقه‌ای موقت نیز قابل مشاهده است. رفت و آمد روزانه بین شهرک‌ها و سکونت‌گاه‌های نوع اول (اقشار کم‌درآمد) و دوم (اقشار متوسط) منطقه برای فعالیت و دسترسی به نیازها به شهرهای اصلی، و سفرهای ساکنان نوع سوم (اقشار درآمد بالا) با هدف تفریح و گذران اوقات فراغت (در نواحی روستایی) در زمان‌های خاص هفته یا سال بین شهر اصلی و مقاصد روستایی از این دست به شمار می‌آید. مطرح کردن مبحث‌گونه‌ای جدید از توسعه فضایی، ابعاد

تازه‌ای را در نوع نگرش‌های شناختی، برنامه‌ریزی و اجرایی ایجاد خواهد کرد. با توجه به سرعت فزاینده این گونه از رشد که در این پژوهش با عنوان "رشد متاستاتیک" تعبیر شده است، اهمیت ایجاد تغییر در روند مطالعات و مدیریت گسترش فضایی مناطق واضح می‌گردد. ماهیت این گونه از توسعه چه از لحاظ فضایی و جغرافیایی و چه از لحاظ جریان‌های اجتماعی و فرهنگی، مبین سطح پیچیدگی روش‌های مورد نیاز جهت مواجهه می‌باشد. پرداختن انتزاعی به مسائل تخریب محیط زیست، ناهمگونی اجتماعی پهنه گسترش‌های جدید (متاستازهای جدید)، تضادهای اقتصادی و غیره بدون لحاظ سیستمیک مسائل مادرشهر (تومور اصلی) برخوردی ساده انگارانه خواهد بود. مواجهه با این مسئله در ظرف دستورالعمل‌ها و شرح خدمات مطالعات مناطق، نواحی، شهرها در غالب طرح‌های توسعه روستا، شهر، شهرستان یا ناحیه قرار نمی‌گیرد. این موضوع، ضرورت بیشتر بازنگری آن‌ها را یادآوری می‌کند. روند مذکور در برخی مناطق کلان‌شهری ایران (همچون اصفهان، تبریز و مشهد) و جهان به صورت مشابه در حال وقوع است. با توجه به این امر، به نظر می‌رسد یافتن روشی مناسب برای مدل‌سازی و شناخت و اندازه‌گیری ابعاد آن در مناطق مختلف در مطالعات آتی ضروری باشد. با توجه به تفاوت‌های موجود میان الگوهای مناطق مختلف، نگاه منعطف و خلاق برای یافتن راه حل‌های متناسب با شرایط رشد هر منطقه می‌تواند به عنوان اصل مهمی در ادبیات آموزشی و تغییرات مدیریتی و حرفه‌ای در هر منطقه به صورت خاص مورد توجه قرار گیرد.

منابع و ماخذ

۱. داوودپور، ز. (۱۳۸۸) تعادل بخشی شهر تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، دفتر معماری و طراحی شهری.
۲. دورلند، و. ا. (۱۳۸۰) فرهنگ پزشکی دورلند، ترجمه محمد هوشمند ویژه، چاپ اول: نشر کلمه، چاپ دوم، تهران: انتشارات توتیا.
۳. زبردست، ا.، حاجی پور، خ. (۱۳۸۸) تبیین فرآیند

- Available from: <http://store.ectap.ro/articole/874>.
13. Hamilton D.K. (1999). "Governing Metropolitan Areas, Response to Growth and Change". Taylor & Francis Group.
14. EEA (European Environment Agency), "Urban sprawl in Europe - The ignored challenge", Available from: http://www.eea.europa.eu/publications/eea_report_2006_10/pdf, [Accessed 21/1/2012].
15. Merriam-Webster (1995), Medical Dictionary, Massachusetts: Merriam Webster Incorporated.
16. Moriconi-Ebrard F. (2000). De Babylone à Tokyo Les grandes agglomérations du monde. Paris, Géophrys.
17. Pyka R. (2010). "Development of the Metropolis of Upper Silesia as the result of globalisation processes in the opinion of its inhabitants – a theoretical and empirical view." In Beyond Globalisation: Exploring the Limits of Globalisation in the Regional Context (conference proceedings), 177-188. Available from: <http://conference.osu.eu/globalization/publ/22-pyka>. [Accessed: 04/10/2012]
18. Simmonds R, Hack G. (2001). "Global City Regions: Their Emerging Forms. London: Spon Press.
19. Translational & Radiation Biology Research (2012), University of Nottingham research groups. available online: <http://www.nottingham.ac.uk/Research/Groups/TranslationalRadiationBiology/Images/home-page-rotate/Metastasis.jpg>. [Accessed: 04/07/2013]
- from: شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی مناطق کلان‌شهری، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، صص ۱۰۵-۱۲۱.
۴. سیف‌الدینی، ف. (۱۳۸۵) فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، تهران: نشر آبیژن.
۵. شکویی، ح. (۱۳۸۶) اندیشه‌های نودر فلسفه جغرافیا (جلد اول)، تهران: انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی‌گیتاشناسی.
۶. طبیبیان، م. و اسدی، ا. (۱۳۸۷) بررسی و تحلیل عوامل پراکنده رویی در توسعه فضایی مناطق کلان‌شهری، فصل‌نامه هنر، شماره ۲، صص ۵-۲۴.
۷. مهندسین مشاور آمایش و توسعه البرز (۱۳۸۹) طرح تهیه و تدوین آمایش استان تهران، فصل تحلیل نظام شهری و روستایی، گزارش هشتم، معاونت برنامه‌ریزی استانداری تهران.
8. American Cancer Society (2012) Advanced Cancer. Available from: <http://www.cancer.org/acs/groups/cid/documents/webcontent/003082-pdf.pdf>. [Accessed 22/02/2013]
9. Bourdeau-Lepage L., & Hurriot, J M. (2002). Metropolization in Warsaw Economic Change and Urban Growth, Canadian Journal of Regional Science, No 21 : 3, pp 423-446. Available from: <http://www.cjrs-rcsr.org/archives/25-3/lepage.pdf> [Accessed 26/09/2012]
10. Bourdeau-Lepage L. (2011). La metropolization 15 ans apres, in Cahiers du GREThA: Groupe de Recherche en Economie Théorique et Appliquée n 2011-13, Université Montesquieu Bordeaux IV, Available from: <http://cahiersdugretha.u-bordeaux4.fr/2011/2011-13.pdf>, [Accessed: 09/07/2013].
11. Bourne L. (1999). "ALTERNATIVE MODELS FOR MANAGING METROPOLITAN REGIONS: THE CHALLENGE FOR NORTH AMERICAN CITIES". International Forum on Metropolization 22 February 1999, Santa Cruz, Bolivia.
12. Dumitrică d. Dinui t. (2013). THE METROPOLITAN AREA AS A KNEE-JERK RESPONSE TO THE MULTILEVEL GOVERNANCE AND ITS DERIVED NATIONAL PUBLIC DECISIONS. Theoretical and applied economics, vol 18, issue 6, pp 119- 138,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳

No.35 Summer 2014

۲۴۴

بررسی میزان اثربخشی مشارکت شهروندی در پیاده‌سازی شهر الکترونیک؛

مورد پژوهی: شهر سمنان

حسین الماسی* - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی سمنان، سمنان، ایران.

هومن مسگریان - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، سمنان، ایران.

رضا نگیبان - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رباط‌کریم، تهران، ایران

چکیده

توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش اینترنت از یک سو و نیاز مدیریت شهری به ایده‌های نو در اداره شهرها و ضرورت ارتقاء مشارکت شهروندان از سوی دیگر، ما را در برابر نوع جدیدی از جوامع تحت عنوان جامعه اطلاعاتی قرار داده است. از جمله پیامدهای شکل‌گیری جهان مجازی، شهر مجازی و یا شهر الکترونیک، بازتعریف برخی مفاهیم جهان فیزیکی است. تقسیمات جغرافیایی هم در محیط مجازی بازتعریف شده‌اند که شهرهای مجازی یکی از مصداق‌های آن محسوب می‌شود. سابقه پیدایش اولین شهر مجازی در ایران را به سال ۱۳۷۹، درکیش دانسته‌اند. پس از آن در برخی شهرهای دیگر کشور نیز پروژه‌هایی در خصوص شهر مجازی و شهر الکترونیک مطرح گردید. در این پژوهش بر اساس هدف در بررسی مشارکت شهروندان در اجرای شهر الکترونیک در سمنان، ابتدا گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته و در روش میدانی، مصاحبه (به‌طور منظم) و مشاهده تکمیل پرسش‌نامه انجام گرفته است و با استفاده از روش‌های کمی و آماری و بهره‌گیری از نرم افزار 2s به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. بر این اساس اکثر مردم سمنان با اجرای شهر الکترونیک در این شهر موافق بوده و عواملی مانند سطح تحصیلات، میزان درآمد، توجه به فرصت‌های شغلی، تقویت همکاری مردم، توجه به امرار معاش جامعه حضور در تشکلهای محلی و مردمی، تشویق افراد در فعالیت‌های اقتصادی، تقویت اعتقادات دینی از جمله عوامل موثر در اجرای شهر الکترونیک و تاثیرات آن است.

واژگان کلیدی: سمنان، شهر الکترونیک، مشارکت شهروندان، کیفیت زندگی شهری، شهر مجازی.

Evaluate the effectiveness of citizen participation in the implementation of electronic case study: Semnan

Abstract

ICT development in our communities has made a new kind of information society. Among the consequences of the formation of the virtual world, a virtual city or town, electronics, redefine some concepts of the physical world. The geographical divisions are defined in the virtual environment, virtual cities, it is one of the instances. Creation of the first virtual town is kish virtual city. The purpose of this research is based on the study of citizen participation in the implementation of electronic city in Semnan. The data collection was conducted library and field methods and field techniques, interview (regular) and view the completed questionnaires was conducted. In this research has used accordingly, most people agree Semnan have been implementing electronic city. Quantitative methods and data analysis using spss software are discussed. Factors such as education level, income level, according to employment opportunities, strengthening the cooperation of the people, according to local NGOs and people living in the community, encourage economic activity, to strengthen the faith of the factors in the implementation of electronic its effects.

Keywords: Semnan, electronic city, citizen participation, the quality of urban life, a virtual city.

مقدمه

تمامی ارتباطات و فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی و بهداشتی بخش‌های خصوصی و دولتی در فضای وب به صورت الکترونیکی انجام می‌شود و مهمترین مزیت این طرح صرفه جویی در وقت و هزینه است (جلالی، ۱۳۸۴). اصول شهر الکترونیک در واقع بیشتر بر روی کمیت‌ها تکیه دارد یعنی با ورود بحث‌های شهرهای الکترونیک و بحث‌های مربوط به آن در کشورهای توسعه یافته کاربری اراضی شهری تحت الشعاع این عامل قرار گرفته است. با چنین رویکردی در نظام توسعه شهری می‌توان گفت پس از پیاده سازی شهر الکترونیک رفتارهای فیزیکی شهروندان به دلایل ارتباطات فیبر نوری و اینترنتی کمرنگ ترمی شود، به طبع آن حمل نقل و شبکه‌های و زیر مجموعه آن، از جمله شبکه معابر، پایانه حمل و نقل و ایستگاه‌های مربوط به حمل و نقل درون شهری با توجه به مخاطب کم در زمینه کاربری زمین به شکل‌های مختلف تغییر پیدا می‌کند.

سوال تحقیق عبارت است از:

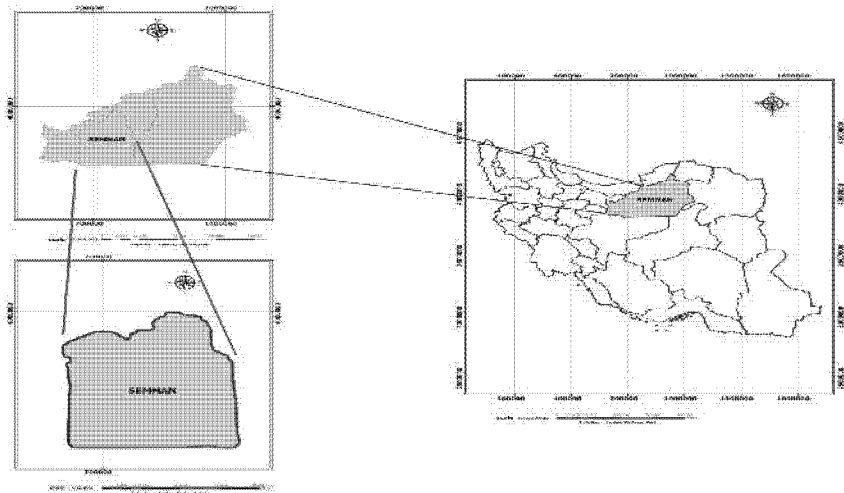
پیاده سازی شهر الکترونیک چه تاثیر بر کاربری اراضی شهری دارد؟ پیاده سازی شهر الکترونیک چه تاثیری در توسعه پایدار شهری خواهد داشت؟ آیا رویکرد مربوط به پیاده سازی شهر الکترونیک می‌تواند به تخصیص بهینه کاربری‌های شهری در ارتباط با کاربری اراضی شهری استاندارد بپردازد؟ تمام این سوالات در راستا تحقیق و فرضیات طرح شده به آنها پاسخ داده خواهد شد.

پیشینه تحقیق

برخی از مطالعات صورت گرفته قبلی در دنیا و در سطح جهان در خصوص مطالعه و امکان سنجی و ویژگی‌های شهر الکترونیک را می‌توان به صورت ذیل بیان داشت: فاکس در سال ۲۰۰۶ به بررسی معماری و اجرای شهر الکترونیک پرداخته است و همچنین استفان در سال ۱۹۹۲ در این باب سخن گفته است. اما در خصوص شهر مجازی و شهر الکترونیک و اجرای آن در ایران نیز تاکنون مطالعات بسیاری انجام گرفته است که از این جمله می‌توان به تحقیق تیریزی در سال ۱۳۸۶ با عنوان پورتال شهر الکترونیکی و آینده مجازی، پژوهش سرافرازی در سال ۱۳۸۶، تحقیق صفری در سال ۱۳۸۶ و پژوهش انجام

شهر مجازی، شهری است که موجبات آسایش و دسترسی به خدمات را برای همه شهروندان فراهم می‌آورد. شهر مجازی یا شهر الکترونیک از خصلت‌های نظام مند بودن دسترسی آسان به خدمات، فراگیری خدمات شهری و به نوعی غیر مرکزی کردن خدمات شهری همراه با چند رسانه ای بودن، تاریخی بودن و توجه به تنوع‌های قومی و دینی برخوردار است. تردیدی در این واقعیت وجود ندارد که جهان امروز به دوران تازه‌ای از حیات خویش پای نهاده، که تحت عنوان جامعه اطلاعاتی شناخته می‌شود (امینی، ۱۳۸۷). شهر مجازی، شهر نظام بخشیدن به ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه است. این شهر ظرفیت ساختن ایده آل‌های زندگی را در یک فضای شهری فراگیر و مبتنی بر چارچوب‌های قانونمند، اخلاقی و الهی دارد؛ بنابراین شهروند الکترونیک باید بیاموزد که همراه ورود به عرصه تکنولوژی باید رفتار متناسب با آن را نیز داشته باشد تا بتواند از خدمات شهر الکترونیک در یک جامعه اطلاعاتی استفاده کند (دیهم، ۱۳۸۸). نبود ظرفیت‌های مورد نیاز اجرای شهر مجازی چالش‌هایی را ایجاد نموده است. بنابراین لازم است که در زمینه پیاده سازی هر چه سریعتر شهر الکترونیک، مولفه‌های موثر در تشکیل و تاثیر آن در جامعه مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد (بیگی، ۱۳۸۶). از عوامل اصلی در توسعه شهری بحث زمین می‌باشد، یعنی زمین بستر توسعه شهر می‌باشد و نبود کمیت آن به لحاظ فیزیکی و کالبدی شهر را تحت تاثیر قرار می‌دهد یعنی، توسعه شهر را به لحاظ کارکردی با مشکل مواجه می‌سازد به همین دلیل کشورهای توسعه یافته برای استفاده عقلایی از بستر توسعه شهری که همان زمین می‌باشد به شهر الکترونیک روی آورده‌اند (موسسه مطالعات شهر الکترونیک، ۱۳۸۹، ص ۱۹). با اجرای کامل طرح شهر الکترونیک و تحقق جامعه اطلاعاتی، ارتباطات تجاری و اقتصادی این منطقه با سایر نقاط جهان نیز در کوتاه‌ترین زمان و با هزینه پایین صورت می‌گیرد و یک سازمان الکترونیکی می‌تواند خدمات خود را از طریق بستر الکترونیکی به سهولت ارائه دهد (سرمد، ۱۳۸۲، ص ۱۴). در یک شهر الکترونیک





نقشه ۱. موقعیت شهرستان سمنان در کشور و استان سمنان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سمنان، ۱۳۹۰.

شده فولادوند در سال ۱۳۸۶ در کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک در تهران اشاره نمود.

روش شناسی تحقیق

در انجام پژوهش گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته و در روش میدانی، مصاحبه (به طور منظم) و مشاهده تکمیل پرسش نامه انجام خواهد شد. در گردآوری اطلاعات تحقیق از پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده و در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها میزان حجم نمونه بر اساس روش‌های متداول و شیوه‌های مرسوم در علم آمار انتخاب می‌شود. همچنین در تحلیل‌های کمی تحقیق از نرم افزار SPSS بهره گرفته شده است.

منطقه مورد مطالعه

سمنان یکی از شهرهای ایران، مرکز استان سمنان و شهرستان سمنان است. این شهر در جنوب رشته کوه البرز و شمال دشت کویر در راه تهران به خراسان قرار گرفته است. آب و هوای آن خشک و معتدل می‌باشد. این شهر در حد فاصل سه شهر دامغان، گرمسار و مهدیشهر در طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۲۳ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه واقع شده و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۱۱۳۰ متر است. همچنین فاصله

آن تا تهران ۲۱۶ کیلومتر است و به راه آهن سراسری تهران - مشهد، متصل می‌باشد. جمعیت شهر سمنان بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ خورشیدی، برابر ۱۲۶، ۷۸۰ نفر بوده است. نژاد مردم سمنان ایرانی (آریایی) است و به زبان سمنانی سخن می‌گویند (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سمنان، ۱۳۸۹).

شهر الکترونیک

اصطلاح «شهر الکترونیک» برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ میلادی، در کنفرانس شهر دیجیتال اروپا مطرح شد. در سال ۱۹۹۶ میلادی نیز پروژه‌هایی تحت این عنوان در تعدادی از شهرهای توسعه یافته اروپایی مانند آمستردام و هلسنکی به اجرا درآمد (بیگی، ۱۳۸۶). شهر الکترونیکی از دستاوردهای موج سوم یا انقلاب انفورماتیک است. در موج سومی که آلومین تافلر مطرح کرده است یعنی عصر خردورزی، این نرم افزارها هستند که به خدمت بشر می‌شتابند و تفکرات و تصورات آدمی را به شکل کدهای صفر یا یک و با کمک امواج ماهواره‌ای مبادله می‌کنند (البدوی امیر، قپانچی، امیرحسین، ۱۳۸۶). شهر الکترونیک عبارت است از شهری که اداره امور شهروندان شامل خدمات و سرویس‌های دولتی و سازمانهای بخش خصوصی به صورت برخط یا آنلاین و به صورت شبانه روزی، در هفت روز هفته با کیفیت وضرب



ایمنی بالا با استفاده از ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن انجام می‌شود و در آن مرزهای خیال تا اندازه زیادی مخدوش شده و یا به عبارت دیگر این شهر به مکان و زمان جغرافیایی وابسته نیست بلکه با زمان واقعی پخش و دریافت فوری یک پیام رابطه دارد (کیاکجوری، کریم و همکاران، ۱۳۸۸).

مردم برای انجام کارهای روزمره خود مانند پرداخت قبوض آب و برق و تلفن و خرید کالا و غیره، وقت زیادی را صرف کنند، بلکه تمام این کارها را می‌توانند از طریق کامپیوتر شخصی خود، هنگامی که به شبکه جهانی اینترنت متصل اند انجام دهند. در یک شهر الکترونیک تمامی ارتباطات و فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی و بهداشتی بخش‌های خصوصی و دولتی در فضای وب و به صورت الکترونیکی انجام می‌شود و مهمترین مزیت این طرح صرفه‌جویی در وقت و هزینه است. بر اساس دیدگاه‌های خلق شده شهر الکترونیک شهری است که از فرصتهای ایجاد شده انقلاب فناوری اطلاعات استفاده کرده و همگام با آن از شبکه‌های ارتباطات مخابراتی برای انجام تبادلات ارتباطی و اطلاعاتی هماهنگ استفاده می‌کند (Colecchia, a., John Zitzner, 2005). در شهر الکترونیک با استفاده از خدمات و تربیت و فراهم کردن نیروی انسانی مورد نیاز برای توسعه و اداره شهر، با توجه به الکترونیکی بودن روابط، امکان آموزش در هر زمان و مکانی به تمام افراد امکان پذیر است (فتحعلیان، ۱۳۸۵).

شهروند الکترونیک

شهروند الکترونیکی مفهوم جدیدی است که همزمان با توسعه جامعه اطلاعاتی در حال شکل‌گیری است. شهروند الکترونیک، فردی است که توانایی استفاده از فناوری اطلاعات را در انجام امور روزمره خود داشته باشد و بتواند خدمات مورد نیاز خود را با استفاده از سیستم‌های الکترونیکی از ادارات و موسسات ذیربط دریافت نماید. بدین ترتیب تفریحات، آموزش، و تراکنش‌های فردی (داد و ستد و غیره) به طریق الکترونیکی انجام می‌شود (کیاکجوری، ۱۳۸۸، ص ۲۰). و فردی است که بتواند از خدمات الکترونیکی استفاده کند

و الزاما یک با سواد کامپیوتری باشد اثر روانی مثبت آن واقعیت انکارناپذیر خواهد بود. این مفهوم با مفهوم زندگی الکترونیک ارتباط نزدیکی دارد (جلالی، علی اکبر، ۱۳۸۲، ص ۳۸). شهروندان الکترونیک برای زندگی در جامعه اطلاعاتی، باید تواناییها و مهارتهای خاصی در زمینه استفاده از رایانه و اینترنت کسب نمایند و برای رفع نیازهای خود آن را بکار برند و از خدمات الکترونیکی یک شهر استفاده کنند. بر اساس استاندارد، شهروند الکترونیک کسی است که از حداقل دانش لازم درباره مفاهیم پایه فناوری اطلاعات و ارتباطات برخوردار است (سرافرازی، ۱۳۸۶).

مزایای شهر الکترونیک

فراهم آوردن خدمات با کیفیت و سرعت بالا برای شهروندان، فراهم آوردن کانال‌های آموزشی مختلف و محیط آموزشی مادام‌العمر، بهبود کیفیت زندگی مردم، ارائه خدمات یک مرحله‌ای به شهروندان، تقویت رقابت تجاری شهر و ایجاد فرصت‌های تجاری بیشتر توسط تجارت الکترونیک، ارتباط بهتر سازمانها و ارگان‌های مختلف شهری، دسترسی ۲۴ ساعته به خدمات شهری، افزایش مشارکت مردم در اداره ی شهر، کاهش ترافیک شهر با توجه به کاربرد اینترنت در فعالیت‌های شهری، کاهش آلودگی هوا با کاهش ترافیک شهری، همسو کردن سرمایه‌گذاری‌ها با نیازهای شهروندان و شهر، تسریع در برطرف شدن و مشکلات ایجاد شده و ارتباط مستقیم مسئولین شهری با شهروندان، صرفه‌جویی در وقت و انرژی، جلوگیری از سرمایه‌گذاری بیشتر روی روشهای قدیمی اداره شهر، ایجاد زیر ساختار لازم برای توسعه‌های آتی شهر، کاهش فساد اداری و برخی از مزایای شهرهای الکترونیک هستند. موضوعاتی در باب شهر الکترونیک و سامانه اطلاعات جغرافیایی بیان می‌کند به طوری که این دو را در فرآیند توسعه پایدار شهری لازم و ملزوم همدیگر می‌داند. سیستم پیاده سازی شهر الکترونیک را به شرح ذیل اعلام می‌کند:

الف) طراحی شهر الکترونیک

۱. تعریف چشم اندازها، راهبردها، سیاستهای شهر در پیاده سازی شهر الکترونیک؛

۲. مشخص نمودن طرح‌های کاربردی قابل اجرا برای

شهر الکترونیک؛

۳. تعریف پروژه‌های راهبردی مورد نیاز؛

۴. آموزش نیروی متخصص؛

۵. اطلاع‌رسانی عمومی.

ب) اجرای نمونه

۱. بازنگری و مهندسی مجدد ساختار فرایندهای
فعالیت‌های شهر؛

۲. وارد کردن فناوری اطلاعات در فرایندهای اجرایی
سازمان‌های شهر؛

۳. تعریف ارتباط فعالیت‌های شهری شهر با استفاده از
سیستم‌های الکترونیکی؛

۴. اجرای پروژه‌های راهبردی؛

۵. آموزش گسترده شهروندان جهت استفاده و کاربری
سیستم؛

۶. ارائه بخشی از خدمات شهری به صورت الکترونیکی
به عنوان نمونه.

ج) بازرسی و بازبینی

۱. ارزیابی و بررسی نقاط ضعف و قوت؛

۲. مدیریت اطلاعات (به منظور کسب بازخوردهای
حاصل از شهر نمونه)؛

۳. مدیریت تغییر (اصلاح نقاط ضعف طرح نمونه اجرا

شده)؛

۴. تجزیه و تحلیل سیستم جدید پیشنهادی؛

۵. مقایسه سیستم جدید با سیستم قبلی.

د) پیاده‌سازی

۱. یکپارچه‌سازی فعالیت‌های شهری؛

۲. تدوین استانداردهای لازم در حوزه شهر الکترونیک؛

۳. ایجاد یک وب سایت درگاه برای دسترسی به
تمامی خدمات شهر الکترونیک؛

۴. ایجاد زیرساختار لازم برای ارائه خدمات الکترونیکی؛

۵. فراهم‌سازی امکان دسترسی به تمامی خدمات و

اطلاعات شهری از طریق اینترنت؛

۶. بازنگری منظم سیاستها و برنامه‌های دولت

الکترونیک و به‌روزرسانی آنها (تی تی دژ، ۱۳۹۰).

ارائه یک مدل مفهومی جهت راهکارهای اجرایی شهر

الکترونیک در راستای تحقق جامعه اطلاعاتی

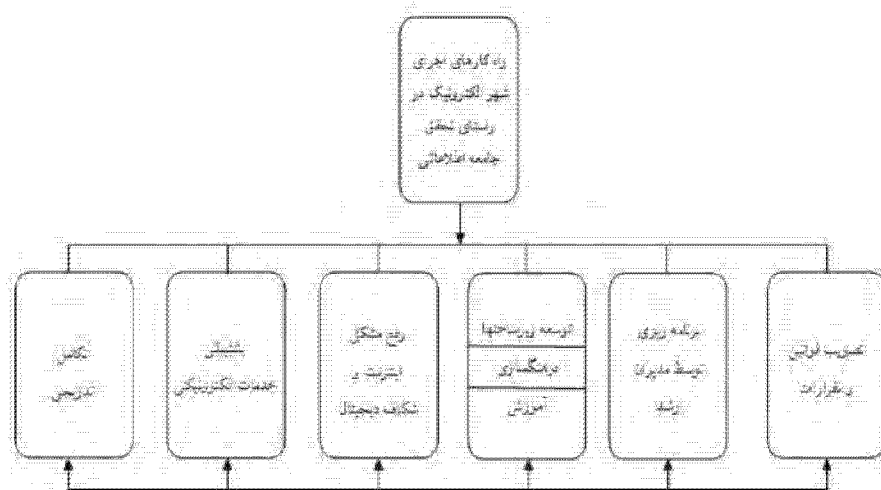
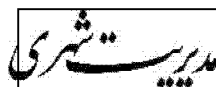
در کشور ما موضوع شهر الکترونیک و جامعه اطلاعاتی

یک موضوع نسبتاً جدید و مطالعات و بررسی علمی در

خصوص آن محصول سال‌های اخیر می‌باشد؛ بنابراین

طرح مدلی در این زمینه به تحقق آنها در کشور کمک

خواهد نمود.



شکل ۲. ارائه یک مدل مفهومی جهت راهکارهای اجرایی شهر الکترونیک در راستای تحقق جامعه اطلاعاتی؛

ماخذ: دهقان، ۱۳۹۱، ص ۳.

تجزیه و تحلیل داده ها

نتیجه بررسی نشان می دهد که بیشترین تعداد خانواده های مورد مطالعه متعلق به خانواده های ۴ نفری با فراوانی ۷۷ خانواده (۱/۱۹ درصد) و خانواده های ۶ نفری ۱۴/۷ درصد می باشد و اطلاعات همچنین نشان می دهد که ۵ خانواده ۹ نفره می باشند. آنالیز اطلاعات بدست آمده از پاسخگویان نشان می دهد که بیشترین فراوانی تعداد متعلق به گروه ۱۰۰-۸۱ و کمترین فراوانی مربوط به گروه ۱۸۰-۱۶۱ می باشد میانگین مورد مطالعه ۸۱ و حداقل ۳ و حداکثر ۱۸۰ می باشد.

سابقه شهر الکترونیک

داده های بدست آمده در خصوص سابقه شهر الکترونیک افراد مورد مطالعه نشان می دهد که بیشترین فراوانی افراد مورد مطالعه از لحاظ سابقه مربوط به گروه ۱-۱۰ سال با فراوانی ۱۱۳ نفر (۲۸/۷ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به گروه ۴۰-۴۱ و ۵۰-۴۱ سال با فراوانی ۱۵ نفر (۳/۸ درصد) می باشد. حداقل سابقه ۲ سال و حداکثر ۴۵ سال و میانگین سابقه ۱۷/۸ سال می باشد.

جدول ۱. توزیع فراوانی تعداد اعضاء خانوار افراد مورد مطالعه

| تعداد | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-----------|---------|------|------------|
| ۳ | ۲۵ | ۶/۶ | ۱۲/۱ |
| ۴ | ۷۷ | ۱۹/۱ | ۳۱/۲ |
| ۵ | ۹ | ۲/۳ | ۳۳/۵ |
| ۶ | ۵۸ | ۱۴/۷ | ۴۸/۲ |
| ۸ | ۳۹ | ۹/۹ | ۵۸/۱ |
| * | ۵ | ۱/۳ | ۵۹/۴ |
| بدون جواب | ۱۸ | ۴/۶ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۹۵ | ۱۰۰ | |

جدول ۲. توزیع فراوانی تعداد افراد مورد مطالعه

| تعداد | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-----------|---------|------|------------|
| ۱-۲۰ | ۳۰ | ۷/۶ | ۸/۲ |
| ۲۱-۴۰ | ۵۴ | ۱۳/۷ | ۲۲/۹ |
| ۴۱-۶۰ | ۷۶ | ۱۹/۲ | ۴۳/۶ |
| ۶۱-۸۰ | ۱۶ | ۴/۱ | ۴۸ |
| ۸۱-۱۰۰ | ۱۲۰ | ۳۰/۴ | ۸۰/۷ |
| ۱۰۱-۱۲۰ | ۱۳ | ۳/۳ | ۸۴ |
| ۱۲۱-۱۴۰ | ۳۷ | ۹/۴ | ۹۴/۳ |
| ۱۴۱-۱۶۰ | ۱۴ | ۳/۵ | ۹۸/۱ |
| ۱۶۱-۱۸۰ | ۷ | ۱/۸ | ۱۰۰ |
| بدون جواب | ۲۸ | ۷/۱ | |
| جمع | ۳۹۵ | ۱۰۰ | |



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۵۰

جدول ۳. توزیع فراوانی سابقه شهر الکترونیک افراد مورد مطالعه

| سابقه | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-----------|---------|------|------------|
| ۱-۱۰ | ۱۱۳ | ۲۸/۷ | ۲۸/۷ |
| ۱۱-۲۰ | ۴۹ | ۱۲/۳ | ۴۱ |
| ۲۱-۳۰ | ۲۸ | ۷/۱ | ۴۸/۱ |
| ۳۱-۴۰ | ۱۵ | ۳/۸ | ۵۱/۹ |
| ۴۱-۵۰ | ۱۸ | ۴/۵ | ۵۵/۷ |
| بدون جواب | ۱۷۵ | ۴۴/۳ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۹۵ | ۱۰۰ | |

جدول ۴. توزیع فراوانی درآمد ماهانه افراد مورد مطالعه

| درآمد | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-------------|---------|------|------------|
| کمتر از ۱۵۰ | ۷ | ۱/۸ | ۱/۸ |
| ۱۵۱-۲۵۰ | ۴۱ | ۱۰/۴ | ۱۲/۲ |
| ۲۵۱-۳۰۰ | ۶۸ | ۱۷/۲ | ۲۹/۴ |
| ۳۵۱-۵۰۰ | ۱۸۵ | ۴۶/۸ | ۷۶/۲ |
| ۵۰۱ به بالا | ۹۴ | ۲۳/۸ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۹۵ | ۱۰۰ | |

جدول ۵. توزیع فراوانی هزینه‌های ماهانه افراد مورد مطالعه

| هزینه (هزار تومان) | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|--------------------|---------|------|------------|
| کمتر از ۱۵۰ | ۱۸ | ۴/۶ | ۴/۶ |
| ۱۵۱-۲۵۰ | ۱۰۳ | ۲۶/۱ | ۳۰/۶ |
| ۲۵۱-۳۰۰ | ۱۲۲ | ۳۰/۹ | ۶۱/۵ |
| ۳۰۱-۵۰۰ | ۱۵۱ | ۳۸/۲ | ۹۹/۷ |
| ۵۰۱ به بالا | ۱ | ۳ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۹۵ | ۱۰۰ | |

جدول ۶. توزیع فراوانی سابقه همکاری با طرح مرزیاری

| گویه | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-----------|---------|------|------------|
| بلی | ۲۷۴ | ۶۹/۴ | ۷۱/۵ |
| خیر | ۱۰۹ | ۲۷/۶ | ۹۹/۷ |
| بدون جواب | ۱۲ | ۳ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۹۵ | ۱۰۰ | |

جدول ۷. توزیع فراوانی میزان مشارکت در فعالیت‌های جمعی حوزه الکترونیک

| عنوان | مشارکت در امور مذهبی | | مشارکت در امور خیر همکاران | | حضور در مهمانی‌های هفتگی یا ماهیانه با همکاران | |
|-----------|----------------------|------|----------------------------|------|--|------|
| | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد |
| خیلی کم | - | - | - | - | ۱ | ۳ |
| کم | ۴ | ۱ | ۱۳ | ۳/۳ | ۴۵ | ۱۱/۴ |
| متوسط | ۹۹ | ۲۵/۱ | ۲۰۹ | ۵۲/۹ | ۲۰۰ | ۵۰/۶ |
| زیاد | ۲۴۷ | ۶۲/۵ | ۱۶۵ | ۴۱/۸ | ۱۰۸ | ۲۷/۳ |
| خیلی زیاد | ۴۵ | ۱۱/۴ | ۸ | ۲ | ۴۱ | ۱۰/۴ |
| جمع | ۳۹۵ | ۱۰۰ | ۳۹۵ | ۱۰۰ | ۳۹۵ | ۱۰۰ |

درآمد ماهانه

با توجه به داده‌های بدست آمده در جدول درآمد ماهانه افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی درآمد ماهانه افراد مورد مطالعه ۳۵۱-۵۰۰ هزار تومان با فراوانی ۱۵۸ نفر (۴۶/۸ درصد) و کمترین فراوانی درآمد ماهانه افراد مورد مطالعه کمتر از ۱۵۰ هزار تومان با فراوانی ۷ نفر (۱/۸ درصد) می‌باشد.

سابقه همکاری با طرح

بر اساس نتایج به دست آمده از این تحقیق از کل ۳۹۵ نفر افراد مورد مطالعه ۲۷۴ نفر (۶۹/۴ درصد) دارای سابقه

همکاری با طرح داشته‌اند و ۱۰۹ نفر (۲۷/۶ درصد) سابقه همکاری نداشته‌اند.

قسمت تحلیلی

بررسی روابط متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی نتیجه آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین میزان مشارکت در شهر الکترونیک به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای میزان رضایت از عملکرد دولت، سن افراد، توجه به امرار معاش توسط دولت، میزان آگاهی و دانش اجتماعی، میزان عضویت در نهادهای محلی و منطقه‌ای رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد.

جدول ۸. رتبه بندی متغیرها با استفاده از شاخص ضریب تغییرات (C.V): ماخذ: یافته‌های تحقیق.

| رتبه | ضریب تغییرات (C.V) | انحراف معیار | میانگین | گویه |
|------|--------------------|--------------|---------|------------------------|
| ۱ | ۰/۱۷۴ | ۰/۶۲ | ۲/۵۶ | عملکرد شورای اسلامی |
| ۲ | ۰/۱۹۹ | ۰/۶۸ | ۳/۴۱ | عملکرد بخش‌داری |
| ۳ | ۰/۲۱۰ | ۰/۸۰ | ۲/۸۲ | عملکرد دولت به طور کلی |

جدول ۹. توزیع فراوانی نگرش افراد مورد مطالعه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق

| عنوان | پاسداری از شهر الکترونیک اهم واجبات است | | مشارکت تمام اعضای خانواده در شهر الکترونیک | |
|-----------|--|------|---|------|
| | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد |
| خیلی کم | - | - | - | - |
| کم | ۱۳ | ۳/۳ | ۱۴ | ۲/۵ |
| متوسط | - | - | ۳۱ | ۷/۸ |
| زیاد | ۳۰۱ | ۷۶/۲ | ۲۹۱ | ۷۳/۷ |
| خیلی زیاد | ۸۱ | ۲۰/۵ | ۵۹ | ۱۴/۹ |
| بدون جواب | - | - | - | - |
| جمع | ۳۹۵ | ۱۰۰ | ۳۹۵ | ۱۰۰ |



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۵۲

مؤثرترین متغیرهایی که در پیش بینی متغیر وابسته نقش دارند وارد محاسبات می‌شوند تا زمانی که خطای آزمون به ۵٪ برسد. بنابراین متغیرهایی که وارد محاسبات معادله می‌شوند، بخش عمده‌ای از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در این بخش از تحلیل هدف عمده از بکارگیری رگرسیون چندگانه تعیین اهمیت نسبی متغیرهای مؤثر بر میزان مشارکت استفاده شده است که با استفاده از پرسش‌های مربوطه که در پرسشنامه تحقیق آمده است محاسبه گردیده‌اند. رگرسیون عوامل مؤثر بر میزان مشارکت در این تحقیق ۲۲ متغیر مستقل مرتبط با مشارکت مورد مطالعه قرار گرفت و در اینجا ارتباط این

اطلاعات همچنین نشان داد که بین میزان مشارکت شهر الکترونیک و متغیرهای تحصیلات، تعداد اعضای خانواده، وضعیت تأهل، رابطه معناداری وجود ندارد. اطلاعات ضریب همبستگی همچنین نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته میزان مشارکت در شهر الکترونیک و متغیرهای مستقل میزان درآمد رابطه عکس معناداری وجود دارد.

رگرسیون چندگانه

در این تحقیق از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام یا مرحله‌ای استفاده شده است. در این روش

متغیرها با متغیر وابسته تحقیق مشارکت به منظور تأثیر متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت نتیجه رگرسیون نشان داد که از بین متغیرهای مستقل و عوامل مورد سنجش، ۱۲ متغیر، گسترش مشارکت مردمی در امور محلی، آشنا ساختن افراد با فن آوری نوین مناطق، شناسایی مسائل و مشکلات، توجه به فرصتهای شغلی، تقویت همکاری مردم، توجه به امرار معاش جامعه حضور در تشکلهای محلی و مردمی، تشویق افراد در فعالیتهای اقتصادی، تقویت اعتقادات دینی و دفاع مرزی، ارائه شده است.

نتیجه گیری و جمع بندی

امروزه شهر هوشمند و شهر الکترونیک به عنوان راهکار بی بدیل حل معضلات شهری مورد توجه شهرسازان و مدیران شهری واقع شده است. اصول شهر الکترونیک در واقع بیشتر بر روی کمیتها تکیه دارد؛ یعنی با ورود بحثهای شهرهای الکترونیک و بحثهای مربوط به آن در کشورهای توسعه یافته کاربری اراضی شهری تحت الشعاع این عامل قرار گرفته در شهر نیویورک، شیکاگو توسعه شهری در ابعاد شهر الکترونیک با یک رشد افقی همراه شده است به طوری که در طرحهای مختلف توسعه شهری مکانهایی را به لحاظ کارکردی در حوزه شهرهای الکترونیکی جانمایی کرده اند و بعد از اجرای طرح شهر الکترونیک، تعدد موسسات مالی و بانکی در سطح این شهرها کاسته شده و بیشتر در غالب بحثهای اینترنتی بروز کرده است، به طوری که این موسسات در مکانی خاص تمرکز یافته است. و از ارتباطات فیزیکی جلوگیری به عمل می آید با چنین رویکردی در نظام توسعه شهری می توان گفت پس از پیاده سازی شهر الکترونیک رفتارهای فیزیکی شهروندان به دلایل ارتباطات فیبر نوری و اینترنتی کمرنگ تر می شود، به طبع آن حمل نقل و شبکه های و زیر مجموعه آن، از جمله شبکه معابر، پایانه حمل و نقل و ایستگاههای مربوط به حمل و نقل درون شهری با توجه به مخاطب کم در زمینه کاربری زمین به شکل های مختلف تغییر پیدا می کند. با چنین علمی به شهر الکترونیک مزایای پیاده سازی اینگونه طرحها در شهرهای بزرگ و کلان شهرها سبب

آزاد سازی زمین و استفاده آن به کاربرهای مورد نیاز شهروندان تغییر می یابد. از جمله فواید شهر الکترونیک می توان به کاهش زمان انجام فعالیتها، خدمات دهی یکسان و عدالت محور، کاهش مسافت، هدر رفتن زمان و وقت، ایجاد فعالیت های مدنی به روز و مناسب، جلوگیری از آلودگی های زیست محیطی، حل مشکلات ترافیک و حمل و نقل و غیره اشاره نمود. بر اساس این تحقیق در خصوص اجرای شهر الکترونیک در منطقه مورد مطالعه نتایج ذیل حاصل می گردد:

۱- به نظر می رسد میزان رضایت از اقدامات دولتی می تواند در میزان مشارکت در شهر الکترونیک مؤثر باشد. هرچه مردم از فعالیتها و اقدامات دولت در زمینه های گوناگون رضایت بیشتری داشته باشند، میزان مشارکت آنها در اجرای طرح بیشتر خواهد بود.

۲- میزان آگاهی مردم از شهر الکترونیک و خدمات آن می تواند تأثیر بسزائی در مشارکت در اجرای طرح داشته باشد.

۳- میزان رضایت افراد در منطقه مورد مطالعه رابطه نزدیکی با مشارکت در طرح داشته است.

۴- به نظر می رسد بین سن افراد و میزان پاسداری از مرزهای رابطه معناداری وجود دارد.

۵- نتیجه آزمون ضریب همبستگی نشان میدهد که متغیرهای شهر الکترونیک رابطه معناداری باهم دارند. به عبارت دیگر، به نظر می رسد میزان آگاهی و دانش اجتماعی می تواند در میزان مشارکت آنها رابطه معناداری وجود دارد.

۶- برای بررسی رابطه دو متغیر میزان آگاهی و دانش اجتماعی و میزان مشارکت در شهر الکترونیک از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید و نتیجه بررسی حاکی از رابطه معنادار بین دو متغیر فوق می باشد.

۷- به نظر می رسد میزان مشارکت افراد می تواند در میزان مشارکت در شهر الکترونیک رابطه معناداری وجود دارد.

۸- با توجه به میزان ضریب همبستگی ($\text{sig} = 0.000$) و درجه معناداری ($t = 0.238$) دو متغیر میزان مشارکت شهر الکترونیک و میزان افراد مورد مطالعه با همدیگر رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد دارند و بدین ترتیب



فرض صفررد و فرض یک مورد قبول می‌باشد.

۹- به نظر می‌رسد میزان درآمد می‌تواند در میزان مشارکت آنها در شهر الکترونیک مؤثر باشد

۱۰- به نظر می‌رسد بین میزان عضویت در نهادهای محلی و منطقه ای و میزان مشارکت آنها رابطه معناداری دارد.

منابع و مآخذ

۱. عثمان (۱۳۸۷) کانون و بسترهای ترویج علم در جامعه اطلاعاتی، همایش ترویج علم، تهران.

۲. البدوی، امیر، قپانچی، امیرحسین (۱۳۸۶) طراحی و ساخت شهر الکترونیک، مطالعه موردی شهر بریزبان، خرداد ۸۶.

۳. بیگی، امینی لاری، ابراهیم، منصور (۱۳۸۶) مولفه‌های تشکیل دهنده تجارت الکترونیک، شماره ۳۲ نشریه تجارت الکترونیک و رایانه.

۴. تبریزی، مسکین، (۱۳۸۶) پورتال شهر الکترونیکی و آینده مجازی، کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک، تهران.

۵. جلالی، علی اکبر، (۱۳۸۴) فناوری اطلاعات و ارتباطات، شهر الکترونیک، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

۶. جلالی، علی اکبر، (۱۳۸۲) سند راهبردی شهر الکترونیک، دانشگاه علم و صنعت ایران.

۷. دهقان، علیرضا، و همکاران (۱۳۹۱) ارائه یک مدل مفهومی جهت اجرای شهر الکترونیک در راستای تحقق جامعه اطلاعاتی، ۱۳۹۱، ص ۳.

۸. دیهیم، عباس زاده، داود، حمیده (۱۳۸۸) از جامعه اطلاعاتی تا دولت الکترونیک، دومین کنفرانس بین المللی شهرداری الکترونیک، تهران، ۱۳۸۸.

۹. رهبری، دادمهر (۱۳۸۶) شهر الکترونیک و مدیریت شهری، کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک، تهران.

۱۰. سرمد، سعیدی، سهیل و همکاران (۱۳۸۲) تجارت الکترونیک، شماره ۱۴۰، ماهنامه تعاون.

۱۱. سرافرازی، مهرزاد، معمارزاده، غلامرضا (۱۳۸۶) پارادایم دولت الکترونیک ضرورتی اساسی در استقرار شهرداری الکترونیک، چهارمین کنفرانس بین المللی

مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران.

۱۲. صفری، سعید، احمد بگلو علی (۱۳۸۶) شهرداری الکترونیک زیر بنای شهر الکترونیک، کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک، تهران

۱۳. فولادوند، زهره (۱۳۸۶) شهر الکترونیک امنیت و اطلاعات شهروندان، کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک، تهران

۱۴. فتحعلیان، محمد، (۱۳۸۵) مبانی و مدیریت فناوری اطلاعات، نشر دانشگاه علم و صنعت ایران.

۱۵. کیاکجوری، کریم و همکاران (۱۳۸۸) بررسی موانع اجرای شهر الکترونیک در ایران، ششمین کنفرانس بین المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران.

۱۶. تی تی دژ (۱۳۹۰) در کتاب تحت عنوان شهر الکترونیک و سامانه اطلاعات جغرافیایی، انتشارات رهنما.

اثرات فضایی جریان نیروی کار از سکونتگاههای روستایی به مناطق صنعتی و ارتباط آن با وضعیت خدمات‌رسانی روستایی - کشاورزی (مورد: شهرستان ممسنی، دهستان جاوید ماهوری)

عبدالرضا رحمانی فضلی - دانشیار دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
مظفر صادقی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Spatial effects of labor force flow from the rural settlements to the industrial region and its relation to rural-agricultural servicing (Case: Javid-E-Mahori Villages, Mamasani County)

Abstract

Rural landscape is result of activity and quality of behavior and action of rural groups in the appointed natural-human environment. So, various villages have accepted different functions during time. But, in the recent decades, especially after the establishment of industrial centers and poles in the vicinity of settlement areas, some of settlements have lost their former function or have affected by industrial centers. In the case of this research, after the establishment and growth of industrial activities in Assalouyeh industrial pole, have affected the economic-production function of these settlements by industrial activities and considerably reduce their function. The results of these studies showed that are influenced the industrial activities of Asalouyeh on Studied settlements. As a result of these activities, much of the rural labor force employed in the industries and have achieved to higher welfare by higher income. But generally, Is more negative effects than positive effects. Since, increase in income cause to collapse production system of villages and dependence of villages to urban centers. Today, disem-bogue the labor force from villages and cost of agricultural activity cause to reduced Cultivation surface and agricultural output.

Keywords: Spatial effects, rural settlements, the labor force flow, rural-agricultural services

چکیده

چشم انداز روستایی، حاصل فعالیت و نحوه برخورد و عمل گروه‌های روستایی در محیط طبیعی- انسانی معین است. بر این اساس، روستاهای مختلف در طول زمان، کارکردهای گوناگونی را به خود گرفته‌اند. اما از یکی دو دهه گذشته، بخصوص بعد از شکل‌گیری مراکز و قطب‌های صنعتی در مجاورت نواحی سکونتگاهی، برخی از این سکونتگاه‌ها کارکرد سابق خود را از دست داده و یا تحت تأثیر کارکردهای این مراکز صنعتی قرار گرفته‌اند. در فضای مورد مطالعه این پژوهش نیز، بعد از شکل‌گیری و رونق فعالیت‌های صنعتی در قطب صنعتی عسلویه، کارکرد اقتصادی - تولیدی سکونتگاه‌های روستایی که بر پایه تولیدات کشاورزی مبتنی بر نظام معیشتی استوار بوده است، تحت تأثیر فعالیت‌های صنعتی قرار گرفته و به طور قابل توجهی رنگ باخته است. نتایج حاصل از این مطالعات نشان داد، سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه به علت ضعف ساختارهای خدمات رسانی روستایی-کشاورزی، به شدت از جاذبه فعالیت‌های صنعتی منطقه عسلویه تأثیر پذیرفته‌اند. بطوریکه در اثر اینگونه فعالیت‌ها بخش اعظمی از نیروی کار روستاها به اشتغال در صنایع درآمده‌اند و با کسب درآمد بالاتر در صنایع نسبت به کشاورزی به سطح رفاه بالاتری دست یافته‌اند. اما این افزایش سطح درآمدی و رفاهی، به بهای فروپاشی نظام تولیدی روستاهای مذکور و تشدید وابستگی آنها به مراکز شهری صورت گرفته است و امروزه به علت خالی شدن روستاها از نیروی کار و همچنین مقرون به صرفه نبودن فعالیت‌های کشاورزی، سطح زیر کشت و بالتبع میزان تولیدات زراعی به شدت کاهش یافته است. واژگان کلیدی: اثرات فضایی، سکونتگاه‌های روستایی، جریان نیروی کار، خدمات روستایی-کشاورزی

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۸۳۵۳۹۴۸، رایانامه: mozafarsadeghi@gmail.com

این مقاله، مستخرج از رساله دکتری با عنوان «الگوی خدمات‌رسانی روستایی - کشاورزی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات» می‌باشد که در دانشگاه شهید بهشتی، توسط مظفر صادقی و به راهنمایی دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

سکونتگاههای روستایی، فضاهای جغرافیایی و یا چشم اندازهای مکانی - فضایی حاصل از برآیند مجموعه عوامل و نیروهای چشم انداز طبیعی و چشم اندازهای فرهنگی است. در این ارتباط فضاهای روستایی به عنوان نوعی چشم انداز جغرافیایی حاصل توزیع فضایی عناصر و پدیده‌ها در بخشی از فضای جغرافیایی است. چشم انداز روستایی که حاصل فعالیت و نحوه برخورد و عمل گروههای روستایی در یک محیط طبیعی - انسانی معین است، از دو بعد قابل تأمل و بررسی می‌باشد: یکی چهره ظاهری، شامل بزرگی و کوچکی، نحوه قرارگیری اراضی، شکل ظاهری و ویژگی‌های خاص مسکن روستایی و دیگری ریخت درونی که در برگیرنده نحوه سازمان‌یابی و شکل‌پذیری مناسبات اجتماعی - اقتصادی گروههای روستایی است (سعیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۱).

در کشور ما در طول تاریخ، سکونتگاهها و فضاهای روستایی در پرتو رویارویی عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با عوامل طبیعی، کارکردهای متنوعی را به خود گرفته‌اند که بر اساس همین کارکردها، سکونتگاههای روستایی شکل خاصی از ساختارها و مناسبات اجتماعی را پذیرا گشته‌اند که برای درک بهتر این ساختارها و مناسبات اجتماعی ناگزیر به بررسی و شناخت روابط و مناسبات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر سکونتگاههای روستایی می‌باشیم.

یکی از مهمترین کارکردهای سکونتگاههای روستایی در شهرستان ممسنی - همانند غالب سکونتگاههای روستایی - در زمانهای گذشته، کارکرد اقتصادی - تولیدی بوده، که تداعی کننده نظریه سرمایه داری بهره‌بری در روابط و مناسبات شهر و روستا در این شهرستان در دوره‌های گذشته می‌باشد. اما طی سالهای اخیر، به خصوص در دهه جاری، برخی از سکونتگاههای روستایی در این شهرستان شاهد پاره‌ای تغییرات کارکردی در درون خود بوده‌اند که این تغییرات منجر به انجام دگرگونی‌هایی در ساختار اجتماعی - اقتصادی این سکونتگاهها گردیده است. این دگرگونی‌ها در

محیطهای گوناگون معلول علل و عوامل متفاوتی بوده است. اما در غالب سکونتگاهها از جمله سکونتگاههای مورد مطالعه، این امر از یکسو ناشی از شکل‌گیری جاذبه‌های جدید در شعاع و حوزه نفوذ محلی و ناحیه‌ای سکونتگاههای پیرامون و از سوی دیگر، ضعف در ساختار و سازمان خدمات‌رسانی روستایی - کشاورزی سکونتگاههای روستایی بوده است. به طوری که استقرار صنایع در منطقه عسویه تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه، بویژه جامعه روستایی گذاشته است و این اثرات هم از جنبه مثبت و هم منفی قابل بررسی و امعان نظر است.

بر این اساس، تحقیق حاضر به دنبال یافتن اثرات جریان نیروی کار از سکونتگاههای روستایی شهرستان ممسنی به منطقه صنعتی عسویه و علل و عوامل این آثار می‌باشد. فضای مورد مطالعه این تحقیق از ابتدای شکل‌گیری تاکنون بر اساس کارکرد اقتصادی - تولیدی در زمینه تولیدات کشاورزی به حیات خود ادامه داده و همواره منبع تغذیه‌ای برای شهر نورآباد بوده‌اند. اما از اوایل دهه جاری با شدت یافتن فعالیت‌های صنعتی، تأثیرات اجتماعی - اقتصادی دنباله‌داری، از طریق این مجموعه‌های صنعتی تحرک بخش بر این روستاها اعمال گردیده است. در نتیجه علاوه بر تغییرات اساسی در میزان تولیدات کشاورزی و انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به اشتغال در صنایع، ساختارهای اجتماعی این سکونتگاهها نیز در پرتو خلق فضاهای جدید، شاهد دگرگونی‌هایی در درون خود بوده‌اند. این امر به نوبه خود باعث تغییراتی در روابط و مناسبات این سکونتگاهها با شهر مرکزی ناحیه یعنی نورآباد گردیده است. این تغییرات را در توزیع جمعیت، فعالیت‌ها، کارکردها و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی در سطح محلی و ناحیه ای می‌توان مشاهده کرد. محور عمده این پژوهش، شناخت تغییرات مکانی - فضایی سکونتگاههای روستایی، علل شکل‌گیری این تغییرات، و اثرات اجتماعی - اقتصادی آن بر فضای مورد مطالعه می‌باشد. حال در همین راستا با یک پرسش اساسی مواجه خواهیم بود که عبارتست از: جریان نیروی کار از روستاهای شهرستان ممسنی به منطقه عسویه چه



اثرات مکانی - فضایی بر سکونتگاههای مذکور داشته است؟ در مقابل چنین سوالی این فرضیه را می توان مطرح نمود که: شکل گیری و گسترش فعالیت های صنعتی در منطقه عسلویه باعث جذب نیروی کار سکونتگاههای روستایی پیرامون و در نتیجه افزایش فرصت های شغلی و افزایش درآمد روستاییان گردیده و از طرفی نیز، دگرگونی های قابل ملاحظه ای را در نظام اجتماعی این سکونتگاهها بوجود آورده است. چنین تغییر قابل توجهی در اقتصاد روستاهای مورد مطالعه، تغییرات و دگرگونی های مکانی - فضایی دیگری را نیز به دنبال داشته است، که این پژوهش در حد امکان به شناخت این تغییرات و چگونگی آنها می پردازد.

اهداف پژوهش

پژوهش حاضر، به دنبال شناخت تغییر و تحولات مکانی - فضایی حاصل از جریان نیروی کار از سکونتگاههای روستایی به قطب صنعتی عسلویه و سپس بررسی نقش خدمات روستایی - کشاورزی در ایجاد تحولات مذکور می باشد. در نهایت این پژوهش سعی دارد، آثار و پیامدهای تحولات صورت گرفته را بر سکونتگاههای روستایی تبیین نماید. نتایج این پژوهش می تواند سرآغاز و مبنایی برای دیگر پژوهش ها و تحقیقات جامعتر در خصوص تاثیرات مکانی - فضایی

استقرار صنایع بر سکونتگاههای انسانی و تعیینات فضایی این تاثیرات در چشم انداز فضاها سکونتگاهی قرار گیرد.

مواد و روشها

بطور کلی پژوهش حاضر در دو سطح انجام گرفته است. سطح اول که مربوط به مطالعات نظری پژوهش می شود به شیوه کتابخانه ای - اسنادی بوده و سطح دیگر، به شیوه بازدیدهای میدانی و مشاهدات مستقیم صورت گرفته است که با استفاده از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهدات عینی اطلاعات مورد نظر اخذ و به کمک نرم افزار S، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش از آزمونهای آماری ویلکاکسون^۱، مربع کای^۲ و ضرایب همبستگی سامرز^۳ و تاوکندال^۴ برای بررسی روابط بین متغیرها و سنجش درجه همبستگی آنها استفاده گردیده است. جامعه آماری این پژوهش دهستان جاوید ماهوری از توابع شهرستان ممسنی می باشد که متشکل از ۴۱ سکونتگاه روستایی کوچک و بزرگ می باشد. معیشت غالب آنها کشاورزی و دامداری است و بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ این دهستان مجموعاً شامل ۱۴۷۵ خانوار و ۵۴۴۰ نفر جمعیت می باشد، که از مجموع جمعیت این سکونتگاهها حدود ۷۰ درصد باسوادند و از لحاظ توزیع



جدول ۱. اندازه جمعیتی روستاهای مورد مطالعه؛

ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۹۲

| نوع روستا | نام روستا | جمعیت | تعداد خانوار |
|-----------|-------------------|-------|--------------|
| دشتی | مورکی | ۱۸۷۵ | ۵۱۳ |
| | دشت رزم موسی عربی | ۹۵۱ | ۲۶۹ |
| | باجگاه | ۹۸۴ | ۲۵۵ |
| | اب پخشان | ۶۸۱ | ۱۸۴ |
| | اسلام اباد جاوید | ۲۳۲ | ۶۱ |
| میان کوهی | بلوط جهان | ۵۸ | ۱۵ |
| | گوسنگان | ۲۴۴ | ۶۶ |
| | گوراب | ۱۹۹ | ۵۶ |
| | گرو | ۱۳۳ | ۳۷ |
| | زیر زرد علی شاهی | ۸۳ | ۱۹ |

1. Wilcoxon test
2. Chi - Square

3. Somers' D
4. Kendall's tau-c

جنسی، تعداد زن و مرد تقریباً با هم برابر است. برای بررسی اثرات منطقه صنعتی عسلویه بر این سکونتگاهها ۱۰ روستا، به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب گردید. بدین ترتیب که روستاهای مورد مطالعه به دو گروه، روستاهای میانکوهی و دشتی تقسیم و سپس پنج روستای میانکوهی و پنج روستای دشتی به روش تصادفی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.

مبانی نظری

یکی از ویژگی های سکونتگاه های انسانی تطور پذیری و پویایی آن است. این پویایی در فضا، طی روندهای زمانی به مدد تبدلات، تغییر شکل ها و نقل و انتقالاتی صورت می پذیرد که همواره خود را به صورت جابه جایی جمعیت، جریان کالا، انرژی، اطلاعات و سرمایه نشان می دهد (دولفوس، ۱۳۷۰، ص ۷۰).

در نیم قرن اخیر به لحاظ نظری روابط شهر و روستا در سرزمین های شرقی و از جمله کشور ما عموماً در قالب تئوری سرمایه داری بهره بری^۵ که توسط هانس بوبک ارائه شده، تبیین و تفسیر می شده است. اما لونی و پرت دیگر جغرافیدان آلمانی معتقد بود که روابط شهر و روستا در سرزمین های شرقی صرفاً بر مبنای بهره کشی ظالمانه مالکین شهری استوار نبوده بلکه شهر در قبال دریافت مازاد تولیدات روستایی به نوبه خود به عنوان مرکز سازماندهی کاملاً فعال عمل کرده و با خلق زمینه های اشتغال اضافی، کاهش اشتغال ناقص، ایجاد انگیزه برای تولیدات تجاری و مانند آن، بر عرصه های پیرامونی خود اثرات مثبتی نیز دارد (اهلرز، ۱۳۸۰، ص ۷۶). وی اضافه می کند این اثرات مثبت حاصل فرآیند انتشار نوآوری در نواحی نزدیک شهر یا نواحی که به لحاظ حمل و نقل در موقعیت مناسبی قرار دارند می باشد، به طوری که این نواحی به سبب برخورداری از خدمات شهری از حیث توسعه یافتگی تمایزات قابل ملاحظه ای را نسبت به نواحی دیگر نشان می دهند (ضیایی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰).

دیدگاه های طرفداران نظریه سرمایه داری بهره بری در فضای مورد مطالعه این تحقیق را می توان تا قبل از رشد و



گسترش شهر نشینی و توسعه شبکه های ارتباطی پذیرفت و این امر به وضوح در تا اوایل دهه جاری دیده می شده است. اما از این زمان به بعد این روابط به شدت دستخوش تغییرات و تحولات بسیاری گشته است. با افزایش نسبت جمعیت شهری و به تبع آن تضعیف روزافزون اقتصاد روستایی که خود مولود روابط و مناسبات نابرابر شهر و روستا، و خروج مازاد تولید و سرمایه از نواحی روستایی بوده است، روز به روز بر میزان مهاجرت های روستا - شهری افزون شده است. که در این بین برخی از دلایل مهاجرت ها ناشی از افزایش جاذبه و برخی نیز به دلیل عوامل دافعه در نواحی روستایی بوده است. بر اساس تئوری قطب رشد^۶ که از سوی افرادی چون فرانسوا پرو، میردال و هیریشمن مطرح گردیده است، توسعه در همه جا و به یکباره اتفاق نمی افتد، بلکه فرآیند توسعه ابتدا در برخی نقاط یا قطب های رشد ایجاد شده و سپس به نواحی اطراف منتشر می شود (کلانتری و حقیقی، ۱۳۸۲، ص ۶۹۴). علیرغم اینکه اثرات مثبت این صنایع بر وضعیت اقتصادی زندگی مردم محسوس است، اما تاکنون تأثیرات مکانی - فضایی استقرار صنایع بر سکونتگاه های منطقه چندان مورد بررسی جدی قرار نگرفته است.

تمام الگوها و سیاست های توسعه منطقه ای را می توان در دو رویکرد «توسعه از بالا» و «توسعه از پایین» خلاصه نمود. نمونه بارز الگوهای اجرا شده در توسعه از بالا، تعیین و توسعه «قطب های رشد» می باشد که در بسیاری از کشورهای صنعتی و در حال توسعه پیاده شده و امروزه صحبت از نقد این الگوبه میان آمده است. در مقابل، یکی از الگوهای رو به گسترش رویکرد توسعه از پایین، «خوشه های صنعتی» است که امروزه به اساسی ترین راهبرد در توسعه منطقه ای بخصوص در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است.

در نظریه قطب های رشد تصور این است که با تمرکز امکانات و صنایع در یک نقطه، آثار توسعه متمرکز این مکان، به تدریج به سایر نقاط منطقه و نواحی اطراف تسری خواهد یافت. فرانسوا پرو معتقد بود؛ رشد

5. Rent capitalism

6. Growth pole theory

اقتصادی در همه جا به صورت یکسان پدیدار نمی‌گردد، بلکه در کانون‌ها و قطب‌های متعدد با درجات متفاوت امکان ظهور و بروز می‌یابد (سعیدی، ۱۳۸۷، ص ۶۲۶).

اما در رویکرد مقابل، یعنی توسعه از پایین، این تصور مردود بوده و توسعه منطقه ای واقعی را در بسیج تمام امکانات و منابع طبیعی، فیزیکی، انسانی و غیره موجود در منطقه می‌داند. از این رو توسعه خوشه‌های صنعتی نه تنها الگویی تحمیل شده از خارج منطقه نیست، بلکه در واقع تحول در ساختار و ترکیب اقتصادی منطقه، مطابق با امکانات و قابلیت‌های آن می‌باشد (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱).

یکی از الگوهای توسعه منطقه‌ای ایجاد قطب‌های توسعه است. این الگو برگرفته از نظریه قطب رشد فرانسا پرو بوده که معتقد است توسعه در همه جا و به یکباره اتفاق نمی‌افتد بلکه فرآیند توسعه ابتدا در برخی نقاط یا قطب‌های رشد ایجاد شده و سپس به نواحی اطراف منتشر می‌شود و این انتشار از الگوی پخش فضایی که توسط هگراستراند سوئدی مطرح شد، تبعیت می‌نماید (شکویی ۱۳۷۵، ص ۳۰۲). این تفکر در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ایران مورد توجه قرار گرفته است. بطوریکه بر اساس این الگو قطب‌های توسعه در مناطق مختلف ایران ایجاد شدند تا بدین ترتیب پخش اثرات توسعه حاصل از این نقاط کل اقتصاد منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

طرفداران شهرهای کوچک و قطب‌های توسعه در راستای توسعه روستایی، جنبه‌هایی از اهمیت این سکونتگاهها را به عنوان مراکز خدمات منطقه ای در توسعه روستایی مطرح میکنند و بر ایجاد سلسله مراتب منسجم سکونتگاهی نیز اثرات توزیع و رخنه به پایین تأکید دارند (Satterth & Tacoli, 2003: 2). به نظر آنها شرایط این قطب‌ها و یا مراکز شهری از نظر تولید و ساختار نهادی پیش‌تاز توسعه روستایی و منطقه ای است (زبردست، ۱۳۸۳، ص ۲۵). با این وجود، صاحب نظرانی همچون داگلاس، سطح توسعه نواحی روستایی را در رویکرد قطب رشد، وابسته و غیر پایدار توصیف کرده‌اند و بسیاری دیگر نیز به شکست راهبردهای مبتنی بر رویکرد قطب رشد اشاره کرده‌اند (Firman, 1997).

قطب توسعه منطقه عسلویه نیز که در راستای چنین سیاست‌هایی ایجاد شده است علیرغم داشتن برخی اثرات مثبت، اثرات منفی قابل توجهی نیز بر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه داشته است. با توجه به اینکه منطقه مورد مطالعه مستعد بوده و پتانسیل مناسب برای توسعه کشاورزی را دارد اما استقرار صنایع در منطقه عسلویه باعث ایجاد آثار و پیامدهای قابل ملاحظه ای در بخش کشاورزی منطقه شده است. استقرار صنایع در منطقه عسلویه تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه، بویژه جامعه روستایی گذاشته است این اثرات هم از جنبه مثبت و هم از جنبه منفی قابل بررسی و ارزیابی است. علیرغم اینکه اثرات این صنایع بر وضعیت زندگی مردم محسوس و قابل ملاحظه می‌باشد، اما تاکنون تأثیرات استقرار صنایع بر وضعیت منطقه مورد بررسی قرار نگرفته است.

بحث و بررسی

رونق فعالیت‌های صنعتی در منطقه صنعتی عسلویه از سابقه چندانی برخوردار نیست و شروع فعالیت‌های صنعتی در این منطقه به اوایل دهه ۱۳۷۰ بازمی‌گردد. از طرفی نیز تأثیراتی که مناطق و نواحی ویژه صنعتی بر اجتماعات و سکونتگاههای انسانی پیرامون خود اعم از شهر یا روستا می‌گذارند، مدت زمانی طول می‌کشد تا این اثرات شکل فضایی به خود بگیرند و یا به شکل عینی در محیط‌های اجتماعی اقتصادی قابل رویت باشد. به عبارت دیگر، تعینات کالبدی- فضایی اثرات کانون‌های صنعتی بر سکونتگاههای انسانی، فرایندی است که در بعد زمان بر بستر مکان معنا می‌یابد. از این رو، تأثیرات این منطقه عظیم صنعتی بر سکونتگاههای روستایی شهرستان ممسنی، محدود به دیدگاه‌های این نوشتار نمی‌گردد و پژوهش حاضر تنها به ذکر پاره‌ای از تأثیرات مکانی- فضایی ملموس و در پاره‌ای موارد عینی می‌پردازد که ممکن است با گذشت زمان شدت و نوع این تأثیرات تغییر یابد و یا بکلی جهت جریانات موجود دچار تغییر و تحول گردد.

در محدوده مورد مطالعه، روابط و مناسبات



نزدیک و حتی دورتر شکل گرفت و نیروی کار مازاد سکونتگاههای روستایی که غالباً جوانان را در بر می‌گرفت، روستاهای خود را ترک و به اشتغال در صنایع پرداختند. بدین ترتیب فضاهای روستایی به یکباره جمعیت جوان و پشتوانه عظیم نیروی انسانی خود برای امور کشاورزی را از دادند. چنین تغییر و تحولاتی را به مثابه یک شوک می‌توان تلقی کرد، که بصورت ناگهانی بر پیکره این روستاها وارد گردد و سبب شد تا ظرف چند سال فعالیت‌های تولیدی و کشاورزی آنها به طور چشمگیری تنزل نماید و فضاهای روستایی تا اندازه زیادی پویایی و تحرک سابق خود را از دست بدهند. شکل‌گیری چنین جریانی نه تنها به لحاظ اقتصادی حائز اهمیت است بلکه از ابعاد اجتماعی، فرهنگی و فضایی نیز قابل توجه است؛ چراکه بحث ما در اینجا صرفاً انتقال ساده نیروی کار از بخش کشاورزی منطقه به بخش صنایع در عسلویه نیست، بلکه محور بحث ما در این فرایند بازتاب‌ها و بازخوردهای فضایی چنین انتقالی است که در سکونتگاههای منطقه به اشکال مختلفی ظهور و بروز یافته است. با کاهش فعالیت‌های کشاورزی و وابستگی روزافزون روستاها به تولیدات شهری، زمینه شکل‌گیری انزوای اجتماعی افراد ساکن در روستا و کاهش ارتباطات اجتماعی که قبلاً بخش عظیمی از آن در قالب ارتباطات و همکاری در امور تولیدی تحقق می‌یافت فراهم گردیده

سکونتگاههای روستایی با شهر مرکزی ناحیه (نورآباد ممسنی)، از بدو شکل‌گیری تا اوایل دهه ۱۳۷۰ در چهارچوب نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک قابل تبیین و تشریح است. براساس این نظریه، مناسبات خاص شهرها و روستاهای پیرامونی واقع در حوزه نفوذ آنها بدین صورت است که شهرها مرکز سکونت زمینداران بزرگ است و حوزه نفوذ زراعی روستایی با ارائه اضافه تولیدات خود، اساس تغذیه جمعیت شهری و مبادلات تجاری آنها را فراهم می‌کنند. به این ترتیب شهرها از حوزه روستایی پیرامون خود ارتزاق می‌کنند و به واسطه وجود آنها دوام می‌یابند (سعیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴). اما از این زمان به بعد با شکل‌گیری و رونق فعالیت‌های صنعتی و تاسیسات پتروشیمی و انجام سرمایه‌گذاری‌های عظیم دولتی در منطقه عسلویه که آغاز آن به سال ۱۳۷۴ برمی‌گردد، به سرعت زمینه‌های اشتغال برای نیروی کار مازاد سکونتگاههای شهری و روستایی دور و نزدیک پیرامون منطقه عسلویه فراهم گردید. همزمان با اجرای سیاست‌های توسعه صنایع نفت و گاز در منطقه عسلویه، سکونتگاههای روستایی منطقه نیز تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار گرفت و اثرات مثبت و منفی تقریباً مشابهی را تجربه کردند؛ بطوری که تا سالهای آخر دهه ۱۳۷۰ جریان عظیمی از انتقال نیروی کار بین منطقه صنعتی عسلویه با سکونتگاههای روستایی و شهری

جدول ۲. تعداد شاغلین روستاهای مورد مطالعه در منطقه صنعتی عسلویه؛ ماخذ: * مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۹۲ ** مرکز

آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

| نام روستا | تعداد مردان ** | تعداد جمعیت شاغل در منطقه صنعتی عسلویه* |
|-------------------|-------------------|--|
| مورکی | ۸۸۰ | ۱۲۳ |
| دشت رزم موسی عربی | ۴۹۲ | ۶۴ |
| باجگاه | ۴۹۹ | ۷۸ |
| آب پخشان | ۳۸۲ | ۶۲ |
| اسلام ابادجاوید | ۱۳۵ | ۲۰ |
| بلوط جهان | ۳۵ | ۱۲ |
| گوسنگان | ۱۰۰ | ۲۳ |
| گوراب | ۱۳۶ | ۲۸ |
| گرو | ۹۷ | ۱۷ |
| زیر زرد علی شاهی | ۳۴ | ۱۵ |
| جمع کل | ۲۷۹۰ | ۴۴۲ |

جدول ۳. نتایج آزمون یومان ویتنی

| ارزش معنی داری | Mann-Whitney U | انحراف معیار | میانگین | نمونه | متغیر |
|----------------|----------------|--------------|---------|-------|----------|
| ۰.۰۰۹ | ۰.۰۰۰ | ۳۷.۶۱ | ۷۵.۰۲ | ۵ | دشتی |
| | | ۴۰.۴۴ | ۱۷.۰۶ | ۵ | میانکوهی |

دلیل چنین امری را می‌توان پتانسیل بالاتر روستاهای دشتی در فراهم نمودن بستری برای فعالیت‌های کشاورزی سودآورتر نسبت به روستاهای میانکوهی ذکر کرد.^۷ روستاهایی که در طول دره‌ها، در سطح دامنه‌ها و شیب تپه‌ها قرار گرفته‌اند، از نظر جغرافیایی دچار نوعی انزو هستند و منابع طبیعی موجود برای کشاورزی در آنها ناچیز و محدود است (مهندسان مشاورستیران، ۱۳۵۵، ص ۱۲۴).

بنابراین در روستاهای میانکوهی به علت عدم وجود زمینه‌های لازم برای فعالیت‌های کشاورزی که تا حدود زیادی ناشی از تنگناهای محیطی است، تنها جمعیت کمی از روستاییان می‌توانند در روستا به فعالیت بپردازند که خود یک عامل دافعه قوی برای خروج نیروی کار از روستا در کنار عوامل جاذبه مقصد تلقی می‌گردد.

افزایش درآمد و فرصت‌های شغلی که در روستاهای مورد مطالعه بازتاب‌های مکانی - فضایی کمابیش متفاوتی را به دنبال داشته است، بیانگر اثرات مثبت صنایع نفت و گاز منطقه صنعتی عسلویه بر اجتماعات روستایی منطقه می‌باشد. در کنار این اثرات مثبت، گسترش صنایع نفت و گاز اثرات و پیامدهای منفی دیگری را نیز به این اجتماعات تحمیل نموده است. تغییر الگوی کشت، پایین آمدن سطح تولیدات کشاورزی، تغییر در الگوی مصرف خانوارهای روستایی، کاهش ارزش زمین‌های کشاورزی، افزایش مهاجرت روستاییان به شهر، کاهش رغبت جوانان به فعالیت‌های کشاورزی و برخی مسائل اجتماعی - اقتصادی دیگر در سکونتگاه‌های روستایی را می‌توان از جمله اثرات منفی توسعه واحدهای صنعتی در منطقه عسلویه بر سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ممسنی دانست؛ بطوریکه بعد از گسترش فعالیت

است. گسترش این صنایع باعث افزایش دسترسی به فرصت‌های شغلی جدیدی در بخش صنعت شده است و به دلیل اختلاف درآمد بخش کشاورزی و صنعت تعداد زیادی از افراد شاغل در بخش کشاورزی شغل اصلی خود را تغییر داده و اشتغال در صنایع پتروشیمی درآمده‌اند (جدول شماره ۲). بنحویکه در ۱۰ روستایی که مورد بررسی و مطالعه میدانی واقع شده‌اند ۴۴۲ نفر یعنی ۱۵.۸۴ درصد کل جمعیت مرد در صنایع منطقه عسلویه مشغول بکار هستند که اگر بخواهیم نسبت آنها به جمعیت شاغل و یا جمعیت فعال منطقه را محاسبه کنیم قطعاً نسبت بزرگتر و معنادارتری را نشان خواهد داد. همین امر باعث گردیده تا عملاً فعالیت کشاورزی به عنوان شغل فرعی آنها درآید. بر این اساس؛ این تغییر شغل و در مواردی دو شغلی شدن باعث گردیده تا به روستاییان به درآمد بیشتری دست یافته و در مجموع درآمد سرانه مردم افزایش یابد.

نکته قابل تامل در این رابطه، تفاوت قابل توجه میان روستاهای دشتی و میانکوهی به لحاظ نسبت جمعیت شاغل در صنایع عسلویه به کل جمعیت مذکور سکونتگاه می‌باشد بنحوی که در روستاهای دشتی بطور میانگین حدود ۱۴ درصد و در روستاهای میانکوهی حدود ۲۷ درصد جمعیت مردان روستاها در صنایع منطقه عسلویه مشغول کار هستند. مقایسه این دو نوع سکونتگاه در متغیر مذکور با استفاده از آزمون یومان ویتنی نیز مورد آزمون قرار گرفت که با توجه به نتیجه این آزمون (۰/۰۰۹ < sig=) نشان داده شد که از نظر نقش منطقه صنعتی عسلویه در جذب نیروهای کار تفاوت معناداری میان روستاهای میانکوهی و روستاهای دشتی وجود دارد.

۷. برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به؛ مطیعی لنگرودی، حسن: جایگاه کشاورزی در روستاهای دره‌های غرب شهرستان مشهد؛ تنگناها و راهکارها، مجله جغرافیا و توسعه

جدول ۴. محصولات عمده زراعی تولیدی در روستاهای مورد مطالعه قبل و بعد از شکل گیری عسلویه؛ ماخذ: اطلاعات بدست آمده از مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۸۹

| نام روستا | محصولات عمده زراعی قبل از شکل گیری عسلویه | محصولات زراعی بعد از شکل گیری عسلویه |
|-----------------|--|--------------------------------------|
| مورکی | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا | گندم، ذرت |
| دشت رزم | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا | برنج، گندم، ذرت |
| باجگاه | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا | برنج، گندم |
| آب پخشان | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا | گندم، جو |
| اسلام آبادجاوید | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، نخود، لوبیا | برنج، گندم، جو |
| بلوط جهان | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، محصولات باغی | گندم، جو |
| گوسنگان | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، محصولات باغی | برنج، گندم، محصولات باغی |
| گوراب | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا، محصولات باغی | گندم |
| گرو | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا، محصولات باغی | گندم، جو |
| زیر زرد | برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، محصولات باغی | گندم، جو |



است که حاکی از کاهش شدید تنوع محصولات تولیدی در روستاهای مورد مطالعه دارد. امروزه این باور رایج گردیده است که توانمندی یک اجتماع در ایجاد سرمایه ای اجتماعی به منظور افزایش قابلیت اقتصادی از اهمیتی اساسی برخوردار است و آنچه که معمولاً در بسیاری از سکونتگاهها، به ویژه محیطهای روستایی از موانع رشد و توسعه اقتصادی به شمار می آید فقدان برخی زمینهها برای فعالیت و مبادله مناسب اقتصادی است (سعیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱). همانطور که در جدول مشاهده می شود، قبل از شکلگیری عسلویه تمامی سکونتگاههای روستایی مورد مطالعه محصولات عمده مصرفی مورد نیاز خود را تولید می کرده اند و چنین تولیداتی متکی بر نوعی نظام همیاری و تعاون سنتی استوار بوده است. این نظام علاوه بر بهره مند ساختن کشاورزان از مزایا و محاسن تعاون در امر تولید، تقویت کننده تعاملات اجتماعی و ارتباطات اقتصادی در درون اجتماعات روستایی بوده است که هم به لحاظ اجتماعی و هم از نظر اقتصادی حائز اهمیت است. اما بعد از شکل گیری عسلویه تولیدات زراعی روستاها هم به لحاظ تنوع محصولات و هم از نظر میزان تولید کاهش چشمگیری را نشان می دهد، که خود این روند به معنای افزایش وابستگی روستاییان در تامین نیازهای مصرفی آنهاست. در همین راستا و به منظور

صنعتی با تغییر الگوی مصرف و افزایش تقاضا برای محصولات و فرآورده های کارخانه ای، کشت محصولاتی نظیر گندم و جو و برنج اهمیت خود را از دست داده است. این در حالی است که قبل از ایجاد قطب صنعتی عسلویه گندم و جو و ذرت در هر سال زراعی کشت می شدند و علاوه بر تامین نیازهای داخلی روستاها بخشی از نیازهای جمعیت شهری ناحیه نیز تامین می گردید. در این زمان نیازهای روستاییان در داخل خود روستا تامین می شد و نیازی به تولیدات کارخانه ای و فرآورده های شهری احساس نمی شد. اما در حال حاضر تولیدات روستاییان جوا بگویی نیازهای آنان نیست. بطوری که روستاییان برای رفع بسیاری از نیازهای خود وابسته به شهر می باشند. شدت این وابستگی به حدی است که روستاییان حتی برای تامین برخی از محصولات کشاورزی که قبلاً خودشان در تولید آن قطب تولیدی ناحیه محسوب می شدند، نیز وابسته به بازارهای شهری گردیده اند. در حال حاضر در روستاهای مورد مطالعه محصولات زراعی از قبیل؛ نخود، عدس، ماش، لوبیا و برخی محصولات دیگر توسط تاجران دوره گرد شهری تهیه و تامین می گردد (بر اساس اطلاعات بدست آمده مطالعات میدانی). در جدول شماره (۴) عناوین برخی از عمده ترین محصولاتی که قبل و بعد از شکل گیری عسلویه در روستاهای منطقه کشت شده، آورده شده

جدول ۵. نتیجه آزمون سامرز بین متغیرهای سطح

| Value | | Asymp. Std. Error ^a | Approx. T ^b | Approx. Sig. | |
|-----------|--------------------------|--------------------------------|------------------------|--------------|------|
| Somers' d | Symmetric | .۰۱۶ | .۰۶۳ | .۲۶۰ | .۷۹۵ |
| | میزان برخورداری از خدمات | .۰۱۶ | .۰۶۲ | .۲۶۰ | .۷۹۵ |
| | سطح زیر کشت | .۰۱۷ | .۰۶۴ | .۲۶۰ | .۷۹۵ |

جدول ۶. آزمون سامرز بین متغیرهای میزان تولیدات کشاورزی و میزان برخورداری از خدمات

| Value | | Asymp. Std. Error ^a | Approx. T ^b | Approx. Sig. | |
|-----------|--------------------------|--------------------------------|------------------------|--------------|------|
| Somers' d | Symmetric | .۰۲۱ | .۰۶۷ | .۳۲۰ | .۸۶۵ |
| | میزان برخورداری از خدمات | .۰۲۱ | .۰۶۳ | .۳۲۰ | .۸۶۵ |
| | میزان تولیدات | .۰۱۹ | .۰۶۷ | .۳۲۰ | .۸۶۵ |

دشتی از وضعیت خدمات رسانی بهتری در زمینه خدمات روستایی-کشاورزی برخوردار بوده‌اند. برای اثبات دقیق موضوع، تحلیل همبستگی میان سطح زیرکشت و میزان برخورداری از خدمات در روستاهای نمونه با استفاده از ضریب همبستگی سامرز صورت گرفت، که با توجه به نتایج این آزمون، همبستگی بالای بین این دو متغیر با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری ۰/۷۹۵ مورد تایید قرار گرفت. پس اینطور می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان برخورداری سکونتگاهها از خدمات روستایی و کشاورزی، تأثیرات منفی جابجایی و انتقال نیروی کار بر سطح زیرکشت و میزان تولیدات به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است (جداول ۵ و ۶).

چنین تغییراتی باعث برهم خوردن نحوه مناسبات و ارتباطات اجتماعی - فرهنگی مابین اعضای این سکونتگاهها و بروز تغییراتی در نظام فضایی آنها گشته است. تا قبل از رونق فعالیت‌های صنعتی در عسلویه، معیشت تمامی ساکنان سکونتگاههای روستایی مورد مطالعه از طریق فعالیت‌های کشاورزی تأمین می‌شده است و به لحاظ سطح درآمدی نیز جمعیت روستایی غالباً در یک سطح بوده‌اند، ولی بعد از شکل گیری منطقه

آزمون صحت چنین روندی، رابطه بین نوع اشتغال روستاییان و تنوع و تعداد محصولات تولیدی آنها با استفاده از آزمون آماری ویلکاکسون^۸ در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به اینکه در نتیجه انجام این آزمون $p=0.025$ بدست آمد و این مقدار کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، چنین می‌توان نتیجه گرفت که؛ رابطه معناداری بین نوع اشتغال روستاییان و تنوع محصولات زراعی وجود دارد. از سوی دیگر، محصولاتی که هم اکنون کشت می‌گردد به لحاظ سطح زیرکشت نیز کاهش چشمگیری راداشته است و از این نظر باز هم میان روستاهای دشتی و میانکوهی تفاوت‌هایی وجود داشته است، به گونه‌ای که، بر اساس اطلاعات بدست آمده از داده‌های میدانی، در روستاهای میانکوهی به طور میانگین ۴۸ درصد و در روستاهای دشتی ۳۱ درصد از سطح زیرکشت محصولات کشاورزی نسبت به قبل کاسته شده است که علت این امر را می‌توان به تفاوت این دو نوع سکونتگاه از نظر تعداد افراد شاغل و همچنین تفاوت آنها در فرایند انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به صنعت دانست.

بر اساس بررسی‌های میدانی صورت گرفته، روستاهای

۸. ویلکاکسون (wilcoxon test)، آزمون ناپارامتریک جهت آزمون متغیرهایی با مقیاس رتبه‌ای می‌باشد. از طریق این آزمون، امکان مقایسه قبل و بعد یک وضعیت تحت تاثیر یک متغیر امکان پذیر است.

صنعتی عسلویه و اشتغال برخی از روستاییان در فعالیت‌های صنعتی ضمن بهم خوردن همگونی و هارمونی سابق در امرار معاش، نوعی شکاف اقتصادی به لحاظ میزان درآمد بین روستاییان پدیدار گردیده که این امر باعث بروز برخی دگرگونیها در نظام اجتماعی-اقتصادی این سکونتگاهها گردیده است. یکی از این تحولات دگرگونی‌ها از بین رفتن تعاون و همیاری در امر تولید و کاهش تعاملات مستقیم میان کشاورزان به علت بکارگیری کارگران روزمزد و کوچک شدن سطوح بهره برداری می‌باشد. زیرا از یک طرف از میزان فعالیت‌های کشاورزی کاسته شده و از طرف دیگر بخشی از همین میزان اندک فعالیت هم توسط کارگران روزمزد انجام می‌شود.

از دیگر عواملی که به واسطه شکل‌گیری و گسترش فعالیت‌های صنعتی در عسلویه، دگرگونی‌هایی را در سکونتگاههای روستایی خلق کرده است، می‌توان به افزایش میزان نقدینگی در خانوارهای روستایی اشاره نمود. ایجاد و توسعه صنایع نفت و گاز منطقه عسلویه، زمینه را برای افزایش درآمد جمعیت روستایی منطقه فراهم نموده است. بطوریکه بر اساس اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه، در روستاهای مورد مطالعه، افرادی که قبل از شکل‌گیری منطقه صنعتی عسلویه بیکار و یا فاقد درآمد قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند با اشتغال در این صنایع به درآمدهای نسبتاً بالایی دست یافته‌اند و در این

وضعیت جدید، وابستگی از نوع روستا به شهر رقم خورده است. اولین نشانه این وابستگی افزایش نقدینگی در میان روستاییان است، که مهمترین پیامد آن رواج پول به جای مبادله کالا به کالا و ورود گسترده تولیدات شهری به روستاهاست. از سویی دیگر بنا به نتایج مطالعات میدانی، بیش از ۸۵ درصد کارگران درآمد خود را در بخش زمین و مسکن شهری سرمایه‌گذاری می‌کنند و این پدیده جدیدی است که نظام روستایی را به نظام شهری وابسته‌تر کرد. تا قبل از این درآمد و سرمایه‌های -هرچند ناچیز- خانوارهای روستایی بیشتر به شکل محصولات و کالاهای تولیدی و یا عوامل تولید بوده که طی فرایندهای گوناگون، بخشی از این تولیدات در چرخه بازتولید قرار می‌گرفت و بخشی از آن نیز هم از طریق مکانیزم‌های سنتی خاص هر منطقه باعث بهبود مناسبات و روابط روستاها با شهر می‌شد، اما در حال حاضر دستمزدهای بالایی که در ازای کار در صنایع نصیب کارگران می‌گردد، عمدتاً در بخش زمین و مسکن شهری سرمایه‌گذاری می‌گردد. چنین جریانی نه تنها سودی نصیب جامعه روستایی منطقه نمی‌نماید بلکه به سرعت باعث کاهش ارزش املاک روستایی و تشدید مهاجرت روستاییان به شهر می‌گردد. بگونه‌ای که بر اساس اطلاعات حاصل از مطالعات میدانی در روستاهای مورد مطالعه، ۸۳.۲ درصد افرادی که در صنایع عسلویه مشغول بکار هستند، در شهر نخست ناحیه یعنی شهر نورآباد اقدام به سرمایه‌گذاری در

جدول ۷. میزان ارائه خدمات جدید روستایی- کشاورزی در ۱۰ سال گذشته، ماخذ: مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۹۲

| مقیاس (میزان تاثیر گذاری) | فراوانی | درصد |
|---------------------------|---------|--------|
| خیلی زیاد | ۱۶ | ۱۰ |
| زیاد | ۲۰ | ۱۲.۵ |
| کم | ۷۱ | ۴۴.۳۷۵ |
| بسیار کم | ۵۳ | ۳۳.۱۲۵ |

جدول ۸. میزان بهبود خدمات موجود روستایی- کشاورزی در ۱۰ سال گذشته، ماخذ: مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۹۲

| مقیاس (میزان تاثیر گذاری) | فراوانی | درصد |
|---------------------------|---------|--------|
| خیلی زیاد | ۲ | ۱.۲۵ |
| زیاد | ۸ | ۵ |
| کم | ۱۷ | ۱۰.۶۲۵ |
| بسیار کم | ۱۳۳ | ۸۳.۱۲۵ |

زمین یا مسکن نموده‌اند.

برای سنجش اثرات نهایی منطقه صنعتی عسلویه و رابطه آن با وضعیت خدمات رسانی روستایی-کشاورزی در سکونتگاههای روستایی مورد مطالعه، از ۱۶۰ نفر از کشاورزان، در خصوص ارائه خدمات جدید و یا بهبود خدمات موجود روستایی-کشاورزی، در یک مقیاس رتبه‌ای نظر سنجی بعمل آمد، که نتایج آن در جداول زیر آمده است.

با توجه به نتایج حاصل از نظر سنجی فوق می‌توان گفت، به علت جابجایی بخش زیادی از نیروی کار روستاهای مورد مطالعه و از دست رفتن آستانه جمعیتی لازم برای اقتصادی و به صرفه نمودن ارائه خدمات، وضعیت خدمات رسانی روستایی-کشاورزی در منطقه مورد مطالعه از دو منظر دچار آسیب شده، اول اینکه بسیاری از خدماتی که در منطقه وجود نداشته و روستاییان به آن احتیاج داشته‌اند، کماکان نیز در روستاهای مذکور ارائه نمی‌شود و دیگر اینکه خدمات موجود نیز به همان کیفیت سابق و حتی با کاهش کیفیت در عرضه مواجه شده‌اند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به مباحث ذکر شده در خصوص اثرات مکانی-فضایی منطقه صنعتی عسلویه بر سکونتگاههای روستایی شهرستان و جریان نیروی کار از این سکونتگاهها به منطقه عسلویه اینطور می‌توان نتیجه‌گیری نمود که؛ منطقه صنعتی عسلویه با وجود اثرات مثبت بر سکونتگاههای روستایی شهرستان ممسنی که بیشتر در برگیرنده جنبه‌ها و معیارهایی از رشد اقتصادی، بوده است، اثرات و پیامدهای منفی گسترده‌ای را نیز بر این سکونتگاهها اعمال نموده است و در مجموع تأثیرات منفی بیشتر بصورت تغییر در ساختار تولیدی و معیشتی روستاهای مورد مطالعه و تأثیرات مثبت آن به شکل افزایش درآمد روستاییان بوده است. شکل‌گیری منطقه عسلویه ضمن جذب سرمایه‌های انسانی روستایی مورد مطالعه، تضعیف نظام تولیدی این روستاها و پیامدهای متعاقب آن را به دنبال داشته است. همچنین در اثر جریان نیروی کار از روستاهای مورد مطالعه به منطقه

عسلویه، فضای ذهنی و توقعات ساکنان روستاها به خصوص جوانان دچار تغییر و تحول گردیده و تمایل به ماندگاری آنها در روستا را بشدت کاهش داده است، که این امر با توسعه پایدار روستایی به ویژه از منظر اقتصادی-اجتماعی دارای تعارض جدی خواهد بود. از سوی دیگر، شکل‌گیری این جریان نیروی کار به منطقه عسلویه بنحو کاملاً بارزی باعث افزایش درآمد روستاییان و افزایش سطح مصرف ساکنان روستاهای مورد مطالعه و بویژه خانوارهایی که در جریان نیروی کار مورد بحث نقش مستقیم دارند، گردیده است، به هر حال در کنار آثار مثبت منطقه عسلویه بر روستاهای شهرستان، نظام تولیدی و اقتصادی آنها، تضعیف گردیده است، که نمود فضایی این مسئله در مهاجرت‌های روستا-شهری از روستاهای مذکور به شهر نورآباد قابل مشاهده است. از طرفی خانوارهایی که هم اکنون در این روستاها باقی مانده‌اند نیز، مکانیسم‌ها و سازوکارهای ارتباطی و تولیدی گذشته خود را از دست داده و برای ادامه حیات خود وابستگی شدیدی به شهر مرکزی ناحیه یعنی نورآباد پیدا کرده‌اند. بنابراین شکل‌گیری و رونق فعالیت‌های صنعتی در منطقه عسلویه نتوانسته است به توسعه پایدار روستاهای شهرستان ممسنی بیانجامد و از سویی بهبود نظام خدمات رسانی روستایی کشاورزی را در بسیاری از روستاهای شهرستان و از جمله روستاهای مورد مطالعه با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

منابع و مآخذ

۱. دولفوس، اولیویه (۱۳۷۰) فضای جغرافیایی، ترجمه دکتر سیروس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، تهران.
۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران
۳. سعیدی، عباس (۱۳۸۷) رویکرد قطب رشد، دانشنامه جامع مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور، تهران.
۴. سعیدی، عباس (۱۳۸۴) مبانی جغرافیای روستایی، چاپ ششم، انتشارات سمت، تهران
۵. سعیدی، عباس (۱۳۷۷) توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی در ایران، مجله مسکن و انقلاب، شماره



Incentives and Political Will in Land Use Planning for the Jakarta Metropolis, Third World Planning Review, Vol. 11, N 2. PP 138-154

18. Satterth, W. D & Tacoli C, (2003), the role of small and inter media urban centers in region and rural development, international in statute for environment and development, Washington.

۸۷، تهران، صص ۲۱-۱۷.

۶. ضیایی، محمود (۱۳۷۹) نقش و جایگاه دولت در توسعه شهر و شهرنشینی در ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

۷. کلانتری، خلیل و سرفراز حقیقی (۱۳۸۲) مطالعه اثرات قطب صنعتی مبارکه اصفهان بر توسعه کشاورزی منطقه، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۴، شماره ۳، صص ۷۰۰-۶۹۳

۸. اهلرز، اکارت (۱۳۸۰) ایران (شهر - روستا - عشایر)، ترجمه عباس سعیدی، نشر منشی، چاپ دوم، تهران.

۹. شکویی، حسین (۱۳۷۵) اندیشه‌های نور در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتا شناسی، چاپ اول، تهران.

۱۰. مهندسین مشاور DHV (۱۳۷۱) رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، ترجمه سیدجواد میر و دیگران، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی، تهران.

۱۱. مهندسان مشاور ستیران (۱۳۵۵) مطالعه استراتژی درازمدت طرح آمایش سرزمین، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۱۲. مطیعی لنگرودی، حسن و علی اکبر نجفی کانی، بررسی و ارزیابی اثرات شهرکها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان بابل)، پژوهش های جغرافیایی شماره ۸۵، زمستان ۱۳۸۵

۱۳. مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۴) جایگاه کشاورزی در روستاهای درهای غرب شهرستان مشهد؛ تنگناها و راهکارها، مجله جغرافیا و توسعه، زاهدان، صص ۲۴-۵.

۱۴. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳) اندازه شهر، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران.

15. Firman, T.(1997), Land Conversion and Urban Development in the Northern Region of West Java, Indonesia, Urban Studies Journal, Vol. 34, N 7, pp 67-89

16. Douglass, M. and Friedman, J, eds, (1998), Cities for Citizens: Planning and the Rise of Civil Society in a Global Age, Wiley Publications, Chichester.

17. Douglass, M. (1989), The Environmental Sustainability of Development. Coordination,



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۶۶

تدوین استراتژی‌های توسعه فناوری بام سبز در کشور با استفاده از ابزارهای مدیریت استراتژیک (ماتریس SWOT و ماتریس IE): مطالعه موردی شهر مشهد

الهه اعظم رحمتی* - کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
علی فیروز زارع - دانشجوی مقطع دکترای اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
معصومه برجی - کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Green Roof Technology Development Strategies Using Strategic Management Tools (SWOT Matrix and IE Matrix): Case Study of Mashhad city

Abstract

Appearance the concept of joint ownership for parts like roof and no management experience shared by new neighbors, aristocratic classes of buildings to each other, components into new facility and building such as air conditioners and air pollution are the main reasons the decline of rooftops and they have become useless spaces. Nowadays many cities around the world, the sustainability improve by urban green increase and the use of dead spaces such as roof. Green roofs installation may cause to achieve economic and social stability of the building is in cities. The clearest benefit of a green roof is creating a rewarding environment in buildings that the value of property price increases because green roofs are attractive to residents. But despite all the benefits listed for green roof technology, it should be noted that without the new green roof technology and this technology is still in its experimental stages, it will spend its implement by unstable procedures and its failure can negative effect have on society and their interest in order to further expand the scale of urban green roofs. So it is very important to identify all aspects of the technology; Therefore, the study's aim is to identify strengths, weaknesses, opportunities and threats of green roof using SWOT technique. According to the results, the strategies applied in the field of green roofs in the current situation WO strategy have been diagnosed. This means that the maximum use of the opportunities and minimize the weaknesses of green roof technology causes the development of green roof technology in the city of Mashhad.

Keywords: Green roof, strategy, SWOT technique.

چکیده

ظهور مفهوم مالکیت مشاع (اشتراکی) برای قسمت‌هایی مثل پشت بام و نداشتن تجربه مدیریت اشتراکی توسط نوهمسایگان، اشراف طبقات ساختمان‌ها به یکدیگر (اشراف غریبه‌ها)، وارد شدن اجزای جدید تاسیساتی و ساختمانی مانند کولرها، لوله‌های تاسیساتی، آنتن‌ها و آسانسور و البته آشفته‌گی‌های بصری - صوتی و آلودگی هوا از مهم‌ترین دلایل افول نقش پشت‌بام‌ها و دیگر بخش‌های نیمه باز مثل ایوان و تبدیل آن‌ها به فضاهایی بی‌استفاده هستند. امروزه بسیاری از شهرهای جهان سعی می‌کنند پایداری را با افزایش فضاهای سبز شهری و استفاده از فضاهای بلااستفاده نظیر بام بهبود بخشند. ایجاد بام‌های سبز باعث دستیابی به پایداری اقتصادی و اجتماعی برای ساختمان‌ها در شهرها می‌شود. واضح‌ترین فایده یک بام سبز، ایجاد یک محیط باارزش در ساختمان است که ارزش و قیمت ملک را بالا می‌برد و با مشارکت در نوسازی و زیباسازی یک ناحیه شهری، ساختمان‌سازان را نیز قادر می‌سازد با هزینه کمتری، الزامات شهرداری‌ها را در استفاده جهت‌دار از زمین برآورده‌کنند. اما علی‌رغم تمام مزایای برشمرده برای فناوری بام سبز باید توجه داشت که با توجه به نبودن فناوری بام سبز و این که این فناوری در کشور هنوز مراحل تجربی خود را می‌گذراند، اجراسازی آن با روش‌های ناپایدار و عدم موفقیت آن می‌تواند تأثیرات منفی در استقبال جامعه و مسئولین در راستای گسترش هر چه بیشتر بام‌های سبز در مقیاس شهری داشته باشد. بنابراین شناسایی این فناوری از تمامی ابعاد بسیار با اهمیت است؛ لذا این پژوهش با هدف شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای بام سبز با استفاده از تکنیک سوات انجام شده که برای این منظور از استادان و کارشناسان مربوطه در سطح شهر مشهد استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده، استراتژی کاربردی در زمینه بام سبز در شرایط فعلی در شهر مشهد، استراتژی WO تشخیص داده شده است؛ بدین معنا که استفاده حداکثری از فرصت‌های موجود فناوری بام سبز با به حداقل رساندن ضعف‌های موجود باعث توسعه فناوری بام سبز در شهر مشهد شد. واژگان کلیدی: بام سبز، استراتژی، تکنیک سوات.

مقدمه

به دلیل افزایش میزان شهرنشینی، فشارها بر روی محیط زیست طبیعی افزایش یافته است که یک مسیر امیدوارکننده برای ایجاد فضای سبز بیشتر در مناطق شهری، بکارگیری بام سبز می باشد (۱۴). در ساختمان های شهری بام های مسطحی که با هزینه زیاد به منظور حفاظت از ساختمان در برابر باران و برف و نگهداری لوازم مکانیکی طراحی شده اند، معمولاً فاقد ملاحظات زیبایی شناسانه معماری بوده و بنابراین نتوانسته اند در اغنای ارزش زیبایی و معماری ساختمان نقشی داشته باشند. این سطوح چهره های زمخت و خشن به سیمای شهر، یا محدوده ساختمان می بخشند و نیازمند سیستم دفع آب باران نیز هستند. استفاده از فناوری بام سبز که از تکنیک های پیشرفته فضای سبز است، با وجود مشکلات بکارگیری و ساخت آن از جهات بسیاری مقرون به صرفه است و می تواند جایگزین مناسبی برای پارک های شهری باشد (۶). در این شرایط بخش عمده ای از خاک از دست رفته به واسطه ساخت و ساز را، می توان با تبدیل به بام های سبز جبران کرد که راهی آسان و همچنین اقتصادی برای جبران کمبود فضای سبز در شهرهاست.

امروزه بسیاری از شهرهای جهان با مشکل جزیره حرارتی و فقدان فضای سبز مواجهند. این عقیده وجود دارد که بام های سبز به کاهش اثرات جانبی جزیره حرارتی شهری و آوردن طبیعت به محیط شهری کمک می کنند. آن ها نه تنها به دماهای کمتر شهری کمک می کنند بلکه همچنین زیبایی و روانشناسی شهری را بهبود بخشیده و محدودیت های آلوده کنندگی و سروصدا را به خوبی کاهش می دهند (۱۷).

بام سبز بامی است که با محیط کشت روینده پوشانده می شود. این بام ها اگرچه جزء فضاهای خصوصی و نیمه عمومی به حساب می آیند، اما در بازدهی اکولوژیکی شهری و ایجاد کیفیت مطلوب برای زندگی شهری نقش مؤثری دارند (۲). بام های سبز می توانند بر روی انواع مختلفی از ساختمان ها شامل ساختمان های دولتی،



صنعتی، آموزشی، تجاری و مسکونی ساخته شده و عمدتاً به دو نوع اصلی «گسترده»^۱ و «متمرکز»^۲ طبقه بندی می شوند (۱۲، ۲۳ و ۲۵).

ایده باغچه های روی بام و کشت بر روی آن در زمان های قدیم توسط ایرانیان در ۲۵۰۰ سال پیش و بر روی بام زیگورات ها به کار گرفته شده است و تا ششصد سال قبل از میلاد مسیح توسط مردم بابل در باغ های معلق بابل ساخته شده بود. همچنین از صدها سال پیش در اروپای غربی بکار می رفته، اما هنوز نحوه تشکیل آن در اقلیم های محلی به خوبی شناخته شده نیست. در قرون وسطی و رنسانس نیز در فرانسه و ایتالیا گونه هایی از باغ بام بوجود آمد که اکثراً توسط دولت و در ساختمان های عمومی شکل می گرفت (۹). در دهه ۱۹۶۰ بام های سبز مدرن اولین بار در سوئیس برای مدیریت رواناب سطحی بکار برده شد و در اواخر دهه ۱۹۷۰ در آلمان گسترش یافتند. امروزه در آلمان از بام های سبز به طور وسیعی استفاده شده و تقریباً ۱۴ درصد از کل بام های مسطح آن سبز هستند. آلمان جایی است که بام های سبز و سیاست های سبز بیشتری فراوانی کاربرد را دارند (۱۹). بنابراین می توان گفت که آلمان پیشروی جهان در ایجاد بام سبز محسوب می شود. در آلمان بام های سبز، با ده ها میلیون مترمربع، به فراوانی یافت می شوند (۱۶)؛ صنعت بام سبز در آلمان بدون مشوق ها توسعه نیافت. در سال ۱۹۹۶ بیش از ۸۰ شهرداری آلمان برخی مشوق ها را برای مالکان ساختمان ها جهت بکارگیری یک بام سبز پیشنهاد کرده است که این نوع مشوق ها در حال حاضر قطعاً بیشتر شده است (۲۲). ایالات متحده نیز بام های سبز قابل توجهی دارد، اما تعداد آن ها به اندازه اروپا نیست (۹).

در ایران توسعه فضای سبز عمودی برای نخستین بار در اصفهان شکل گرفت، طی دهه ۱۳۷۰ موضوع فضاهای سبز عمودی در سیاست های شهرسازی شهردار وقت تهران مطرح شد و در مدت زمان کوتاهی فعالیت هایی در برخی سازمان ها و ادارات وابسته به شهرداری انجام شد. در مشهد نیز کارهایی انجام شد و در سه نقطه شهر این

1. Extensive green roof
2. Intensive green roof

میزان ۷۲۰ مگاواتر شده است که این صرفه‌جویی‌ها می‌تواند انگیزه‌کافی برای بسیاری از سازندگان باشد تا بام سبز را به عنوان گزینه‌ای بادوام در نظر بگیرند. بانتینگ^۴ و همکاران (۲۰۰۵)، برآورد نمودند که در شهر تورنتو بام‌های سبزی می‌توانند هر ساله ۲۵ میلیون دلار در برنامه‌های خسارت فرسایشی صرفه‌جویی کرده و نیز با کمتر شدن جریان آب سطحی باعث می‌شوند که سالانه به اندازه ۵۰۰ هزار دلار برای این شهر منفعت داشته باشد. طبق مطالعه روزنزیوگ^۵ و همکاران (۲۰۰۶) تخمین زده شده که یک بام سبز در شهر نیویورک هر ساله صرفه‌جویی ۱۸ میلیون دلاری برای تصفیه رواناب سطحی دارد. کاهش رواناب سطحی به عنوان یکی از منافع بام سبز، منفعتی عمومی است که می‌تواند صرفه‌جویی‌های قابل توجهی را نتیجه دهد. نتایج مطالعه بلکهارست^۶ و همکاران (۲۰۱۰)، نشان می‌دهد که بام‌های سبز در دستیابی به شهر پایدارتر به لحاظ زیست‌محیطی نقش اساسی دارد. کلاوس و روسیو^۷ (۲۰۱۰)، دریافته‌اند که کمک‌های بلاعوض دولت (سوسپیدها) برای بام‌های سبز از نظر اجتماعی مطلوبیت به همراه داشته و واقعاً برای احداث بام‌های سبز این سوسپیدها مورد نیاز سرمایه‌گذاران بالقوه خصوصی می‌باشد. واتلی^۸ (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای که بر روی نصب و راه‌اندازی بام‌های سبز برای تمام مدارس عمومی آتلانتا انجام داده، این نتیجه را فراهم می‌آورد که منافع حاصل از بام سبز، در مقیاس وسیع، از هزینه‌های ابتدایی وارده آن بیشتر است و بام‌های سبز بسیار بادوام می‌باشند و تکنولوژی سودمندی محسوب می‌شود که به دنبال پایداری آینده است. تیو و راوسلوت^۹ (۲۰۱۱)، از بروکراسی اداری به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع برای نوآوری توسط شرکت‌های بام‌های سبز نام برده شده و پیشنهاد شده که یکسان‌سازی روش‌ها و مراحل به لحاظ قانونی، مالی و سیاستی می‌تواند در رفع این مانع مفید باشد. تم^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۱)، تجربه استفاده از بام‌های سبز در هنک‌کنگ را بررسی کرده و دریافته‌اند که منافع زیادی از نصب بام‌های

طرح به صورت آزمایشی اجرا شد. اما فعالیت‌های انجام شده در کشور به دلیل عدم شناخت ابعاد و جوانب این فناوری بصورت محدود و در اندازه طرح‌ها و پروژه‌های ناتمام باقی ماند. به عنوان نمونه کشتکار قلاتی و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای بر اساس اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای با هدف استفاده از معیارهای توسعه پایدار جهت توجیه پذیر نمودن سامانه‌های سبز در ایران یکی از راه‌حل‌های اجرای گسترده سامانه سبز را تعریف و تحلیل آن در قالب سیاست‌ها و مؤلفه‌های توسعه پایدار معرفی کرده و این نتیجه را بیان می‌کند که یکی از راه‌های توسعه بام سبز و توجیه پذیر نمودن آن در کشور تعریف و تحلیل راه‌های گسترش آن بر مبنای معیارهای توسعه پایدار می‌باشد. نه‌رلی و همکاران (۱۳۹۰)، در مطالعه خود به بررسی عوامل محدودکننده توسعه بام‌های سبز در ایران بر پایه تحلیل سلسله‌مراتبی به صورت پیمایشی و با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی پرداخته و در پژوهش خود سعی در شناسایی چالش‌های عدم گسترش بام‌های سبز در ایران بنابر ضرورت‌های محلی دارند که موانعی مانند هزینه‌های متفاوت استقرار، عدم نگرش به عنوان راهکار زیست‌محیطی و ارزان بودن حامل‌های انرژی وجود دارد. همچنین در طیف میانی، فقدان ضوابط مدون دستوری، عدم سازگاری به لحاظ هنجاری، نبود صنعت بومی بام سبز و در نهایت خلأ پژوهش‌های کاربردی در این زمینه، در کنار نبود طرح‌هایی با توجیه اقتصادی و نبود شناخت ذهنی و عینی از مزایای بام سبز در ذهن شهروندان از جمله خط‌مشی‌های اولویتی معیارها و راهبردهای اجرایی بر سر راه توسعه بام‌های سبز محسوب می‌شود. مرور تجارب خارجی نیز حاکی از اطلاعات ارزشمندی است که به عنوان نمونه می‌توان به مطالعاتی که در ادامه آمده اشاره نمود. کتز^۲ (۲۰۰۳)، بر طبق برآوردی که برای شهر لوس‌آنجلس انجام داده به این نتیجه رسیده که بام سبز هر ساله در حوزه انرژی صرفه‌جویی‌های بالقوه ۱۰۰ میلیون دلاری داشته و باعث کاهش تقاضای برق به

3. Kats
4. Banting
5. Rosenzweig
6. Blackhurst

7. Claus & Rousseau
8. Whatley
9. Teeuw & Raveslout
10. Tam

سبزگسترده می‌تواند حاصل شود که از جمله آن بهبود زیبایی بصری، کاهش اثر جزیره حرارتی شهری و بهبود کیفیت هواست.

این مقاله با هدف شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این فناوری انجام شده که به این منظور با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه حضوری با کارشناسان و استادان دانشگاه مرتبط با این حوزه در سطح شهر مشهد این عوامل شناسایی شده و پس از آن با استفاده از ماتریس SWOT راهکارهایی برای توسعه و بکارگیری آن ارائه شد.

مواد و روش‌ها

روش تجزیه و تحلیل سوات

یکی از ابزارهای بسیار مفید و قدرتمند در تدوین استراتژی، ماتریس SWOT است که در صورت بهره‌برداری مؤثر و مناسبی از آن، اساس و معیار خوبی برای تدوین استراتژی می‌دهد (۱۰). سنجش فرصت‌ها، توانمندی‌ها، ضعف‌ها و تهدیدها به تحلیل سوات معروف است.

هدف این مرحله سنجش محیط داخلی ناحیه مطالعه شده جهت شناسایی نقاط ضعف و قوت می‌باشد و در ادامه کندوکاو آثار محیط خارجی جهت شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهایی است که شهر مشهد در ارتباط با گسترش بام سبز با آن مواجه است. در مدل SWOT پس

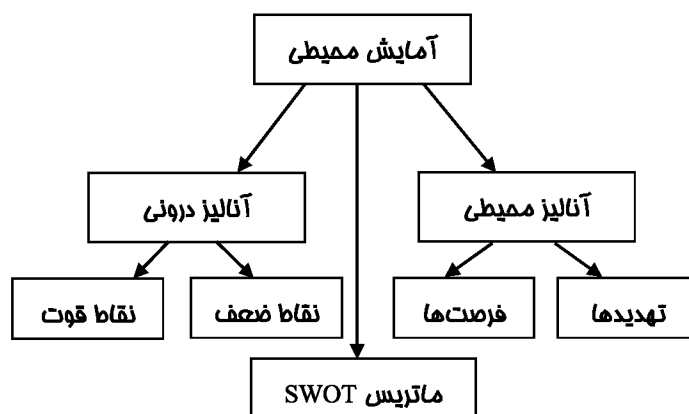
از لیست کردن هر یک از عوامل قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها و نوشتن آن‌ها در سلول‌های مربوط به خود، از محل تلاقی هر یک از آن‌ها استراتژی‌های موردنظر حاصل می‌شود، بنابراین همواره این ماتریس منجر به چهار دسته استراتژی ST، WT، SO، WO می‌شود. مواجهه دادن عوامل اصلی داخلی و خارجی و تدوین استراتژی‌های ST، WT، SO، WO از مشکل‌ترین بخش‌های تهیه ماتریس SWOT می‌باشد و به قضاوت و قدرت تجزیه و تحلیل خوبی نیاز دارد.

تدوین استراتژی‌های ST، WT، SO، WO کاملاً بر اساس خبرگی و خلاقیت می‌باشد و لیست نمودن نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها در واقع کمک‌هایی برای این مرحله از تدوین استراتژی است. در تحلیل SWOT بر اساس نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای شناسایی شده برای توسعه فناوری بام سبز، چهارگروه استراتژی به شرح ذیل استخراج می‌گردند:

۱. استراتژی‌های SO مواردی هستند که در راستای بهره‌گیری حداکثری از نقاط قوت و منتفع شدن از فرصت‌ها تدوین می‌شوند. این استراتژی‌ها را استراتژی‌های هجومی نیز می‌نامند؛ چرا که بر اساس نقاط قوت و فرصت‌ها شکل گرفته‌اند.

۲. استراتژی‌های ST، نقاط قوت را به عنوان ابزاری برای پرهیز از تهدیدها در نظر می‌گیرند.

۳. استراتژی‌های WO، به بهره‌گیری از فرصت‌ها از طریق



شکل ۱. چارچوب تحلیل SWOT؛ مأخذ:

شکل ۱. چارچوب تحلیل SWOT؛ مأخذ: محمدی ده‌چشمه و زنگی آبادی، ۱۳۸۷

غلبه بر نقاط ضعف تأکید می‌کند.

۴. استراتژی‌های WT، اساساً ماهیتی دفاعی داشته و بر حداقل کردن نقاط ضعف و پرهیز از تهدیدها تأکید می‌کنند.

در تحلیل نقاط قوت و ضعف و فرصت و تهدید سعی می‌شود تا با شناسایی نقاط قوت و ضعف شهر مشهد در زمینه بام سبز و تعیین فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در زمینه بهره‌گیری از فناوری بام سبز، استراتژی‌ها به گونه‌ای تبیین شوند تا حداکثر استفاده از نقاط قوت و فرصت‌ها صورت گرفته، نقاط ضعف برطرف شده و برای رویارویی با تهدیدها چاره‌اندیشی شود.

بدین منظور باید در ابتدا نقاط قوت و ضعف و فرصت و تهدیدهای فناوری بام سبز را شناسایی نمود. از آنجاکه نقاط قوت و ضعف مربوط به عوامل درون سیستم است، در شناسایی آن‌ها باید عوامل داخلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به منظور تعیین فرصت‌ها و تهدیدها نیز باید عوامل بیرونی سیستم شناسایی و تحلیل گردد. پس از استخراج عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر توسعه فناوری بام سبز در شهر مشهد، نوبت به تهیه ماتریس‌های ارزیابی عوامل درونی و بیرونی (محیط نزدیک و محیط دور) می‌رسد. در این ماتریس ضمن مشخص نمودن وزن برای هر عامل و تعیین امتیاز عامل، مقدار امتیاز نهایی هر نقطه قوت و یا ضعف تعیین می‌شود. برای نقاط قوت و ضعف به صورت جداگانه عددی تحت عنوان وزن مشخص می‌گردد. این وزن بیانگر اهمیت نسبی عامل نسبت به سایر عوامل می‌باشد. مجموع این اوزان برابر عدد ۱ است (۳).

علاوه بر وزن، برای هر نقطه قوت و ضعف و یا فرصت و تهدید، یک رتبه نیز تعیین می‌گردد. این رتبه بیانگر میزان شدت و تأثیرگذاری عامل مربوطه است. رتبه مذکور عددی، بین ۱ تا ۴ می‌باشد. نمره نهایی هر قوت و ضعف و فرصت و تهدید از ضرب ضریب در رتبه آن بدست می‌آید. ماتریس عوامل بیرونی نیز با ساختاری مشابه با ماتریس ارزیابی عوامل درونی به بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای توسعه فناوری بام سبز می‌پردازد؛ شیوه امتیازدهی در این ماتریس نیز شبیه ماتریس ارزیابی

عوامل درونی است. جهت تحلیل همزمان عوامل درونی (داخلی) و بیرونی (خارجی) از ابزاری به نام ماتریس درونی و بیرونی استفاده می‌شود (۳).

ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی (EFE)

این ماتریس ابزاری است که به استراتژیست‌ها اجازه می‌دهد تا عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را در یک مقطع زمانی مورد ارزیابی قرار دهند (۱). برای تهیه ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی باید پنج‌گام ذیل طی گردد:

۱- پس از شناسایی عوامل محیط خارجی و تهیه لیستی از این عوامل به کمک نقطه نظرات خبرگان، عوامل کلیدی موفقیت حداقل ۱۰ تا حداکثر ۲۰ عامل را فهرست نمایید.

۲- به هر عامل یک ضریب وزنی بین صفر (بی‌اهمیت) تا یک (بسیارمهم) اختصاص دهید. جمع ضرایب وزنی اختصاص داده شده باید مساوی یک شود. ضرایب وزنی، نشان‌دهنده اهمیت نسبی عوامل در صنعت مورد بررسی می‌باشد.

۳- برای هر یک از عوامل یک امتیاز بین ۱ تا ۴ بر حسب میزان تطابق با فرصت‌ها و تهدید بنویسید. به این ترتیب که برای فرصت طلایی یا استثنایی امتیاز ۴ و برای فرصت معمولی امتیاز ۳ لحاظ می‌شود و برای تهدید معمولی امتیاز ۲ و برای تهدید جدی امتیاز ۱ لحاظ می‌شود.

۴- امتیاز وزن دار (موزون) هر عامل را محاسبه می‌نمایید. بدین منظور ضریب درجه اهمیت هر عامل را در امتیاز حاصل از متوسط نقطه نظرات خبرگان ضرب نمایید.

۵- جمع امتیاز موزون سازمان را محاسبه نمایید. این عدد حداقل یک و حداکثر چهار خواهد بود و امتیاز متوسط برای شرکت‌ها در ماتریس EFE، ۲.۵ می‌باشد.

امتیاز ۴ برای سازمان نشان می‌دهد که سازمان در صنعت دارای موقعیتی برجسته می‌باشد؛ به عبارت دیگر نشان‌دهنده واکنش عالی در استفاده از فرصت‌ها و به حداقل رساندن اثر تهدیدها می‌باشد. همچنین امتیاز ۱ نشان می‌دهد که استراتژی‌های شرکت در استفاده از



فرصت‌ها و پرهیز از تهدیدات توانمند نبوده است (۸).

ماتریس ارزیابی عوامل درونی (IFE)

در فرایند بررسی عوامل درونی پس از این که با استفاده از رویکرد وظیفه‌ای، عوامل کلیدی داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) شناسایی شدند، باید این عوامل مورد ارزیابی قرار گیرند. ماتریس ارزیابی عوامل درونی بسیار شبیه ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی بوده و طی پنج مرحله ذیل انجام می‌پذیرد:

۱- پس از شناسایی عوامل داخلی نقاط قوت و ضعف سازمان را مشخص نمایید.

۲- به هر عامل یک ضریب وزنی بین صفر تا یک اختصاص دهید. به این ترتیب که به عامل بی‌اهمیت ضریب صفر و عامل بسیار مهم ضریب یک اختصاص می‌یابد و بقیه در این دامنه قرار می‌گیرند. همان گونه که در ماتریس EFE توضیح داده شد، می‌توان از نرمالیزه کردن جهت وزن‌دهی استفاده نمود. در این صورت جمع ضرایب وزنی اختصاص داده شده باید مساوی یک باشد.

۳- وضع موجود هر عامل را با امتیازاتی بین ۱ تا ۴ با توجه به محور ذیل مشخص نمایید. نقاط ضعف فقط امتیاز ۱ یا ۲ (اگر ضعف معمولی است امتیاز ۲ و اگر ضعف بحرانی است امتیاز ۱ می‌گیرد) را دریافت می‌نمایند. نقاط قوت فقط نمرات ۳ یا ۴ (اگر قوت معمولی است امتیاز ۳ و اگر قوت عالی است امتیاز ۴ می‌گیرد) را می‌توانند به خود بگیرند.

توجه به این نکته در تهیه ماتریس‌های ارزیابی درونی و بیرونی بسیار حائز اهمیت است که امتیازات بر اساس وضع موجود حاکم بر آن و وزن‌ها بر اساس درجه اهمیت هر یک از عوامل در صنعت مورد بررسی تعیین می‌شود.

۴- امتیاز وزن‌دار (موزون) هر عامل را محاسبه نمایید. بدین منظور امتیاز هر ردیف از عوامل درون سازمانی را در وزن آن ضرب نمایید و در یک ستون جدید درج نمایید.

۵- جمع امتیاز موزون را محاسبه نموده که حداقل ۱ و حداکثر ۴ و میانگین آن‌ها ۲.۵ می‌باشد. اگر نمره نهایی سازمان کمتر از ۲.۵ باشد یعنی سازمان از نظر عوامل

درونی در مجموع دچار ضعف می‌باشد و اگر نمره نهایی بیشتر از ۲.۵ باشد بیانگر این است که سازمان از نظر عوامل درونی در مجموع دارای قوت می‌باشد.

پس از شناخت، ارزیابی و طبقه‌بندی عوامل درونی و بیرونی، با استفاده از جداول EFE و IFE به کمک خبرگان این عوامل در حاشیه ماتریس SWOT وارد شده و آنگاه بر اساس خبرگی، استراتژی‌های مناسب هر یک از بخش‌های WT، ST، WO، SO پیشنهاد می‌گردد (۸). به همین جهت در این طرح برای دستیابی به اهداف ابتدا یک پرسشنامه در قالب یک جدول SWOT برای مدل راهبردی طراحی و در اختیار تعدادی از کارشناسان شهر مشهد قرار گرفت که همگی به نوعی با بام سبز آشنا بوده و دارای دیدگاه هستند که بر اساس هماهنگی‌های قبلی با ایشان و گرفتن وقت مصاحبه و تکمیل پرسشنامه حضوری فرایند کار میدانی دنبال شد.

نتایج و بحث

شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای بام سبز با استفاده از تکنیک سوات

شناسایی نقاط ضعف و نقاط قوت و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری بام سبز در شهر مشهد، از طریق مطالعات میدانی محقق و مصاحبه با کارشناسان مرتبط با این حوزه در قالب دو ماتریس ارزیابی عوامل درونی و بیرونی استخراج شده و در نهایت به تعیین استراتژی مناسب مرتبط با بام سبز با استفاده از ماتریس سوات پرداخته شد. در ادامه مراحل کار و نتایج حاصل از آن آورده شده است.

ماتریس ارزیابی عوامل درونی (IFE)

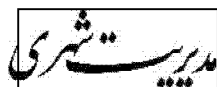
در این ماتریس قابلیت‌های فناوری بام سبز و نقاط ضعف آن شناسایی شده و مورد ارزیابی کارشناسان قرار گرفته است.

ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی (EFE)

در ماتریس ذیل عوامل محیطی تأثیرگذار بر فناوری بام سبز ابتدا شناسایی شده و سپس در قالب فرصت‌ها و

جدول ۱. ماتریس ارزیابی عوامل درونی (IFE) فناوری بام سبز

| نوع عامل | عنوان | ضریب | رتبه | نمره | |
|---|--|---|--------|--------|--------|
| قوت | افزایش آگاهی و توجه مسئولان شهر به فناوری بام سبز و برداشتن گام‌های نخست توسط شهرداری مشهد در راستای دستیابی به این فناوری | ۰,۰۵۵ | ۴ | ۰,۲۲ | |
| | توان ارائه تسهیلات لازم برای توسعه صنعت بام سبز توسط شهرداری | ۰,۰۵۷۸ | ۳ | ۰,۱۷۳۳ | |
| | توان پرداخت هزینه‌های نظارت و نگهداری فضای سبز روی بام توسط شهرداری | ۰,۰۴۱۱ | ۳ | ۰,۱۲۳۳ | |
| | توان ارائه مشاوره | ۰,۰۴۱۱ | ۳ | ۰,۱۲۳۳ | |
| | توان کاهش عوارض دریافتی شهرداری از ساختمان‌های دارای بام سبز به عنوان مشوقی برای توسعه بام سبز | ۰,۰۳۷۲ | ۴ | ۰,۱۴۸۹ | |
| | توان شناسایی پایداری و ناپایداری ساختمان‌ها به لحاظ سازه‌ای (در صورت بکارگیری متخصصان با ارتباط تحصیلی و تجربه کافی) | ۰,۰۴۷۸ | ۳ | ۰,۱۴۳۳ | |
| | برخوردراری از توان اطلاع‌رسانی و تبلیغات در رابطه با فناوری بام سبز | ۰,۰۴۲۲ | ۴ | ۰,۱۶۸۹ | |
| | مقرون به صرفه بودن بام سبز نسبت به فضای سبز معمولی | ۰,۰۳ | ۳ | ۰,۰۹ | |
| | توانایی پیشرو بودن شهرداری برای بکارگیری فناوری بام سبز | ۰,۰۴۶۷ | ۴ | ۰,۱۸۶۷ | |
| | اعلام آمادگی از سوی سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری با نهادها و توسعه‌دهندگان خصوصی به منظور رفع نیازها و مشکلات موجود | ۰,۰۳۸۳ | ۴ | ۰,۱۵۳۳ | |
| | وجود ظرفیت و پتانسیل ارائه خدمات در داخل سیستم‌های محلی در حوزه بام سبز (داشتن پتانسیل افراد متخصص و نیز مواد و اجزای بومی برای بام سبز) | ۰,۰۴۳۹ | ۳ | ۰,۱۳۱۷ | |
| | ضعف | نبودن سازمان مشخص و آیین‌نامه‌های مستدل در خصوص صنعت بام سبز و عدم وجود ضوابط و مقررات قانونی در رابطه با آن | ۰,۰۶ | ۱ | ۰,۰۶ |
| | | عدم شمول بام‌های سبز در رتبه‌بندی ساختمان‌ها و دیگر سیاست‌های برنامه‌ریزی و فقدان استانداردهای قطعی و معتبر در ارتباط با ساخت بام سبز | ۰,۰۵۲۸ | ۱ | ۰,۰۵۲۸ |
| بروکراسی زائد اداری برای پروسه ایجاد بام سبز | | ۰,۰۴ | ۱ | ۰,۰۴ | |
| کمبود منابع آبی و عدم توانایی استفاده از آب‌های سیار برای آبیاری | | ۰,۰۳۷۲ | ۲ | ۰,۰۷۴۴ | |
| عدم تأسیس صنعت بام سبز محلی و مراکز عرضه محصولات ساخته شده برای این فناوری | | ۰,۰۴۷۸ | ۱ | ۰,۰۴۷۸ | |
| حجم اندک پروژه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و تحقیقات تخصصی در زمینه فناوری بام سبز برای الهام بخشیدن و جلب اعتماد در توسعه‌دهندگان بام سبز و عدم ارزش‌دهی کافی به تحقیقات بنیادی پیش از شروع کارهای اجرایی | | ۰,۰۵۵۶ | ۱ | ۰,۰۵۵۶ | |
| کمبود داده‌های علمی در دسترس برای ارزیابی کاربرپذیری آن مطابق شرایط محلی و نیز کمبود اطلاعات معتبر و دقیق درباره هزینه‌ها و منافع بام سبز | | ۰,۰۵ | ۱ | ۰,۰۵ | |
| محدود بودن مطالعات و دانش در زمینه گیاهان منطبق با شرایط آب‌وهوایی | | ۰,۰۳۲۸ | ۲ | ۰,۰۶۵۶ | |
| فقدان آگاهی، تجربه و دانش در ارتباط با بام‌های سبز | | ۰,۰۳۸۹ | ۱ | ۰,۰۳۸۹ | |
| عدم وجود برنامه‌ریزی مشخص و سیاست‌های دولتی مشوق در زمینه صنعت بام سبز | | ۰,۰۴۳۳ | ۱ | ۰,۰۴۳۳ | |
| ناهماهنگی در بافت شهری | | ۰,۰۳۳۹ | ۱ | ۰,۰۳۳۹ | |
| عدم ارتباط کافی و عمیق بین شهرداری و متخصصین و محققین خارج از شهرداری | | ۰,۰۲۶۷ | ۱ | ۰,۰۲۶۷ | |
| جمع کل | | | ۱ | | ۲,۲۵۱۷ |



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۷۳

تهدیدها به لحاظ اهمیت مورد ارزیابی و سنجش کارشناسان قرار گرفته است.

جدول ۲. ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی (EFE) فناوری بام سبز

| نوع عامل | عنوان | ضریب | رتبه | نمره |
|----------|---|--------|------|--------|
| فرصت | بهبود زیبایی شهری و افزایش جاذبه شهر جهت جذب بیشتر گردشگر (بویژه در ساختمان‌های تجاری) | ۰,۰۵۰۶ | ۴ | ۰,۰۲۲ |
| | ایجاد فرصت‌های جدید کسب‌وکار | ۰,۰۴۹۴ | ۴ | ۰,۱۹۷۸ |
| | استفاده بهینه از رواناب سطحی | ۰,۰۳۳۹ | ۴ | ۰,۱۳۵۶ |
| | افزایش استفاده و کاربرد بازیافت مواد در لایه‌های کشت بام | ۰,۰۴۶۷ | ۴ | ۰,۱۳۱۱ |
| | ارتقاء رتبه‌بندی سبزی ساختمان به دلیل ایجاد بام سبز | ۰,۰۴۶۱ | ۴ | ۰,۱۸۶۷ |
| | افزایش ارزش ملک در اثر استفاده از فناوری بام سبز | ۰,۰۴۲۸ | ۴ | ۰,۱۸۴۴ |
| | بهبود سلامت انسان و نظام‌های اکولوژیکی در بلندمدت | ۰,۰۴ | ۴ | ۰,۱۷۱۱ |
| | جبران کاهش سرانه فضای سبز و افزایش فضای تفریحی و امکان تبادل فرهنگ و اطلاعات در این فضا | ۰,۰۳۶۱ | ۴ | ۰,۱۴۴۴ |
| | پنهان کردن نازیبایی ساختمان‌ها (مانند تجهیزات مربوط به سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی) | ۰,۰۳۲۸ | ۴ | ۰,۱۳۱۱ |
| | کاهش هزینه تعمیر و نوسازی (افزایش عمر عایق کاری به کمک بام سبز) | ۰,۰۳۰۶ | ۳ | ۰,۰۹۱۷ |
| | توسعه گلخانه محلی فرصت‌هایی در تولیدات گیاهی جدید و توسعه بازارهای محلی (بسترهای باغبانی محلی) و توسعه بازارهای صادرات گیاهی | ۰,۰۳۳۹ | ۳ | ۰,۱۰۱۷ |
| | ایجاد عایق صوتی و عایق حرارتی (به موجب آن کاهش مصرف انرژی) | ۰,۰۳۳۹ | ۳ | ۰,۱۰۱۷ |
| | دستیابی به معماری پایدار و یا معماری سبز | ۰,۰۴۷۲ | ۴ | ۰,۱۸۸۹ |
| | ایجاد زیستگاه‌های طبیعی برای حیوانات و پرندگان | ۰,۰۳۴۴ | ۴ | ۰,۱۳۷۸ |
| | بکارگیری و بهره‌برداری از یافته‌های تحقیق برای مناطق آب‌وهوایی مشابه (در آراء دریافتی از مناطق بهره‌بردار) | ۰,۰۲۷۸ | ۳ | ۰,۰۸۳۳ |
| | وجود تجارب موفق جهانی در زمینه فناوری بام سبز | ۰,۰۳۳۳ | ۳ | ۰,۱ |
| | استفاده از مکان به صورت بهینه | ۰,۰۴۰۶ | ۴ | ۰,۱۶۲۲ |
| | زمینه‌های جدید تحقیقات مشترک برای دانشمندان و جاذبه بالقوه برای صنعت رشد عمودی ساختمان‌ها و افزایش آپارتمان‌نشینی | ۰,۰۳۲۸ | ۳ | ۰,۰۹۸۳ |
| | کاهش کاربری فضای سبز و افزایش قیمت زمین | ۰,۰۲۷۲ | ۳ | ۰,۰۸۱۷ |
| | ایجاد شرکت‌های جدید مرتبط با این حوزه | ۰,۰۱۸۹ | ۳ | ۰,۰۵۶۷ |
| تهدید | از دست دادن تعاملات مناسب با کشورهای پیشرو در این صنعت نظیر امریکا و اروپا و به موجب آن عدم استفاده از تجارب موفق دیگر کشورها در این زمینه | ۰,۰۳۸۳ | ۱ | ۰,۰۳۸۳ |
| | مسائل فنی و ریسک‌های تکنیکی همراه با عدم اطمینان برای فناوری بام سبز | ۰,۰۵۶۱ | ۱ | ۰,۰۵۶۱ |
| | عدم برخورداری از تکنولوژی روز در صنعت بام سبز | ۰,۰۳۷۲ | ۱ | ۰,۰۳۷۲ |
| | ارزان بودن انرژی در کشور و عدم تمایل مصرف‌کنندگان در جهت کاهش هزینه‌های حامل‌های انرژی | ۰,۰۳۴۴ | ۲ | ۰,۰۶۸۹ |
| | ساخت و تجهیز آسان بام‌های معمولی و دسترسی آسان به لوازم و مصالح آن (عدم وجود لوازم و مصالح برای بام‌های سبز و عدم احساس نیاز شهروندان به بام سبز) | ۰,۰۳۳۳ | ۱ | ۰,۰۳۳۳ |
| | عدم سازگاری هنجاری بام‌های سبز به لحاظ فرهنگی | ۰,۰۳۷۲ | ۲ | ۰,۰۷۴۴ |
| | جمع کل | | ۱ | ۳,۰۹۱۷ |



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۷۴

ضعف و قوت و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای بام سبز از طریق مطالعات میدانی محقق، به شرح جدول ذیل تقسیم‌بندی شده است که در این جدول، این ماتریس به همراه استراتژی‌های آن آمده است:

این ماتریس متشکل از یک جدول مختصات دو بعدی است که هریک از چهار نواحی آن نشانگر یک دسته استراتژی می‌باشد. در این قسمت از پژوهش، نقاط

جدول ۲. ماتریس سوات (SWOT) فناوری بام سبز

| ضعف‌ها (W) | قوت‌ها (S) | ماتریس سوات SWOT |
|---|---|------------------|
| W _۱ | S _۱ | |
| W _۲ | S _۲ | |
| W _۳ | S _۳ | |
| W _۴ | S _۴ | |
| W _۵ | S _۵ | |
| W _۶ | S _۶ | |
| W _۷ | S _۷ | |
| W _۸ | S _۸ | |
| W _۹ | S _۹ | |
| W _{۱۰} | S _{۱۰} | |
| W _{۱۱} | S _{۱۱} | |
| W _{۱۲} | S _{۱۱} | |
| استراتژی‌های محافظه‌کارانه (WO) | استراتژی‌های تهاجمی (SO) | فرصت‌ها (O) |
| WO _۱ : گنجاندن و ادغام تکنولوژی‌های پایدار نظیر بام سبز به کد ساختمانی، استانداردها و ابزارهای برنامه‌ریزی مناسب | SO _۱ : توسعه برنامه‌های تبلیغاتی در راستای توسعه صنعت بام سبز | O _۱ |
| WO _۲ : حذف و کاهش بروکراسی زائد اداری جهت توسعه صنعت بام سبز و افزایش تمایل در سازندگان بام سبز و مالکان ساختمان | SO _۲ : ارائه تسهیلات و خدمات ویژه بابت ساختمان‌های ایجادکننده بام سبز | O _۲ |
| WO _۳ : وضع ضوابط و مقررات قانونی در حوزه بکارگیری فناوری بام سبز | SO _۳ : فراهم نمودن و ارائه خدمات مشاوره‌ای موردنیاز جهت ایجاد صنعت بام سبز | O _۳ |
| WO _۴ : افزایش مطالعات در زمینه مدیریت آبیاری بام سبز در جهت کاهش مصرف آب | SO _۴ : ارائه خدمات رایگان در حوزه نظارت و نگهداری برای ساختمان‌های دارای بام سبز | O _۴ |
| WO _۵ : ایجاد ارتباطات مناسب بین شهرداری و متخصصین، محققین و صاحبان صنایع بام سبز جهت توسعه این صنعت | SO _۵ : تهیه فهرستی از ساختمان‌های شهر و ارزیابی اولیه از آن‌ها برای بررسی مناسب بودن ساختمان‌ها برای تحقق سریعتر توسعه بام‌های سبز | O _۵ |
| WO _۶ : انجام مطالعات و تحقیقات علمی به منظور دستیابی به فناوری بام سبز | SO _۶ : جمع‌آوری اطلاعات محلی در حوزه بام سبز | O _۶ |
| WO _۷ : توسعه نهادهای آموزشی و پژوهشی این فناوری و ایجاد زیرساخت‌های لازم در جهت پیشبرد فناوری بام سبز | SO _۷ : بکارگیری و استفاده از کارشناسان مختلف مرتبط با حوزه بام سبز | O _۷ |
| WO _۸ : توسعه زیرساخت‌های لازم، لوازم و تجهیزات مورد نیاز به طور گسترده و فروش آن | SO _۸ : افزایش طرح‌های پایلوت از طریق سرمایه‌گذاری برای اجرای بام سبز بر روی ساختمان‌های تحت مالکیت شهرداری | O _۸ |
| WO _۹ : افزایش مطالعه در زمینه گونه‌های گیاهی سازگار به محیط شهر مشهد در بام | | O _۹ |
| WO _{۱۰} : در نظر گرفتن تسهیلات ویژه بام سبز در ساختمان‌های تجاری جهت جذب بیشتر گردشگر | | O _{۱۰} |
| | | O _{۱۱} |
| | | O _{۱۲} |
| | | O _{۱۳} |
| | | O _{۱۴} |
| | | O _{۱۵} |
| | | O _{۱۶} |
| | | O _{۱۷} |
| | | O _{۱۸} |
| | | O _{۱۹} |
| | | O _{۲۰} |
| | | O _{۲۱} |

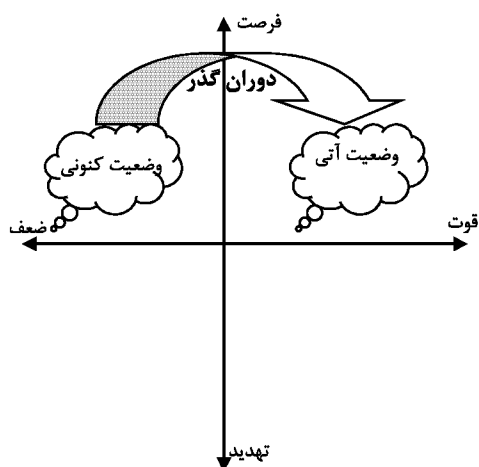
| تهدیدها (T) | استراتژی‌های رقابتی (ST) | استراتژی‌های تدافعی (WT) |
|----------------|---|---|
| T ₁ | ST ₁ : بسترسازی مناسب جهت ایجاد تعاملات مناسب | WT ₁ : تقویت توان تخصصی کارشناسان در حوزه |
| T ₂ | با کشورهای موفق در حوزه بام سبز جهت دستیابی به | بام سبز برای مطالعه مسائل فنی و ریسک‌های |
| T ₃ | تکنولوژی روز دنیا | تکنیکی موجود |
| T ₄ | ST ₂ : راه‌اندازی سفرهای آموزشی به مناطق دارای | WT ₂ : افزایش اختیارات سازمان‌های مرتبط با |
| T ₅ | تجارب موفق برای آموزش توسعه‌دهندگان، سازندگان | فضای سبز جهت جذب نیروهای متخصص مرتبط |
| T ₆ | ساختمان، عموم، کارکنان شهر و مشاوران بام‌های سبز | با بام سبز |
| | ST ₃ : افزایش برنامه‌های تحقیق منطقه‌ای و بین‌المللی | WT ₃ : بسترسازی حقوقی برای بام‌های سبز و |
| | برای توسعه دانش مرتبط با صنعت بام سبز | استفاده از تجارب موفق جهانی در این زمینه |
| | ST ₄ : مشارکت با دانشگاه‌های محلی برای تشویق | |
| | انجام سفرهای آموزشی و توسعه برنامه‌های تشویقی | |
| | در آینده جهت بهره‌گیری از دانش بومی در حوزه | |
| | فناوری بام سبز | |
| | ST ₅ : ایجاد فرهنگ‌سازی در جامعه برای آشنایی با | |
| | مزایای بام سبز و چگونگی استفاده از آن | |

ماتریس درونی و بیرونی

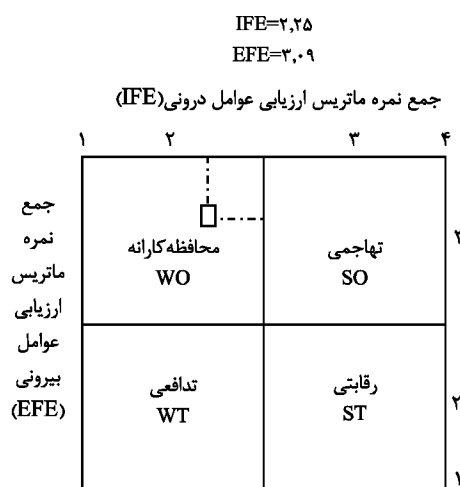
با توجه به چهار دسته استراتژی قرار گرفته در ماتریس سوات و با توجه به منطقه قرار گرفتن فناوری بام سبز در ماتریس درونی و بیرونی، آن دسته از استراتژی‌هایی را جهت ارزیابی و انتخاب در ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی برمی‌گزینیم که مربوط به منطقه تعیین شده در ماتریس چهارخانه‌ای درونی و بیرونی باشند. نمره نهایی جدول عوامل داخلی ۲/۲۵ می‌باشد. از آنجا که این نمره از عدد ۲/۵ کمتر است، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که نقاط ضعف شهر مشهد در حوزه فناوری بام سبز بر نقاط قوت پیشی گرفته است که وجود این ضعف‌ها باعث عدم موفقیت این صنعت می‌شود و مرتفع نمودن



نقاط ضعف و تبدیل آن‌ها به نقطه قوت یکی از اولویت‌های اصلی می‌باشد. از سوی دیگر نمره نهایی جدول عوامل خارجی نیز ۳/۰۹ می‌باشد. این عدد نشانگر این است که فرصت‌ها بیشتر از تهدیدها می‌باشند. با توجه به ماتریس عوامل درونی و بیرونی، برای فناوری بام سبز استراتژی‌های محافظه‌کارانه (WO) انتخاب می‌شود که هدف از استراتژی‌های WO این است که از مزیت‌هایی که در فرصت‌ها نهفته است در جهت جبران نقاط ضعف استفاده شده، در سیستم بام سبز برای شهر مشهد فرصت‌های بسیار مناسبی وجود دارد، ولی به سبب وجود نقاط ضعف داخلی نمی‌توان از این فرصت‌ها بهره‌برداری نمود.



شکل ۳. مسیر حرکت و دوران گذر



شکل ۲. ماتریس درونی و بیرونی

در جدول ذیل استراتژی‌های محافظه‌کارانه همراه با عوامل بیرونی و درونی وابسته نشان داده شده است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به نبودن فناوری بام سبز و این‌که این فناوری در کشور هنوز مراحل تجربی خود را می‌گذراند، بنابراین شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و چالش‌های این فناوری بسیار بااهمیت است؛ لذا این پژوهش با هدف شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای بام سبز با استفاده از تکنیک سوات در سطح شهر مشهد انجام شده است که از دو ماتریس ارزیابی عوامل درونی و بیرونی نیز بهره‌گرفته شده است. بر اساس اعداد به دست آمده از دو ماتریس ارزیابی عوامل درونی و بیرونی که به ترتیب ۲/۲۵ و ۳/۰۹ به دست آمد که با توجه به نتایج به دست آمده از ماتریس‌های ارزیابی در تحلیل حاضر، استراتژی کاربردی در زمینه بام سبز، استراتژی WO تشخیص داده شده است. بدین معنا که استفاده

حداکثری از فرصت‌های موجود فناوری بام سبز با به حداقل رساندن ضعف‌های موجود باعث توسعه فناوری بام سبز در شهر مشهد خواهد شد که به این منظور ده استراتژی محافظه‌کارانه ارائه شد.

بر اساس استراتژی‌های حاصل شده، پیشنهادات کلی طرح که برای توسعه بام سبز در شهر مشهد می‌تواند مفید باشد، در ذیل خلاصه شده است

- لازم است که در قوانین ساخت‌وساز و آیین‌نامه‌های شهرداری‌ها، سازمان نظام مهندسی و سایر نهادهای ذیربط مفادی جهت گنجاندن و ادغام تکنولوژی‌های پایدار نظیر بام سبز به کد ساختمانی، استانداردها و ابزارهای برنامه‌ریزی مناسب در نظر گرفته شود.
- حذف و کاهش بروکراسی زائد اداری جهت توسعه صنعت بام سبز و افزایش تمایل در سازندگان بام سبز و مالکان ساختمان به منظور بکارگیری آن از موارد مهمی است که باید مدنظر قرار گیرد.
- به منظور اجرای موفقیت‌آمیز این فناوری در سطح



جدول ۴. استراتژی‌های محافظه‌کارانه و عوامل وابسته

| کد | عنوان استراتژی | عوامل وابسته |
|------------------|---|---|
| WO _۱ | گنجاندن و ادغام تکنولوژی‌های پایدار نظیر بام سبز به کد ساختمانی، استانداردها و ابزارهای برنامه‌ریزی مناسب | W _۲ W _{۱۱} O _۳ O _۵ O _۶ O _۴ O _{۱۰} O _{۱۳} O _{۱۳} O _{۱۳} O _{۱۹} |
| WO _۲ | حذف و کاهش بروکراسی زائد اداری جهت توسعه صنعت بام سبز و افزایش تمایل در سازندگان بام سبز و مالکان ساختمان | W _۳ O _{۲۱} |
| WO _۳ | وضع ضوابط و مقررات قانونی در حوزه بکارگیری فناوری بام سبز | W _۱ W _{۱۰} O _{۲۱} |
| WO _۴ | افزایش مطالعات در زمینه مدیریت آبیاری بام سبز در جهت کاهش مصرف آب | W _۳ O _۴ |
| WO _۵ | ایجاد ارتباطات مناسب بین شهرداری و متخصصین، محققین و صاحبان صنایع بام سبز جهت توسعه این صنعت | W _۶ W _۳ W _۹ W _{۱۳} O _۳ O _{۱۶} O _{۱۸} O _{۲۱} |
| WO _۶ | انجام مطالعات و تحقیقات علمی به منظور دستیابی به فناوری بام سبز | W _۶ W _۳ O _۳ O _۸ O _{۱۳} O _{۱۵} O _{۱۸} |
| WO _۷ | توسعه نهادهای آموزشی و پژوهشی این فناوری جهت برگزاری سمینارها، کارگاه‌های آموزشی و تخصصی در این زمینه | W _۶ W _۳ O _{۱۵} O _{۱۸} O _{۲۱} |
| WO _۸ | توسعه زیرساخت‌های لازم، لوازم و تجهیزات مورد نیاز به طور گسترده و فروش آن | W _۵ O _۳ O _{۱۱} O _{۲۱} |
| WO _۹ | افزایش مطالعه و تحقیقات کاربردی در زمینه گونه‌های گیاهی سازگار به محیط شهر مشهد در بام | W _۳ W _۸ O _{۱۱} O _{۱۵} |
| WO _{۱۰} | در نظر گرفتن تسهیلات ویژه برای بام سبز در ساختمان‌های تجاری جهت جذب بیشتر گردشگر | W _{۱۰} O _{۱۰} O _۸ |

کشور باید طرح‌های پایلوت، مطالعات و تحقیقات ادامه‌دار برای تکنولوژی بام سبز مطابق با شرایط این شهر در زمینه‌هایی نظیر مدیریت آبیاری بام سبز و مواردی از این قبیل انجام شود.

● ایجاد ارتباطات مناسب بین شهرداری و متخصصین، محققین و صاحبان صنایع بام سبز جهت توسعه این صنعت و به طور کلی وارد کردن جامعه در برنامه‌های توسعه بام سبز و تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند در موفقیت استفاده از این فناوری تأثیرگذار باشد.

● با توجه به نوین بودن فناوری بام سبز، توسعه نهادهای آموزشی و پژوهشی مربوط به این فناوری جهت برگزاری سمینارها، کارگاه‌های آموزشی و تخصصی و همچنین اقداماتی نظیر راه‌اندازی سفرهای آموزشی و تهیه کتابچه یا جزوه آموزشی در زمینه بام سبز برای ارائه به شهروندان علاقمند می‌تواند در شناساندن بام سبز و ترویج بکارگیری آن مؤثر باشد.

● اقدامات لازم جهت توسعه زیرساخت‌های لازم، لوازم و تجهیزات مورد نیاز مربوط به بام سبز در سطح وسیع و فراهم نمودن این زیرساخت‌ها برای متقاضیان باید در دستور کار شهرداری قرار گیرد.

● بالا بودن هزینه اولیه احداث بام سبز موردی است که شاید توسعه بام سبز را با کندی مواجه سازد؛ لذا اقداماتی نظیر تقبل بخشی از هزینه‌های اولیه و نگهداری توسط شهرداری، اعطای تسهیلات تشویقی، کاهش عوارض نوسازی و خدمات مشاوره‌ای رایگان می‌تواند در توسعه آن و تشویق شهروندان برای استفاده از این فناوری مفید باشد.

● با توجه به عدم شناخت شهروندان نسبت به بام سبز، گام ابتدایی که توسعه این فناوری در سطح شهر در گروی آن است، روشنگری فرهنگی و تبلیغات شهری نهادهای تأثیرگذار برای معرفی بام سبز می‌باشد.

منابع و مآخذ

۱. دیوید، ف. (۱۳۷۹) مدیریت استراتژیک. مترجمان: پارسائیان، ع. و اعرابی، م. تهران. دفتر پژوهش‌های

فرهنگی.

۲. زرندی، م.، پاکاری، ن.، بهرامی، ح. (۱۳۹۱) ارزیابی چگونگی تأثیرگذاری بام سبز در کاهش دمای محیط. فصلنامه علمی پژوهشی باغ‌نظر، مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی منظر: ۸۲-۷۳.

۳. علی احمدی، ع.، ابراهیمی، م.، سلیمانی، ح. (۱۳۸۳) برنامه‌ریزی استراتژیک فناوری اطلاعات و ارتباطات. تهران. انتشارات تولید دانش.

۴. کشتکار قلاتی، ا.، انصاری، م. و نازی دیزجی، س. (۱۳۸۹) توسعه سامانه بام سبز بر اساس معیارهای توسعه پایدار در ایران. نشریه هویت شهر، ۴ (۶): ۲۸-۱۵.

۵. محمدی ده چشمه، م. و زنگی‌آبادی، ع. (۱۳۸۷) امکان‌سنجی توانمندی‌های اکوتوریسم استان چهارمحال و بختیاری به روش SWOT. مجله محیط‌شناسی، ۴۷ (۳۴).

۶. مهدلوئی، س. (۱۳۹۰) امکان‌سنجی تحقق اجرای فضای سبز عمودی در شهر تهران. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

۷. نهرلی، د.، عبداللهی، م. و ولی بیگی، م. (۱۳۹۰) بررسی عوامل محدودکننده توسعه بام‌های سبز در ایران بر پایه تحلیل سلسله مراتبی. محیط‌شناسی، ۳۷ (۶۰): ۸۹-۹۸.

۸. یحیی‌زاده‌اندواری، ی. و غلامی‌اوریمی، ح. (۱۳۹۰) تدوین استراتژی‌های توسعه فناوری نانو در استان مازندران. دانشگاه علامه طباطبایی.

۹. یزدان‌داد، ح.، امامی، س. و هاشمی، ن. (۱۳۸۹) ارزش‌ها و کارکردهای محیط‌زیستی بام‌های سبز در توسعه پایدار شهری. ۱۸ اسفند ۸۰: ۱۳۸۹-۷۰.

10. Alho, J. & Kangas, J. 1997. Analyzing uncertainties in expert's opinions of forest plan performance, forest science. 43: 521-528.

11. Banting, D., Doshi, H., Li, J., Missios, P., Au, A., Currie, B., Verrati, M., 2005. Report on the Environmental Benefits and Costs of Green Roof Technology for the City of Toronto, Ryerson University.

۱۳. توضیح آن که شهرهای پیشرو در زمینه بام سبز دریافته‌اند که افزایش آگاهی عمومی در زمینه بام‌های سبز کمک زیادی در اجراسازی بام سبز خواهد نمود (لنپ و فلن، ۲۰۰۸).



12. Bawari, A., Culver, C., Han, X., Ngo, L. & Sargent, A.2011. Green vs. Solar Roof & EV Charging Station Feasibility Study. Cornell University, Port Authority of New York New Jersey.
13. Blackhurst, M., Hendrickson, C. & Matthews, S.2010. Cost-Effectiveness of Green Roofs. Journal of Architectural Engineering.
14. Claus, K. & Rousseau, S.2010. Public versus Private Incentives to Invest in Green Roofs: A Cost Benefit Analysis for Flanders. Hub Research Paper, 2010/30.
15. Lennep, E. & Flinn, S.2008. Green Roofs Over Dublin. a Green Roof Policy Guidance Paper for Dublin.
16. Hall,2011.A Recommendation for Mandatory Green roofs. <http://www.melbourne.vic.gov.au>.
17. Hui,S.2010.Development of Technical Guidelines for Green Roof Systems in Hong Kong. Proceedings of Joint Symposium 2010 on Low Carbon High Performance Buildings
18. Kats, G.2003. The Costs and Financial Benefits of Green Buildings. A report to California's Sustainable Building Task Force.
19. Levallius, J.2005.Green roofs on municipal buildings in lund-modeling potential environmental benefits.Master degree thesis,department of physical Geography & Ecosystem analysis Lund university,Sweden.
20. Rosenzweig, C., Gaffin, S., Parshall, L. 2006. Green Roofs in the New York Metropolitan Region. Columbia University Center for Climate Systems Research, NASA Goddard Institute for Space Studies.
21. Shepard, N.2010.Green roof incentives.<http://www.dcgreenworks.org>
22. Sutic, N.2003.How Green Roofs Can Improve the Urban Environment in Uptown Waterloo.
23. Tam, V., Zhang, X., Lee, W. & Shen, L.2011. Applications of extensive green-roof systems in contributing to sustainable development in densely populated cities: a Hong Kong study', Australasian Journal of Construction Economics and Building, 11(1):15- 25.
24. Teeuw, P. & Ravesloot, C.2011.Organising Large Scale Green Covered Roofs. Management and Innovation for a Sustainable Built Environment – 23 June 2011, Amsterdam, The Netherlands.
25. Whatley, M.2011.Life-Cycle Cost-Benefit Analysis Of Green Roofing Systems: The Economic and Environmental Impact Of Installing Green Roofs On all Atlanta Public Schools, Georgia Institute of Technology.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۸۰

بازخوانی مفاهیم نمادین عرفان اسلامی در متون روایی و بازتاب آن در کالبد و استخوانبندی فضایی مکانی شهر

محمد مهدی بلندیان* - کارشناس ارشد معماری گرایش معماری مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
سارا ناصری - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Refreshing Islamic Sufism symbolic meanings in narrative texts and reflection on the spatial fabric of cities

Abstract

Today the city apart from the procedural and substantive aspects of their spiritual, physical manifestations is merely an expression. Sufism is necessary to intervene in the process of planning and urban structure should be considered. Symbolic and semiotic reading of spiritual and mystical concepts and seek their reflection in the body, especially in bone space is essential. This study intends to recall the symbolic connotations of the mystical Sufi Rumi Reset and here in narrative texts and books and ideas for scholars in this field may return. The research method is descriptive - analytical study of data collection instruments: a library of documents and references to theories of thinkers in this field has benefited. In the end, some of the concepts related to reread the configuration of mystical concepts mentioned and related analysis is offered.

Keywords: Mystical, utopian, narrative structure, architecture and urban fabric of the city.

چکیده

شهر امروز فارغ از جلوه‌های ماهوی و معنوی خود، تنها ترسیمگر مظاهر مادی شده است که رنگ و بوی سیر و سلوک انسانی و مفاهیم معنوی در آن کمتر جلوه‌گر می‌شود. بر این اساس بازخوانی مفاهیم نمادین و نشانه‌شناختی عرفانی و معنوی و جستجوی بازتاب آنها در کالبد شهر و بالاخص استخوانبندی فضایی شهر، امری ضروری است که لازم است در فرآیند برنامه‌ریزی و مداخله در ساختار شهری مورد توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر در نظر دارد تا بازخوانی مفاهیم و مضامین نمادین عرفانی را که با تدقیق در متون روایی و در اینجا عرفان مولانا و کتب و نظرات اندیشمندان این زمینه فراهم شده است، ممکن گردانده و تاثیر آن را در پیکره‌بندی شهرهای سنتی ایرانی - اسلامی مورد بررسی و تدقیق قرار دهد. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است که از ابزار گردآوری: مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و رجوع به نظریات اندیشمندان این زمینه بهره برده است. در پایان برخی از مفاهیم مرتبط با بازخوانی مفاهیم عرفانی در پیکره‌بندی شهر مورد اشاره قرار گرفته و تحلیل‌های مربوطه ارائه شده است. واژگان کلیدی: عرفان، آرمانشهر، ساختار روایی، کالبد شهر و معماری شهری.

مقدمه

مدتی است در مقابل معضل آشفستگی و در آهنگ فراق معماری از گذشته، استفاده مستقیم از شکل‌های معماری پیشین باب شده است. افرادی چون شریعت‌زاده به این تقلید یک به یک انتقادی جدی دارند: آنچه می‌توان و باید به آن پرداخت، نه معماری سنتی که سنن معماری است؛ سنت‌هایی که در نتیجه پیشرفت علم و تکنولوژی و تغییر اهداف کمتر تغییر می‌کنند، بیشتر جهانی‌اند و تحت تاثیر آب و هوا و اقلیم و فرهنگ‌های خاص نموده‌های خاصی می‌یابند (شریعت‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۶۷). از سویی دیگر، هنر اسلامی را باید مکتوبی ناگشوده دانست که هرکس به تناسب ادراک خود از آن بهره می‌گیرد (طریقی، ۱۳۷۶، ص ۵۳۴) و در میان این هنرها که محیط انسان را شکل داده و آن را مهبای نزول برکت می‌سازند، معماری جایگاه اصلی را داراست (بورکهارت، ۱۳۷۳، ص ۳۱). هنر و معماری ایران نیز علاوه بر ساحت‌های گوناگون معماری، به واسطه بازنمایی مفاهیم و فراهم آوردن امکان تجربه چندساحتی آنها، از نظامی فراگیر برخوردار است و هدف آن نشان دادن این ساختار معنایی مبتنی بر تجارب فضا-زمان و مشارکت مخاطب در معنا با هدف درک نمادین معماری است؛ چراکه معماری ایران، یک معماری مفهومی (میرمیران، ۱۳۷۵، ص ۳۳)، دارای بینشی نمادین و در پی بیان و برانگیختن حس عمیق معانی ازلی معنوی در بیننده است (اردلان، ۱۳۷۴، ص ۱۶) و در ابداع طرح و اجرای بنا، همواره حس یزدانی را بر حس زیبایی و نیکی مقدم داشته است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴، ص ۷۶). فرآیند طراحی در معماری سنتی ایران، شامل روش‌های پیچیده و قانونمندی برای طراحی و پدیدآوری فرم‌های فضایی بوده که گرچه با روش‌های مدرن طراحی متفاوت است، اما هدف نهایی یکسانی را دنبال می‌کند که عبارت است از تبدیل ایده‌هایی به صور فضایی. معماران سنتی توانایی‌های خلاقانه‌ای در طرح و ساخت و اجرای بنا به‌کار برده‌اند که اغلب از حوزه برخی سنت‌ها فراتر نرفته است. اما جدا از این فرآیند بومی طراحی، در برخی از بناهای ایران که رویکردی معناگرا به معماری دارند، حیطه خلاقیت معماران سنتی فراتر رفته و به الگوهای

منحصر به فردی دست یافته که واکاوی آن می‌تواند راه را بر شناخت اندیشه‌های متعالی معماری ایران بگشاید. هنر و معماری اسلامی شرح نمادگونه‌ی حقایقی از بعد باطنی مراتب هستی است که به مرتبتی نازل تر از معنای تجریدی خود تنزل نموده‌اند، و هدف از آن بازنمایی و بازآفرینی نمادین حقایقی است که به قاموس عقل و بیان، بواسطه‌ی نفس هنرمند عارف درآورده شده است. در ادبیات و هنر اسلامی، سمبلیسم یا نمادگرایی، حاصل تاثیر از نظریه‌ی تمثال بوده و محصول آن به شمار می‌رود (ستاری، ۱۳۶۶، ص ۹ و یونگ، ۱۳۵۲، ص ۱۴۷-۱۵۷). تمثال یا به عبارتی تمثّل در آثار معماری اسلامی را در دو بخش می‌توان بررسی کرد، الف: اعتقاد به وجود نظم و نسق در جهان هستی (ستاری، ۱۳۷۳، ص ۲۰-۲۱)، ب: احتمال وجود هم ارزی، تمثال و همانند ساختی میان نظام جزئی و نظام کلی از آن جمله برابر کردن آفاق با انفس. صور تجریدی نقوش هندسی در معماری اسلامی و نقش‌های بی‌نهایت گسترش پذیر آن، برگرفته از قواعدی است که نمادی از بعد باطنی جهان اسلام و مفهوم صوفیانه‌ی کثرت در وحدت و وحدت در کثرت است. این موضوع که در بسیاری از آثار اندیشمندان متأخر همچون نصر، اردلان، بورکهارت و محققان تصوف همچون کربن و توشیهیکو ایزوتسو و غیره به آن تاکید شده است، از مهمترین مبانی و اصول حکمت و عرفان اسلامی است و در بردارنده‌ی این نظریه‌ی عرفانی است که ذات مبارک وجود حق تعالی، حقیقتی واحد و شخصی است و تمامی پدیدارهای عالم امکان و کثرات، جلوه‌ها و شئون آن حقیقت واحد می‌باشند (الحدید: ۳) که چه در پیدایش و چه در دوام و بقاء، موجود پستان به اضافه‌ی اشاریه‌ی است و موجودات عالم به طور پیوسته از فیوضات دائمی خداوندی برخوردار و مستفیض به فیض دائم التجلی اویند. در این نگرش تجلی حق تعالی بر مبنای قاعده «لا تکرار فی تجلی» بوده و نحوه تجلی به صورت خلق مداوم یا تجدد امثال است (ابن عربی، ۱۳۶۶، ص ۱۶۳). علاوه بر این، در عصر صفوی که عصر اعتلای معماری ایران به شمار می‌آید، شیوه اصفهانی، محمل بسیاری از تحولات و نوآوری‌ها در معماری ایرانی گشته است. در این دوران آثار بی‌شمار



جدول ۱. مدل مفهومی پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

| |
|---|
| مسئله تحقیق؛ بازخوانی مفاهیم عرفانی در کالبد شهر و معماری از طریق متون عرفانی مولانا |
| شرح تحقیق؛ بررسی مولفه های فکری در حوزه عرفان و تاثیر آن در کالبد شهرسازی و معماری شهری |
| شناخت شناسی؛ عرفان و سطوح ادراک عرفانی (ادراک ادراک و ادراک بسیط) |
| حوزه شناخت تحقیق؛ شناخت عرفان و سطوح ادراکی و معنای آن در شهر و کالبد معماری شهری |
| جواب تحقیق؛ نتیجه گیری و تعمیم و استخراج نتایج در رویکردی اکتشافی - تبیینی |

معماری ساخته شده در قالب مجموعه ها و تک بناها، هر یک واجد ارزش هایی به لحاظ طرح معماری و تزئینات است و انطباق بسیاری میان معماری و شهرسازی این عصر برقرار است؛ به گونه ای که شهر و بنا در ادراکی پیوسته قرار می گیرند. به این منظور ابتدا در بازخوانی متون عرفانی به برخی از مفاهیم مرتبط عرفانی اشاره شده و در پایان تجسم کالبدی آن در معماری و شهرسازی ایرانی بصورت موجز مورد اشاره قرار می گیرد.

مواد و روشها

در این پژوهش در رویکرد توصیفی و تحلیلی در پی رویکرد تحقیق «اکتشافی - تبیینی» تلاش شده است تا بعد از اشاراتی مختصر به مفهوم عرفان در هنر و معماری ایران به بررسی و بازخوانی عرفان در متون ادبی عرفانی مولانا و در عین حال، نظرات صاحب نظران این زمینه پرداخته شود. این موضوع اهمیت دارد که پرداختن به مفاهیم مورد نظر عرفان اسلامی، بدون «ادراک بسیط» و مراتب «ادراک ادراک» امکان پذیر نیست؛ لذا قبل از آغاز چنین بحثی در ادبیات نظری تحقیق به طور مختصر به معنای عرفان و سطوح ادراک عرفانی و معنای مجمل آن در هنر و معماری شهری پرداخته شده و سپس در راستای تعریف و بازگشایی معنایی مفاهیم نمادین عرفانی در کالبد معماری تلاش می شود.

مبانی نظری پژوهش

از فرآیند طراحی در شهر بطور اعم، و بطور اخص در معماری دارای سطوح گوناگونی است و در هر تراز، بیان معمارانه در پاسخ گویی به مسئله فرهنگ به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر معماری، رویکردهای گوناگونی را بروز می دهد. تبلور نیروهای فرهنگی در هر عصر منجر به ساخت معماری های گوناگون و متفاوتی شده است. تجسم این دگرگونی ها و تفاوت ها در قالب معماری، پایدارترین میراث فرهنگی هر دوره به شمار می روند. از این رو، فهم یک بنا به معنای مشاهده بازنمایانه آن نیست، بلکه نوعی تجربه حصولی ناشی از حضور در یک فرآیند مکانمند و زمانمند و تنها برحسب سنتی که معماری در درون آن قرار دارد، قابل ادراک است. «رابطه اوسترهاوت» معنا را امری فراتر از ظاهر و ناظر به یک معادله نسبی معین و «نلسون گودمن» آن را ناشی از زمینه فرهنگی و تلاقی میان بنا و ساختمان را مرجع اوصافی می داند که در طول زنجیره معانی به مفاهیم محض ارتباط می یابد. کاسیرر معماری را به دلیل تأکید بر تجارب فضا-زمانی و قرار دادن مخاطب در بطن معنا و به عنوان بخشی از فرآیند شکل گیری آن، بی واسطه ترین فرم نمادین دانسته و از منظر شولتز این نمادپردازی به مرور بخشی از هستی انسانی شده است. از این رو معماری نظامی فراگیر و چندساحتی است و نه تنها هنر و حرفه، که بیانی از ذهنیت نیز هست (آنتونیادس، ۱۳۸۱، ص ۳۷) و آدمی با ساختن، معانی را در قالب نظام مکان و



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۸۳

عرصه بیان می‌کند (شولتز، ۱۳۸۷: سه و چهار). منشأ این ذهنیت اگر مبتنی بر نگرشی والا و متعالی باشد، معماری آن نیز صبغه‌ای معنایی و مفهومی خواهد داشت (پورمند، ۱۳۸۶، ص ۹۶). این انفکاک در نگرش، ترازهای گوناگون معماری را متمایز ساخته و از این رهگذر، فرهنگ، مفاهیم، اندیشه‌ها و ارزش‌ها را به گونه‌ای نمادین در معماری جلوه‌گر شده و زمینه‌های دریافت و شناخت را مهیا می‌سازند (فلامکی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸). در ادامه به برخی از مفاهیم مرتبط با موضوع نظری اشاره می‌شود.

عرفان و سطوح ادراکی در مراتب عرفانی

«خواجه عبدالله انصاری» در «منازل السائرین» در رابطه با سطوح و مراتب عرفان اسلامی می‌آورد: یک تنفس در زمان احتجاب اوست، یک تنفس در زمان انکشاف و تجلی اوست و یکی زمانی است که نفس پاک شده از رذایل است، انفاس اولیه در زمانی است که با سراج است و دوم در زمانی که در معراج است و سوم زمانی است که با تاج است. سراج چراغی که پیش پای سالک را روشن می‌کند؛ این سراج، نور علم است که سالک با آن راه را از چاه تمیز می‌دهد و چندان نیست که همه‌ی تاریکی را روشن نماید. معراج سالک عروج به عالم حقایق و مفاهیم است، سالک از خبر می‌گذرد و به عیان می‌رسد، در این مقام سالک در تجلی و انکشاف است و در معراج نورانیت مفاهیم سیر دارد. در نفس سوم تاج عنوان عزت، قدرت و رفعت مقام سالک است. پس مراتب سلوک می‌تواند میزانی برای مراتب هنری قرار گیرد و به قول «سید حسین نصر»، امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت نفسانی و مادی است، پس هر کس که به عالم روحانی نزدیکتر و در مراتب سلوکی بالاتر باشد، در تجلی آن امر قدسی کارا تر خواهد بود.

الف: «وادی اول»: در وادی احتجاب، خرق حجب امکانی و تصفیه‌ی قلب از کدورات برای انسانی که در ابتدای وجود انعمار در کثرت و ماده دارد، بلکه عین ماده و کثرت است بسیار مشکل است و برای کسانی که در خود امکان حصول معرفت را از راه تصفیه و طریق کشف نمی‌بینند، سلوک طریق برهان لازم و واجب است. «بورکهارت» نیز،

بر این گمان است که جوهر منطقی و عقلانی هنر اسلامی همواره کیفی و غیرشخصی است و عقل را وسیله‌ی قبول حقایق وحی می‌داند و عقل و علم را جایگاه تراوش هنر اسلامی قرار نمی‌دهد، بلکه بر این اعتقاد است که عقل و علم که همان سراج وادی احتجاب است، نه تنها الهام و اشراق را از کار نمی‌اندازد بلکه درهای وجود خود را بر زیبایی غیر فردی می‌گشاید. علم این وادی خود دارای مراتبی است که، هر چند قدرتی ندارد تا خشم و غیظ را از سالک برگیرد و حزن و اندوهش را تمامی بخشد؛ لیکن به قول «خواجه عبدالله انصاری» به مراتب علم آن چنین تشریح می‌شود: «علم آن است که رفع جهل کند و قائم به دلیل باشد و بر سه درجه است:

- درجه اول - علم ظاهر است که حصول آن به عیان و به اکتساب صحیح و به تجربه ایست ممتد؛
- درجه دوم علم باطن است که با ریاضت و خلوص نیت و جهاد با نفس دست می‌دهد و در نفوس اهل همت و دل پاک ظهور دارد؛
- درجه سوم علم لدنی علمی است که اهل قرب را به تعلیم الهی و تفهیم ربانی معلوم شود نه به دلایل عقلی و شواهد نقلی.»

ب: «وادی دوم»: در این وادی، شاعر در تجلی و انکشاف در معراج نورانی مفاهیم سیر دارد و با آرامش خاطری فراگیر و قلبی مطمئن جهت ارایه‌ی معنا و عمق احساس، ایمان و تجربه‌ی دینی از خبر می‌گذرد و در عیان مأوا می‌گیرد؛ گاه این امر در قالب اشکال و احجام هندسی و با بیانی تجریدی - انتزاعی و گاه در قالب نمایش نمادین، رمزی و تمثیلی و با بیان رئالیستی و اکسپرسیونیستی صورت می‌پذیرد گویی بیان نمادین و تمثیلی جلوه‌ای از حقیقت برتری است که بروسع ادراک، فرم و شکل می‌گیرد. «بورکهارت» در هنر اسلامی، نوعی کشف و شهود روحانی را در می‌یابد و بر رمز و سمبل تأکید فراوان می‌کند. در این وادی به واسطه‌ی تجافی از عالم ماده و دار غرور و خرق استار امکانی به اصل وجود حق واصل شده‌اند و قیامت خود را در همین نشأه شهود نموده‌اند، چنانچه «مرحوم فیض» در «رساله مشواق» می‌آورد: «بدانکه اهل معرفت و محبت را گاهی در سر شوقی و دل شور پُرزوری مستولی می‌شود که اگر به

وسیله‌ی سخن اظهار «ما فی الضمیر» نکنند وجد و فلق ایشان را رنجه می‌دارد. هنرمند در این وادی از این مقال در می‌گذرد و صفا و سروری فراگیر در او جایگزین می‌گردد، شبستری در رساله «حق‌الیقین» می‌نویسد: «حقیقه‌ی: الإذراکُ الفِطْرُیُّ ایُّ المَعْرِفَهْ غَیْرُ الإِذْرَاکِ الإِذْرَاکِ ایُّ العِلْمِ...». عرفا معرفت را «ادراک» و علم را «ادراک ادراک» عنوان کرده‌اند، علم زمینه‌ی تکلیف را برای مکلف فراهم می‌کند و معرفت، آن معلوماتی‌ست که بدون واسطه از حق به قلب عبد نازل می‌آید، آنچه مردم از اولیا اخذ می‌کنند، علم و آنچه از طریق وحی و الهام حاصل شود، معرفت است.

پ: «وادی سوم»: در این وادی مجاهده‌ی عرفانی هنرمند در راه اتصال به حقیقت برتر، دست‌نیافتنی‌ترین خیال را ممکن می‌گرداند و در هنگام آفرینش هنری در عالی‌ترین مقام با روحی پاک از مخزن عظیم و پنهان غیب بهره می‌گیرد و به چنان خلاقیتی دست می‌یابد که در آثارش، همه چیز به پرواز در می‌آیند و سرو، انسان می‌شود و انسان، پرند و تمامی اشاراتی به ذات الهی می‌گردند و نگاه آنها به مرکز و منشأ هستی عطف می‌شود. مشاهده‌ی صریح وجود حق با رفض تعینات امکانی مطلوب واقعی اهل الله است، شهود حق در این نشأه از برای کَمَلٌ از اولیاء حاصل می‌گردد، در نهایت به خرابات وصل می‌گردد. خرابات مقام ذات است و علم و عرفان بحث از افعال و صفات الهی اند نه از ذات و هر چه در آن باب گفته شود، باطل است.

نماد و سطوح ادراکی در نمادگرایی شهرسازی و معماری شهری عرفانی

نمادگرایی یکی از مباحث معاصر در بسیاری از حوزه‌هاست و گفتمان آن ماهیتی چندوجهی دارد. روان‌شناسان، انسان‌شناسان، نظریه پردازان فرهنگی، نظریه پردازان علوم اجتماعی، تاریخ نگاران دین و تاریخ‌نگاران هنر و معماری و فلاسفه همگی در توسعه ابعاد مختلف این گفتمان نقش داشته‌اند و این امر نشان‌دهنده اهمیت این مبحث در درک و تبیین موقعیت انسان در جهان است. نخستین سنت‌گرایی که به این

مبحث توجه نشان داد را می‌توان رنه گنون دانست که زندگی‌اش را وقف مطالعه و بررسی و احیای علوم سنتی کرد؛ نخست از طریق هندویسم و سپس از طریق اسلام. آرای گنون دو سنت‌گرای دیگر را تحت تأثیر خود قرار داد: آناندا کوماراسوامی و فریتیوف شوان. رویکرد متفاوتی که این سنت‌گرایان به مقوله نمادگرایی بنیان نهادند پیروان زیادی یافت که در تحلیل‌های نظری‌شان از این رویکرد بهره گرفتند. این سنت‌گرایان یا به تعبیری زیباتر حکمای حکمت خالده به دنبال بازتعریف و احیای جوهر معنوی گمشده و خردسنتی فراموش شده در درون دنیای مدرن غرب بودند. به اعتقاد آنان، تمدن غرب شاهد زوال خاموش و جوه خردورزانه، معنوی و هنری زندگی در مقابل چشمان خود و به تقصیر خویشتن است که در دوران تاریک مدرنیسم به حد اعلائی خود می‌رسد و نابودکننده سنت‌های شرقی به نام مدرنیته و پیشرفت است. کوماراسوامی در کتاب لولوی سوادا^۱ به زیبایی چنین می‌نویسد: قابیل که برادرش هابیل گله‌دار راکشت و شهری برای خویشتن بنا نهاد، گویی شکل‌گیری تمدن مدرن را پیشاپیش اعلام می‌کرد، ماشینی سبع بدون هیچ آگاهی و بدون هیچ ایده‌آلی. مطالعات متعددی در باب هنرسنتی و معماری به وسیله چهره‌هایی از قبیل نادر اردلان و لاله بختیار (به‌ویژه در کتاب حس وحدت)، کریچلوف، اسنودگراس و غیره صورت گرفته است. این تلاش‌ها با آثار متفکرانی چون آنه‌ماری شیمل، هانری کربن، لویی ماسینون، توشیهیکو ایزوتسو و هلموت ریتز تکمیل شده‌اند. البته در این میان نباید تأثیر میرچا الیاده، انسان‌شناس رومانیایی را فراموش کرد که هر چند خارج از حلقه حکمای خالده بود اما آثارش در توسعه مبحث نمادگرایی نقش به‌سزایی داشته است. الیاده در کنار شرح و توضیح بنیادهای روش‌شناختی نمادگرایی دینی، چارچوبی نظری برای تفسیر اسطوره‌شناسی سنتی و درک کارکردهای اجتماعی و دینی آن به دست می‌دهد.

○ «نحوه‌ی فعل و تجلی حق»: به‌طور کلی در طول تاریخ حکمت و فلسفه‌ی اسلامی، گروه‌های مختلف فلاسفه و متکلمان، اقسام متفاوتی از فاعلیت را به حق نسبت



داده‌اند (در اینباره رک، اسفار، ج ۲، ص ۲۲۰ و شواهد الربوبیه، ص ۵۵ و سبزواری، شرح منظومه، ص ۹-۱۱۸). این امر در نظرگاه عرفانی بر مبنای وحدت شخصی وجود، به نحو تجلی بوده و بر این نظر استوار است که اصل و حقیقت اصلی ذات باریتعالی است و حقیقت وجود امری واحد و شخصی است که موجودات دیگر جلوه‌ها و شئون آن به شمار می‌آیند که در عین وابستگی و فقر وجودی به حق تعالی هستند (فاطر: ۱۵). در این صورت جز خدای بلند مرتبه و اسماء و صفات وی چیزی در وجود نیست و مظاهر و کثرات، فقط امری اعتباری و وجود مجازی هستند که از ازل تا ابد بر مبنای آیه شریفه: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ (قصص: ۸۸) در معرض نیستی و هلاکت هستند (آملی، ۱۳۶۴، ص ۴۶). بدین ترتیب در جهانشناسی عرفانی، عرفا قائل به یک حقیقت هستند که تمام ماسوی الله پرتو و تجلی ذات حق تعالی بوده، و موجودیتشان به اضافه‌ی اشراقیه است و معتقد به یک جوهر هستند که کثرات (اعم از جوهر و اعراض) مظاهر و اعراض جوهر ازلی و غائی است (قیصری، شرح فصوص الحکم، فص شعبی، ص ۲۸۷). در نگرش عرفانی، کثرات و سلسله مراتب هستی بدین صورت شکل می‌گیرد که ذات باریتعالی در کسوت اسماء و صفات بواسطه‌ی فیض اقدس باعث ظهور صور کلیه و اسماء و صفات از مظاهر خلقیه در عرصه‌ی علم الهی می‌گردد (ابن عربی، فتوحات، ج ۱۲، ص ۹۷)، پس از آن بواسطه‌ی فیض مقدس - وجود منبسط یا نفس رحمانی - اسماء و صفات و اعیان و لوازم آنها در عالم خارج تحقق می‌یابد.

○ «سلسله مراتب تجلی و عرفانی»: بر این اساس آنچه که بعنوان مبانی هنر و معماری اسلامی در بازآفرینی و خلق مجدد سلسله مراتب هستی توسط نفس هنرمند عارف انجام می‌پذیرد، نمایش و بازآفرینی نحوه‌ی تجلیات حق تعالی در این نگرش عرفانی است (بلخاری، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳). ابن عربی در فتوحات چگونگی و نحوه‌ی تجلیات حق تعالی را بطور دائم و پایان ناپذیر عنوان کرده و چنین ذکر می‌کند: حق در اعیان و مظاهر اشیاء تجلی و ظهور می‌کند که این امر پیوسته و لم یزل و لایزال می‌باشد. و آن را نه آغازی است و نه انجامی،

بنابراین اشیاء دائم در تغییر مستمر و تحول پی در پی هستند و حق هم در هر لحظه و آنی به صورت بی‌شمار متجلی می‌گردد و هیچ‌گاه این تجلی تکرار نمی‌پذیرد زیرا هر تجلی خلقی را می‌میراند و خلق جدید را می‌آورد (ابن عربی، فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۶۱) و تجلی او تکرار نمی‌شود، زیرا آنچه موجب فناست، غیر از آن است که موجب بقاست. در هر آنی فنا و بقا حاصل می‌گردد، لاجرم تجلی غیر مکرر می‌باشد (خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۴۴۸). بر این اساس تجلیات الهی در دیدگاه عرفانی با وجود دوام و تکثیرشان، تکرار نمی‌یابد بلکه به جهت توسعه در هر نفسی به تجلی و در هر آنی به شانی، ولودر شیء و شخص واحدی متجلی می‌گردد و هر تجلی خلقی را می‌برد و خلق جدیدی را می‌آورد (جهانگیری، ۱۳۶۷، ص ۳-۳۳۲). قیصری در شرح فصوص و شیخ محمد لاهیجی در شرح گلشن راز، سر تکرار ناپذیری تجلی حق را آیه‌ی شریفه‌ی «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ (الرحمن: ۲۹) دانسته که بر طبق آن «هر لحظه و هر نفس، حق را شئونی و ظهوری دیگر است و تکراری در تجلی الهی واقع نیست» (لاهیجی، ۱۳۶۸، ص ۸۰ و قیصری، ۱۳۶۳، ص ۳۶۰). و از این امر چنین نتیجه می‌گیرند که با پیش فرض اینکه خداوند در هر لحظه در انجام کاری نواست، چون تحصیل حاصل محال است پس خداوند با اسماء مقتضی ایجاد، ایجاد و با اسماء مقتضی اعدام، معدوم می‌گرداند. با این شرط که بین وجود قبلی و وجود بعدی تفاوت وجود دارد. این دیدگاه که در آثار بسیاری از عرفا ذکر گردیده است (در اینباره رک: آشتیانی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۹ - خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۴۴۸، عراقی، ۱۳۶۳، ص ۶۲ - جامی، ص ۵۶ و کاشانی، ۱۳۷۰).

بازخوانی عرفان در متون عرفانی مولوی

امروزه مولانا، در جهانی که بسی با آرمانشهر مطلوب او فاصله دارد، روز به روز معروف‌تر می‌شود. آثارش را نه فقط در ایران و دیگر کشورهای فارسی زبان، و نه فقط در جهان اسلام، که در سراسر جهان، همچون ورق زر می‌برند. او مرزهای زمینی اختلافات سیاسی و فرهنگی و دینی و قومی و زبانی را به مدد اندیشه آسمانی خود در نور دیده و باشوری عاشقانه و زبانی هنرمندانه که آکنده

از تمثیل و تشبیهات شاعرانه است، فطرت مردمان را در سراسر جهان، مخاطب قرار داده و پیام توحید و نبوت و معاد و ولایت را، دلنشین و آتشین، به همه آفاق و انفس رسانده است. مولانا به تنهایی یک «رسانه» است که پیام معنوی جهان اسلام را در جهان می‌پراکند. در واقع باید گفت که سخن گفتن در باب مولانا، کار دشواری و خالی از سرازیری در تمائیل نیست. او مانند اقیانوس عظیم و عمیق است و ما ناظرانی ایستاده بر ساحل، یا شاید به قول حافظ «گمشدگان ره دریا» که هر چه به دور دست این اقیانوس نظر می‌افکنیم، پایان آن را نمی‌توانیم دید. امواج ریز و درشت این دریای سترگ و سهمگین، دایماً به ما می‌رسد و چشم و دلمان را می‌رباید. گاهی دستی در آب زلال آن می‌شویم و گاه نیز اگر جرات کنیم پایی درون آن می‌نهیم و در نزدیکی ساحل شنایی می‌کنیم، اما دریای اندیشه اقیانوس جان مولانا کجا و ماکجا. زبان و قلم در برابر آن روح آسمانی و آن دل شیدا و آن اندیشه نیرومند و پرتکاپو عاجز می‌ماند و در وصف ذوق و هنر و ظرافت طبع و لطافت سخن او ناتوان می‌گردد (حداد عادل، ۱۳۸۶، به نقل از خبرگزاری فارس).

در ابیات ۲۷۱۷ و ۲۷۳۶ از دفتر اول مثنوی معنوی مفهومی دیده می‌شود که قابلیت تامل ویژه‌ای دارد، همانگونه که شهر در داستان تمثیلی سهروردی مکانی است که خروج از آن و رسیدن به صحرا به نوعی با خروج از زندگی عادی و ورود به عالم خیال و وصال متناسب دیده شده بود، در ابیات فوق نیز این مفهوم واگشایی و باز نمودی خاص دارد. این موضوع شاید تا حدودی یادآور نگاه مسیحیان به بازار باشد، بازار مکانی است دور از کلیسا و مکانی برای حیلت شیطان. ابیات مذکور در «قصه آن خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود» آمده است. تحفه ناقابل مرد بیابان نشین که آب شور کویر بود برای حاکمی که در دارالخلافه اش رودی بزرگ جریان داشت بی ارزش بود اما بهانه‌ای خوب برای کرم حاکم، این داستان تمثیلی است از سلوک و آوردن داشته‌های ناقابل در برابر دارایی‌های لایتناهی حضرت حق است که اگر خاضعانه و صادقانه باشد موجب سعادت می‌شود. در این داستان بیابان که محل زندگی آن مرد است، تمثیلی از دنیا و مکان دون است و شهر، مکان حضور خلیفه و

مکانی افسانه‌ای و یوتویایی (آرمانشهری) است. این شهر که به سبب کرامت حاکمش در تمثیل آورده شده، گویی مکانی است که اهل دنیا و آخرت در آن بهره‌های بی‌شمار می‌گیرند. در اینجا شهر مقصد سلوک است و مکانی مقدس که در آنجا انسان‌هایی شریف و وضع جمعد (حداد عادل، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

۲۷۴۱: خاص و عامه، از سلیمان تا به مور / زنده گشته چون جهان از نفخ صور

همینطور در این شهر کافران و مومنان در کنار یکدیگر از صفت رحمانیت حق بهره‌مند هستند این صفت خاصیت آرمانشهری این شهر تمثیلی را بر طرف می‌کند چرا که کافرا و مومنان در آن هستند و از انسان‌های برگزیده تشکیل نشده است. این مفهوم به معنای تساوی حقوق شهروندی و وجود جامعه مدنی در شهر است و با تعبیر خاص معاصر و همچنین اندیشه‌های فارابی در باب آرمانشهر همنشینی معنایی نزدیکی دارد. وجه اشتراک تمثیل سهروردی و مولانا در تجمع انسانی شهر و حضور آدمیان در آن است. اما محتوای شهر و در واقع معنای شهر در این دو تمثیل کاملاً متفاوت است. تردیدی نیست که مولانا با آن غنای فکری و تجربه‌های عظیم شهودی عرفانی به آرمانشهر و انسان ایده‌آل و مطلوب خود می‌اندیشیده است. مولوی از آنجا که فیض روح القدس مددکار او شده بود و عطش روح را در دارالسلام «آب» فرو می‌نشاند و «نور» را در غیب الغیب می‌دید با شور سرشار از شعور رسول آفتاب شده بود تا عهد و عهد آدمیان را با معبود ازلی فریاد آورد و بانگ «قالوا بلی» را در عمق جانشان طنین انداز نماید.

شاید در میان غزلیات شمس، غزل شماره ۴۴۱ رنگ و بویی دیگر داشته باشد. در واقع می‌توان آن را «آرمان‌نامه» یا «انسان‌نامه مولوی» نامید. جایی که مولوی در جستجوی انسان کامل برمی‌آید. گرچه موضوع غزل را فراق و دوری از شمس بیان کرده‌اند اما پر واضح است که تموج و گستردگی معنایی که در تک‌تک ابیات این غزل دیده می‌شود راه را برای هر قید زمانی، مکانی و یا فردی خاصی می‌بندد. در ادامه و در قسمت‌هایی که شعر اوج می‌گیرد ابیاتی دیده می‌شود که پرده از راز بزرگ ذهن و زبان او برمی‌دارد؛ چراکه از پیرامونیان خویش که از اکسیر



عشق بی بهره‌اند ابراز دل‌تنگی و ملولی می‌کند و آرزوی همدلی و همگامی با شیرخدا «علی (ع)» و «رستم داستان» را در سر می‌پروراند و آرزوی وصال گوهرهای نیافتنی که بزرگانی چون «دیوجانوس» حکیم را بی‌تاب و بی‌قرار کرده بود؛ می‌کند. آنجاکه می‌گوید: «زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت - شیر خدا و رستم دستانم آرزوست؛ دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر - کزدیوو دد ملولم و انسانم آرزوست؛ گفتند یافت می‌نشود جست‌ایم ما - گفت آن‌که یافت می‌نشود آنم آرزوست.

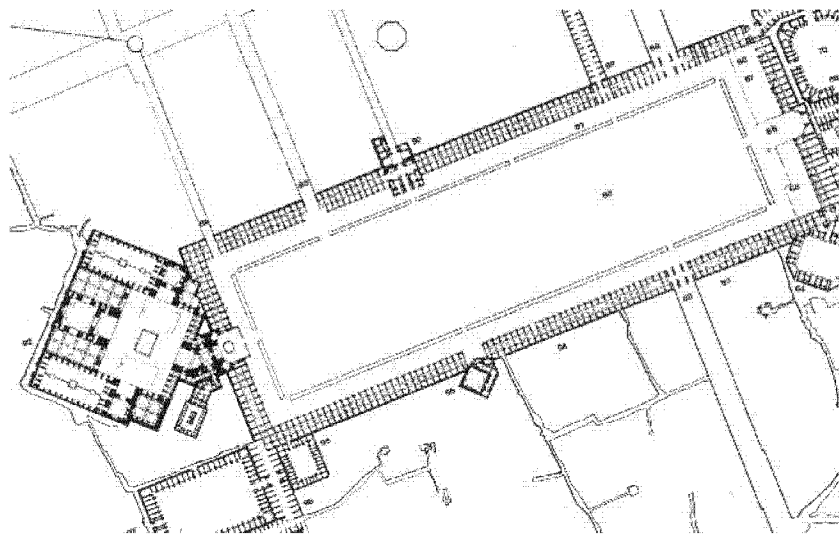
این همه نظم و زیبایی که در این جهان می‌بینید و شر و شوری که در آن برپاست، برخاسته از کالبدی ظاهری و مادی این جهان نیست، بلکه جلوه‌های جمال خداوند فاتح الابواب است: چون هزاران حسن دیدی‌کنان نبذ از کالبد پس چرا گویی «جمال فاتح الابواب کو؟»؛ چون به وقت رنج و سخت زود می‌یابی درش بازگویی: «او کجا، درگاه او را باب کو؟»؛ باش تا موج وصالش در رباید مر ترا غیب‌گردی، پس بگویی «عالم اسباب کو؟». پیام مولانا این است که این جهان، جانی دارد، باید جان جهان را شناخت، دیدن این جان، دیده جان‌بین می‌خواهد و در حد چشم جهان‌بین ما نیست. جان جهان، همان غیب و باطن جهان است. عالم اسباب نباید ما را تا بدان حد به خود مشغول سازد که از عالم غیب و باطن و معنا و جان جهان بی‌خبر بمانیم و جز ظاهر این جهان به چیز دیگری قایل نباشیم، چنانچه در قرآن آمده است: «یعلمون ظاهراً من الحیوه الدنیا و هم عن الاخره هم غافلون». پیام مولانا به دانشمندان که در این جهان جویای نظم و ثبات پدیده‌های طبیعت اند و هنرمندان که شیفته زیبایی و شکوه آفرینشند این است که آنچه در این نهرگذرا و جاری می‌بینید تصویری از ماه آسمان است که در آن افتاده و از خود جوی نیست. مبادا این عکس رخسار که در این آینه می‌بینید شما را به طمع خام اندازد تا از صاحب رخسار غافل شوید. آری، سخن او این است که: اسم خواندی، رو مسمی را بجومه به بالا دان نه اندر آب جو.

○ «یگانگی و وحدانیت»: اگرچه انسان‌های آرمانی که ذهن و ضمیر مولانا را تسخیر کرده‌اند چنان دور پروازند که به دام کس در نیامده‌اند اما به هر حال نشان از آن دارد که به تعریفی کارکردی از نوع انسانی و انسان مطلوب خویش

دست یافته است لذا دیده می‌شود که به ذکر مصادیق می‌پردازد. آنان که از این جدایی سینه‌ای شرحه شرحه دارند و آرزوی پیوستن به اصل و مبدأ کل را در سر می‌پروراند، ناگزیر از تزکیه و تهذیب نفس و پرهیز از هوسهای نفس هستند تا سبکبال و سبک بار راه وادی دوست را پیش گیرند. مولوی نیز در مثنوی منشأ اصلی روح و هبوط آن به دنیای ماده و نیز بازگشت دوباره به منزلگه حقیقی را مطرح می‌کند. به اعتقاد او انسان با ایثار و تواضع امکان دست یافتن به واقعیت خود را می‌یابد و همواره از نیروی درونی انسان و شکوه شگرف آن سخن گفته است. دفتر اول که با شکایت و حکایت نی‌آغاز می‌شود، شکایت از دوری است. مولوی پس از بیان شکایت نی، بلافاصله داستان عشق پادشاه و کنیزک را آورده است. در این حکایت نیز همانند بقیه حکایت‌های مثنوی مسائل با رمز و اشاره بیان شده است و سپس به تفسیر آن پرداخته شده است. در این داستان به عشق انسان به انسان در نوع ابتدایی و مجازی آن اشاره شده است که این نوع عشق در کل پدیده‌های هستی مشهود است و همانند کشش و میل دو جانبه‌ای است که خاک و گیاه و باران و آفتاب و نور و ماده را در تمام عالم به سوی هم می‌کشاند و عشق را نیروی محرک تمامی کائنات می‌سازد. این عشق که قانون وجود است در همه عالم قاهرست و عشق جسمانی انسان نیز از همین مقوله و در این مرحله از عشق که به قلمرو حیات حیوانی مربوط است با سایر انواع حیوان تفاوت ندارد.

○ «وحدت در کثرت»: بنا به عقیده مولوی، ساکنین روی زمین از یک سرزمین واحد آمده‌اند و از راه تعلیمات می‌توانند از راه دل و با در نظر گرفتن حالت جدیدی از هماهنگی به عنوان هدف، به یکدیگر وابسته شوند و بدین ترتیب جدایی، چندخدایی، دوگانگی و افتراق از بین می‌رود؛ منبسط بودیم و یک جوهر همه - بی‌سر و بی‌پا بُدیم آن سر همه؛ یک گهر بودیم همچون آفتاب - بی‌گره بودیم و صافی همچو آب؛ چون به صورت آمد آن نور سره - شد عدد چون سایه‌های کنگره؛ کنگره ویران کنید از منجیق - تا رود فرق از میان این فریق.

○ «غربت معنوی و مراتب سلوک فردی»: پیام مولانا به انسان امروز و انسان همه عسرها و نسل‌ها این است که



تصویر ۱. میدان نقش جهان؛ مأخذ: کیانی، ۱۳۸۸.

آدمی به عالمی بالاتر از این عالم تعلق دارد و هم بدان عالم باز خواهد گشت؛ ما زبالاییم و بالا می‌رویم. ما زدریاییم و دریا می‌رویم؛ ما از اینجا و از آنجا نیستیم. ما زیبجایییم و بیجا می‌رویم؛ خواننده‌ای انالیه راجعون - تا بدانی که کجاها می‌رویم؟

بازنمایی عرفان در کالبد شهرسازی اسلامی

از میان شهرهای ایرانی شهر اصفهان به قول نادر اردلان سرچشمه بازتاب این جهانی عرفان ایرانی است. در عین حال، اصفهان یک شهر نوبنیاد اسلامی نیست؛ اما صفویه با هدف ساخت پایتختی با عظمت به عنوان نماد پیروزی تشیع در ایران، این شهر را گسترش داده و با حفظ ساخت و ساز موجود، ساخت و سازهای جدیدی را با آن ترکیب نمود تا شهری متوازن و با اهمیت حاصل شود (مهدوی، ۱۳۷۵، ص ۶۳-۵۴). صفویان همانند صدر اسلام، درک صحیحی داشتند که تغییر فرهنگ بدون تغییر کالبد امکان پذیر نیست (اصغریان جدی، ۱۳۷۷، ص ۴۶-۴۴). در ساختار قدیمی اصفهان پیش از صفوی، بازار، به عنوان واحد سازمان دهنده شهر عمل می‌کند و در مجاورت آن مسجد جامع و میدان کهنه قرار گرفته‌اند. در عهد صفوی این مرکز شهری سلجوقی با گسترش بازار، به میدان جدید الاحداث نقش جهان پیوست (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ص ۹۷ و ۹۶). میدان نقش جهان قوی‌ترین و ظریف‌ترین ترکیب کلامی مکتب اصفهان است که در آن

فضا، از جنبه مفهوم و طرح تصویری شایان توجه و شهر نمونه عالی از تداوم فضایی مثبت است. مهم‌ترین نتیجه این امر برای پژوهش حاضر، آزادی طراحان این میدان و بناهای پیرامونی آن برای تجسم ایده‌های خود و عدم وجود هرگونه اعمال محدودیت بیرونی از سوی بافت پیرامونی به عنوان عامل محدودیت مکانی در اجرای ایده‌های ذهنی طراح است. از این رو تمامی کنش‌های طراحی نه در جهت تطبیق با وضعیت موجود که با هدف دستیابی به ادراک نهایی ایده توسط فاعل شناسا بوده است.

در شهرهای اسلامی، مسجد پیش از آن‌که یک نشانه شهری باشد، یک نماد و نشانه‌ای از وحدت و اشاره‌ای به کعبه و محور هستی است (اعتضادی، ۱۳۷۷، ص ۱۱). پوپ در فصل سوم کتاب معماری ایران، مسجد را یک شهر خدا در دل شهر خاکی تعبیر می‌کند (پوپ، ۱۳۶۶، ص ۷۷) و در این میان مساجد ساخته شده در اصفهان عصر صفوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. مسجدی که در چارچوب مکتب اصفهان طراحی می‌شود، تا آنجا پیش می‌رود که همه مناسک حج را در کالبد مسجد متجلی می‌کند (بهشتی، ۱۳۷۵).

بازنمایی عرفان در کالبد معماری اسلامی

معماری عرفانی به گونه‌ای از ساختمان‌ها اطلاق می‌شود که در پی برقراری یک ارتباط معنایی ویژه و منحصر به فرد

میان فرم‌های خاص هستند و با اتکا به آن قصد دارند تا نوعی بیان نمادین یا زیبایی‌شناسانه از مضامین عرفانی را به نمایش بگذارند. این معماری ادامه معماری یادمانی به شمار می‌رود، که به واسطه بهره‌گیری از مفاهیم نمادین، عملکرد، قدرت، اصول فرهنگی و تفاوت‌های تکنیکی از دیگر ساختمان‌ها منفک می‌شوند و حالت متفاوتی از توسعه جوامع را نشان می‌دهد. راپوپورت طبیعت معماری بومی را این‌گونه بیان می‌کند: سنت راه‌حل جهت‌دار و هوشیارانه فرم فیزیکی فرهنگ است. نیازها و ارزش‌ها، نیازهای نمایشی و احساسی مردم، سنت یک فرهنگ برگزیده را ارائه می‌کند و زندگی تحت تاثیر سنتی که نمود آن فرهنگ برگزیده است؛ جهت و غنا می‌یابد. بسیاری از الگوهای معماری ایران در درون این شیوه معماری قرار می‌گیرد. این معماری از یک هسته آغازین شروع شده و در طول زمان پالایش یافته است. در مورد مساجد ایران نیز این ساختار تداوم وجود دارد. الگوی مساجد ایرانی از یک ایوانی تا چهار ایوانی و الگوهایی مانند گنبدخانه و شبستان با انتظام خاص خود، الگویی است که تحت شرایط گوناگون انتظام‌های متفاوتی را به نمایش می‌گذارد. به استثنای نمونه‌های خاص مساجد جامع ایرانی که الگوی معماری عصر خود دانسته می‌شوند؛ بسیاری از مساجد برمبنای الگوی پایدار تکرار می‌شوند و سنت پایدار موجود در معماری ایران نیز ماحصل این الگوهای ثابت و در حال ویرایش مداوم است، که در تمامی مدت، نهاد اصلی خود را حفظ نموده‌اند. بسیاری از مساجد جامع موجود در شهرهای مختلف ایران نمونه‌های از معماری یادمانی به شمار می‌روند و در واقع فرم‌های تکامل یافته‌تر و دارای ویرایش خاص معماری بومی مساجد محسوب می‌شوند. در کمتر نمونه‌ای از آنها ما با ویرایش محض بیان معمارانه روبرو هستیم، الگوهای ثابت سازماندهی و انتظام آنها، نوعی نظام معین مبتنی بر الگوهای هندسی برای ایجاد جو تفکر و تأمل مناسب برای نیایش و پرستش محسوب می‌شود (الاسعد، ۱۳۷۶، ص ۵۳). الگوی مسجد از نظر بسیاری اندیشمندان تداعی حج به عنوان بزرگترین مناسک اسلامی است. سازمان درونی طراحی مسجد شیخ لطف الله، شامل گنبدخانه به عنوان بخش اصلی و

نقطه عطف بنا، ورودی و مسیر انتقالی حدفاصل آن دو می‌گردد. گنبدخانه فضایی است که از بیشترین اصول ثابت در طراحی از جمله رو به قبله بودن، الزام ورود نمازگزار در راستای رو به قبله، ابعاد و... برخوردار است و ورودی به عنوان نقطه برخورد دومین بخش و مسیر ارتباطی فضای قابل انعطاف و متغیر را تشکیل می‌دهد. مسجد شیخ لطف‌الله نیز این ساختار درونی را داراست؛ اما تحت تاثیر نیروهای خارجی حاکم بر طراحی، الزام تغییر شکل این سازمان پدید آمده است. عامل خارجی مؤثر جهت قبله، به عنوان عامل تعیین‌کننده جهت قرارگیری گنبدخانه و زاویه ۴۵ درجه آن با محور جانبی میدان نقش جهان بعنوان تعیین‌کننده راستای ورود به بنا است. معمار به منظور حل این تغییر راستا، عناصر اصلی طرح بنا یعنی گنبدخانه و ورودی را در راستاهای صحیح مربوط به هر یک قرار داده و تنش حاصل از تغییر زاویه را در فضای انتقالی میان این دو بخش حل نموده است.

بیان یافته‌ها و مصداق‌های شهری

سخن خود را با کلامی از تیتوس بوکهارت در کتاب «هنر اسلامی، زبان و بیان»، آغاز می‌کنیم که می‌گوید: هنرمندی که بخواهد اصل وحدت وجود را نمایان سازد، سه وسیله در اختیار دارد:

۱. اول، هندسه که وحدت را در نظم فضایی جلوه‌گر می‌سازد؛

۲. دوم، ریتم که وحدت را در نظم دنیوی و نیز غیر مستقیم در فضا نمودار می‌سازد؛

۳. سوم، نور که نسبت آن با شکل‌های قابل رؤیت، مانند وجود مطلق است نسبت به موجودات محدود (بلخاری، ۱۳۶۵، ص ۸۷).

معماری ایران مانند هنر و ادبیات آن از سنگینی گریزان، و در جست و جوی رشد و کمال بوده است. معماری ایران قالب‌های انتزاعی (گذشته از شکل ظاهری) را به جهان معرفی کرده است که ریشه در حکمت و نمادگرایی کیهانی و جهان‌بینی معنوی ایران کهن داشته است و برای پیوند با آسمان از نمادهای کیهانی نیز استفاده کرده است تا بیننده روی از جهان مادی برتابد و متعالی شود (پورعبدالله، ۱۳۸۹، ص ۱۰). معماری قدسی ایران تحت

تأثیر اندیشه‌ها و سنت‌ها و وظیفه دارد فضایی خلق کند که انسان را از عالم مادی به عالم روحانی برساند. او محیطی ایجاد می‌کند که نیاز روحی بینندگان را ارضا می‌کند و معمولی‌ترین افراد در کنار آن احساس نزدیکی و یگانگی می‌کنند. زیرا بیرون ساختمان‌ها را ظاهر می‌دانند و دورن آنها را باطن، بیرون را ساده‌کار می‌کنند، اما درون آن تزیینات بسیار به‌کار می‌برند. تضاد میان بیرون و درون بنا را تضاد میان دنیا و آخرت می‌دانند (همان، ص ۱۷۳).

بی شک مضامین عرفانی باز نمودی ویژه در معماری عرفانی ایران داشته‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

○ «نمادگرایی در شهر و معماری شهری»: در مکتب اصفهان، نه مقیاس، بلکه فضای انسانی مطرح می‌گردد. مقیاس‌ها، اندازه‌ها، احجام، گشودگی‌ها و بسته‌شدن‌ها، همه بیانگر این فضا بوده و انسان با گذر از این فضاها، در محاوره‌ای فضایی و هستی‌شناختی با آنها قرار می‌گیرد و به عنوان مرکز ثقل عالم صغیر، در هر نقطه‌ای از این فضا که قرار گیرد، مرکزیت به آن جا بازمی‌گردد و مرکزیت هندسی در مقابل مرکزیت آرمانی رنگ می‌بازد (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۲). با رونق گرفتن هنر و معماری، معماران عصر صفوی کوشیدند تا با حفظ ویژگی‌های معماری ایرانی، نوآوری‌هایی را در زمینه معماری به انجام برسانند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به افزایش بار بصری در تدوین فضای شهری، دادن نقش نمادین به بناهای دارای کاربرد همگانی و گسترش ارتفاع بناهای عمومی و بخشیدن بار بصری ویژه به آنها اشاره نمود (فلامکی، ۱۳۷۴، ص ۴۰۲-۴۰۳). کمال و تمامیت اثر در نگاه مخاطب، شاید مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصلی است که ذهن و فکر معماران را به خود مشغول می‌داشته‌است (حاجی قاسمی، ۱۳۷۵، ص ۲۹). در دوره صفوی، تعیین مکان ساختمان در محیط شهری و ارتباط آن با محیط پیرامون ویژگی تازه‌ای می‌یابد و افزایش بار بصری ساختمان‌ها به معنای تعامل بیشتر میان انسان به عنوان فاعل شناسا و ساختمان به عنوان موجودیت قابل شناسایی می‌گردد. این نگرش را می‌توان گونه‌ای نسبی از گرایش انسان‌گرایانه در معماری ایران به حساب آورد. مکتب اصفهان در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به تعادل و توازن، تعادل فضایی و کالبدی، هماهنگی و

هم‌آوایی عناصر متباین است (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۲).

○ «نشانه‌شناسی بصری نقوش هندسی»: صور تجریدی نقوش هندسی به آن دسته از فضا سازی اطلاق می‌شود که به صورت منظم و هندسی و با قواعد مشخصی که متشکل از گره‌های بافته و متکثر بنائی است، رسم می‌شود. گره بر سه نوع کند و تند و شُل تقسیم‌گشته که طی مراحلی و با تمهیداتی به یکدیگر مبدل و تحوّل می‌یابند. گره بنائی، در اولین مرتبه از تجلی و ظهور خود «کند دو پنج» نام دارد و قالب و پیکره‌اش با چهار آلت شمسه و ترنج و پنج و طبل سامان می‌یابد و آلت پنجمین که سرمه دان باشد در ظهورات دیگر همین گره با قالب کند، یعنی «سرمه دان چهار شمسه» ظاهر می‌گردد. قواعد و خصوصیات نقش در صور تجریدی نقوش هندسی چنین است: نخست آنکه قابلیت تکرار، حرکت و خلق مداوم در کناره‌های خود را داشته باشد، به نحوی که هرگاه زمینه‌ی گره در هر یک از جوانبش تکرار شود، آلت‌های گره متکامل تر می‌گردد. دوم آنکه گره زایش داشته باشد، یعنی در درون خود امکان خرد شدن بوسیله‌ی گره‌ای ثانوی داشته باشد به نحوی که آلت‌های گره ثانوی بر لبه‌ی گره اصلی همدیگر را کامل کند. و نهایتاً اینکه آلت خارج نداشته باشد، بدین منظور که گره در تمام صور و اطوار خویش، صورتی جز آنکه بدان شناخته و تعریف می‌گردد، نمی‌پذیرد که از مهمترین مشخصه‌های گره در جهت حفظ وحدت و بقاء موضوع صور هندسی در گره‌سازی است (لرزاده، ۱۳۸۴، ص ۲-۱۴۱ و نیز در این باره رک، زمرشیدی، ۱۳۸۴).

○ «سلسله مراتب عرفان و دیالکتیک فضاهای شهری»: ملاصدرا بیان می‌دارد که مراتب واسطه، که از وجهی با مرتبه پایین تر و از وجهی با مرتبه بالاتر متشابهند؛ همچون دانه‌های زنجیر مرتبط‌کننده و برقرارکننده‌ی ارتباط مراتب نامتجانس‌اند. وی متأثر از شیخ اشراق و با استناد به دیدگاه‌های وی اصل «وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» را اتفاقاً با ابتدای بر تشکیک نور و وحدت «نورالانوار» در حکمت اشراق بنیان گذارد (بلخاری قهی، ۱۳۸۸، ۱۲۰). در مقایسه با آن در معماری سنتی ایران، بروز سلسله مراتب در معماری در حریم عرضی با هندسه خطوط مستقیم، منحنی و زاویه دار و با



اشکال دوبعدی و احجام سه بعدی، و در سلسله طولی با فضاهای تهی بی شکل که میان فضاهای هندسی شکل می‌گیرند و به خیال فرصت فراشت و تعالی می‌دهند، رخ می‌دهد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶).

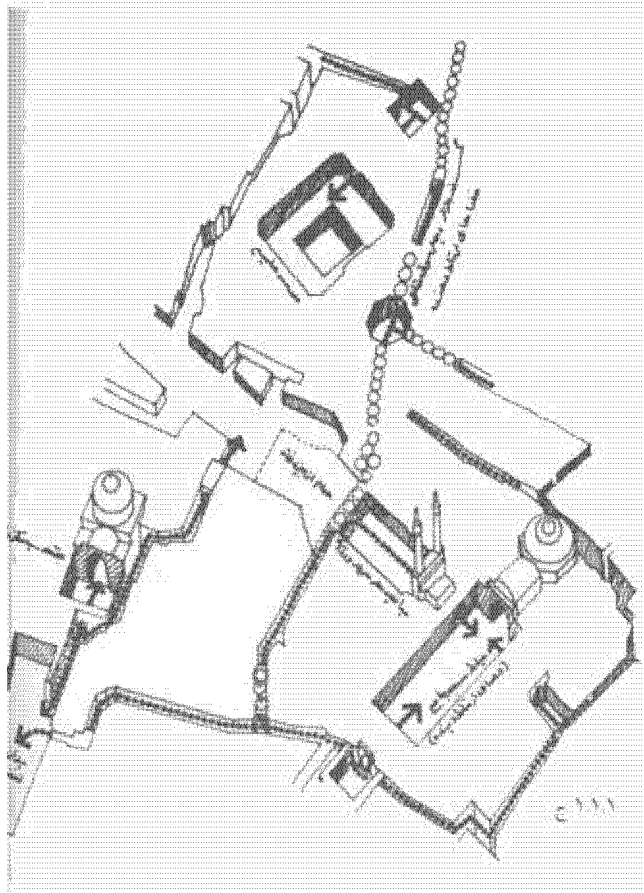
○ «اصل وحدت وجود و هم‌پیوندی فضاهای شهری»: اساس عرفان اسلامی در طریقت «وحدت وجود» است و در غایت و حقیقت وحدت شهود. جز «او» هیچ چیز استحقاق وجود ندارد. تنها اوست که هست، بالذات، و هرچه غیر اوست، جلوه‌ی اوست، بالعرض. ذات در وحدت منطوی است و عرض در کثرت منجلی (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۱۲). در عرفان و حکمت اسلامی، حق و جهان یکی است و هرچه هست «او» است. حق با تمامی تجلیات و ظهوراتش در جهان حضور دارد و جهان نیز با تمامی موجودات و مشهوداتش، مجلا و مظهر اوست لکن هیچ عارف و حکیمی از این وحدت عینیت وجودی

حق و خلق را نتیجه نمی‌گیرد. وحدت وجود در تعبیر عرفا اسلامی همان رسیدن به شهود است. وجود اگر به معنی هستی باشد هستی فقط «او» است و اگر به معنای یافتن و رسیدن باشد، باز، یافتن و رسیدن به «او» است. بدین ترتیب «او» هم وجود و هم شهود است (همان، ص ۲۸۳). این موضوع در یکپارچگی فضاهای شهری در استخوانبندی شهرهای ایرانی - اسلامی و مقوله سلسله مراتب فضاهای شهری قابل شهود است.

○ «تجلی و مراتب فضایی در فضاهای شهری»: راغب اصفهانی در المفردات فی غریب القرآن تجلی را کشف ظاهر (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ۹۶) و «قاموس قرآن» آن را آشکار شدن (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۴۶) تعریف کرده‌اند. تجلی مفردات دیگری نیز در عرفان اسلامی دارد که همه همان معنای تجلی را دارند چون ظهور، که ملاصدرا در اسفار استفاده کرده است (رحیمیان، ۱۳۷۶، ص ۴۰). کاربرد تجلی در قرآن نه تنها این معنا را گزیده عرفا و حکما در تبیین مفهوم وحدت

وجود ساخت بلکه معنا و مفهوم آن نیز در تبیین نظریه‌شان، بسیار مؤثر واقع گردید. خداوند در یکی از آیات سوره اعراف، صراحتاً از تجلی خود بر کوه سخن گفته است: «فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا و خر موسی صعقا، چون پروردگارش بر کوه تجلی نمود آن را ریز ریز کرد و موسی بیهوش افتاد». این آیه که مباحث بیشماری را در میان مفسران پیرامون رؤیت خدا برانگیخت، برای عرفا و حکمای باطن‌نگر، پیامی دیگر داشت و آن استدلال و برهانی محکم بر اصل تجلی حق بر خلق بود (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵). در این رابطه می‌توان به تغییرات فضایی - و مراحل آن یعنی ابعاد دیالکتیکی آن در گذر از یک فضا به فضای شهری دیگر، یا از یک فضای معماری به فضای معماری مشابه اشاره کرد.

○ «نور و آیین و مصادیق تصویر و تجلی»: به دلیل فراغقلانی بودن دریافت‌ها و مکاشفات اهل دل، زبان و



تصویر ۲. جایگاه برتر مسجد جامع در شهر اسلامی (شهر یزد): ماخذ: توسلی، ۱۳۷۱، ص ۲۰.

بیانی برای انتقال آنها متصور نیست. به همین دلیل است که عرفا با ذکر امثال و تشبیهاتی سعی بر ارائه مکاشفات خود دارند (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۲۶۸). از دیدگاه ابن عربی نیز تشبیه، نوعی تخیل است. لذا می تواند ابزار مناسبی برای عبور به عالم خیال و تعبیر شهودات عرفانی باشد (کاکایی، ۱۳۸۲، ص ۸۷). در این تمایل و تشبیهات، مصادیقی چون خورشید، موج، دریا، سایه، شعاع های نور، نفس و آینه بسیار استفاده شده است. ولی در میان آن ها، نور و به ویژه آینه، مشهورترین و کارآمدترین مثال برای شرح و بیان وحدت وجودند. این کارآمدی، عامل مهمی برای کاربرد این تمثیل در فرهنگ های مختلف بوده است (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۲۶۹). در این رابطه می توان اشاره کرد که هر عنصری در معماری این سرزمین رنگ و بویی الوهی داشته و بنا به دلیلی که مستتر در حالت غیب است به منصف ظهور رسیده است.

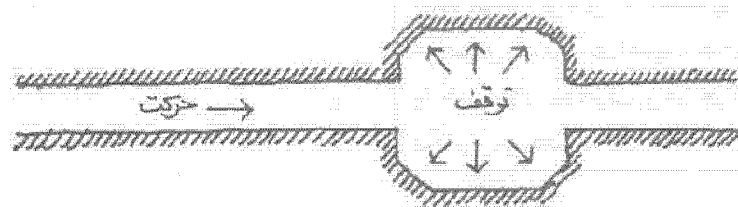
○ «نور و کاربرد عرفانی آن در معماری و شهرسازی»: همچنین حضور نور در دو بعد از مهم ترین ابعاد هنر اسلامی یعنی معماری و نقوش تجریدی اسلیمی و نگارگری جلوه و حضوری ذاتی است. به عبارت دیگر این نور است که تعیین کننده هویت ذاتی اثر هنری است یعنی نه تنها اثر را نماد جلوه نورانی وجود - در معنای مستتر در خود - قرار می دهد، بلکه بدان شکوه و جلالی می بخشد که بی واسطه مصور «الله نور السماوات و الارض» می گردد. بدین ترتیب شرح و تحلیل «نور» عاملی دو سویه در تبیین هویت هنری اسلام عاملی دو سویه است زیرا از یک سو بر منشأ هنر - عالم مثال نورانی - تأکید دارد و از دیگر سو به جلوه زیباشناسانه هنر (همان، ص ۳۴۰).

○ «قدر در مفاهیم اسلامی و مفهوم هندسه معماری شهری»: در قرآن که اصلی ترین و اصیل ترین منبع

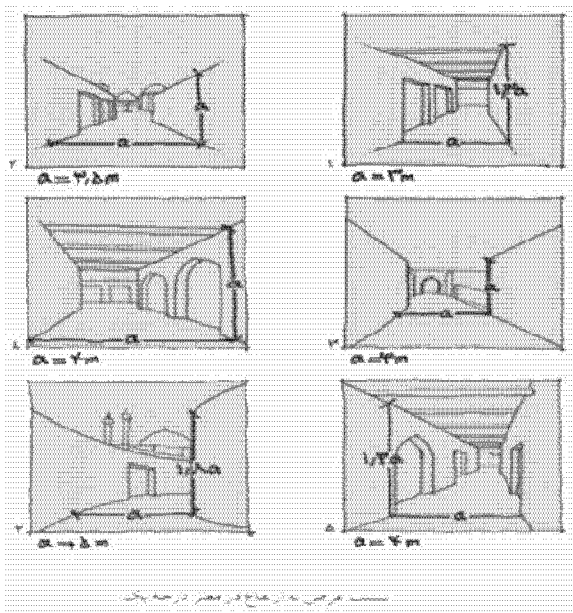
اندیشه اسلامی است، صورت فیزیکی و ساختار عالم در قالب یکی از کلیدی ترین واژه های جهان بینی اسلامی یعنی «قدر» بیان شده است. این واژه دو ویژگی اساسی دارد که بنا به آن، مناسب ترین گزینه برای تبیین هویت فرمی هنر اسلامی است: اولاً ارتباطی بسیار وثیق و عمیق با مفاهیمی چون نور، خلق، حُسن و زیبایی دارد و ثانیاً در روایات اسلامی، معدل علوم چون ریاضیات و هندسه است که از یک سو دقیقاً طراح ساختار کالبدی و هندسه پنهان هنر اسلامی اند - به ویژه در معماری اسلامی که خود بستر و مظهر تمامی ابعاد هنر اسلامی است چون کتیبه نگاری، تذهیب، مقرنس کاری، آئینه کاری، معرق کاری، نقوش اسلیمی و ... - و از دیگر سوهویتی دارند که کاملاً مماثل و معادل عالم مثال است. دلا پلی که دکتر بلخاری برای اثبات این مدعا ارائه می دهد به شرح زیر است:

۱. اولین و مهم ترین دلیل بر ارتباط میان قدر و هندسه (که اساس معماری قدسی در هنر اسلامی است) حدیثی از امام هشتم شیعیان است که هندسه را همان قدر می دانند. امام علی بن موسی الرضا (ع) در حدیثی مذکور در اصول کافی، خطاب به یونس بن عبدالرحمن می فرمایند: «فتعلم ما لقدر؛ می دانی که قدر چیست؟ پاسخ می دهد: لا، حضرت می فرمایند: هی الهندسه و وضع الحدود من البقاء و الفناء، قدر همان هندسه و مرزبندی است، مانند مقدار بقا و زمان فنا.» (ثقه الاسلام کلینی، ص ۲۱۹)

۲. ماهیت انتزاعی هنر اسلامی ارتباطی تنگاتنگ با ماهیت نیمه تجریدی علوم هندسه و ریاضیات دارد. به عبارت دیگر هندسه و ریاضیات اولاً با عرفان و نگرش اشراقی یونانیان - به ویژه فیثاقورثیان و پس از آن ها



تصویر ۳. فضاهای حرکت و مکث یادآور مراتب حرکت و توقف سالک در سیر و سلوک عرفانی است:



تصویر ۴. نسبت عرض به ارتفاع در معابر درجه یک نشانگر احساس القای بندگی و محصوریت کالبد این جهانی انسان در برابر جهانشمولی دنیای ابدی و باقی است؛ ماخذ: توسلی، ۱۳۷۱.

رنگ‌ها تبدیل به شاخصی می‌گردند برای عارف تا بدان وسیله مقام نورانی - عرفانی خویش را به داوری گیرد. او فراسوی زمان است و تنها عالم رنگ جهت دهنده سیر و سلوک اوست. عارف، پس از ریاضتی سخت، به توازنی دست می‌یابد و از راه و روش‌های کیمیایی بسط و قبض و انعقاد و انحلال، نفس او دگرگون می‌شود. (اردلان، ۱۳۹۱، ص ۵۰).

○ «محراب و مفهوم نمادین آن در معماری»: تیتوس بورکهارت در کتاب هنر اسلامی، زبان و بیان مظهریت محراب را در پناهگاه بودن آن می‌داند: «برای دریافت مظهریت محراب در آداب نیایش اسلامی باید ریشه آن را در قرآن کریم یافت. این واژه به تنهایی به مفهوم پناهگاه است. قرآن مجید به ویژه این واژه را در توصیف نهانگاهی در معبد اورشلیم آورده است که در آن مریم عذرا برای انزوا گرفتن و دعا درآمد و فرشتگان به او روزی می‌رسانیدند.» (بورکهارت، هنر اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۹۷). محراب نه تنها محل جهاد با نفس و وسوسه‌هایش که پناه‌گاهی امن و قرارگاهی برای سکون جان و آسایش روح است و این هنگامی است که قرآن، محراب را مفهومی فراتر از زاویه یا گوش‌های خاص (که مبین جهت قبله باشد)

افلاطون - پیوند خورده و هویتی عارفانه و رازگونه یافته بود و ثانیاً به دلیل ماهیت نیمه تجریدی، کاملاً با عالم مثال که هنر اسلامی محسوب شده و خود نیز در میانه عالم معقول و محسوس قرار داشت، منطبق بود.

○ «نقوش اسلیمی و شمسه»: حضور «شمسه» در اسلیمی نیز بسیار بارز است. برای مثال در مرکز سقف بی‌نظیر مسجد شیخ لطف‌الله (در اصفهان) و نیز نقطه مرکزی تمامی تزیینات مقرنس‌ها: «هم ایشان [معمار ایرانی] به خورشیدی نیم‌طاق‌ها یا گنبدچه‌های صدف‌گون (که در تیزه طاق قرار می‌گیرد) و گویی کانون نوری است که بیشتر طاسه‌های مقرنس‌های ستاره‌گون از تشعشع آن حاصل شده است، «شمسه» می‌گویند... همانطور که بورژوان و دیگران گفته‌اند نقوش بافته از چندضلعی‌ها گویی نظام یکدست بلورین عالم مادی و غیر ذی‌روح را، که نظم ریاضی وار دارد، به

یاد می‌آورد. از میان نقش‌های هندسی آنها که دارای ستاره [یا شمسه] اند بیشتر تداعی کننده آسمان اند. شبکه دوار هم مرکز مدار گونه‌ای که زیرنقش گره‌های ستاره‌ای است یادآور مدارات ستارگان است و شعاع‌های هم فاصله شمسه‌ها همچون پرتوهایی است که در آسمان پرستاره از ستارگان می‌تابد.» (نجیب اغلو، ۱۳۷۹، ۱۶۱-۱۶۲).

○ «رنگ و مضامین عرفانی در معماری شهری»: سالک ابتدا به مشاهده صورت‌ها و خیالاتی می‌پردازد که ریشه در جهانی حسی دارند، اما در مقام دوم به رؤیتی ذاتی می‌نشیند که به وسیله رنگ‌ها بر او آشکار می‌شود. بدین ترتیب مشاهده حسی به رؤیتی فراحسی در پرتوی نورهای رنگی یا رنگ‌های نوری تبدیل می‌شود و این همان کیمیای حقیقی است که در اصل بازگرداندن ماده به فطرت ازلی‌اش به مثابه «طلایی مخفی» است: «نگارگر یا کاشی‌کار، مادراً همچنان که معنا، در فرآیند کیمیای سبب می‌شود، رنگ‌گزینی‌اش نمادگر حالتی خاص از آگاهی است. بر همین منوال، یک عارف در طلب تبادل نفس خویش است. روش او روش نیل به حالتی از خلوص و سپس درونی‌گردانیدن آن است.



می‌داند. (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۳۷۶). همچنین فرم معماری و جلوه‌های تزئینی محراب، خود بازتابی از حقیقت آسمانی و هویت روحانی آن به ویژه با استناد به آیه مشهور سوره نور است. بورکهارت معتقد است: «حضور الهی» در جهان (یا در دل و جان آدمی)، با نور چراغ در طاقچه مقایسه می‌شود (همان، ص ۹).

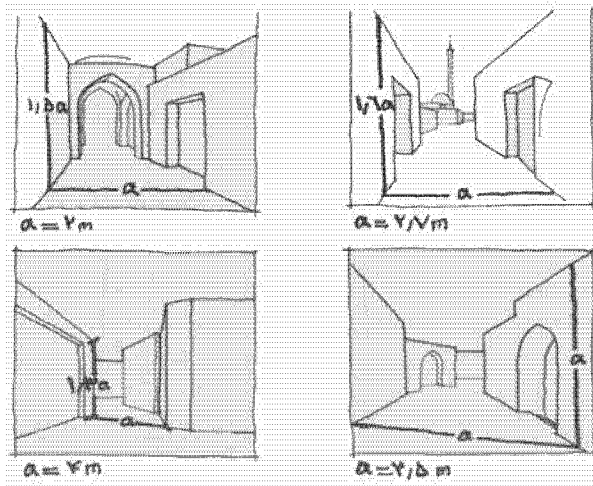
○ «قوس و مفهوم نمادین آن در معماری و فضاهای شهری»: در عرفان و تصوف، عرش در تأویل عرفانی، چون خانه‌ای تصور می‌شود که صدر آن را مقام رحمانیت حق تشکیل می‌دهد. این معنا نه تنها با یکی از مبانی عرش که خانه و سقف آن است تطابق دارد بلکه با معنای دیگر عرش که کرسی، ریاست، سروری و اقتدار است نیز مناسبتی تام و تمام دارد. قوس (در برابر مفهوم عرش)، اصل لایتنجری معماری مسجد است. سر در مسجد، ایوان‌های داخلی، گنبد، محراب، شبستان‌ها و دیگر اجزا، بنا به کارکرد معنویشان، دارای معماری مبتنی بر قوس‌اند، ریشه‌یابی این واژه که حد فاصل میان متافیزیک مسجد با فیزیک آن است، خود دلیل دیگری بر ترقیب ماده و معنا در معماری اسلامی است، معادل لاتینی قوس، دو لفظ Arch و Archi است، لفظ Archi به معنای کمان است که در عربی بدان قوس می‌گویند. همارزی لغوی Arch که به معنای معماری، ساختن، خانه و سقف است با عرش در زبان عربی و ارک، ارج، ارز و ارزش در فارسی که همه آنها به معنای ساختن تقدس، سروری، بلندی و پاکی است، نشان از رفعت، بلندی پاکی و معماری (ساختن) مسجد دارد (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۳۷۸). نسبت گسترده میان فیزیک و متافیزیک - که به نحوی تجلی بارز ارتباط وسیع صورت و سیرت، ظاهر و باطن و ماده و معنا در متن نظر و هنر اسلامی است - صورت بارز دیگری نیز در معماری مسجد دارد (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۳۷۸).

○ «گنبد و مفهوم نمادین آن در معماری و فضاهای شهری»: شکل خاص گنبد که «گنبد مینا» یا آسمان را تداعی می‌کند خود نشان‌دهنده دربرگرفتن تمامی خلقت می‌باشد (توسط آسمان) و این نکته با این معنا که دایره نماد تمامیت و کمال است انطباق دارد. از دیدگاه تیتوس بورکهارت، هنرشناس بزرگ مسلمان، این

نقوش، صورت نمادین آن حجاب‌های نورانی‌اند: «دیوارهای بعضی از مساجد که پوشیده از کاشی‌های لعابی یا نسجی از اسلیم‌های ظریف گچ‌بری است، یادآور رمزگونه‌گی حجاب است: بنا به حدیث نبوی، خداوند پشت هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت پنهان است و اگر آن حجاب‌ها برافتند نگاه پروردگار بر هر که و هر چه افتد، فروغ و درخشندگی و جهش آن همه را می‌سوزد. حجاب‌ها از نورند تا ظلمت الهی را مستور دارند و از ظلمت‌اند تا حجاب نور الهی باشند.» (بورکهارت، ۱۳۷۶، ص ۱۴۶). گنبد که یکی از اصلی‌ترین اجزای معماری است هم در رنگ و هم در شکل، یکی از مهم‌ترین نمادهای عرفانی جهان اسلام است. این جزء معماری نه تنها در فرهنگ اسلامی که در تمامی فرهنگ‌ها نماد کرمیت و دایره است و دایره زیباترین و کامل‌ترین اشکال است که کمال را تداعی می‌کند (چون دایره مانند الا در فرهنگ هندو) (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۳۸۵). اما مهم‌ترین عامل در زیبایی‌شناسی گنبد (علاوه بر این می‌بایست نماد سبکی و سبک‌نمایی نمونه خویش یعنی آسمان باشد) استفاده از عامل رنگ در جلوه‌های زیبایی‌شناسانه آن است: «الگوها و رنگ‌ها چه داخلی و چه خارجی می‌توانند به این سبک‌نمایی یاری دهند. آنها در عین حال به ضرب و تأثیر نمادین شکل هم می‌افزایند، چرخ‌های کیهانی یا مندل‌ها بر سطوح گنبدی چون شکوفه‌هایی زاده از هندسه دایره می‌شکفند. رنگ‌های سرد و رام، دامنه بخش قوه تخیل عقلند و به نفس بیداری می‌بخشند همانگونه که مقبره‌های باستانی مصر و کاخ‌های بابلی، صاحب سقف‌های نیلی پرستاره بودند یا سراپرده‌های دادرسی اشکانی، آسمانه‌هایی پوشیده به یاقوت‌کیود آسمان فام داشتند. گنبدهای اسلامی حافظ و تجلی‌گر خاطره‌های «گنبد صوفی لباس» افلاک‌اند. پس رنگ‌هایشان طبق پیش‌نمونه، سفید، سبز، سبز آبی‌گونه، فیروزه‌ای و طلایی می‌گردد و یا رنگمایه خنثایی از سفال‌گری، گچ‌کاری و تلفیق ناقصی از این‌ها را به خود می‌گیرد. مثلاً گنبد در همه نمودهایش مقام عرش الهی است انفعالی در قبال عقل اما جنساً اُمّی و صورتاً بی‌زمان و سرمدی.» (اردلان، ۱۳۹۱، ص ۷۵).

○ «مسجد اسلامی و مفهوم نمادین عرش بهشتی»: در





تصویر ۵. نسبت عرض به ارتفاع در معابر درجه ۲ شهرهای ایرانی به مساله محرمیت فضایی و لایه‌های معنایی عرفان اشاره دارد؛ ماخذ: توسلی، ۱۳۷۱.

عصر صفوی، امکان بروز اندیشه‌های معنایی شیعی، در مکتب اصفهان فراهم گشت و معماران این مکتب در ساخت مساجد، در پی خلق جهان آرمانی بودند تا بتوانند زیبایی‌های آن جهان را در این بناها تصویر کنند. استیرلن، سرچشمه و جوه نمادین مساجد عصر صفوی، از جمله مسجد امام را در عالم مثال یا عالم ملکوت و یا بهشت موعود دانسته است (استیرلن، ۱۳۷۷، ص ۷۷). تزیینات مساجد نیز وظیفه انتقال تصویر بهشت را به عهده دارند. این بدنه باکاشی‌های زیبای هفت رنگ و یا معرق و بارنگ‌های سبز و آب و بانگاره‌های گیاهی تصویری تجریدی از باغهای بهشتی را به یاد می‌آورد.

○ «باغ ایرانی و مفهوم نمادین باغهای بهشتی»: الگوهای مورد استفاده در باغ ایرانی به شکل

معنی‌داری با بیان کتب آسمانی از جمله قرآن نزدیکی دارد. با استناد به آیات قرآنی، بهشت الهی از چهار باغ تشکیل شده است و با چهارچشمه که چهارنهر از آنها جاری می‌شود (زمانی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۶). مبانی و مفاهیم دینی، آیینی و عرفانی ایرانیان در معماری باغ‌های ایرانی نیز جلوه‌گر گشته و گویی معماران مسلمان، با توجه به توصیف بهشت در قرآن کریم، باغ‌هایی را ساخته‌اند که به راستی تمثیلی از بهشت توصیف شده در قرآن است. این مفهوم و تجلی آن در باغ و پردیس سازی ایران، خاصه در دوران صفوی، بازتاب‌هایی ویژه داشته که می‌تواند نشان از همت والای معماران ایرانی در بازسازی تمثیلی باغ ایرانی از بهشت باشد (انصاری و محمودی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۳۹).

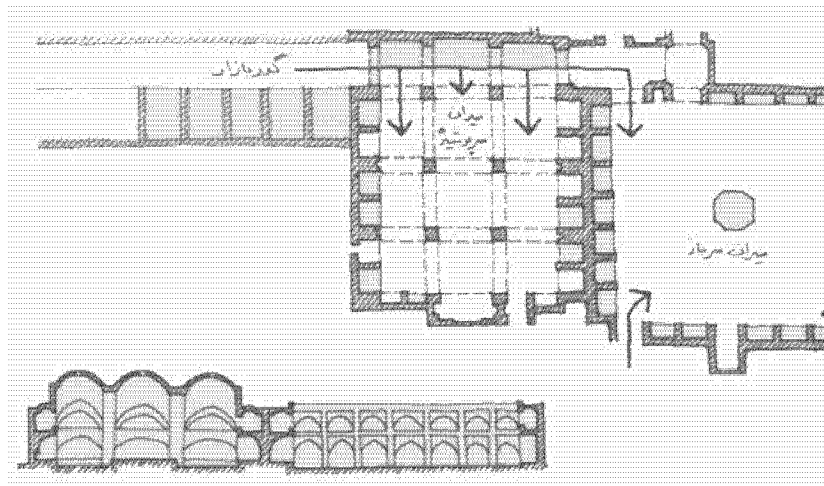
○ «مسکن و مفهوم نمادین حجره‌های بهشتی»: از آنجا که در معماری ایرانی- اسلامی هر تجسم کالبدی مفهومی نمادین دارد؛ لذا به اعتقاد نصر «خانه، به یک مفهوم گسترش مسجد است» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: مقدمه نصر). اتاق‌های این خانه دارای پنجره‌های مشبک و زیبا هستند که بیانگر معماری و تزیینات دوره صفویه می‌باشند. خانه‌های عصر صفوی، از الگوی اندرونی و بیرونی برخوردار بودند. بورکهارت فضای حیاط داخلی این خانه‌ها را به بهشت تعبیر نموده است

(بورکهارت، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸).

○ «خیابان و مفهوم نمادین مسیرهای بهشتی»: خیابان، به عنوان معبری که دسترسی به قسمت‌های مختلف شهر را ممکن می‌سازد و پل به واسطه آن که مسیری یگانه و بدون انحراف را فراهم می‌آورد، می‌تواند نمادی از سیر و سلوک عرفا و حرکت در مسیر راست را به ذهن متبادر کند. ○ «کاروانسرا و مفهوم نمادین منزل در عرفان اسلامی»: کاروانسراها مفهوم نمادین از منزل عرفا در طی طریق طریقت عرفانی دارند؛ چنانچه در مسیر سلوک، منازل و میدان‌هایی است که فرصتی برای تأمل و امکانی برای ورود به مرحله بالاتر فراهم می‌آورد. کاروانسرا، به عنوان محلی برای اقامت کوتاه، در مسیر سفر و میدان، به عنوان حدفاصل خیابان‌ها (مسیرها)، این قابلیت را می‌یابند که دلالتی مشابه با مفهوم منزل پیدا کنند.

کعبه سرچشمه لازوال عرفان در کالبد معماری

کعبه با تمامی قدمت و تاریخ معظمش، نمودگاری از حضرت حق بود که در صورت و کالبد «معماری» تجلی یافته بود. این معنا از یک سو و تأکید بر فعل قدسی و مؤمنانه عمارت مسجد در قرآن «انما یعمر مساجد الله من آمنه بالله والیوم الآخر» (توبه: ۱۸) از دیگر سوم معماری مقدس را مستقیماً و بدون هیچ واسطه‌ای به بنیان‌های



تصویر ۶. ترکیب بندی و سلسله مراتب فضاها در شهرهای سنتی - که نشانگر مراتب سلوک عرفانی در مسیر از تجلی تا تبری است؛ ماخذ: توسلی، ۱۳۷۱، ص ۴۹.

آن، مربع بودن کعبه به دلیل محاذات بودن آن با بیت المعمور و مربع بودن بیت المعمور به دلیل مربع بودن عرش و مربع بودن عرش به دلیل آن است که اسلام بر چهار رکن استوار شده است: «سبحان الله، والحمد لله، و لا اله الا الله، و الله اکبر» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه. ق، ص ۱۹۰). همچنین در اصول کافی به نقل از امیرالمؤمنین علی (ع) ذکر می‌شود که خداوند عرش را از انوار چهارگانه سرخ، زرد، سفید و سبز خلق کرد (ثقه الاسلام کلینی، ص ۱۷۵). بنابراین چهارگوش بودن کعبه بنیانی کاملاً قدسی و مثالی در روایات اسلامی داشت و کاملاً طبیعی بود که به عنوان نمادی کیهانی در الگوهای معماری مسلمین مورد استفاده قرار گیرد. همچنین مربع در کیهان‌شناسی اسلامی، نمودگار کیهان بود؛ و همین طور در جهان‌شناسی اسلامی «مربع» متجسدترین صورت خلقت در زمین و نماینده کمیت محسوب می‌شد در حالی که دایره در حد آسمان و نماینده کیفیت به حساب می‌آمد (اردلان، ۱۳۹۱، ۲۹).

۲. «تفسیر روایی دایره در بنای کعبه»: پس از مربع دایره قرار دارد. اگر مربع نماد زمین، ماده، تجسم و حدود است، دایره نماد آسمان، بی‌کرانگی، کمال و تمامیت است. در فرهنگ شرقی، اتحاد و همنشینی این دو شکل، یعنی دایره و مربع (در بُعد هنری) با اصطلاح ماندالا پیوند می‌خورد. ماندالا که در اصل لفظی سانسکریت و از

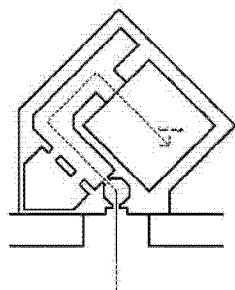
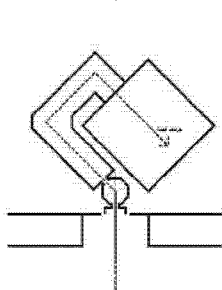
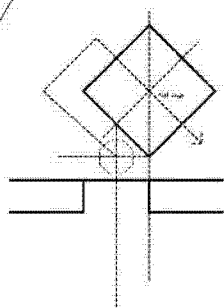
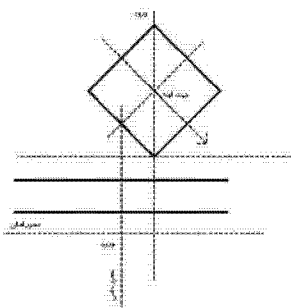
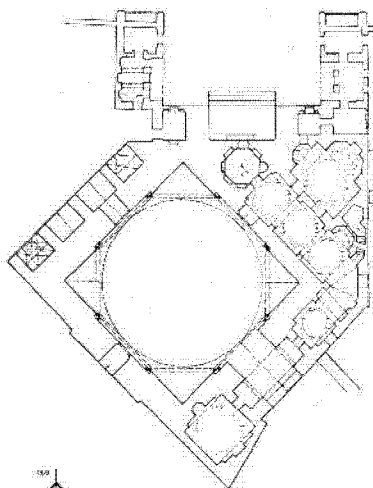
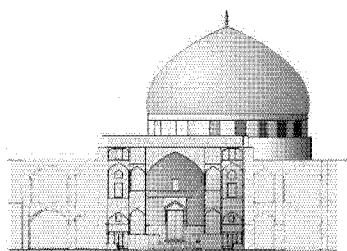
قدسی اسلام مرتبط می‌ساخت. بدین ترتیب معماران و مهندسان در قلمرو الگو برگرفتن خود از معماری قدسی به تأملی عمیق در نوع طرح و پلان کعبه پرداختند و عرفان و رازگشایان نیز در پی ادراک تأویلی امارتی برآمدند که بنا به طرح و پلان مقدسش خود تماشاگاهی از اسرار و جلوه‌گاهی از صور و امثال قدسی بود.

۱. «تفسیر روایی مربع در بنای کعبه»: کعبه و محوطه دورانی اطراف آن، خود نوعی فضا سازی و به یک عبارت نظم بخشیدن به فضایی بود که در دو ساختار هندسی مربع یا مکعب (خود کعبه) و دایره (محوطه‌ای که طواف را به صورت دوری میسر می‌ساخت) خود را می‌نماید بنابراین یک معمار مسلمان در ابتدا با دو شکل هندسی مربع و دایره روبرو می‌بود که انتخاب آن توسط حق برای فضا سازی کعبه، قطعاً رازها و بنیان‌هایی را در خود به امانت داشت و معمار عارف نیز در پی کشف نسبت دایره و مربع و بازگشایی رموز زیباشناسانه آن و نیز کاربرد این معانی در طرح‌ها و نقشه خود بود. از میان این دو شکل، مربع (و در اصل مکعب) صورت به ظهور درآمده و تجسم یافته کعبه بود و در هویت خود این جسمانیت را جلوه می‌بخشید. روایاتی در تمدن اسلامی هم بر وجود قرینه‌های اسلامی کعبه دلالت می‌کرد و هم بر چرایی و فلسفه چهارگوش بودن آن، برای مثال در لایحضره الفقیه حدیثی به نقل از امام صادق (ع) وجود دارد که در

نظر لغوی به معنای دایره است «به عنوان اسم خاص، به اشکال هندسی مربع، یا مدور یا ترکیبی از دو شکل اطلاق می‌شود که در سنت دینی هندویی و بودایی به عنوان هندسه مقدس مبنای ساخت معابد و طرح‌های هنری رمزگونه دینی قرار گرفته و می‌گیرد» (ذکرگو، ۱۳۷۹، ص ۵). همین اصطلاح در زبان فارسی به صورت مَنَدَل یا مَنَدَله در آمده است و در این فرهنگ به معنای دایره است که افسون‌گران به هنگام خواندن دعا به دور خود می‌کشند؛ گرچه در اشعار نظامی نیز به معنای لایه‌های افلاک آمده است (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۴۲۰).

۳. «تفسیر روایی اعداد در بنای کعبه»: در رسائل اخوان الصفا ماده اولی، چهار نسبت دارد و آحاد نه گانه‌ای ذکر می‌شود که احد اول آن حضرت حق است، دوم عقل که دارای دو قدرت است و پس از آن نفس که متصف به سه صفت است و پس از آن ماده اولی که مشتمل بر چهار نسبت است. همچنین در علم کیمیا، نقطه نماد یک (خالق)، خط نماد دو (عقل الهی)، مثلث نماد سه (نفس) و مربع نماد چهار و نیز طبایع چهارگانه، جهات چهارگانه، چهار باد، چهار ربع عالم، چهار فصل، چهار دروازه منتهی به دو دروازه اعتدال شب و روز و دو دروازه انقلاب تابستانی و زمستانی و نیز تقسیمات چهارگانه اصلی روز است. همچنین مکعب در همین نگره کیهان‌شناختی، نماد جسم، جهات ششگانه (بالا، پایین، عقب، جلو، راست و چپ) و نیز شش قوه حرکت است (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۴۱۹). بنابراین در کیهان‌شناسی اسلامی، مربع و مکعب، نماد کامل ماده و تجسم‌اند و به یک عبارت «مثلث، مربع و دایره اشکال صرف نیستند (بلکه) ذاتاً واقعیتهای را در بردارند که درک آن از راه تأویل، آدمی را به عالم مثال و سرانجام به حقیقت رهنمون می‌شود.» (اردلان، ۱۳۹۱، ص ۲۷). همچنین این دو ویژگی ذاتی مکعب و مربع (یعنی ایستایی و ثبات) آنها را مناسب‌ترین صورت برای برپایی بناهایی قرار می‌دهد که مقرر

است نماد ثبات باشند: «بنابراین پیدایش اقلیدسی هندسه از طریق خطوط، ۴ در حد صورتی ایستا مربع می‌گردد؛ به شرط گسترش و پویایی چلیپا می‌شود. مربع در حد ۴ یا مکعب در ۶، ایستاترین و بی‌جنبش‌ترین



تصویر ۷. دیاگرام بررسی نما، پلان و سازمان فضایی مسجد، مأخذ تصویر: کیانی، ۱۳۸۸.

شکل‌ها و نماینده متجسم‌ترین و ثابت‌ترین جنبه خلقت است. مکعب، از این رورمز یا نمادی به شمار می‌رود که در مقام تفصیل به زمین و در مقام اجمال به آدمی اشارت دارد. «مکعب انسان» باز نمودی نمادین است از ویژگی‌های ظاهری او (دستگاه مختصات جهات شش گانه) که میان او و زمین و آسمان‌ها مشترک است. پس شش وجهی (=مکعب) رمز یا نمادی از واپسین نمود است (در عالم سیارها، زمین، و در عالم تراب) انسان نماد والای این جهانی اسلام، نظر به اینکه کعبه معنای مکعب دارد» (اردلان، ۱۳۹۱، ص ۲۹).

۴. «تفسیر روایی کیهان شناختی کعبه»: خانه کعبه، در کیهان‌شناسی اسلامی، مرکز عالم محسوب می‌شود و یک ماندالای زنده است که در مرکزیت خود، کعبه را به عنوان نمادی از تجسم الهی و دوایر متحدالمرکز، پیرامون آن را هم چون نمادی از گردش آسمان به دور مرکز عالم، تداعی می‌کند. تلفیق این دایره و مربع که اصیل‌ترین پلان معبد قدسی در شرق (به ویژه در اسلام) است می‌تواند با حدیثی نبوی از پیامبر پیوند خورد؛ حدیثی که در آن پیامبر در شب معراج، گنبد عظیمی را (نماد دایره) مستقر بر چهارگوشی (نماد مربع) دیده بودند (بلخاری، ۱۳۹۰، ص ۴۲۰). بنابراین کعبه و مفاهیم نمادین آن، عاملی بسیار مهم در شکل‌گیری هندسه مقدس مبتنی بر دایره و مربع بود. الگوگرفتن مساجد اسلامی از کعبه و معماران مسلمان از طرح هندسی آن، بنیانی بر معماری مقدس در سرزمین‌های اسلامی گشت و در طول تاریخ مهندسانی را آفرید که اول و بالذات موحد و عارف و ثانی و بالعرض مهندس و معمار بودند، تأمل و بررسی فتوتنامه‌ها در تاریخ تمدن اسلامی، از تلفیق و تألیف عرفان و هندسه در گستره پهناور جهان اسلام به صراحت پرده برمی‌دارد (همان، ص ۴۲۱).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در زمینه بازخوانی روایی عرفان در متون ادبی آرمان‌شهر عرفانی مولانا و حکمت خالدیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شهر مولانا، نوعی تجلی کیهانی است که در پهنه خاک، تصویر و تجسیم یافته است؛ شهری است سرشار از

هر آنچه خوبی که بودن را نفی و شدن را ممکن می‌کند؛ حرکتی از «بودن معماری» (واقعیت معماری) به «شدن معماری» (حقیقت معماری) که تنها از طریق تجربه‌ای عرفانی و ادراکی روحانی ممکن می‌شود؛ ۲. همه نظم و زیبایی را در جهان می‌بینید و شر و شوری که در آن برپاست، برخاسته از کالبدی ظاهری و مادی این جهان نیست، بلکه جلوه‌های جمال خداوند فاتح الابواب است؛ ۳. پس عشق نسبت به ذات پروردگار که آن را قدیم اول باید خواند حادث و نسبت به هر پدیده دیگر قدیم است زیرا که عشق مایه به وجود آمدن جهان هستی و اجرای اراده قدیم اول و مبدأ کل است. دیرینگی عشق نسبت به عرفان این نکته را به اثبات می‌رساند که عرفان برآمده از عشق است؛ ۴. از دیدگاه در انسان عشقی هم هست که ناشی از ماهیت انسانی اوست و نه فقط در قیاس با عالم حیوانی بلکه در قیاس با عالم ملائک هم مایه امتیاز است و ناشی از نوعی دانش و شناخت است که شاید آن را معرفت باید خواند. دوری از معشوقی که جان نی را به فغان واداشته و از حسرت این فراق و سوز و داغ این جدایی چنان می‌نالند که هر صاحب ذوق را با خود و با درد خود همراه می‌کند. تنوع در مباحث گوناگون مثنوی باعث نمی‌شود که خواننده صاحب دل پی به این موضوع نبرد که زمینه اصلی تمامی این مباحث عشق است که مانند رشته‌ای آنها را به هم پیوسته است. حرکت به جهت مشخصی که همانا مبدأ هستی و عشق است، در تمام مثنوی مشهود است؛ ۵. مولوی پس از گفت‌وگو با شمس متقاعد شده است که در زیر شکل و قالب، دریای حقیقت وجود دارد که هر انسان مقدس، جامع و پیامبری آن را کشف کرده است. این دریای حقیقت به طور مرموزی سرچشمه رشد و تکامل انسان را در داخل ضمیر ناآگاه پنهان کرده است. مولوی معتقد است که خویشتن واقعی او یعنی آنچه پدرش یا محیط در او پرورش داده است، نیست بلکه آن چیزی است که عالم در او آفریده است. انسان پیوسته درباره دریای بزرگ و بی‌انتهایی که در قالب تن جا خوش کرده‌اندیشیده است؛ ۶. در آرمان‌شهر مولانا عشق را «پدیده نخست» می‌توان خواند. قدیم در برابر حادث و به معنی آنچه که برای پدید آمدن آن نتوان زمانی تعیین کرد، گفته می‌شود و حادث تمام پدیده‌های هستی



است، که برای پیدایی و زندگی آنان می توان آغازی تعیین کرد. عشق نیز نه به مفهوم عامیانه و محدودی که همگان از آن فهم می کنند بلکه به مفهوم برتر و گسترده تر، آن مایه و پایه استواری و ماندگاری جهان مادی و معنوی است و نیرویی است که هستی را به کمال جویی و حدوث تازه تر و کامل تر از ناقص برمی انگیزد.»

از سویی دیگر، معماری ایرانی نمادی از مفاهیم بهشتی است که عارف در مسیر خود و طی مسیر طریقت از آنها عبور میکند؛ چنانچه به عنوان مثال در هریک از اجزای این معماری، ضمن برخورداری از سلسله مراتب، یا به شکلی تداعی بخش مفهوم نمادین بهشت است و یا تعبیری از مسیر و منازل به سوی بهشت را ارائه می دهند. مجموعه ای این بناها در کلیتی معناشناختی، طرح نسبتاً پچیده اما قابل تأویلی از یک روایت عرفانی را خلق می کند. این روایت از عناصر معناداری تشکیل شده است که در نگاه نخست مجزا از هم به نظر می رسند ولی دارای مفهوم نمادین در بستر معنایی خود است. سالک از منزل اول به منزل نهایی گام برمی دارد که در مابین معماری آن در شهر می توان به نمودار تحلیل زیر در استخوان بندی شهر اصفهان اشاره کرد. در محدوده استخوان بندی اصلی شهر ایرانی - اسلامی (خاصه شهر اصفهان) و مجموعه های آن، انواع بافت های شهری اعم از بافت پیوسته و ریزدانه بازار، بافت درون گرای ابنیه با فضاهای باز محصور و بافت برون گرا به صورت احاطه ای بناها با باغ ها و وجود داشته است. بافت کوچک اندازه ای بازار به طور پراکنده با بافت بزرگ اندازه سراها و تیمچه ها ترکیب می شود. بافت عناصر اصلی (مسجد، بازار و...) الگویی گرا و بافت حکومتی الگویی برون گرا داشته که توسط باغها احاطه شده است.

الف - شبکه راه ها و دسترسیها (مفهوم مسیر و راه در سلوک عرفانی): در شهرهای اسلامی ایران راه ها و دسترسیها یادآور مسیر سلوک عرفانی بوده اند؛ در عین حال که دسترسی اصلی به تمام ابنیه مهم از چند محور اصلی ارتباطی که خود نیز جزئی از استخوان بندی اصلی شهر هستند، تأمین شده، گرچه برخی از عناصر (مسجد، بازار و...) به لحاظ ضرورت دسترسی گسترده از تمام نقاط سطح شهر، دارای دسترسی های فرعی و متعدد

بوده اند. به علت قرارگرفتن دروازه های شهر در انتهای راه های اصلی از یک سو و واقع شدن عناصر و ابنیه مهم شهری بر روی این محورها از سوی دیگر، دسترسی از خارج شهر و نواحی مختلف آن به محدوده استخوان بندی اصلی شهر غالباً به طور مستقیم و با سهولت ممکن بوده است. وجود میدان های بزرگ و الگوی سازمان فضایی ابنیه ی مهم شهر در پیرامون آن، موجب شکل گیری یک الگوی شعاعی از شبکه ی راه های اصلی و فرعی شهر به مرکزیت میدان مذکور شده است.

ب- فضای باز شهری (مکان انکشاف ذات و خودشناسی عرفانی): در استخوان بندی شهر فضاهای باز شهری به چند صورت اصلی وجود داشته است. شکل مهمتر آن میدانهای اصلی و مرکزی شهر بوده که به عنوان عاملی برای انتظام عناصر در پیرامون آن اهمیت می یابد. این فضاها اغلب دارای الگوی کالبدی منظم و هندسی بوده اند. حالت دیگر، فضای باز و سبز خطی است که به صورت چهارباغ طراحی شده و یک انتظام خطی از عناصر را امکان پذیر می سازد. یک فرم دیگر فضای باز و سبز حاشیه ی رودخانه بوده است که در ترکیب با عناصر شهری، بخشی از استخوان بندی شهر می شود. نوع دیگری از فضای باز، فضای باز متعلق به عناصر و ابنیه عمومی است که عمدتاً در انطباق با الگوی درون گرای بافت شهری با ابنیه محاصره شده است. فضای باز به صورت میادین در دل مجموعه های بافت شهری جایگزین می شوند. غیر از فضاهای باز و سبز عمومی، انواع فضاهای باز شهری نقش یک عامل ارتباطی را نیز به عهده می گیرند.

ج- اجزای کارکردی (سیر از دنیای مادی به معنوی؛ از بازار تا مسجد جامع): هریک از مجموعه های شهری تشکیل دهنده استخوان بندی اصلی شهر دارای اجزای کارکردی متنوع می باشند. این کارکردهای متنوع شامل مذهبی - فرهنگی مثل مساجد، مقابر و مدارس علمیه و... مبادلات تجاری مثل بازار، کاروانسرا و سراها، تیمچه ها، قیصریه و غیره هستند. عملکرد حکومتی و دیوانی، مثل کاخ ها، کاربریهای خدماتی مثل آب انبار و حمام، قهوه خانه ها و مهمان خانه ها، بیمارستان و کاربری های گذران اوقات فراغت که محل گرد هم آیی مثل میادین و

فضاهای باز شهری را شامل می‌شده‌اند، نیز جزء دیگر کاربریهای استخوان‌بندی اصلی شهر بوده‌اند.

د- ترکیب و همجواری کارکردها: در هر یک از هسته‌ها یا مجموعه‌های شهری، کاربری‌های متنوع و متعدد جمع می‌شوند. در انتظام کارکردی عناصر شهری، سلسله مراتب وجود داشته، بناهای مهم به دور میدان شهر و عملکردهای رده دوم در جداره محور بازار شکل گرفته‌اند. کارکردهای مختلف مثل حکومتی و اداری، مبادلات تجاری، فرهنگی و مذهبی یا ترابری عمومی دارای حوزه‌های مجزا اما مجاور و متمرکز بوده‌اند. در الگویی که سازمان دهی مرکزی در مجموعه وجود داشته، پیرامون میدان، حوزه‌های مختلف عملکردی در اضلاع مختلف آن به وجود آمده و هرکدام از این حوزه‌ها دارای یک درگاه یا فضای رابط با میدان به عنوان معرفی کننده حوزه عملکردی پشت سر بوده است. احداث یا توسعه عملکردهای مختلف شهری و عناصر ویژه آن در استخوان‌بندی اصلی شهر، تحت تأثیر نقش شهر در هر دوره از حیات آن بوده است. در مقاطعی که مرکزیت سیاسی مطرح می‌شده، مجموعه بناهای حکومتی جدید شکل می‌گیرد و در مقاطعی که بازرگانی اهمیت بیشتری می‌یابد، رشد بازار و کاروانسراها بارز می‌شود.

ه- ویژگی‌های فضایی و بصری (از کثرت تا وحدت در مراتب عرفانی): ایجاد یک فضای هندسی، منظم و وسیع که با مشخصه‌های متمایز کننده طراحی می‌شود، به عنوان فضایی ویژه و هویت بخش «نمادین» در استخوان‌بندی اصلی شهر معرفی می‌شود. وجود فضاهای باز شهری وسیع (میادین) به ایجاد فضاهای متباین منجر می‌شود. سازمان فضایی انواع بافت‌های شهری و الگوی ترکیب آن‌ها با یکدیگر به ایجاد تنوع فضایی و ارتقای کیفی آن منجر می‌شود. برای تأکید بر فرم هندسی میادین و محورهای متقاطع با آن، عناصری شهری مهم در محورهای اصلی آن قرار گرفته‌اند. در سلسله مراتب عبور از فضاهای استخوان‌بندی شهر، تنوع فضایی از نظر اندازه، کیفیت فضایی و محصوریت وجود داشته است. بدنه سازی منظم با جزء فضاهایی که دارای معماری خاص و تزئینات شکیل است، به نمایانی اهمیت بنا و فضا افزوده است.

و- هماهنگی فرمها و فعالیتها: بین فرم ساختار کالبدی و نوع فعالیت قسمتهای مختلف استخوان‌بندی شهر، هماهنگی وجود داشته است. فعالیت‌های تجاری در بخش خصوصی، ضرورت کوچک اندازه و فشرده را در مجاورت هم ایجاد می‌کرده است. فعالیت‌های مذهبی- فرهنگی با توجه به ضرورت تجمع بیشتر جمعیت، از گشادگی فضا و وسعت اندازه برخوردار بوده است. میادین وسیع چه به لحاظ قابلیت‌های بصری متمایزکننده و چه به لحاظ فراهم آوردن فضایی وسیع و نیز القای عظمت حکومت احداث کننده، هماهنگی فرم را با فعالیت و سیاست احداث آن به نمایش می‌گذارد.

ز- رشد و توسعه استخوان‌بندی اصلی شهر: بعد از شکل‌گیری هسته اولیه استخوان‌بندی شهر در محل مناسب جغرافیایی و ارتباطی، توسعه ستون فقرات شهر به سمت عنصر طبیعی بارز منطقه، یعنی رودخانه صورت می‌گیرد. سپس این عنصر شاخص طبیعی به آن ملحق شده و خود جزئی از عناصر استخوان‌بندی شهر شده و در مراحل توسعه بعدی، رودخانه به صورت محوری مهم و عمود بر راستای محور حرکت اصلی شهر درمی‌آید. برای توسعه ستون فقرات شهر به منزله محور اصلی، محور جدید در راستای آن ولی با تغییر مکان ایجاد می‌شود. بدین ترتیب مجموعه جدید هم جوار با محور جدید که در امتداد محور قدیمیتر است، واقع می‌شود. وجود و تفوق یک محور تعریف شده در استخوان‌بندی اصلی و قدیمی شهر و تداوم آن در مراحل توسعه بعدی، آن را تقویت نموده و رشد شهر را هدایت و جهت آن را تعیین می‌نماید.

منابع و ماخذ

۱. آپهام پوپ، آرتور (۱۳۶۶) معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، نشر انزلی، ارومیه.
۲. آشتیانی، سید جلال الدین (۱۳۷۵) شرح مقدمه‌ی قیصری بر فصوص الحکم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳. آشتیانی، سید جلال الدین، (۱۳۸۱) تعلیقات بر رسائل قیصری، تهران، موسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران.
۴. آملی، سید حیدر (۱۳۶۴) نقد النقود فی المعرفة



- الوجود، ترجمه و تعلیق سید محمد طبیبیان، انتشارات اطلاعات، تهران.
۵. آنتونیاداس، آنتونی. سی (۱۳۸۱) بوطیقای معماری، ترجمه احمدرضا آی، سروش، تهران.
۶. ابن عربی، للشیخ الاکبر محی الدین (۱۳۸۰) فصوص الحکم و التعليقات عليه، ابوالعلاء عقیفی، ج ۲، تهران، الزهراء.
۷. ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۰۵-۱۴۱۰) فتوحات مکیه، ج ۱۴، تصحیح عثمان یحیی، قاهره، هیئتهای المصریه، العامه ی الکتاب.
۸. ابوالقاسمی، لطیف (۱۳۸۴) هنر و معماری اسلامی ایران، به کوشش علی عمرانی پور، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۹. اردلان، نادر (۱۳۷۴) معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر، آبادی، شماره ۱۹، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۱۰. اردلان، نادر، لاله بختیار (۱۳۷۹) حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه ی حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاک.
۱۱. الاسعد، محمد (۱۳۷۶) کاربردهای هندسه در معماری مساجد، محمد الاسعد، ترجمه سعید سعیدپور، فصلنامه هنر، شماره ۳۳، ویژه نامه مسجد، تابستان و پاییز.
۱۲. اعتضادی، لادن (۱۳۷۷) نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان نشین، نشریه صفا، سال هشتم، شماره ۲۶، بهار و تابستان.
۱۳. اعوانی، غلامرضا، پیوند معماری سنتی با حکمت (ویژگی های معماری سنتی و تفاوت آن با معماری مدرن در گفت و گو با غلامرضا اعوانی)، ماهنامه علمی و تخصصی اطلاعات، حکمت و معرفت، دفتر مام، شماره ۹، ۱۳۸۰.
۱۴. اهری، زهرا، محسن حبیبی (۱۳۷۷) معماری شهری مسجد در مکتب اصفهان دستور زبان و واژگان، نشریه صفا، سال هشتم، شماره ۲۶، بهار و تابستان.
۱۵. بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸) مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، تهران، انتشارات سوره ی مهر.
۱۶. بلخاری قهی، حسن، مقاله «نسبت میان صناعت و طبیعت در لوا مع الاشراف جلال الدین دوانی و نسبت آن به نظریه میمسس در فلسفه هنر»، مجموعه مقالات گرد همایی بین المللی مکتب شیراز، فرهنگستان هنر، ۱۳۷۸.
۱۷. بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۳) جاودانگی و هنر، ترجمه سید محمد آوینی، برگ، تهران.
۱۸. بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵) هنر اسلامی (زبان و بیان)، ترجمه مسعود رجب نیا، سروش.
۱۹. بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۶) هنر مقدس، اصول و روشها، ترجمه ی جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش.
۲۰. بهشتی، سید محمد (۱۳۷۵) تأویل معماری مسجد با تأملی در مناسک حج، مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد چهارم، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۲۱. پورمند، حسن علی، محمدرضا پورجعفر، رضا اکبریان، مجتبی انصاری (۱۳۸۶) رویکرد اندیشه ای در تداوم معماری ایران، نشریه صفا، شماره ۴۵، سال شانزدهم، پاییز و زمستان.
۲۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۱) آشنایی با معماری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۲۳. ثقه الاسلام کلینی (بی تا) اصول کافی، جلد اول، انتشارات علمیه اسلامی.
۲۴. توسلی، محمود (۱۳۷۲) طراحی فضای شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
۲۵. جامی، عبدالرحمن، (بی تا) اشعه اللمعات، تهران، انتشارات حامدی.
۲۶. حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۷۵) هندسه پنهان در نمای مسجد شیخ لطف الله، نشریه صفا، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان.
۲۷. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵) مکتب اصفهان، اعتلاء و ارتقاء مفهوم دولت، نشریه صفا، شماره ۲۳.
۲۸. حداد عادل غلامعلی (۱۳۸۶) ارزش ادبی مکتوبات مولانا، نامه فرهنگستان، سال ۵، شماره ۳.
۲۹. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۶۶) یازده رساله به فارسی (مقاله مطالب ریاضی، باب معنی هندسه و خلق و

- قدر)، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۳۰. خوارزمی، تاج‌الدین حسین ابن حسن (۱۳۶۸) شرح فصوص الحکم، ج اول، تهران، انتشارات مولی، چاپ دوم.
۳۱. ذکری، امیرحسین (۱۳۷۹) مقاله «تجلی ماندالا در معماری و موسیقی سنتی ایران»، نشریه هنرنامه، شماره ۸، سال سوم.
۳۲. ستاری، جلال (۱۳۶۶) رمز و مثل در روانکاوی، چاپ اول، تهران انتشارات توس.
۳۳. ستاری، جلال (۱۳۷۳) مدخلی بر رمز شناسی عرفانی، ج ۱، تهران، نشر مرکز.
۳۴. سهروردی، شیخ شهاب‌الدین یحیی (۱۳۷۷) حکمه الاشراق، ترجمه‌ی سید جعفر سجادی، دانشگاه تهران، تهران.
۳۵. شریعت زاده، یوسف (۱۳۷۴) اعتدال میان سنت و نوآوری، آبادی، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۷۴.
۳۶. شولتز، کریستیان نورنبرگ (۱۳۸۷) معنا در معماری غرب، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدی، فرهنگستان هنر، تهران.
۳۷. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، دوره چهارم، جلدی، جامعه مدرسین قم، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۳۸. صدرالمتألهین، صدرالدین محمد (۱۳۶۰) الشواهد الربوبیه، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، نشر دانشگاهی.
۳۹. صدرالمتألهین، صدرالدین محمد (۱۳۶۲) رسائل فلسفی، المسائل القدسیه، تصحیح و تعلیق سید جلال آشتیانی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۰. صدرالمتألهین، صدرالدین محمد (۱۳۶۸) اسفار اربعه، ج ۹، چاپ دوم، قم، مکتبه‌ی المصطفوی.
۴۱. طریقی، سیدمحمد (۱۳۷۶) ویژگی‌های معماری مساجد اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۳۳، ویژه‌نامه مسجد.
۴۲. عراقی، جمال‌العارفین فخر‌الدین (۱۳۶۳) لمعات، مقدمه و تصحیح محمد خواجوی، چاپ اول، تهران، انتشارات مولی.
۴۳. فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۱) ریشه‌ها و گرایش‌های نظری در معماری، نشر فضا، تهران.
۴۴. القاشانی (کاشانی) کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۷۰) اصطلاحات صوفیه، انتشارات بیدار، چاپ دوم، تهران.
۴۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱) قاموس قرآن، ج ۲، دارالکتب الاسلامی.
۴۶. قیصری، داود بن محمد (۱۳۶۳) شرح فصوص الحکم، فص شععی، قم، انتشارات بیدار.
۴۷. کرین، هانری (۱۳۷۲) عالم مثال، ترجمه‌ی سید مرتضی آوینی، مجله‌نامه‌ی فرهنگ، سال سوم، شماره‌ی ۲ و ۳.
۴۸. کرین، هانری (۱۳۸۳) ارض ملکوت، ترجمه‌ی ضیاء‌الدین دهشیری، تهران، طهوری.
۴۹. کرین، هانری (۱۳۸۷) ارض ملکوت، ترجمه ضیاء‌الدین دهشیری، نشر طهوری، چاپ چهارم، تهران.
۵۰. کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۸) معماری ایران دوره اسلامی، سمت، تهران.
۵۱. گزیده غزلیات شمس (۱۳۵۲) به‌کوشش دکتر شفیع کدکنی، انتشارات حبیبی، تهران.
۵۲. لاهیجی، شیخ محمد (۱۳۶۸) مفاتیح العجاز فی شرح گلشن راز، تهران، انتشارات کتابفروشی محمودی.
۵۳. لرزاده، حسین، (۱۳۸۴) احیاء هنرهای از یاد رفته، به کوشش حسین مفید و مهناز رئیس زاده، تهران، انتشارات مولی.
۵۴. للشیخ‌الاکبر محی‌الدین ابن عربی (۱۳۷۰) فصوص الحکم و التعليقات علیه، ابوالعلاء عقیفی، ترجمه حکمت، ج ۲، الزهراء، تهران.
۵۵. مفید، حسین (۱۳۸۵) نقش و نقش‌نقشبند در معماری ایرانی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی عرفان، اسلام، ایران و انسان معاصر، گردآوری و تدوین: شهرام پازوکی، تهران، انتشارات حقیقت.
۵۶. مهدوی، شهرزاد (۱۳۷۵) بنیانگذاری و طرح ریزی شهرهای اسلامی، مجله آبادی، ویژه شهر اسلامی، شماره ۲۲.
۵۷. مهدوی‌نژاد، محمد جواد (۱۳۸۳) حکمت معماری اسلامی (جستجو در ژرف ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹.
۵۸. میرمیران، هادی (۱۳۷۵) از معماری گذشته چه درسی می‌توان گرفت، آبادی، شماره ۲۳، وزارت مسکن و

شهرسازی، تهران.
۵۹. نجیب اغلو، گل‌رو (۱۳۷۹) هندسه و تزیین در معماری
اسلامی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، چاپ اول،
روزنه.
۶۰. نصر، سید حسن (۱۳۸۴) تحفه‌های آن جهانی،
(مجموعات مقالات) به‌کوشش علی‌دهباشی، انتشارات
سخن، چاپ دوم.



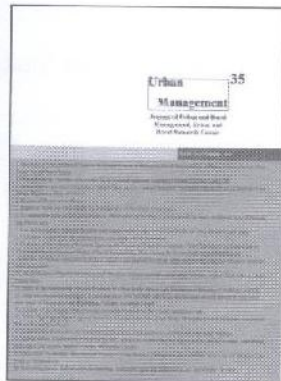
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۳۰۴

Urban

Management

A Quarterly Journal of Urban
Management and Planning
Vol. No. 35 Summer 2014



The Urban and Rural
Research Center

Address: No. 17, Shahid Naderi
St., Keshavarz Blvd, Vali-e-Asr sq.,
Tehran, Iran

Tel: 88976651-88986382-
88966239

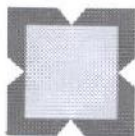
Fax: 88977918

Urban Research Center:

Address. As above, North Forth
Floor

Tel: 88977919

Ministry of Interior



Iran Organization Of Municipality
and Rural Managers The
Cultural, Informative and
Publications Institute

<http://www.imo.org.ir>

License Holder: The Iranian Municipalities Organization (I.M.O)

Managing Director: Hamidreza Ershadmanesh

Editor-in-chief: Mohammadreza Bemanian

The Editorial Board:

Aminzade, Behnaz. Associate Prof, Environmental Studies
Department, Tehran University

Asgari, Ali. Associate Prof, Management Studies Department,
York University of Canada

Azizi, Mohammad Mahdi. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Behzadfar, Mostafa. Assistant Prof, Architecture and Urban
Planning Department, Elm-o-san'at University of Iran

Bemanian, Mohammadreza. Associate Prof, Art and
Architecture Department, Tarbiat Modares University

Diba, Darab. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran University

Etesam, Iraj. Prof, faculty of fine art, Tehran University

Farhangi, Ali Akbar. Prof, Management Department, Tehran
University

Ghafari, Ali. Prof, Architecture and Urban Planning Department,
Shahid Beheshti University

Golabchi, Mahmood. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Latifi, Gholamreza. Assistant Prof, Social Sciences Department,
Allameh Tabatabayee University

Mirsepasi, Nasser. Prof, Management and Economy
Department, Azad University of Tehran

Naghizade, Mohammad. Assistant Prof, Art and Architecture
Department, Azad University of Tehran

Pourjafar, Mohammadreza. Prof, Art and Architecture
Department, Tarbiat Modares University

Sedigh Sarvestani, Rahmatallah. Prof, Social Sciences
Department, Tehran University

Tavosi, Mahmood. Prof, Art and Architecture Department,
Tarbiat Modares University

Editorial manager: Mahmoudinedjad, Hadi, Phd, scholar; Tarbiat
Modares University

Editorial Administrator: M. Shahryari

Editorial Committee: O. Ahadion, E. Taherimehr,

English Editorial: M. Heidarolad

- Papers submitted for publication should describe original work not previously published.
- Papers presented at a scientific meeting should be accompanied by particulars of the Meeting.
- Manuscripts may be submitted in English, and should be written according to sound grammar and proper terminology, irrespective of the language, the paper should be accompanied by both English and Persian abstracts.
- Manuscripts should be typed on one side of the A4 paper, with double spacing and 3 cm margin at each side submitted in triplicate.
- The first page of the paper should only contain the title, name(s), degree(s) and address of the author(s), and the source(s) or financial support for the study, if applicable.
- The text should include: title, 3-5 keywords, abstract, introduction, materials and methods, results and discussion, acknowledgment if any, and reference.
- The English and Persian abstracts for each paper submitted on two separate pages and inclusive of all information requested under item 4, should not exceed 20 lines.
- Tables, in limited numbers, should be submitted on separate with the captions placed above.
- Figures and graphs (only in black and white) in limited numbers, are accepted only if they are of high quality art work and mounted on separate pages with the legends placed below.
- The same data should not be presented in both tables and figures, and their suggested place should be clearly marked on the margin of the text.
- References alphabetically arranged by the author's name, and in sequential numbers, as will be referred to in the text, should include the following information: name of the author(s), year of publication, title, name, of the journal (as abbreviated by index medicus), volume number and page number. With regards to books, the edition, name and address of the publisher should replace the name and volume number of journal.
- Short communication and case reports should, when possible, follow the same be ordered in advance.
- The sole responsibility for the views and statement expressed in the article remains only with the author(s).
- Editors of the journal reserve the journal reserve the right accept or reject any article, as necessary.

Urban Management

35

Journal of Urban and Rural
Management, Urban and
Rural Research Center

Vol.13 No.35 Summer 2014

1. The Role of Participation of Users in the Design Process in Achieving Social Sustainability in House Industry in Iran; Case Study: Parand Town-Tehran
2. Determining the Priorities of the Areas Fit for Cultural-historical Tourism of Isfahan Province Using GIS
3. Rehabilitation and Reconstruction of Tabriz Alleys in City Council Members Viewpoint with SERVQUAL Method (Case Study: Maghsodie Alley of Tabriz)
4. Review of Utopias areas Nizami
5. Impact of Electronic Municipality on Transparency of Municipal Performance
6. A Comparative study on functional diversity effectiveness on residential satisfaction (Case study: residential areas of Narmak and Tehran pars)
7. The Environmental Aesthetic Elements and Aspects of the Urban Form; Case Study: the Main Structure of Esfahan
8. Evaluation of quality of life in urban areas; case study: city of Neyshabur
9. Evolution of State- Society Relations Types in the Process of Urban Development: From Dependency to Empowerment
10. Compilation the Structural Model of Social Sustainability Place Factors By Factor Analysis and Path Analysis
11. Review of strategic management plans to improve and upgrade the urban tissue and provide a superior model in interventional procedures
12. The Evaluation of Spatial distribution and allocation of urban medical centers using Network Analyst Model (A case study Zanjan city)
13. Study of the Relationship between Placeness of Urban Public Spaces with Perception of Integrity of Buildings and City
14. Structural-functional evolutions of rural spaces in Iran and their effects on development of rural texture in rural areas, a case study of Javanmardi and Baghbehzad Villages, Lordegan County
15. A Study of the Effect of organizational citizenship behavior on the Clients satisfaction rate
16. A New Typology of Spatial Spread Genesis in Metropolitan Areas (Case Study: Metastatic Growth in Eastern Corridor of Tehran Metropolitan Area)
17. Evaluate the effectiveness of citizen participation in the implementation of electronic case study: Semnan
18. Spatial effects of labor force flow from the rural settlements to the industrial region and its relation to rural - agricultural servicing (Case: Javid-E-Mahori Villages, Mamasani County)
19. Green Roof Technology Development Strategies Using Strategic Management Tools (SWOT Matrix and IE Matrix): Case Study of Mashhad city
20. Refreshing Islamic Sufism symbolic meanings in narrative texts and reflection on the spatial fabric of cities